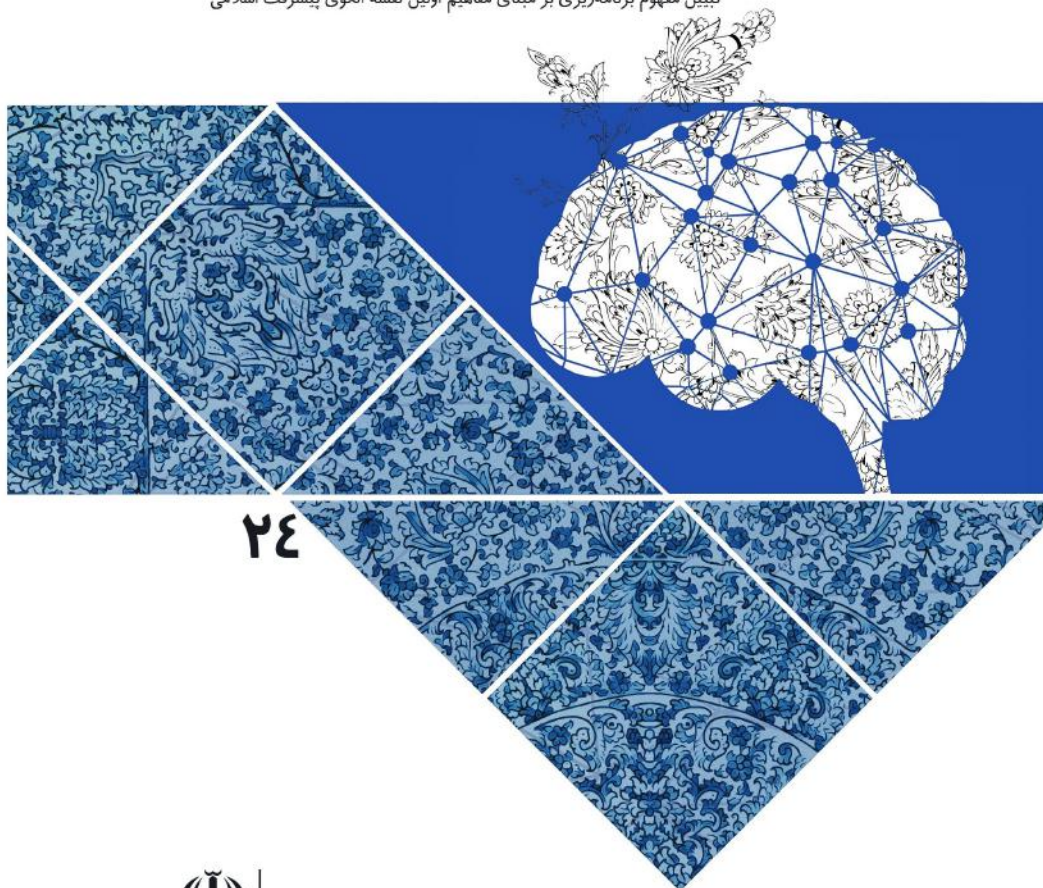


برنامه ریزی

جلد اول

برنامه ریزی

تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی



۲۴ (جلد اول)

برنامه‌ریزی

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



بخشنامه

موضوع اصلی «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» ملاحظه نسبت بین دو چیز است؛ ملاحظه‌ی نسبت بین «اخلاق، اعتقادات و فهم جامعه از دین» و «نظم اجتماعی». اگر کسی بین این دو مسأله - یعنی بین اخلاق جامعه و نظم اجتماعی - رابطه‌ای را نبیند، به صورت طبیعی بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در ذهن او موضوعیت پیدا نمی‌کند؛ ولی اگر کسی بین این دو موضوع ارتباط برقرار کند، به صورت طبیعی بحث الگوی اداره جامعه در ذهن او به یک مسأله‌ی اصلی تبدیل خواهد شد.



شورای عالی جمهوری اسلامی
پیشرفت اسلامی

دوره ۴۰ جلسه‌ای (یکم اول)
۱ لغایت ۱۲ آبان ۱۳۹۵

مباحث دوران تحلیل ذهنی

تهران: دانشگاه صنعتی شریف

ضدیت نظام برنامه‌ریزی با هویت اسلامی

دلیل مخالفت الگوی پیشرفت اسلامی با نظام برنامه‌ریزی فعلی

برای پاسخ به این سوال باید به یک سوال ریشه‌ای‌تر پاسخ داد: چه ارتباطی میان نظام‌های اجتماعی و دین‌داری مردم وجود دارد؟

دیدگاه اول: عدم وجود ارتباط میان نظام‌های اجتماعی و دین‌داری

دیدگاه دوم: اثرگذاری مستقیم نظام‌های اجتماعی بر دین‌داری مردم

لزوم تغییر نظام برنامه‌ریزی فعلی به دلیل اثرات بسیار خطرناک این نظم بر هویت شیعی و دین‌داری مردم

لزوم تغییر نظام برنامه‌ریزی به دلیل ضدیت آن با هویت شیعی و اسلامی

وضعیت نظام برنامه‌ریزی فعلی

نظم کلان توسعه غربی

تعدیل کلان تمام بخش‌های جامعه حول بخش اقتصاد: نظم کلان توسعه غربی

تعدیل نظم آموزشی

لزوم انتقال مفاهیم مورد نیاز بخش اقتصاد توسط نظام آموزش و پرورش

تعدیل نظم تقنینی

قوانین باید تسهیل‌کننده بخش خدمات و تولید باشند

تعدیل فرهنگ

تقلیل نقش زنان از جایگاه مادری به نیروی کار ارزان‌قیمت

تعدیل فرهنگ عاشورا و هیبت من‌الله به منظور تعامل با کفر و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

تلاش برای بی‌عیب جلوه‌دادن تجرد بانوان

تعدیل و اصلاح قرأت دینی

تحریف آیه ارض الله واسعة و مرتب‌کردن آن به ملائکه و تعامل با کفر به منظور رونق اقتصادی

نظم اقتصادی

نظم اقتصادی از سه حیث هویت اسلامی را به چالش می‌کشد

تجمع سرمایه

در اقتصاد سرمایه‌داری تجمع سرمایه به محوریت تحریک حرص است و تحریک حرص منجر به گسترش کفر در جامعه می‌شود

مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی

روابط انسانی به محوریت سود سرمایه‌دار است و در بنگاه‌های تولیدی میان کارگران و کارفرما تعارض منافع دائمی وجود دارد و جامعه به سمت نزاع و کشمکش حرکت می‌کند.

اصل خطرناک رقابت

اصل رقابت منجر به محدود شدن فکر انسان‌ها به حوزه اقتصاد می‌شود

نظم آموزشی

اصلی‌ترین اشکال نظم آموزشی این است که خود را متکفل آموزش‌های مرتبط با بخش خدمات و تولید می‌داند و برای انتقال این مفاهیم نیز ارزش‌مندترین دوران زندگی انسان‌ها یعنی دوران تربیت و تزکیه را انتخاب کرده است. در نتیجه فرصتی برای تربیت و تزکیه افراد جامعه و دین‌داری کردن آنها باقی نمانده است.

نظم قانون‌گذاری

نظم قانون‌گذاری به دو دلیل ضد هویت اسلامی عمل می‌کند

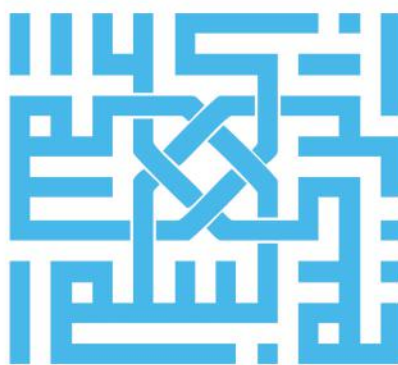
قوانین وضع‌شده در قانون‌گذاری مدرن به غرض پهنه روابط انسانی نیستند، بلکه به دنبال رفع رونیایی معضلات و مشکلات هستند

ماهیت قانون و الزام مکرر افراد موجب به چالش کشیدن اختیار آنها می‌شود و به چالش کشیدن اختیار نیز موجب رکود فکری انسان‌ها می‌گردد

نظم قضائی

نظم قضائی نیز با وضع مجازات افراد را مجبور به رعایت قوانین جبر محور می‌کند و در نتیجه اختیار انسان‌ها را به چالش کشیده و فکر آنها را مورد حمله و هجوم قرار می‌دهد.

تبیین مفهوم برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی
 ۱ آبان لغایت ۱۲ آبان ۱۳۹۵
 دوره‌ی ۴۰ جلسه‌ای (دهه اول)
 شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی
 www.nro-di.blog.ir



شناسنامه

عنوان دوره

تبیین مفهوم برنامه‌ریزی
از منظر اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی

ارائه دهنده

حجت‌الاسلام‌والمسلمین کشوری

تدوین‌گر

سجاد حسن‌زاده

تاریخ برگزاری دوره

۱ لغایت ۱۲ آبان ۱۳۹۵

مکان برگزاری

دانشگاه صنعتی شریف

حاضرین در دوره

کارشناسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

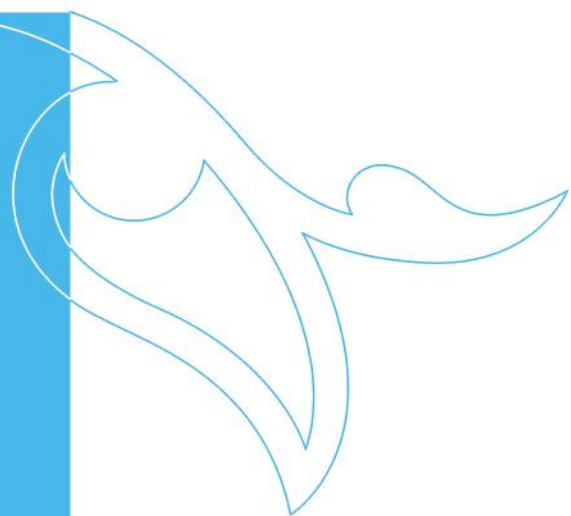
مشخصات اثر

۱۷۸ صفحه (قطع رحلی)

تاریخ انتشار

اردیبهشت ۱۳۹۶

ویراست اول



فهرست اجمالی



جلسه اول	۱
لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری نظامات اجتماعی بر روی دین‌داری مردم و تکامل هویت شیعی	
جلسه دوم	۲۳
تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد؛ نظم کلان توسعه غربی برای اداره جامعه و ضدیت این نظم با هویت شیعی	
جلسه سوم	۴۹
تبیین ضدیت نظم کلان جریان توسعه‌گرا با هویت اسلامی و فریب‌کاری جریان توسعه‌گرا برای غافل کردن نیروهای انقلاب از این نظم خطرناک	
جلسه چهارم	۷۵
تبیین ضدیت نظم کلان جریان توسعه‌گرا با هویت اسلامی و فریب‌کاری جریان توسعه‌گرا برای غافل کردن نیروهای انقلاب از این نظم خطرناک	
جلسه پنجم	۹۵
محدود کردن تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط به بخش اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی افراد جامعه	
جلسه ششم	۱۱۳
اشغال سن تربیت؛ دلیل اصلی ضدیت نظم آموزشی مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی	
جلسه هفتم	۱۳۳
لزوم طی پنج دوره برای تربیت و تزکیه افراد جامعه و لزوم پشتیبانی نظام آموزشی از این دوره‌های تربیتی	
جلسه هشتم	۱۵۳
عدم بهینه روابط انسانی و تلاش برای حل معضلات به صورت روبنایی؛ مشکل اصلی نظام قانون‌گذاری فعلی	
جلسه نهم	۱۷۱
عدم امکان آموزش قوانین، تعارض قوانین و ضدیت اجبار نمودن افراد با فطرت انسانی؛ سه دلیل ضدیت قانون‌گذاری ۱۰۸ ساله‌ی مدرن ایران با بهینه شدن روابط انسانی	
جلسه دهم	۱۹۱
الزام کردن دوباره‌ی افراد از طریق وضع مجازات برای تخطی از قانون‌های مدرن ضد فطرت؛ اشکال نظام قضائی مبتنی بر توسعه غربی	
پیوست‌ها	۲۱۳

توضیح اجمالی



یکی از موضوعاتی که ذهن بسیاری از نخبگان جامعه را به خود مشغول کرده مسأله برنامه‌ریزی و نظام برنامه‌ریزی کشور است؛ در واقع به دلیل تأثیرات همه‌جانبه و شگرفی که نظام برنامه‌ریزی در اداره بخش‌های مختلف کشور دارد، تعیین چگونگی برنامه‌ریزی و روش برنامه‌ریزی موضوعی بسیار مهم جلوه می‌کند.

اما از منظر الگوی پیشرفت اسلامی نظامی که در حال حاضر در جامعه ایران اجرا می‌شود، نظامی ناکارآمد است که باید دچار تغییرات بنیادین شود؛ زیرا نظم فعلی که ریشه‌های عمیق در تفکرات توسعه‌ای دارد، ضد هویت اسلامی و شیعی مردم ایران عمل است.

نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه از دو بُعد کلان و بخشی هویت اسلامی را مورد هجوم قرار داده و دین‌داری مردم را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. اما نظم کلان توسعه غربی چیست؟ جریان توسعه‌گرا در دیدگاه کلی خود معتقد به تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است. در واقع از منظر این جریان، اقتصاد محور اصلی جامعه است و تمام بخش‌های جامعه از قانون‌گذاری و فرهنگ گرفته تا حتی قرائت دینی باید به نفع بخش اقتصاد تغییر هویت داده و اصلاح شود.

به عنوان مثال از منظر جریان توسعه‌گرا آموزش و پرورش خوب، آموزش و پرورش است که مفاهیم مورد نیاز بخش خدمات و تولید را به دانش‌آموزان منتقل کند. همچنین از منظر جریان توسعه‌گرا فعالیت‌های فرهنگ‌محور مانند نگاه به زنان به عنوان مادران و سازندگان آینده جامعه و یا ادبیات هیئات من الذلة باید به نفع اقتصاد تعدیل شوند.

اما برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه توسط نظم‌های بخشی خود نیز هویت اسلامی را مورد هجوم قرار می‌دهد. به عنوان مثال یکی از نظم‌های بخشی جریان توسعه‌گرا، نظم اقتصادی است. اقتصاد مبتنی بر توسعه هویت اسلامی را از سه ناحیه به چالش می‌کشد. مدل تشکیل سرمایه در این نوع اقتصاد منجر به تحریک حرص افراد جامعه و در نتیجه گسترش کفر می‌شود. مدل مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی، موجب ایجاد نزاع دائمی میان طبقه کارگر و کارفرما می‌شود و در نتیجه جامعه همواره دچار درگیری دائمی میان اعضای خود خواهد بود. اصل رقابت نیز سومین بخش است که هویت اسلامی را از طریق نابودکردن فکر انسان و محدود نمودن آن به حوزه اقتصاد به چالش می‌کشد.

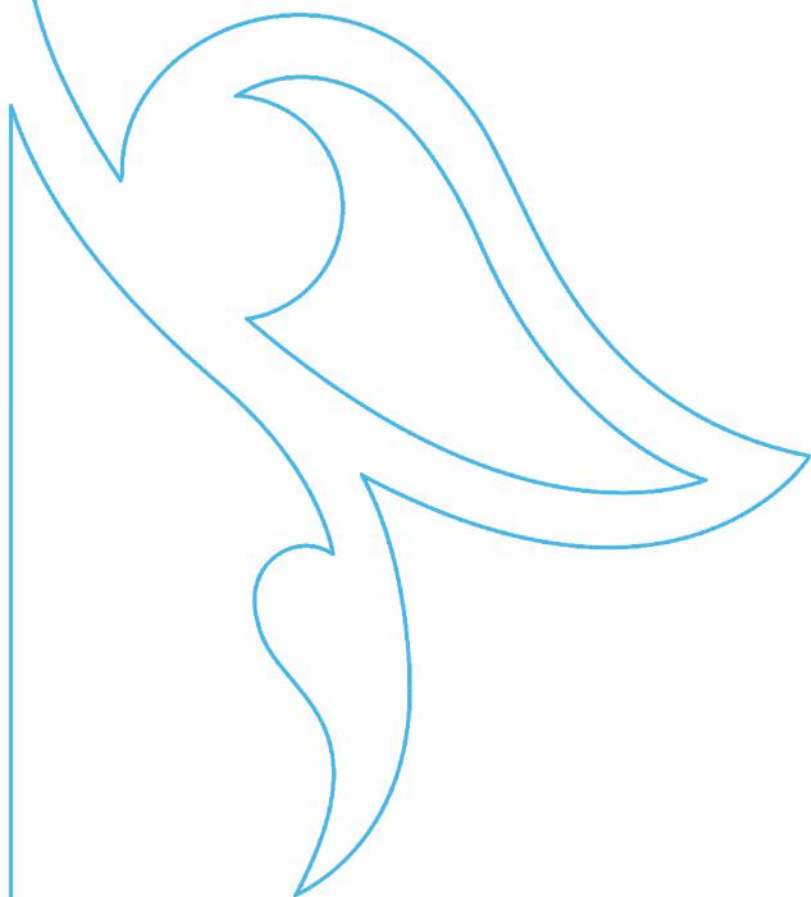
از دیگر نظم‌های بخشی جریان توسعه‌گرا، نظم حوزه آموزش است. اشکال اصلی نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا آن است که سن تربیت افراد جامعه را اشغال کرده و مفاهیم مرتبط با اقتصاد را به آنها منتقل می‌کند و زمانی را برای تربیت و تزکیه باقی نمی‌گذارد.

نظم حوزه قانون‌گذاری در جریان توسعه‌گرا نیز دچار چالش‌های جدی است. به طور کلی دو اشکال عمده به قانون‌گذاری مدرن وارد است؛ اشکال اول آن است که قوانین وضع‌شده در صدد بهبود روابط انسانی نیستند، بلکه در پی مقابله با نتایج روابط انسانی غلط هستند. اشکال دیگر قانون‌گذاری مدرن آن است که اصولاً وضع قانون‌های مکرر و الزام‌مکسر افراد، حوزه فکر آنها را به چالش می‌کشد و آنگاه که حوزه فکر افراد جامعه به چالش کشیده شد، دین‌داری جامعه به شدت ضربه خواهد خورد.

حوزه قضائی نیز چهارمین نظم بخشی مبتنی بر توسعه است که در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه قانون‌گذاری با وضع قوانین خود، افراد را ملزم می‌کند، نظام قضائی نیز وظیفه دارد تا با مجازات‌های خود افراد را به رعایت این قوانین مجبور کند. در نتیجه نظام قضائی نیز به سمت محدود کردن فکر افراد جامعه حرکت می‌کند.

حال که نظم برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه، ضد هویت اسلامی عمل می‌کند، سؤال این است که برنامه‌ریزی منجر به تقویت شاخص‌های هویت اسلامی و تقویت هویت شیعی، چگونه نظامی است. این موضوعی است که در سی جلسه‌ی در همین دوره مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، بعون الله تعالی.

جلسه اول



لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری نظامات
اجتماعی بر روی دین‌داری مردم و تکامل هویت شیعی



شناسنامه جلسه اول

عنوان
لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری نظامات اجتماعی بر
روی دین‌داری مردم و تکامل هویت شیعی

تاریخ نشست
۱ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۲۰ صفحه (قطع رحلی)

یکی از نمونه‌سازی‌هایی که جریان الگوی پیشرفت اسلامی در دستور کار خود قرار داد، پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه و مقابله با جریان توسعه‌گرا در برنامه ششم بود. جریان الگوی پیشرفت اسلامی در اولین مصاف خود با جریان توسعه‌گرا به پیروزی دست یافت و پس از هفتاد سال برنامه‌ریزی، برای اولین بار برنامه نوشته‌شده توسط جریان توسعه‌گرا دو مرتبه شکست خورد و در مجلس شورای اسلامی تصویب نشد. در پایان نیز نمایندگان به شرط اعمال تغییرات گسترده کلیات این برنامه را تصویب کردند و در کل برنامه‌ای که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و جریان توسعه‌گرا نوشته بود تصویب نشد.

پس از این مصاف جریان الگو بر آن شد تا روش مقابله خود با این جریان و برنامه‌ریزی اسلامی را به صورت تفصیلی توضیح دهد. به همین دلیل دانشگاه صنعتی شریف میزبان دوره چهل‌روزه تبیین برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی شد تا نخبگان جامعه تصویری نیمه‌تفصیلی از این مدل برنامه‌ریزی داشته باشند.

این دوره چهل‌روزه دارای چهار سرفصل کلی است؛ سرفصل اول این دوره، به تبیین دلیل مخالفت الگوی پیشرفت اسلامی با نظام برنامه‌ریزی اختصاص دارد. دلیل این مخالفت در آن است که نظام برنامه‌ریزی فعلی ضد هویت شیعی و دینی عمل می‌کند. در واقع دلیل اصلی این مخالفت به اهمیت هویت دینی جامعه برای جریان الگوی پیشرفت اسلامی بازگشت دارد.

توضیح بیشتر آنکه هویت شیعی برای رسیدن به وضعیت فعلی خود دو دوره تاریخی را طی کرده و در حال حاضر نیز در دوره سوم خود قرار دارد. دوره اول، دوره انتقال هویت شیعی بود. این دوره با جنگ اعراب و ایران آغاز شد، و پایان این دوره نیز حکومت صفویه بود که هویت شیعی به صورت کامل به ایران منتقل شد.

دوره دوم، دوره تثبیت هویت شیعی بود که از پایان دوره صفویه و آغاز حکومت نادر شروع شد و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت. در این دوره هجمه‌های بی‌امانی علیه هویت شیعی وجود داشت تا این هویت را از کشور حذف کرده و ایران را به دوران قبل از انتقال هویت شیعی بازگرداند. از همین رو تمام تلاش علما نیز معطوف به این بود که هویت شیعی را در ایران تثبیت کنند که در این امر نیز بسیار موفق عمل کردند و هویت شیعی در ایران تثبیت شد.

دوره سوم با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و تا همین امروز نیز ادامه دارد. کارویژه اصلی این دوره این است که هویت شیعی و شاخص‌های هویت اسلامی به صورت تام و تمام محقق شود. حال سؤال در این است که چگونه این امر، محقق می‌گردد؟ در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول معتقد است که تبلیغ هویت اسلامی موجب تحقق هویت اسلامی به صورت تام و تمام می‌شود. در مقابل این دیدگاه، جریان الگوی پیشرفت اسلامی معتقد است که تحقق هویت اسلامی علاوه بر تبلیغ هویت اسلامی نیازمند بازتعریف نظامات اجتماعی نیز می‌باشد. زیرا نظامات اجتماعی بیشتر از تبلیغ و تبیین بر هویت دینی مردم اثر می‌گذارند. با توجه به همین نکته جریان الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل ضدیت نظم برنامه‌ریزی فعلی با هویت شیعی با این نظم مخالفت می‌ورزد.

فهرست اجمالی

۱. تبعیت نظام برنامه‌ریزی از تئوری‌های غربی؛ عامل بازگشت ملت ایران به دوران قبل از انقلاب اسلامی (دوره‌ی تثبیت هویت شیعی)	۱
۲. بازخوانی ادوار سه‌گانه‌ی انتقال، تثبیت و تکامل هویت شیعی در ایران؛ مقدمه ورود به بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بازتعریف نظام برنامه‌ریزی	۴
۳. جلوگیری نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه از تکامل هویت شیعی و تحقق مرحله سوم؛ دلیل توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بازتعریف نظام برنامه‌ریزی	۱۲
پرسش و پاسخ	۱۸

جلسه اول: لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری نظامات اجتماعی بر روی دینداری مردم و تکامل هویت شیعی





۱. تبعیت نظام برنامه‌ریزی از تئوری‌های غربی؛ عامل بازگشت ملت ایران به دوران قبل از انقلاب

اسلامی (دوره‌ی تثبیت هویت شیعی)

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد و اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. بازگشت به شرایط قبل از ایمان و تحمل خسارت؛ نتیجه تبعیت از کفار (مفاد آیه ۱۴۹ سوره آل عمران)

ان‌شالله امروز به فضل الهی اولین جلسه از سلسله جلسات تبیین تفصیلی مفهوم «برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» را خدمت برادران و خواهران گرامی آغاز می‌کنیم. از خدای متعال مسألت می‌کنم برکتش را بر جمع حاضر نازل کند و ان‌شاءالله جلسه امروز را یک گام در راستای تحقق هدف مهم زمینه‌سازی ظهور قرار دهد.

قبل از اینکه وارد بحث شوم چند آیه از سوره آل عمران را محضر دوستان بخوانم و ترجمه کنم. این آیات در شرایط امروز برای همه ما درس آموز است. «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»^۱. این آیه درباره‌ی شرایط مؤمنین بعد از ایمان آوردن شان است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ پیداست جمعیت‌هایی ایمان آورده‌اند. «إِنَّ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا»؛ اگر شما اطاعت کردید از کسانی که کفر

۱. آیه ۱۴۹ سوره مبارکه آل عمران



ورزیدند، «يَزِدُّكُمْ عَلَىٰ آغْقَابِكُمْ»؛ این اطاعت، شما را به گذشته باز می‌گرداند؛ یعنی فقط و فقط با اطاعت از کفار مسیری که در راه ایمان طی کردید به گذشته باز خواهد گشت. «فَتَنَقَلِبُوا خَاسِرِينَ»؛ نتیجه بازگشت به گذشته هم خسران است.^۲

به هر حال همان‌طور که در ابتدای آیه مشخص شد؛ تنها و تنها اگر از کفار تبعیت کنیم، به حالت گذشته باز می‌گردیم. حالت گذشته یعنی حالتی که ایمان و ارزش‌های اسلامی حاکم نبوده است. مسأله عدم تبعیت از کفار، یک مسأله محوری در توصیه‌های پیامبران علیهم‌السلام است. در واقع یک بحث دستوری نیست که حکمتی پشت آن نباشد. همچنین تأکید بر عدم تبعیت از کفار به این دلیل نیست که ما نباید از آنها حمایت و اطاعت کنیم تا آنها بازگشته [و ما را رها کنند] و یک اثر تربیتی ایجاد شود، نه! از مفهوم این آیه برداشته می‌شود که مهمترین اثر تبعیت از کفار این است که دستورات و تقاضاهایی که کفار از ما دارند، طی یک نظم خاص ما را به عقب برمی‌گرداند؛ یعنی مجموعه دستورات و خواسته‌هایی که آنها مطرح می‌کنند، نظم زندگی مبتنی بر ایمان را به تدریج مضمحل^۳ می‌کند. لذا وقتی خداوند متعال توصیه می‌کند که از کفار تبعیت نکنیم، یکی از دلایل این توصیه آن است که خواسته‌ها، توصیه‌ها و مطالب درخواستی دستگاه کفار از دستگاه ایمان، تحت یک نظام و برنامه هستند.

۱/۱/۱. درخواست‌ها، دستورات و نظم‌های پیشنهادی کفر؛ عامل بازگشت به شرایط ایمان در صورت تبعیت از کفار

معمولاً در جلسات تفسیر و قرآن معنای آیه بحث می‌شود و می‌گویند رفتارمان با کفار باید به شکلی باشد که آنها را در حالت تحقیر قرار دهیم تا آثار تربیتی برای طرف مقابل حاکم شود؛ اما از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا» برمی‌آید که مجموعه‌ی درخواست‌های آنها نظمی را بر زندگی ما حاکم می‌کند که علت بازگشت ما به عقب می‌شود.

۲. گویا شرایط بر مؤمنین سخت شده است و به همین دلیل خداوند متعال در آیه بعد دل‌گرمی می‌دهد و می‌فرماید: «بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ» (آیه ۱۵۰ سوره مبارکه آل عمران)؛ تکیه‌گاه و مولای شما خود الله است و او بهترین یاری‌کنندگان است. حالا شاید قلب امثال بنده آرام نشود، به همین دلیل خداوند بار دیگر توضیح می‌دهد که چطور مؤمنین را یاری می‌کند؛ خداوند در آیه بعد یکی از مکانیزم‌هایی که برای یاری مؤمنین به کار می‌گیرد را توضیح می‌دهد و می‌فرماید: «سَتَلْقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ»؛ ما به وسیله القاء رُعب در قلوب اهل کفر شما را یاری می‌دهیم. یکی از وسایلی که خداوند متعال در یاری مؤمنین به کارگیری می‌کند این است که اهل شرک را از مؤمنین می‌ترساند و اُبْهت مؤمنین همیشه در دل کسانی که اهل شرک هستند به صورت جدی وجود دارد. ممکن است ما در اقلیت باشیم، اما باید وضعیت دل اهل کفر و اهل شرک را بدانیم؛ آنها وقتی به ایستادگی ما نگاه می‌کنند، رعب سرتاسر وجودشان را فرا می‌گیرد.

خداوند در آیه بعد توضیح می‌دهد که چرا رعب را در دل اهل شرک القاء می‌کند؛ می‌فرماید: «بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ»؛ این رُعبی که در دل آنها می‌افتد، مجازات شرکی است که آنان به خدا ورزیدند. «مَا لَمْ يُنزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا وَآلَهُمُ النَّارُ»؛ در ادامه می‌فرماید ریشه رُعبی که ایجاد می‌شود، شرک است؛ در غیر این صورت هیچ دلیل دیگری وجود ندارد. مثلاً [این رعب] به دلیل زلزله، رعدوبرق و یا یک تصرف تکوینی نیست، خود این شرک، ریشه رعب است. در ادامه می‌فرماید: «وَمَا وَآلَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَىٰ الظَّالِمِينَ»؛ جایگاه آنان آتش است و ستمکاران جایگاه بدی دارند.

در آیات بعد هم توضیح می‌دهد که -بنده نمی‌خواهم الان این آیات را بخوانم - این اتفاقات قبلاً هم رخ داده است؛ «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ»؛ یعنی این‌طور نیست که این دفعه، دفعه اول باشد، خیر؛ خداوند متعال همیشه این مسائل را با مؤمنین در میان گذاشته است و همیشه هم خداوند بر سر وعده خود ایستاده است. این آیات نیز دل انسان را محکم می‌کند؛ [این نصرت‌ها و وعده‌ها] در داستان‌های پیامبران گذشته و در داستان‌هایی که درباره پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است [وجود دارد]. البته این آیات درباره وعده‌های به سرانجام رسیده خدای متعال در مورد پیامبر آخرالزمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

انتقال از متن



بنده این آیات را در ابتدای این دوره مبارک محضر شما قرائت کردم تا در ابتدای عرایضم گفته باشم که در مجموع؛ نظام برنامه‌ریزی کشور ما تئوری‌های غربی را بر زندگی ما حاکم می‌کند. در واقع نباید قرآن را به قصد ثواب یا به قصد اینکه آثاری در پرونده اعمال ما در عالم آخرت داشته باشد و یا انگیزه‌های حداقلی که الآن در جامعه ما نسبت به قرآن وجود دارد بخوانیم. به نظر بنده مهمترین نکته‌ای که باید رعایت کنیم، این است که به قرآن عمل کنیم.

حالا اگر خدا توفیق داد؛ به فضل و برکت خودش، در این جلسات نشان خواهیم داد که چطور عمل کردن به تئوری‌های غربی و دعوت‌هایی که نظام برنامه‌ریزی غرب در حوزه برنامه‌ریزی دارد، علت بازگشت به عقب می‌شود. ان شاء الله در تمام مباحث این دوره سعی می‌کنم این آیه را شرح دهم که چگونه اطاعت از کفر - «إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا» - موجب «يُرْذَوْكُمْ عَلَىٰ عَقَائِبِكُمْ» و بازگشت شما می‌شود، به دوره‌ی جاهلیت باز می‌گردیم. در این دوره این آیه را شرح می‌دهیم تا شاید به آن عمل شود.

نکته ناراحت‌کننده این است که در ابتدای جلسات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، قرآن قرائت می‌شود؛ اما بعد از اتمام تلاوت قرآن، بر اساس مکتب نهادگرایی،^۴ نئوکینزی^۵ و امثالهم - که در واقع دعوت غربی‌هاست - بحث نموده و نظم جامعه ما را بازتعریف می‌کنند.

ما باید توجه کنیم که خداوند متعال با ما عقد اخوت نبسته است؛ اگر به قرآن عمل کنیم، ان شاء الله سرانجام آن سعادت خواهد بود، اما اگر به حرف‌های کفار عمل نموده و از آنها اطاعت کنیم، سرانجام این موضوع، همین وضعیت اسفناک امروز کشور ماست که به سمت توسعه‌یافتگی^۶ حرکت می‌کنیم؛ چهاردهه بعد از انقلاب اسلامی، دولتی که بر سر کار است به ترجمه آیات قرآن نیز عمل نمی‌کند، یعنی گاهی انسان با خود فکر می‌کند که اگر آقای رئیس‌جمهور،^۷ بعضی از وزراء و

۴. نهادگرایی یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این حرکت از اواخر قرن ۱۹ به‌ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز نمود.

دادگر، پیدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۴۴

۵. کینز (John Maynard Keynes: 1883-1946) منشأ دو مکتب اقتصادی جدید بوده است: کینزی‌های جدید و پست کینزین‌ها. کینزی‌های جدید، میراث‌دار ایده‌های چسبندگی قیمت‌ها، دستمزدها و امکان شکست بازار در رسیدن به اشتغال کامل از کینز هستند. و در مقابل همچون کلاسیک‌های جدید در تحلیل‌هایشان مفهوم انتظارات عقلایی را به کار می‌برند. آن‌ها در عین اینکه نظریه تعادل عمومی کینز را به کار می‌برند، بر پایه‌های خردی اقتصاد کلان نیز تأکید می‌کنند.

رادرفورد، دونالد؛ اقتصاد ایالات متحده و کانادا، لندن، انتشارات روتلج، ۲۰۰۷ میلادی، ص ۱۲۸

۶. واژه توسعه (development) از نظر لغوی در زبان انگلیسی، به معنی بسط‌یافتن، درک‌کردن، تکامل و پیشرفت است. گرچه این واژه از قرن ۱۴ میلادی برای توضیح برخی پدیده‌های اجتماعی به کار رفته است، لیکن استفاده وسیع از این واژه به عنوان یک پارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به بعد از ۱۳۲۱ مربوط می‌شود. در آن زمان، این واژه مترادف با نوسازی، رشد، -جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۱۳۱۱ صنعتی شدن و برای تعبیرات و اصطلاحات مشابه به کار می‌رفت. اصطلاح "توسعه" به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه است. این اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه در دوران مدرن، شامل سه اندیشه "علم‌باوری"، "انسان‌باوری" و "آینده‌باوری" است. به همین منظور باید برای نیل به توسعه، سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه‌ها صورت پذیرد.

برگرفته از: عظیمی، حسین (۱۹۱۱)؛ مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران

۷. دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۹۶)



جناب آقای دکتر ظریف^۸ فقط ترجمه آیات قرآن را می‌خواندند، در عرصه روابط بین‌الملل این‌گونه صحنه را برای کفار باز نمی‌گذاشتند. باید این مطالب را بحث کرد و گفت.

بنده در ابتدای جلسه این آیات را خواندم؛ زیرا قصد دارم در طول جلسه نشان دهم که اگر ملت ایران کشور خود را بر اساس تئوری‌های غربی اداره کند، چه خطرات و عاقبت‌های سوئی پیش روی اوست. ان‌شاءالله خدای متعال کمک کند که ما این دوره را به صورت صریح و علمی ادامه دهیم. به نظرم بعد از اتمام جلسات این دوره، همین چند دقیقه عرائض بنده را مرور کنید؛ در آن زمان مشخص خواهد شد که ما برای برخی از کارهایمان چقدر باید توبه کنیم!^۹

بنده در ابتدای جلسه این صراحت را به خرج دادم تا اهمیت مسأله را بیان کنم؛ در واقع این‌طور نیست که ما جلساتی را برگزار کنیم تا اظهار فضلی کرده باشیم و بخواهیم بحثی را مطرح کنیم که جزء مباحث مستحبی است و اگر نباشد هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود، خیر! همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند بحث «الگوی پیشرفت اسلامی» یک بحث حیاتی است؛^{۱۰} یعنی اگر ما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی بحث نکنیم، همین مسیر اطاعت‌کردن از غرب و نظریات آن‌ها پیش روی ملت ایران قرار می‌گیرد. لذا در این راستا باید همتی کرد و همت نیز باید همگانی باشد تا منجر به این شود که از مسیر مبتنی بر فکر انقلاب، تصویر روشن‌تری در اختیار ملت قرار بگیرد.

۱/۳. تبیین خطرات و عاقبت‌های سوء تبعیت نظام برنامه‌ریزی کشور از نظریات غربی و در ادامه ارائه راه حل‌های جایگزین؛ هدف از برگزاری این دوره بحثی

۲. بازخوانی ادوار سه‌گانه انتقال، تثبیت و تکامل هویت شیعی در ایران؛ مقدمه ورود به بحث الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت و بازتعریف نظام برنامه‌ریزی

بنده قصد دارم بحث خود در تبیین مفهوم نظام برنامه‌ریزی از منظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از یک بحث تاریخی شروع کنم. ببینید؛ مشخصه اصلی ایرانی که ما در حال حاضر در آن زندگی می‌کنیم، هویت شیعی و اسلام نابی است که در آن وجود دارد؛ یعنی هم در تمام اندیشکده‌های دنیا که برای نظام استکبار تصمیم‌سازی می‌کنند، هم در منطقه خودمان و هم در داخل کشور اگر بخواهند بگویند تفاوت اصلی مردم ایران با سایر ملت‌ها و حکومت‌ها در چیست، در یک جمله خواهند گفت مردم ایران به اسلام ناب و هویت شیعی اعتقاد دارند.

به نظر بنده هویت شیعی‌ای که در این وضعیت قرار دارد و ما می‌خواهیم در رابطه با تکمیل آن بحث کنیم، سه دوره تاریخی را برای تثبیت‌شدن در جامعه ایران پشت سر گذاشته است. بنابراین بنده امروز قصد دارم یک بحث تاریخی را مطرح کنم راجع به اینکه هویت شیعی چگونه به ایران منتقل و تثبیت شده است و در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد؟ این موضوع، مقدمه بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است و راجع به آن بحث خواهیم کرد و اگر لازم شد فردا هم بحث

۲/۱. هویت شیعی؛ مشخصه اصلی کشور ایران

۲/۲. بازخوانی ادوار سه‌گانه‌ی هویت شیعی در ایران؛ مقدمه ورود به مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۸. دکتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران

۹. البته ظاهراً هنوز برخی‌ها قصد ندارند این کارها را انجام دهند. بنده در جلساتی که برگزار کرده‌ایم گفته‌ام که خدای متعال جناب آقای رئیس‌جمهور را موفق به توبه می‌کند و به فضل الهی در ایشان تأملاتی ایجاد خواهد شد نسبت به این راهی که برای کشور تعریف تعریف نموده و آن را به سمت غربی‌شدن می‌برند.

انتقال از متن

۱۰. ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۰۲/۲۵



را بیشتر توضیح خواهیم داد. در «نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»^{۱۱} در مجموع سه دوره تاریخی را برای انتقال هویت شیعی به ایران و تثبیت و تکمیل آن تعریف کرده‌ایم.

۲/۳. انتقال هویت شیعی به ایران؛ اولین دوره هویت شیعی در ایران و شروع این دوره از جنگ اعراب و ایران و توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به خوش‌رفتاری با ملت ایران

دوره نخست - همان‌طور که از نام آن هم مشخص است - دوره «انتقال هویت شیعی» به ایران است. به هر حال در یک دوره تاریخی، اسلام شیعی به کشور ایران منتقل نشده بود. شاید اولین دوره‌هایی که آثار اسلام ناب به این کشور منتقل شد، همان جنگ‌های اولیه صدر اسلام است که به دستور خلیفه دوم اتفاق افتاد.^{۱۲} در متون تاریخی ما آمده که در آن جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام مشاوره‌های حیاتی‌ای را به خلیفه دوم می‌دادند. از جمله توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به خلیفه دوم این بود که بعد از جنگ با مردم ایران رفتار خوبی داشته باشد. خلیفه دوم و سپاه او در مراعات وضعیت مردم ایران کارنامه خوبی نداشتند و یکی از توصیه‌هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان داشتند این بود که بعد از فتح و پیروزی، رفتار خود با مردم ایران را بر مبنای استانداردهای دینی تنظیم کنند. یکی از مشاوره‌ها و کمک‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به خلیفه دوم این بود که برخی از صحابه با اجازه امیرالمؤمنین علیه السلام در این جنگ شرکت کردند^{۱۳} و جنگ هم در منطقه معروف نزدیک به نهاوند رخ داده است.^{۱۴} این، اولین حضور شخصیت‌های شیعی و شخصیت‌های اسلام ناب در ایران است.

قبل از این جنگ که ایران اصلاً مسلمان نبوده است و شاید تنها سفر و یا بحثی با ایران صورت می‌گرفته است. مثلاً ارتباط با ایران در حد نامه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پادشاه ایران نوشتند و او را به اسلام دعوت کردند بود.^{۱۵} دوره‌های اولی که مردم ایران بخواهند در آن دوره‌ها با رفتار اسلام ناب و هویت شیعی آشنا بشوند، همین جنگی است که منجر به مسلمان شدن ایرانی‌ها شد. در روایات و

۱۱. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی سندی علمی و کاربردی است که بر اساس مفاهیم آن می‌توان "چرایی، چستی و چگونگی" تولید الگوی پیشرفت اسلامی را تبیین کرد.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1392/04/30>

۱۲. این جنگ‌ها از سال ۱۴ هجری قمری آغاز گردید و به جنگ قادسیه یا جنگ نهاوند شهرت یافت.
۱۳. موارد کمی در تاریخ نقل شده که یاران آن حضرت در این خصوص، از وی استجازه داشته باشند؛ اما نظر به شخصیت آن یاران که نیک می‌دانیم در چنین امور مهمی هرگز بدون اجازه و مشورت با امام علیه السلام کاری انجام نمی‌دادند یقین داریم که آنها به اشاره امام علیه السلام در این امور شرکت می‌کردند. برخی یاران و صحابه راستین امام علی علیه السلام که با دستگاه خلافت خلیفه دوم همکاری می‌کرده‌اند به این شرح‌اند:

۱. سلمان فارسی؛ وی از جانب خلیفه عمر، به استانداری مدائن برگزیده شد. سلمان از پذیرش این مسئولیت استنکاف کرد؛ ولی امام علی علیه السلام به او دستور داد تا بپذیرد و وی در نهایت به دستور امام علی علیه السلام به مدائن رفت [۱].

۲. مالک اشتر؛ وی در جنگ قادسیه حضور داشت [۲].

۳. حذیفه بن یمان؛ وی در جنگ نهاوند شرکت داشت و پس از کشته شدن نعمان بن مقرن، فرماندهی لشکر اسلام را در دست داشت. وی همدان، ری و دینور را فتح کرد. [۳].

[۱]. مدنی شیرازی، سید علی خان؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۸ق، الدرجات الرفیعة، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، ۱۳۷۹ق، ص ۲۱۵

[۲]. ابن اعثم کوفی؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۱۴ق، الفتوح، ج ۱، ص ۱۳۵

[۳]. دینوری، ابوحنیفه؛ تاریخ وفات مؤلف: ۲۲۲ق، اخبار الطوال، بیروت، دارالأحیاء الکتب العربی، ۱۹۶۰م، ص ۱۳۵ - ۱۳۸

۱۴. برای اطلاع از داستان کامل جنگ ایران و اعراب به کتاب الکامل فی التاریخ مراجعه نمایید.

شیبانی، علی بن محمد (ابن اثیر)؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ه ق، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر دار بیروت للطباعة والنشر ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۵ - ۱۶

۱۵. داستان نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پادشاه ایران در کتاب شریف بحار الانوار ذکر شده است.

رک: مجلسی، محمدباقر؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ق، بحار الانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۳۷۷ تا ۳۸۰



نقل‌های تاریخی هست که برخی از اسرایی که به کشور عربستان و مرکز خلافت اسلام در آن دوره منتقل شدند، بازم مورد بدرفتاری واقع شدند و امیرالمؤمنین علیه السلام دوباره توصیه‌هایی به خلیفه دوم داشتند که با این اسرا به شیوه دیگری - به شیوه مروت‌آمیزی - رفتار شود. این مسائل اولین جرقه‌هایی است که ملت ایران در مقابل آیین هویت شیعی و اسلام ناب قرار می‌گیرد. دوره اول از اینجا شروع شده که شروع اولیه‌ای نیز هست.

۲/۳/۱. هجرت خاندان جناب ابوطالب علیه السلام و اشعری‌ها به ایران؛ فراز بعدی انتقال هویت شیعی

به تدریج وقتی فعالیت‌ها جدی‌تر می‌شود و ما جلوتر می‌آییم و در یک دوره تاریخی سفر پسر ارشد امام باقر علیه السلام را به اردهال و کاشان می‌بینیم.^{۱۶} البته در این سیر تاریخی ما هنوز به اوج مهاجرت‌ها که سفر امام رضا علیه السلام است نرسیده‌ایم. اکثر ایران سنی‌مذهب بود و فقط مناطقی از ایران شیعه شده بودند. بعد از جنگ‌هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام با معاویه داشتند بخشی از خاندان جناب ابوطالب علیه السلام از کوفه به ایران هجرت کردند. طالبی‌های ایران، جزء خاندان‌های معروف این مهاجرین هستند. همچنین چندین طایفه مانند اشعری‌ها هجرت کردند.^{۱۷} لذا در اثر جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و هجرت برخی از خاندان‌های شیعه مانند خاندان اشعری‌ها و طالبی‌ها^{۱۸} برخی از مناطق ایران شیعه شدند.

۲/۳/۲. هجرت علی بن محمد باقر علیه السلام را پیش‌رو داریم. جالب است که این هجرت بنابه دعوت مردم اردهال و کاشان صورت گرفته است و این دعوت نشان از آن است که هویت شیعی در آنجا وجود داشته است. قم و کاشان و برخی از مناطق اهواز و طبرستان این‌گونه بوده‌اند. مثلاً در نقل‌های تاریخی آمده است که وقتی فشار بر خاندان اهل بیت علیهم السلام بسیار زیاد می‌شد، آنها به طبرستان که حکومت‌های شیعی در آنجا بودند پناه می‌بردند.^{۱۹} بنابراین یکی از این دوره‌های سه‌گانه، دوره انتقال هویت شیعی است که شروع آن هجرت‌هایی بود که عرض کردم.

۱۶. عده‌ای از دوستداران اهل بیت از اهالی چهل حصاران و فین کاشان نامه‌ای خدمت امام باقر علیه السلام نوشتند، که چون ما از محضر شما دور هستیم یکی از آقازادگان خود را برای راهنمایی و تربیت ما و تعلیم احکام به جانب ما بفرستید. [۱] آن حضرت فرزند خود، جناب علی بن محمد را با رسولان روانه کاشان کردند؛ و اسباب سفر آن حضرت را برادرش امام جعفر صادق علیه السلام فراهم نمودند. [۲]

[۱]. مجموعه تاریخی، منهدی مشهد اردهال، حسین فتح یار، ص ۳۷

[۲]. محسنی، سید علی؛ نور باقر علیه السلام، قم، مؤسسه انتشارات مشهور، ص ۵۴

۱۷. بر اساس برخی روایات به دلیل سابقه همکاری اشعریان با علی علیه السلام از یک سو و شرکت آنان در قیام مختار از سوی دیگر، حجاج بن یوسف ثقفی عامل خلیفه بر عراق، سختگیری بر اشعریان را آغاز کرد. حجاج، محمد بن سائب را به آذربایجان تبعید کرد اما محمد در کوفه مخفی شد و حجاج بر او دست یافت و وی را به قتل رساند. [۱] بدین ترتیب فرزندان سائب از کوفه کوچ نمودند، فرزندان سعد بن مالک نیز به آنان پیوستند، اولاد سعد به سوی قم آمده و در آنجا منزل گزیدند. بدین ترتیب تمام فرزندان مالک بن عامر به سوی ایران سفر کردند، آنان و جمعی از خدمتگزاران، حرکت نموده و در رأس آنان عبدالله و احوص پسران سعد اشعری بودند. پس از مدتی اقوام و خویشان اشعریان به قم مهاجرت کردند.

[۱]. خضری، سید احمد؛ تاریخ تشیع، ج ۲، ص ۱۶۷

[۲]. قمی، حسن بن محمد؛ تاریخ وفات مؤلف؛ ۶۰۶، قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، به کوشش جلال‌الدین طهرانی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۵۷ تا ۲۶۲

۱۸. حالا این مهاجرت‌ها یا در اثر فشارهای معاویه بوده است یا در اثر آگاهی این خاندان از این سرتاریخی که قرار است ایران در عصر قبل از ظهور به مرکز جغرافیای سیاسی شیعه تبدیل شود، فعلاً نمی‌خواهم فلسفه این هجرت‌ها را بحث کنم.

انتقال از متن

۱۹. حالا تاریخ حکومت‌های شیعی ایران قبل از دوران صفویه نیز تاریخ مفصلی است که علمای اسلام این تاریخ را تدوین کرده‌اند و بازخوانی اینها یک کار مهم است.

انتقال از متن



ما در این سیر تاریخی جلو می‌رویم تا به هجرت امام رضا علیه السلام و هجرت کاروان حضرت معصومه علیها السلام ^{۲۰} می‌رسیم که این بزرگواران (کاروان حضرت معصومه علیها السلام) بلاشک از این سیر تاریخی که قرار است ایران در آینده مرکز زمینه‌سازی ظهور شود آگاه بودند. در این برهه مجموعه‌ای از امامزاده‌ها که به این سیر آشنا بودند به تبعیت از امام رضا علیه السلام وارد ایران می‌شوند و طبق تقدیری که خداوند متعال برای آنها تنظیم می‌کند در مناطق ایران گسترش پیدا می‌کنند که خود این موضوع نیز یک بازه تاریخی است.

شما در نقل‌های تاریخی دیده‌اید که وقتی حضرت رضا علیه السلام را هجرت می‌دادند، ایشان را از مسیرهایی می‌برند که شیعیان در آنجا ساکن نبودند.^{۲۱} در واقع ایران قبل از هجرت امام رضا علیه السلام در مجموع یک کشور سنی‌نشین بود که باقی ادیان و مذاهب نیز در آن وجود داشتند و نقاط محدودی مانند اهواز، طبرستان، کاشان و قم شیعه بودند. دلیل این شیعه‌شدن نیز هجرت‌هایی است که در دوره امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان دیگر علیهم السلام به این مناطق صورت گرفته است. به هر حال حضرت علیه السلام را از مناطقی که شیعه نبودند عبور می‌دادند.

وقتی ایشان حاکم شدند، در یک دوره محدودی برای شیعیان امنیت ایجاد شد. یکی از دلایلی که تصمیم گرفتند امام رضا علیه السلام را به سرعت به شهادت برسانند این بود که مدیریت حضرت علیه السلام باعث شد که شهر مرو به مرکز رفت‌وآمد علویون تبدیل شود؛ یعنی برای علویونی که تا زمان هارون الرشید به مناطق بیابانی پناه می‌بردند امنیتی ایجاد شد، به صورتی که به راحتی در شهر رفت‌وآمد می‌کردند، پای منبر حضرت ابالحسن علیه السلام می‌نشستند، روضه‌خوانی می‌کردند. بالاخره نسبت به زمان گذشته یک امنیت اجمالی ایجاد شده بود.^{۲۲} هجرت امام رضا علیه السلام و امامزاده‌ها علیهم السلام نقطه عطف بوده است.

این زمینه‌سازی‌ها تا زمان فعالیت‌های علامه حلی رحمته الله علیه ^{۲۳} ادامه پیدا می‌کند. علامه حلی رحمته الله علیه در تاریخ کار برجسته‌ای را انجام دادند. فعالیتی که علامه حلی رحمته الله علیه در شیعه‌کردن ایران دارند یک فصل تاریخی مهم است. اگرچه علامه رحمته الله علیه موفق نمی‌شوند قضیه را به سرانجام برسانند ولی به هر حال دوره ایشان، یک برهه تاریخی مهم است که علمای ما در آن تلاش کردند ایران کاملاً شیعه شود.

۲/۳/۴. فعالیت‌های
علامه حلی رحمته الله علیه برای
شیعه‌کردن ایران؛ گامی
دیگر در جهت انتقال
هویت شیعی

۲۰. هجرت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری و هجرت حضرت معصومه علیها السلام ۲۰۱ هجری اتفاق افتاد.

۲۱. طریق حرکت کاروان امام از مدینه به مرو طبق دستور مأمون از بصره و اهواز و فارس بود، شاید به این جهت که از جبل (قسمت‌های کوهستانی غرب ایران تا همدان و قزوین) و کوفه و کرمانشاه و قم که مرکز اجتماع شیعیان بود عبور نکنند.

محقق، سیدعلی؛ زندگانی پیشوای هشتم؛ امام علی بن موسی الرضا - علیه‌السلام - ، قم، انتشارات نسل جوان، ص ۷۰-۷۴

۲۲. حالا نمی‌خواهم این بحث را بشکافم، بلکه می‌خواهم اشاره کنم که انتقال هویت شیعی یک سیری داشته است.

انتقال از متن

۲۳. ابومنصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلی معروف به علامه حلی، از علمای شیعه قرن هشتم قمری بود.

۲/۳/۵. فعالیت‌های شیخ بهائی و علمای هم‌عصر ایشان در دوران صفویه؛ گام بعدی انتقال هویت شیعی

تدابیر امثال علامه حلی علیه السلام در دوره‌های بعد جدی گرفته شد و توسط علما تکرار گردید تا زمانی که به دوره صفویه رسید. در این دوره مرحوم آیت‌الله العظمای شیخ بهائی علیه السلام^{۲۴} همان عالمی هستند که با مدیریت خود و البته به کمک بقیه علماء بر حکومت صفوی تسلط فکری - فرهنگی پیدا می‌کنند و آن اتفاق تاریخی یک گام جلوتر می‌رود؛ یعنی در دوره حکومت مبارک صفویه! هویت شیعه گسترش کمی پیدا می‌کند.

۲/۳/۵/۱. جذب کردن طلاب به سمت حوزه علمیه توسط علامه فاضل تونی علیه السلام به وسیله یک درخواست مبتکرانه از شاه‌عباس؛ نمونه‌ای از تلاش‌های علما برای انتقال کامل هویت شیعی به ایران

البته در اینجا بحث‌های مفصلی راجع به نقش مرحوم علامه مجلسی علیه السلام^{۲۵}، فاضل تونی علیه السلام^{۲۶} و دیگران وجود دارد. مقبره مبارک جناب آقای فاضل تونی علیه السلام در کرمانشاه است و ایشان حین سفر به کربلا مرحوم می‌شوند. ایشان با تدابیری مدرسه علمیه‌ای را درست می‌کنند. بگذارید در ابتدای عرائض نقل‌های تاریخی را بیان کنم تا مشخص شود چه مرارت‌هایی کشیده شده است تا ما به اینجا رسیده‌ایم.

در نقل آمده است که روزی شاه عباس صفوی مشغول گشت و گذار در شهر اصفهان بود که به مدرسه علمیه جناب فاضل تونی علیه السلام می‌رود و می‌بیند که مدرسه کاملاً خلوت است و چند نفر طلبه نشسته‌اند و تفسیر و تحلیل احادیث و آیات قرآن را یاد می‌گیرند. شاه عباس به مرحوم فاضل تونی علیه السلام می‌گویند چرا اینقدر مدرسه علمیه شما خلوت است؟ با وجود اینکه ایران شیعه شده است ولی کسی طلبه نمی‌شود!^{۲۷} مرحوم فاضل تونی علیه السلام به شاه عباس می‌گویند بعداً جواب شما را در فرصت مناسبی خواهم داد.

فرصت مناسب روز عید غدیر است؛ یکی از کارهایی که شاه عباس صفوی به توصیه علما انجام می‌دادند بزرگداشت مناسبت‌های مذهبی از جمله روز عید غدیر بود. جزء آداب حکومتی صفویه این بود که در این روز به علما صله^{۲۸} فراوان می‌دادند؛ یعنی ضمن اینکه مردم پذیرایی مفصل می‌شدند، شاه صفویه نیز به علما احترام فراوانی می‌گذاشت. به هر حال روز عید غدیر فرا رسید و شاه عباس طبق رسم حکومتی به همه علما گفت به من فرصتی دهید و تقاضایی کنید تا نیازی از شما را برآورده کنم. وقتی نوبت به مرحوم فاضل تونی علیه السلام رسید ایشان از پذیرش صله امتناع کردند. با توجه به اینکه صله‌دادن قانون حکومتی بود، شاه عباس نیز اصرار می‌کرد؛ اما از شاه عباس اصرار و از جناب فاضل تونی علیه السلام انکار.

۲۴. بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی (زاده ۸ اسفند ۹۲۵ خورشیدی در بعلبک، درگذشته ۸ شهریور ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان) حکیم، فقیه، عارف، منجم، ریاضیدان، شاعر، ادیب، مورخ و دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری که در دانش‌های فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت.

۲۵. محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ ه. ق در اصفهان - ۱۱۱۰ ه. ق در اصفهان) معروف به علامه مجلسی و مجلسی ثانی فقیه شیعه در دوران شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی بود. معروفترین اثر او بحارالانوار است که مجموعه بزرگی از احادیث را گردآورده‌است.

۲۶. ملا عبدالله بن محمد تونی بشروی معروف به فاضل تونی، عارف، فقیه و دانشمند سده‌های دهم و یازدهم هجری در دوره صفویه بود.

۲۷. درست مانند الآن که ما می‌خواهیم بحث‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مطرح کنیم، اما طالبان کمی دارد.



بالآخره مرحوم فاضل تونی رحمته الله گفتند تقاضای من این است که شاه صفوی من را بر اسبی سوار کنند و افسار اسب را بگیرند و دور شهر اصفهان بچرخیم. این توافق در روز عید غدیر حاصل شد و در همان روز این اتفاق افتاد و شاه صفوی افسار اسب علامه فاضل تونی رحمته الله را گرفتند و دور شهر اصفهان چرخیدند. مردم تازه مسلمان شده آن دیار وقتی دیدند شاه چنین تعظیم و تکریمی را از جناب فاضل تونی رحمته الله می‌کند بسیار تعجب کردند. در تاریخ نقل است که دو یا سه ماه بعد شاه عباس صفوی به آن مدرسه سر زدند و دیدند که مدرسه پر از طلبه است. جناب آقای فاضل تونی رحمته الله به شاه عباس گفتند دلیل این شلوغی این است که تا به حال امراء و حکما به این بحث‌ها توجه نمی‌کردند، اما وقتی شما توجه کردید، مردم نیز توجه کردند.^{۲۹}

۲/۳/۶. حکومت مبارک صفویه؛ نقطه ختم انتقال کامل هویت شیعی به ایران

غرضم این بود که تدابیر علما برای گسترش هویت شیعی را توضیح دهم. آن زمان مانند الآن نبود که فضا باز شده باشد؛ یک زمان یک عالم برای جذب طلاب باید چنین طراحی‌هایی را انجام می‌داد. به هر حال مجموعه داستان‌های دوره صفویه و فعالیت‌های علما منجر به این شد که هویت شیعی در ایران به یک فرهنگ تبدیل شود. ما از این دوره به دوره انتقال هویت شیعه به ایران تعبیر می‌کنیم؛ یعنی دوره‌ای که آغاز آن، هجرت‌های زمان امیرالمؤمنین علیه السلام است که در اثر این هجرت‌ها برخی از مناطق شیعه می‌شوند. مهم‌ترین خاندانی هم که در تاریخ هجرت کرد، خاندان اشعری‌هاست که علت شیعه‌شدن مردم قم هستند. خاندان طالبی‌ها نیز خاندان مهمی هستند. نقطه عطف دوره اول یعنی دوره انتقال هویت شیعه، هجرت امام رضا علیه السلام و نقطه ختم دوره اول نیز حکومت مبارک صفویه است. بنابراین اولین دوره ما، دوره انتقال هویت شیعی است. این دوره داستان و نقل‌های تاریخی بسیاری دارد ولی در مجموع در این دوره هویت شیعی به صورت کامل به مردم منتقل شد.

۲/۴. تثبیت هویت شیعی؛ دومین دوره هویت شیعی در ایران و آغاز این دوره از بیانه نادرشاه در دشت مغان

بعد از حکومت صفویه - که این حکومت حدود ۲۵۰ سال طول کشیده - از زمان صدور بیانیه دشت مغان^{۳۰} [دوره دوم شروع شد]. اگر شما متن بیانیه نادرشاه در دشت مغان را بخوانید، می‌بینید که در آنجا گفته است عزاداری ممنوع شود.^{۳۱} یکی از کارهای نادرشاه در اوایل کار این بود که به

۲۹. برخی این حرف‌ها را چهارصد سال پیش می‌فهمیدند و می‌دانستند که اگر حاکمان رفتاری را انجام دهند، بر روی اخلاق مردم تأثیر می‌گذارد ولی متأسفانه ظاهراً در زمان ما برخی هنوز متوجه نیستند که وقتی حکام به مسیر غلطی می‌روند در واقع اخلاق جامعه را به سمت انحراف می‌برند.

انتقال از متن

۳۰. دشت مغان، نام جلگه‌ای است در شمالی‌ترین قسمت استان اردبیل در شمال باختری ایران. مغان جلگه‌ای است در ساحل جنوبی رود ارس و غرب دریای خزر که قسمت عمده آن در جمهوری آذربایجان و بخشی نیز شمالی‌ترین قسمت استان اردبیل در شمال غربی ایران را تشکیل داده‌است.

۳۱. عالی‌جاها صدر عالی‌قدر و حکام و مجتهدین و علمای دارالسلطنه اصفهان به الطاف ملوکانه مباحی بوده، بدانند که اوقاتی که رایب ظفرآیت در صحرای مغان برپا بود، در مجالس متعدده قرار براین شد که چون طریقه حنفی و جعفری، موافق آنچه از اسلاف به‌ما رسیده است، متحد بوده [و] خلفا راشدین - رضی الله عنهم - را خلیفه سیدالمرسلین می‌دانسته‌اند، من بعدالایام، اسامی هریک از خلفا اربعه که ذکر کرده شود با تعظیم تمام ذکر کنند. به‌علاوه در بعضی از اضلاع ممالک ما، برخلاف اهل سنت، در اذان و اقامه لفظ علی ولی‌الله را بر طریقه شیعه ذکر می‌کنند و این فقره مخالف اهل سنت است و منافی قراری است که معمول اسلاف بوده. گذشته از این، بر تمام اهل عالم هویدا است که امیرالمؤمنین اسدالله‌الغالب برگزیده و ممدوح و محبوب خداوند متعال است و به‌واسطه شهادت مخلوق، بر جایگاه و رتبت او در درگاه احدیت نخواهد افزود و به حذف این الفاظ هم چیزی از فروغ بدر قدر او نخواهد کاست. ذکر این عبارت، موجب اختلاف و بغض و عداوت مابین اهل تشیع و سنت است که هر دو در متابعت شریعت مطهره سیدالمرسلین شریکند و خلاف رضای پیغمبر و امیرالمؤمنین به عمل خواهد آمد. لهذا به مجرد اطلاع از مدلول این فرمان عالی، به تمام مسلمین، از اعالی و ادانی، بزرگ و کوچک و مؤذنین شهرها و توابع اطراف و اکناف باید اعلام شود که از امروز به بعد، این عبارت که خلاف طریقه اهل سنت است، ذکر نشود و نیز در میان حکام معلوم است که در مجالس، بعد از فاتحه و تکبیر، دعای دوام عمر پادشاه و ولی‌نعمت را می‌نمایند، از آن‌جا که



حوزه‌های علمیه اصفهان و نجف فشار شدیدی آورد تا علما قضیه را برگردانند. در واقع بعد از حکومت مبارک صفویه جریانی شروع به بازگردان دوره قبل نمود.^{۳۲} بعد از انتقال هویت شیعه در ایران، جریان‌هایی به بهانه‌های مختلف به صورت آشکار شروع به برگرداندن قضیه کردند. عید غدیر، عزاداری امام حسین علیه السلام و دیگر مظاهر هویت شیعه را به چالش کشیدند. بنده از دوره دوم - که آغاز آن بیانیه دشت مغان است - به دوره «**تثبیت هویت شیعه**» در ایران تعبیر کرده‌ام.

در این دوره دائماً جریانی‌هایی برنامه‌ریزی کردند تا قضیه را برگردانند و علما نیز با کمک عده‌ای از مؤمنین دائماً برنامه‌ریزی کردند تا هویت شیعی حفظ شود. شما این داستان را در حکومت‌های مختلف به انحاء مختلف می‌بینید. این داستان در دوره قاجاریه و پهلوی به صورت بسیار جدی تکرار شده است. در این دو دوره مسأله کشف حجاب،^{۳۳} اصلاحات اراضی،^{۳۴} حذف قسَم به قرآن در مناسبات،^{۳۵} و اقدامات فراوان دیگری را می‌بینید که همه آنها برای مقابله با هویت شیعه انجام شده است. در دوران پهلوی بحث حذف زبان فارسی مطرح شد؛^{۳۶} یعنی به تقلید از آتاتورک^{۳۷} و دیگران

۲/۴/۱. تلاش برخی جریان‌ها برای بازگرداندن ایران به دوران پیش از انتقال هویت شیعی و مقابله علما با این تلاش‌ها؛ ویژگی اصلی دوره دوم

این نحو تعظیم بیهوده و بی‌معنی است، مخصوصاً امر و مقرر می‌فرماییم که خوانین صاحب طبل و علم در این مواقع حمد نعمای پادشاه حقیقی را به زبان بیاورند. عموم رعایا و برایا، اطاعت این احکام و اوامر را برعهده شناسند. هرکس از آن تخلف ورزد، مورد غضب شاهنشاهی خواهد گردید.

فریزر، جیمز بیلی؛ تاریخ نادرشاه افشار، ترجمه ابوقاسم خان ناصرالملک، تصحیح حسین مزنی، تهران: پاسارگاد، ۱۳۶۳، ص ۸۴ و ۸۵

نادر پس از مراجعت از هند، از دین بیگانه و در اوایل حال به بهانه تألیف قلوب اهل روم و غیره، بعضی از افعال که شیوه و شعار شیعه می‌باشد، مثل تعزیه داشتن خامس آل عبا در عشر محرم الحرام، برپاداشتن رسم عید غدیر و عید نوروز و... از تمام بلاد قلمرو خود موقوف نموده، چادر به یک شاخ افکنده، علانیه قدغن نمود که کسی قرآن نخواند بلکه نداشته باشد؛ چرا که اگر قرآن راست بود، این همه اختلاف در میان امت جناب رسول خدا واقع نمی‌شد و شروع به کلمات کفر و زندقه نموده و احداث ظلم و بیداد بی‌نهایت کرده، به این نیز اکتفا ننموده بنا گذاشت که تمام فرقه‌های شیعه را باید به قتل رسانید.

مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل؛ تاریخ وفات مؤلف، ۱۲۲۰، مجمع‌التواریخ، تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری و سنایی، ۱۳۶۲، ص ۸۴

۳۲. من پیشنهاد می‌کنم بیانیه دشت مغان را مطالعه کنید؛ این بیانیه در مجموعه مکتوبات بحث‌های تاریخی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آمده است و می‌توانید آن را در جاهای دیگر نیز پیدا کنید. بیانیه دشت مغان عرض بنده را بسیار گویا توضیح می‌دهد.

انتقال از متن

۳۳. رضاخان که شدیداً تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این مسئله را یک سال و اندکی پس از سفر خود به ترکیه در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌نماید: «نزدیک دو سال است که این موضوع - کشف حجاب - سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنده‌های آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بیش برد.

مهدی صلاح؛ کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸

۳۴. اصلاحات ارضی در کشور به دستور شاه ایران محمد رضا پهلوی و نخست وزیران دکتر علی امینی و اسدالله علم به تحقق پیوست و بدین ترتیب تغییراتی در شیوه مالکیت زمین‌های کشاورزی از دست از فئودال‌ها یا مالکان بزرگ به خرده مالکی و توزیع مجدد آن بین کشاورزان، با تصویب قانون اصلاحات ارضی و سپس قوانین اصلاحی و آیین‌نامه‌های آن، از جمله قانون اصلاح قانون اصلاحات ارضی، آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاحات ارضی، قانون تقسیم و فروش اراضی مورد اجاره به زارعین مستأجر و قانون الحاق ۸ ماده به آیین‌نامه اصلاحات ارضی طی ۳ مرحله انجام گرفت. اصلاحات ارضی نخستین اصل منشور انقلاب شاه و مردم بود.

برای اطلاع از آثار اجرایی اصلاحات ارضی و اهداف محمدرضا پهلوی از این طرح به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمائید.

۳۵. حذف قسم به قرآن و تبدیل آن به قسم به کتاب آسمانی در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آورده شده است.

۳۶. پس از کودتا و به دنبال تثبیت حکومت شاه و انتظارات غربی‌ها، به ویژه آمریکا از شاه، رابطه پر از خصومت، جان‌شین تعامل مداراتی فیما بین گردید. از جمله نمونه‌های تعامل، انتقادی آیت‌الله بروجردی و اعتراض ایشان به تصمیم رژیم شاه، در زمینه تغییر خط فارسی به لاتین بود. این اقدام که در زمان رضاشاه بر اثر مقاومت، ناکام مانده بود، این بار رژیم به بهانه آنکه رسم الخط فارسی و نوشتن و قرائت موجب اشتباه می‌شود، خواست آن را به لاتین برگرداند که از نظر ملی و دینی، اقدامی هویت‌ستیز بود.

رابینسون، ریچارد؛ جمهوری اول ترکیه، ترجمه ایرج امینی، تهران، بی جا، ۱۳۳۷، ص ۳۶

۳۷. مططفی کمال پاشا (معروف به آتاتورک به معنای پدر تُرک‌ها) نظامی و دولت‌مرد و بنیان‌گذار جمهوری ترکیه بود.



می‌خواستند زبان رسمی ملت ایران از زبان فارسی تغییر پیدا کند. در واقع این یک طراحی بود برای اینکه ارتباط نسل‌های آینده ایران با هویت قبل‌خودشان قطع گردد. اینها مبارزاتی بود که علما صورت دادند. البته اگرچه آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله^{۳۸} در اوایل مطرح‌شدن این بحث، مرجع نبودند اما به خوبی وارد شده و دخالت کردند. بخشی از بازخوانی مبارزات آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله، مربوط به مبارزه ایشان برای تثبیت زبان و خط فارسی است.^{۳۹}

پس ویژگی اصلی این دوره آن است که ایران شیعه است و دشمنان طراحی‌هایی را برای بازگرداندن روند حرکت ملت ایران به قبل انجام می‌دهند. لذا مبارزاتی که علما صورت دادند، مبارزاتی است که منجر به تثبیت هویت شیعه شد.^{۴۰} به هر حال دوره دوم -همان‌طور که عرض کردم- از بیانیه دشت مغان شروع می‌شود و با طراحی‌های حکومت پهلوی -خصوصاً پهلوی دوم- به اتمام می‌رسد.

با شکست طراحی‌های پهلوی دوم -که از تمام طراحی‌های تاریخی انجام‌شده سخت‌تر بوده است؛ چون به صورت نرم به سمت تغییر هویت رفتند- دوره سوم آغاز می‌گردد. دوره سوم -که آغاز آن انقلاب اسلامی است و حالا ما در این دوره بحث می‌کنیم و تغییر نظام برنامه‌ریزی هم در این دوره معنا می‌شود- دوره «تکامل هویت شیعه» در ایران است.

این دوره، دوره‌ای است که اختیارات اداره جامعه برای اولین بار به دست مؤمنین افتاده است؛ یعنی مؤمنین برای اولین بار به رهبری فقهای شیعه پس از آن‌همه مرارت‌های تاریخی، اختیارات حکومتی را به دست گرفتند و می‌خواهند از این اختیار استفاده کنند، البته نه برای تثبیت، بلکه برای اینکه هویت شیعی در بالاترین ظرفیتی که برای فقهای ما ممکن است در ایران جا بیافتد. در حال حاضر با اینکه ایران شیعه است و همه این دوره‌های تاریخی را هم گذرانده‌ایم، بسیاری از احکام حیات‌بخش اسلام حتی مورد شناسایی و مورد شناخت جامعه ما قرار نگرفته است و درک روشنی از آنها برای جامعه ما وجود ندارد؛ با اینکه علمای اسلام تحت مدیریت معصومین علیهم‌السلام خیلی زحمت کشیده‌اند که کار به اینجا رسیده است. پس قرار است از این اختیارات استفاده کنیم تا هویت شیعه را در ایران تکمیل کنیم.

ممکن است در اینجا بحثی مطرح شود و بنده مایلیم این بحث را با صراحت خدمت شما عرض کنم. اساساً داستان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به چه چیزی برمی‌گردد؟ ریشه‌اش کجاست؟ ریشه آن، تحقق کامل اسلام است؛ یعنی این مسأله ما را به بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت رسانده است. در واقع ما مایلیم از اختیارات تاریخی‌ای که در دست مؤمنین قرار گرفته به نحو حداکثری استفاده نموده و فهم فقهای خودمان از اسلام را پیاده کنیم.

۳۸. سید طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴ در بروجرد - ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ در قم) معروف به آیت‌الله العظمی بروجردی از مراجع شیعه ایرانی در سده چهاردهم می‌باشد. وی به مدت هفده سال زعیم حوزه علمیه قم و به مدت پانزده سال تنها مرجع تقلید شیعیان جهان بود.

۳۹. آیت‌الله بروجردی در مخالفت با این اقدام فرمود: هدف اینان از تغییر خط، دور کردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا زنده ام اجازه نمی‌دهم این کار عملی شود؛ به هرکجا که می‌خواهد منتهی شود.

دوانی، علی؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۳۸۵ش، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۹۴

۴۰. حالا چون موضوع بحث بنده چیز دیگری است همه اینها را به صورت کوتاه عرض می‌کنم. ما با اخوی‌مان چندین سال است که مشغولیم و بیشتر از تعداد علمایی که در کتاب الذریعه آمده، علمایی را شناسایی کرده‌ایم و داریم آنها را مکتوب و منتشر می‌کنیم. البته زحمت اصلی را هم ایشان (برادرم) می‌کنند. شاخصه اصلی این علما، مبارزه برای باقی‌ماندن اساس هویت شیعی است. علمایی که شهید شدند، تبعید شدند، بزرگانی که فلک شدند، شلاق خوردند و زندانی شدند. گاهی بر سر یک حکم خدا با یک پادشاه درمی‌افتادند تا آن حکم عوض نشود. این تاریخ پر عظمت حتماً باید بازخوانی شود، اینها شناسنامه‌های تاریخی ما هستند که باعث شده است ما الآن و امروز به اینجا برسیم.



البته باید بدانیم که فهم حضرات معصومین علیهم‌السلام از اسلام در دوره ظهور اتفاق می‌افتد؛ ما فعلاً قصد داریم از اختیارات استفاده کرده و اسلام ناب و فهم همین فقهای که داریم را به صورت حداکثری پیاده کنیم. بنابراین انگیزه بنده طلبه از اینکه تا به حال حدود چند هزار جلسه پیرامون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برگزار کرده‌ایم - البته این کار نسبت به کاری که در آینده انجام می‌دهیم هیچ چیزی نیست؛ زیرا چندده هزار جلسه دیگر باید برگزار کنیم - این است که می‌خواهیم از این فرصت تاریخی استفاده کنیم. برادران و خواهران گرامی! در این دوره، اختیارات در دست مؤمنین است و باید از این اختیارات استفاده حداکثری کنیم تا هویت شیعی و اسلام ناب را در همه ابعاد خود پیاده نماییم، این اصل داستان است.

۳. تلاش برای جلوگیری نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه از تکامل هویت شیعی و تحقق مرحله سوم؛

دلیل توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بازتعریف نظام برنامه‌ریزی

حال در مورد اینکه هویت شیعی و هویت اسلامی چگونه باید در جامعه ما پیاده شود دو قرائت وجود دارد: یک قرائت منجر به اثبات بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نمی‌شود. قرائت اول چیست؟ کسانی فکر می‌کنند که - در جلسات بعد عرض خواهیم کرد منشأ این فکر کجاست - اگر هویت اسلامی را با ابعاد آن تبیین و تبلیغ کنند، این کار منجر به اجرای هویت اسلامی می‌شود. یک بحث غلط منشأ این فکر است و آن بحث غلط این است که اکتفای به تبلیغ کار را تمام می‌کند. مثلاً پدر و مادرها در دهه محرم و در دیگر مناسبت‌های مذهبی بنشینند و در مورد اسلام با فرزندان‌شان صحبت کنند. نمی‌دانم شما هم مثل بنده این معنا را درک می‌کنید یا نه. عمده کارهای مذهبی‌ای که در کشور ما صورت می‌گیرد، اکتفای به تبلیغ، تبیین نظری و کارهای توصیفی است، حالا یا توصیف بر مبنای روایات یا بر مبنای نگاه‌های فلسفی. به هر حال ما به این سمت رفته‌ایم که دائماً تبیین را پررنگ‌تر می‌کنیم؛ یعنی برای محقق کردن اسلام به تبلیغ اکتفا می‌کنیم، این یک نگاه است.

۳/۱. گسترش تبلیغ هویت اسلامی؛ قرائت اول راجع به تکامل هویت شیعی و تحقق کامل فهم فقها از اسلام

اگر این نگاه درست باشد ما نیازی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نداریم؛ یعنی اگر ما در گزاره بنیادین ذهن مان به این نتیجه برسیم که برای جا انداختن و پیاده کردن اسلام، تبلیغ صرف کفایت می‌کند، اگر چنین اعتقادی داشته باشیم می‌گوییم این دوره‌ای که حکومت اسلامی بر سر کار است، یک فرصت استثنائی برای تبلیغ است. بنده همیشه در جلسات گفتم که در زمان حکومت پهلوی - با اینکه مرحوم آقای بروجردی رحمته‌الله اقتدار زیادی داشتند و یک مرجع واحد بودند - رادیوی سراسری ایران منبرهای آقای فلسفی رحمته‌الله را در ماه رمضان پخش می‌کرد. وقتی هم آقای فلسفی رحمته‌الله وارد نقد بهائیت شدند، همان منبرها هم قطع شد؛^{۴۲} یعنی قبلاً علمای ما وقتی می‌خواستند تبلیغ

۳/۱/۱. عدم نیاز به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تغییر نظامات اجتماعی؛ نتیجه قرائت اول

۴۱. محمد تقی فلسفی (تهران ۱۲۸۷ جمعه ۲۷ آذر ۱۳۷۷ تهران) واعظ مشهور و از شخصیت‌های مبارز انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آید. وی به دلیل منبرها و مبارزات ضد دولت پهلوی و مواعظ مشهورش شناخته شده است.

۴۲. وظیفه مذهبی حکم می‌کرد که در مقابل تبلیغات این فرقه بی‌تفاوت نباشم و علی‌رغم وابستگی آنها به دستگاه حاکم، در منابر خود بر ضد آنها مبارزه تبلیغی نمایم. اما در آن ایامی که مسأله ملی شدن نفت مطرح بود و مصدق هم به شرحی که قبلاً دادم اصولاً بهائیت را خطر نمی‌دانست و بهائیان را جزء ملت ایران و صاحب حق برابر با مسلمان‌ها می‌شمرد، این کار را به مصلحت نمی‌دانستم؛ ولی بعد از آن جریان، در سال ۱۳۳۴ قبل از شروع ماه مبارک رمضان به آیت الله بروجردی عرض کردم که آیا شما موافق هستید مسأله بهایی‌ها را در سخنرانی مسجد شاه که به طور مستقیم از رادیو پخش می‌شود، تعقیب کنم؟ ایشان قدری فکر کردند و بعد فرمودند: اگر بگویند خوب است، حالا که مقامات گوش نمی‌کنند، اقلاب بهایی‌ها در برابر افکار عمومی کوبیده شوند ... سخنرانی بر ضد بهایی‌ها در مسجد شاه و پخش آن از رادیو، موج عجیبی در مملکت ایجاد می‌کرد و مردمی که از دست آن فرقه ضاله، ستم دیده بودند، به هیجان می‌آمدند ...



کنند هزاران مرارت داشتند. حالا این عالمی که تبلیغ را مبنای کار خودش قرار داده، قطعاً دوره جمهوری اسلامی را یک دوره خاص برای خود می‌داند، دوره‌ای که حتی به او اجازه می‌دهند شبکه ماهواره‌ای راه بیندازد؛ شبکه‌های صدا و سیما که تقریباً در اختیار آقایان علما است. این فرصت تاریخی در اختیار هیچ‌یک از انبیاء علیهم‌السلام هم نبوده است. آقایان می‌توانند به راحتی به همه‌جای ایران سفر کنند، به همه ادارات و سازمان‌ها بروند و از همه شبکه‌ها استفاده کنند.

عالمی که محور کار خودش را تبلیغ قرار می‌دهد، حتماً قدر این حکومت را می‌داند. شما شنیده‌اید که برخی از علمای ما می‌فرمایند تضعیف جمهوری اسلامی حرام است.^{۴۳} بنده با بعضی از اعاضل علما مباحثه کرده‌ام و آنها در علت این حرف به صراحت می‌گویند در دوره جمهوری اسلامی به دلیل حکومت یک فقیه ما فرصت تبلیغی استثنائی پیدا کرده‌ایم که در هیچ دوره تاریخی نبوده است. لذا کسانی که به شکل سنتی فکر می‌کنند و اکتفای به تبلیغ را راه تحقق اسلام می‌دانند حتی معتقد به حکومت جمهوری اسلامی هستند. ولی حکومت جمهوری اسلامی را از چه باب قبول می‌کنند؟ از باب اینکه این حکومت شرایط را برای تبلیغ آماده‌تر کرده است. یکی از فضایل حوزه علمیه قم فرمودند از در و دیوار جمهوری اسلامی احکام و معارف می‌بارد. پیداست این عالم بصیر، این فرصت تاریخی را مغتنم می‌شمارد و از این فرصت استفاده می‌کند.

۳/۲. لزوم توجه به نظامات اجتماعی برای تکامل هویت شیعی به دلیل اثرگذاری نظامات اجتماعی بر اخلاق مردم؛ نتیجه پذیرش قرانت دوم

با همه این مباحث این سؤال کماکان باقی است که اگر ما به تبلیغ اکتفا کنیم هویت شیعی محقق می‌شود یا نه؟ از همین‌رو جریان دومی وارد بحث شده و می‌گوید اکتفای به تبلیغ منجر به تحقق هویت اسلامی به نحو تام در جامعه نمی‌شود. خلاصه حرف جریان دوم - که بحث این جریان به الگو ختم می‌شود - این است که نظامات اجتماعی بیش از تبیین و تبلیغ اخلاق‌ساز و اعتقادات‌ساز هستند؛ یعنی، اینکه مردم در چه نظامی زندگی می‌کنند غیر از آنکه زندگی مردم را مدیریت می‌کند اخلاق و اعتقادات آنها را هم می‌سازد.

در سخنرانی ماه مبارک رمضان آن سال، آیات مربوط به پیامبران خدا و اعمال مردم در عصر آنان را مورد بحث قرار می‌دادم. شاید حدود ده روز از ماه رمضان گذشته بود. یک روز در منبر این آیه را خواندم. اتینون بكل ریح آیه تعیثون. پیامبر وقت، به زندگی اشرافی افراد خود خواه و بلند پرواز اشاره می‌کند و ساختمان‌های مجلل آنها را گوشزد می‌نماید و جباریتشان را نسبت به مستضعفین خاطر نشان می‌سازد. به دنبال آن مطلب، دربارهٔ بهائیان و موقعیت آنها در ایران صحبت کردم ...

نتیجهٔ مقاومت من در ادامه سخنرانی تا پایان ماه رمضان سال ۱۳۳۴ شمسی دربارهٔ بهایی‌ها، این شد که شاه از من خشمگین شود و لذا نه تنها از آن زمان به بعد ملاقاتم با شاه جهت ابلاغ پیام‌های آیت الله بروجردی برای همیشه قطع گردید، بلکه امام جمعه تهران نیز جرأت نکرد طبق روال سابق در ماه رمضان و دههٔ اول ماه محرم از من برای سخنرانی در مسجد شاه دعوت کند! شاید هم به او دستور داده بودند. علاوه بر اینها، پخش سخنرانی‌هایم از رادیو هم برای همیشه ممنوع شد، لذا از آن سال به بعد هر ساله در ماه رمضان و برای چند سال، دههٔ اول محرم در مسجد حاج سید عزیزالله و به دعوت آیت الله خوانساری منبر می‌رفتم.

دوانی، علی؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۳۸۵ش، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۰۰

۴۳. ما باید با چنگ و دندان از نظام اسلامی محافظت کنیم؛ چرا که این نظام، تنها نظامی است که بر اساس اسلام و قرآن شکل گرفته است و همه این فتنه‌ها به خاطر این است که دشمن نمی‌خواهد نظام ما الگو باشد و به جاهای دیگر سرایت کند؛ بنابراین هر حرکتی که به ضرر نظام باشد و موجب تضعیف رهبری شود، مسلماً حرام است و باید با آن برخورد کرد.

حضرت آیت‌الله سبحانی در دیدار استادی و طلاب خواهر و برادر حوزه علمیه بناب به نقل از خبرگزاری حوزه

<http://hawzahnews.com/TextVersionDetail/245901>

آیت‌الله وحید خراسانی، از مراجع تقلید که سخنان چهارشنبه گذشته ایشان در درس تفسیر با واکنش‌های مختلفی روبرو شد، در دیدار با جمعی از اساتید حوزه و علما، با تأکید بر پشتیبانی دائمی از جمهوری اسلامی، فرمودند: حفظ این نظام از اوجب واجبات است.

<http://www.hawzah.net/fa/News/View/87480> یابگاه اطلاع‌رسانی حوزه

۳/۲/۱. روایت النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ شاهدی بر درستی قرائت دوم

بنده در جلسات همیشه عرض کرده‌ام که چه دلیلی وجود دارد امیرالمؤمنین علیه السلام بفرمایند: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؟^{۴۴} بالاخره این حدیث صحیح‌السند در مجموعه معارف ما وجود دارد. حضرت علیه السلام می‌فرمایند مردم بیش از آنکه شبیه پدر و مادرشان باشند به حاکمان‌شان شباهت دارند. پدر و مادرها از انعقاد نطفه تا آموزش‌های اولیه و تقریباً تمام طول حیات فرزندشان را مدیریت می‌کنند و این یک امر مشخص است؛ اما با اینکه امراء چنین ابزار مدیریتی و چنین سطوح اختیاری را در اختیار ندارند، تأثیرشان بر مردم بیش از پدر و مادر است. امراء چگونه چنین قدرتی پیدا می‌کنند؟ چگونه چنین تأثیرگذاری دارند؟ تنها چیزی که به دست امراء می‌باشد نظم اجتماعی است. ما از مفهوم این روایت می‌توانیم برداشت کنیم که تأثیر نظم اجتماعی روی اخلاق و اعتقادات حتی بیشتر از تأثیرات پدر و مادر است. حاکمان که اختیار دیگری ندارند و غیر از نظم اجتماعی چیز دیگری در دستشان نیست. این حدیث، یک حدیث فنی در تبیین و اثبات اعتقادات جریان دوم است. ما چرا می‌گوییم اکتفای به تبلیغ کفایت نمی‌کند؟ یک علت این امر آن است که اثر نظم اجتماعی بر روی اخلاق و اعتقادات، بسیار بیشتر است.

حالا موضوع بحث ما در روزهای اول - به نظرم شاید ده روز طول بکشد - این است که بنده در این جلسات نشان خواهم داد که چگونه نظم اجتماعی اخلاق می‌سازد، بنابراین بحث اول ما حول این است که نظم اجتماعی مبتنی بر توسعه چگونه اخلاق، اعتقادات و حتی وجدان اجتماعی را می‌سازد و اگر ما این نظم اجتماعی را به همین روالی که هست نگه داریم حتی با وجود صدها منبر اخلاقی، مردم بین حرف‌هایی که ما در تبلیغ می‌زنیم و اعتقادات تحمیل شده از ناحیه نظم موجود، تعارض می‌بینند. بنده اولین باری است که چنین قصدی کرده‌ام و ان شاء الله تعالی توفیق دهد که این قصد محقق گردد. اگرچه همین هم عبادت است. ما در ده الی پانزده روز نشان می‌دهیم نظمی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در روابط بین‌الملل، در مدیریت شهری و در حوزه‌های مختلف حاکم می‌کند چگونه اخلاق‌ها را تغییر می‌دهد.

۳/۲/۲. تبیین چگونگی ایجاد اخلاق توسط نظامات اجتماعی و هدم هویت شیعی توسط نظم اجتماعی فعلی؛ موضوع اول این دوره بحثی

وقتی این موضوع واضح شد ذهن مخاطب ما برای فهم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کاملاً آمادگی پیدا می‌کند. پس از آن در مابقی جلسات - که بخش عمده جلسات است و بنده از خدا می‌خواهم تا پایان روز چهارم ادامه پیدا کند - حدود سی‌روز نیز راجع به نظم مبتنی بر الگو بحث می‌کنم و توضیح می‌دهم که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چطور می‌خواهد این نظم مدرن را در نظم اسلامی منحل کند. توضیح خواهم داد که نقاط شروع کجاست؟ ما باید بر روی کدام نقاط دست بگذاریم؟ پس عمده بحث ما حول تبیین نظم مطلوب مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. در واقع برنامه‌ریزی نیز متکفل همین امر است؛ کار برنامه‌ریزی تعریف نظم در بخش‌های مختلف است. شما از اصطلاح برنامه‌ریزی در خانه خود، در وزارت‌خانه و در برنامه ششم که جامع‌ترین برنامه‌هاست استفاده می‌کنید. مثلاً در خانه به همسر خود می‌گویید امروز خانه بی‌برنامه بود، یعنی نظم مشخصی نبود. کار برنامه در همه‌جا، ایجاد نظم است.

۳/۲/۳. تبیین چگونگی منحل کردن نظم اجتماعی فعلی در نظم اسلامی؛ موضوع دوم این دوره بحثی

پس در ابتدا باید بحث کنیم که دو نظم متصور است تا تمام داستان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شفاف شود. ولی پیش از اینکه بنده وارد این بحث شوم، باید بگویم دغدغه ما از اینکه نظم مدرن را نمی‌پذیریم و هیچ‌گاه نخواهیم پذیرفت و به سمت تغییر این نظم نیز خواهیم رفت؛ آن است که نظامات اجتماعی بیشترین تأثیر را بر روی اخلاق و اعتقادات مردم دارند.

۳/۲/۴. اثرگذاری سوء نظم مدرن بر هویت شیعی؛ دلیل نپذیرفتن نظم مدرن توسط الگوی پیشرفت اسلامی

۴۴. وقال علیه السلام: الناس بامرائهم أشبه منهم بأبائهم.

امام علی علیه السلام فرمودند: مردم به پادشاهان خودشان شبیه‌تر هستند تا به مادران و پدرانشان.

حرانی، ابن‌شعبه؛ تاریخ وفات: ۳۲۸ق، تحف العقول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۸



جناب آقای نوبخت و دوستان جریان توسعه‌گرا از ما توقع نداشته باشند که از بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کوتاه بیایم. در طول این دو دهه‌ای که ما به فضل الهی بر روی فهم، نقد و تبیین جایگزین نظام برنامه‌ریزی ثابت‌قدم بوده‌ایم، بسیار به بنده پیغام داده‌اند که بالآخره معنای طلبگی چیست؟! آیا طلبگی به معنای بیان معارف است، یا دخالت در کارهای سیاسی؟! گویا می‌خواهند القا کنند که ما نباید در کارهای سیاسی دخالت کنیم.

بنده خاطره ای را نقل کنم. این خاطره برای کسانی که بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را دنبال می‌کنند شنیدنی است. بنده در سال‌های سکونت خود در شهر بروجرد^{۴۵} به تبع مرحوم فاضل تونی رحمته‌الله و شیخ بهایی رحمته‌الله و علمایی که کارکرد حکومتی این احکام را متوجه بودند در مناسبت‌های مذهبی ابعاد اجتماعی آن مناسبت مانند عید غدیر را بحث می‌کردند؛ ما نیز مانند یک طلبه کوچک وارد بحث می‌شدیم و می‌گفتیم که عید غدیر یعنی مسأله حکومت؛ یادم می‌آید در یکی از این مناسبت‌ها - شاید ۱۵ سال پیش بود - پیرمردی بعد از منبر آمد و به من گفت حاج آقا! بحث‌های شما خیلی خوب است ولی کمی راجع به اسلام هم صحبت کنید! این موضوع تبدیل به وجدان و ارتکاز^{۴۶} شده است و برخی فکر می‌کنند اسلام یک چیز است و صحبت کردن راجع به چگونگی نظم‌های اجتماعی یک چیز دیگر. خدا امام خمینی عظیم الشان را رحمت کند که با حکمت، ابهت و مدیریتی که داشتند این راه را باز کردند ولی هنوز کماکان رگه‌های این تفکر در جامعه ما رواج دارد.

۳/۳. غفلت از اثرگذاری نظامات اجتماعی بر اخلاق و اعتقادات مردم؛ مشکل بسیاری از افراد جامعه‌ی ایران و مشکل اصلی کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با وجود مؤمن و متدین بودن آنها

نمونه این موضوع همین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خودمان است؛ آنها حاضر هستند بنده را به عنوان امام جماعت دعوت کنند؛ بنده در بسیاری از این وزارت‌خانه‌ها به صورت مهمان، امام جماعت شده‌ام و در مناسبت‌ها برایشان صحبت کرده‌ام. اما آنها مانند همین پیرمرد مسجد ما کماکان قدیمی فکر نموده و تصور می‌کنند که اگر طلبه‌ای راجع به نظم اجتماعی صحبت کرد، خلاف اسلام رفتار کرده است. شما خیلی تعجب نکنید که تابلوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را یدک می‌کشند؛ آنها واقعاً قدیمی فکر می‌کنند! متأسفانه این موضوع در سایر نهادهای دیگر نیز کم و بیش رایج است و هنوز متوجه نشده‌اند که انقلاب امام خمینی رحمته‌الله به منظور بازتعریف نظم اجتماعی بوده است. پس به صورت ساده داستان اصلی این است که ما می‌خواهیم با استفاده از اختیارات حکومتی بی‌ظنیر دوره انقلاب اسلامی، هویت شیعی را در ایران به صورت کامل محقق کنیم.^{۴۷}

پس به طور خلاصه الآن در دوره‌ای هستیم به نام دوره تکمیل هویت شیعه و دوره زمینه‌سازی ظهور و مهمترین نقطه تمایز این دوره آن است که ما دارای اختیارات اجتماعی هستیم، یعنی می‌توانیم نظم اجتماعی را بازتعریف کنیم. پس باید بحث کنیم که آیا نظم‌های اجتماعی موجود نسبت به هویت شیعی مضر هستند یا نه؟ اگر اثبات کردیم که نظام برنامه‌ریزی کشور و برنامه ششم کشور ضد هویت شیعی عمل می‌کنند، باید این نوع برنامه‌ریزی را تغییر داده و به سمت نظم مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نظم جایگزین حرکت کنیم.

۴۵. این دوران، دوران پژوهش بود و ما تلاش علمی می‌کردیم تا مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و تمدن‌سازی را بفهمیم.

انتقال از متن

۴۶. ارتکاز به راسخ‌شدن چیزی در ذهن و فکر انسان می‌گویند.

۴۷. البته بنده بارها عرض کرده‌ام که تحقق کامل فهم فقها، به معنای زمینه‌سازی ظهور است. برخی به محض اینکه راجع به تحقق کامل اسلام صحبت می‌شود، به اشتباه این موضوع را با تحقق کامل اسلام در عصر حضرت ولی عصر ع مقایسه می‌کنند. در جلسات آخر نیز راجع به دوره ظهور و مدیریت حضرت ع صحبت خواهم کرد تا این اشتباه پیش نیاید.

انتقال از متن



لذا از این لحاظ جامعه ما و به‌خصوص نظام کارشناسی در یک جهل مزمن به سر می‌برد؛ دستگاه کارشناسی کشور و نظام برنامه‌ریزی کشور - که بسیاری از آنها متدین و مؤمن هستند - نسبت بین ایمان، اعتقادات و اخلاق با نظم اجتماعی را درک نمی‌کنند و این مسأله بسیار مهمی است که می‌خواهیم راجع به آن بحث کنیم. پس ما داریم کار طلبگی می‌کنیم. از آقای نوبخت و دوستانشان خواهش می‌کنیم که پیغام ندهند که "ما به کار طلبگی مشغول باشیم؛" کار طلبگی حفظ هویت شیعی است؛ اما ما یک بحث موضوع‌شناسی فنی داریم مبنی بر اینکه حفظ هویت شیعی از طریق اکتفا به تبلیغ ممکن نیست و باید به سمت تغییر نظامات اجتماعی حرکت کنیم تا این امکان ایجاد گردد. این بحث، تمام داستان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

ان‌شاءالله به فضل الهی فردا وارد اصل بحث خواهیم شد؛ همان‌طور که وعده دادم و دوستان نیز در اعلامیه‌ها منتشر کرده‌اند چالش‌های نظام برنامه‌ریزی کشور، نقطه آغاز بحث خواهد بود؛ منتهی با همین توضیحاتی که امروز دادم کاملاً واضح شد که مهمترین چالش نظام برنامه‌ریزی کشور این است که واقعیت‌ها را نمی‌فهمد و یا آن را مکتوم و مخفی می‌نماید. یکی از این واقعیت‌ها نسبت بین نظم اجتماعی و اخلاق و اعتقادات جامعه است.

دوستان نیز دوره را به گونه‌ای طراحی نموده‌اند که مباحث این دوره تفصیلی به دست کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی برسد. توصیه بنده این است که کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی - به خصوص عزیزانی که از افراد قدیمی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هستند - به قسمت اول این دوره و عرایض ما توجه کنند. آنها معتقد به این معارف هستند و در مناسبت‌های مذهبی مانند عاشورا حضور مستمر دارند؛ اما همان‌گونه که عرض کردم در این میان یک جهل حاکم است؛ و آن جهل این است که نسبت بیان اعتقادی که خودشان به آن معتقد هستند و نظم اجتماعی را متوجه نیستند. ان‌شاءالله این جلسات و مباحثات کمک کند تا اثر نظم اجتماعی بر اخلاق مردم واضح شود. در این صورت کاملاً واضح خواهد شد که ما نیاز به یک خانه‌تکانی و تغییر جدی در نظام برنامه‌ریزی داریم.

خلاصه بحث این جلسه این است که اولاً نباید در حوزه نظم اجتماعی به سمت تبعیت از کفار برویم؛ زیرا در این صورت همه چیز به سمت قبل باز می‌گردد، به دوران پیش از انقلاب؛ شیعه وارد دوره‌ای خواهد شد که از آن عبور کرده است، یعنی حرکت معکوس خواهیم کرد.

ثانیاً باید تاریخ دوره‌ای که طی شده است را باید بازخوانی کنیم. همان‌طور که عرض کردم سه دوره تاریخی وجود دارد؛ ۱. دوره انتقال هویت شیعه به ایران ۲. دوره تثبیت هویت شیعه در ایران و ۳. دوره تکمیل هویت شیعه در ایران. این بازخوانی بسیار مهم است و باید انجام شود. مبتنی بر این تحلیل، هم‌اکنون در دوره تکمیل هویت شیعه در ایران قرار داریم.

برخی از نخبگان اختیاراتی که انقلاب اسلامی ایجاد کرده است را فقط در تبلیغ ضرب نموده و برای گسترش تبلیغ هویت دینی استفاده می‌کنند که به نظر ما در نهایت، این تلاش منجر به ارتقا اخلاق و اعتقادات در جامعه نخواهد شد و جامعه به سکولاریزه شدن و سطحی شدن پیش خواهد رفت. هم‌اکنون نیز این چالش قابل مشاهده است و با اینکه سطح جلسات و مناسبت‌های مذهبی کاملاً ارتقا یافته است و مناسبت‌های مذهبی در همه‌جا جدی گرفته می‌شود، نمی‌توانیم به صورت

۳/۴. سطحی شدن دین و سوق مردم به سمت سکولاریسم؛ نتیجه عدم تغییر نظامات اجتماعی در راستای تقویت هویت شیعی



صریح بگوییم عمق معارف اهل بیت علیهم‌السلام نیز هر روز غنی‌تر می‌شود. در همین شهر تهران که مراسم محرم را به صورت بسیار مناسب برگزار می‌کنند ۴۲ درصد طلاق وجود دارد.^{۴۸} جامعه دچار دریافت‌های سطحی از دین شده است و این موضوع باید مورد توجه جریان فهم سنتی از اسلام قرار بگیرد. با اینکه دائماً راجع به خانواده و ازدواج صحبت می‌کنند، اما سال به سال طلاق در حال افزایش است.

رویکرد دوم این است که از اختیارات حکومت اسلامی برای بازتعریف نظم اجتماعی استفاده کنیم. این خلاصه بحثی است که به صورت تفصیلی در این دوره توضیح داده خواهد شد. در ابتدای این دوره نیز نظم اجتماعی موجود و آثار آن بر اخلاق اجتماعی را توضیح خواهیم داد و در ادامه - که اصل این دوره نیز هست - نظام اسلامی را به طور مبسوط شرح خواهیم داد.

وصلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۴۸. مدیر کل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور: در کلان‌شهری مانند تهران، کرج و مشهد این آمار بسیار بالاتر از میانگین کشور و بالغ بر ۳۴ درصد و در اصفهان ۳۰ درصد است این آمار نشان می‌دهد در کلان‌شهرها وضعیت طلاق بیشتر از میانگین کشوری است. وی ادامه داد: در شمال و جنوب شهر تهران نیز وضعیت آمار طلاق با یکدیگر متفاوت است به گونه‌ای که نسبت طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج در شمیرانات ۵۷ و ری ۲۳ درصد است.

<http://jamejamonline.ir/online/2091236649018130911> جامعه آنلاین

مشاور وزیر دادگستری با اشاره به افزایش ۸ درصدی طلاق در ۹ ماهه سال ۹۴ نسبت به سال گذشته گفت: از هر ۱۰۰ ازدواج در تهران ۳۸ مورد به طلاق می‌انجامد.

<http://www.mehrnews.com/news/3037647> خبرگزاری مهر

پرسش و پاسخ

۱. عدم اکتفا به تبیین، جانمایی و تبیین در فضای نظام مقایسه؛ دو تفاوت عمده تبیین در جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تبیین

در قرائت اول نسبت به تکامل هویت شیعی

یکی از حضار: ... آیا فکر نمی‌کنید خود شما نیز صرفاً به تبیین و توصیف الگو می‌پردازید در حالی که به نظر بنده اتفاقاً مبتنی بر این استدلال شما الگو هم باید از یک نقطه، شروع کند و یک جریان عملیاتی را اجرا می‌کند و صرف توصیف نیست. البته نه اینکه بخواهیم منکر جنبه توصیف و یا وصف شویم، خیر؛ بلکه می‌گوییم باید در عمل اتفاقی بیافتد نکته دوم هم اینکه معتقد هستم الگو نیازمند یک مدل است، چیزی که در کشور کمتر راجع به آن کار شده است و یا اینکه اگر هم عرضه شده در واقع ماهیت مدل ندارد. حتی به نظر بنده در تعریف الگو به یکپارچگی و تجمیع دست پیدا نکرده‌ایم. بنابراین بنده معتقدم که این نقد شما، به مسیر و راهی که خود شما در پیش گرفته‌اید نیز وارد است، یعنی خود شما نیز تنها به صورت توصیفی جلو می‌روید در حالی که عملاً نباید این‌گونه باشد. البته نه اینکه هیچ‌کس نباید به توصیف ورود پیدا کند، بلکه به عنوان فردی که سال‌هاست در این زمینه تلاش می‌کنید، دقیقاً همان نقدی که وارد می‌کنید، بر خود شما نیز وارد است.

استاد کشوری: بله، به محضر شما عرض کنم که بین تبلیغ به معنای موجود و آن کاری که ما انجام می‌دهیم یک تفاوت وجود دارد و آن هم عبارت از مفهوم «نظام مقایسه» است.^{۴۹} به هر حال ما با اصل تبیین مخالفتی نداریم، اما با اکتفا به آن مخالف هستیم. پس این یک فرق است؛ جریان موجود به تبلیغ اکتفا کرده است. فرق دوم هم اینکه در ماهیت تبیینی که الگو آن را انجام می‌دهد مفهومی به اسم نظام مقایسه نهفته است که البته با این توضیحات مختصری هم که بنده ارائه دادم، مشخص می‌شود. مثلاً فرض بفرمایید در ده روز اول به فضل الهی به شرح نظم مدرن می‌پردازیم و سپس در روزهای بعد نظم مبتنی بر فکر اسلامی را شرح خواهیم داد. دقت بفرمایید که پایه بحث ما ایجاد مقایسه است. خُب اگر اولاً به تبیین اکتفا شود و ثانیاً در ماهیت آن، نظام مقایسه اصل قرار نگیرد [از نظر ما این کار غلط است].

شاید در این منبرهای ماه محرم شنیده باشید یکی از کارهایی که معاویه انجام می‌داد این بود که در شهر شام ایمان را به مردم می‌آموخت اما هرگز اجازه تبیین کفر و شرک را نمی‌داد.^{۵۰} فلسفه این کار هم این بود که اگر مفهوم کفر و شرک تبیین می‌شد مردم متوجه افعال، رفتار و دستورات شرک‌آمیز و کفرآمیز حکومت معاویه می‌شدند. قرآن می‌فرماید: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^{۵۱}؛ معاویه غی را بحث نمی‌کرد و تنها رشد را بحث می‌کرد. پس اگر تبیین به سمت ایجاد نظام مقایسه رفت و برای مثال بین نظم موجود و نظم مطلوب مقایسه انجام داد، یعنی دو راه در مقابل مردم قرار می‌دهد؛ در این صورت این کار آغاز

۴۹. مفهوم نظام مقایسه در دهه سوم و چهارم از همین دوره به صورت مفصل بحث خواهد شد.

۵۰. علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد، عن المنقري، عن سفیان ابن عیینة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن بني أمية أطلقوا للناس تعليم الايمان ولم يطلقوا تعليم الشرك لكي إذا حملوهم عليه لم يعرفوه امام صادق عليه السلام فرمودند: بنی امیه اجازه دادند که مردم ایمان را یاد بگیرند؛ اما اجازه ندادند که مردم بفهمند کفر چیست. برای این که اگر خودشان رفتاری کردند که مردم را به سمت کفر و فسق سوق دادند، مردم نفهمند اینها چه کار می‌کنند.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ تاریخ وفات مؤلف؛ ۳۹۲ ق، الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۱۵

۵۱. لا إكراه في الدين قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ / آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره

در گرایش مردم به دین اجباری نیست، زیرا راه درست به خوبی از راه نادرست مشخص شده است. پس هر کس به طاغوت‌ها کافر شود و به خدا ایمان بیاورد، قطعاً به استوارترین دستاویز که برای آن گسستن نیست چنگ زده است، و خدا شنونده گفتار مردم و آگاه از کفر و ایمان آنهاست.



نظام‌سازی است نه فقط تبیین صرف. چون راه خود را در مقابل راه موجود مقایسه و بحث کرده است. بنابراین با تبیین بسیار متفاوت است؛ زیرا در آن نظام مقایسه وجود دارد.

ضمناً ما تنها به تبیین نمی‌پردازیم، همین الان پیشنهادهای ما در مجلس شورای اسلامی مطرح است. بنده همیشه عرض کرده‌ام که در اولین مصاف بین جریان الگوی پیشرفت اسلامی و جریان توسعه غربی بر سر مسأله برنامه ششم، آن برنامه با چالش جدی روبرو شد. پس ببینید تبیین تنها نبود. این چالش به چه شکل است؟ خُب سال ۱۳۹۴ که برنامه ششم به کلی رد شد و این اولین بار بود که این اتفاق می‌افتاد؛^{۵۲} یعنی در هفتاد سال گذشته اصلاً سابقه نداشته که یک برنامه توسعه تصویب نشود. تنها در مورد برنامه چهارم یکبار این مسأله را داشتیم که به دلیل نوشته‌نشدن برنامه پنجم توسط دولت، وقت برنامه چهارم تمدید شد.^{۵۳}

می‌دانید چرا امسال برنامه ششم تصویب شد؟ بالأخره در این رفت و آمدهای برنامه ششم که بین دولت و مجلس و دستگاه‌های مختلف نظام اتفاق افتاد، آقای لاریجانی به رهبر معظم انقلاب نامه‌ای نوشتند با این مفهوم که نمایندگان مجلس این برنامه ششم را تصویب نخواهند کرد؛ مگر اینکه یا خود دولت و یا نمایندگان مجلس در آن تغییر ایجاد کنند.^{۵۴} بعد از آن، نامه به دفتر رئیس جمهور پاراف شد و در نتیجه نمایندگان هم به شرطی به کلیت برنامه ششم رأی دادند که دستشان در تغییرات باز باشد. پس بنابراین در ظاهر کلیات برنامه ششم را تصویب شده می‌بینیم ولی در باطن این پیش‌بینی وجود دارد که برنامه ششم ۱۰۰ تا ۲۰۰ ماده خواهد داشت، درحالی که لایحه دولت تنها ۳۵ ماده بوده است؛ یعنی ۱۶۰ یا ۱۷۰ حکم به آن اضافه شده است.

بنابراین در اولین مصافی که در حوزه برنامه‌ریزی ایجاد شد مجموع شرایط به گونه‌ای مدیریت شد که اکنون برنامه ششم به شکلی که نظام برنامه‌ریزی توسعه‌گرا می‌خواهد تصویب نخواهد شد. چنین مسأله اتفاق افتاده است. پس بنابراین اکتفاء به تبلیغ هم نبوده است.

۵۲. به گزارش خبرنگار اقتصادی باشگاه خبری خبرگزاری تسنیم (پویا)، برای اولین بار طی عمر ۷۰ ساله نظام برنامه‌ریزی کشور، لایحه یک برنامه ۵ ساله، رأی نیاورد. لذا مجلس با تمدید یکساله برنامه پنجم توسعه، لایحه برنامه ششم را از دستور کار خارج کرد. همچنین گفتنی است طی ۷۰ سال گذشته این اولین بار است که یک برنامه توسعه، حتی واجد شرایط اصلاح نیز شناخته نشد و یکسره از جانب قوه مقننه مردود اعلام شده است.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/12/18/1022903>، *خبرگزاری تسنیم*

۵۳. علی‌رغم اینکه دولت سابق مطابق با ماده هشت قانون برنامه چهارم موظف شده بود که حداقل شش ماه قبل از پایان برنامه، لایحه برنامه پنجم توسعه را به مجلس ارائه کند، اما این اتفاق رخ نداد و لایحه برنامه پنجم اواخر دی ماه (سال ۸۸) در حالی به مجلس رفت که لایحه مهم بودجه نیز با فاصله یک هفته بعد از آن به خانه ملت رفت و عملاً این اقدام دولت باعث شد که لایحه برنامه پنجم از دستور کار مجلس کنار گذاشته شده و به جای آن، لایحه بودجه ۱۳۸۹ بررسی شود.

علاوه بر این به زعم برخی از نمایندگان مجلس آن زمان، برنامه پنجم اصولاً وجود خارجی نداشت. اما دولت وقت نیز این گونه استدلال کرد که روح برنامه‌ها با هم تفاوت چندانی ندارد و چون همه چیز بر سند چشم‌انداز مبتنی است، بنابراین می‌توان کارها را تا پیش از تصویب نهایی برنامه پنجم هم به گونه‌ای پیش برد و در نهایت با تصویب نمایندگان مجلس تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن برنامه پنجم، احکام برنامه چهارم تمدید شد.

<http://www.yjc.ir/fa/print/5531281>، *باشگاه خبرنگاران جوان*

۵۴. به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به دلیل وجود برخی نواقص در لایحه برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران نامه‌ای را به رهبر معظم انقلاب ارسال کرد. با توجه به اینکه لایحه ارسالی دولت درباره برنامه ششم در واقع «لایحه احکام مورد نیاز برای برنامه ششم توسعه» بوده است، لذا رئیس مجلس شورای اسلامی در این نامه ۲ راهکار پیشنهادی را مطرح کرده است. اولین راهکار تدوین و ارائه یک لایحه جدید به مجلس توسط دولت بوده و دومین راهکار هم تکمیل و نگارش لایحه فعلی دولت در پارلمان بوده است.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950710001360>، *خبرگزاری فارس*



هم‌اکنون هم در خصوص سند توسعه‌ای شهر مشهد^{۵۵} نیز این اتفاق در حال تکرار است؛ یعنی دومین «نمونه‌سازی الگوی پیشرفت اسلامی» در بحث مدیریت شهری است که آن را در جلسات بعد خدمت شما عرض خواهیم کرد.^{۵۶} بله فرمایش شما فنی است، ما الحمدلله به آن توجه کردیم و این‌شاءالله فردا بحث را ادامه خواهیم داد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد ﷺ

۵۵. شهرداری مشهد به‌عنوان نماینده قاطبه شهروندان و زائران، با هدف پاسخ‌گویی به نیاز کلیه ذی‌نفعان شهری در سال ۱۳۹۲ با بررسی تجارب مشابه و انجام امور مقدماتی از جمله تهیه شرح خدمات و آموزش کارشناسان داخلی بستر آغاز تدوین این سند راهبردی و حیاتی را برای شهر فراهم کرد. در سال ۱۳۹۳ با توجه به جایگاه شورای محترم اسلامی شهر به‌عنوان تنها نهاد قانونی در مدیریت و هماهنگی امور شهری و لزوم همکاری کلیه ذی‌نفعان شهری در تنظیم و اجرای راهبردهای توسعه شهری این امر مهم در دستور کار قرار گرفته و امید است تا با رویکردی آینده‌پژوهانه، استراتژیک و مشارکتی و با بهره‌گیری از تلاش‌های انجام‌شده تا کنون در شهر، اهداف و نتایج یادشده در زمانی کوتاه عملیاتی شود.

وبسایت معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد - https://planning.mashhad.ir/portal_content/1239967-CDS.html - سند-راهبردی-توسعه-شهر-مشهد

۵۶. برای اطلاع از این نمونه‌سازی به دوره تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی در مدرسه علمیه مروی مراجعه نمائید.



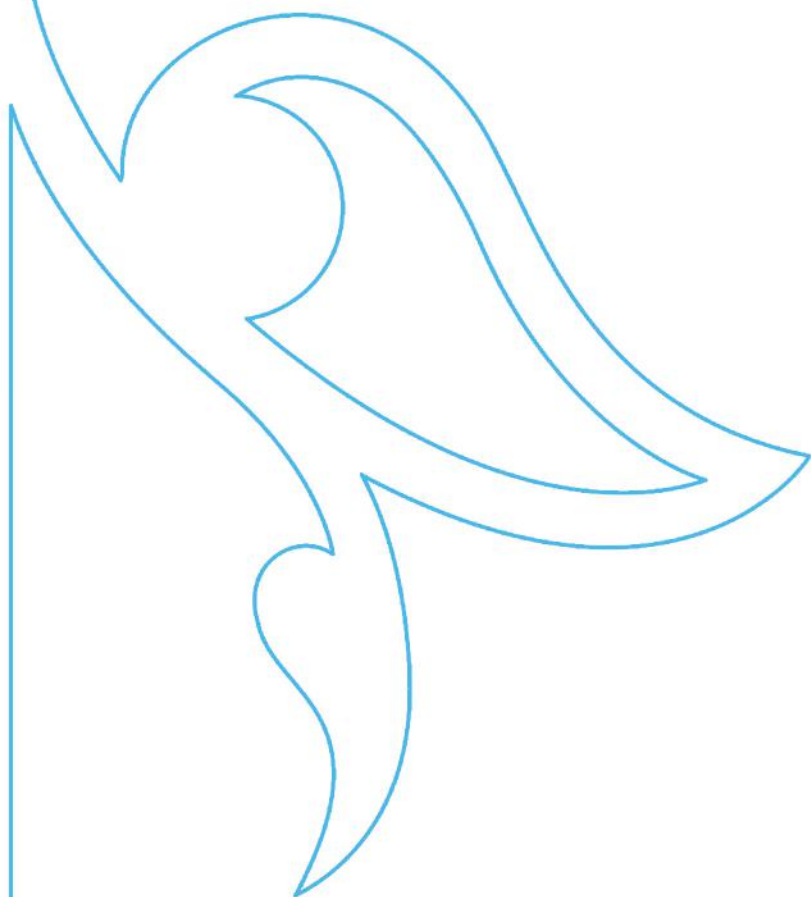
فهرست تفصیلی

۱. تبعیت نظام برنامه‌ریزی از تئوری‌های غربی؛ عامل بازگشت ملت ایران به دوران قبل از انقلاب اسلامی (دوره‌ی تثبیت هویت شیعی)..... ۱
 - ۱/۱. بازگشت به شرایط قبل از ایمان و تحمّل خسارت؛ نتیجه تبعیت از کفار (مفاد آیه ۱۴۹ سوره آل عمران)..... ۱
 - ۱/۱/۱. درخواست‌ها، دستورات و نظم‌های پیشنهادی کفر؛ عامل بازگشت به شرایط ایمان در صورت تبعیت از کفار..... ۲
 - ۱/۲. تبعیت نظام برنامه‌ریزی کشور از تئوری‌های غربی و کفار؛ مشکل اصلی نظام برنامه‌ریزی کشور ایران..... ۳
 - ۱/۳. تبیین خطرات و عاقبت‌های سوء تبعیت نظام برنامه‌ریزی کشور از نظریات غربی و در ادامه ارائه راه‌حل‌های جایگزین؛ هدف از برگزاری این دوره بحثی..... ۴
۲. بازخوانی ادوار سه‌گانه انتقال، تثبیت و تکامل هویت شیعی در ایران؛ مقدمه ورود به بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بازتعریف نظام برنامه‌ریزی..... ۴
 - ۲/۱. هویت شیعی؛ مشخصه‌ی اصلی کشور ایران..... ۴
 - ۲/۲. بازخوانی ادوار سه‌گانه‌ی هویت شیعی در ایران؛ مقدمه ورود به مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت..... ۴
 - ۲/۳. انتقال هویت شیعی به ایران؛ اولین دوره هویت شیعی در ایران و شروع این دوره از جنگ اعراب و ایران و توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به خوش رفتاری با ملت ایران..... ۵
 - ۲/۳/۱. هجرت خاندان جناب ابوطالب علیه السلام و اشعری‌ها به ایران؛ فراز بعدی انتقال هویت شیعی..... ۶
 - ۲/۳/۲. هجرت علی بن محمد باقر علیه السلام به اردها؛ گامی دیگر در راستای انتقال هویت شیعی..... ۶
 - ۲/۳/۳. هجرت تاریخی امام رضا علیه السلام و حضرت معصومه علیه السلام؛ نقطه عطف انتقال هویت شیعی به ایران..... ۷
 - ۲/۳/۳/۱. هجرت دادن حضرت رضا علیه السلام به ایران از مسیرهای خالی از شیعیان و گسترش شیعیان در ابتدا و رفت و آمد آسان‌تر و گسترده‌تر شیعیان در مرو در ادامه؛ نشانه‌هایی از قوت گرفتن هویت شیعی..... ۷
 - ۲/۳/۴. فعالیت‌های علامه حلی علیه السلام برای شیعه کردن ایران؛ گامی دیگر در جهت انتقال هویت شیعی..... ۷
 - ۲/۳/۵. فعالیت‌های شیخ بهائی و علمای هم‌عصر ایشان در دوران صفویه؛ گام بعدی انتقال هویت شیعی..... ۸
 - ۲/۳/۵/۱. جذب کردن طلاب به سمت حوزه علمیه توسط علامه فاضل تونی علیه السلام به وسیله یک درخواست مبتکرانه از شاه‌عباس؛ نمونه‌ای از تلاش‌های علما برای انتقال کامل هویت شیعی به ایران..... ۸
 - ۲/۳/۶. حکومت مبارک صفویه؛ نقطه ختم انتقال کامل هویت شیعی به ایران..... ۹
 - ۲/۴. تثبیت هویت شیعی؛ دومین دوره هویت شیعی در ایران و آغاز این دوره از بنیانه نادرشاه در دشت مغان..... ۹
 - ۲/۴/۱. تلاش برخی جریان‌ها برای بازگرداندن ایران به دوران پیش از انتقال هویت شیعی و مقابله علما با این تلاش‌ها؛ ویژگی اصلی دوره دوم..... ۱۰
 - ۲/۴/۲. پایان حکومت پهلوی؛ نقطه ختم دوره دوم هویت شیعی در ایران..... ۱۱
 - ۲/۵. تکامل هویت شیعی؛ سومین دوره هویت شیعی در ایران..... ۱۱



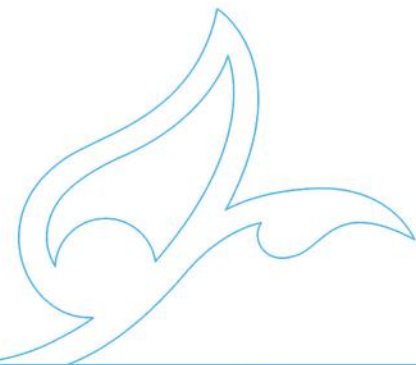
- ۲/۵/۱. به دست‌گرفتن اختیارات اداره جامعه توسط مؤمنین و تلاش برای تحقق حداکثری اسلام؛ ویژگی اصلی دوره سوم ۱۱
- ۲/۵/۲. تحقق حداکثری و کامل فهم فقها از اسلام؛ ریشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۱
۳. تلاش برای جلوگیری نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه از تکامل هویت شیعی و تحقق مرحله سوم؛ دلیل توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بازتعریف نظام برنامه‌ریزی ۱۲
- ۳/۱. گسترش تبلیغ هویت اسلامی؛ قرائت اول راجع به تکامل هویت شیعی و تحقق کامل فهم فقها از اسلام ۱۲
- ۳/۱/۱. عدم نیاز به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تغییر نظامات اجتماعی؛ نتیجه قرائت اول ۱۲
- ۳/۲. لزوم توجه به نظامات اجتماعی برای تکامل هویت شیعی به دلیل اثرگذاری نظامات اجتماعی بر اخلاق مردم؛ نتیجه پذیرش قرائت دوم ۱۳
- ۳/۲/۱. روایت النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ شاهدی بر درستی قرائت دوم ۱۴
- ۳/۲/۲. تبیین چگونگی ایجاد اخلاق توسط نظامات اجتماعی و هدم هویت شیعی توسط نظم اجتماعی فعلی؛ موضوع اول این دوره بحثی ۱۴
- ۳/۲/۳. تبیین چگونگی منحل‌کردن نظم اجتماعی فعلی در نظم اسلامی؛ موضوع دوم این دوره‌ی بحثی ۱۴
- ۳/۲/۴. اثرگذاری سوء نظم مدرن بر هویت شیعی؛ دلیل نپذیرفتن نظم مدرن توسط الگوی پیشرفت اسلامی ۱۴
- ۳/۳. غفلت از اثرگذاری نظامات اجتماعی بر اخلاق و اعتقادات مردم؛ مشکل بسیاری از افراد جامعه‌ی ایران و مشکل اصلی کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با وجود مؤمن و متدین بودن آنها ۱۵
- ۳/۴. سطحی‌شدن دین و سوق مردم به سمت سکولاریسم؛ نتیجه عدم تغییر نظامات اجتماعی در راستای تقویت هویت شیعی ۱۶
- پرسش و پاسخ ۱۸
۱. عدم اکتفا به تبیین، جانمایی و تبیین در فضای نظام مقایسه؛ دو تفاوت عمده تبیین در جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تبیین در قرائت اول نسبت به تکامل هویت شیعی ۱۸

جلسه دوم



تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد؛
نظم کلان توسعه غربی برای اداره جامعه
و ضدیت این نظم با هویت شیعی

شناسنامه جلسه دوم



عنوان
تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد: نظم کلان توسعه غربی برای
اداره جامعه و ضدیت این نظم با هویت شیعی

تاریخ نشست
۲ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۹ صفحه (قطع رحلی)

در جلسه گذشته بیان شد که دلیل اصلی مخالفت الگوی پیشرفت اسلامی با نظم فعلی حاکم بر نظام برنامه‌ریزی، ضدیت این نظم با هویت شیعی و دین‌داری مردم است. در این جلسه به صورت تفصیلی‌تر به نسبت میان نظم اجتماعی و دین‌داری مردم پرداخته و در آخر نیز نظریه مختار را بیان نموده و بر اساس آن نظریه به بازخوانی نظم حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور ایران خواهیم پرداخت.

سؤال اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این است که آیا ارتباطی میان دین‌داری مردم و نظامات اجتماعی وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال سه جریان عمده وجود دارد؛ گروه اول که از آنها به فهم سنتی تعبیر می‌شود اصلاً ارتباط میان این دو مقوله را مورد بحث قرار نداده‌اند. جریان دومی در کشور ایران وجود دارد که ارتباط میان این دو را بحث کرده و در نسبت میان این دو موضوع بیان می‌دارد که نظامات اجتماعی تأثیری بر دین‌داری مردم ندارند. جریان سومی نیز وجود دارد که معتقد است بیش از اینکه دین‌داری مردم تحت تأثیر تبلیغ هویت اسلامی باشد، متأثر از نظامات اجتماعی‌ای است که حاکمان و اُمراء جامعه تنظیم می‌کنند.

جریان سوم با توجه به مبنای خود معتقد است که الگوهای غربی‌ای که در کشور اجرا می‌شوند باید تغییر کنند؛ زیرا نظم فعلی برنامه‌ریزی کشور تأثیرات بسیار سوئی را بر هویت دینی افراد جامعه می‌گذارد.

در توضیح بیشتر باید گفت که نظم مبتنی بر توسعه غربی از دو بُعد کلان و بخشی موجب چالش هویت شیعی می‌شود. نظم کلان توسعه غربی که موجب چالش هویت دینی می‌شود، تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد است. در واقع جریان توسعه غربی در نظم کلان خود برای اداره جامعه، اقتصاد را محور اداره جامعه قرار داده و تمام بخش‌های دیگر جامعه را با این بخش محوری هماهنگ می‌کند و این امر در موارد زیادی موجب هدم هویت دینی می‌گردد.

یکی از حوزه‌هایی که از منظر جریان توسعه‌گرا باید با بخش اقتصاد هماهنگ شود، نظام آموزشی است. از منظر این جریان نظام آموزشی کشور باید مفاهیم مرتبط با حوزه اقتصاد را محور آموزش قرار داده و سعی نماید تا این مفاهیم را به صورت کامل برای دانش‌آموزان جا بیاندازد تا انسان‌های کارآمدی در بخش خدمات و تولید کشور تربیت شوند. ضدیت این موضوع با هویت اسلامی داز آن جهت است که آموزش و پرورش برای انتقال مفاهیم اقتصادی بهترین سن زندگی افراد یعنی دوران شکل‌گیری شخصیت را انتخاب نموده و فرصتی را برای طرح مفاهیم دینی و معارف اسلامی در این سن نمی‌دهد.

از دیگر حوزه‌هایی که باید به نفع اقتصاد تغییر ماهیت دهد فرهنگ جامعه است؛ یکی از مواردی که در فرهنگ جامعه ایران و فرهنگ اسلامی وجود دارد آن است که زنان، عناصر اصلی تربیت‌کننده‌ی افراد جامعه و در واقع مدیران خانه هستند؛ اما جریان توسعه غربی معتقد است که نقش زنان باید از نقش مادری به نقش نیروی کار ارزان‌قیمت تنزل یابد تا کارگران بخش خدمات و تولید بیشتر شوند و اقتصاد سامان یابد. با خارج‌شدن مادران از منازل نیز دیگر مجالی برای تربیت صحیح فرزندان باقی نخواهد ماند و در نتیجه تربیت دینی افراد به چالش کشیده خواهد شد.

مبنای محوری جریان توسعه‌گرا، اصلاح قرائت دینی به نفع احکام مدرن است. از نظر این جریان، مهم‌ترین چالش پیش‌روی تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد، قرائت فعلی از دین است؛ این قرائت معتقد است که دین باید در عرصه‌های اجتماعی حضور یابد؛ اما جریان توسعه‌گرا معتقد است که قلمرو اسلام نیز مانند مسیحیت باید در درون فرد و صرفاً ارتباط میان فرد و خدا منحصر شود و مابقی متغیرهای مؤثر در جامعه حول بخش اقتصاد تنظیم شوند.

فهرست اجمالی

۱. اثرگذاری نظامات اجتماعی بر روی اخلاق و دین‌داری مردم؛ دلیل توجه الگوی پیشرفت اسلامی به نظامات اجتماعی	۲۷
۲. لزوم بازتعریف نظم فعلی برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری سوء نظم کلان و بخشی نظام برنامه‌ریزی بر هویت دینی	۳۴
پرسش و پاسخ	۴۴

جاسه دوم: تبدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد؛ نظم کلان توسعه غربی برای اداره جامعه و ضدیت این نظم با هویت شیعی و دینداری مردم





۱. اثرگذاری نظامات اجتماعی بر روی اخلاق و دین‌داری مردم؛ دلیل توجه الگوی پیشرفت اسلامی

به نظامات اجتماعی

۱/۱. بررسی ارتباط میان اخلاق جامعه و نظامات اجتماعی؛ موضوع اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين، لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

در جلسه دیروز محضر برادران و خواهران گرامی گزارش دادم که موضوع اصلی بحث «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» ملاحظه نسبت بین دو چیز است؛ ملاحظه نسبت بین «اخلاق، اعتقادات و فهم جامعه از دین» و «نظم اجتماعی». اگر کسی بین این دو مسئله - یعنی بین اخلاق جامعه و نظم اجتماعی - رابطه‌ای را نبیند، به صورت طبیعی بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در ذهن او موضوعیت پیدا نمی‌کند؛ ولی اگر کسی بین این دو موضوع ارتباط برقرار کند، به صورت طبیعی بحث الگوی اداره جامعه در ذهن او به یک مسئله اصلی تبدیل خواهد شد. این بحثی بود که بنده در جلسه گذشته محضر شما مطرح کردم. در واقع خلاصه بحث این است که حالا که مؤمنین اختیارات اداره جامعه را به عهده دارند و هدف اصلی آنها حفظ ایمان و دین جامعه است، آیا نیازی به بازتعریف نظم اجتماعی دارند یا اینکه برای حفظ ایمان جامعه و هویت اسلام ناب نیازی به بازتعریف نظم اجتماعی نیست؟ این فضای اصلی بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

۱/۲. عدم بحث درباره نسبت میان دین‌داری مردم و نظامات اجتماعی (فهم سنتی از اسلام)؛ رویکرد اول نسبت به ارتباط میان دین‌داری و نظامات اجتماعی

دیروز اشاره کردم و امروز تفصیلی‌تر بحث می‌کنم که سه جریان در بررسی نسبت میان این دو موضوع سه حکم متفاوت داده‌اند. جریان اول نسبت بین دین‌داری^۱ و نظم اجتماعی را اصلاً بحث نکرده است. به عبارات بنده دقت بفرمایید! بنده کلمات خود را کاملاً دقیق به کار می‌برم. گروه اول اصلاً وارد این بحث نشده است؛ یعنی شما اصلاً در کلاس‌های درس، مناظر، نوشته‌ها و کتب این جریان عباراتی را نمی‌بینید که این ارتباط را بحث کرده باشد. اصلاً توضیح نداده‌اند که آیا نظم اجتماعی با دین‌داری مردم بی‌ارتباط است یا ارتباط دارد، اگر ارتباط دارد، شکل ارتباط چگونه است؟ جریان اول در مباحث خود کاملاً سکوت کرده است. ما از این جریان در بحث‌های الگو به جریان فهم سنتی تعبیر کرده‌ایم. همان‌طور که گفتم بحث نظم و نظامات اجتماعی و دین‌داری مردم در کلمات این جریان به معنای واقعی کلمه مغفول است.

۱/۳. انکار ارتباط میان نظامات اجتماعی و دین‌داری؛ دومین رویکرد نسبت به ارتباط دین‌داری با نظامات اجتماعی

جریان دیگری وارد بحث شده و حداقل در ظاهر ارتباط بین این دو موضوع را انکار کرده است؛ البته ممکن است در واقعیت امر، ارتباطی بین این دو موضوع ببیند ولی آن را انکار کرده است. این جریان نیز در کشور ما وجود دارد و می‌گوید مسئله اداره جامعه یک امر جداگانه و دین‌داری مردم نیز امری جداگانه است.

۱/۴. برقراری ارتباط مستقیم میان دین‌داری مردم و نظامات اجتماعی؛ سومین رویکرد نسبت به ارتباط دین‌داری با نظامات اجتماعی

جریان سومی نیز در این میان وجود دارد که بیش از اینکه دین‌داری مردم را محصول تبیین و تبلیغ معارف بداند، دین‌داری مردم را محصول نظامات اجتماعی‌ای که مردم در آن زندگی می‌کنند می‌داند. این جریان می‌گوید اگر نظامات اجتماعی به صورت غلط تعریف شوند، تبیین و تبلیغ نمی‌تواند مردم را دین‌دارتر کند. بنابراین سه جریان وجود دارد. بنده خواهش می‌کنم تمام کسانی که مباحث این دوره ان‌شاءالله با برکت را دنبال می‌کنند به این بحث توجه ویژه کنند. **نقطه اصلی‌ای که برای فهم الگو باید به آن توجه کنیم، ارتباط بین این دو مقوله است: آیا نظم اجتماعی با دین‌داری مردم مرتبط است یا نه؟ هر کس می‌خواهد بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را در بنیادی‌ترین منزلت درک کند باید به این موضوع توجه نماید.**

۱/۵. محوریت داشتن دین‌داری مردم برای جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اثرگذاری نظامات اجتماعی بر دین‌داری مردم؛ دلیل شکل‌گیری جبهه الگو

بنابراین وقتی ما وارد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شده‌ایم و الگو را متکفل بازتعریف نظم اجتماعی می‌دانیم به صورت طبیعی ارتباط بین این دو گزاره را پذیرفته‌ایم و اصلاً دین‌داری مردم را محصول همین نظم اجتماعی می‌دانیم. برای همین است که مسئله الگو در ذهن نیروهای انقلاب یک ابرمسئله است و یک مسئله فرعی یا بخشی در کنار باقی مسائل نیست. چرا ابرمسئله است؟ چون دین‌داری مردم ابرمسئله است.

۱/۵/۱. مهم‌بودن هویت شیعی برای مردم ایران به دلیل صرف هزینه‌های مالی و جانی برای حفظ این هویت؛ دلیل اهمیت داشتن دین‌داری مردم برای جریان الگوی پیشرفت اسلامی

همان‌طور که عرض کردم مهم‌ترین ممیزه مردم ایران، هویت شیعی و اسلام ناب آنهاست. علامت اینکه این مسئله برای آنها مهم است، هزینه‌های مالی، آبرویی و جانی‌ای است که مردم برای دین‌داری انجام می‌دهند. وقتی مسئله‌ای برای انسان مهم نباشد برای آن هزینه نمی‌کند. متأسفانه ما این موضوعات را کمتر بحث می‌کنیم. بنده از حیث جامعه‌شناسی عرض می‌کنم که وقتی

۱. به عبارت بنده دقت بفرمایید؛ بنده کلمه دین‌داری را استفاده کردم نه کلمه دین را؛ وقتی عبارت دین‌داری را به کار می‌بریم مراد ما دین، در مقام تحقق است، یعنی این را بحث می‌کنیم که دین چقدر اجرا می‌شود.



مردم با خرج و مدیریت خود^۲ در زمان‌های طولانی و به صورت منظم - قید منظم نیز قید مهمی است - برای دین خود و برای عاشورا هزینه می‌کنند،^۳ به معنای پذیرش دین نزد مردم است. به این معنا در دنیا هیچ جریان اجتماعی رقیبی برای دین وجود ندارد.^۴ اینکه ما بدون سود مادی یک مشارکت طولانی گسترده به شکلی که در کشور ما رواج دارد را مشاهده می‌کنیم، نشان از آن است که دین قابلیت تفاهم عمیق دارد و می‌تواند ارتباطات عمیق برقرار کند تا جایی که بدون یک آئین‌نامه، بدون یک دستورالعمل و بدون یک فشار بیرونی، طرف مقابل یک عمر برای یک مسئله هزینه می‌کند.^۵

به اصل بحث بازگردم؛ عرض بنده این است که در حال حاضر نسبت به دین یک نوع پذیرش وجود دارد و این پذیرش به شکلی است که مردم حاضرند برای آن هزینه کنند. سؤال این است که این پذیرش، محصول چیست؟ ما باید این سطح پذیرش را بالاتر ببریم [چون در حال افت کردن است]؛ وقتی گزارش حساب‌های بانک مرکزی را اعلام می‌کردند به خاطر دارم که در یکی از سال‌ها میزان تجمیع حساب‌های قرض‌الحسنه ما صد هزار میلیارد تومان بود؛^۶ اما امسال این مبلغ به سی هزار میلیارد رسیده و کاهش پیدا کرده است؛ یعنی به خاطر عدم تدبیرهایی که معمولاً در

۲. خواهش می‌کنم جریان توسعه‌گرا به این مسائل که بسیار مهم هستند توجه کند.

انتقال از متن

۳. قائم مقام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: در ایام ماه محرم، ۲۰ هزار میلیارد ریال برای نذورات هزینه می‌شود و این بخش کوچکی از کمک‌های مردمی در سال است. به گزارش ایرنا، «ابوالحسن فیروز آبادی» روز یکشنبه در مراسمی به مناسبت آغاز ماه محرم در محل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه در فرهنگ اسلامی ما روایت‌های بسیاری در باره «خیر و انفاق» آورده شده است، افزود: پتانسیل خیر جمعی در ایران بسیار بالاست؛ اما این کمک‌ها باید سازماندهی شود. وی یادآور شد: بودجه سالانه سازمان بهزیستی ۱۷ هزار میلیارد ریال است.

خبرگزاری ایرنا <http://www.irna.ir/fa/News/82262387>

۴. البته در کشورهای توسعه‌یافته نیز مردم مشارکت دارند، ولی پایه مشارکت، سود مادی‌ای است که فرد مشارکت‌کننده دریافت می‌کند؛ یعنی اگر در یک شرکت یا سازمان حضور پیدا می‌کند به این خاطر است که معاش او تأمین می‌گردد، به عبارت ساده‌تر سودی در آنجا وجود دارد که مشارکت اتفاق می‌افتد.

انتقال از متن

۵. البته انسان‌هایی که برای این مسئله به پذیرش رسیده هزینه می‌کنند به تبع سطح پذیرش خود هزینه‌های متفاوتی را می‌پردازند. ما در همین سال‌هایی که جریان توسعه‌گرا مفاهیم غلط خود را رواج می‌دهد با پدیده‌ی معجزه‌گون شهدای مدافع حرم روبرو هستیم که البته یک یا دو مورد نیز نمی‌باشد. تفاوت شهدای مدافع حرم با شهدای دفاع مقدس این است که پدیده شهدای مدافع حرم بین‌المللی‌تر و فراگیرتر از دوران دفاع مقدس است. البته ما در دوران دفاع مقدس سه هزار شهید اهل افغانستان داریم (خبرگزاری فارس، کد خبر ۱۳۹۳۰۷۰۸۰۰۰۸۱۸) که در جنگ‌های ایران به شهادت رسیده‌اند ولی نکته این است که آنها در سازمان‌دهی ما ورود پیدا کرده‌اند؛ منتهی الآن اصلاً محوریت پدیده شهدای مدافع حرم، گردان فاطمیون است که در حقیقت به حزب‌الله افغانستان تبدیل شده و کارکردهای سیاسی - اجتماعی پیدا کرده است. این موضوع، ناشی از رشد این تفکر است. پدیده معجزه‌گون حشدالشعبیه در عراق نیز همین‌گونه است. کسی باور نمی‌کرد که حشدالشعبیه ظرف یک مدت کوتاه تمام طراحی‌های امنیتی دستگاه‌های جاسوسی دنیا را به چالش بکشد؛ انسان واقعاً استیصال جریان استکبار را در قبال حوادث سوریه و عراق می‌بیند.

انتقال از متن

۶. ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به حسن روحانی رئیس‌جمهور نامه‌ای ارسال کردند که در این نامه خواستار رفع موانع ازدواج جوانان شدند. نمایندگان در این نامه متذکر شده‌اند که طبق آمار بانک مرکزی، بانک‌ها حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان منابع در دو قالب سپرده قرض‌الحسنه جاری و سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز از مردم با نرخ صفر جذب کرده‌اند. از این مقدار بانک‌ها تنها ۳۰ هزار میلیارد تومان سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را به صورت قرض‌الحسنه وام می‌دهند که سهم تسهیلات ازدواج از آن تنها ۶ هزار میلیارد تومان است. در مقابل بانک‌ها از ۷۰ هزار میلیارد تومان سپرده قرض‌الحسنه جاری مردم که با نرخ صفر جذب شده است هیچ مقدار را به مصارف قرض‌الحسنه اختصاص نداده و به سبب انحصاری که دارند تمامی این منابع را با نرخ‌های بالا وام می‌دهند.

خبرگزاری فارس، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940421000132>



برنامه‌ریزی‌های ما وجود دارد با چالش روبرو شده‌ایم. همچنین مسئله وقف نیز در سالیان اخیر کاهش پیدا کرده است.

حالا شما فرض کنید ما می‌خواهیم سطح پذیرش مردم نسبت به دین را بالاتر ببریم و یا اینکه می‌خواهیم همین سطح از پذیرش را تحلیل کنیم. سؤال من این است که آیا این پذیرش، فقط محصول تبیین بوده است؟ یعنی آیا این‌طور بوده که یک نفر بر روی منبر رفته و گفته است: «دستگاه امام حسین علیه السلام دستگاه شفاعت است و شفاعت کلید اصلی رزق است؛ چون رزق تابع تقدیر است و شفاعت نیز بر روی تقدیر تأثیر می‌گذارد.» آیا این سطح پذیرش نسبت به دین، نتیجه چنین تبیین نظری‌ای بوده است؟^۷ ممکن است طلبه‌ای در یک گوشه‌ای این بحث‌ها را در کتابی هم مطرح کرده باشد ولی آیا دین‌دارتر شدن مردم در مورد پدیده عاشورا [به خاطر این نوع از تبیین است؟]

در حال حاضر دین‌داری مردم در مسئله خانواده در حال کاهش است و در شهر تهران حدود چهل و دو درصد طلاق رخ داده است.^۸ آیا این اتفاقات به تبیین وابسته است؟ البته نه اینکه ما منبر نداریم و تبیینی در این منابر صورت نمی‌گیرد ولی آیا پذیرش مردم نسبت به دین به این خاطر است که آنها تجزیه و تحلیل ذهنی کرده و به یک جمع‌بندی ذهنی رسیده‌اند؟ اگر این‌طور است که ما الان باید سطح تبیین و تبلیغ را در خانواده گسترش دهیم و انتظار داشته باشیم که در سال بعد طلاق چهل و دو درصدی به سی درصد کاهش پیدا کند؛ در حالی که منحنی رشد، خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. یعنی با وجود اینکه تقریباً تمام منابر ما روی مسئله خانواده تمرکز پیدا کرده‌اند، اما در هر ده سال، ده درصد به آمار طلاق افزوده می‌شود. تبیین، جزئی از مسئله و درون مسئله است؛ اما همه مسئله، تبیین نیست. داستان اصلی این است که حول این موضوعات دینی یک نظم شکل می‌گیرد و آن نظم است که کارآمدی خود را در زندگی مردم نشان می‌دهد.^۹

۱/۵/۲۱. افزایش آمار طلاق در جامعه با وجود اختصاص یافتن بسیاری از منابر تبلیغی به مسئله خانواده؛ یکی از شواهد ناکافی بودن اکتفا به تبلیغ در تقویت هویت دینی

۷. البته این تحلیل، تحلیل درستی است و این سیر منطقی در عالم طی می‌شود و وجود دارد؛ اصلاً چرا ما به زیارت می‌رویم؟ زیارت، طریق شفاعت است و شفاعت نیز کلید تقدیر است؛ یعنی اگر قرار باشد که تقدیر ما مطابق با اعمال ما باشد بسیار کم‌رزق خواهیم بود ولی شفاعت، تقدیر را پربرکت‌تر، پرمغزتر، تاریخی‌تر، اجتماعی‌تر و جدی‌تر می‌کند. اگر کسی می‌خواهد مسئله تقدیر را بفهمد باید مسئله رزق را بفهمد؛ چون عالم بر مبنای رزق تحلیل می‌شود.

انتقال از متن

۸. مدیر کل آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور: در کلانشهری مانند تهران، کرج و مشهد این آمار بسیار بالاتر از میانگین کشور و بالغ بر ۳۴ درصد و در اصفهان ۳۰ درصد است این آمار نشان می‌دهد در کلانشهرها وضعیت طلاق بیشتر از میانگین کشوری است. وی ادامه داد: در شمال و جنوب شهر تهران نیز وضعیت آمار طلاق با یکدیگر متفاوت است به گونه‌ای که نسبت طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج در شمیرانات ۵۷ و ری ۲۳ درصد است.

<http://jamejamonline.ir/online/2091236649018130911> *حاجم آنلاین*

مشاور وزیر دادگستری با اشاره به افزایش ۸ درصدی طلاق در ۹ ماهه سال ۹۴ نسبت به سال گذشته گفت: از هر ۱۰۰ ازدواج در تهران ۳۸ مورد به طلاق می‌انجامد.

<http://www.mehrnews.com/news/3037647> *خبرگزاری مهر*

۹. ما بعضی از این ثمرات و کارآمدی‌ها را در قالب کرامات و برخی اتفاقاتی که از طریق شفاعت در زندگی مردم رخ می‌دهد می‌بینیم. ان‌شاءالله وقتی وارد مباحث تبیینی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شدیم، نسبت میان نظم و تبیین را بحث خواهیم کرد تا مسئله روشن‌تر شود. اما در حال حاضر این مسئله را در حد طرح سؤال بحث می‌کنم و می‌گویم بالاخره نظم اجتماعی با دین‌داری مردم چه ارتباطی دارد؟ بحث این است که ما سؤال را خوب متوجه شویم، این مهم است.

انتقال از متن



شما می‌پرسید برای چه به دنبال الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت رفته‌ایم؟ پاسخ می‌دهیم به دلیل اینکه دین‌داری مردم و حفظ هویت شیعی برای ما مهم است و حفظ این هویت به نظامات اجتماعی - که متکفل نظم اجتماعی می‌باشد - وابسته است، این داستان اصلی است. در واقع نقطه شروع ما، نقطه شروع جریان توسعه‌گرا نیست؛ به عنوان نمونه بزرگان جریان توسعه‌گرا این روزها در کشور بحث می‌کنند و می‌گویند ما قصد داریم صادرات کشور را افزایش دهیم؛ آنها بحث خود را از صادرات شروع می‌کنند.

نقطه شروع بسیار اهمیت دارد؛ البته این به آن معنا نیست که ما در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مدل صادرات و مبانی اقتصادی نمی‌پردازیم، بلکه بنده می‌گویم دغدغه ما از این نقطه شروع نشده است. بنده قصد دارم میان مباحثی که در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت وجود دارد و مباحثی که در توسعه غربی مطرح است تفاوت قائل شوم. این خیلی مهم است که ما برای چه وارد بحث [الگوی پیشرفت اسلامی] می‌شویم؟ قرار است این جلسات چهل‌روز ادامه پیدا کند و به همین دلیل برای بنده مهم است که نقطه شروع بحث، نقطه شروع شفاف باشد. دغدغه‌ای که در این میان وجود دارد همان دغدغه‌ای است که پیامبران الهی علیهم‌السلام از ابتدای تاریخ تا الآن داشتند، یعنی دغدغه دین مردم.

این موضوع بد است که یک رئیس‌جمهور در یک سفر استانی سخنرانی می‌کند؛ اما پیرامون این دغدغه وارد بحث نشده و لوازم این دغدغه را بحث نمی‌کند. البته سخنرانی‌ها با بسم‌الله الرحمن الرحیم و صلوات آغاز می‌گردند و احتمالاً آیه‌ای نیز جهت تبرک خوانده می‌شود؛ اما بعد از اینکه خطبه تمام شد شما می‌بینید که فضای بحث تفاوتی با فضای سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا ندارد. یعنی نقطه شروع [رئیس‌جمهور] این نیست که به مردم بگوید ما در حکومت دینی دغدغه دین شما را داریم و می‌خواهیم لوازم آن را بحث کنیم و یکی از این لوازم نیز رونق اقتصادی است. اصلاً ایشان برعکس عمل می‌کنند؛ سخنان اخیر رئیس‌جمهور را گوش داده‌اید؟ ایشان نقطه شروع را حل مسئله صادرات، اشتغال بانوان و رفع بیکاری قرار می‌دهند؛^{۱۰} یعنی از یک نقطه شروع کاملاً مادی شروع می‌کنند و پیداست دغدغه اصلی نیز همین است.^{۱۱}

بنده این بحث را در اینجا خاتمه می‌دهم. بنابراین اصل بحث نقطه شروع واضح شد. بنده دوباره سؤال اصلی را به عنوان جمع‌بندی مطرح می‌کنم و بعد بحث را تکمیل می‌کنم؛ سؤال این است که

۱۰. بزرگترین مشکل کشور ما در سال‌های آینده موج بیکاری است و تمام مشکلات کشور، ریشه‌اش به بیکاری برمی‌گردد. امسال برای اولین بار یک میلیون و ۲۰۰ هزار متقاضی شغل وارد بازار کار شدند، اما توان ما برای اشتغال چقدر است؟ ما با امکانات فعلی حتماً نمی‌توانیم پاسخگوی این تعداد متقاضی کار باشیم لذا باید یک حرکت بزرگ برای رونق ایجاد شود و باید دعوای کودکانه در کشور خاتمه یابد. دکتر روحانی با بیان اینکه هدف کشور، توسعه و تعالی است و هدف دولت نیز خدمت است، گفت: در راه این خدمت و توسعه گاهی نیاز به ثبات است و گاهی نیاز به تغییر مدیر و این گونه نیست که در یک شرایط واحد باشد. آمار بیکاری دختران و زنان بیشتر از مردان است، لذا ما باید به فکر اشتغال باشیم، پیشنهاد بدهیم، انتقاد کنیم و به جای حرف‌های صد من یک غاز که هیچ ارزشی ندارد، برای رفع بیکاری تلاش کنیم. روحانی همچنین تصریح کرد: با درخواست ستاد اقتصاد مقاومتی از رهبر معظم انقلاب یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار تومان از صندوق توسعه ملی برای اشتغال روستاییان در نظر گرفته می‌شود که با اختصاص این مبلغ، ما شاهد یک حرکت بزرگ برای اشتغال روستاییان خواهیم بود.

سخنرانی دکتر حسن روحانی به مناسبت در همایش روز ملی روستا/به نقل از خبرگزاری مهر شنبه ۱۳۹۵، آبان ماه ۱۳۹۵، کد خبر ۲۸۰۲۲۵۱

۱۱. این همان نقطه شروعی است که ممکن است بعدها ما را به جایی برساند که به بهانه این دغدغه به لوازمی برسیم که آن لوازم هویت اسلامی ما را به چالش بکشند.



نظم اجتماعی بر روی دین‌داری مردم تأثیر دارد یا خیر؟ این، سؤال اصلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. اگر گفتیم ارتباطی ندارد یا این ارتباط را بحث نکردیم، طبیعتاً نوبت به بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نمی‌رسد. پس دین‌داری مردم، موضوع اصلی ماست.

اگر بحث جلسه گذشته ما را شنیده باشید می‌بینید که بنده تاریخ شیعه‌شدن ایران را در سه مرحله بحث کردم، این مهم است. در آینده مناظرات و جلساتی وجود خواهد داشت و مباحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار جدی‌تر خواهد شد. بنده در همه این جلسات و مناظرات بر روی یک مسئله تأکید دارم و آن این است که همه توجه کنند؛ دغدغه جریان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مسئله دین‌داری مردم است.^{۱۲} حال سؤال این است که چه کار کنیم دین مردم حفظ شود؟

بنده قصد دارم در همین ابتدای مباحث از حرف‌های خلاف فطرت جریان توسعه‌گرا فاصله بگیرم؛ آنها نقطه شروع را مثلاً حل مسئله صادرات قرار می‌دهند. این نگاه، یک نگاه حداقلی حیوانی به بشر است که وقتی با مردم در مقام برنامه‌ریزی سخن می‌گوییم به آنها بگوییم دولت آمده است تا برای شما رفاه ایجاد کند.^{۱۳} ما چنین موضوعاتی را نقطه شروع قرار نمی‌دهیم، بلکه نقطه شروع، دین‌داری مردم است.

۱/۵/۴. بازتعریف

نظامات اجتماعی؛ راه حل جریان الگوی پیشرفت اسلامی برای تقویت هویت دینی و دین‌داری مردم

در این صورت کسانی که این دغدغه را پیدا می‌کنند به صورت طبیعی بحث را به این سمت می‌برند که باید چه کاری انجام دهیم تا مردم دین‌دارتر شوند؟ از نظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت راه گسترش دین در جامعه، راه دین‌دارتر کردن مردم و راه احیای نهاد خانواده و گسترش عدالت - تمام این‌ها جزء مصادیق اصلی دین هستند - این است که نظم اجتماعی بازتعریف شود، این حرف اصلی است. بنده برای چندمین بار تأکید می‌کنم که نقطه شروع را درست تشخیص دهیم، نکته بسیار مهمی است.

حُب جریان فهم سنتی در رابطه با این قضایا اساساً بحث نمی‌کند. بنده به یاد دارم که یکی از ائمه محترم شهر قم^{۱۴} در خطبه‌های شهر قم حرف عجیبی زدند؛ ایشان فرمودند باید اداره دنیای مردم را به دانشگاه و اداره دین مردم را به حوزه‌های علمیه واگذار کنیم. بنده این حرف را مصداق اتم

۱۲. دین‌داری نیز یک بحث غیر قابل فهم نیست. به عنوان مثال زمانی که می‌گوییم دین‌داری، یعنی پدیده فروپاشی نهاد خانواده اتفاق نیافتد؛ چون اگر خانواده دچار فروپاشی شود، سکینه، آرامش، امید و تمام زندگی انسان‌ها از بین می‌رود. مسئله دین‌داری برای مردم ایران خیلی ملموس است. یا به عنوان مثال وقتی راجع به دین‌داری مردم صحبت می‌کنیم، یعنی فاصله طبقاتی نباشد و کسی فیش حقوقی ۵۹ میلیونی نگیرد. اخیراً شنیده‌اید که چهارهزار نفر در قلعه گنج حتی یارانه هم نمی‌گیرند؛ خبر این موضوع به تازگی رسانه‌ای شده است. پس بحث از دین‌داری یعنی بحث راجع به عدالت و خانواده. دین‌داری، حرف قابل فهمی است و حال ما قصد داریم دین مردم را حفظ کنیم.

انتقال از متن

۱۳. البته این رفاه واقعاً هم در عمل ایجاد نمی‌شود و در آینده به صورت مفصل راجع به این موضوع بحث خواهیم کرد و به این موضوع خواهیم رسید که برخی حرف‌های توسعه‌گرایان دروغ است. جامعه‌ای که ۸۵ درصد از خانواده‌های آن دچار فروپاشی شده، (https://www.cdc.gov/nchs/data/dvs/state_divorce_rates_90_95_and_99-14.pdf) اولین چیزی که ندارد رفاه است؛ اگر رفق و محبت انسان‌ها حذف شود، رفاه انسان‌ها به چالش کشیده خواهد شد. این نیز یک بحث دیگر است.

انتقال از متن

۱۴. ایشان انسان انقلابی‌ای بودند، خدا ایشان را بیمارزد، بنده به ایشان بسیار علاقه داشتم و گاهی خدمت‌شان می‌رسیدم و راجع به انقلاب مباحثه می‌کردیم.

انتقال از متن



[عدم توجه به ارتباط میان نظامات اجتماعی و دین‌داری مردم] یافتیم. این فرد به دلیل مباحثه‌نکردن راجع به این مسائل چنین حرفی را می‌زند؛ وقتی ایشان می‌گویند دین مردم به دست حوزه‌های علمیه و دنیای آنها به دست دانشگاه است، یعنی هیچ ارتباطی بین نظم اجتماعی و دین مردم ندیده است.^{۱۵} بنابراین این اولین جریان است که نام آن را جریان فهم سنتی می‌گذاریم.^{۱۶}

جریان دومی که در جامعه ما وجود دارد، رابطه بین دین‌داری مردم و نظم اجتماعی را به صراحت انکار می‌کند. تفاوت این افراد با جریان فهم سنتی این است که این افراد وارد بحث می‌شوند، اما رابطه بین نظم اجتماعی و دین‌داری مردم را منکر می‌شوند؛ ولی جریان فهم سنتی اصلاً وارد این بحث نمی‌شود.

جریان سومی نیز در جامعه ما وجود دارد که ارتباط میان این دو موضوع را بحث کرده و می‌گوید ما باید نظم اجتماعی را تغییر دهیم. بنده بحث را بسیار توضیح می‌دهم تا مسئله جا بیفتد. تمام بحث ما وابسته به فهم رابطه این موضوع است. لذا ما با سه جریان مواجه هستیم.^{۱۷} صورت مسئله تمام شد و امیدوارم ان‌شاءالله «حسن‌السؤال»^{۱۸} ایجاد شده باشد و مشخص گردد که ما در این دوره چهل‌روزه قرار است بحث را بر روی چه امری سوار کنیم.

۱۵. چنین افرادی وجود دارند و انسان‌های خوبی نیز می‌باشند؛ اما بنده راجع به یک مشکل علمی صحبت می‌کنم و فعلاً قصد ندارم موضع‌گیری سیاسی داشته باشم و کسی را متهم کنم، این یک مشکل علمی است. افراد این جریان انسان‌هایی هستند که برای دین خدا واقعاً هزینه می‌کنند. بنده برخی از این دوستان را می‌شناسم که واقعاً انسان‌های زحمت‌کشی هستند. این افراد شهر به شهر و روستا به روستا سفر کرده و دین اسلام را تبلیغ و تبیین نظری می‌کنند. وقتی انسانی بدون چشم‌داشت به دنیا این مقدار زمان صرف می‌کند معلوم است که یک مشکل علمی دارد. قصد چنین انسانی دین‌دارتر کردن مردم است ولی ارتباط بین دین‌دارتر شدن مردم و نظم اجتماعی در ذهن اول یک مسئله مبهم است.

یکی از این عزیزان راجع به رهبر معظم انقلاب به بنده می‌گفتند - البته این حرف عمومی بوده و مختص به ایشان نیست - خدا سایه ایشان را حفظ کند؛ زیرا شرایطی که ایشان ایجاد کرده‌اند که باعث شده ما تبلیغات دقیق و پررنگ‌تری داشته باشیم. یعنی این عده اصل کار را تبلیغ مسئله می‌دانند؛ ولی حتی این قضیه را نمی‌شکافند که رهبر معظم انقلاب نظمی را حاکم کرده که شما می‌توانید تبلیغ بیشتری کنید. یعنی در واقع خود این گزاره این جریان نشان‌دهنده آن است که به این مسئله اندک توجهی کرده‌اند که نظم سیاسی منجر به ایجاد فرصت تبلیغ شده است. لذا بنده عرض کردم که این افراد بحث نمی‌کنند؛ اما گاهی اوقات وقتی به اعماق کلمات این جریان توجه می‌کنید، متوجه می‌شوید که اندک توجهی در آنها وجود دارد؛ اما راجع به آن گفت‌وگو نمی‌کنند.

انتقال از متن

۱۶. می‌توانید منابری که در حوزه توصیف دینی وجود دارد را با این مسئله ارزیابی کنید. البته برخی از آنها خصوصاً در بحث فیش‌های حقوقی در ماه محرم ورود پیدا نموده و بحث کردند و گفتند که این موضوع در دین‌دار شدن مردم اثر سوء دارد؛ یعنی نظم اقتصادی غلط در حوزه پرداخت حقوق‌ها باعث می‌شود که مردم از فضای دین دلسرد و دلگیر شوند. جریان فهم سنتی از اسلام تأثیر نظامات اجتماعی بر دین‌داری را به صورت مصداقی بحث می‌کند ولی این موضوع را به عنوان یک بحث پایه محل بحث قرار نمی‌دهد.

انتقال از متن

۱۷. ما با دوستان در جلسه‌ای مباحثه می‌کردیم و آنها می‌فرمودند نمی‌توان بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را برای برخی از افراد جا انداخت. یک زمان در حوزه علمیه قم به خود بنده می‌گفتند: "حاج‌آقا! ما آب در آسیاب دین می‌ریزیم". در یکی از مراکز حوزوی چنین حرفی را به بنده می‌گفتند. آنها می‌گویند ما می‌خواهیم کار دینی کنیم، به بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه کار داریم؟ اگر ما بتوانیم ارتباط میان نظم اجتماعی و دین‌داری مردم را شکافته و بحث و گفت‌وگو کنیم، یک همگرایی ایجاد می‌شود، این حرف اصلی است.

انتقال از متن

۱۸. در اینجا حسن‌السؤال به معنای شفاف‌شدن مسئله و تنقیح محورهای بحث است.



۲. لزوم بازتعریف نظم فعلی برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری سوء نظم کلان و بخشی نظام برنامه‌ریزی

بر هویت دینی

حالا طبق وعده‌ای که دادم اثر نظم مبتنی بر توسعه را بر دین‌داری مردم تشریح می‌کنم. ما حدود هفت یا هشت جلسه راجع به این قسمت بحث می‌کنیم و بنده قصد دارم مصادیق این حرف که نظم اجتماعی در حال کاهش سطح دین‌داری مردم است را توضیح دهم. ان‌شاءالله در سی‌جلسه پایانی خواهیم گفت که نظم اجتماعی را چگونه تعریف کنیم تا مردم دین‌دارتر شوند. اصل بحث هم همان سی‌جلسه است؛ یعنی آن چیزی که بنده در «اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی» به آن افتخار می‌کنم این است که یک نظم کاربردی راهبردی قابل فهم به عنوان جایگزین نظم توسعه غربی پیشنهاد شده است. تا این قسمت از جلسه ما در حال طرح سؤال بودیم و در هفت یا هشت جلسه بعدی نیز ظلمات توسعه غربی را کاملاً واضح می‌کنیم، اما سی‌جلسه آخر مهم است. ما در این فضای ظلمانی گیر کرده‌ایم و در ایران معظلی به عنوان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور وجود دارد. حال سؤال این است که چطور این غده سرطانی را جراحی کنیم؟ اینها بحث‌های اصلی هستند؛ حالا اینها بحث‌هایی است که باید جلوتر مطرح کنیم.

۲/۱. تشریح چگونگی هدم هویت دینی توسط نظم مبتنی بر توسعه؛ موضوع ده‌جلسه‌ی اول این دوره بحثی

بنده امروز نظم کلان توسعه غربی را توضیح می‌دهم و در جلسات آتی نظم‌های بخشی توسعه غربی را توضیح خواهم داد و نسبت آنها را با دین‌داری مردم تشریح خواهم کرد. پس این قسمت از بحث نیز دو قسمت دارد؛ توسعه غربی یک نظم کلان ایجاد می‌کند که بنده می‌خواهم یک یا دو جلسه درباره آن بحث کنم. بنده می‌خواهم به صورت مفصل تشریح کنم که مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت چه نقشه خطرناکی را برای ملت ایران ریخته است! این هفت یا هشت جلسه را بسیار جدی بگیرید تا متوجه شوید که آقایان در حال انجام چه کاری هستند!^{۱۹} اجازه دهید این مطلب به خوبی تصویر شود و مشخص گردد که اصلاً داستان چیست. دلیل مخالفت ما با توسعه غربی همین نظم خطرناکی است که امروز کلیات آن و روزهای آینده نیز نظم‌های بخشی آن را توضیح می‌دهم؛ ان‌شاءالله بنده در این چند روز مسئله آب، کشاورزی، بهداشت و ... را توضیح می‌دهم تا مشخص شود که اینها چطور هویت اسلامی را به چالش می‌کشند!

۲/۲. هدم هویت شیعی توسط نظم مبتنی بر توسعه از دو بُعد کلان و بخشی

نظم کلان توسعه غربی را در یک جمله می‌توان این‌طور توصیف کرد که توسعه غربی به دنبال **تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد** است. این عبارت، جزء شاه‌مهره‌های بحث توسعه است به‌گونه‌ای که اگر کسی در کشور ما درباره توسعه صحبت کند و این عبارت را تحلیل ننماید، دو حالت دارد: یا در بحث توسعه بی‌سواد است و یا عمداً این بحث را مطرح نمی‌کند؛ یعنی می‌داند و مطرح نمی‌کند. اگر کسی در بحث توسعه ملاً باشد و بفهمد که توسعه غربی چیست حتماً به مطلبی که بنده می‌گویم می‌رسد، اگرچه که ممکن است از عبارات متفاوتی استفاده کند. **تصویر کلان توسعه غربی، "تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است."**

۲/۳. تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد (هماهنگ‌سازی تمام حوزه‌ها حتی قرائت دینی با اقتصاد)؛ تصویر نظم کلان توسعه غربی و ضدیت این نظم با دین‌داری مردم

۱۹. البته بنده الآن کاری به این موضوع ندارم که آنها متوجه کار خود هستند یا نه، بلکه می‌خواهم اصل داستان را توضیح دهم. بنده قبل از اینکه این جلسات را شروع کنم، به‌صورت مکتوب به آقایان اعلام کردم که «امسال فرآورده‌های علمی شما برای اداره جامعه را نقد خواهیم کرد.» بنده به خود مرکز تحقیقات مجمع تشخیص هم اعلام کردم که این کار می‌کنیم.



در این عبارت بنده چند کلمه وجود دارد: کلمه اول این است که از منظر جریان توسعه غربی؛ اقتصاد، بخش اصلی جامعه است. وقتی ما به یک بخش می‌گوییم بخش اصلی، یعنی تحریک آن بخش منجر به تحریک همه بخش‌های جامعه می‌شود؛ این معنای بخش اصلی است. وقتی ما به یک بخش می‌گوییم بخش اصلی، یعنی بخش‌های دیگر باید با این بخش هماهنگ شوند و وقتی بین دو بخش تعارض بوجود می‌آید، بخش فرعی باید به نفع بخش اصلی اصلاح شود. این معنای تعدیل کلان است.

حالا این مسئله را به صورت روشن‌تر بشکافیم! به عنوان مثال یکی از بخش‌های مهم جامعه، بخش آموزش است. طبق تعریف توسعه غربی، باید چه اتفاقی در بخش آموزش رخ دهد؟ بخش آموزش باید خدمه بخش اقتصاد باشد؛ چون اقتصاد اصل است. یعنی بخش آموزش باید متکفل آموزش هر مفهومی باشد که در حوزه اقتصاد به آن نیاز داریم.^{۲۰}

۲/۳/۱. محوریت یافتن آموزش‌های مرتبط با بخش اقتصاد در نظام آموزشی و غفلت از آموزش‌های دینی؛ نمونه‌ای از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد

به عنوان مثال ما یک اقتصاد خوب را - بنده دارم از دیدگاه جریان توسعه‌گرا توضیح می‌دهم - یک اقتصاد رقابتی می‌دانیم، این موضوع جزء مفاهیم اصلی جریان توسعه‌گرا است.^{۲۱} خُب در توسعه مفهوم رقابت را چه ساختاری باید تشریح کند؟ بخش آموزشی جامعه. خود مفهوم رقابت نیز بر پایه مفهوم سود استوار است؛ یعنی یک مفهوم بنیادی‌تر وجود دارد. پس نظام آموزشی باید مفهوم سود را هم برای افراد جامعه تشریح کند. بنابراین بخش آموزش باید هر مفهومی که برای رونق بخش اقتصاد لازم است را جا بیاندازد. بدین ترتیب بخش آموزش به تدریج خدمه بخش اقتصاد خواهد شد.

۲/۳/۱/۱. کاهش ساعت دروس دینی در دولت یازدهم (توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی)؛ شاهدهی بر مهم نبودن تربیت دینی در نظام آموزشی کشور

لذا جریان توسعه‌گرا در ایران بیان می‌کند که وظیفه نظام آموزشی تربیت دینی نیست.^{۲۲} این حرف از کجا برمی‌آید؟ از اینجا که دستگاه آموزشی را خدمه بخش اقتصاد قرار داده‌اند. بله؛ اگر نظام آموزشی خدمه بخش اقتصاد باشد، حتماً باید آموزش‌های مورد نیاز بخش اقتصاد را جا بیاندازد. لذا شما دیده‌اید که در دولت یازدهم ساعت آموزش درس دینی را هم کمتر کرده‌اند.^{۲۳} این کارها را

۲۰. به پیوست شماره ۲ مراجعه فرمائید.

۲۱. رقابت در اقتصاد به معنی سبقت و هم‌چشمی آمده و حالتی را گویند که در بازار، شمار نامحدودی بازرگانان نتوانند کالا به اندازه‌ای عرضه یا تقاضا کنند که در قیمت بازار مؤثر افتد. این حالت، عموماً به حالت رقابت محض یا خالص یاد می‌شود و دارای مشخصات زیر است؛ «شمار فروشندگان بسیار است؛ کالا و خدمات مشابه یکدیگر فروخته می‌شود و فروشندگان اضافی، برای ورود به بازار، آزاد هستند.» [۱] البته بعضی آن‌را این طور معنی کرده‌اند «گروهی برای دستیابی به امکانات اقتصادی با یکدیگر مبارزه کنند و هرکدام در پیشی گرفتن بر دیگران بکوشد». روشن است که زیربنای رقابت به این معنا، اصالت دادن به تعقیب منافع شخصی به وسیله هر فرد است؛ که شعار اصلی اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بود؛ بنابراین مبنای رقابت در نظام سرمایه‌داری چشم و هم‌چشمی برای دستیابی بیش‌تر برای رسیدن به مواهب اقتصادی در مقایسه با دیگران است؛ [۲] رشد اقتصادی در جهت دستیابی به برتری‌های مدنی در چالش‌های زندگی بشر قرار گرفته است. رقابت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در سرنوشت سازمان‌ها و مؤسسات تجاری است. [۳]

[۱]. فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۳۷۱

[۲]. معصومی‌نیا، علی؛ بازار مطلوب رقابت کامل، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳، ش ۱۵، ص ۵۹

[۳]. صدر، مراد علی، تاثیر رقابت در افزایش کارایی نظام بانکی کشور، مجله بانک و اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۷، ص ۱۴

۲۲. چرا برخی‌ها می‌گویند آموزش و پرورش ما غرب‌زده است؟ یعنی چه؟ کجای کار آموزش و پرورش، حاکی از غرب‌زدگی است... یا مثلاً اینکه انسان تراز غربی تربیت می‌کند! ای کاش این کار را می‌کرد چون از نظر اخلاقی و تربیتی، انسان تراز غربی بالاتر از چیزی است که ما در جوامع خودمان تربیت می‌کنیم!

گفت‌وگوی ماهنامه آیین با دکتر محمد علی نجفی، شماره ۳۲ و ۳۳ (آبان ۱۳۸۹)، ص ۲۸

۲۳. مدیر گروه درسی قرآن و معارف اسلامی گفت: ساعت درس دینی در دوره متوسطه دوم از ۱۰ ساعت به ۶ ساعت کاهش یافته، این در حالی است که جامعه از عدم تربیت دینی رنج می‌برد نه نبود فیزیک، شیمی و ریاضی. سید محمد دلبری در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری



بر اساس این ملاک‌های پایه انجام می‌دهند. خود آموزش‌های دینی به شکلی که در حال حاضر در سیستم آموزشی ما وجود دارد دچار معایب جدی است؛ از جمله معایب مهم آن این است که نظام آموزشی دینی فعلی، قدرت آموزش مفهوم کفر و نفاق را به دانش‌آموزان ندارد، بلکه مختصری راجع به مفهوم ایمان صحبت می‌کند. یعنی همان قدری هم که در نظام آموزش راجع به مفاهیم دینی صحبت می‌شود، راجع به مفهوم ایمان است. در واقع به دانش‌آموزان توضیح می‌دهند که مناسکِ ایمان چیست؟ مثلاً نماز خواندن و احترام به والدین از مناسک ایمان است. اما کمتر دانش‌آموزی را داریم که اگر پای منابر ننشسته باشد، بر مفهوم شرک مسلط بوده و شرک خفی و جلی^{۲۴} را بفهمد. [هیچ کسی از دانش‌آموزان] بر این سطوح تسلط ندارد و اینها را نمی‌داند! خُب حالا زمان اندکِ خود این نظام آموزشی پر از عیب را نیز اندک‌تر کرده‌اند. این اتفاق در همین دولت رخ داده است و ما راجع به ده سال پیش یا راجع به یک کشور دیگر بحث نمی‌کنیم! علت این اتفاق چیست؟ علت این است که می‌گویند زمان آموزش باید به آموزش‌های متناسب با بخش خدمات و تولید - که در اقتصاد اصل است - اختصاص پیدا کند. این یک بخش از ماجراست.

حالا آیا داستان در اینجا متوقف می‌شود و آیا اینها فقط نظام آموزشی را اصلاح می‌کنند؟ خیر؛ اجازه دهید بنده قبل از اینکه وارد موضوع بعدی شوم یک نکته بسیار مهم را بگویم. از منظر دین؛ همین سنی که نظام آموزشی آن را اشغال می‌کند، سن یادگیری دین است؛ هفت سال اول، دوم و سوم دارای دستورات آموزشی خاص هستند ولی ما در این سه دوره هفت‌ساله، ریاضی، فیزیک و زیست می‌خوانیم. یعنی نظام آموزشی مدرن سن تربیت را اشغال می‌کند و وقتی سن تربیت اشغال شد آموزش‌های اجتماعی، آموزش‌های مربوط به نهاد خانواده، آموزش‌های مربوط به آینده تاریخ مغفول می‌ماند.^{۲۵} حال سؤال این است که این نظام آموزشی که سن تربیت را اشغال می‌کند به چه دلیل به آموزش اقتصاد همت می‌گمارد؟ به این دلیل که از منظر تعاریف پایه، اقتصاد اصل است و آموزش‌های ما باید بخش اقتصاد را تقویت کنند.

۲/۳/۱/۲. اشغال سن تربیت و نبود زمان برای انتقال معارف و مفاهیم دینی و در نتیجه تضعیف دین‌داری مردم؛ اشکال اصلی محوریت‌داشتن مفاهیم اقتصادی در نظام آموزشی

تسنیم درخصوص کاهش ساعات درس دینی و معارف اسلامی در دوره متوسطه دوم و اعتراض معلمان دینی نسبت به این مصوبه اظهار داشت: نگاه ما در بخش تألیف کتب دینی و معارف اسلامی این است که در شرایط اجتماعی موجود و شبهات مطرح برای جوانان نیاز به مباحث دینی نه تنها کمتر نشده بلکه بیشتر نیز شده است و این مباحث را در جلسات شورای عالی آموزش و پرورش بیان کردیم.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/02/26/1075563> خیرگزاری تسنیم

۲۴. شرک جلی یعنی کسی که در ظاهر برای خداوند شریک قرار می‌دهد، شرک خفی یعنی کسی که در درون خود برای خداوند شریک قرار می‌دهد ولی اظهار نمی‌کند، درست مانند کسی که ریاکاری می‌کند.

رک: مطهری، مرتضی؛ جهان‌بینی توحیدی، ص ۸۸-۹۳

۲۵. آموزش تاریخ، جزء مسائل اصلی انبیاء علیهم‌السلام بوده است. شما در قرآن به صورت مفصل قصه و داستان می‌بینید؛ چون یکی از مسائل بسیار مؤثر در هدایت انسان‌ها مسئله عبرت می‌باشد و تاریخ، تبلور عبرت است. البته وقتی در مدارس خودمان تاریخ می‌خوانیم درباره سلسله اشکانیان بحث می‌کنیم که چه کسانی بودند، در کدام جنگ منقرض شدند و سلسله بعدی آنها چه بود. اما وقتی قرآن وارد بازخوانی تاریخ می‌شود تاریخ را به محوریت اخلاق و دین بازخوانی می‌کند. به عنوان نمونه می‌فرماید حضرت یوسف علیه‌السلام کظم غیظ کردند و بخشیدند و برادران یوسف علیه‌السلام نیز حسادت ورزیدند و آینده حسادت، آن شد و آینده بخشش و کظم غیظ نیز این شد. حالا خودتان می‌دانید و انتخاب با خود شماست! حضرت یوسف علیه‌السلام در یک صحنه بسیار عجیب عفت به خرج دادند و این عفت مایع عزت ایشان شد. حال شما خودتان می‌دانید! اگر خواستید می‌توانید عفت به خرج دهید و اگر خواستید می‌توانید خلاف عفت رفتار کنید. ببینید؛ [در قرآن] بازخوانی تاریخ به محوریت دین‌داری مردم است.

انتقال از متن



۲/۳/۱/۲/۱. افزایش آمارِ طلاق در جامعه و تضعیف نهاد خانواده به دلیل عدم انتقال آموزش‌های مرتبط با خانواده به دانش‌آموزان؛ یکی از مصادیق تضعیف هویت دینی توسط نظام آموزشی

دقت کنید که در چه ظلماتی زندگی می‌کنیم! بنده این حرف‌ها را چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی می‌زنم و روزهای اول انقلاب نیست. واقعاً ما در برخی از موارد غفلت کردیم و به این سمت نرفتیم که بگوییم این نظام آموزشی سن تربیت را اشغال می‌کند و یکی از ثمرات اشغال سن تربیت و صورت‌نگرفتن تربیت دینی نیز ۴۲ درصد طلاق است. برخلاف تبلیغات جریان توسعه‌گرا؛ ریشه طلاق، مسئله اقتصاد نیست، بلکه مسئله سبک زندگی است. بررسی دقیق پرونده‌های طلاق در شهر تهران نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی، علت این همه طلاق نیست، بلکه علت اصلی مسئله عدم مدارا، مسائل اعتقادی، اختلاف در سبک زندگی و مسائل فرهنگی و دینی است.^{۲۶} حُب چه کسی باعث شده که چنین وضعیتی پیش بیاید؟ یکی از مقصرین نظام آموزشی است که ریاضی، فیزیک و زیست را آموزش می‌دهد. حُب نظام آموزشی چرا این‌طور شده است؟ چون آنهایی که در نظام برنامه‌ریزی طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند می‌گویند نظام آموزشی، خدمه اقتصاد است. بنده در حال تحلیل نظم کلان هستیم.

۲/۳/۲. اصلاح نظام قانون‌گذاری کشور به محوریت اقتصاد و تبدیل شدن قوه قضائیه به قوه مجازات‌کننده‌ی تحقیرکنندگان بخش اقتصاد؛ از دیگر مصادیق تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد

غیر از نظام آموزشی چه چیزی باید تغییر کند؟ گام دوم این است که نظام قوانین کشور تغییر کند. قوانین کشور باید مسئله اقتصاد را تسهیل کنند. پس محوری نیز برای قانون‌گذاری درست می‌شود. در اینصورت قوه قضائیه که قوه مجازات‌کننده‌ی قانون‌شکنان است به قوه مجازات‌کننده‌ی تحقیرکنندگان بخش اقتصاد تبدیل می‌شود؛ یعنی به یک قوه فرعی و خدمه بخش اقتصاد تبدیل می‌گردد. پس قانون نیز خدمه بخش اقتصاد است.

۲/۳/۲/۱. شورای رقابت و اتاق بازرگانی؛ دو نمونه از قوانین بسیار خطرناک تصویب‌شده به محوریت اقتصاد

چنین قوانینی هم‌اکنون در کشور ما و در همین مجلس شورای اسلامی در حال تصویب هستند و شورای نگهبان هم متأسفانه آنها را امضاء می‌کند. می‌دانید علت چیست؟ علت، عدم گفت‌وگو راجع به این موضوعات است. این شورای رقابت و اتاق بازرگانی‌ها^{۲۷} و اتاق‌های گفت‌وگوی اقتصادی‌ای که بوجود آمده‌اند، دو نمونه از خطرناک‌ترین قوانینی هستند که در سال‌های اخیر تصویب شده‌اند.^{۲۸}

۲/۳/۳. اصلاح فرهنگ جامعه مانند تقلیل نقش زنان از جایگاه مادری به جایگاه کارگر ارزان‌قیمت؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد

آیا داستان به همین جا ختم می‌شود؟ خیر؛ آنها جلوتر می‌روند و می‌گویند فرهنگ جامعه هم باید به محوریت بخش اقتصاد تغییر کرده و به خدمه بخش اقتصاد تبدیل شود. به‌عنوان مثال یکی از اختلافاتی که ما در بحث‌های فرهنگی داریم این است که اسلام شریف، نقش زن را به مقام مقدس مادری ارتقا می‌دهد و مادر هم به صورت ساده یعنی عامل اصلی تولید اخلاق. اگر این عنصر در

۲۶. احمد دلبری مدیر کل بهزیستی استان تهران گفت: با آنکه تفاوت چشمگیری میان علل و عوامل طلاق از منظر خود زوجین و کارشناسان وجود دارد اظهار کرد: زوجین مراجعه کننده و یا ارجاع داده شده به مراکز مداخله در طلاق، مهم‌ترین عوامل دادخواست طلاق خود را به ترتیب اعتیاد، خیانت، عدم مسئولیت پذیری همسر و درآمد ناکافی عنوان می‌کردند. وی ادامه داد: این درحالی است که ارزیابی‌های کارشناسان عوامل متفاوتی را نشان می‌دهد که مهم‌ترین آنها عبارتست از عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی، عدم تامین نیازهای روحی و عاطفی، عدم بلوغ فکری، عدم شناخت قبل از ازدواج و ... که در این بین مشکلات ناشی از اعتیاد و خیانت در رده های بعدی قرارگرفتند.

<http://www.isna.ir/news/95022615752> خبرگزاری ایسنا

۲۷. برای اطلاع از ماهیت شورای رقابت و اتاق بازرگانی به پیوست شماره ۳ مراجعه نمایید.

۲۸. یادم می‌آید وقتی قانون مربوط به گفت‌وگوهای اتاق بازرگانی رسمیت پیدا کرد، ما دو یادداشت علیه این قانون نوشتیم و این قانون را در رسانه‌ها نقد کردیم. البته این یادداشت‌ها را هم نوشتیم برای اینکه در تاریخ بماند و بدانند که ما می‌فهمیدیم چه اتفاقی در حال شکل‌گرفتن است. هرچند که وجدان عمومی به این نهادها توجه نکرد و الآن این نهادها در حال قانون‌گذاری بوده و همه قوانین را به محوریت بخش اقتصاد تغییر می‌دهند.



جامعه نباشد تمام بخش‌ها به چالش کشیده می‌شوند. این نقشی است که در اسلام برای زن تعریف شده است.

اما در نظام سرمایه‌داری نقش زن به نیروی کار ارزان قیمت تقلیل پیدا می‌کند؛^{۲۹} یعنی حاضر هستند زن را از یک مقام مقدس به نیروی کار ارزان قیمت تبدیل کنند تا بخش اقتصاد سود بیشتری ببرد. وقتی زن نیروی کارگر ارزان قیمت باشد طبیعی است که سرمایه‌دارها هزینه کمتری برای تولید می‌دهند. با این تفاسیر اجرای این طرح برای آنها خیلی مهم است.

حال می‌خواهند این تصمیم را اجرا کنند؛ اما با مانعی به نام فرهنگ دینی برخورد کرده‌اند و لذا می‌گویند فرهنگ دینی هم باید اصلاح شود. در دولت یازدهم شعار عدالت جنسیتی مطرح شده است. بعضی فکر می‌کنند مراد از عدالت در عبارت عدالت جنسیتی، همان مسئله تناسبی است که در دین بحث شده است، خیر؛ عدالت در اینجا به معنای برابری است، یعنی هرچیزی که حق مرد است، حق زن هم باشد. اگر بخواهیم خود مفهوم عدالت جنسیتی را بحث کنیم باید بگوییم عدالت جنسیتی مثلاً یعنی اگر در حال حاضر مردهای ما در امنیت نقش دارند، باید مانند کشورهای غربی بانوان هم

۲/۳/۳/۱. طرح شعار
عدالت جنسیتی؛ راهکار
دولت یازدهم برای تقلیل
جایگاه زنان به نیروی کار
ارزان قیمت

۲۹. تا حدود سال ۱۹۰۰ زن به سختی دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد. در قرن نوزدهم زنان آفریقا هنوز مانند بردگان و آلات کشاورزی خرید و فروش می‌شدند. در مری‌انگلد شوهر حق داشت زنش را بزند و مادام که زن از زیر کتکش نیمه‌جان بیرون می‌آمد مرد از تعقیب قانون در امان بود. مرد می‌توانست هرشب دنبال فحشا برود اما زن تا هنگامی که مردش او را رها نکرده بود حق چنین کاری را نداشت. اگر زن پول جمع می‌کرد متعلق به شوهرش بود. اگر زن در عروسی مالی به خانه می‌آورد مرد حق خرج آن را داشت اما اینکه زن بتواند در کارخانه و حق رأی و انتخاب داشته باشد هرگز به خاطر هیچ مردی خطور نمی‌کرد.

پس از آن تغییر بزرگ فرا رسید؛ بندگان لطیف دیروز از آزادی و افسون‌های دیگر دم زدند؛ از برابری و محالات دیگر سخن گفتند؛ در و پنجره‌ها را به هم کوفتند؛ جعبه‌های نامه را به هم ریختند ... آنها حواس خود را جمع کردند و راه خود را پیش گرفتند؛ ما دیگر نمی‌توانیم آنها را بزنییم؛ آنها دیگر برای ما غذا نمی‌پزند و حتی نمی‌خواهند شبی در خانه با ما بمانند؛ به جای آنکه از گناهان ما به خشم آیند سرگرم گناهان خویشند؛ آنها نفوس و آراء را درست در زمانی به دست آوردند که مردان یکی را گم کرده و دیگری را فراموش کرده بودند. اکنون آنها سیگار می‌کشند و مشروب می‌خورند و شوهران مغرورشان که وقتی این کارها در انحصارشان بود در خانه نشسته‌اند و مشغول بچه‌داری هستند.

این واژگونی سریع عادات و رسوم محترم و قدیم‌تر از تاریخ مسیحیت را چگونه باید تحلیل کنیم؟ علت عمومی این تغییر، فراوانی و تعدد ماشین‌آلات است؛ آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است. زیرا انقلاب صنعتی در درجه اول موجب شد که زن نیز صنعتی شود، آن هم تا بدان پایه که بر همه نامعلوم بود و هیچکس خواب آن را هم ندیده بود. زنان، کارگران ارزان تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن بر مردان دشوار گشت، اما اعلان‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند. کارفرمایان باید در اندیشه سود و سهام خود باشند و نباید خاطر خود را با اخلاق و رسوم و حکومت‌ها آشفته سازند. کسانی که ناگاه برای خانه‌براندازی توطئه کردند کارخانه‌داران وطن‌دوست قرن نوزدهم انگلستان بودند.

... صنعتی شدن زنان طبعاً کار خانگی را از بین برد. هرچه بر ماشین‌ها افزوده شد و فراوانی محصول با روش‌های تازه در به کار انداختن نیرو قیمت‌ها را ارزان‌تر کرد کارخانه‌ها صدها کار خانگی را که به مشاغل زنان تنوع می‌بخشید یکی پس از دیگری از دست آنان گرفتند. مشاغل دیرین زن که مایه بندگی و اسارتشان بود رفته‌رفته از دستش گرفته شد و کسی به خانه توجه نکرد و زن خود بیکار و ناراضی گشت. بیرون رفتن زن از خانه و پیدا کردن کار در کارخانه به او وجهه و اعتبار می‌بخشید. او می‌خواست تا کاری را که از دستش رفته است بازیابد و می‌دانست که اگر کار نکند طفیلی بی‌معنی خواهد گشت و موجودی تفنی خواهد شد که جز مردان توانگر یا ناقص‌الخلقه به دنبال او نخواهند رفت. او نخستین مزد خود را با همان غرور و خوشحالی گرفت که پسران فراری از مدرسه می‌خواهند با یک کار صنعتی و سیگار روز تعطیل مردی خود را ثابت کنند. زن این بردگی جدید را با وجود و شادی پذیرفت، شادی کسی که سرانجام کاری پیدا کرده و خود را به نحوی سرگرم ساخته است.

دورات، جیمز ویلیام؛ تاریخ مؤلف؛ ۱۹۸۱م، لنت فلسفه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵، صص ۱۵۰-۱۵۴



به سربازی رفته و نقش ایفا کنند، کما اینکه در کشورهای دیگر نیز این اتفاق افتاده است.^{۳۰} مرد و زن باید در همه جا برابر باشند.

از جمله جاهایی که باید زن و مرد برابر باشند، اشتغال بانوان و آقایان است. عدالت جنسیتی به معنای برابری محض است در حالی که اگر فطرت مرد و زن دارای اشتراکاتی هستند، تفاوت‌هایی نیز دارند؛ یعنی به دلیل توان جسمی ضعیف‌تر زن، خداوند متعال ملاحظه خلقت زنان را نموده و کارها و مشاغل سخت کمتری را به آنها محول کرده است تا رفاه بانوان بیشتر شود. از طرف دیگر نیز به دلیل اینکه زن‌ها کاملاً عاطفه‌^{۳۱} هستند، کارهایی مانند تربیت فرزند و تولید اخلاق که رفق در آنها اصل است را به بانوان واگذار کرده‌اند. تولید اخلاق نیازمند اکسیری به نام محبت است که مردها اصلاً نمی‌توانند آن را انجام دهند. **تولید اخلاق دو چیز نیاز دارد؛ جزئی‌نگری و محبت شدید** در حالی که مردها کیلومترها با این دو مسئله فاصله دارند. وقتی مردی بسیار اهل محبت می‌شود، یک صدم محبت زن را دارد. حالا با این تفاسیر فرض کنید فرزندی تازه متولد شده است و مرد می‌خواهد به او رسیدگی کند. اصلاً این فرزند به چالش جدی کشیده می‌شود.

این موضوعات در جامعه ما یک فرهنگ است و منطق آن هم همان منطقی است که بنده توضیح دادم و در تفاهم با بانوان هم بسیار قابل فهم است. در نظام حقوقی اسلام شهادت زن، نصف شهادت مرد قرار داده شده است.^{۳۲} حُب این یک خدمت بزرگ است که اسلام به بانوان کرده است.

30. The Swedish government, which often has described itself as “feminist,” said “modern conscription is gender neutral and will include both women and men. “

دولت سوئد که اغلب خود را با عنوان طرفدار فمینیست توصیف می‌کند می‌گوید: “خدمت اجباری مدرن جنسیتی خنثی دارد و مرد و زن را شامل می‌شود.

<http://www.france24.com/en/20170302-sweden-introduces-mandatory-military-service-men-women> خبرگزاری فرانسه، ۲۴

Norway has become the first Nato member to bring in conscription for women. Both men and women will have to serve in the Norwegian military, and they will be expected to share mixed dorms.

نروژ، اولین عضو ناتو است که سربازی اجباری برای زنان را آغاز کرده است. مردان و زنان باید در ارتش نروژ به خدمت سربازی خواهند پرداخت و انتظار می‌رود که خوابگاه‌های مختلط داشته باشند.

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-3758423/Band-sisters-Norway-Nato-country-bring-compulsory-conscription-women-soldiers-sleep-mixed-dorms.html> روزنامه دیلی میل

۳۱. یعنی عاطفه آنها در درجه نهایت قرار دارد.

۳۲. «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلِعَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلْيُثِّبْ بِالْعَدْلِ وَالسُّبْحَةُ شَاهِدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَةِ أَن تَصِلَ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشَّاهِدَةُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَفْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّاهِدَةِ وَأَذْنَىٰ آلَا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِن تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ سوره مبارکه بقره آیه ۲۸۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آنرا بنویسید. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد. و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند. و مدیون باید بر کاتب املاء کند و از الله - پروردگار خود - بترسد و از آن هیچ نکاهد. اگر مدیون، سفیه یا صغیر بود یا خودش املاء کردن نمی‌توانست، ولی او از روی عدالت املاء کند. **و دو شاهد مرد به شهادت گیرید. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند**، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد. و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید از شهادت خودداری کنند. و از نوشتن مدت دین خود، چه کوچک و چه بزرگ، ملول نشوید. این روش در نزد خدا عادلانه‌تر است، و شهادت را استوار دارنده‌تر و شک و تردید را زایل کننده‌تر. و هرگاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی بنویسند مرتکب گناهی نشده‌اید. و چون



بانوان به دلیل اینکه از لحاظ جسمی ضعیف‌تر هستند، بیشتر برای شهادتِ باطل دادن تحت فشار قرار می‌گیرند. به همین دلیل هم خداوند متعال ارزش شهادت بانوان را کم کرده است تا در این زمینه ظلم به زنان کاهش پیدا کند؛ اما در حال حاضر در مورد همین مسئله بحث می‌کنند و می‌گویند - بحث هم به ظاهر بحث فشنگی است - ما باید در اختلافات قضایی ارزش شهادت زن را به اندازه شهادت مرد قرار دهیم.^{۳۳} در این صورت چه اتفاقاتی خواهد افتاد؟ قطعاً مشکلات روحی و روانی بانوان ما در جامعه افزایش خواهد یافت. مسئله شهادت در قضاوت‌ها، مسئله‌ای است که مورد تطمیع و تهدید است و کسانی که در کارهای قضایی هستند از این موضوع اطلاع دارند. حالا شما فکر کنید در نظام حقوقی شهادت زن و مرد برابر باشد! در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ رفاه زنان به چالش کشیده خواهد شد. این اختلافات حقوقی به خاطر تناسب‌های فطری ایجاد شده است. حالا جریان توسعه‌گرا این موضوع را تحت عنوان عدالت جنسیتی بحث می‌کند و می‌گوید فرصت‌های شغلی زن‌ها باید با مردها برابر باشد. در واقع با این کار هزینه‌های بانوان را افزایش می‌دهند؛ یعنی با اینکه زنان از توان جسمی پایین‌تری برخوردار هستند باید مانند مردها کار کنند. اینها در حقیقت با انجام این کار در حال انجام چه خیانتی هستند؟ مانع تربیت صحیح نسل آینده می‌شوند. همان‌طور که می‌بینید منطق دینی ما، منطقی محکم و قابل تفاهم است. علاوه بر این زمانی که بانوان را مشغول کار می‌کنند رسماً می‌گویند **بانوان نیروی کار ارزان قیمت هستند**؛ یعنی در نهایت سرمایه‌دار سود می‌برد. این بحث‌ها در حال حاضر در جامعه ما اتفاق می‌افتد. بنابراین فرهنگ هم باید اصلاح شود.

آنها به طلبه‌ها می‌گویند چرا شما می‌گویید مسئله خانواده برای بانوان اصل است؟ در حال حاضر دنیا تغییر کرده است. برادران عزیز! اگر دنیا تغییر کرده، فطرت‌ها که تغییر نمی‌کنند. چرا مردم را

معامله‌ای کنید، شهادی گیرید. و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسد که اگر چنین کنید نافرمانی کرده‌اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم می‌دهد و او بر هر چیزی آگاه است.

۳۳. سوده حامد توسلی استاد دانشگاه تهران در مصاحبه با روزنامه قانون گفت: در حقوق جزای ایران به درست یا غلط به علم قاضی اهمیت زیادی داده شده است. یعنی اگر قاضی در خصوص امری علم و آگاهی یابد در موارد خاصی می‌تواند براساس علم و آگاهی خود حکم صادر کند و در این موارد بحث راه‌های ثبوت جرم از اهمیت کمتری برخوردار است. در نتیجه سوالی که به ذهن می‌رسد این است که چرا شهادت مردان می‌تواند در قاضی علم ایجاد کند ولی شهادت زنان چنین توانی ندارد؟ شهادت برای اثبات جرم فی‌نفسه موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد، به عبارتی شهادت شهود تنها راهی است برای ایجاد علم و اطمینان در قاضی. یعنی می‌توان به آن اهمیت داد یا آن را فاقد اعتبار دانست. از سویی دیگر به نظر بسیاری از علما احکام اسلام به دو دسته کلی احکام مولوی و احکام ارشادی تقسیم می‌شوند. برخلاف احکام مولوی نمی‌توان عمل کرد اما احکام ارشادی از انعطاف بیشتری بهره‌مندند. بحث نصف بودن ارزش شهادت زنان نسبت به شهادت مردان که در صدر اسلام مطرح بود به گفته بسیاری از علمای نواندیش جزو احکام ارشادی است و می‌توان با مقتضای زمان و مکان آن را دستخوش تغییر و تحول کرد. به عبارتی در شرایط اجتماعی امروز ایران که به حکم هر عقل سلیمی بسیار متفاوت از شرایط صدر اسلام است منطقی به نظر نمی‌رسد که شهادت یک بانوی دندانپزشک، جراح یا وکیل در مراجع قضایی، از شهادت یک کارگر ساده ساختمانی که مذکر است کم اهمیت‌تر تلقی شود. تصور کنید یک بانوی حقوقدان در کنار یک مرد بی‌سواد در یکی از معابر در حال تردد هستند. از قضا در آن معبر به طریقی یک سرقت حدی رخ می‌دهد در اینجا مسئولان دادرسی محل وقوع جرم می‌توانند به شهادت آن مرد فاقد سواد ارزش و اعتبار دهند و شهادت وی را حجت تلقی کنند اما در خصوص شهادت و گواهی آن بانوی حقوقدان از چنین اختیاری بهره‌مند نیستند. از این رو به نظر می‌رسد قانون‌گذاران محترم از یک سو و مدیران قوه مجریه که خوشبختانه در میان آنها و کلا و حقوقدانان نیز وجود دارند از سوی دیگر باید نسبت به تغییر چنین قوانینی با توجه به مقتضیات زمانی اقدامات مقتضی را انجام دهند.



فریب می‌دهید؟! بانوان با آقایان تفاوت‌های فطری دارند و نباید به بهانه اشتغال و به بهانه‌های مختلف تحت فشار شدید جسمی باشند. مسئله تربیت نسل آینده و تربیت اخلاق به قدری مهم است که خداوند متعال نفقه زن‌ها را بر مردها واجب کرده تا دغدغه‌های تأمین نفقه به صفر رسیده و یا بسیار کم شود و بانوان بتوانند با فراغِ بال کار مهم تولید اخلاق را در جامعه جلو ببرند. خُب [از منظر جریان توسعه‌گرا] این فرهنگ اسلامی مانع جلو رفتن اقتصاد است و به همین دلیل باید اصلاح شود، پس به اصلاح فرهنگی هم می‌رسیم.

بنده در یکی از جلسات این موضوع را بحث کرده‌ام که آنها از اصلاح فرهنگی هم عبور نموده و می‌گویند باید به اصلاح قرائت دینی برسیم.^{۳۴} این موضوع، خانه آخر است و قم باید به یک واتیکان تبدیل شود و اصلاً مباحث اجتماعی و سیاسی را بحث نکرده و تنها توصیه و موعظه کند. این حرف، آخرین خواب شومی است که جریان توسعه‌گرا برای جریان دینی دیده است که البته این خواب شوم هیچ‌گاه به واقعیت تبدیل نخواهد شد. ببینید؛ از منظر این جریان باید همه‌چیز - از اصلاح قرائت دینی تا فرهنگ جامعه، تا نظام قوانین جامعه، تا نظام آموزشی جامعه - به محوریت بخش اقتصاد تعدیل شده و با این بخش هماهنگ شود.

استقلال جامعه هم یکی از بخش‌هایی است که باید تغییر کند. برای بنده جالب بود که جناب آقای نوبخت می‌فرمودند کشاورزان عزیز باید درک کنند که واردات برنج از کشت آن در داخل کشور، برای دولت ارزان‌تر است.^{۳۵} جریان توسعه‌گرا اقتصاد را ملاک قرار داده و می‌گوید وقتی ما به واردات روی بیاوریم، ارزان‌تر خواهد بود. یعنی حتی به این سمت می‌روند که کشور را وابسته کنند. در حال

۲/۳/۴. تلاش برای اصلاح قرائت دینی و تبدیل کردن قم به واتیکان؛ از دیگر مصادیق تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد

۲/۳/۵. نادیده گرفتن استقلال کشور با روی آوردن به واردات محصولات کشاورزی به دلیل ارزان‌تر بودن واردات نسبت به تولید؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد

۳۴. شریعتی معتقد بود اندیشه و فرهنگ، زیربنا و علت‌العلل همه‌ی مشکلات ما در ایران است و تا زمانی که اندیشه و فرهنگ و تفکر جامعه تغییر نکند، با تغییر رژیم‌ها هیچ مشکلی به طور اساسی حل نمی‌شود. اما از آن جا که در جامعه‌ی ایران، مذهب اساسی‌ترین هسته فرهنگ است، جامعه و فرهنگ ایرانی در تمام دوره‌ها اساساً جامعه و فرهنگی مذهبی بوده است؛ چه در دوره‌ی قبل از اسلام و در عصر ساسانی و زرتشتی، چه در دوره‌ی بعد از اسلام؛ چه در مرحله قبل از صفویه، یعنی آن زمانی که اکثریت ایرانیان هنوز به تشیع نگروریده بودند، و چه بعد از آن. در فرهنگ ایران اساسی‌ترین هسته، مذهب است. دکتر شریعتی با تحلیل خود از جامعه ایران و با شناختی که از تجربه پروتستانتیسم مسیحی داشت به این جمع‌بندی رسیده بود. البته پروتستانتیسم مسبوق به نگاه دیگری نیز بود؛ چون قبل از شروع نهضت پروتستانتیسم در اروپا نهضت دیگری به نام اومانیسیم آغاز شده بود. اومانیسیم می‌گفت انسان در مقابل کلیسا ارزش دارد. کلیسا خدا را مطرح می‌ساخت، و به نام خدا و نایب خدا و نایب مسیح، که پاپ و روحانیت مسیح بود، انسان‌ها را قربانی می‌کرد. می‌گفتند انسان هیچ ارزشی ندارد. انسان اصلاً ناپاک و گناهکار است؛ گناهکار ذاتی. انسان ذاتاً گناهکار به دنیا آمده است و تنها زمانی می‌تواند امید به پاک شدن و رفتن به بهشت داشته باشد که دست پاک‌جانشین مسیح بر سر او کشیده شود و او را لمس کند و واسطه او با خداوند بشود. اومانیسیت‌ها به این امر اعتراض داشتند. آنان می‌گفتند انسان ارزشمند است، انسان به منزله انسان، اصیل است دکتر شریعتی این تجربه را به خوبی مطالعه کرده بود. وقتی در جامعه‌ی خودش تامل کرد به این نتیجه رسید که ما در مقام یک روشن‌فکر، اگر خواستار تحول در جامعه‌ی خودمان هستیم و اگر می‌خواهیم جامعه‌مان را از عقب‌ماندگی نجات دهیم، باید خود این جامعه را بشناسیم و ببینیم کدام عامل است که اگر دچار انحطاط شود جامعه را به خاک می‌نشانند و اگر رو به ترقی برود جامعه را مترقی خواهد ساخت؟ این هسته‌ی اصلی و مرکزی چیست؟ او به این نتیجه رسید که دین جامعه ما، یعنی جامعه در حال انحطاط، و اساساً پروبولماتیک دو قرن اخیر، یعنی آن صورت مسئله‌ساز و ساختار معضل و مشکل جامعه ایران را می‌توان در چارچوب انحطاط مورد بررسی قرار داد. در مرکز این انحطاط، دین قرار داشت؛ دین منحط. اگر آن دین منحط تغییر پیدا نکند و اصلاح نشود امید هیچ اصلاحی نیست. به همین دلیل دکتر شریعتی تمام رساله‌اش و برنامه‌ها و چارچوب‌های حرکتش را در یک پروژه خلاصه کرد: پروژه پروتستانتیسم اسلامی.

سخنرانی سید هاشم آقاچاری در تالار معلم همدان مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹

۳۵. واردات به مراتب برای ما ارزان‌تر تمام می‌شود، انتظار داریم کشاورزان عزیز ما را درک کنند و ان‌شاءالله تمام مطالبات آنها را ظرف یکی، دو ماه آینده پرداخت خواهیم کرد.

پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، کد خبر ۳۸۹۷۱۶



حاضر سه مسئله تحت عنوان کشت فراسرزیمینی، طرح نکاشت و محصولات تراریخته را مطرح کرده‌اند.^{۳۶} این سه طرح، سه طرح مهم دولت یازدهم برای حوزه اقتصاد هستند که هر سه مورد نیز به نوعی ضد استقلال کشور می‌باشند. طبق این طرح ما باید محصولات کشاورزی را در یک سرزمین دیگر کشت نموده و بعد آن را وارد ایران کنیم؟ خُب اگر فردا یک اتفاق امنیتی رخ داد طرح شما پاسخگو خواهد بود؟! در واقع این جریان می‌گوید استقلال هم مفهومی است که نمی‌توان از آن دفاع کرد. چرا این حرف را می‌زنند؟ چون اقتصاد اصل است. این حرف محوری جریان توسعه‌گرا دارای مصادیق مختلفی است. پس این نظم کلان جامعه حول بخش اقتصاد است که نظم نهایی آنها می‌باشد.

دیدید با نظم اجتماعی دین‌داری تغییر کرد؟ این موضوع اصلاً ربطی به تبلیغ ما ندارد؛ بلکه آموزش‌های اصلی نظام آموزشی حول ریاضی، فیزیک و زیست - یعنی آموزش‌های متناسب با بخش خدمات و تولید - است و وقتی این آموزش‌ها اصل قرار می‌گیرند سن تربیت اشغال می‌شود و دیگر زمانی برای آموزش‌های دینی نخواهد ماند. همان‌طور که می‌بینید نظم اجتماعی منجر به تضعیف دین‌داری مردم شد. خُب نظم اقتصادی زن را نیروی کار ارزان‌قیمت می‌داند و در نتیجه خانواده تضعیف می‌شود و ثمره این موضوع هم تضعیف اخلاق و دین است.

۳۶. **کشت فراسرزیمینی؛ وزیر جهاد کشاورزی گفت:** برای توسعه کشت فراسرزیمینی در کشورهای مختلف تا ۵۰۰ هزار هکتار تا پایان دولت یازدهم برنامه‌ریزی شده است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت جهاد کشاورزی به نقل از واحد مرکزی خبر، محمود حجتی در همایش روز مهندس در سالن همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت افزود: یکی از برنامه‌ریزی‌های وزارت جهاد کشاورزی توسعه کشت فراسرزیمینی در کشورهای مختلف است که هم اکنون به صورت اجاره‌های بلندمدت یا در کشورهایی که قابلیت آن وجود داشت به صورت مالکیتی با حدود چند ۱۰ هزار هکتار محقق شده و در افق برنامه‌های بلندمدت در نظر داریم تا سطح آن را به ۵۰۰ هزار هکتار تا پایان دولت یازدهم افزایش دهیم. وی تصریح کرد: این اراضی مورد نظر که در کشورهای مختلف مورد توافق دولتها قرار گرفته جای مناسبی برای مهندسان کشاورزی و متخصصان این بخش است چرا که در حال حاضر حدود ۶۰ هزار هکتار اراضی در برزیل در حال پیگیری برای توسعه کشت فراسرزیمینی هستیم.

دکتر محمود حجتی (وزیر کشاورزی دولت یازدهم) در همایش روز مهندس به نقل از خبرگزاری ایلنا کد خبر: ۲۵۵۶۰۹

طرح نکاشت: طرح «نکاشت» یکی از مصوبات ستاد دریاچه ارومیه برای نجات این دریاچه است که از آبان، زمان کشت پاییزه، در سطح ۵۰ هزار هکتار از زمین‌های زراعی حوضه آبریز دریاچه ارومیه به اجرا درخواهد آمد. سخنگوی ستاد احیای دریاچه ارومیه با اشاره به این که اجرای این طرح از مصوبات دولت برای نجات دریاچه است، به ایرنا می‌گوید: در این طرح قرار است ۵۰ هزار هکتار از اراضی زراعی در بخش زربینه‌رود به اجاره دولت درآید و کشاورزان دیگر در آن کشت نکنند، به این ترتیب که خسارت ناشی از نکاشتن محصول، به صاحبان اراضی داده شود تا آب این بخش به دریاچه ارومیه برسد.

سخنگوی ستاد احیای دریاچه ارومیه در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا <http://www.irna.ir/fa/News/81333544>

تراریخته: به گزارش خبرگزاری تسنیم، محمدباقر نوبخت صبح امروز در حاشیه بازدید از ساختمان جدید پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی منطقه شمال کشور، با اعلام اینکه دولت مدافع فعالیت‌های بیوتکنولوژی و محصولات تراریخته است و اگر برخی افراد ملاحظات زیست‌محیطی دارند، مباحث خود را مطرح کنند تا موضوع با مذاکره و مفاصحه حل شود، گفت: زمانی بود که برخی افراد به بلندگو به‌عنوان ابزار شیطان نگاه می‌کردند، امروزه نیز برخی افراد به محصولات تراریخته که دارای فواید علمی هستند با چنین دیدی نگاه می‌کنند. وی از فعالان این عرصه خواست که با سعه صدر به راه خود ادامه دهند تا پیشرفت کشور را همچنان به ارمغان آورند و گفت: تا زمانی که تولید محصولات تراریخته در کشور پا بگیرد همچنان مخالفت‌هایی با آن وجود خواهد داشت.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۱۸۹۰۹۸



جریان توسعه‌گرا می‌گوید واردات محصولات کشاورزی ارزان‌تر خواهد بود؛ اما در این صورت استقلال کشور به چالش کشیده می‌شود و وقتی استقلال کشور به چالش کشیده شد، آرام‌آرام برای مردم تفاوتی نخواهد داشت که برای چه کسی کار کنند و در نتیجه جزء تقسیم کار جهانی می‌شوند؛ چون سود اقتصادی، اصل است. وقتی هم که جزء تقسیم کار جهانی شدیم، مرزهای بین کفر و نفاق و ایمان از بین می‌رود و در این صورت دین‌داری مردم از دست خواهد رفت. این اصل بحث است. ان‌شاءالله فردا وارد بحث شده و این موضوع را به صورت بخشی توضیح خواهیم داد تا واضح شود که نظم اجتماعی چه تأثیری بر دین‌داری مردم دارد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ



پرسش و پاسخ

۱. عدم حل مشکل اقتصاد در صورت محور قرار دادن اقتصاد

یکی از حاضرین: ...

استاد کشوری: در نگاه غربی اقتصاد، محور است و بقیه بخش‌ها با این بخش هماهنگ می‌شوند. در جلسات آینده عرض خواهم کرد که مشکل اقتصاد با این مسئله حل نخواهد شد. توضیح خواهم داد که چطور مشکل اقتصاد با این مسئله حل نخواهد شد. وقتی حرص را تحریک کردید حتی مشکل اقتصاد هم حل نخواهد شد؛ زیرا دیگر اقتصاد از عامل رفع نیاز تبدیل به عامل تفاخر تبدیل شده است و لذا مسئله اقتصاد هم حل نخواهد شد.

یکی از حاضرین: یعنی در دولت یازدهم این اتفاق افتاده است؟

استاد کشوری: مثال‌هایی که می‌زنیم باید به روز باشد. جریان توسعه‌گرا که هفتاد سال است در کشور ما سابقه دارد. اما دولت یازدهم، توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی ایران است. بنده می‌خواهم مثال‌های خود را به روز بزنم در غیر این صورت می‌توانم از کینز^{۳۷} و ... هم مثال بیاورم.

یکی از حضار: منظور بنده در ایران است.

استاد کشوری: نظام برنامه‌ریزی در ایران از سال ۱۳۲۷ شروع بکار کرده است.^{۳۸} در ادامه بحث این مسائل خواهد آمد و در جلسات آخر تاریخ برنامه‌ریزی در ایران را مرور خواهیم کرد. از این بحث‌های تحلیلی که بگذریم شروع به مطالعه برنامه‌های

۳۷. جان مینارد کینز یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم محسوب می‌شود.

۳۸. در سال ۱۳۱۶ برای نخستین بار فکر تنظیم برنامه‌ای، برای فعالیت‌های عمرانی کشور به وجود آمد. در ۱۱ فروردین ماه سال مزبور بنا به تصویب هیأت وزیران، هیأتی به نام «شورای اقتصادی» برای تمرکز مطالعات اقتصادی در کشور تشکیل شد. ریاست این هیأت با رئیس الوزرا بود و اعضای آن را وزیر مالیه، رئیس‌ان کل فلاح، صناعت و تجارت، رئیس هیأت نظارت بر شرکت‌ها، رئیس‌ان بانک ملی ایران، بانک فلاح و بانک سپه و سه نفر از اشخاص صلاحیت‌دار با تصویب هیأت وزیران، تشکیل می‌دادند.

شورای مزبور در دهمین جلسه خود (اول تیر ماه ۱۳۱۶) گزارشی درباره تهیه برنامه عمومی اقتصادی کشور به رضا پهلوی داد و متعاقب آن کمیسیون دائمی زیر نظر این شورا برای تهیه برنامه امور اقتصادی کشور تشکیل شد. این کمیسیون پس از چند هفته نتایج مطالعات خود را درباره اصلاح وضع کشاورزی و اسکان ایلات و عشایر تحت عنوان «برنامه هفت‌ساله کشاورزی» تهیه و به نخست‌وزیر وقت ارائه کرد. مقدمات برنامه پیشنهادی در دست تهیه بود که شروع جنگ جهانی و بسته شدن راه‌های زمینی و دریایی امکان اجرا و تعقیب آن را غیرعملی کرد. در دهه ۱۳۲۰ پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، با بهبود نسبی شرایط اقتصادی، موضوع برنامه‌ریزی منظم که در دهه ۱۳۱۰ برای نخستین بار مطرح شده بود، با تأکید بیشتری مطرح و در دو مسیر متمرکز شد؛ اول، تجدید سازمان تمام موسسه‌های انتفاعی دولتی به استثنای صنایع نفت، دخانیات و راه‌آهن که به بانک صنعتی و معدنی واگذار شد. دوم، تنظیم یک برنامه عمرانی ملی.

در سال ۱۳۲۶ قانونی از تصویب مجلس گذشت که اگرچه در عمل به اجرا درنیامد اما حاکی از وجود نوعی تفکر برنامه‌ای در مسوولان کشور و تلاش به منظور بهبود وضع اقتصادی کشور بود. در تبصره ۸ قانون اجازه پرداخت حقوق و هزینه‌های کل کشور در ۳ ماهه آخر سال ۱۳۲۶، دولت مکلف شد از تاریخ اول فروردین ۱۳۲۷ تا مدت ۱۰ سال آنچه را به عنوان حق امتیاز و سود سهام و هر نوع عایدات دیگر از شرکت نفت ایران و انگلیس دریافت می‌دارد در حساب جداگانه‌ای به طریق زیر نگهداری کند:

- سال اول، ۶۰ درصد تمام عواید.

- سال دوم، ۷۰ درصد تمام عواید.

- سال سوم، تمام عواید.

قرار بود که وجوه حاصل از این منبع تنها برای کارهای تولیدی و عام‌المنفعه اختصاص یابد. استفاده از این محل طبق برنامه معین و با اجازه مخصوص مجلس بود. در مصرف وجوه یاد شده تا حد امکان اولویت با استان‌ها و شهرستان‌ها بود.



توسعه خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که آنها چه حکمی را پیشنهاد داده‌اند و غرض آنها تغییر نظم حول اقتصاد است. همه این موارد را به فضل الهی بحث خواهیم کرد.

اللهم صلّ علی محمد و آله محمد وآلِهِ

پس از مطالعاتی که توسط هیات عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در بر داشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز برنامه را از طریق گرفتن وام از خارج تامین کند. از این رو، یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه درخواست شد. برای تامین شرایط بانک، تشریح و توجیه طرح‌های پیشنهادی ضروری بود. بنابراین، شرکت آمریکایی «موریسن - نودسن» به عنوان مشاور انتخاب و مشغول به کار شد. این شرکت پس از ۴ ماه بررسی، سه برنامه در مقیاس‌های مختلف به دولت ایران عرضه کرد.

در سال ۱۳۲۷ دولت برای تهیه مقدمات کار برنامه و هماهنگی امور مشاوره با هیات‌ها و موسسه‌های خارجی، اداره‌ای به نام «اداره دفتر کل برنامه» تاسیس کرد که وظیفه آن تهیه برنامه تفصیلی هفت ساله تعیین شد. این اداره بعدها به نام سازمان موقت برنامه نامیده شد. همچنین در اواخر همین سال برای انجام بسیاری از خدمات فنی، قراردادی با شرکت آمریکایی «مهندسی مشاور ماورای بحر» منعقد شد. هیات ۵ نفره شرکت مزبور پس از مطالعه اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سفر به نقاط مختلف ایران و بازدید از فعالیتهای اقتصادی، در ۲۲ دی ماه سال ۱۳۲۷ گزارش خود را در مورد برنامه هفت ساله به دولت ایران ارائه کرد.

در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ قانون اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه مجلس که در واقع قانون برنامه اول عمرانی کشور بود، شامل ماده واحده و ۴ تبصره به تصویب مجلس رسید.

دکتر محمد کردبچه (مدیر کل اسبق دفتر امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)، روزنامه اقتصاد دنیای اقتصاد،

<http://donya-e-egtesad.com/news/468986>



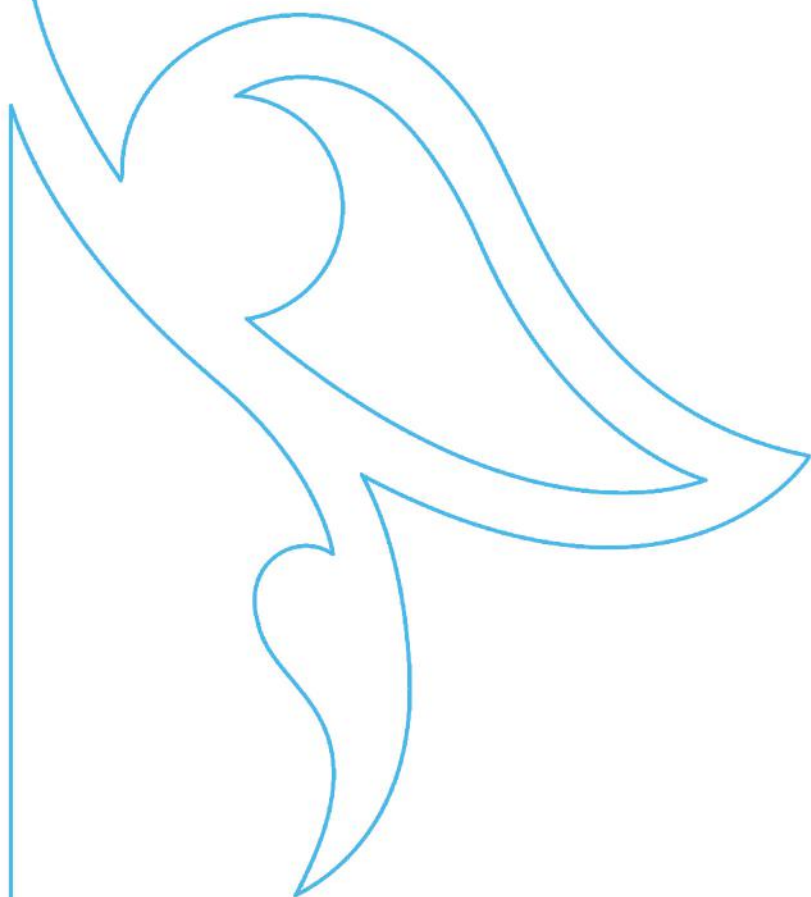
فهرست تفصیلی

۱. اثرگذاری نظامات اجتماعی بر روی اخلاق و دین‌داری مردم؛ دلیل توجه الگوی پیشرفت اسلامی به نظامات اجتماعی ۲۷
- ۱/۱. بررسی ارتباط میان اخلاق جامعه و نظامات اجتماعی؛ موضوع اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۷
- ۱/۲. عدم بحث درباره نسبت میان دین‌داری مردم و نظامات اجتماعی (فهم سنتی از اسلام)؛ رویکرد اول نسبت به ارتباط میان دین‌داری و نظامات اجتماعی ۲۸
- ۱/۳. انکار ارتباط میان نظامات اجتماعی و دین‌داری؛ دومین رویکرد نسبت به ارتباط دین‌داری با نظامات اجتماعی ۲۸
- ۱/۴. برقراری ارتباط مستقیم میان دین‌داری مردم و نظامات اجتماعی؛ سومین رویکرد نسبت به ارتباط دین‌داری با نظامات اجتماعی ۲۸
- ۱/۵. محوریت‌داشتن دین‌داری مردم برای جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اثرگذاری نظامات اجتماعی بر دین‌داری مردم؛ دلیل شکل‌گیری جبهه الگو ۲۸
- ۱/۵/۱. مهم‌بودن هویت شیعی برای مردم ایران به دلیل صرف هزینه‌های مالی و جانی برای حفظ این هویت؛ دلیل اهمیت‌داشتن دین‌داری مردم برای جریان الگوی پیشرفت اسلامی ۲۸
- ۱/۵/۲. لزوم تلاش برای تقویت هویت شیعی و عدم امکان انجام این امر با اکتفا به تبلیغ هویت اسلامی ۲۹
- ۱/۵/۲/۱. افزایش آمار طلاق در جامعه با وجود اختصاص‌یافتن بسیاری از منابع تبلیغی به مسئله خانواده؛ یکی از شواهد ناکافی بودن اکتفا به تبلیغ در تقویت هویت دینی ۳۰
- ۱/۵/۳. اهمیت‌داشتن دین‌داری مردم برای جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بحث از موضوعات دیگر در ذیل دین‌داری، برخلاف جریان توسعه غربی ۳۱
- ۱/۵/۴. بازتعریف نظامات اجتماعی؛ راه حل جریان الگوی پیشرفت اسلامی برای تقویت هویت دینی و دین‌داری مردم ۳۲
۲. لزوم بازتعریف نظم فعلی برنامه‌ریزی به دلیل اثرگذاری سوءِ نظمِ کلان و بخشی نظام برنامه‌ریزی بر هویت دینی ۳۴
- ۲/۱. تشریح چگونگی هدم هویت دینی توسط نظم مبتنی بر توسعه؛ موضوع ده‌جلسه‌ی اول این دوره بحثی ۳۴
- ۲/۲. هدم هویت شیعی توسط نظم مبتنی بر توسعه از دو بُعد کلان و بخشی ۳۴
- ۲/۳. تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد (هماهنگ‌سازی تمام حوزه‌ها حتی قرائت دینی با اقتصاد)؛ تصویر نظم کلان توسعه غربی و ضدیت این نظم با دین‌داری مردم ۳۴
- ۲/۳/۱. محوریت‌یافتن آموزش‌های مرتبط با بخش اقتصاد در نظام آموزشی و غفلت از آموزش‌های دینی؛ نمونه‌ای از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد ۳۵
- ۲/۳/۱/۱. کاهش ساعت دروس دینی در دولت یازدهم (توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی)؛ شهادی بر مهم‌نبودن تربیت دینی در نظام آموزشی کشور ۳۵
- ۲/۳/۱/۲. اشغال سن تربیت و نبود زمان برای انتقال معارف و مفاهیم دینی و در نتیجه تضعیف دین‌داری مردم؛ اشکال اصلی محوریت‌داشتن مفاهیم اقتصادی در نظام آموزشی ۳۶



- ۲/۳/۱/۲/۱. افزایش آمار طلاق در جامعه و تضعیف نهاد خانواده به دلیل عدم انتقال آموزش‌های مرتبط با خانواده به دانش‌آموزان؛ یکی از مصادیق تضعیف هویت دینی توسط نظام آموزشی ۳۷
- ۲/۳/۲. اصلاح نظام قانون‌گذاری کشور به محوریت اقتصاد و تبدیل شدن قوه قضائیه به قوه مجازات‌کننده‌ی تحقیرکنندگان بخش اقتصاد؛ از دیگر مصادیق تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد ۳۷
- ۲/۳/۲/۱. شورای رقابت و اتاق بازرگانی؛ دو نمونه از قوانین بسیار خطرناک تصویب‌شده به محوریت اقتصاد ۳۷
- ۲/۳/۳. اصلاح فرهنگ جامعه مانند تقلیل نقش زنان از جایگاه مادری به جایگاه کارگر ارزان‌قیمت؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد ۳۷
- ۲/۳/۳/۱. طرح شعار عدالت جنسیتی؛ راهکار دولت یازدهم برای تقلیل جایگاه زنان به نیروی کار ارزان‌قیمت ۳۸
- ۲/۳/۴. تلاش برای اصلاح قرائت دینی و تبدیل کردن قم به واتیکان؛ از دیگر مصادیق تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد ۴۱
- ۲/۳/۵. نادیده‌گرفتن استقلال کشور با روی آوردن به واردات محصولات کشاورزی به دلیل ارزان‌تر بودن واردات نسبت به تولید؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد ۴۱
- ۲/۳/۵/۱. هضم‌شدن مردم ایران در تقسیم کار جهانی و در نتیجه از بین رفتن تدریجی مرزهای کفر و ایمان؛ نتیجه نادیده‌گرفتن استقلال کشور ۴۳
- پرسش و پاسخ ۴۴**
- ۱. عدم حل مشکل اقتصاد در صورت محور قرار دادن اقتصاد ۴۴**

جلسه سوم



تبیین ضدیت نظم کلان جریان توسعه‌گرا با هویت اسلامی
و فریب‌کاری جریان توسعه‌گرا برای غافل‌کردن نیروهای
انقلاب از این نظم خطرناک

شناسنامه جلسه سوم



عنوان

تبیین ضدیت نظم کلان جریان توسعه‌گرا با هویت اسلامی و فریب‌کاری
جریان توسعه‌گرا برای غافل کردن نیروهای انقلاب از این نظم خطرناک

تاریخ نشست
۳ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۹ صفحه (قطع رحلی)

در جلسه گذشته بیان شد که الگوی پیشرفت اسلامی نظم مبتنی بر توسعه غربی را به دلیل ضدیت آن با هویت اسلامی قبول ندارد. همچنین بیان گردید که نظم توسعه غربی در دو حوزه‌ی کلان و بخشی هویت اسلامی را با چالش مواجه می‌کند. در جلسه گذشته بحث به تبیین نظم کلان توسعه غربی رسید و بیان گردید که توسعه غربی در بُعد کلان خود به دنبال تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است. در واقع جریان توسعه‌گرا معتقد است که تمام بخش‌های جامعه از جمله فرهنگ، قانون‌گذاری، قضا و حتی دین باید خدمه بخش اقتصاد باشند. البته جریان توسعه‌گرا در مواجهه با نیروهای انقلاب اسلامی این حرف محوری خود را به صراحت بیان نمی‌کند؛ بلکه هنگام تفاهم با جبهه فکری-فرهنگی انقلاب اسلامی از نقاط شروع جبهه انقلاب استفاده نموده و در ادامه، مسائل و لوازمی را مطرح می‌کند که موجب تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد می‌گردد. در واقع جریان توسعه‌گرا با استفاده از راه حل خود برای تحقق دغدغه‌های انقلاب، تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد را رقم می‌زند. به همین دلیل نیروهای انقلاب همواره باید مراقب باشند که طرح‌های پیشنهادی جریان توسعه‌گرا چه لوازمی را در پی دارد.

در این جلسه یکی از فریب‌های جریان توسعه‌گرا تبیین می‌شود. با توجه به اینکه یکی از دغدغه‌های نیروهای انقلاب فقرزدایی است، جریان توسعه‌گرا از همین نقطه وارد شده و به ترجمه کتابی در زمینه فقرزدایی روی آورده است و این کتاب را به عنوان راه حل رفع فقر مطرح کرده است؛ اما بررسی باطن این کتاب نشان می‌دهد که این کتاب موجب بقا و تثبیت نظم خطرناک اقتصاد توسعه‌شده و مردم را در این نظم غلط مشارکت می‌دهد.

این کتاب دارای سه اشکال عمده است: اشکال اول این است که در پی رفع فقر می‌باشد؛ در حالی که در ادبیات قرآن شریف مسأله رفع استضعاف مطرح شده است. زمانی که کلمه استضعاف استفاده می‌شود به این معناست که نظم‌های اجتماعی غلطی وجود داشته‌اند که موجب ایجاد محرومیت و فقر شده‌اند؛ اما جریان توسعه‌گرا با به کار بردن کلمه فقر از این نظامات اجتماعی غفلت کرده و حاصل این نظامات یعنی فقر را هدف گرفته است.

دومین اشکال کتاب مذکور این است که فقر را به صورت بسیار حداقلی معنا نموده و آن را در خوراک، پوشاک، مسکن، آب و برق و گاز محدود کرده و توجهی به فقر فکری نکرده است. از منظر الگوی پیشرفت اسلامی اصلی‌ترین حوزه فقر انسان‌ها، فقر فکری است؛ اما در این کتاب به این نوع از فقر توجه نشده است.

اشکال سوم کتاب این است که چهار راه حل ارائه شده در این کتاب برای فقرزدایی موجب تثبیت نظم غلط اقتصادی شده و فقط راه‌حلی برای گسترش مشارکت مردم در این نظم غلط می‌باشند. در واقع جریان توسعه‌گرا در پیشنهادها خود اصل مطلب یعنی این نظم غلط را به فراموشی سپرده و فقط چند راه‌حل فرعی را پیشنهاد داده است که البته در موفق بودن این راه‌حل‌ها نیز حرف و حدیث بسیار است. بنابراین جریان توسعه‌گرا از یک نقطه مقبول یعنی فقرزدایی شروع کرد؛ اما در راه‌حل‌های خود موجب تثبیت نظم غلط فعلی که با هویت شیعی ضدیت دارد شد. پس نیروهای انقلاب باید در راه‌حل‌های ارائه شده توسط جریان توسعه‌گرا دقت کنند تا فریب نخورند.

فهرست اجمالی

۵۳	۱. بازخوانی چند مورد از موارد تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد در نظام برنامه‌ریزی حاکم بر کشور
۶۰	۲. شروع کردن از نقاط شروع نیروهای انقلاب و ارتباط دادن این نقاط به مباحث توسعه غربی مانند چاپ کتابی برای فقرزدایی و تثبیت اقتصاد سرمایه‌داری توسط کتاب؛ شیوه جریان توسعه‌گرا برای غافل کردن مردم از تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد
۶۹	پرسش و پاسخ

جلسه سوم: تبیین ضمیمه بنظم کلان جریان توسعه‌گر با هویت اسلامی و فریکاری جریان توسعه‌گر برای غافل کردن نیروهای انقلاب از این بنظم خطرناک





۱. بازخوانی چند مورد از موارد تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد در نظام برنامه‌ریزی حاکم بر

کشور

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

در جلسه گذشته عرض کردم موضوع اصلی‌ای که ما را به این نتیجه می‌رساند که نظام برنامه‌ریزی فعلی کشور ناکارآمد است و باید یک تغییر بنیادین در آن ایجاد شود، "عدم ملاحظه نسبت بین نظم اجتماعی و دین‌داری مردم" در این نظام است. در واقع به دلیل اینکه نظامات اجتماعی و نظم اجتماعی؛ اخلاق‌ساز، اعتقادساز و بینش‌ساز هستند ما نمی‌توانیم بگوییم نظم اجتماعی می‌تواند بر مبنای هر ملاک و مفهومی بازتعریف شود.

همچنین عرض کردم که در جلسات اول این دوره مبارک، بحث را به این سمت خواهیم برد که به صورت تفصیلی نظم مبتنی بر توسعه را تشریح نموده و آثار این نظم را بر اخلاق و هویت شیعی مردم ایران تبیین کنیم. عرض کردم که این کار را در دو بخش انجام خواهیم داد؛ ابتدا نظم کلان حاکم بر تفکر توسعه‌گرای غربی را تشریح می‌کنیم و سپس ضمن تبیین نظم‌های بخشی مبتنی بر توسعه، آثار این نظم‌های بخشی را بر هویت شیعی و دین‌داری مردم ایران بازشکافی می‌کنیم.

۱/۱. اخلاق‌ساز بودن نظامات اجتماعی و عدم ملاحظه نسبت میان نظم اجتماعی و دین‌داری مردم توسط نظام برنامه‌ریزی فعلی؛ دلیل ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی

۱/۲. تشریح نظم مبتنی بر توسعه و اثبات ضدیت این نظم با هویت اسلامی؛ موضوع ده جلسه ابتدایی این دوره بحثی



۱/۳. تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد (هماهنگ‌سازی تمام بخش‌ها با اقتصاد)؛ نظم کلان پیشنهادی جریان توسعه غربی و ضدیت این نظم با هویت شیعی

در جلسه گذشته مبتنی بر این فهرست مفهومی، عرض کردم که جریان توسعه غربی به دنبال تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است. در واقع کسی نباید فکر کند که جریان توسعه غربی به دنبال کاهش تورم است، یا اینکه جریان توسعه غربی می‌خواهد صادرات کشور را افزایش دهد، یا اینکه قصد جریان توسعه خارج کردن کشور از رکود است. در واقع این عناوینی که در فضای گفتمانی جریان توسعه‌گرا به صورت مداوم تکرار می‌شود، لوازمی را در لایه‌های بعد ایجاد می‌کند که این لوازم منجر به تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد می‌شوند.

همچنین بیان کردیم که تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد به معنای هماهنگی دینامیک تمام بخش‌ها با بخش اقتصاد است؛ یعنی باید در درون تمام بخش‌های جامعه تغییراتی ایجاد شود تا تمام این بخش‌ها به خدمه بخش اقتصاد تبدیل گردند. این نقشه خطرناک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادهای مبتنی بر توسعه برای ملت ایران است.

۱/۳/۱. محور قرار دادن مفاهیم مرتبط با اقتصاد در نظام آموزشی؛ نمونه‌ای از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد

دیروز توضیح دادم که مبتنی بر این تفکر مثلاً بخش آموزش باید بازتعریف شود؛ این بخش، هم در محتوا و هم در شکل باید به نحوی تغییر کند که مفاهیم اقتصاد، آموزش داده شود. اصلاً در نگاه توسعه‌گرایان کارکرد نظام آموزشی، انتقال آموزش‌های مورد نیاز بخش خدمات و تولید است. این، نظام آموزشی مطلوب آنان محسوب می‌شود؛ از نظر جریان توسعه‌گرا نظام آموزشی مطلوب باید بتواند خلاقیت و کارآفرینی را انتقال دهد، همچنین بایستی بتواند مفهوم سود را در سنین پایین به نسل جوان ما منتقل کند، این نظام آموزشی مطلوب است.

۱/۳/۲. تعریف قانون خوب به قانون پشتیبان بخش اقتصاد؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد

بخش قضایی و قانونی نیز باید تغییر کند و نظام قوانین کشور باید زیرساخت‌های رونق اقتصادی را به وجود آورد. پس قانون هم باید خدمه بخش اقتصاد باشد. بنده در جلسات گذشته همواره این مثال را مطرح کردم که برنامه پنجم کشور - به عنوان برنامه‌ای که الآن در حال اجراست - به‌تنهایی ۱۰۸ ماده اقتصادی دارد؛ یعنی ۱۰۸ ماده از ۲۳۵ ماده برنامه پنجم مربوط به بخش اقتصاد است. البته سایر بخش‌هایی هم که در برنامه پنجم بحث شده‌اند نیز هماهنگ با بخش اقتصاد تعریف شده‌اند؛ این یعنی نظام قانون‌گذاری کشور - که قانون برنامه نیز یکی از قوانین مهم است - باید در تمام ابعاد از بخش اقتصاد پشتیبانی کند.

شما می‌دانید که در برنامه پنجم کشور در مجموع ۱۴ ماده فرهنگی وجود دارد و الآن که ما اجرای این برنامه را یک‌سال تمدید کرده‌ایم، همین ۱۴ ماده فرهنگی نیز اجرا نشده‌اند؛ یعنی حتی وقتی قانونی را برای راضی کردن نیروهای انقلاب و جریان حزب‌الله تصویب می‌کنند آن قانون در عمل اجرا نمی‌شود.

مهم‌ترین قانون فرهنگی‌ای که ما در برنامه پنجم کشور داشتیم، بند اول برنامه پنجم بود؛ این بند دولت و سایر قوا را مکلف کرده بود که ابتدا لایحه «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» را تنظیم



کنند، سپس به مجلس بفرستند و پس از تصویب در مجلس، لایحه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مبنای تدوین برنامه ششم قرار دهند.^۱

این بند ملاک خوبی برای قضاوت است؛ آیا این بند قانونی محقق شد؟ آیا جریان توسعه‌گرا به صورت جدی وارد تدوین این لایحه شد؟ شما می‌بینید که آقای نوبخت به جای اینکه گزارش کار خود در مورد بند اول برنامه پنجم را ارائه دهند به صراحت در صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام می‌کنند که «اساساً الگوی پیشرفت اسلامی تدوین نشده است و چون تدوین نشده است ما هم برنامه ششم را با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین نمی‌کنیم.»^۲ انگارانه‌انگار که قانون، خود دولت را مکلف به این کار کرده بود! دولتی‌ها به این قسمت از قانون هیچ توجهی نمی‌کنند و کاری که خود آن‌ها مکلف به انجامش بوده‌اند را انجام نمی‌دهند و زمانی هم که از آن‌ها مطالبه می‌شود پاسخ می‌دهند که اصلاً لایحه‌ای وجود ندارد تا برنامه ششم را مبتنی بر آن طراحی کنیم.^۳

لذا بازخوانی برنامه پنجم کشور و وضعیت احکام فرهنگی آن به خوبی به ما نشان می‌دهد که انتظار جریان توسعه‌گرا از نظام قانون‌گذاری چیست. به نظر بنده وقتی دولت چنین رفتاری ناشیانه‌ای را با بند اول برنامه پنجم کشور انجام می‌دهد، پیغامی را مخابره می‌کند؛ آن پیغام این است که حتی اگر شما احکام را مبتنی بر نگاه غیر توسعه تصویب کنید، این احکام در عمل در نظام برنامه‌ریزی متوقف خواهند شد. جریان توسعه غربی به دنبال این است که نظام قانون‌گذاری کشور به صورت خالص در اختیار بخش اقتصاد باشد. البته علاوه بر اینکه این مباحث در کتاب‌های آن‌ها مطرح شده، عمل آن‌ها در حوزه برنامه‌ریزی نیز این موضوع را نشان می‌دهد.

۱/۳/۳. فرهنگ و پذیرش‌های مردم؛ یکی دیگر از بخش‌های تعدیل‌شده حول بخش اقتصاد

از منظر این جریان تمام بخش‌ها و حتی فرهنگ نیز باید در خدمت بخش اقتصاد قرار گیرد. فرهنگ یعنی پذیرش‌های مردم. از منظر جریان توسعه‌گرا اگر مردم چیزی را پذیرفته باشند ولی کمکی به ارتقای امر اقتصاد نکند، این پذیرش باید تغییر پیدا کند.

۱. دولت موظف است با همکاری سایر قوا الگوی توسعه اسلامی - ایرانی که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

بخش دوم قانون برنامه پنج‌ساله پنجم، فصل اول: فرهنگ اسلامی ایرانی، ماده ۱

۲. اشاره به سخنان دکتر محمد باقر نوبخت، ریاست سازمان برنامه و بودجه کشور در برنامه نگاه یک مورخه شنبه ۳۰-۵-۱۳۹۵ درباره جایگاه الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم: «یک کسی را دیدم آمده بود و می‌گفت که اصلاً کجای برنامه شما با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت رابطه دارد؟ باید صحبت کرد که مرد محترم، اصلاً این الگوی پیشرفت اسلامی کجاست؟ کجا تصویب شده؟ درست است که یک مرکزی داریم که بر روی آن کار می‌کنند اما جایی هنوز تصویب نشده که ما بر پایه آن، این برنامه را داشته باشیم. ممکن است گفته شود در ماده اول قانون برنامه پنجم وجود داشت منتهی این الگو تصویب نشده که ما بتوانیم این برنامه را بر پایه آن بنویسیم. این برنامه بر پایه سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری علیه‌السلام تعیین شده است.»

خبرگزاری تسنیم <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/05/31/1163673>

۳. لذا بنده همیشه به نماینده‌های محترم مجلس توصیه کرده‌ام که - در همین دوره اخیر نیز به جناب آقای حاجی‌بابایی عرض کردم- باید فکری به حال اجرایی‌شدن قوانین حداقلی‌ای که در برنامه می‌نویسید بکنید.

انتقال از متن



در جلسه دیروز عرض کردم که جمع قابل توجهی از مردم ما پذیرفته‌اند که نهاد خانواده و لوازم آن، یکی از نیازمندی‌های اساسی زندگی دنیایی آن‌ها محسوب می‌شود. این یک پذیرش است که ایجاد شده است و تلاش‌ها [برای تغییر این نگرش] کاملاً قابل مشاهده است؛ وقتی رئیس جمهور محترم راجع به اشتغال صحبت می‌کنند می‌گویند: «نگرانی من این است که چرا دختران جوان و زنان ما بیکار هستند و شغل ندارند.»^۴

۱/۳/۳/۱. تضعیف نهاد خانواده توسط رئیس دولت یازدهم از طریق ابراز نگرانی نسبت به بیکاری بانوان؛ نمونه‌ای از تعدیل فرهنگ حول اقتصاد

این جریان از هر فرصتی استفاده می‌کند تا این فرهنگ به پذیرش رسیده را تغییر دهد. اخیراً حتماً شنیده‌اید که معاون آقای رئیس جمهور یک اظهار نظر غیر فنی را ارائه داده و گفته‌اند: «چون حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرده بودند، مسئله تجرد دختران، امر قبیحی محسوب نمی‌شود.»^۵ یعنی جریان توسعه‌گرا سعی می‌کند حتی شواهد دینی را غلط تحلیل کند تا فرهنگ صحیحی که مانع ایجاد توسعه غربی در جامعه است را تغییر دهد.

۱/۳/۳/۲. تضعیف نهاد خانواده توسط معاون رئیس دولت یازدهم از طریق تأکید بر بی‌عیب‌بودن تجرد دختران؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل فرهنگ حول اقتصاد

خود آقای رئیس جمهور دست‌گلی تاریخی به آب دادند! بنده در جلسات مختلف گفته‌ام که نوع برخورد ایشان در تحلیل مسئله عاشورا نمونه ندارد؛ ایشان تحلیل بسیار عجیبی ارائه کرده و گفتند «عاشورا به ما درس مذاکره می‌دهد.»^۶ این حرف را زدند تا فرهنگ اصلی عاشورا یعنی مفهوم "هیئات من الذلة" را قدری تغییر دهند و پروژه ناکارآمد، غیر مفید و غیر دینی برجام را به پیش ببرند. ببینید؛ این جریان به‌صورت جدی فعالیت می‌کند تا فرهنگ جامعه را تغییر دهد.

۱/۳/۳/۳. تحریف حادثه عاشورا توسط رئیس دولت یازدهم از طریق مرتبط‌کردن این موضوع به تعامل و مذاکره؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل فرهنگ حول اقتصاد

بنده در جلسه‌ای عرض کردم که اصلاح مسائل فرهنگی جامعه در دولت توسعه‌گرای یازدهم به سطح ابرگزاره‌های فرهنگی رسیده است.^۷ برای امثال بنده - که رفتار جریان توسعه‌گرا را حدود دو

۱/۳/۳/۴. اصلاح ابرگزاره‌های فرهنگی در دولت یازدهم به عنوان توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی ایران

۴. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی روز شنبه موزخه اول آبان ۱۳۹۵ در سومین همایش روز ملی روستا و عشایر گفت: امروز همه باید به فکر معضل اصلی کشور، یعنی عدم اشتغال و بیکاری نسل جوان تحصیلکرده و بویژه زنان و دختران باشیم، چرا که متأسفانه براساس آمار، بیکاری دختران و زنان بسیار بالاتر از آقایان است.

<http://www.president.ir/fa/95924> پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

۵. طرح قبح زدایی از تجرد دختران، طرح عیب‌زدایی از دختران مجرد یا هر اسم دیگری که برای این طرح بگذاریم، برنامه‌ای است که چند ماه پیش از سوی معاونت امور زنان و خانواده مطرح شد تا به گفته شهیندخت مولاوردی، معاون رییس جمهور در امور زنان با تأسی از زندگی حضرت معصومه (س) و با هدف فرهنگ‌سازی، زمینه اعتلای موقعیت زنان مجرد در جامعه را فراهم کند.

اگرچه اطلاعات زیادی در خصوص این طرح از سوی معاونت امور زنان و خانواده عنوان نشد، اما مولاوردی روزهای اول اسفند ۹۴ در گفتگو با خبرنگار مهر در توضیح این طرح گفت: سن زیستی دختران ۳۵ ساله امروز مانند ۲۰ ساله‌های ۵۰۰ سال قبل است. البته تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج برای پسران هم است. در کارگروه تعمیق باورهای دینی بر اساس زندگی حضرت معصومه (س) بانویی که تا پایان عمر ازدواج نکردند در قالب طرحی قرار است این موضوع تبیین شود تا با فرهنگ‌سازی از تجرد قطعی دختران عیب‌زدایی شود.

<http://www.mehrnews.com/news/3731823> خبرگزاری مهر

۶. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در اجتماع پرشور مردم زنجان در ورزشگاه کارگران مورخه ۳۰ مهرماه ۱۳۹۳ تصریح کرد: درس و پیام امام حسین علیه السلام درس برادری، وحدت، گذشت و قبول توبه از یکدیگر است و درس کربلا درس تعامل سازنده و مذاکره در چارچوب منطق و موازین می‌باشد.

<http://www.president.ir/fa/81981> پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

۷. اینکه معاون آقای رئیس جمهور به زندگی حضرت معصومه علیها السلام استشهد می‌کنند [نشان از تلاش ایشان برای اصلاح گزاره‌های فرهنگی است]. البته عدم ازدواج ایشان در این دنیا به دلیل این است که کفوی برای ایشان پیدا نشد. یعنی ازدواج کردن ایشان به یک دلیل کاملاً خاص بود که برای همه عمومیت ندارد. حضرت معصومه علیها السلام در زمانی که امام کاظم علیه السلام حضور نداشتند پاسخگوی مسائل فقهی بودند و امام کاظم علیه السلام مردم را به ایشان رجوع می‌دادند. حضرت معصومه علیها السلام بانویی محدثه، فقیهه و دارای مراتب عالی معنوی بودند و در عصر ایشان کفوی برای ایشان پیدا نشد. ایشان در



دهه پیگیری نموده و تاریخ جریان توسعه‌گرا را در ایران و در کشورهای دیگر مطالعه کرده‌ام - همتی که دولت ناکارآمد یازدهم در اصلاح فرهنگ بنیادین جامعه دارد، پدیده بسیار عجیبی است. این‌ها در اصلاح فرهنگی که مردم ایران به آن معتقد هستند همت بالایی دارند.

۱۴۰۰ سال است که محور فرهنگ عاشورا بر روی مفهوم "هیئات من الذله" است و این کار جرأت خاصی می‌طلبد که ما به خاطر اینکه می‌خواهیم طرحی ناکارآمد توسعه غربی در روابط بین‌الملل را جلو ببریم این گزاره‌های بنیادین را اصلاح کنیم.^۸ عرض بنده بسیار روشن است؛ در جریان توسعه‌گرا، توسعه اقتصادی اصل قرار می‌گیرد و برای سیدن به توسعه اقتصادی حاضر هستند فرهنگ‌های به‌پذیرش رسیده‌ای که سال‌ها برای جا افتادن آنها کار شده است را به چالش بکشند. حال فرض کنید عالمی این جریان را ببیند و سکوت اختیار کند؛ این عالم حتماً برخلاف روایات باب مبارزه با بدعت^۹ رفتار کرده است. جریان توسعه‌گرا این حرف‌ها را ظهور می‌دهد؛ اگر قبلاً این حرف‌ها را در کتاب‌های دانشگاهی و در یک کلاس مطرح می‌کردند، حالا مصادیق "اصلاح فرهنگ به نفع توسعه غربی" را در تریبون‌های ملی جلو می‌برند. بنده دیروز این بحث را توضیح دادم و الآن مشغول شرح تفصیلی‌تر نظم پیشنهادی جریان توسعه‌گرا هستم.

آخرین نقطه‌ای که جریان توسعه‌گرا در خواب می‌بیند که آن را اصلاح کند، اصلاح قرائت دینی است؛ یعنی می‌خواهند در حوزه علمیه قم مبدع‌های که باعث تولد علمی و فقهی این گزاره‌های دینی می‌شود را اصلاح کنند؛ چون اگر سرچشمه فقهی و اجتهادی اصلاح شود، اصلاح فرهنگ جامعه آسان‌تر می‌شود. در واقع جریان توسعه‌گرا غربی به دنبال این است که اصلاحات ایجاد شده در

۱/۳/۴. اصلاح قرائت دینی
(تغییر متد اجتهاد حوزه
علمیه قم)؛ آخرین هدف
جریان توسعه‌گرا برای تعدیل
جامعه حول بخش اقتصاد

زمانه خود با کمک حضرت ابوالحسن علیه السلام پروژه انتقال مرکز جغرافیای سیاسی شیعه را مدیریت می‌کردند تا این مرکز از مدینه به ایران انتقال پیدا کند؛ یعنی ایشان درگیر یک کار حکومتی پیچیده بودند و همسرشان باید درک خیلی بالایی داشته باشد تا بتواند همراهی کند، به حدی که اسرار تاریخی و اسرار آل‌الله علیهم السلام را متوجه شود. حضرت درگیر چنین مدیریت پیچیده اجتماعی - تاریخی بودند و داشتند مرکز جغرافیای سیاسی شیعه را به امامت امام رضا علیه السلام از شهر مدینه و کشور عربستان به ایران انتقال می‌دادند. ببینید! حضرت چه سطحی از معرفت را داشتند که یک پروژه تاریخی را مدیریت می‌کردند.

به هر حال برای ایشان کفوی پیدا نشد و طبق احکام، مدیریت خانه به عهده مرد خانه است و به‌عنوان مثال اگر حضرت معصومه علیها السلام با غیر هم‌کفو خود ازدواج می‌کردند، آن پروژه تاریخی به چالش کشیده می‌شد و کسی هم نبود که این درک را داشته باشد تا حضرت این پروژه را با او به پیش ببرد. در داستان کربلا حضرت زینب علیها السلام هم مانند حضرت معصومه علیها السلام یک پروژه تاریخی را مدیریت می‌کردند ولی شوهر حضرت زینب علیها السلام این مسئله را درک می‌کردند و لذا ازدواج واقع شد و خللی هم در این کار ایجاد نشد. یعنی شما در نقل‌های تاریخی نمی‌بینید که حضرت زینب علیها السلام با مانعی به نام تحلیل‌های ناقص شوهر مواجه باشند. بالآخره بین حضرت زینب علیها السلام و همسرشان سطحی از کفویت موجود بود؛ هرچند حضرت زینب علیها السلام عالمه غیر معلّمه و عقیده العرب هستند و قطعاً از شوهر خود سطح معرفت بالاتری داشتند اما شوهر ایشان هم [درصدی از کفویت را داشتند] و به قدری درک داشتند که با این کار همراهی کنند؛ اما در مورد حضرت معصومه علیها السلام این اتفاق رخ نداد. بنابراین داستان عدم ازدواج حضرت معصومه علیها السلام، داستانی کاملاً خاص است. با این حال معاون رئیس جمهور این داستان را شاهد گرفته و می‌گویند مجرد بودن دختران فُبحی ندارد. یعنی ایشان سعی می‌کنند پذیرش‌های موجود را اصلاح کنند.

انتقال از متن

۸. بنده جناب رئیس جمهور را دعوت می‌کنم که در زندگی دنیایی خود توبه کنند.

انتقال از متن

۹. إِنَّا رَوَيْنَا عَنْ الصَّادِقِينَ علیهم السلام أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظَهِّرَ عِلْمَهُ

یونس بن عبد الرحمن می‌گوید: برای ما از امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت کرده‌اند: زمانی که بدعت‌ها ظاهر شدند پس بر عالم است که علم خود را اظهار کند.



مسیحیت را در اسلام شیعی ایجاد کند. حتی برخی تعبیر کرده‌اند که ما به دنبال پروژه پروتستانیزم اسلامی هستیم؛^{۱۰} یعنی می‌خواهند در ایران همان حرکت تاریخی‌ای که در یک دوره علیه مسیحیت انجام دادند را پیاده کنند و همان تحریف‌های بنیادینی را اجرا کنند که در دین حضرت عیسی علیه السلام ایجاد کردند و بر اساس این تحریف‌های بنیادین، تمدن مدرنیته را تثبیت کردند. می‌خواهند با این کار ایران را نیز به سمت توسعه غربی سوق دهند. اما در این فضا مشکل اصلی آنها حوزه علمیه قم و فقهای عظام شیعه هستند، مسئله اصلی آنها این موضوع است. اگر بتوانند اصلاح قرائت دینی را پیاده کنند [موفقیت کامل را به دست آورده‌اند].^{۱۱}

۱/۳/۴/۱. تحریف آیه اُزُص
اَللّٰهُ وَاِسْمَۃٌ تُوَسُّطُ رَیْسِ دَوْلَتِ
یازدهم و ارتباط دادن این آیه به
لزوم مذاکره و رابطه با آمریکا؛
نمونه‌ای از تلاش برای اصلاح
قرائت دینی

جریان توسعه‌گرا حاضر است برای اینکه کشور بخشی از تقسیم کار جهانی شود، حتی اصلاح قرائت دینی هم ایجاد کند. شاید برخی از حرف‌ها به گوش آقایان علما نرسیده است؛ اما در همین روزهای اخیر آقای رئیس‌جمهور فرمودند «اُزُصِ اَللّٰهُ وَاِسْمَۃٌ»، یعنی مذاکرات و تعامل.^{۱۲} در حالی که

۱۰. شریعتی معتقد بود اندیشه و فرهنگ، زیربنا و علت الکل همه‌ی مشکلات ما در ایران است و تا زمانی که اندیشه و فرهنگ و تفکر جامعه تغییر نکند، با تغییر رژیم‌ها هیچ مشکلی به طور اساسی حل نمی‌شود. اما از آن جا که در جامعه‌ی ایران، مذهب اساسی‌ترین هسته فرهنگ است، جامعه و فرهنگ ایرانی در تمام دوره‌ها اساساً جامعه و فرهنگی مذهبی بوده است؛ چه در دوره‌ی قبل از اسلام و در عصر ساسانی و زرتشتی، چه در دوره‌ی بعد از اسلام؛ چه در مرحله قبل از صفویه، یعنی آن زمانی که اکثریت ایرانیان هنوز به تشیع نگروده بودند، و چه بعد از آن. در فرهنگ ایران اساسی‌ترین هسته، مذهب است. دکتر شریعتی با تحلیل خود از جامعه ایران و با شناختی که از تجربه پروتستانیتسم مسیحی داشت به این جمع‌بندی رسیده بود.

البته پروتستانیتسم مسبوق به نگاه دیگری نیز بود؛ چون قبل از شروع نهضت پروتستانیتسم در اروپا نهضت دیگری به نام اومانیتسم آغاز شده بود. اومانیتسم می‌گفت انسان در مقابل کلیسا ارزش دارد. کلیسا خدا را مطرح می‌ساخت، و به نام خدا و نایب خدا و نایب مسیح، که پاپ و روحانیت مسیح بود، انسان‌ها را قربانی می‌کرد.

می‌گفتند انسان هیچ ارزشی ندارد. انسان اصلاً ناپاک و گناهکار است؛ گناهکار ذاتی. انسان ذاتاً گناهکار به دنیا آمده است و تنها زمانی می‌تواند امید به پاک شدن و رفتن به بهشت داشته باشد که دست پاک‌جانشین مسیح بر سر او کشیده شود و او را لمس کند و واسطه او با خداوند بشود. اومانیتس‌ها به این امر اعتراض داشتند. آنان می‌گفتند انسان ارزشمند است، انسان به منزله انسان، اصیل است.

دکتر شریعتی این تجربه را به خوبی مطالعه کرده بود. وقتی در جامعه‌ی خودش تامل کرد به این نتیجه رسید که ما در مقام یک روشن‌فکر، اگر خواستار تحول در جامعه‌ی خودمان هستیم و اگر می‌خواهیم جامعه‌مان را از عقب‌ماندگی نجات دهیم، باید خود این جامعه را بشناسیم و ببینیم کدام عامل است که اگر دچار انحطاط شود جامعه را به خاک می‌نشانند و اگر رو به ترقی برود جامعه را مترقی خواهد ساخت؟ این هسته‌ی اصلی و مرکزی چیست؟ او به این نتیجه رسید که دین جامعه ما، یعنی جامعه در حال انحطاط، و اساساً پروبلماتیک دو قرن اخیر، یعنی آن صورت مسئله‌ساز و ساختار معضل و مشکل جامعه ایران را می‌توان در چارچوب انحطاط مورد بررسی قرار داد. در مرکز این انحطاط، دین قرار داشت؛ دین منحط. اگر آن دین منحط تغییر پیدا نکند و اصلاح نشود امید هیچ اصلاحی نیست. به همین دلیل دکتر شریعتی تمام رساله‌اش و برنامه‌ها و چارچوب‌های حرکتش را در یک پروژه خلاصه کرد: پروژه پروتستانیتسم اسلامی.

سخنرانی سید هاشم آقاچاری در تالار معلم همپان مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۹

۱۱. البته قطعاً نمی‌توانند؛ زیرا حساسیت فقهای عظام شیعه بر روی مسئله ظهورگیری و متمدن صحیح اجتهاد به قدری بالاست که وقتی فردی از این جریان تفوه می‌کند، آقایان علما تا انتهای قضیه را متوجه می‌شوند. بنده به یاد دارم که در سال‌های قبل یکی از این آقایانی که خود را مرجع نامیده بودند فتوایی دادند که مصداق همین اصلاح قرائت دینی بود. یکی از مراجع معظم فعلی قم با ایشان تماس تلفنی گرفته و به او گفتند مبنای این فتوای شما چیست؟! یعنی بلافاصله به یک فتوای غلط اعتراض کرده بودند و پس از آن نیز مبنای این فتوای غلط در جامعه مدرسین مورد بررسی قرار گرفت و در بین طلاب و فضلا یک تردید جدی نسبت به نحوه اجتهادی که ایشان تبلیغ و تبیین می‌کردند ایجاد شد. خلاصه حساسیت بالاست ولی این حساسیت بالا نباید ما را از نقشه شوم جریان توسعه‌گرا غافل کند.

انتقال از متن

۱۲. حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی روز پنجشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۵ در مراسم گرامی‌داشت روز ملی صادرات و در جمع صادرکنندگان کشور با اشاره به اینکه تعامل سازنده یعنی مناسب‌کردن محیط روابط بین‌المللی برای صادرات کالا، برای اشتغال جوانان، برای واردات راحت‌تر کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه گفت: «مگر در دنیای امروز می‌تواند کشوری بگوید من بدون رابطه با دنیا به پیشرفت می‌رسم. خود قرآن هم گفته «ان ارض



اساساً آیه شریفه «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»^{۱۳} برخلاف منظوری است که جناب رئیس جمهور از این آیه تفوه نموده و از بیان این آیه قصد کرده‌اند. ابتدای آیه این است که اگر شما نمی‌توانید ایمان خود را حفظ کنید، در محیط کفر نمانید. در ادامه آیه خداوند دعوت به هجرت از محیط کفر و گناه را با یک سؤال مطرح می‌کند و می‌گوید «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً؟» اتفاقاً این آیه می‌گوید اگر نتوانستید به شکل سازماندهی شده و حکومتی با کفر مقابله کنید و تنها بودید، خودتان از محیط کفر خارج شوید. مگر زمین خدا واسع نیست؟

جریان تحریف را جدی بگیرید! این جریان گزاره‌های دینی را این‌گونه اصلاح می‌کند. آقای رئیس جمهور از عبارت «أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً» دقیقاً صد و هشتاد درجه برعکس منظور خداوند متعال را برداشته نموده و این آیه را به تعامل ارتباط داده‌اند، آن هم تعامل با کفار و ابر قدرت ظالمی مانند آمریکا که هر روز یک جنایت علیه مستضعفین عالم و هویت شیعی انجام می‌دهد.

آقای رئیس جمهور شما کار خود را بکن! به آیات قرآن چه کار داری؟! چرا شما ترجمه آیات قرآن را هم بلد نیستید؟ ایشان هر روز! این کار را تکرار می‌کند! مقابل این حرف‌ها سکوت جایز نیست. می‌خواهی بگویی ما باید تعامل داشته باشیم، خُب تعامل ناکارآمد خودت را پیگیری کن؛ چرا آیات قرآن را تحریف می‌کنی؟ شما جامع‌المقدمات^{۱۴} خوانده‌ای یا نه؟! ترجمه آیات قرآن را بلد هستی یا نه؟ این آیه که دقیقاً می‌گوید با کفار تعامل نکنید! چنین اتفاقاتی در حال وقوع است.

این نکته بسیار مهم است که این افراد حاضر هستند همه چیز را تغییر دهند تا توسعه غربی در جامعه به پیش برود. تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد به این معناست و این موضوع در حال اتفاق افتادن است. توسعه‌گرایان قصد دارند نظامات اجتماعی را حول بخش اقتصاد حتی تا اصلاح قرائت دینی تغییر دهند و کار خود را با جدیت جلو می‌برند. این اتفاقی است که در جامعه ما در حال وقوع است و سرعت آن هم رو به افزایش است، این واقعیت مسئله است.

الله واسع» دنیا باز است زمین وسیع است راه بیفتید. حالا این هجرت برای فرهنگ، تجارت و صادرات یا هر چه که هست. بعضی‌ها می‌گویند ارض الله ایران است. از مرز که می‌خواهیم خارج شویم، افکار ما را می‌زدند ما را گول می‌زنند. بعضی‌ها عظمت ملت ایران را هنوز باور نکردند.»

بایگه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری <http://www.president.ir/fa/95902>

۱۳. یا عِبَادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِیْ وَاسِعَةً فَاِیَّایَ فَاعْبُدُونِ / سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۵۶

ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید)!

إِنَّ الَّذِینَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِکَةُ ظَالِمِیْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِیْمَ کُنْتُمْ قَالُوا کُنَّا مُسْتَضْعَفِیْنَ فِی الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِیْهَا فَأُولَئِکَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِیْرًا / سوره مبارکه نساء، آیه ۹۷

قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که فرشتگان آنان را قبض روح می‌کنند، به آنان می‌گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است.

۱۴. از کتب حوزوی که پیرامون ادبیات عرب و قواعد زبان عربی نوشته شده است.



۲. شروع کردن از نقاط شروع نیروهای انقلاب و ارتباط دادن این نقاط به مباحث توسعه غربی مانند چاپ کتابی برای فقرزدایی و تثبیت اقتصاد سرمایه‌داری؛ شیوه جریان توسعه‌گرا برای غافل کردن مردم از تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد

بنابراین وقتی گفته می‌شود توسعه غربی، باید دقت کنید که توسعه غربی به این معنا نیست که می‌خواهند مشکلی را حل کنند. آنها می‌گویند ما می‌خواهیم مشکل اقتصاد را حل کنیم؛ خیر! این طور نیست. باید به قضیه به صورت فنی نگاه کرد. بنده از تمام نیروهای جوان انقلاب که این بحث‌ها را می‌شوند خواهش می‌کنم به این نکته توجه کنند که باید مفهوم توسعه غربی را همه‌جانبه درک کرد و نباید به مسئله نگاه سطحی داشت.

بنده در ادامه جلسه قصد دارم از چند فریب جریان توسعه غربی پرده برداری کنم؛ یعنی این باطن خبیث و ناکارآمد توسعه غربی - که در یک جمله هماهنگ‌سازی همه امور با بخش اقتصاد است - را [به شما نشان دهم]. البته این افراد در گفت‌وگوهای خود به این صراحت بحث نمی‌کنند، بلکه در گفت‌وگوهای خود بر روی معضلات و مشکلات جامعه دست گذاشته و بحث را از این نقطه شروع می‌کنند.

به عنوان مثال می‌گویند مهم‌ترین معضل کشور مسئله بیکاری است. این جریان از مسئله بیکاری شروع نموده و سعی می‌کند در تفاهم با جامعه رشید و فهیم ایران، از یک جای مقبول شروع کند؛ اما وقتی بحث را مدیریت نموده و می‌خواهد لوازم مسئله را بگوید به همین بحث تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد می‌رسد. لذا حتماً باید توجه کنید که جریان توسعه غربی دقیقاً با چه مهره‌های مفهومی‌ای از یک امر مقبول به این امور نامقبول و غیر شرعی و مضر به هویت شیعی جامعه ایران می‌رسد.

یکی از این مسائل مقبول مسئله بیکاری است. لذا وقتی در مباحثات، مناظرات، نوشته‌ها یا در خبرگزاری‌ها دیدید که می‌گویند "دولت می‌خواهد مسئله بیکاری را حل کند" نباید فریب بخورید. ما باید بصیر باشیم و عبارات سخنانی یا یادداشت را بررسی کنیم و ببینیم که از منظر گوینده بحث، لوازم حل مسئله بیکاری چیست، این خیلی مهم است. به اصطلاح ساده‌تر ما با رفع معضل بیکاری مشکلی نداریم، بلکه دعوا بر سر این است که مدل رفع بیکاری چیست. آیا در مدل پیشنهادی جریان توسعه‌گرا به سمت این می‌رویم که همه امور را به محوریت اقتصاد تعدیل کنیم یا نه؟ اگر این طور باشد قطعاً این راه مشکل مردم ایران را حل نخواهد کرد و هویت جامعه شیعی ما - این هویتی که برای ما همه چیز است - به چالش کشیده خواهد شد.

بنده این مسئله را با تانی تکرار می‌کنم که مهم نیست جریان توسعه‌گرا چه چیزی را به عنوان ورودی بحث خود قرار می‌دهد، بلکه مهم این است که برای تحقق آن مسئله مقبول، چه لوازمی را بحث می‌کند. با توجه به اینکه نیروهای انقلاب بر روی نقطه ورود تأکید کرده‌اند، طبیعتاً این دولت و سایر اعضای جریان توسعه‌گرا نیز بر همین نقاط تأکید می‌کنند. به عنوان مثال در گفتمان انقلاب، مسئله اقتصاد مقاومتی جا افتاده است. بنابراین وقتی شما در مصاحبه رئیس سازمان مدیریت و

۲/۱. فریب نیروهای انقلاب توسط جریان توسعه‌گرا و غافل کردن آنها از نقشه شوم توسعه غربی از طریق شروع کردن از نقاط شروع نیروهای انقلاب

۲/۱/۱. مسئله بیکاری؛ نمونه‌ای از معضلات جامعه ایران و شروع جریان توسعه‌گرا از این موضوع

۲/۲. لزوم توجه به راه‌حل‌های ارائه شده توسط جریان توسعه‌گرا برای حل معضلات به منظور جلوگیری از غفلت نیروهای انقلاب و در نتیجه تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد



برنامه‌ریزی سابق یا همان رئیس سازمان برنامه و بودجه^{۱۵} کلمه اقتصاد مقاومتی را دیدید نباید خوشحال شوید. بلکه دعوا بر سر این مسئله است که برای مقاومت‌سازی اقتصاد چه پیشنهادی را ارائه می‌کنند!^{۱۶}

بنده امروز کتابی را آورده‌ام^{۱۷} و می‌خواهم در ادامه این جلسه، محتوای آن را خدمت شما بازگو کنم. بالای این کتاب نوشته شده است؛ اقتصاد مقاومتی و عدالت اجتماعی. همان‌طور که می‌بینید ورودی، یک ورودی مقبول می‌باشد و ممکن است انسانی که بصیرت لازم را ندارد، بگوید یک کتاب در حوزه برنامه‌ریزی کشور پیدا شده است که می‌خواهد به مسئله اقتصاد مقاومتی بپردازد. همان‌طور که می‌بینید نقطه ورود، نقطه ورود بسیار خوب و جذابی است. شما به سخنرانی دیگری می‌روید و می‌بینید که می‌گویند ما می‌خواهیم صادرات کشور را رونق دهیم. خُب مسئله صادرات هم یک مسئله

مقبول است؛ اما سخن در این است که لوازم پیشنهادی شما برای تحقق این امر مقبول چیست؟

حالا بنده ابتدای همین کتاب را برای شما می‌خوانم و مقداری از آن را توضیح می‌دهم تا ببینید لوازمی که آنها بیان می‌کنند، تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است؛ اما نقطه ورود آنها تغییر پیدا کرده است. در واقع به عبارت فنی‌تر جریان توسعه‌گرا، نسل جدید تفکرات خود را مطرح کرده است. قبلاً ما در ایران با تکنوکرات‌ها^{۱۸} روبرو بودیم و تکنوکرات‌ها مسئله فرهنگ و جامعه را یا خیلی تحلیل نمی‌کردند و یا آن را نادیده می‌گرفتند و تکنیک‌محور وارد حوزه برنامه‌ریزی می‌شدند؛ اما نسل جدید تفکرات توسعه و تحلیل‌های توسعه‌گربی، می‌خواهد اجتماع‌محور و فرهنگ‌محور جامعه را به سمت همان نظم قبلی ببرد.^{۱۹}

۱۵. خود این تغییر ساختار هم داستانی است؛ هر روز ساختار را تغییر می‌دهند. اینها هنوز در سازماندهی خود درمانده هستند و می‌خواهند سازماندهی جامعه انقلابی ایران را به عهده گیرند!

انتقال از متن

۱۶. این موضوع در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی تحت عنوان ترجمه جهت‌ساز به جهت مطرح شده است. در واقع راه‌حل‌های ارائه‌شده همان ترجمه‌ها هستند و مبتنی بر مباحث نقشه راه ترجمه‌ها باید نشأت‌گرفته از وحی باشند. این مسئله در ده جلسه پایانی این دوره بحثی تحت عنوان الگوی حفظ جهت به صورت نیمه تفصیلی توضیح داده خواهد شد.

۱۷. اشاره به "کتاب توانمندسازی و کاهش فقر"

۱۸. تکنوکراسی به مفهوم زمامداری کارشناسان و صاحبان فن است که بر ماشینیسم و دانش فنی و مهارت‌های تکنولوژیک تکیه دارند و همان‌ها یعنی مهندسان، دانشمندان و تکنوکرات‌ها باید فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی را رهبری کنند.

آفابخشی، علی؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (۱۳۷۴)، ص ۳۳۵

تکنوکراسی پدیده جدیدی است که با پیشرفت علوم و فنون و نقش روزافزون دانش و تخصص در کار حکومت به وجود آمده و در بسیاری از کشورهای پیشرفته، تکنوکرات‌ها یا دانایان فن بدون توجه به عقاید سیاسی و خصوصیات طبقاتی آنها حساس‌ترین و مهمترین کارها را به دست خود گرفته‌اند. در واقع با پیشرفت دانش و فن، عقاید سیاسی اشخاص تحت‌الشعاع علم و تخصص آنها قرار می‌گیرد و حزب یا احزابی که با به دست آوردن اکثریت در پارلمان، حکومت را به دست می‌گیرند و در کار حکومت و اموری که به تخصص نیاز دارد از افراد غیر حزبی و حتی اعضای متخصص حزب مخالف استفاده می‌کنند.

طلوعی، محمود؛ فرهنگ جامع سیاسی، تهران: انتشارات بی‌نا (۱۳۷۲)، ص ۳۵۸

۱۹. متأسفانه این کتاب را وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای پشتیبانی مفهومی برنامه ششم و مسئله اقتصاد مقاومتی چاپ کرده است؛ کتاب در انتشاراتی در واشنگتن‌دی‌سی چاپ شده است که با بانک جهانی مرتبط است ولی روی جلد کتاب نوشته شده که موضوع این کتاب، اقتصاد مقاومتی است. خدا را شکر! که در آمریکا هم جمعیت‌هایی در حال نظریه‌پردازی برای اقتصاد مقاومتی هستند.

انتقال از متن



خُب حالا آنها می‌خواهند چه کار کنند؟ ورودی بحث در این کتاب، رفع فقر است؛ یعنی از رفع فقر شروع کرده‌اند.^{۲۰} خود این کتاب سندی برای فریب‌کاری جریان توسعه غربی است. در واقع به دلیل اینکه یکی از لوازم اقتصاد مقاومتی نظریه‌پردازی است ما با امثال چنین کتاب‌ها و کارهایی روبرو می‌شویم.

خُب به داخل کتاب برویم تا به شما نشان دهم که این فریب‌ها چطور انجام می‌شود. جریان توسعه غربی به دنبال تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است و می‌خواهد همه چیز را به محوریت بخش اقتصاد تغییر دهد؛ ولی نوع ادبیات خود را تغییر داده است. این کتاب بحثی را حول مسئله فقر و اینکه فقر به چه معناست ارائه داده است.

فقر را اینگونه تحلیل کرده است که بهداشت، آب، گاز، برق، جاده، آموزش و غیره وجود نداشته نباشد؛ یعنی فقر را به صورت صریح تقلیل داده است. ما در ادبیات قرآن و ادبیات وحی - دوستان وزارت خانه و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی توجه کنند - ادبیاتی تحت عنوان «رفع استضعاف» داریم. در تحلیل مفهوم استضعاف چند مفهوم خوابیده است. در واقع وقتی شما کلمه استضعاف را به کار می‌برید و می‌گویید طرف مقابل ضعیف شمرده شده است؛ یعنی طرف مقابل تحت یک برنامه ظالمانه به چالش کشیده شده است. قرآن شریف با استعمال کلمه استضعاف در واقع می‌گوید نظامات اجتماعی ای - که امرا و حکما نوشته‌اند - ظلمی را برای این افراد ایجاد کرده و این عده ضعیف شمرده شده‌اند.^{۲۱}

ما در هنگام مواجهه با مردم شریف قلعه‌گنج^{۲۲} یا سایر مناطق محروم ایران باید به این نکته توجه کنیم. بنده توصیه می‌کنم بروید و استضعاف تحمیل شده به این مناطق از سوی نظام

۲/۳/۱. عدم توجه کتاب مذکور به فرایندها و نظامات اجتماعی ایجاد کننده محرومیت و توجه به نتیجه این نظامات اجتماعی یعنی فقر؛ اشکال اول کتاب مذکور

۲۰. این نکته را هم اضافه کنم که این کتاب - که توسط بانک جهانی نوشته و چاپ شده - در واقع پشتیبان طرحی است که UNDP در سراسر جهان در حال پیشبرد آن است، این نکته هم خیلی مهم است و بنده باید به آن توجه بدهم. UNDP در تمام دنیا در حال پیگیری یک برنامه مبارزه با فقر است که این کتاب در واقع پشتیبان نظری آن است. در ایران هم این کتاب را ترجمه کرده و فقط بالای آن نوشته‌اند اقتصاد مقاومتی.

انتقال از متن

۲۱. در توضیح این مطلب ابتدا باید به این نکته توجه کرد که کلمه استضعاف از کلمه ضعف گرفته شده است؛ اما با توجه به اینکه به باب استفعال برده شده به معنای کسی است که او را به ضعف کشانده‌اند و دربند و زنجیر کرده‌اند. به تعبیر دیگر مستضعف کسی نیست که ضعیف و ناتوان و فاقد قدرت و نیرو باشد. مستضعف کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از ناحیه ظالمان و جباران سخت در فشار قرار گرفته است.

ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۱، تهران، ص ۱۹ و ۲۰

در آیات سوم تا ششم سوره مبارکه قصص نیز در مورد مستضعفین صحبت شده است: تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَ فِرْعَوْنَ يَآلِحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ* إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ* وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ* وَ نَمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.

در این آیه ابتدا خداوند توضیح می‌دهد که فرعون در زمین گردن‌کشی کرد و اهل آن را مستضعف قرار داد. در واقع در اینجا مشخص می‌شود که مستضعف کسی است که به ضعف کشانده شده است. در ادامه نیز خداوند به مستضعفان بشارت می‌دهد. اما این بشارت چیست؟ به زودی آنها را ائمه و وارثان زمین قرار می‌دهد و اختیار و حکومت زمین را به آنها می‌دهد. در واقع معلوم می‌شود که دلیل استضعاف این انسان‌ها این بوده که اختیارات زمین به دست افراد ناشایستی بوده است و حالا اختیارات به آنها داده می‌شود تا از حالت استضعاف خارج شوند.

۲۲. شهرستان قلعه گنج یکی از شهرستان‌های استان کرمان است. این شهرستان در جنوب این استان قرار گرفته و مرکز آن شهر قلعه گنج است. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۸۵، برابر با ۷۰/۲۹۲ نفر بوده است. شهرستان قلعه گنج در جنوب استان کرمان به فاصله ۴۰۰ کیلومتری از مرکز استان و ۷۵ کیلومتری کهنوج واقع شده است. وسعت آن ۱۴ هزار و ۲۰۰ کیلومتر و طول جغرافیایی آن ۳۹۰ کیلومتر می‌باشد و دارای ۳۹۰ پارچه آبادی و روستا است که این روستاها در وضعیت بدی از لحاظ معیشتی قرار دارند.



برنامه‌ریزی را از نزدیک ببینید. قرآن توجه می‌دهد که یک فرآیند غلط و یک برنامه ظالمانه وجود داشته که چنین نتیجه‌ای ایجاد شده است، این نکته مهمی است.

حُب در این کتاب این کلمه را به کار نبرده و گفته‌اند می‌خواهیم فقر را رفع کنیم؛ یعنی با خود نقطه شروع یک انحراف جدی ایجاد کرده و در عوض اینکه بگویند فرآیندهای ظالمانه‌ای وجود داشته که تحت یک نظام اجتماعی منجر به این معضل شده‌اند، فقط به نتیجه بحث توجه نموده و فقط گفته‌اند می‌خواهیم فقر را رفع کنیم. این نکته اول است.

دومین انحراف و اشکال این بحث آن است که وقتی ما هنگام صحبت درباره فقر می‌گوییم فقر به معنای آب، گاز، برق، جاده، آموزش، بهداشت و غیره است؛ نیازهای فکری انسان‌ها را نادیده گرفته‌ایم. در حالی که اصلی‌ترین نیاز انسان‌ها این است که چقدر گزاره‌های ذهنی آنها مبتنی بر هدایت است و چقدر غلط فکر می‌کنند! البته مبتنی بر بحث‌هایی که بنده گفتم وقتی کلمه آموزش [و فقر آموزشی] هم به کار می‌رود از نظر جریان توسعه‌گرا نظام آموزشی، خدمه بخش اقتصاد است و در نتیجه باید آموزش‌های اقتصادی را محور قرار دهد؛ یعنی مسئله هدایت جامعه و فربه‌کردن بخش فکر برای ایجاد یک جامعه فکورتر و اهل فکر را کاملاً نادیده گرفته و بر روی رفع فقر به این معنای حداقلی‌ای که عرض کردم تمرکز پیدا کرده‌اند. بعداً شما می‌توانید این کتاب را ببینید و ملاحظه کنید که چقدر فقر را فقیرانه معنا کرده است. دوستانی که در بانک جهانی^{۲۳} هستند اساساً در تعریف فقر دچار فقر مفهومی هستند و ریشه فقر را فقر فکری تعریف نکرده‌اند؛ در حالی که ریشه اصلی مشکل انسان‌ها در تمام بخش‌ها این است که گزاره‌های صحیح مبتنی بر فطرت و واقعیات عالم در ذهن آن‌ها شکل نگرفته است.

۲/۳/۳. تثبیت نظام موجود اقتصادی غرب و ارائه راه‌حل‌های فرعی برای مشارکت مردم در همین نظم غلط اقتصادی؛

سومین اشکال کتاب مذکور

حُب حالا می‌خواهیم فقر را برطرف کنیم باید چه کار کنیم؟ [در این کتاب گفته شده که] ما باید چهار کار انجام دهیم. ابتدا باید دسترسی به اطلاعات برای مردم فقیر را تسهیل کنیم. منظور از این اطلاعات چیست؟ آیا منظور، اطلاعات دینی و همین اطلاعاتی است که ما می‌گوییم؟ آیا مراد «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^{۲۴} است؟ آیا مراد «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»^{۲۵} است؟ نفهمیدن و عدم توجه به این مسائل، ریشه‌های ایجاد استضعاف هستند؛ اما منظور این کتاب این مسائل نیست.

۲۳. بانک جهانی یک منبع حیاتی کمک‌های مالی و فنی به کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان است. ما یک بانک به معنای عادی خود نیستیم بلکه یک همکاری منحصر به فرد برای کاهش فقر و پشتیبانی توسعه به شمار می‌رویم.

وبسایت بانک جهانی <http://www.worldbank.org/en/about/what-we-do>

۲۴. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ / سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۶

در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.

۲۵. إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا / سوره مبارکه انسان، آیه ۳

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!



در این کتاب اطلاعات را معنا کرده‌اند و من از روی کتاب می‌خوانم. در تعریف اطلاعات گفته‌اند: «گزارش عملکرد بخش‌های دولتی و خصوصی به جمعیت فقیر داده شود.» در واقع این کتاب می‌گوید: این ساختار حکومتی - که اقتصاد به عنوان محور آن قرار داده شده و همه چیز در اختیار اقتصاد است - گزارش این عملکردها را نداده است و به همین دلیل این افراد به فقر مبتلا شده‌اند. اگر اطلاع داشتند که این روال‌ها چه مفاهیمی هستند، خُب از این روال‌ها استفاده نموده و در این نظم مشغول به کار می‌شدند. توجه می‌فرمایید؟ در واقع این کتاب معتقد است که همان نظم قبلی سرمایه‌داری - که من مختصراً آن را توضیح دادم - باید باقی بماند و ما باید فقر اطلاعاتی مردم نسبت به این سیستم را رفع کنیم. در حقیقت یک تحلیل پسینی وجود دارد که می‌گوید: اگر این اطلاعات را بدهیم، طرف مقابل شما می‌فهمد که چطور باید وارد این سیستم شود و بخشی از کار را بپذیرد تا فقر او برطرف شود. پس منظور آنها از اطلاعات این موضوع است.

البته مصادیق دیگری هم در کتاب گفته شده است. مثلاً گفته شده که افراد باید قوانین و مقررات را هم بشناسند؛ یعنی فقر، به این علت است که فقیر، قوانین و مقررات را نمی‌داند و از خدمات مالی بازارهای مالی و سرمایه اطلاع ندارد. مثلاً نمی‌داند چطور باید وارد بازار بورس شود؛ اصلاً نمی‌داند بازار بورس در کدام خیابان است!

پس اولین کاری که برای رفع فقر باید انجام دهید این است که دسترسی اطلاعاتی مجموعه فقیری که درصدد رفع فقر آنها هستید را ارتقا دهیم. در پایان نیز توصیه کرده است که دسترسی اطلاعات از راه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گیرد، یعنی اول باید اینترنت و رسانه را برای آنها بیاوریم تا فقر اطلاعاتی آنها برطرف شود. این تدبیر اول کتاب برای رفع فقر است. پس در تدبیر اول همان‌طور که شرح دادم ساختار نظام سرمایه‌داری را تغییر نداده و فقط گفته‌اند اطلاعات مربوط به نحوه فعالیت و مشارکت در ساختار سرمایه توسعه، در اختیار فقرا نیست و اگر ما این اطلاعات را در اختیار آنها قرار دهیم فقر این افراد برطرف می‌شود.

کار دومی که برای رفع فقر گفته‌اند این است که رویکرد توانمندسازی ما باید مبتنی بر مشارکت باشد. در تعریف این موضوع - که تعریف ساده و روانی نیز هست - گفته‌اند به مردم فقیر به‌عنوان یک همکار تولید نگاه کنید. در این پیشنهاد نیز ساختار موجود را پذیرفته و گفته‌اند افراد فقیر باید در این ساختار کار کنند. این کتاب در پاسخ به این سؤال که چرا یک فرد فقیر است، می‌گوید چون در ساختار، به بازی گرفته نشده و مشارکت داده نشده است. اگر ما سعی کنیم او را در ساختار مشارکت دهیم، فقر او برطرف می‌شود.

سومین عاملی که برای رفع فقر گفته‌اند این است که مقامات دولتی، سطح پاسخگویی خود به فقرا را ارتقا دهند؛ یعنی از یک طرف باید فقرا را دعوت کنیم تا همکار تولید شوند و از طرف دیگر نیز کارشناسان تصمیم‌ساز در وزارتخانه‌ها باید این افراد را به حساب آورده و برای آنها برنامه‌ریزی کنند. بنابراین سومین کار، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری ساختار حکومتی و حکمروا نسبت به طبقه فقیر است.

۲/۳/۳/۱/۱. گزارش عملکرد بخش‌های دولتی و خصوصی؛ نمونه‌ای از اطلاعات مورد نیاز برای انتقال به قشر فقیر

۲/۳/۳/۱/۲. اطّلاع از قوانین و مقررات؛ نمونه‌ای دیگر از اطلاعات مورد نیاز برای انتقال به قشر فقیر

۲/۳/۳/۱/۳. گسترش رسانه و اینترنت؛ راهکار پیشنهادی کتاب برای تسهیل دسترسی به اطلاعات

۲/۳/۳/۲. ابثای رویکرد توانمندسازی بر مشارکت افراد به‌عنوان همکار تولید؛ راهکار دوم کتاب برای رفع فقر

۲/۳/۳/۳. ارتقا سطح پاسخگویی مقامات دولتی؛ سومین راهکار کتاب برای رفع فقر



چهارمین کار این است که ظرفیت‌های سازمانی محلی را فعال کنیم؛ یکی از بحث‌های جدی توسعه این است که توسعه برای به وجود آمدن، در بخش‌های مختلف نیاز به زیرساخت دارد و مهم‌ترین زیرساخت نیز آموزش است. این کتاب در چهارمین راهکار خود این گزاره توسعه را تغییر داده و می‌گوید در عوض نهادسازی - که از جمله این نهادها، نهاد آموزشی است - باید ظرفیت‌های محلی را فعال نموده و از روابط مدیریتی آنها استفاده کنیم. به عنوان مثال اگر در یک روستا کدخدا یا نخبه‌ای وجود دارد که حرف او شنیده می‌شود، باید این فرد را به عنوان محور کار و سازمان‌دهی قرار دهید. به عبارت دیگر وقتی می‌گوید از ظرفیت‌های محلی استفاده کنید، در واقع می‌گوید در برخی از مناطق به جای نهادسازی، از نهادهای مدیریتی و فرهنگی موجود استفاده کنید.

همان‌طور که توضیح دادم در هر چهار مورد، ساختار کلان نظام سرمایه‌داری دچار هیچ تغییری نشده است؛ یعنی این ساختار را به پذیرش رسانده و در توصیه اول گفته‌اند که اطلاعات مردم راجع به ساختار را بالا ببرید. در توصیه دوم بیان کرده‌اند که مشارکت مردم در این ساختار افزایش پیدا کند. در مورد سوم گفته شده است که نهادهای دولتی برنامه‌های خود برای افزایش مشارکت [در این ساختار را] بیشتر کنند. در مورد چهارم نیز بیان شد که به علت محدودیت زمانی و فوریت فقرزدایی، از ظرفیت‌های محلی در این راستا استفاده کنید. یعنی در این کتاب همان نظام پیشین باقی ماند؛ اما برای جلب مشارکت و به پذیرش رساندن این ساختار و نظم، چند طرح فرعی پیشنهاد شد تا در نتیجه مردم در نظم قبلی ضرب شوند. عیب نظم قبلی را نیز توضیح دادم.

این همان فریبی است که بنده عرض می‌کنم. با ورود این کتاب به بازار ممکن است دانشجوی ما فکر کند که این کتاب در مورد کاهش فقر به نگارش درآمده است؛ اما آنگاه که وارد تحلیل جزئیات مسئله می‌شویم در می‌یابیم که باطن این کتاب بر بقای نظم سرمایه‌داری فعلی - که اقتصاد، محور آن است - تأکید می‌کند و در نهایت با طرح مسائل فرعی، مردم را در نظم فعلی ضرب نموده و کمی از فقر مردم - البته فقر به همان معنایی که آنها می‌گویند - کاسته شود.

نکته حائز اهمیت این است که این کتاب در کشوری به رشته تحریر درآمده که مردم آن معتقدند ۹۹ درصد سرمایه‌ها در دست یک درصد یعنی همان وال‌استریتی‌هاست و ۱ درصد سرمایه‌ها نیز در دست ۹۹ درصد مردم است.^{۲۶} بنابراین نباید از عناوین ابتدایی استفاده‌شده توسط جریان توسعه‌گرا

۲۶. Just prior to President Obama's 2014 State of the Union Address, media[1] reported that the top wealthiest 1% possess 40% of the nation's wealth; the bottom 80% own 7%; similarly, but later, the media reported, the "richest 1 percent in the United States now own more additional income than the bottom 90 percent".[2] The gap between the top 10% and the middle class is over 1,000%; that increases another 1,000% for the top 1%. The average employee "needs to work more than a month to earn what the CEO earns in one hour." [3] Although different from income inequality, the two are related. In *Inequality for All*—a 2013 documentary with Robert Reich in which he argued that income inequality is the defining issue for the United States—Reich states that 95% of economic gains went to the top 1% net worth (HNWI) since 2009 when the recovery allegedly started.[4] More recently, in 2017, an Oxfam study found that eight rich people, six of them Americans, own as much combined wealth as "half the human race." [5]

در زمان رئیس‌جمهور اوباما در سال ۲۰۱۴ رسانه‌ها گزارش دادند که ۱٪ ثروتمند در آمریکا، بیش از ۴۰٪ ثروت ملی را در اختیار دارند. همچنین ۸۰٪ دیگر جامعه حدود ۷٪ منابع را در اختیار دارند. اما اخیراً رسانه‌ها در گزارش دیگری می‌گویند که ۱٪ ثروتمند جامعه بیش از ۹۰٪ منابع را در اختیار



فربخویم. اگر خواستند رفع فقر کنند نباید فربخویم، بلکه باید ببینیم که لوازم طرح آن‌ها برای فقرزدایی چیست؟ در این کتاب هر چهار مؤلفه عنوان شده [برای فقرزدایی] موجب تثبیت همان دستگاه حاکم غلطی خواهند شد که همه‌چیز را حول بخش اقتصاد تعدیل می‌کند.

مسئله فربخویدادن در همه‌جا وجود دارد و بنده به اندازه‌ای که وقت هست برخی از این موضوعات را شرح می‌دهم. به عنوان مثال رهبر معظم انقلاب سند چشم‌انداز را ابلاغ نموده‌اند و عبارت بنیادین سند چشم‌انداز این است که "ایران کشوری است توسعه‌یافته با هویت اسلامی و الهام‌بخش در جهان اسلام با جایگاه اول منطقه". چهار عبارت مهم در این عبارت وجود دارد! حال جریان توسعه‌گرا چه می‌کند؟ این جریان، به عبارت اول عمل می‌کند و می‌گوید من می‌خواهم به چشم‌انداز عمل کنم و طبق چشم‌انداز "ایران کشوری است توسعه‌یافته".

۲/۴. توجه به عبارت "ایران کشوری است توسعه‌یافته" در راهکارهای پیشنهادی برای تحقق سند چشم‌انداز و غفلت از دو عنصر "هویت اسلامی" و "الهام‌بخش در جهان اسلام"؛ نمونه‌ای دیگر از فربخویدادن در جهان توسعه‌گرا

شما حتی در یک مقاله یا گفت‌وگو نمی‌بینید که روش تحقق الهام‌بخشی در جهان اسلام یا روش تحقق هویت اسلامی را توضیح داده باشد. فقط به همان بخش اول توجه می‌کنند که ایران کشوری توسعه‌یافته است با جایگاه اول منطقه‌ای. قسمت‌های دیگر کاملاً حذف شده است. البته در ابتدای کتاب‌ها عبارت را به صورت کامل می‌بینید؛ اما در متن برنامه‌ها برای قسمت دوم سند چشم‌انداز یعنی هویت اسلامی و الهام‌بخش در جهان اسلام تحلیل جدی وجود ندارد و همان تحلیل‌های غربی مبتنی بر توسعه است.

در مورد اقتصاد مقاومتی نیز همین اتفاق در حال وقوع است. پس باید در متن برنامه‌ها و منابع، مراقب ادبیات التقاطی جریان توسعه‌گرا باشیم. ادبیات التقاطی و خطرناک‌ترین توسعه‌گرا در کشور ما و در سایر کشورها وجود دارد، البته در ایران بیشتر است؛ یعنی این جریان وقتی اعتقادات و مطالبات مردم و فعالیت‌های پیگیرانه‌ی جبهه فکری - فرهنگی انقلاب^{۳۷} در حوزه اقتصاد مقاومتی را می‌بیند، در برنامه‌های خود از نام اقتصاد مقاومتی به عنوان شروع بحث استفاده می‌کند. اما این بار [فربخویم خورد؛] جناب آقای رئیس‌جمهور و جناب آقای نوبخت! با چه مدلی می‌خواهید مشکل اشتغال را برطرف کنید؟ نیروهای انقلاب نیز خواستار حل مسئله اشتغال هستند؛ اما آنچه

۲/۵. فربخویدادن نیروهای انقلاب در مسئله اقتصاد مقاومتی؛ نمونه‌ای دیگر از فربخویدادن در جهان توسعه‌گرا

دارند. شکاف بین ۱۰٪ بالایی جامعه با طبقات متوسط حدود ۱۰۰۰ درصد است. پاداش یک کارمند متوسط در طول یک ماه برابر با پاداش یک مدیرعامل در طول یک ساعت است.

فیلم مستندی از سوی رابرت ریچ در سال ۲۰۱۳ در مورد این نابرابری‌ها ساخته شد که در آن بیان شد که موضوع نابرابری یکی از موضوعات اصلی در ایالات متحده است. ریچ در این فیلم بیان می‌کند که ۹۵٪ از منافع اقتصادی از سال ۲۰۰۹ در دست ۱٪ بالایی جامعه قرار دارد. اخیراً در سال ۲۰۱۷ آکسفام مطالعه‌ای را انجام داده است که نشان می‌دهد که از ۸ فرد اول ثروتمند جهان، ۶ نفر آمریکایی هستند که ثروت آنها برابر با ثروت نیمی از جهان است.

[1]. <http://www.washingtontimes.com/news/2014/jan/26/obama-to-focus-state-of-the-union-address-on-incom/>

[2]. <https://www.nytimes.com/2014/07/24/opinion/nicholas-kristof-idiots-guide-to-inequality-piketty-capital.html>

[3]. <https://www.usatoday.com/story/money/2015/04/06/how-much-ceos-earn-hourly/25353423/>

[4]. <http://www.denverpost.com/2014/01/10/robert-reich-income-inequality-the-defining-issue-for-u-s/#ixzz2rLtrMrAF>

[5]. <https://www.nytimes.com/2017/01/16/world/eight-richest-wealth-oxfam.html>

۲۷. این جبهه که یک جبهه به‌پا خواسته است به‌زودی در جهان اسلام و جهان مستضعفین برکاتی را برای جهان اسلام و مستضعفین در پی خواهد داشت.



برای جبهه انقلاب اهمیت دارد، مدل رفع مسئله بیکاری است. این سؤال باید به عنوان سؤال و مطالبه نیروهای انقلاب قرار گیرد و همه باید به آن بپردازیم. نکته مهم بنده تمام شد.

۱/۱/۱. عدم امکان اکتفا به تبلیغ هویت اسلامی به دلیل ایجاد دوگانگی برای مردم در اثر تقابل نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه با تبلیغ‌های صورت گرفته حول هویت اسلامی

بنابراین به طور خلاصه باید گفت که جریان توسعه غربی به دنبال تعدیل کلان جامعه در همه بخش‌ها -از جمله فرهنگ، دین، قانون‌گذاری و ...- حول اقتصاد است و کاملاً واضح است که این نوع از نظم اجتماعی، ضد هویت اسلامی است. حالا شما فکر کنید ما در این فضا وارد تبلیغ محض شویم؟! به نظر شما آیا تأثیری دارد؟ آیا ما باید اسلام را به صورت نظری توضیح دهیم؟ جریان توسعه‌گرا با این نظم خطرناک نه تنها آثار تبیین‌های اسلامی را از بین می‌برد، بلکه یک ذهنیت دوگانه نیز در مردم ایجاد می‌کند. به عنوان مثال شما بسیار می‌بینید که مردم می‌گویند خطابه‌های نماز جمعه صحیح است یا ماجرای فیش‌های حقوقی؟! مردم به صورت مکرر مقابل این دوگانه‌ها قرار می‌گیرند و می‌گویند حرف‌های شما، حرف‌های خوبی است؛ اما فلان مسئول نظام ۵۹ میلیون تومان حقوق ماهیانه دریافت می‌کند.^{۲۸} البته اتفاقاً این موضوع بر مبنای قانون برنامه پنجم توسعه^{۲۹} و قانون جریان توسعه‌گرا بوده است؛ اما بسیاری از مردم، توانایی تفکیک نداشته و می‌گویند این قانونی است که در جمهوری اسلامی نوشته شده است. از این قبیل موضوعات، یک علامت سؤال جدی برای مردم ایجاد می‌کند.^{۳۰}

در همه بخش‌ها با همین اتفاق روبرو هستیم. در بخش قضایی نیز همین‌طور است. به عبارت دیگر آنگاه که مردم با نوعی بی‌عدالتی که حاصل نظم اجتماعی حاکم است مواجه می‌شوند این سؤال برای آنها پیش می‌آید که آیا این نظام اجتماعی مسیر صحیح را می‌رود یا تبیینی که در خطبه نماز جمعه صورت می‌گیرد؟ اگر به سمت بازتعریف نظم اجتماعی حرکت نکنیم ممکن است تبیین موجود، اثر معکوس داشته باشد؛ چون نظم اجتماعی، اداره کشور و روال زندگی مردم را تنظیم می‌کند.

ان شاءالله فردا این بحث کلان را به حوزه‌های بخشی خواهیم برد. به عنوان مثال در مورد نظام آموزش و پرورش و سرفصل‌های آموزشی آن مانند ریاضی، فیزیک، زیست و ... بحث خواهیم کرد. بخش قانون‌گذاری نیز به بحث گذاشته خواهد شد و بنده عناوین برخی از قوانین مهم و مادر کشور

۲۸. رئیس صندوق توسعه ملی در حالی ماهیانه ۵۷ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کند که کمک‌هزینه ورزش، خرید کتاب و اوقات فراغت فرزندانش نیز در فیش حقوقی وی لحاظ می‌شود.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/27/1106384> خبرگزاری تسنیم

۲۹. هرگونه پرداخت خارج از مقررات فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع است مگر در مورد فوق‌العاده خاص شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و بیمه‌های مشمول ماده «۴» و قسمت اخیر ماده «۵» قانون مدیریت خدمات کشوری که طبق دستورالعمل مصوب کارگروهی مرکب از معاونت، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و بالاترین مقام دستگاه متقاضی، اقدام می‌شود.

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران؛ فصل چهارم: نظام اداری و مدیریت؛ بخش نظام اداری، ماده ۵۰، بند ح

۳۰. بنده اخیراً به شهر اصفهان برای نقد برنامه خطرناک ششم توسعه رفته بودم. در آنجا فردی به نزد بنده آمد و سابقه فعالیت‌های مذهبی خود را گزارش داد. ایشان ابتدا اعتقاد خود را به صورت آشکار گفته و توضیح دادند که چه شخصیتی دارند. ایشان به من گفت همسر من گفته است سؤالات خود را از یک آدم کارشناس بپرسم. ایشان می‌گفت خودم که ناامید شده‌ام اما به اصرار همسر من که ایمانش از من قوی‌تر است آمده‌ام تا سؤالاتی را از شما بپرسم. جنس سؤالات ایشان دقیقاً مانند همین مثال‌ها بود. ایشان می‌گفت بر سر منبر از حرمت ربا بحث می‌شود؛ اما در بانک‌ها، ربا رواج دارد. در مباحث از عدالت بحث می‌شود؛ اما نظم مبتنی بر توسعه معتقد است کسی که حقوق ۵۹ میلیون تومانی می‌گیرد ذخیره نظام است.



که پیش‌زمینه اقتصادی دارند را تحلیل خواهیم کرد تا مشخص شود که چگونه ماهیت نظام قانون‌گذاری را تغییر می‌دهند. سعی ما بر این است که در ده جلسه اول مباحث - که به فضل الهی! جلسه سوم آن نیز تمام شد- به صورت بخشی بحث کنیم تا در پایان این دهه ابتدایی، یک تصویر تفصیلی از نظم مبتنی بر توسعه غربی ایجاد شود و در ادامه دوره با خیال راحت به بازتعریف نظم پیشنهادی «الگوی پیشرفت اسلامی» پردازیم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ



پرسش و پاسخ

۱. نابود کردن هویت شیعی توسط تئوری‌های توسعه و عدم این تئوری‌های در مقام عمل؛ دو اشکال بزرگ تئوری‌های توسعه غربی

یکی از حضار(۱): آیا جریان توسعه‌گرا راهکاری ندارد یا اینکه در مقام اجرا با مشکل مواجه می‌شود؟

استاد کشوری: ببینید در خلال جلسات گذشته عرض کردم که دو بحث وجود دارد. یک بحث اینکه ما به‌عنوان جبهه فکری فرهنگی انقلاب اسلامی چه چیزی را موضوع اصلی انقلاب می‌دانیم؟ عرض کردم که حفظ، تثبیت و تکمیل هویت شیعی و اسلامی ایران، موضوع اصلی ماست. پس بنابراین هرکس قصد دارد برای هر بخش، راه‌حل ارائه دهد نباید راه‌حل او حاوی نقض این هویت باشد. این، یک بحث می‌باشد که بحث اصلی است.

بحث دیگری وجود دارد - که در ادامه به آن می‌پردازیم - مبنی بر اینکه نظمی که به اسم کارآمدی و حل مسئله حاکم شده است آیا منجر به حل مسئله خواهد شد یا خیر؟ این بحث دوم است. به‌عنوان مثال جریان توسعه‌گرا نتوانسته در هیچ جای دنیا مسئله بیکاری را حل کند. نمونه بارز این مثال کشور آمریکاست؛ وقتی در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا پنجاه میلیون نفر کوپن غذا دریافت می‌کنند - که ارزش کوپن غذا تنها یک و نیم دلار است^{۳۱} - یعنی آن‌ها شغل ندارند که بتوانند یک و نیم دلار - که به‌اندازه تأمین دو وعده غذایی است - به دست آورند. اگر شغل وجود داشت این یک و نیم دلار تأمین می‌شد و نیاز نبود دولت روزانه از بیرون یک و نیم دلار آن‌هم برای اینکه آن‌ها از فقر فوت نکنند به این اشخاص پرداخت کند. این هم بحث دوم است که در اینجا هم بحث‌های جدی داریم. به‌عنوان مثال آیا تدبیرهای جریان‌های توسعه‌گرا برای جریان‌های اجتماعی به سرانجام خواهد رسید یا خیر؟ آیا بیکاری را به سرانجام خواهند رساند یا خیر؟ عدالت را به سرانجام می‌رسانند؟ یا خیر؛ در اینجا نوشته است که من می‌خواهم عدالت اجتماعی را حل کنم. بنابراین این یک بحث دوم است که جدل احسن است. ما دائماً آمار خواهیم آورد و تحلیل‌ها را نشان خواهیم داد که جریان توسعه‌گرا حتی نمی‌تواند ادعاهای خود را محقق کند. در ادامه به این موضوع نیز خواهیم پرداخت.

یکی از حضار(۱): آیا برای تحقق ادعای خود، معتقدند که باید تعدیل نمایند؟

استاد کشوری: بله از مسیر تعدیل می‌گذرد؛ اما به سرانجام هم نمی‌رسد.^{۳۲}

۳۱. به گفته وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا، در سال ۲۰۱۶ دولت غذای ۴/۲ میلیون آمریکایی را تأمین کرده است. به هر فرد ماهانه ۱۲۵ دلار اختصاص یافته است که در هر روز مبلغی معادل ۴ دلار می‌شود؛ یعنی برای هر وعده تقریباً ۱/۵ دلار.

وبسایت رسمی وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا <https://www.ers.usda.gov/data-products/chart-gallery/gallery/chart-detail/?chartId=83029>

۳۲. یکی از حضار(۲): ببخشید جلسات و همایش‌هایی که آیت‌الله مکارم شیرازی پیرامون علوم انسانی برگزار کردند برای مقابله با همین بحث بود؟ استاد کشوری: ببینید اجمالاً به محضر شما عرض کنم که در مورد برنامه ششم یک حساسیتی موردی و مصداقی در مراجع محترم نسبت به‌نظام برنامه‌ریزی ایجاد شد؛ نمونه بارز آن قیام مبارک مراجع و فتوای تحریم تجاری‌سازی مسئله تراریخته‌هاست که یک مورد خیلی روشن است. مسئله دوم، مسئله فضای مجازی است که علمای محترم و فقهای عظام شیعه نسبت به نظام برنامه‌ریزی حساسیت پیدا کرده‌اند. این‌ها مصداقی از قضیه است. لذا فعالیت‌هایی انجام می‌شود؛ اما حالا این همایش خواص را بنده حضور ذهن ندارم.

یکی از حضار(۲): خیر در ارتباط با دانشگاه، کُتبی که در دانشگاه تدریس می‌شود.

استاد کشوری: بله این لازمی آن است. تحول در علوم انسانی جزء لازمه همین بحث است. اگر آن همایش در مورد علوم انسانی بوده باشد؛ این‌گونه خواهد بود.

یکی از حضار(۲): نه یعنی پیامدی نیز دارد یا هنوز تمام نشده است؟

استاد کشوری: ببینید؛ بنده همیشه عرض کرده‌ام که الگوی پیشرفت اسلامی در حال حاضر در مرحله پرورش است؛ یعنی در مرحله تفاهم با نخبگان هستیم و این مسئله مهمی است که ان‌شاءالله اگر فعالیت‌ها جدی‌تر شود، وارد مرحله پردازش نیز خواهیم شد. البته اینکه ما در مرحله پرورش الگو



۲. لزوم بررسی ابعاد مختلف فقر هنگام مطالعه و بررسی وضعیت کشورهای توسعه‌یافته

یکی از حضار (۳): وقتی شما ایران را با تئوری‌های توسعه در آمریکا مقایسه می‌کنید و می‌گویید این مقدار جمعیت در آنجا هستند که هنوز کوپن غذا می‌گیرند و حتی در آنجا هم [تئوری‌های توسعه] جواب نداده است؛ دوستان می‌گویند چرا شما به آمریکا استناد می‌کنید؟ مثلاً خود را با کانادا مقایسه کنید و یا مثلاً با کشورهایی مانند دانمارک و کشورهای حوزه اسکانداویجی که ظاهراً وضع آن‌ها از لحاظ فقر و غیره، خیلی بهتر است مقایسه کنید. یکی این اشکال را بیان می‌کنند و اشکالی دیگری هم مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه چرا از تجربه بشری استفاده نکنیم؟ پس تجربه بشری و آن قسمت از چیزی که ما می‌خواهیم از آن استفاده کنیم چه می‌شود؟

استاد کشوری: استفاده ما از تجربه بشری از باب عبرت‌آموزی است. بنده این موضوع را بصورت صریح عرض می‌کنم. خود بنده متأسفانه طی دو دهه قبل تجربه‌های بشری و کتاب‌های آن‌ها را زیاد مطالعه کرده‌ام. اخیراً یک مقدار موفق به توبه شده‌ام و کمتر مطالعه می‌کنم. اما قبلاً بصورت مفصل مطالعه می‌کردم. از مارکس^{۳۳} تا تئوری‌های هشتاد سال پیش تا تئوری‌های ده سال پیش آن‌ها را در جاهای مختلف مطالعه کرده‌ام. بنده از باب تجربه‌آموزی قبول دارم، مانند برجام؛ انقلاب آن را قبول کرد تا اینکه عبرت و تجربه مردم ایران افزایش پیدا کند. خوب است این موارد بحث شود. بنده یک انتشاراتی دیدم که کار خود را در زمینه باز نشر آثار ضد توسعه جریان‌های ضد توسعه در غرب شروع کرده است. بنده از این باب استفاده از تجربه بشری را خیلی می‌پسندم و واقعاً استفاده خوبی هم است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ما أَكثَرَ الْعِبَرِ، وَ أَقَلَّ الْأَعْتِبَارِ»^{۳۴}؛ همه کشورهای دنیا مصداق "ما اکثر العبر" هستند. یعنی باید از این موارد استفاده کرد، بنده هم موافق هستم.

منتهی نکته بحث این است که در کشورهایی مانند اسکانداویجی فقر به شکلی دیگر رواج دارد، یعنی مفهوم تقلیل نیافته فقر [وجود دارد]. اگر فقر را به جاده و برق و گاز و این موارد معنا کنیم، شاید این فقر در یک کشور و یا چند کشور پیدا شود؛ اما در آمریکا و بسیاری از کشورها همین هم وجود ندارد. مثلاً بی‌خانمانی در آمریکا یک پدیده است. اما در کشورهای اسکانداویجی ما با مشکل فروپاشی نهاد خانواده در حدود هشتاد درصد به بالا مواجه هستیم.^{۳۵} در آنجا فقر فکری - فرهنگی وجود دارد.

هستیم ناقض پردازش آزمایشگاهی نیست و ما بصورت آزمایشگاهی وارد میدان شده‌ایم و راجع به برنامه ششم پیشنهادهایی را مطرح کرده‌ایم و این مصاف سنگین، ناشی از پردازش آزمایشی الگوی پیشرفت است. بنده به دوستان توسعه‌گرا توصیه می‌کنم خود را برای مصاف‌های جدی‌تر نیروهای انقلاب آماده کنند.

انتقال از متن

۳۳. کارل هاینریش مارکس (Karl Heinrich Marx) (زاده ۵ مه ۱۸۱۸ در شهر تری یر پروس - درگذشته ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در لندن، انگلستان) متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان و اقتصاددان آلمانی است.

۳۴. چه بسیار عبرت‌ها و چه کم است عبرت‌گرفتن!

حکمت ۲۹۷ نهج البلاغه

۳۵. سن اولین ازدواج در کشورهای اسکانداویجی در سال ۲۰۱۰

سوئد: مردان ۳۵/۷ و زنان ۳۳

دانمارک: مردان ۳۴/۴ و زنان ۳۱/۹

دفتر آمار اتحادیه اروپا

http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Marriage_and_birth_statistics_-_new_ways_of_living_together_in_the_EU

آمار طلاق کشورهای اسکانداویجی در سال ۲۰۱۰

سوئد: ۴۷ درصد

دانمارک: ۴۶ درصد

نروژ: ۴۴ درصد

دفتر آمار اتحادیه اروپا http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Marriage_and_divorce_statistics



چرا بنده باید قبول کنم که کشورهای اسکاندیناوی توسعه‌یافته هستند در حالی که آنقدر حداقلی فکر می‌کنند که روابط انسانی آنها در نهاد خانواده هم به چالش کشیده شده است. ما در روایت داریم که مدارا نصف عقل هست،^{۳۶} و وقتی در آن کشورها مدارا وجود ندارد، یعنی حداقل نصف عقل در آنجا وجود ندارد. فروپاشی نهاد خانواده نتیجه فقدان عقل است. برای چه ما باید آنها را پیشرفته به حساب بیاوریم؟! حالا اجازه دهید تا بنده در ادامه بحث داستان تلخ و تراژدی کشورهای اسکاندیناوی را بیشتر خدمت شما خواهم بشکافم.

اللهم صل علی محمد و آله محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۳۶. قال الحسن عَلَيْهِ السَّلَامُ: مداراة الناس نصف العقل

ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (ت ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي (۱۴۰۴ ق)، ج ۱۸، ص: ۱۰۸



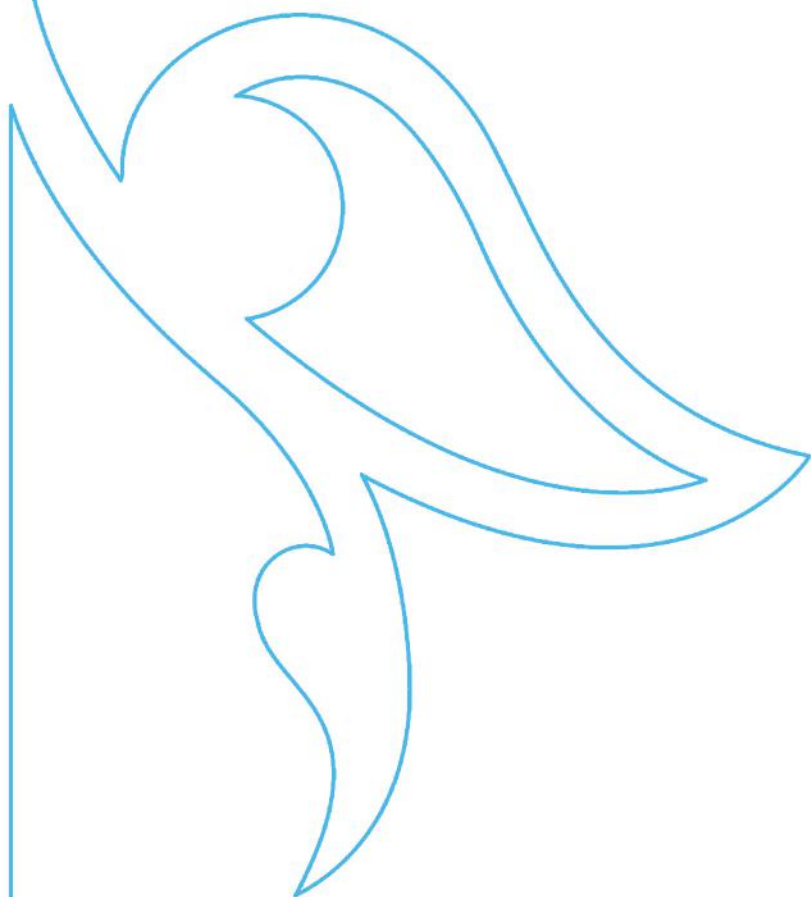
فهرست تفصیلی

۱. بازخوانی چند مورد از موارد تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد در نظام برنامه‌ریزی حاکم بر کشور ۵۳
 - ۱/۱. اخلاق‌ساز بودن نظامات اجتماعی و عدم ملاحظه نسبت میان نظم اجتماعی و دین‌داری مردم توسط نظام برنامه‌ریزی فعلی؛ دلیل ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی ۵۳
 - ۱/۲. تشریح نظم مبتنی بر توسعه و اثبات ضدیت این نظم با هویت اسلامی؛ موضوع ده جلسه ابتدایی این دوره بحثی ۵۳
 - ۱/۳. تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد (هماهنگ‌سازی تمام بخش‌ها با اقتصاد)؛ نظم کلان پیشنهادی جریان توسعه غربی و ضدیت این نظم با هویت شیعی ۵۴
 - ۱/۳/۱. محور قرار دادن مفاهیم مرتبط با اقتصاد در نظام آموزشی؛ نمونه‌ای از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد ۵۴
 - ۱/۳/۲. تعریف قانون خوب به قانون پشتیبان بخش اقتصاد؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد ۵۴
 - ۱/۳/۳. فرهنگ و پذیرش‌های مردم؛ یکی دیگر از بخش‌های تعدیل‌شده حول بخش اقتصاد ۵۵
 - ۱/۳/۳/۱. تضعیف نهاد خانواده توسط رئیس دولت یازدهم از طریق ابراز نگرانی نسبت به بیکاری بانوان؛ نمونه‌ای از تعدیل فرهنگ حول اقتصاد ۵۶
 - ۱/۳/۳/۲. تضعیف نهاد خانواده توسط معاون رئیس دولت یازدهم از طریق تأکید بر بی‌عیب‌بودن تجرد دختران؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل فرهنگ حول اقتصاد ۵۶
 - ۱/۳/۳/۳. تحریف حادثه عاشورا توسط رئیس دولت یازدهم از طریق مرتبط‌کردن این موضوع به تعامل و مذاکره؛ نمونه‌ای دیگر از تعدیل فرهنگ حول اقتصاد ۵۶
 - ۱/۳/۳/۴. اصلاح ابرگزاره‌های فرهنگی در دولت یازدهم به عنوان توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی ایران ۵۶
 - ۱/۳/۴. اصلاح قرائت دینی (تغییر متد اجتهاد حوزه علمیه قم)؛ آخرین هدف جریان توسعه‌گرا برای تعدیل جامعه حول بخش اقتصاد ۵۷
 - ۱/۳/۴/۱. تحریف آیه اَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً توسط رئیس دولت یازدهم و ارتباط‌دادن این آیه به لزوم مذاکره و رابطه با آمریکا؛ نمونه‌ای از تلاش برای اصلاح قرائت دینی ۵۸
 ۲. شروع کردن از نقاط شروع نیروهای انقلاب و ارتباط‌دادن این نقاط به مباحث توسعه غربی مانند چاپ کتابی برای فقرزدایی و تثبیت اقتصاد سرمایه‌داری؛ شیوه جریان توسعه‌گرا برای غافل‌کردن مردم از تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد ۶۰
 - ۲/۱. فریب نیروهای انقلاب توسط جریان توسعه‌گرا و غافل‌کردن آنها از نقشه شوم توسعه غربی از طریق شروع کردن از نقاط شروع نیروهای انقلاب ۶۰
 - ۲/۱/۱. مسئله بیکاری؛ نمونه‌ای از معضلات جامعه ایران و شروع جریان توسعه‌گرا از این موضوع ۶۰
 - ۲/۲. لزوم توجه به راه‌حل‌های ارائه‌شده توسط جریان توسعه‌گرا برای حل معضلات به منظور جلوگیری از غفلت نیروهای انقلاب و در نتیجه تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد ۶۰



- ۲/۳. ترجمه کتابی غربی با موضوع فقرزدایی برای پشتیبانی از مسئله اقتصاد مقاومتی؛ یکی از فریب‌های جریان توسعه‌گرا برای نیروهای انقلاب اسلامی ۶۱
- ۲/۳/۱. عدم توجه کتاب مذکور به فرایندها و نظامات اجتماعی ایجادکننده محرومیت و توجه به نتیجه این نظامات اجتماعی یعنی فقر؛ اشکال اول کتاب مذکور ۶۲
- ۲/۳/۲. تقلیل معنای فقر در کتاب مذکور و محدود کردن فقر به خوراک، پوشاک، جاده، بهداشت، آموزش و ... و عدم توجه به فقر فکری؛ اشکال دوم کتاب مذکور ۶۳
- ۲/۳/۳. تثبیت نظام موجود اقتصادی غرب و ارائه راه‌حل‌های فرعی برای مشارکت مردم در همین نظم غلط اقتصادی؛ سومین اشکال کتاب مذکور ۶۳
- ۲/۳/۳/۱. تسهیل دسترسی فقرا به اطلاعات؛ راهکار اول کتاب برای رفع فقر ۶۳
- ۲/۳/۳/۱/۱. گزارش عملکرد بخش‌های دولتی و خصوصی؛ نمونه‌ای از اطلاعات مورد نیاز برای انتقال به قشر فقیر ۶۴
- ۲/۳/۳/۱/۲. اطلاع از قوانین و مقررات؛ نمونه‌ای دیگر از اطلاعات مورد نیاز برای انتقال به قشر فقیر ۶۴
- ۲/۳/۳/۱/۳. گسترش رسانه و اینترنت؛ راهکار پیشنهادی کتاب برای تسهیل دسترسی به اطلاعات ۶۴
- ۲/۳/۳/۲. ابتای رویکرد توانمندسازی بر مشارکت افراد به عنوان همکار تولید؛ راهکار دوم کتاب برای رفع فقر ۶۴
- ۲/۳/۳/۳. ارتقا سطح پاسخگویی مقامات دولتی؛ سومین راهکار کتاب برای رفع فقر ۶۴
- ۲/۳/۳/۴. فعال کردن ظرفیت‌های سازمانی محلی در عوض نهادسازی؛ راهکار چهارم کتاب برای رفع فقر ۶۵
- ۲/۳/۳/۵. تثبیت دستگاه غلط اقتصادی حاکم و مشارکت‌دادن افراد در این نظم غلط اقتصادی؛ اشکال اصلی کتاب مذکور ۶۵
- ۲/۴. توجه به عبارت "ایران کشوری است توسعه‌یافته" در راهکارهای پیشنهادی برای تحقق سند چشم‌انداز و غفلت از دو عنصر "هویت اسلامی" و "الهام‌بخش در جهان اسلام"؛ نمونه‌ای دیگر از فریب‌های جریان توسعه‌گرا ۶۶
- ۲/۵. فریب‌دادن نیروهای انقلاب در مسئله اقتصاد مقاومتی؛ نمونه‌ای دیگر از فریب‌های جریان توسعه‌گرا ۶۶
- ۱/۱/۱. عدم امکان اکتفا به تبلیغ هویت اسلامی به دلیل ایجاد دوگانگی برای مردم در اثر تقابل نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه با تبلیغ‌های صورت‌گرفته حول هویت اسلامی ۶۷
- پرسش و پاسخ ۶۹
۱. نابودکردن هویت شیعی توسط تئوری‌های توسعه و عدم این تئوری‌های در مقام عمل؛ دو اشکال بزرگ تئوری‌های توسعه غربی ۶۹
۲. لزوم بررسی ابعاد مختلف فقر هنگام مطالعه و بررسی وضعیت کشورهای توسعه‌یافته ۷۰

جلسه چهارم



تبيين ضدیت اقتصاد مبتنی بر توسعه با
هویت اسلامی در دو بخش تجميع سرمايه و
مدیریت روابط انسانی



شناسنامه جلسه چهارم

عنوان
تبیین ضدیت اقتصاد مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی در دو بخش
تجمیع سرمایه و مدیریت روابط انسانی

تاریخ نشست
۴ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

در جلسه گذشته بیان شد که حساسیت اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، حفظ هویت شیعی است و به همین دلیل نیز الگوی پیشرفت با نظم فعلی کشور که مبتنی بر توسعه غربی است مخالفت می‌ورزد؛ زیرا این نظم موجب تضعیف هویت شیعی می‌گردد.

همچنین بیان شد که نظم توسعه غربی در دو بُعد کلان و بخشی موجب تضعیف هویت دینی می‌گردد. در جلسات گذشته نظم کلان توسعه غربی تشریح شد و از این پس مباحث به تبیین نظم‌های بخشی توسعه غربی اختصاص دارد. یکی از نظم‌های بخشی توسعه غربی که در تضاد با هویت اسلامی است، اقتصاد مبتنی بر توسعه یا همان اقتصاد سرمایه‌داری است. اقتصاد سرمایه‌داری از سه حیث موجب اضرار هویت شیعی می‌گردد؛ اولین جنبه، به نحوه تجمیع سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری بازگشت دارد. در اقتصاد مبتنی بر توسعه برای تجمیع پول‌های خرد مردم و راه‌اندازی بخش‌های تولیدی اصلی به نام اصل آهنین منافع شخصی را مورد استفاده قرار داده و حرص و منفعت شخصی افراد را تحریک می‌کنند تا سرمایه‌های خود را در اختیار دولت قرار دهند.

اما اشکال تجمیع سرمایه به محوریت تحریک حرص چیست؟ در روایات اسلامی آمده است که یکی از پایه‌های کفر، حرص است؛ در واقع وقتی در مدل‌های اقتصادی به تحریک حرص افراد می‌پردازند در حال سوق‌دادن آنها به سمت کفر هستند. این کفر چگونه رخ می‌دهد؟ وقتی سیستم‌های تجمیع سرمایه حرص افراد را به صورت دائم تحریک می‌کنند، تقاضاهای افراد دائماً افزایش می‌یابد و دائماً خواهان منافع بیشتری هستند. اما با توجه به اینکه منابع مادی محدود است و سیستم عرضه قادر به تأمین این نیازهای دائم‌التزاید نیست، افراد به سمت استثمار حقوق دیگران و حق‌الناس می‌روند و حق‌الناس نیز یکی از مصادیق کفر است؛ زیرا کفر به معنای پوشاندن حق است و حق‌الناس نیز یکی از حقوق محسوب می‌گردد که توسط فرد حریص پوشانده می‌شود.

دومین حیث اقتصاد سرمایه‌داری که به هویت دینی ضربه می‌زند نحوه مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی است. توضیح بیشتر آنکه یکی از سؤال‌های پاسخ‌داده نشده در علم اقتصاد این است که چگونه تعارض میان منافع کارگر و کارفرما را رفع کنیم. در واقع در مدل‌های فعلی تولیدی تعارض میان منافع کارگر و کارفرما تئوریزه می‌شود.

اما علت این امر چیست؟ علت آن است که در مدل‌های فعلی تولید، سرمایه‌دار و سود او محور تمام سازماندهی‌هاست و تا زمانی که سود سرمایه‌دار تأمین نگردد باقی افراد حق سود بردن ندارند. طبیعی است که راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی با استفاده از این شیوه چیزی جز ایجاد نزاع و دعوا میان افراد جامعه اسلامی در بر نخواهد داشت و طبق آیات قرآن شریف باید از اختلاف و نزاع در میان امت اسلامی جلوگیری کرد؛ چرا که نزاع، موجب از بین رفتن ابهت جامعه اسلامی و فشل شدن جامعه ایمانی می‌گردد و این به معنای تضعیف هویت دینی جامعه است.

در واقع بنگاه‌های تولیدی با این شیوه سازماندهی، افراد را به سمت جنون سازمانی و عصبانیت سازمانی هدایت می‌کنند و توقع دارند که با این شیوه، الگوی اقتصادی آنها موجب رفاه مردم نیز گردد. اصلی‌ترین شاخصه رفاه، روابط انسانی میان افراد است؛ اما اقتصاد سرمایه‌داری روابط انسانی میان مردم را با چالش مواجه می‌کند و به همین دلیل رفاه انسان‌ها نیز از بین می‌رود. سومین حیث اقتصاد سرمایه‌داری در جلسه آینده به صورت مفصل توضیح داده خواهد شد.

فهرست اجمالی

۱. تحریک حرص افراد و سوق آنها به سمت کفر و حق‌الناس؛ دلیل ضدیت نظم اقتصادی توسعه در بخش تجمیع سرمایه با هویت اسلامی	۷۹
۲. ایجاد نزاع در جامعه از طریق مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی به محوریت حفظ منافع سرمایه‌دار؛ دلیل ضدیت مدیریت روابط انسانی اقتصاد غربی با هویت اسلامی	۸۳
۳. اشغال تمام ظرفیت فکری افراد توسط مسأله اقتصاد به دلیل ایجاد نیازهای کاذب برای افراد توسط اصل رقابت؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت اسلامی	۸۶
پرسش و پاسخ	۹۰

جایگاه چهارم: تبیین ضدیت اقتصادی مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی در دو بخش تجميع سرمایه و مدیریت روابط انسانی





۱. تحریک حرص افراد و سوق آنها به سمت کفر و حق الناس؛ دلیل ضدیت نظم اقتصادی توسعه در

بخش تجمیع سرمایه با هویت اسلامی

سلام‌علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. بررسی آثار نظم اجتماعی بر دین‌داری مردم؛ پایه سؤال این دوره بحثی

در این دوره جدید بحثی، پایه سؤالی^۱ که ما مطرح کردیم این بود که آیا می‌توان بین نظامات اجتماعی و دین‌داری مردم ارتباط مفهومی برقرار کرد یا خیر؟ به اصطلاح فنی «الگوی نظام‌سازی اسلامی»؛^۲ بررسی نسبت میان نظامات اجتماعی و دین‌داری مردم، «پایه سؤال» است.^۳ همان‌طور که در جلسات گذشته عرض کردم ما در این دوره بحثی نسبت بین نظامات اجتماعی و دین‌داری مردم را پایه سؤال قرار داده‌ایم.

۱. پایه سؤال، مفهوم مشترک میان طرفین بحث است. در ادامه جلسات این دوره شرح مبسوطی از این مفهوم ارائه خواهد شد.

۲. در واقع این الگو در حکم روش ما برای تولید نظریات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هست.

۳. پایه سؤال به معنای مفهوم محوری‌ای است که شما از آن برای تفاهم با طرف مقابل خودتان استفاده می‌کنید.



- ۱/۲. ضدیت نظم اجتماعی مبتنی بر توسعه در بُعد کلان و بخشی با هویت اسلامی و لزوم تغییر این نظم
- در جلسات گذشته عرض کردم که نظم مبتنی بر توسعه غربی - چه در حالت بخشی خود و چه در حالت کلان خود - آثار سوئی را بر روی دین‌داری مردم اعمال می‌کند. در دو جلسه گذشته آثار سوء نظم کلان پیشنهادی جریان توسعه‌گرا را خدمت شما تبیین کردیم. از امروز ان‌شاءالله برخی از نظم‌های بخشی‌ای که جریان توسعه‌گرا برای اداره جامعه پیشنهاد می‌کند را تشریح می‌کنم تا گزاره ما در وضعیت بخشی نیز شفاف شود.
- ۱/۳. نظم اقتصادی؛ یکی از نظم‌های بخشی توسعه و ضدیت این نظم با هویت شیعی
- بنده فکر کردم بهتر است ابتدا از نظم بخشی مسأله اقتصاد شروع کنیم. همان‌طور که در جلسات گذشته عرض کردم جریان توسعه‌گرا به دنبال تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است و این موضوع، نظم کلی این جریان است. حالا از منظر فکر غربی در درون خود اقتصاد - که محور توسعه غربی است - نظام‌سازی به چه شکلی صورت می‌گیرد؟ این موضوع را مقداری توضیح داده و سپس آثار آن بر دین‌داری مردم و حفظ هویت شیعه - که مهم‌ترین دغدغه ما در این دوره بحثی است - را نشان خواهیم داد.
- ۱/۴. مدل تشکیل سرمایه؛ یکی از محورهای ضد هویت شیعی بخش اقتصاد
- به نظر بنده در مسأله اقتصاد سه نقطه محوری وجود دارد که ان‌شاءالله امروز هر سه نقطه محوری را محضر شما توضیح داده و نشان می‌دهم که هر یک از این سه محور باعث ایجاد یک نظم در بخش‌های مختلف می‌شوند که هر سه نظم ایجادشده ضد هویت اسلامی عمل می‌کنند. محور اول و اصلی‌ای که باید در اقتصاد به آن توجه کنیم، مدل تشکیل سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری است.
- ۱/۴/۱. تجمع سرمایه بر اساس تحریک حرص افراد؛ روش توسعه‌گرایان برای تجمع سرمایه‌های خرد مردم
- مدل تشکیل سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر تحریک اصل آهین منافع شخصی شکل می‌گیرد؛ یعنی اگر شما توجه ساده‌ای به بازارهای مالی و پولی و سیستم بانکی داشته باشید، متوجه می‌شوید که بازارهای پولی و مالی و سیستم بانکی یک اصل محوری را در تمام اصول و قوانین و برنامه‌های خود جاری می‌کنند. این اصل چیست؟ تحریک منافع شخصی مردم. این محور فعالیت‌هاست. به عنوان مثال در بانک‌ها وعده سود ۲۰ درصدی را مطرح می‌کنند؛ یعنی حرص و منافع طرف مقابل خود را تحریک می‌کنند.
- این تحریک برای این است که چه اتفاقی رخ دهد؟ برای اینکه مردم در اثر این تحریک، پول خود را نزد بانک سپرده‌گذاری کنند و تجمع سرمایه اتفاق بیافتد. ببینید! روح اصلی برنامه‌های مختلف بانک و مدل تشکیل سرمایه - به معنای عام آن - تحریک منفعت شخص مقابل و جامعه است. البته در اینجا نام‌گذاری کمی تغییر کرده است، اما واقعیت این است که آن‌ها حرص جامعه را تحریک می‌کنند. این، نقطه محوری در اقتصاد سرمایه‌داری است.
- ۱/۴/۲. سوق افراد به سمت کفر؛ نتیجه فربه کردن حرص افراد
- حالا اگر حرص جامعه تحریک شود چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ در اصول کافی روایت معروفی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده است. ایشان می‌فرمایند: اصول کفر سه چیز است: حرص، حسد

۴. آدام اسمیت (Adam Smith: 1723-1790)، بنیان‌گذار مکتب کلاسیک، در زمینه جریان طبیعی فعالیت‌های اقتصادی از فلسفه فیزیوکرات‌ها و به ویژه اصالت فرد دکتر کینه (۱۶۹۴-۱۷۷۴) الهام می‌گیرد و پس از اعتقاد به اقتصاد آزاد، محرک اصلی فعالیت اقتصادی هر فرد را فقط نفع شخصی می‌داند و جستجوی افراد برای منافع شخصی را مطابق با افزایش ثروت ملی به‌طور خودکار می‌داند که نیاز به مداخله دولت هم نیست.

تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، ص ۸۱-۸۸



و استکبار؛^۵ یعنی اگر کسی به هر بهانه‌ای به این سه مسأله مبتلا شود، حتماً سرانجام او به انکار حقایق عالم ختم خواهد شد. البته محل بحث ما در محور اول [الگوی اقتصادی] این است که مدل تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری به محوریت تحریک حرص است؛ یعنی در واقع ما می‌خواهیم مشکل اقتصادی مردم را حل کنیم ولی به دلیل ندانم‌کاری و جهل، از مدلی استفاده کرده‌ایم که حرص را فربه می‌کند و در گام بعد، کفر فربه می‌شود.

شاید واژه کفر مقداری نیاز به توضیح داشته باشد. به همین دلیل اجازه دهید بنده پیش از ادامه بحث مقداری راجع به واژه کفر داخل پرانتز صحبت کنم. کفر در لغت عبارت از پوشاندن حق است.^۶ حرص چگونه منجر به کفر می‌شود؟ اثر اصلی تحریک حرص بر روی جامعه، تحریک تقاضا بیش از نیاز واقعی است، این، اثر حرص است؛ وقتی انسان‌ها حرص می‌شوند بیش از نیاز مورد نظر خود تقاضا می‌کنند.

حال اگر در طرف عرضه، این تقاضا به هر دلیل تأمین نشود چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ با توجه به اینکه اصل تقاضا باقی است، صاحب تقاضای تحریک‌شده از پایه حرص به سمت استثمار منابع دیگران برای تأمین تقاضای خود می‌رود و تجاوز به حقوق دیگران در رفتار او اصل می‌شود، این اتفاقی است که رخ می‌دهد. در نتیجه یکی از مصادیق بزرگ پوشاندن و نادیده‌گرفتن حق اتفاق افتاده است؛ یکی از مصادیق حق [که پوشانده می‌شود] و در صورت نادیده‌گرفتن آن به کفر مبتلا می‌شویم این است که شما نمی‌توانید از حقوق دیگران چشم‌پوشی کنید [و به حقوق آنها تجاوز می‌کنید].

بنابراین در گام اول، تحریک حرص اتفاق می‌افتد و تحریک حرص باعث تحریک تقاضا در فرد می‌شود و چون تقاضاهای دائم‌التزاید فرد از طرف عرضه تأمین نمی‌شود، تجاوز به حقوق دیگران برای تأمین تقاضا اصل می‌شود و تجاوز به حقوق دیگران نیز یک مصداق مهم کفر است. از منظر نگاه اسلامی تجاوز به حقوق دیگران یا همان حق الناس، مهم‌ترین مصداق کفر است.

بعضی از اوقات وقتی ما واژه‌ها را توضیح نمی‌دهیم واژه‌ها در ذهن‌ها یک حالت فانتزی پیدا می‌کنند؛ یعنی افراد از طرفی می‌خواهند آن واژه را مقدس بدانند - چون گوینده آن مقدس است - و از طرفی هم نمی‌توانند آن واژه را تحلیل کنند. لذا تضادی در درون فرد اتفاق می‌افتد؛ یعنی با توجه به اینکه به گوینده بحث میل دارد به حرف‌ها نیز میل پیدا می‌کند ولی چون در درون خود نمی‌تواند چپستی آن حرف را تحلیل کند یک نوع عدم اقبال ایجاد می‌شود. در اینجا نیز گوینده کلمه کفر، خداوند و پیامبران علیهم‌السلام هستند و پیامبران علیهم‌السلام انسان‌های بسیار دوست‌داشتنی هستند و با توجه به اینکه پیامبران علیهم‌السلام کلمه کفر را به کار برده است ما علاقه‌مند هستیم که کافر نباشیم؛ اما تحلیل

۵. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْجِرْصُ وَ الْإِسْتِجْبَارُ وَ الْحَسَدُ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: پایه‌های کفر سه تا هستند: حرص، کبر و حسد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۱۸ ق، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱

۶. وَ الْكُفْرُ ضِدُّ الْإِيمَانِ، سَمِّيَ لِأَنَّهُ تَغَطِيَةٌ الْحَقِّ

کفر ضد ایمان است، کفر به این دلیل کفر نامیده شده که به معنای پوشاندن حق و مخفی کردن حق است.

ابو الحسن احمد بن فارس بن زکریا؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۹۵ ق، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۹۱



نمی‌کنیم که این کفر چیست. در تحلیلی که بنده ارائه دادم مهم‌ترین مصداق کفر حق‌الناس هست و کاملاً معلوم است که وقتی خدای متعال از کفر ممانعت به عمل می‌آورد، یکی از مهم‌ترین فایده‌های این کار آن است که منافع خود انسان‌ها را اصل قرار داده است؛ در واقع وقتی می‌گوید کافر نباش، در بطن این نهی حفظ منافع مردم را اصل قرار داده است.

حالا وقتی بعداً در روایات درایه کردیم این مطالب را بیشتر توضیح خواهیم داد، فعلاً خواستیم به صورت اجمالی توضیح دهم که چرا امام صادق علیه السلام از تحریک حرص منع می‌کنند. علت این منع، کفر است و اولین اثر کفر بر روی زندگی خود مردم ظاهر می‌شود. وقتی کفر را تحریک کردید، مجبور هستید بگویید انسان گرگ انسان است، همان‌طور که جامعه‌شناس معروف غربی^۷ گفته است.^۸ اگر کفر را نادیده گرفتید، تحریک استعمار اتفاق می‌افتد و این مسأله بسیار خطرناکی است. بنابراین ما اجازه نداریم حرص افراد را تحریک کنیم.

بنده به دوستان جریان توسعه‌گرا می‌گویم که تحریک حرص، مساوی با به چالش کشیدن رفاه مردم است. مسأله آسایش مردم، یک مسأله مهم برای دین اسلام است و وقتی شما حرص را تحریک می‌کنید، کفر رخ می‌دهد و نتیجه کفر نیز حق‌الناس گسترده است؛ مردم در اثر کفر دائماً یکدیگر را به چالش می‌کشند. حالا البته شما می‌توانید در فلان کتاب بنویسید که شاخصه رفاه، درآمد خوب است! می‌توان در کتاب‌ها نوشت که شاخصه رفاه درآمد خوب است ولی باید دانست که در عالم واقع و زندگی مردم، شاخصه اصلی رفاه، روابط انسان‌ها با همدیگر است؛ یعنی اگر روابط انسانی را بهینه کنیم رفاه مردم بیشتر می‌شود.

لذا بنده خواستم توضیح دهم که ما یک توصیه فانتزی نمی‌کنیم که فقط کارکرد آخرتی داشته باشد یا قادر به تحلیل کارکرد آن نباشیم. یکی از کارکردهای جلوگیری از کفر - که یک مسأله حساس می‌باشد - ایجاد رفاه است. حتماً شما در کتب ضاله غربی که در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود مکرر خوانده‌اید که فلان جامعه‌شناس می‌گوید انسان، گرگ انسان است. اصلاً آن‌ها تعارض بین افراد را تئوریزه کرده‌اند. گزاره بعدی این گزاره نیز این است که اگر شما از حق خود با خشونت دفاع نکنید، هستی شما به فنا می‌رود. اما ریشه این تعارض‌ها چیست؟ تحریک حرصی است که جریان توسعه‌گرا ایجاد می‌کند.

حالا آیا جریان توسعه‌گرا حرف‌های خود را به این شکل توضیح می‌دهد؟ خیر؛ اتفاقاً جریان توسعه‌گرا می‌گوید ما برای ایجاد رفاه در جامعه، به سرمایه‌گذاری نیاز داریم و سرمایه‌های خرد، کفایت سرمایه‌گذاری را نمی‌کنند و ما باید تشکیل سرمایه دهیم. دقیقاً آنها به اسم ایجاد رفاه، مسأله تشکیل سرمایه را مطرح می‌کنند، در حالی که بنابر شرحی که بنده دادم اگر تشکیل سرمایه بر مبنای

۱/۴/۴. —————

چالش کشیده شدن رفاه افراد؛ نتیجه تجمع سرمایه به محوریت حرص و تئوریزه شدن تجاوز به حقوق دیگران

۷. توماس هائز (زاده ۵ آوریل ۱۵۸۸ در انگلستان - درگذشته ۴ دسامبر ۱۶۷۹) یکی از فیلسوفان سیاسی برجسته انگلستان بود که بیشتر به سبب کارهایش در فلسفه سیاسی و کتاب لویاتان شهرت دارد.

۸. انسان نسبت به انسان‌های دیگر یا همچون خدا است یا همچون گرگ (کتاب شهروند؛ فصل دوم، بخش اول)؛ جمله معروف توماس هائز که اولین بار در اولین نسخه کتاب شهروند در سال ۱۶۴۲ منتشر شد؛ سپس در کتاب لویاتان باز هم به این جمله (انسان گرگ انسان است) اشاره نمود. البته مبدأ اصلی این جمله با کمی تغییر در نمایش نامه آسناریا نوشته پلوتس آمده است.



تحریک حرص باشد - که هست - منجر به عدم رفاه می‌شود که این موضوع در ظاهر نزد جریان توسعه‌گرا هم مذموم است.

بنده از تحلیل کلمه کفر خارج می‌شوم و بحث را ادامه می‌دهم. بنده قصد داشتیم بگوییم توسعه‌گرایان نظم اجتماعی را چگونه ساماندهی می‌کنند. نقطه شروع آنها، تحریک منافع شخصی و به اصطلاح خودشان اصل آهنین منافع شخصی است؛ اصل آهنین منافع شخصی یعنی حرص. بنابراین نظام مالی و پولی‌ای شکل می‌گیرد^۹ که محور آن تحریک حرص است.

حُب گزاره بنیادین ما در تمام این دوره چه بود؟ گزاره بنیادین و پایه سؤال ما این بود که قصد داشتیم اثبات کنیم نظامات اجتماعی مدرن، ضد هویت اسلامی عمل می‌کنند. [تحریک حرص،] یکی از مصادیق دیگر این موضوع است. بنده در ده جلسه نخست [این دوره] همواره همین کار را انجام داده و نشان خواهم داد که؛ نظامات مدرنی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام به دنبال حاکم کردن آنها بر جامعه ایران هستند، ضد هویت اسلامی می‌باشد. این موضوع، تمام فضای اصلی قسمت اول جلسات ما را در بر می‌گیرد.

ما در بخش اقتصاد به تحریک حرص رسیدیم و کاملاً مشهود است که در روایات ما نسبت به تحریک حرص یک منع جدی صورت گرفته است. تمام دعوت پیامبران علیهم‌السلام برای ارتقای ایمان و مقابله با مسأله کفر است و با شرحی که بنده عرض کردم نظام بانکی ما در حال ایجاد کفر در جامعه است.

با این وجود چرا برخی هنوز به دنبال این هستند که برای حفظ دین‌داری مردم فقط تبلیغ کنند؟! مهم‌ترین کار ما برای حفظ دین‌داری مردم این است که نظامات اجتماعی را بازتعریف کنیم.^{۱۰}

۱/۵/۱. لزوم تغییر نظامات اجتماعی برای حفظ دین‌داری مردم

۲. ایجاد نزاع در جامعه از طریق مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی به محوریت حفظ

منافع سرمایه‌دار؛ دلیل ضدیت مدیریت روابط انسانی اقتصاد غربی با هویت اسلامی

محور دومی که در حوزه اقتصاد ضد هویت شیعی و دینی عمل می‌کند، نحوه مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی، بخش خدمات و تمام بخش‌هاست. در علم اقتصاد یک سؤال پاسخ داده کارفرما؛ یکی از سؤالات جدی پاسخ داده نشده در علم اقتصاد

۲/۱. نحوه مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما؛ یکی از سؤالات جدی پاسخ داده نشده در علم اقتصاد

۹. در اینجا به شبهه‌ای پاسخ دهم؛ برخی می‌گویند در فلان کشور اروپایی سود بانک‌ها صفر درصد شده است [و این به معنای عدم تحریک حرص است]. اولاً این مسأله عمومیت ندارد و کماکان تجمیع سرمایه بانک‌ها، بر پایه تحریک حرص است، یعنی وعده سود می‌دهند، این مسأله مهمی است. ثانیاً در این کشورها تحریک حرص را از بانک‌ها به بازارهای بورس و بازارهای سرمایه‌ای جایگزین منتقل کرده‌اند؛ یعنی درست است که از طریق تجمیع سرمایه در بانک حرص را تحریک نمی‌کنند، اما از طریق بازار بورس و مصرفی کردن جامعه و اصل رقابت، تحریک حرص می‌کنند. بنده در جلسات آینده قصد دارم چندین جلسه راجع به اصل خطرناک رقابت صحبت کنم. توسعه‌گرایان تحریک حرص را از طریق اصل رقابت و طرق دیگری انجام می‌دهند، این نکته مهمی است.

انتقال از متن

۱۰. البته از جلسات دهم به بعد - که بنده نظم مطلوب جامعه اسلامی و نظم پیشنهادی «الگوی پیشرفت اسلامی» را توضیح می‌دهم - مدل تشکیل سرمایه با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی را شرح خواهم داد. ما در «اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به نقد آنها اکتفا نکرده‌ایم، بلکه مباحث جایگزین را هم ارائه داده‌ایم؛ منتهی در ده جلسه ابتدایی، بنای ما این است که ثابت کنیم نظم اجتماعی موجود، ضد هویت شیعی و اسلامی است. تحریک حرص یک مورد از این ضدیت است.

انتقال از متن



نشده وجود دارد که من از شما تقاضا می‌کنم آن را از اساتید خودتان بپرسید و اگر کسی جوابی داد آن جواب را برای من بیاورید تا مطالعه کنم. تاکنون در علم اقتصاد امروز و تفکرات توسعه نتوانسته‌اند یک سؤال را پاسخ دهند و آن سؤال این است که در بنگاه‌های تولیدی چگونه روابط بین کارگر و کارفرما را مدیریت کنیم؟

در مباحثی که در علم اقتصاد به عنوان بحث روز محسوب می‌شود یکی از کارها برای مدیریت این روابط آن است که سندیکاهای کارگری را راه‌اندازی می‌کنند. الآن در کشورهای توسعه‌یافته سندیکاهای کارگری یک هویت سیاسی پیدا کرده‌اند؛ یعنی این سندیکاها در انتخاب رؤسای جمهور و نمایندگان مجلس نقش پررنگی دارند، در واقع مسأله از حد یک تئوری گذشته و به یک نهاد مدنی تبدیل شده است و این نهاد مدنی نیز به قدری طرفدار دارد که کارکرد سیاسی پیدا کرده است. سندیکاها چه کار می‌کنند؟ در تعارض جدی میان حقوق کارگر و کارفرما، بخش تولید را موقتاً فلج می‌کنند، این مهم‌ترین تدبیر سندیکاهای کارگری و جزء ابزارهای جدی آنهاست. فعلاً بنده با اینکه این روش چه مقدار موفق هست یا نه کاری ندارم؛ بحث بنده این است که وقتی در کشورهای توسعه‌یافته سندیکاهای کارگری به عنوان مکانیزم تأمین حقوق کارگران مطرح می‌شوند، پیداست که در این کشورها یک کفر بزرگ اتفاق افتاده و حق بزرگی پایمال شده است، در واقع حقوق کارگران نادیده گرفته می‌شود؛ به عبارت بهتر در مدل سرمایه‌داری و مدل بنگاه‌های تولیدی، یک اصطکاک دائمی میان طبقه کارگر و کارفرما وجود دارد که سندیکاها قصد دارند این اصطکاک را مدیریت کنند. بنابراین پیش‌فرض سیستم سرمایه‌داری این است که میان طرفین، تعارض منافع وجود دارد.

علت این تعارض آن است که در نظام سرمایه‌داری، بازار سرمایه اصل است؛ البته این حرف را در جلسات دیگری توضیح خواهم داد. وقتی اصطکاک میان کارگر و کارفرما اصل است، یعنی در جامعه نزاع دائمی وجود دارد. جریان توسعه‌گرا یک الگوی اقتصادی ارائه کرده است تا مشکلات مردم را حل کند، [اما مشکلات مردم زیاد شده است].

شما می‌بینید که در این روزها آقای رئیس‌جمهور و در سال‌های گذشته کارشناسان و اساتید در جلسه‌های دانشگاه می‌گفتند که اگر ما خصوصی‌سازی را جلو ببریم، مشکلات اقتصادی جامعه حل می‌شود.^{۱۱} اما پیش‌فرض خصوصی‌سازی چیست؟ پیش‌فرض این است که بخش خصوصی، صاحب بنگاه باشد و بخش خصوصی همان خان‌های سابق هستند که فقط نام آن را تعدیل کرده‌اند، درست مانند همان‌جا که نام حرص را تغییر داده و آن را اصل آهین منافع شخصی نامیدند.

قبلاً در روستاها خوانین در تمام منافع مردم روستای خود دخالت می‌کردند؛ به عنوان مثال در حوزه کشاورزی، مردم رعیت خان بودند و ابتدا سود خان از حوزه کشاورزی تأمین می‌شد و مابقی سود به کشاورز می‌رسید. این موضوع در تمام حوزه‌ها جاری بود و خان‌ها بر منافع اقتصادی مسلط

۲/۱/۱. ایچ—
سندیکاهای کارگری؛
شاهدی بر گسترش
تعارض میان منافع کارگر
و کارفرما در الگوهای
اقتصادی مبتنی بر توسعه

۲/۲. محوریت بازار سرمایه
در نظام اقتصادی
سرمایه‌داری؛ دلیل ایجاد
تعارض میان منافع کارگر و
کارفرما

۱۱. رئیس‌جمهور گفت: اقتصاد باید به دست کارآفرینان و بخش خصوصی و با مشارکت همه مردم احیاء شود و وظیفه دولت در این زمینه حمایت و پشتیبانی است و امروز دولت کاملاً آمادگی دارد.

دکتر حسن روحانی در جلسه توسعه و سرمایه‌گذاری استان گلستان به نقل از خبرگزاری تابناک <http://www.tabnak.ir/fa/news/454648>



بودند. حالا همین امر در مدل بخش خصوصی تئوریزه شده است؛ در این مدل تا زمانی که منفعت شخص سرمایه‌دار تأمین نشود، منفعت طبقه کارگر تأمین نخواهد شد.

لذا وقتی [بین منافع کارگر و کارفرما] تعارض ایجاد می‌شود، سیاست تعدیل نیرو را پیاده می‌کنند. اگر جامعه ما فقط بر روی مسأله تعدیل نیرو حساس شود می‌بیند که این موضوع هر روز در کشورهای توسعه‌یافته ده‌ها برابر کشور ایران اعمال می‌شود.^{۱۲} ببینید؛ قرار بود بخش خصوصی منافع مردم را تأمین کند، یعنی اشتغال ایجاد کند تا در اثر ایجاد اشتغال به سمت رفاه برویم - وعده و شعار این بود - ولی این امر را به گونه‌ای تأمین می‌کنیم که منافع سرمایه‌دار با منافع کارگر در تعارض قرار می‌گیرد و وقتی میان منافع تعارض ایجاد شد، روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود و عرض کردیم که طبق پیش‌فرض مباحث ما به چالش کشیده‌شدن روابط انسانی، مساوی با عدم رفاه و عدم آسایش و تعالی است.

۲/۳. ایجاد اصطکاک
دائمی میان اراده‌های
اجتماعی و فشل شدن جامعه
ایمانی؛ دلیل ضدیت نحوه
مدیریت روابط انسانی مبتنی
بر توسعه با هویت اسلامی

بنابراین از ناحیه مدل تولید پیشنهادی نظام سرمایه‌داری، اصطکاک بین منافع کارگر و کارفرما ایجاد می‌شود و این به معنای اصطکاک بین اراده‌های اجتماعی است؛ یعنی همان نزاعی که در قرآن می‌فرماید «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^{۱۳} بنابراین چون توسعه‌گرایان نمی‌توانند روابط کارگر و کارفرما را با مدل دیگری تأمین کنند، یکی دیگر از شاخص‌های هویت اسلامی نفی می‌شود. البته این نزاع نیز نزاع لحظه‌ای نیست؛ گاهی اوقات شخصی عصبانی می‌شود و این عصبانیت لحظه‌ای است؛ [اما گاهی نزاع دائمی وجود دارد]. در روایت داریم که عصبانیت، شعبه‌ای از جنون است.^{۱۴} حالا اگر کسی دائماً عصبانی باشد، یعنی جنون او دائمی است. الگوهای بخش خصوصی،

۱۲. بانک HSBC، بزرگترین بانک اروپا برنامه اخراج ۸۴۰ کارمند فناوری اطلاعات (IT) را در بریتانیا آغاز کرد، اولین مرحله از طرح بازسازی‌ای که قرار است تا پایان سال آینده ۸۰۰۰ شغل را در بریتانیا کاهش دهد.

<http://www.reuters.com/article/us-hsbc-employment-idUSKCN0Y70WI?il=0> خبرگزاری، روتترز

شرکت فورد اعلام کرد که ۷۰۰ نفر از کارگران خود در کارخانه میشگان - که خودروهای کوچک می‌سازند - را اخراج می‌کند.

<https://www.bloomberq.com/news/articles/2015-04-23/ford-to-lay-off-700-workers-at-plant-making-small-cars-hybrids>

جنرال موتورز بیش از ۱۰۰۰ کارگر خود در میشیگان را اخراج خواهد کرد.

<https://www.usatoday.com/story/money/nation-now/2017/03/06/lansing-gm-plant-layoffs/98805370>

جنرال موتورز قصد دارد ۲۰۰۰ نفر از کارگران خود را تا سال ۲۰۱۷ اخراج کند.

<http://www.cnb.com/2016/11/09/general-motors-plans-to-lay-off-2000-employees-at-2-us-plants-in-early-2017.html>

بانک HSBC ۵۰ هزار نفر از کارگران خود را تا پایان سال ۲۰۱۷ اخراج خواهد کرد.

<https://www.wsj.com/articles/hsbc-unveils-overhaul-of-global-operations-1433824955>

بانک دوویچ آلمان ۳۵ هزار نفر از کارگران خود را تا سال ۲۰۱۶ اخراج خواهد کرد.

<http://www.cnb.com/2015/10/29/deutsche-bank-reports-q3-net-loss-of-60b-euros-barclays-h1-pre-tax-profit-398b.html>

شرکت هواپیمایی «ایر فرانس»، ۲۹۰۰ نفر از کارمندان خود را تعدیل نیرو می‌کند.

<https://www.wsj.com/articles/air-france-plans-to-cut-2-900-jobs-says-union-1444039446>

شرکت تاتا استیل انگلستان، ۱۲۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج می‌کند.

<https://www.theguardian.com/business/2015/oct/20/tata-steel-expected-to-announce-1200-job-losses-in-uk>

۱۳. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / سوره مبارکه انفال، آیه ۴۶

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

۱۴. الْجِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَتَدَمَّرُ، فَإِنَّ لَمْ يَتَدَمَّرْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ

امام علی علیه السلام فرمودند: خشم و تندى، نوعی از دیوانگی است؛ زیرا صاحب آن پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشود، دیوانگی اش قطعی است.

جنون سازمانی هستند. شما هرروز صبح که می‌خواهید به محل کار بروید، اولین بحثتان این است که چگونه اصطکاک خود را با همکاران و کارفرماها مدیریت کنید.

این مباحث می‌توانند موضوع پایان‌نامه قرار بگیرند. تمام بنگاه‌های تولیدی همین‌گونه هستند و لذا انسان‌ها به زد و بند و بردگی یکدیگر کشیده می‌شوند و انسان‌های ضعیف‌النفس وقتی وارد این سیستم می‌شوند عوارض ناخوشایندی را ایجاد می‌کنند. لذا اصطلاحاً می‌گویند فلانی آدم فلانی است. این موضوع در نظام سرمایه‌داری فراوان است.^{۱۵}

بنابراین مدل بنگاه‌های تولیدی توسعه‌گرایان هم به نزاع ختم شد، آن‌هم نزاع سازمانی در حدی که مجبور می‌شوند برای کنترل آن سندیکا درست کنند.^{۱۶} بنده نمی‌دانم چرا یک جامعه دائم‌النزاع را به عنوان یک جامعه پیشرفته به ما معرفی می‌کنند؟!

واقعاً برای بنده سؤال است که این جریان محترم، تفکر هم می‌کند یا نه؟؟ آیا اگر مدلی را پیشنهاد دهیم که در بخش تشکیل سرمایه حرص را تحریک کند و در بخش تنظیم روابط انسانی اصطکاک را اصل قرار دهد، الگوی مطلوبی را پیشنهاد داده‌ایم؟! اگر روی این قضایا فقط فکر شود در آینده می‌توانیم جمع‌بندی‌های خوبی داشته باشیم.^{۱۷}

۳. اشغال تمام ظرفیت فکری افراد توسط مسأله اقتصاد به دلیل نیازهای کاذب برای افراد

توسط اصل رقابت؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت اسلامی

۳/۱. اصل رقابت؛ یکی حالا به محور سوم اشاره‌ای کنم و بعداً آن را به صورت تفصیلی مورد بحث قرار می‌دهم. یک اصل دیگر در نظام سرمایه‌داری از اصول نظام سرمایه‌داری

۱۵. حال مهم هم نیست که رابینز (stephen robbins) ده کتاب در زمینه مدیریت نوشته باشد و در دانشگاه‌های ما هم تدریس شود. هر بحثی می‌خواهید بگویند، بگویید؛ چون برای ما درس‌هایی که شما در کلاس درس می‌دهید مهم نیست، بلکه برای ما این مهم است که آیا در مدل پیشنهادی شما اصول هویت اسلامی نقض می‌شود یا خیر؟

انتقال از متن

۱۶. نمونه بارز این قضیه نیز در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مشاهده می‌شود. بنده به آقای سریع‌القلم پیشنهاد می‌کنم که ایشان مقاله‌ای در زمینه اصول اخلاقی در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا بنویسند. در این کشورها نزاع در حوزه سیاسی، اقتصادی و ... پیش فرض است.

انتقال از متن

۱۷. حالا اجازه دهید بنده از جلسه دهم به بعد الگوی تولید خانوادگی و مدل تشکیل سرمایه مبتنی بر وقف را به صورت مفصل توضیح دهم تا متوجه شوید که حتی ارزش افزوده این امور از ارزش افزوده روش توسعه‌گرایان بیشتر است. البته ما مکرر در جلسات گفته‌ایم که از منظر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، محاسبه سود اجتماعی اصل است؛ زیرا اگر سود اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها اصل شود یکی از نتایج آن نیز افزایش سود اقتصادی است. ان‌شاءالله معادلات جدیدی را بحث خواهیم کرد. بنابراین این هم محور دوم بود. بنده در حال بحث از محورهای سه‌گانه نظام سرمایه‌داری هستم و هر سه محور به نوعی به نقض هویت شیعی و اصول اخلاقی‌ای که پیامبران علیهم‌السلام برای آنها مبعوث شده‌اند ختم می‌شوند.

البته دوستان در سازمان مدیریت نماز هم می‌خوانند و بنده مکرر در نماز جماعت‌شان شرکت کرده‌ام؛ اما معنای نماز را نمی‌فهمند و به این سمت می‌روند که نزاع را در جامعه به صورت بنیادین اصل قرار دهند. در جامعه روزانه چه ظلم بزرگی به طبقه کارگر وارد می‌شود؟! حقوق‌شان که کمترین حقوق است، بدترین رفتارها با آنها می‌شود و حتی در بسیاری از موارد با آنها قرارداد امضاء نمی‌کنند. نظام سرمایه‌داری این همه ظلم را به بدنه مردم ما وارد می‌کند و در نهایت خودش را هم به عنوان تدبیر و راهکار حل مشکلات مردم معرفی می‌کند. این مسأله است که انسان را بسیار ناراحت می‌کند! حالا همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند دوران، دوران جهاد کبیر است و باید تبیین کنیم؛ باید دائم جلسه بگذاریم، گفت‌وگو کنیم و توضیح دهیم که انتهای الگوهای توسعه غربی چیست. خُب دو محور را توضیح دادم.

انتقال از متن

۱۸. رقابت در اقتصاد به معنی سبقت و هم‌چشمی آمده و حالتی را گویند که در بازار، شمار نامحدودی بازرگانان نتوانند کالا به اندازه‌ای عرضه یا تقاضا کنند که در قیمت بازار مؤثر افتد. این حالت، عموماً به حالت رقابت محض یا خالص یاد می‌شود و دارای مشخصات زیر است: «شمار فروشندگان بسیار



دادم اصل رقابت را در سه یا چهار جلسه بحث خواهیم کرد ولی اجمالاً در این جلسه آن را توضیح می‌دهم.

۳/۱/۱. تولید کالای ارزان‌تر و با کیفیت بهتر؛ دو دلیل برای استفاده از اصل رقابت

اصل رقابت اصلاً چرا به وجود آمده است؟ در معرفی اصل رقابت گفته می‌شود که اگر در جامعه‌ای اصل رقابت وجود داشته باشد، کالاها با قیمت کمتر و با کیفیت بالاتر در اختیار مردم قرار می‌گیرند. این دو وجه را به عنوان فایده اصلی اصل رقابت معرفی می‌کنند. بنده سال‌های پیش به جلسه‌ای در مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته بودم و چندساعت با یکی از وزرای محترم جلسه داشتم و درباره‌ی این مسائل با هم بحث می‌کردیم. ایشان می‌خواستند به بیان ساده اصل رقابت را برای من توضیح دهند. برای توضیح این امر گوشی تلفن خود را به بنده نشان داده و گفتند: خط این تلفن همراه چندسال پیش حدود یک میلیون تومان ارزش داشت؛ اما ما در کنار اپراتور اول،^{۱۹} چند اپراتور را طراحی کردیم و اتفاقی که رخ داد این بود که قیمت سیم‌کارت به پنج تا ده هزار تومان رسید. ایشان می‌گفتند رقابت یعنی این. اگر رقابت نباشد، قیمت‌ها ارتقاء پیدا می‌کنند و کاهش قیمت‌ها فایده رقابت است. ایشان این فایده را به بیان تمثیلی توضیح می‌دادند.

۳/۲. ارائه طرح‌ها و خدمات جدید برای باقی ماندن در صحنه رقابت؛ نتیجه تئوریزه کردن اصل رقابت

بنده هم به بیان تمثیلی و به سادگی خودشان برای ایشان توضیح دادم و گفتم شما دو اپراتور را کنار اپراتور اول طراحی کردید و در گام اول قیمت‌ها افت کرد. اما در نتیجه این کار شما، رقابتی میان این اپراتورها شکل گرفته است و آنها برای اینکه سود خود را از دست ندهند دائماً در حال طراحی خدمات جدید هستند؛ یعنی نتیجه اصل رقابت، طرح‌ها و خدمات جدیدی است که رقبا دائماً در حال اجرای آنها هستند تا سود بیشتری به دست بیاورند.

۳/۳. ایجاد نیاز کاذب برای مردم توسط نگاه‌های تولیدی به منظور جذب مشتریان و سود بیشتر؛ نتیجه ارائه طرح‌ها و خدمات جدید

این رقابت‌ها در همین جامعه خودمان آنقدر شدید می‌شود که اپراتورها در عوض اینکه نیاز مردم را رفع کنند مجبور می‌شوند با تبلیغات فراوان نیازسازی کاذب کنند تا با ایجاد این نیاز کاذب، خدمات‌شان مقبول مردم بیافتد و سود ببرند. بنده به آن آقای وزیر محترم توضیح دادم که چقدر ساده فکر می‌کنند.

حالا شما این مثال بنده از اصل رقابت را در تمام حوزه‌های دیگر جاری کنید؛ یعنی اگر نیازهای انسان‌ها صد حوزه داشته باشد -از نیازهای مربوط به ارتباطات تا نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و غیره- و اصل رقابت در همه این حوزه‌ها جاری شود، در تمام این حوزه‌ها نیازسازی کاذب اتفاق

است؛ کالا و خدمات مشابه یکدیگر فروخته می‌شود و فروشندگان اضافی، برای ورود به بازار، آزاد هستند.»^[۱] البته بعضی آن‌را این طور معنی کرده‌اند «گروهی برای دستیابی به امکانات اقتصادی با یکدیگر مبارزه کنند و هرکدام در پیشی گرفتن بر دیگران بکوشد». روشن است که زیربنای رقابت به این معنا، اصالت دادن به تعقیب منافع شخصی به وسیله هر فرد است؛ که شعار اصلی اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بود؛ بنابراین مبنای رقابت در نظام سرمایه‌داری چشم و هم‌چشمی برای دستیابی بیش‌تر برای رسیدن به مواهب اقتصادی در مقایسه با دیگران است؛^[۲] رشد اقتصادی در جهت دستیابی به برتری‌های مدنی در چالش‌های زندگی بشر قرار گرفته است. رقابت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در سرنوشت سازمان‌ها و مؤسسات تجاری است.^[۳]

[۱]. فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۳۷۱

[۲]. معصومی‌نیا، علی؛ بازار مطلوب رقابت کامل، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳، ش ۱۵، ص ۵۹

[۳]. صدر، مراد علی؛ تاثیر رقابت در افزایش کارایی نظام بانکی کشور، مجله بانک و اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۷، ص ۱۴

۱۹. اشاره به اپراتور همراه اول به عنوان اولین اپراتور ارائه‌دهنده خدمات در عرصه خط تلفن همراه



می‌افتد، این موضوع لازمه اصل رقابت است؛ چون اگر شرکت‌های مختلف پتنت‌ها،^{۲۰} برنامه‌ها و خدمات جدید ارائه نکنند، سطح درآمدشان ثابت می‌ماند. بنابراین مجبور می‌شوند دائماً خدمت جدید ارائه کنند. به‌عنوان مثال در مواد خوراکی دائماً به سمت بازتولید مزه‌های جدید می‌روند و شما دائماً در تلویزیون تبلیغاتی را تحت عنوان مزه‌ی باورنکردنی، مزه جوانی و مزه‌ی پیرمردی می‌بینید. آنها تبلیغات فراوان می‌کنند^{۲۱} و با این تبلیغات به شما لقاء می‌کنند که من ویژه هستم و شما نباید به سراغ رقیب من بروید. بنابراین اصل رقابت در گام بعد سیستم تولید جامعه را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که در عوض تأمین نیاز، نیازسازی کاذب می‌کند.

اگر نیازسازی کاذب رخ دهد، چه نتایجی به همراه دارد؟ وقتی سطح زندگی در اثر این نیازسازی کاذب تغییر کرد، انسان‌ها مجبور می‌شوند برای تأمین هزینه‌های زندگی بیشتر کار کنند، چون نیازمند درآمد بیشتری هستند و بنابراین باید فعالیت بیشتری انجام دهند، در غیر این صورت نیاز آنها تأمین نمی‌شود.

۳/۴. لزوم اشتغال بیشتر افراد برای تأمین هزینه‌های نیازهای کاذب؛ نتیجه نیازسازی کاذب

در نتیجه این مباحث چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ انسان، اکونومیک (Economic) می‌شود؛ انسانی که سطح زندگی او به دلیل نیازهای کاذب ارتقاء پیدا کرده است به سطح درآمد بالاتر احتیاج دارد. این سطح درآمد بالاتر را باید از چه طریق تأمین کند؟ از طریق کار بیشتر. در نتیجه باید وقت بیشتری را اختصاص دهد و فکر بیشتری کند؛ چون اشتغال و کار کردن، فکر می‌خواهد. تا به حالا فرد یک شغل داشته و وقت و فکر او به اندازه همان یک شغل مشغول می‌شد؛ اما حالا باید دو شیفت کار کند و در نتیجه به همان میزان وقت و توان فکری او مصروف اقتصاد می‌شود. بنابراین انسانی که در این نظام سرمایه‌داری حضور پیدا می‌کند به انسان اکونومیک تبدیل می‌شود؛ انسانی که فقط اقتصاد برای او اصل است. اجازه می‌دهید بنده تعبیر قرآن را به کار ببرم؟ «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^{۲۲}. این تعبیر راجع به برخی از انسان‌ها به کار می‌رود؛ «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ». انعام و چهارپایان چه ویژگی‌ای دارند؟ این موجودات خدا دائماً در حال مصرف هستند و وقتی زندگی آنها را تحلیل می‌کنید می‌بینید که سیکل زندگی‌شان فقط بر روی خوردن و دفع کردن استوار است. در اثر اصل رقابت این اتفاقات رخ می‌دهد. البته ابتدا آقای وزیر چیز دیگری به بنده می‌گفتند؛ ایشان می‌گفتند: اصل رقابت باعث می‌شود کالاها ارزان‌تر در اختیار مردم قرار بگیرند؛ ولی حال که این بحث‌ها را

۳/۵. معطوف شدن ظرفیت فکری افراد به مسأله اقتصاد و غفلت آنها از حقایق عالم در صورت اشتغال بیشتر؛ نتیجه اشتغال بیشتر افراد برای به‌دست آوردن پول بیشتر

۲۰. سند ثبت اختراع؛ پتنت یک حق اختصاصی است که به یک اختراع - که عبارت است از یک محصول یا فرآیندی که راه جدیدی را برای انجام کاری فراهم می‌کند و یا یک راه حل فنی جدیدی را برای مشکلی ارائه می‌دهد - داده می‌شود. یک پتنت، محافظتی برای اختراع مالک پتنت فراهم می‌کند.

۲۱. البته وقتی انواع این مزه‌ها را مصرف می‌کنید تفاوتی چندانی را هم مشاهده نخواهید کرد.

انتقال از متن

۲۲. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ / سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۷۹

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها [عقلها]یی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)!



انجام می‌دهیم می‌بینیم که اصل رقابت باعث فربه‌شدن دائمی نیازهای مادی می‌شود در حالی که اگر اصل رقابت نبود، نیازها به این میزان فربه نمی‌شد.

بنده در جلسات گذشته گفتیم که توسعه غربی نظامی را ضد هویت اسلامی پیشنهاد می‌کند. ابتدا سطح کلان این نظم را شکافته و توضیح دادم که ضد هویت اسلامی عمل می‌کند و الآن هم دارم این ضدیت را به صورت بخشی می‌شکافم. امروز نوبت بخش اقتصاد است؛ توسعه غربی از طریق مدل تشکیل سرمایه به سمت تحریک حرص و تقویت کفر حرکت کرد. از طریق نحوه تنظیم روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی به سمت گسترش نزاع و اصطکاک در جامعه حرکت نموده و هویت اسلامی را نقض کرد. از طریق اصل رقابت نیز به بهانه کاهش قیمت و افزایش کیفیت به سمت نیازسازی و اکونومیک‌کردن انسان‌ها حرکت کرد.

با این توضیحات، بنده سؤال دائمی خود را از تمام نیروهای انقلاب در سراسر کشور می‌پرسم؛ آیا وقتی نظم مبتنی بر توسعه غربی دائماً شاخص‌های هویت اسلامی را نقض می‌کند، ما می‌توانیم به تبلیغ دین اکتفا کنیم و انتظار داشته باشیم که جامعه دین‌دارتر شود؟^{۲۳} گاهی اوقات بنده به حال برخی روحانیون و مؤمنین افسوس می‌خورم؛ همه آنها در حال تلاش هستند، روایات معصومین علیهم‌السلام را می‌خوانند، جلسات امام حسین علیه‌السلام را اقامه می‌کنند و راجع به نورانیت و رفاه واقعی انسان‌ها صحبت می‌کنند؛ اما به محض اینکه مردم از این جلسات خارج شده و وارد نظم مدرن می‌شوند، آثار نورانی این جلسات به چالش کشیده می‌شود. پس باید زمانی را اختصاص داده و نشان دهیم که کینز (John Maynard Keynes) و آدام اسمیت (Adam Smith) و غیره چه گفته‌اند؟^{۲۴}

۲۳. در ادامه نشست‌ها نشان خواهیم داد که چگونه رقابت منجر به تمرکز خواهد شد و تمرکز، مسأله حمل و نقل و ارتباطات را ایجاد خواهد نمود و در لایه‌های بعد؛ ترافیک، دولت الکترونیک و (Smart City)ها ایجاد خواهد شد. ان‌شاءالله پس از پایان تشریح بخش اقتصاد به صورت کامل خواهیم فهمید که چگونه نظم حول اقتصاد -که جریان توسعه‌گرا آن را برای معیشت مردم پیشنهاد می‌کند- منجر به از بین رفتن هویت شیعی خواهد شد. پس از پایان تشریح این بخش، نظم حوزه آموزش، نظم حوزه قانون‌گذاری و قضایی را نیز به بحث خواهیم گذاشت تا مفهوم ظلمات فوق ظلمات کاملاً آشکار گردد؛ شایسته است که انسان به تفکرات توسعه‌گرا بگوید ظلمات فوق ظلمات. تفکرات توسعه‌گرا ظلمات چند لایه است. گاهی انسان‌ها به واسطه یک گزاره غلط ذهنی گمراه هستند و می‌توان در مورد کسی که در یک مورد به صورت غلط فکر می‌کند بگوییم دچار ضلالت شده است؛ اما گاهی همه گزاره‌ها در همه ابعاد، ظلمانی می‌شوند و در نتیجه، قرآن در این مواقع برای برخی از کفار از عبارت ظلمات فوق ظلمات استفاده می‌کند؛ یعنی عبور از هر لایه ظلمت مساوی است با ورود به لایه ظلمانی دیگر. ان‌شاءالله خدای متعال شرح صدر بدهد. بنده علاقه داشتم که تعداد این جلسات به صد جلسه برسد تا با آرامش وطمأنینه به شرح مباحث بپردازیم و نشان دهیم که جریان توسعه‌گرا چه پیشنهادی می‌دهد.

انتقال از متن

۲۴. بنده به دوستان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام پیشنهاد دادم که چهل جلسه به نقد نظریات منکیو (Gregory N. Mankiw) بپردازیم؛ چون در ایران، نوکینزی‌ها نسبت به مکاتب دیگر توسعه رشد بیشتری پیدا کرده‌اند و ویژگی بارز نوکینزی‌ها نسبت به باقی مکاتب سیاست‌های پولی و مالی آنهاست و همان‌طور که اشاره کردم سیاست‌های پولی و مالی موجب تحریک حرص خواهند شد. به لطف خداوند متعال این مباحث ادامه خواهد یافت و تا زمانی که تقدیر است در این دنیا باشیم به نقد توسعه پرداخته و ده‌ها برابر این نقدها، مکانیزم‌های اجرایی برای بخش‌های مختلف را از دل روایات پیشنهاد می‌کنیم. البته این مباحث ما جزء بحث‌های ابتدایی است و دریایی غنی از روایات وجود دارد که می‌توان در مورد آنها بحث کرد. می‌دانید چهار دهه پس از انقلاب اسلامی مشکل جامعه ما چیست؟ مؤمنین در بهترین وضعیت فقط حاضر هستند جلسات تفقه را در ده شب محرم برگزار کنند. در ماه رمضان هم که جلسات، سی‌روز ادامه پیدا می‌کند همه خسته می‌شوند. در روایات آمده است که امام صادق علیه‌السلام فرمودند اگر خیلی گرفتار بودید و وقت نداشتید روز جمعه را به عنوان روز تفقه قرار دهید. اولین تغییر در زندگی مؤمنین این است که به هیچ بهانه‌ای اجازه ندهند زمان تفقه آنها از بین برود، حتی اگر سردار بودند و به‌عنوان مثال در جبهه سوریه و یمن در حال مدیریت جنگ بودند باید نیروها را جمع کنند و تفقه کنند، زمان تفقه با هیچ چیز قابل جابه‌جاشدن نیست. وقتی این کار را نمی‌کنیم، درک ما از دین حداقلی می‌شود و در گام بعد هر نوع تئوری‌ای را به عنوان تئوری دینی می‌پذیریم. بنده مدت‌ها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی رفت و آمد داشته و

پرسش و پاسخ

۱. از بین بردن رفاه (هدف اقتصاد غربی) در صورت حریص کردن مردم؛ دلیل ناکارآمدی شدن اقتصاد غربی در صورت تشکیل

سرمایه به محوریت حرص

یکی از حضار(۱): اینکه اقتصاد غربی اقتصاد خود را بر پایه حرص تشکیل می‌دهد، چه ارتباطی به ناکارآمدی در حوزه اقتصاد دارد؟ بنده فعلا کاری به قبر و قیامت ندارم.

استاد کشوری: در جلسه دیگری به این مورد اشاره کردیم. ببینید؛ اگر از همه جریان‌های توسعه‌گرا سؤال شود که هدف از توسعه چیست، پاسخ خواهند داد؛ رفاه. این یک گزاره همگانی است و همه هم از اینکه اینها چنین ادعایی را مطرح می‌کنند باخبر هستند.

حالا ما در مباحث نشان دادیم که وقتی تحریک حرص اتفاق می‌افتد، تحریک طرف تقاضا نیز فربه می‌شود؛ در واقع حرص درون انسان، باعث افزایش میل به دنیا می‌شود و به اصطلاح علم اقتصاد تحریک تقاضا فربه می‌شود. اگر تحریک تقاضا فربه شد در اینصورت طرف عرضه نخواهد توانست تقاضاهای فربه‌شده و دائمی را تأمین کند. لذا تقاضاهای تحریک شده، برای تأمین خود به سمت سلب منابع دیگران خواهد رفت. لذا اصطکاک اصل قرار می‌گیرد و هنگامی که در یک جامعه اصطکاک اصل قرار گرفت، نزاع برای حفظ منافع به یک اصل تبدیل خواهد شد. در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ انسان‌ها رفاه و آسایش خود را از دست خواهند داد. رفاه و آسایش بیش از اینکه محصول درآمد انسان باشد، محصول روابط انسانی است. خود همین دوستانی که در جلسه حضور دارند، هنوز هم مزه محبت‌های پدر و مادر را درون شخصیت خود احساس می‌کنند؛ یعنی کسی که پدر و مادر خوبی داشته، کاملاً آرامش ناشی از این پدر و مادر خوب را در طول عمر خویش احساس می‌کند.

با کارشناسان این نهاد صحبت کرده‌ام. در بانک مرکزی جمهوری اسلامی - که باید چند جلسه راجع به فعالیت‌های ضد هویت شیعی آن بحث کنیم - از اسلام فقط یک بسم الله الرحمن الرحیم و چند تابلو از آیات آیه الکرسی و عکس امامین انقلاب وجود دارد و تمامی فعالیت‌های دیگر این نهاد، ترجمه شده از غرب است.

این موضوعات چهار دهه پس از انقلاب اسلامی در حال رخ دادن است. چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، تئوری‌های غربی در حال جولان دادن در این مملکت هستند و موجب ناکارآمدی و نارضایتی می‌شوند و این ناکارآمدی را به نام انقلاب و اسلام نوشته و می‌گویند نظام جمهوری اسلامی ناکارآمد است. باید راجع به این بحث‌ها گفت و گو کنیم.

بنده به همه دوستان سراسر کشور اعلام آمادگی می‌کنم. اگر وضعیت نشست‌ها در کشور طوری باشد که در تمام طول سال هر روز نیازمند برگزاری سه جلسه باشیم، مجموعه ما اعلام آمادگی می‌کند. فقط نیازمند یک تقویم منظم هستیم تا جلسات تداخل پیدا نکنند. بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید در همه دانشگاه‌ها، مساجد و وزارتخانه‌ها جدی گرفته شود. اگر این کار را نکنیم جریان توسعه‌گرا نظم اجتماعی ما را تدوین کرده و سپس می‌گوید جامعه ایران در حال پیشرفته شدن است. انسان به یاد پهلوی دوم می‌افتد که جشن شیراز را برگزار کرد و در آن سخنرانی گفت کوروش! آسوده بخواب که ما بیداریم و راه پیشرفت را ادامه می‌دهیم! امروز در سال ۱۳۹۵ سخنرانی برخی از اعضای جریان توسعه‌گرا - که مسئولیت نیز دارند - شبیه همان سخنرانی است؛ قرار است ما وارد دروازه تمدن بشویم و با کدخدا تعامل کنیم. علت بیان این حرف‌های غربی بعد از گذشت چهاردهه از طرح فکر انقلاب همین یک کلمه است که بنده می‌گویم: مؤمنین برای تفقه متناسب با اداره جامعه شرح صدر ندارند!

دوستان به بنده مکرر گفته‌اند شما می‌خواهید چهل جلسه! راجع به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صحبت کنید!! دوستان حوصله شنیدن مباحث را ندارند. آف بر شما با این حرفتان، چقدر این حرف بد است! برادران عزیز الآن دوره انقلاب اسلامی است و تمام مستضعفین و شیعیان عالم چشم به این پرچم برافراشته‌ای دوخته‌اند که به برکت خون شهدا و نسل قبل ما در ایران بلند شده است. آن وقت شما می‌گویید حوصله کار فکری برای پیشبرد این انقلاب را نداریم؟! والله تضعیف کار فکری برای انقلاب اسلامی، جزء گناهان کبیره است. ان شاء الله خدای متعال کمک کند تا بتوانیم در راستای زمینه‌سازی ظهور قدم برداریم.



اگر قرار است رفاه تأمین شود باید روابط انسانی تأمین شود؛ همیشه ما در بحث‌های الگوی پیشرفت عرض کرده‌ایم که همت بنده بر این است که آثار اجتماعی احکام شریعت را شرح دهیم؛ البته این احکام آثار آخرتی نیز دارد که باید در محل خود بحث شود. بحثی که الآن عرض کردم یکی از مصادیق آثار اجتماعی بود. ده‌ها مصداق دیگر وجود دارد که ان‌شاءالله عرض خواهیم کرد.

یکی از حضار (۱): بر روی خود اقتصاد چه تأثیری دارد؟
استاد کشوری: هدف مسأله اقتصاد تأمین رفاه است.

۲. اصل ۴۴ قانون اساسی؛ عاملی برای خروج کشور از اقتصاد غربی

یکی از حضار (۲): آیا حوزه‌ها چیزی را به عنوان جایگزین بانک ارائه نداده‌اند؟

استاد کشوری: ببینید راجع به بحث حوزه باید بگویم چندین مجموعه وجود دارد که کارهای خوبی انجام داده‌اند؛ بنده به این دوستان و تشکلهای همیشه پیشنهاد داده‌ام که اگر فقط و فقط فضا را برای بحث مهیا کنند، به نظر بنده برای حوزه اقتصاد طرح‌های خوبی وجود دارد که همین الآن می‌توان آنها را مطرح کرد. خود ما نیز در نقشه راه بحث تجمیع سرمایه حول مسأله وقف را مطرح کرده‌ایم که ان‌شاءالله این را در جلسات شرح و توضیح خواهیم داد.

یکی از حضار (۳): ببخشید چند موضوع وجود دارد که فکر نمی‌کنم در این جلسه فرصت پاسخ دادن به آنها وجود داشته باشد اما بنده عرض می‌کنم اگر صلاح دیدید در جلسات بعد در مورد آنها صحبت کنید. وقتی رهبر انقلاب روی اصل ۴۴ قانون اساسی تمرکز نمودند به این دلیل بود که اقتصاد را از دست دولت خارج کرده و به نهادهای خصوصی مردم‌محور بسپارند. آیا این مسأله با بحث خصوصی‌سازی متفاوت است؟ اگر تفاوت ندارد آیا با یکدیگر قابل جمع است یا خیر؟ بالأخره اصل ۴۴، قانون اساسی است و رهبر انقلاب نسبت به آن حساسیت ویژه دارند. این یک نکته و نکته بعد اینکه در اصول ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی گفته شده است که برای رشد اقتصاد باید رقابت سالم اتفاق بیفتد. بحث رقابت سالم با آن بحث رقابتی که شما فرمودید چگونه قابل تفکیک یا جمع‌پذیر خواهد بود؟

استاد کشوری: خب سؤال اول فنی‌تر از سؤال دوم است؛ همان‌طور که شما می‌فرمایید سه بحث وجود دارد؛ یکی اقتصاد دولتی است که ما از آن دفاع نمی‌کنیم، دیگری اقتصاد خصوصی است که آن را مضرتر از اقتصاد دولتی می‌بینیم و یکی هم مردمی‌شدن اقتصاد. انقلاب به دنبال مردمی‌شدن اقتصاد است.

حالا مردمی‌شدن اقتصاد چگونه محقق می‌شود؟ به نظر ما مثلاً یک بخش آن الگوهای تولید خانوادگی است. به هر حال در کشور ما نه اقتصاد خصوصی وجود دارد و نه دولتی و نه مردمی. آقایان می‌گویند خصولتی است و چون در اقتصاد جمهوری اسلامی کار فکری نمی‌کنیم یک ملغمه ایجاد شده است. تازه به نظر بنده خصولتی هم نیست؛ البته نمی‌دانم گفتن این چیزها درست است یا نه، ولی باید بگویم که مثلاً یک نماینده مجلس یک دفعه سر میز غذا طرحی به ذهنش رسیده و بعد هم به قانون تبدیل شده است. یعنی نه خصوصی است نه دولتی است بلکه اقتصاد بعد از نهار است! (خنده حضار) یعنی واقعاً کار کارشناسی برای آن صورت نگرفته است.

این یک وضعیت برای جمهوری اسلامی است. حال چگونه باید از این وضعیت خارج شویم؟ به نظر بنده در سیاست‌های اصل ۴۴ یک نوع خروج وجود دارد؛ این فهم بنده از سیاست‌های اصل ۴۴ این است. البته باید آن را توضیح دهیم. در ادامه راجع به اقتصاد مقاومتی بحث خواهیم کرد و توضیح خواهیم داد که باید چگونه باشد. اما به هر حال قدر مسلم این است که ما نمی‌توانیم به بهانه تنظیم مسائل اقتصادی رفاه مردم را به چالش بکشیم. البته رفاهی که مد نظر اسلام است، یعنی رفاه از منظر بهبود روابط انسانی.

حالا اینها را چگونه می‌توان بحث کرد؟ تنها راه موجود در کشور، متراکم کردن گفت‌وگوها است. با یک جلسه و دو جلسه نمی‌توان این کار را انجام داد، باید نهضت ملی گفت‌وگو راجع به الگوی پیشرفت اسلامی راه بیافتد. همه این موارد به همراه صد سؤال دیگر، سؤالاتی است [که باید شرح داد شوند]. بنده مدتی است روی بند ۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی^{۲۵} تمرکز کرده‌ام و در نامه‌ای به یکی از نمایندگان مجلس راه حلی را هم پیشنهاد داده‌ام. اگر این گفت‌وگوها فربه شود بعداً ما می‌توانیم از این وضعیت بد خارج شویم. بنده خود سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را عامل خروج از اقتصادی که جریان توسعه‌گرا و تکنوکرات حاکم کرده می‌بینم، در غیر این صورت آقا در یکی از جلسات درس خارج فرموده‌اند باید فکری به حال اقتصاد کرامتی بکنیم. ایشان روایتی را می‌خوانند و توضیح می‌دهند. لذا همه اینها نیازمند بحث است که این‌شالله به آنها خواهیم پرداخت.

اللهم صل علی محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۲۵. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

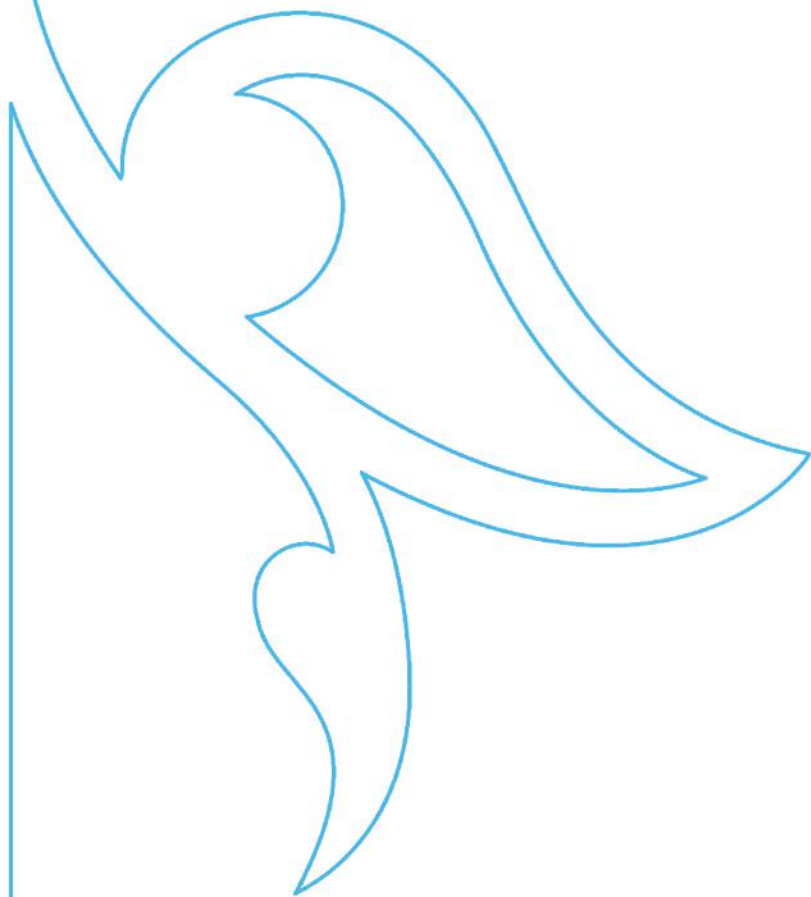


فهرست تفصیلی

۱. تحریک حرص افراد و سوق آنها به سمت کفر و حق‌الناس؛ دلیل ضدیت نظم اقتصادی توسعه در بخش تجمیع سرمایه با هویت اسلامی	۷۹
۱/۱. بررسی آثار نظم اجتماعی بر دین‌داری مردم؛ پایه سؤال این دوره بحثی	۷۹
۱/۲. ضدیت نظم اجتماعی مبتنی بر توسعه در بُعد کلان و بخشی با هویت اسلامی و لزوم تغییر این نظم	۸۰
۱/۳. نظم اقتصادی؛ یکی از نظم‌های بخشی توسعه و ضدیت این نظم با هویت شیعی	۸۰
۱/۴. مدل تشکیل سرمایه؛ یکی از محورهای ضدِ هویت شیعی بخش اقتصاد	۸۰
۱/۴/۱. تجمیع سرمایه بر اساس تحریک حرص افراد؛ روش توسعه‌گرایان برای تجمیع سرمایه‌های خرد مردم	۸۰
۱/۴/۲. سوق افراد به سمت کفر؛ نتیجه فربه‌کردن حرص افراد	۸۰
۱/۴/۳. روی آوردن افراد حریص به استثمار حقوق دیگران به دلیل محدودبودن منابع تحت اختیار فرد حریص؛ دلیل سوق افراد به سمت کفر در اثر تحریک حرص	۸۱
۱/۴/۳/۱. حفظ منافع افراد و جلوگیری از پیمانال‌شدن حقوق مردم؛ دلیل ممانعت اسلام از تحریک حرص	۸۱
۱/۴/۴. به چالش کشیده‌شدن رفاه افراد؛ نتیجه تجمیع سرمایه به محوریت حرص و تئوریزه‌شدن تجاوز به حقوق دیگران	۸۲
۱/۵. سوق افراد به سمت کفر و دورشدن از ایمان؛ دلیل مخالفت الگوی پیشرفت اسلامی با نظم اقتصادی توسعه غربی	۸۳
۱/۵/۱. لزوم تغییر نظامات اجتماعی بر ای حفظ دین‌داری مردم	۸۳
۲. ایجاد نزاع در جامعه از طریق مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی به محوریت حفظ منافع سرمایه‌دار؛ دلیل ضدیت مدیریت روابط انسانی اقتصاد غربی با هویت اسلامی	۸۳
۲/۱. نحوه مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما؛ یکی از سؤالات جدی پاسخ‌داده‌نشده در علم اقتصاد	۸۳
۲/۱/۱. ایجاد سندیکاها کارگری؛ شهادی بر گسترش تعارض میان منافع کارگر و کارفرما در الگوهای اقتصادی مبتنی بر توسعه	۸۴
۲/۲. محوریت بازار سرمایه در نظام اقتصادی سرمایه‌داری؛ دلیل ایجاد تعارض میان منافع کارگر و کارفرما	۸۴
۲/۳. ایجاد اصطکاک دائمی میان اراده‌های اجتماعی و فشل‌شدن جامعه ایمانی؛ دلیل ضدیت نحوه مدیریت روابط انسانی مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی	۸۵
۳. اشغال تمام ظرفیت فکری افراد توسط مسأله اقتصاد به دلیل ایجاد نیازهای کاذب برای افراد توسط اصل رقابت؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت اسلامی	۸۶
۳/۱. اصل رقابت؛ یکی از اصول نظام سرمایه‌داری	۸۶
۳/۱/۱. تولید کالای ارزان‌تر و با کیفیت بهتر؛ دو دلیل برای استفاده از اصل رقابت	۸۷

- ۳/۲. ارائه طرح‌ها و خدمات جدید برای باقی‌ماندن در صحنه رقابت؛ نتیجه تئوریزه کردن اصل رقابت ۸۷
- ۳/۳. ایجاد نیاز کاذب برای مردم توسط بنگاه‌های تولیدی به منظور جذب مشتریان و سود بیشتر؛ نتیجه ارائه طرح‌ها و خدمات جدید ۸۷
- ۳/۴. لزوم اشتغال بیشتر افراد برای تأمین هزینه‌های نیازهای کاذب؛ نتیجه نیازسازی کاذب ۸۸
- ۳/۵. معطوف شدن ظرفیت فکری افراد به مسأله اقتصاد و غفلت آنها از حقایق عالم در صورت اشتغال بیشتر؛ نتیجه اشتغال بیشتر افراد برای به دست آوردن پول بیشتر ۸۸
- ۳/۶. لزوم تغییر نظم اجتماعی برای حفظ دین‌داری مردم ۸۹
- پرسش و پاسخ ۹۰
۱. از بین بردن رفاه (هدف اقتصاد غربی) در صورت حریص کردن مردم؛ دلیل ناکارآمد شدن اقتصاد غربی در صورت تشکیل سرمایه به محوریت حرص ۹۰
۲. اصل ۴۴ قانون اساسی؛ عاملی برای خروج کشور از اقتصاد غربی ۹۱

جلسه پنجم



محدود کردنِ تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط
به بخش اقتصاد؛ دلیلِ ضدیتِ اصل رقابت با
هویت دینی افراد جامعه

شناسنامه جلسه پنجم

عنوان

محدود کردن تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط به بخش اقتصاد؛
دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی افراد جامعه

تاریخ نشست
۵ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۳ صفحه (قطع رحلی)

در جلسات گذشته بیان شد که دلیل اصلی مخالفت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با الگوهای توسعه غربی، ضدیت این الگوها با هویت دینی جامعه است. در جلسات دوم و سوم نظم کلان توسعه غربی تبیین گردید و مباحث جلسه چهارم به تبیین نظم اقتصادی توسعه غربی اختصاص داشت. در جلسه چهارم بیان شد که نظم اقتصادی توسعه غربی از سه ناحیه به هویت دینی جامعه ضربه می‌زند؛ نحوه تشکیل سرمایه، نحوه مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی و اصل خطرناک رقابت. در این جلسه به تشریح ضدیت اصل رقابت با هویت دینی جامعه پرداخته می‌شود.

برای بررسی و نقد اصل رقابت به عنوان مقدمه باید گفت که جریان توسعه گرا برای توجیه اصل رقابت نسبت این اصل را با بخشی از شخصیت انسان یعنی بُعد معیشتی و اقتصادی او می‌سنجد و در مزیت این اصل بیان می‌دارد که در صورت رقابتی شدن اقتصاد، کالاها با کیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر تولید و عرضه خواهند شد.

اما برای نقد رقابت و بیان اشکال این اصل خطرناک به عنوان مقدمه باید به یک نکته‌ی روشی دقت نمود؛ برای بررسی خوب یا بد بودن یک طرح یا نظریه باید نسبت آن را با تمام ابعاد شخصیت انسان‌ها سنجید، نه فقط با بخشی از شخصیت انسان‌ها. با توجه به اینکه بُعد فکری انسان‌ها در تمام ابعاد و ظرفیت‌های وجود آنها تأثیر دارد و تمام ابعاد شخصیتی انسان‌ها از تفکر نشأت می‌گیرد، باید نظریات و ایده‌ها را با تفکر افراد سنجید. اگر امری موجب فکوت‌تر شدن افراد جامعه در ابعاد عرصه‌های مختلف شود، در راستای هویت دینی خواهد بود، در غیر اینصورت باید به ضدیت این ایده با هویت اسلامی رأی داد.

برای بررسی اصل رقابت نیز باید به این اصل روشی دقت نمود. از منظر اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل اینکه اصل رقابت موجب محدود شدن فکر انسان‌ها شده و موجب تربیت انسان‌های اکونومیک می‌گردد؛ نمی‌توان از این اصل در اقتصاد به عنوان یک اصل بنیادین استفاده کرد؛ زیرا هر امر ضد تفکر، ضد هویتی دینی محسوب می‌شود.

اما اصل رقابت چگونه موجب محدود شدن تفکر افراد به عرصه اقتصاد می‌گردد؟ پاسخ سؤال بسیار واضح است و با کمی دقت می‌توان به آن دست یافت. اتفاقی که در اثر رقابت رخ می‌دهد این است که شرکت‌های مختلف برای باقی ماندن در عرصه رقابت باید خدمات و کالاهای خود را متنوع و مختلف کنند؛ زیرا در صورت عدم تنوع از میدان رقابت خارج خواهند شد.

وقتی شرکت‌ها کالاهای متنوع را تولید می‌کنند برای آنکه مردم را به خرید محصولات متنوع خود ترغیب کنند باید نیاز استفاده از این محصولات را در مردم ایجاد کنند. بنابراین در گام بعد شرکت‌های تولیدی برای باقی ماندن در گود رقابت به نیازسازی کاذب روی آورده و مردم را به سمت مصرف‌گرایی سوق می‌دهند.

نتیجه نیازسازی کاذب چیست؟ با توجه به اینکه تأمین نیازهای کاذب ایجاد شده نیازمند داشتن پول و سرمایه بیشتر است؛ افراد جامعه برای برآوردن نیازهای خود مجبور به اشتغال بیشتری می‌شوند تا پول بیشتری به دست آورند. بنابراین زمان بیشتری را صرف شغل می‌کنند و در نتیجه ظرفیت بیشتری از فکر خود را به مباحث و مسائل اقتصادی اختصاص می‌دهند تا پول بیشتری به دست آورند. ثمره چنین چیزی نیز غفلت افراد از اطلاعات دیگری است که مورد نیاز آنها می‌باشد. در واقع اصل رقابت موجب تربیت انسان‌های اقتصادی می‌شود و همین امر ضد هویت دینی محسوب می‌شود.

فهرست اجمالی

۱. تجمیع سرمایه به محوریت تحریک حرص، افزایش اصطکاک بین کارگر و کارفرما در مدل مدیریت بنگاه‌های تولیدی، و اصل خطرناک رقابت؛ سه خطر بزرگ اقتصاد مبتنی بر توسعه برای هویت اسلامی	۹۹
۲. لزوم سنجیدن ایده‌ها و پدیده‌ها با تمام ابعاد شخصیت انسان؛ مقدمه‌ای برای نقد و بررسی اصل رقابت	۱۰۰
۳. تفکر؛ اصلی‌ترین بُعد شخصیت انسان و لزوم سنجش ایده‌ها و پیشنهادات با این بُعد از شخصیت انسان به دلیل اثرگذاری تفکر بر تمام ابعاد دیگر شخصیت	۱۰۲
۴. محدود کردن تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط به بخش اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی افراد جامعه	۱۰۵
پرسش و پاسخ	۱۱۰

جلسه پنجم: معهود کردن تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط به بخش اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی افراد جامعه





۱. تجمیع سرمایه به محوریت تحریک حرص، افزایش اصطکاک بین کارگر و کارفرما در مدل مدیریت

بنگاه‌های تولیدی، و اصل خطرناک رقابت؛ سه خطر بزرگ اقتصاد مبتنی بر توسعه برای هویت اسلامی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. لزوم توجه به نظامات اجتماعی و بازتعریف صحیح آنها برای حفظ دین‌داری مردم

امروز پنجمین جلسه‌ای است که با موضوع «برنامه‌ریزی از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» در خدمت شما هستیم. همان‌طور که در جلسات گذشته عرض کردم کار اصلی نظام برنامه‌ریزی ایجاد نظم کلان در جامعه است و به دلیل تأثیر نظم جامعه بر مسأله دین‌داری، باید توجه خاصی به نظام برنامه‌ریزی داشته باشیم. اگر نظم جامعه غلط طراحی شود، بر روی دین‌داری جامعه اثر سوء دارد. اگر نظم جامعه غلط طراحی شود به سمت سکولارشدن جامعه و تحقق دین حداقلی حرکت می‌کنیم. بنابراین برای اینکه مسأله مهم دین‌داری مردم و هویت شیعی را در جامعه خودمان تقویت کنیم، باید بدانیم که حتماً موضوع اصلی، بازتعریف نظامات اجتماعی است.

۱/۲. الگوی اقتصادی؛ یکی از نظم‌های اجتماعی و مضر بودن این نظم برای هویت دینی جامعه

در جلسات گذشته عرض کردم که جریان ظلمانی توسعه غربی به دنبال تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد است. همچنین دیروز محضر شما گزارش دادم که در درون بخش اقتصاد سه عامل مهم وجود دارد که این سه عامل مهم، محور نظام اقتصادی مبتنی بر توسعه غربی هستند و بیشترین ضرر را به شاخص‌های هویت اسلامی وارد می‌کنند.



عرض کردم که عامل اول، مدل تشکیل سرمایه است. مدل تشکیل سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری به محوریت تحریک حرص است و نتیجه استفاده گسترده از این مدل، گسترش کفر و آسیب‌رسانی به مسأله رفاه مردم است.

دومین عاملی که مبارزه با نظام سرمایه‌داری و جریان توسعه‌گرا را برای ما مسجّل می‌کند، بحث مدیریت بنگاه‌های تولیدی است؛ نحوه مدیریت در بنگاه‌های تولیدی و مدل‌های تولیدی پیشنهادی جریان توسعه‌گرا، منجر به افزایش اصطکاک بین کارگر و کارفرما می‌شود و ما نمی‌توانیم جامعه با پیش‌فرض اصطکاک بین اراده‌ها را جامعه پیشرفته بدانیم.

سومین نکته‌ای که دیروز به آن اشاره کردم مسأله خطرناک رقابت سازمانی بود. عرض کردم که اصل رقابت، منجر به نیازسازی کاذب در جامعه می‌شود و نیازسازی کاذب، منجر به اشغال تمام ظرفیت‌های انسانی در راستای نیازهای اقتصادی می‌گردد. بنابراین [در مدل اقتصادی فعلی] شاخص‌های هویت اسلامی از سه ناحیه به چالش کشیده می‌شوند؛ هم از ناحیه مدل تشکیل سرمایه، هم از ناحیه مدل تولید و مدل مدیریت روابط انسانی و هم از ناحیه مسأله خطرناک رقابت.

۱/۳. تجمیع سرمایه به محوریت تحریک حرص؛ اولین ضربه اقتصاد سرمایه‌داری به هویت دینی

۱/۴. مدل مدیریت بنگاه‌های تولیدی؛ دومین ضربه اقتصادی سرمایه‌داری به هویت دینی

۱/۵. اصل خطرناک رقابت؛ سومین ضربه خطرناک اقتصاد سرمایه‌داری به هویت دینی

۲. لزوم سنجیدن ایده‌ها و پدیده‌ها با تمام ابعاد شخصیت انسان؛ مقدمه‌ای برای نقد و بررسی اصل

رقابت

امروز به فضل الهی خود اصل رقابت را بیشتر توضیح داده و نشان می‌دهم که این اصل، چه ضررهایی را در پی دارد. ان شاء الله از جلسات هفته آینده^۱ وارد بازخوانی نظم بخشی جریان توسعه‌گرا برای حوزه‌های آموزش، قانون‌گذاری و قضاوت می‌شویم. بعد از اینکه این مباحث تمام شد طی جلساتی اصل رقابت را به صورت مفصل شرح خواهیم داد تا به تدریج ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن واضح شود.

۲/۱. پاسخگویی اصل رقابت به نیازهای اقتصادی مردم (کاهش قیمت کالاها و افزایش کیفیت آنها): نقطه تفاهم اصل رقابت با جامعه و اثبات خوب بودن اصل رقابت

همان‌طور که دیروز عرض کردم نقطه آغاز تفاهم اصل رقابت با جامعه - که حالا در کشور ما به شورای رقابت تبدیل شده و نهاد مدیریتی هم پیدا کرده - این است که اگر رقابت وجود نداشته نباشد، دو اتفاق بسیار بد در جامعه رخ می‌دهد؛ اتفاق اول این است که کیفیت کالاها کم می‌شود؛ چون با توجه به اینکه بنگاه‌های تولیدی رقیب مشخصی ندارند، تضمینی برای مسأله کیفیت وجود نخواهد داشت. دومین اتفاق این است که در فضای غیر رقابتی قیمت‌ها افزایش می‌یابد در حالی که اگر فضا رقابتی باشد بنگاه‌های تولیدی به سبب اینکه می‌خواهند در گود رقابت باقی بمانند قیمت‌های خود را کاهش می‌دهند. همان‌طور که دیروز خدمت شما عرض کردم جریان توسعه‌گرا این دو فایده را برای اصل رقابت مطرح می‌کند.

بنده دیروز داستان مباحثه خودم در مجمع تشخیص مصلحت نظام با یکی از وزرای قبلی نظام را نیز محضر شما تعریف کردم. وقتی در آن جلسه به آن وزیر محترم راجع به اصل رقابت اشکال کردم، ایشان مثال اپراتور همراه اول را قبل و بعد از رقابت با سایر اپراتورها مطرح کردند. ایشان گفتند بعد

۱. ما پنجشنبه و جمعه جلسه نداریم، جلسات از شنبه تا چهارشنبه است.



از اینکه ایرانسل آمد و باقی اپراتورها پا به میدان گذاشتند، قیمت‌ها به شدت کاهش پیدا کرد. همان‌طور که عرض کردم: این نکته، خلاصه مبنایی است که به وسیله آن خوب‌بودن اصل رقابت را برای ما جا می‌اندازند.

اما ما چگونه وارد بحث رقابت می‌شویم؟ ما از زوایه دید شاخص‌های هویت اسلامی وارد بحث می‌شویم. قبل از اینکه بنده اصل رقابت را از زوایه دید شاخص‌های هویت اسلامی بازخوانی کنم، یک اصل روشی را در مباحث علوم انسانی و مباحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خدمت شما عرض می‌کنم؛ نقطه شروع تفاهم در مباحث علوم انسانی دو فرض می‌تواند داشته باشد؛ وقتی استادی در حوزه علوم انسانی و الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه‌های مدیرتی وارد بحث می‌شود، بالاخره بحث خود را از یک موضوع آغاز می‌کند.^۲ نقطه ورود و شروع بحث می‌تواند دو حالت داشته باشد.

حالت اول این است که وقتی شما یک مهره مفهومی را به عنوان نقطه شروع تفاهم مطرح می‌کنید آن را تنها با بخشی از شخصیت انسان مرتبط کنید. این موضوع درست مانند همان مثالی است که بنده در اصل رقابت مطرح کردم. جریان توسعه‌گرا در توضیح اینکه چرا رقابت خوب است این مسأله را مطرح کرد که در اثر اصل رقابت، قیمت و کیفیت کالا تغییر می‌کند. وقتی کیفیت کالا بالا رفت و قیمت کالا کاهش پیدا کرد چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ بر روی نیازهای اقتصادی انسان تأثیر مثبت می‌گذارد. [بنابراین مرتبط‌کردن یک مهره مفهومی با بخشی از شخصیت انسان] یک فرض است. البته این موضوع فقط در اصل رقابت صادق نیست، بلکه در تمام حوزه‌ها جریان دارد؛ در تمام رشته‌ها خصوصاً در رشته‌های فنی^۳ وقتی فردی می‌خواهد راجع به فواید و ضرورت تکنولوژی بحث کند میان پیشنهاد کاربردی خود با یک بخش از شخصیت انسان ارتباط برقرار می‌کند.

اگر کسی این‌گونه وارد بحث شد، بلافاصله باید به بحث او اعتراض کنیم. چرا؟ چون شخصیت انسان، چندین بُعد و لایه دارد و اگر ما در توجیه طرح‌ها اجازه دهیم که بعضی از ابعاد وجود و شخصیت انسان نادیده گرفته شود، رشد انسان‌ها کاریکاتوری خواهد شد. این اصل، نکته روشی بحث است.

لذا طبق این ملاک؛ ما در «اولین نقشه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» یک توصیه راهبردی و کاربردی را مطرح کرده‌ایم؛ آن توصیه این است که اگر کسی طرحی را مطرح کرد، ما باید نسبت آن را با تمام «موضوعات جهت‌ساز»^۴ بسنجیم. موضوعات جهت‌ساز به اصطلاح فنی همان ابعاد شخصیت انسان هستند، ما اصطلاحاً در مبانی نظری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به هر یک از ابعاد

۲. خواهش می‌کنم به این بحث دقت فنی کنید، به نظر بنده این بحث یک غم‌برای شما کاربرد دارد و حتی در نهاد خانواده نیز مفید است، این موضوع مسأله بسیار مهم و حیاتی است و جزء توصیه‌های مسکوت‌مانده پیامبران علیهم‌السلام است که تقریباً راجع به آن، بحث صورت نگرفته است و به آن توجهی نمی‌شود.

انتقال از متن

۳. ان‌شاءالله وقتی دوره چهل روزه تبیین الگوی تخصیص صنعت را برگزار کردیم این مباحث به کارمان خواهد آمد.

انتقال از متن

۴. اصطلاح موضوع جهت‌ساز در جلسات پایانی همین دوره بحثی به صورت تفصیلی مورد بحث خواهد گرفت.



شخصیت انسان، موضوع جهت‌ساز می‌گوییم. بنابراین اگر کسی گفت پیشنهاد بنده، یک پیشنهاد فنی است؛ شما باید به او اشکال روشی کنید. این اشکال چطور صورت می‌گیرد؟ ارتباط پیشنهاد او را با سایر ابعاد شخصیت بسنجید. اگر این کار را انجام دهید می‌توانید یک نظریه نورانی را از نظریه ظلمانی تشخیص دهید.

بنابراین اصلی که بنده عرض کردم این است که نسبت یک تصمیم مدیریتی و پیشنهاد اجرایی باید با تمام موضوعات جهت‌ساز و ابعاد شخصیت انسان‌ها سنجیده شود؛ چون انسان‌ها در عالم واقع چند بُعدی و ذوابعاد هستند و ما نمی‌توانیم بخشی از شخصیت انسان‌ها را صفر کنیم. چراکه اگر در تحلیل خود به بخشی از ابعاد انسان هیچ توجهی نکنید - که در حال حاضر شما به صورت مکرر در صنعت، تکنولوژی و طرح‌های خودتان این کار را انجام می‌دهید - نیازهای این بُعد از شخصیت پاسخ داده نمی‌شود و در نهایت به عدم تعادل و عدم آسایش و رفاه انسان‌ها می‌رسید. این نکته‌ای بود که بنده خواستم به عنوان مقدمه نقد اصل رقابت محضر شما مطرح کنم.

ما باید با روش دوم وارد بحث شویم؛ آیا اصل رقابت می‌تواند به سایر ابعاد شخصیت انسان پاسخ دهد یا اینکه - همان‌طور که خود جریان توسعه‌گرا می‌گوید - فقط مزیت اقتصادی و معیشتی دارد؟ حالا بررسی کنیم و ببینیم اصل رقابت چه می‌گوید. مطلبی که عرض کردم یک اصل روشی بود که در تمام بحث‌ها جریان دارد.

۳. تفکر؛ اصلی‌ترین بُعد شخصیت انسان و لزوم سنجش ایده‌ها و پیشنهادات با این بُعد از شخصیت

انسان به دلیل اثرگذاری تفکر بر تمام ابعاد دیگر شخصیت

بنده قصد دارم چند مقدمه را عرض کنم تا مفهوم رقابت مشخص شود. راجع به نیازهای انسان می‌توان دو بحث را تصور کرد. با توجه به اینکه تکامل انسان به عنوان پیش‌فرض در او وجود دارد^۵ می‌توان در مورد انسان این فرض را مطرح کرد که بُعد معیشتی او فربه‌تر از سایر ابعادش باشد. همچنین می‌توان فرض کرد که بُعد فکری یا بعد مهارتی او فربه‌تر از سایر ابعادش باشد. خلاصه می‌توان فرض کرد که یک بُعد از شخصیت از دیگر بعدها رشد بیشتری داشته باشد.^۶

۳/۱. وجود ابعاد
شخصیتی مختلف مانند
معیشت، مهارت، فکر
و... در انسان‌ها

۵. با توجه به اینکه عالم، عالمی ایستا نمی‌باشد و دارای ثبات نیست و در حال حرکت است، بنابراین برای این عالم در حال حرکت، تکامل هم مفروض است.

انتقال از متن

۶. علت اینکه در جامعه انسان‌ها شخصیت مختلفی دارند همین موضوع است؛ یعنی در دوران شکل‌گیری شخصیت، مجموعه محیطی که در آن حضور داشته‌اند و ظرفیت اولیه‌ای که در تقدیر به آنها داده‌اند در یکدیگر ضرب می‌شوند و در نهایت شخصیت‌های مختلف تبلورهای مختلف پیدا می‌کنند. لذا به عنوان مثال وقتی شخص شاعر می‌شود، این شاعر شدن محصول دو چیز است؛ ظرفیت اولیه او (تقدیر) ضرب در محیطی که این ظرفیت را پروراند است. لذا برخی در ظرفیت اولیه خود اصلاً استعداد شعر ندارند. در روایات ما آمده است که به برخی از مؤمنینی که اهل رؤیا و عالم خواب نیستند به جای عالم رؤیا حکمت را اعطا کرده‌اند. برخی اهل رؤیا نیستند و اگر ده سال هم به خواب فرو بروند، در عالم خواب هیچ اخباری از عالم معنا به آنها داده نمی‌شود.

بنده دیشب خواب دیدم -تحلیل این خواب به بحث بسیار کمک می‌کند - در گوشه قبرستانی ایستاده‌ام و در حال نماز خواندن هستم. بنده این خواب را به شکل‌های مختلف در جاهای مختلف و به صورت مکرر می‌بینم. بنده بسیار سخت نماز می‌خواندم و یکی از مسئولین محترم نظام وارد قبرستان شد و سنگ قبر دو سردار شهید را برداشت، البته نبش قبر نکرد. تعبیر این خواب را فعلاً نمی‌گوییم ولی کلیت خواب در قبرستان به معنای این است که انسان با یک عده انسان جاهل محشور می‌شود. اگر خواب دیدید که در قبرستان هستید، در آینده با انسان‌های جاهلی روبرو می‌شوید و این جهل شما



حالا اگر بخواهیم انسان‌ها را با استانداردهای دینی مدیریت کرده و آنها را رشد دهیم، باید وعاء فکر آنها را فربه کنیم. این حرف اصلی دین است. این مقدمه اولی است که قصد دارم به وسیله آن، اصل رقابت را نقد کنم. وعاء - به معنای ظرف - در روایات ما زیاد به کار برده شده است.^۷ انسان چندین ظرف دارد؛ یک ظرف برای شهوت، یک ظرف برای فکر، یک ظرف برای قوای جسمانی و اما آن ظرفی که انبیاء علیهم‌السلام میان مجموعه ظرف‌ها روی آن تمرکز می‌کردند تا انسان را به صورت همه‌جانبه رشد دهند، وعاء فکر است؛^۸ به میزانی که انسان‌ها اهل فکر هستند، رشد یافته‌تر می‌باشند.

با هر نوع امتحان بسیار سخت است؛ سخت‌ترین چیز در عالم کوه‌کندن نیست، بلکه سخت‌ترین چیز مدارا کردن با افراد جاهل است. اگر جهل او، جهل مرکب باشد که کار خیلی پیچیده می‌شود. لذا در قرآن آمده است که به چنین انسان‌های بگویند "قَالُوا سَلَامًا". (آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان) "قَالُوا سَلَامًا" یعنی وارد بحث و اصطکاک با آنها نشوید و با سلامت از آنها عبور کنید. بالاخره عالم معنا، عالمی است که وجود واقعی دارد و البته برخی هم از آن سوء استفاده کرده و با آن تجارت راه می‌اندازند. اگر قرآن را ملاک قرار دهیم در داستان حضرت یوسف علیه‌السلام راجع به تعبیر عالم رؤیا [آیاتی آمده است]. عالم رؤیا یک عالم واقعی و بالادستی است.

بحث خواب و عالم خواب زمانی درک می‌شود که شما مفهوم رزق را درک کنید. تمام عالمی که ما در آن زندگی می‌کنیم بر پایه مفهوم رزق بنا نهاده شده است؛ یعنی از طرف خالق در تمام حوزه‌ها رزق دائمی بر مخلوقات نازل می‌شود؛ علم، غم، رفیق خوب و ... جزء رزق است. در روایت آمده است که همسر خوب، جزء رزق است. چیزی که انسان به عنوان غذای روزانه استفاده می‌کند نیز جزء رزق است. در عالم روایات همه چیز جزء رزق محسوب می‌شود. حُب رزق را در عرش مدیریت می‌کنند و مکان عرش نیز در آسمان چهارم است، رزق در آنجا مدیریت می‌شود. وقتی چیزی در آنجا مدیریت شده و امضاء می‌گردد که به کسی برسد، قبل از رسیدن این رزق به شخص، در عالم رؤیا گزارش آن به مؤمنین داده می‌شود، این معنای عالم خواب است؛ یعنی به بعضی گزارش می‌دهند که چه رزق و چه محیطی برای آنها تدبیر شده است. این موضوع یکی از رحمت‌های خاص خداست. ان‌شاءالله وقتی از این علوم حسی و فضای ساینتیک (scientific) عبور کنیم، این امور در دوران ظهور فربه می‌شوند. مسأله مهمی است که انسان تقدیر خود را بداند.

اجازه دهید راجع به این بحث در جلسات دیگر بیشتر صحبت کنم، ولی به هر حال عالم رؤیا را نمی‌توان بدون مفهوم رزق تحلیل کرد. مفاهیم دیگر نیز همین‌گونه هستند [بدون رزق تحلیل نمی‌شوند]. بنای بنده در این جلسات این است که ولو در حد اشاره [مفاهیم اسلامی را] توضیح دهم؛ چون در حال حاضر با تمام مفاهیم دینی به شکل شعاری و فانتزی برخورد می‌شود. علت این موضوع هم آن است که نسبت بین مفاهیم دینی دیده نمی‌شود. آن چیزی که کمک می‌کند بسیاری از مفاهیم دینی فهم شوند، تفکر بر روی مفهوم رزق است. مفهوم ربوبیت خدا - که ما همیشه در نماز "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" می‌گوییم و مفهوم ربوبیت را یاد می‌کنیم - به معنای مدیریت دائمی رزق است. مسأله تقدیر نیز همین‌گونه درک می‌شود. به اصل بحث باز گردیم؛ بنده خواستم به این نکته اشاره کنم که در انسان ابعاد وجودی‌ای وجود دارد و ما در یکی از رویکردها می‌توانیم تنها یک بخش از این ابعاد را فربه کنیم. به عنوان مثال می‌توانیم نیازهای اقتصادی را اصل قرار دهیم؛ در اینصورت این انسان شخصیت خاصی پیدا می‌کند. همچنین می‌توانیم بُعد دیگری از شخصیت او را فربه کنیم. شخصیت‌هایی که در حال حاضر وجود دارند نیز محصول همین موضوع هستند؛ محصول تقدیر ضرب در محیط. عالم خواب و رؤیا را به این دلیل عرض کردم تا توضیح دهم که تقدیر از کجا ناشی شده و در کجا واقع می‌شود.

انتقال از متن

۷. قال علی علیه‌السلام: كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ

امام علی علیه‌السلام؛ هر ظرفی وقتی چیزی در آن گذارند، گنجایش خود را از دست می‌دهد، مگر ظرف دانش که با افزودن آن گنجایشش بیشتر می‌شود.

حکمت ۲۰۵ نهج‌البلاغه

۸. الإمام علي عليه‌السلام - في خطبته له - : قَبَّحْتَ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ وَاثَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ؛ لَيْسَتْ أَدْوَاهُكُمْ مِثْلَاقَ فِطْرَتِهِ، وَوَيْدُكُمْ مِثْلَ نَسِيَةِ نَعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْنَا بِالْبَلِيغِ، وَ يُبِيرُوا لَكُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ، وَيُرَوِّهُمُ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ - امام علی علیه‌السلام - در خطبه ایشان - : پس [خداوند]، فرستادگان خود را میان ایشان برانگیخت، و پیامبرانش را یک به یک به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرتش را از آنان بازستانند، و نعمت فراموش شده خدا را به یادشان آورند و با تبلیغ، حجت را بر آنان تمام کنند، و اندیشه‌های پنهان آنان را برانگیزانند، و نشانه‌های قدرت [الهی] را به آنان نشان دهند.

خطبه اول نهج‌البلاغه

برخلاف انسانی که زیاد مصرف می‌کند [و فقط وعاء مصرف او فریه است]. با شاخصه‌های دینی نمی‌توان گفت چنین انسانی رشد یافته است. همچنین است انسانی که «علم لاینفع»^۹ دارد و مطالب غیر مفید را بلد است.^{۱۰}

بنابراین ما بحثی را مطرح کردیم که مقدمه نقد اصل رقابت است؛ وقتی شما ابعاد شخصیت انسان را در نظر می‌گیرید، نباید اجازه دهید تصمیمات مدیریتی فقط یک بُعد از شخصیت انسان را فریه کنند. مجموعه نظم اجتماعی باید به این سمت حرکت کند که وعاء فکر را فریه کند. اصلاً اسلامیت، تابعی از میزان تفکر است.

بنده برخی از روایات این موضوع را در جلسات قبل خوانده‌ام. به عنوان مثال در روایت آمده است که «تفکر ساعة افضل من عبادة سبعين سنة»؛^{۱۱} دعوت اصلی دین این است که انسان، عبد شود؛ اما در روایت شریف می‌فرماید: یک ساعت تفکر، برابر با هفتاد سال عبادت است. در واقع تفکر را با آن مسأله اصلی - یعنی عبادت - سنجیده‌اند. البته روایات تندتری هم وجود دارد؛ مثلاً حضرت می‌فرمایند: «الْمُتَعَبِدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ»؛^{۱۲} انسان متعبدی که عبادت او بر مبنای فقه نیست - فقه یعنی فکر و فهم عمیق؛ بالاترین نوع فکر، تفقه است - مانند خر آسیاب است. ویژگی خر آسیاب این است که اگر از ابتدای صبح تا پایان شب ده‌هزار بار دور خودش بچرخد، سر جای اول خود ایستاده است.

بنده این روایات را به عنوان نمونه عرض کردم تا بفهمیم که معیار سنجش دین‌داری - که ما دغدغه آن را داریم - مسأله فکر مردم است. به همان میزانی که فکر می‌کنید، دین‌دارتر هستید، این

۹. حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِينِيُّ الْهَرَوِيُّ بِالرَّمْلَةِ فِي سَوَالِ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعِمِائَةَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُجِيدٍ إِهْلَاءَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْجُنَيْدِ الرَّزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُعَاوِيَةُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ مُعَاوِيَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حِجَارَةَ أَنَّ أَبَانَ حَدَّثَهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدْعُو فِي آتْرِ الصَّلَاةِ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ مِنْ هَوْلَاءِ الْأَرْبَعِ - خدایا به تو پناه می‌برم از علمی که سودی نمی‌رساند.

کراچی، محمد بن علی (۴۴۹ ق)، کنز الفوائد، محقق / مصحح: نعمة، عبدالله، قم: انتشارات دارالذخائر (۱۴۱۰ ق)، ج ۱، ص ۲۸۵

۱۰. زمانی که ما مدرسه می‌رفتیم صدا و سیما دائماً دانش‌آموزانی را به تلویزیون می‌آورد که نام پایتخت تمام کشورها را بلد بودند و این دانش‌آموزان را به عنوان الگو معرفی می‌کردند. در در اوازل چنین رویکردی وجود داشت و چون حافظه این کودک خیلی قوی بود [آن را به عنوان الگو معرفی می‌کردند]. وقتی ما طلبه بودیم گاهی اوقات اساتید ما هم متأثر از این فضا می‌شدند و به ما می‌گفتند تمام اشعار سیبوی را حفظ کنید. ما هم که انسان‌هایی استثنائی نبودیم و حافظه خوبی هم نداشتیم و آمده بودیم طلبه شویم تا نظر اسلام را متوجه شویم؛ اما اساتید ما به جای اینکه فکر ما را به این مسأله متمرکز کنند که حقایق عالم را بفهمیم، به ما می‌گفتند شعر حفظ کنید. مرحوم آیت‌الله بروجردی رحمته مثنوی معنوی مولانا را حفظ می‌کردند و در عالم مکاشفه به ایشان گفته بودند حفظ نکن به درد نمی‌خورد. حال اینطوری است و چنین رویکردهایی وجود دارد و ظرفیت انسان را بر روی مسائل غیر لازم متمرکز می‌کنند.

انتقال از متن

۱۱. پژوهشگر به این روایت با سلسله سند دست نیافته است اما علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار روایت را بدون بیان سلسله سند ذکر کرده است.

في الحديث تفكر ساعة خير من عبادة ستين سنة

در حدیث آمده است که یک ساعت تفکر برتر از ۶۰ سال عبادت است.

مجلسی، محمدباقر؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ ق، بحار الانوار، انتشارات مؤسسه الوفاء، ج ۶۹، ص ۲۹۳

۱۲. الإمام علي عليه السلام: الْمُتَعَبِدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ؛ يدور و لا يبرح.

امام علی عليه السلام: کسی که بدون فهم از دین [تفقه] عبادت کند، مانند خر آسیاب است که پیوسته می‌چرخد.

مفید، محمد بن محمد (۱۳ ق)، الاختصاص، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم: المؤتمر العالمي لآلفية الشيخ المفيد (۱۴۱۳ ق)، ص ۲۴۵



مسأله مهمی است. ممکن است کسی سال‌ها نماز بخواند ولی به معانی آن فکر نکند؛ در اینصورت برای چنین انسانی رشد ایجاد نمی‌شود. در واقع ارتباط مستقیمی میان اهل فکر بودن و اهل عبادت بودن وجود دارد. بنابراین ما به دنبال انسان متفکر هستیم.

۴. محدود کردن تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط به بخش اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت

دینی افراد جامعه

به اصل رقابت بازگردیم تا بحث را توضیح دهم. اصل رقابت چه کار می‌کند؟ بنده یک بنگاه تولیدی را مثال می‌زنم؛ به عنوان مثال فرض کنید دو بنگاه تولیدی در مواد غذایی با یکدیگر رقابت می‌کنند. اگر با زاویه دید جریان توسعه‌گرا به قضیه بنگریم، می‌گوییم در اثر اصل رقابت کیفیت بالا رفته و قیمت پایین می‌آید؛ اما اگر با زاویه دید روشی خودمان نگاه کنیم متوجه می‌شویم به دلیل اینکه این دو بنگاه در رقابت با یکدیگر هستند باید بازار بیشتری را در اختیار بگیرند؛ چون اگر بازار بیشتری را در اختیار نگیرند سودشان کم می‌شود.

حالا اگر این دو شرکت محصولات خود را متنوع نکنند، بازار را به رقیب سپرده‌اند؛ بنابراین لازمه تصرف در بازار، تنوع در تولیدات بنگاه‌هاست. همچنین باید صنایع بسته‌بندی را به‌کار بگیرند و محصولات را زیبا کنند و هزار نوع فعالیت از این دست انجام دهند تا بتوانند محصولات خود را به فروش برسانند.

حالا بنده یک سؤال فنی بیشتر ندارم، بحث بنده دو سؤال هم نیست و پیچیده هم نیست، فقط یک مقدار دقت می‌خواهد. انسان‌ها تا چه حد به محصول متنوع نیاز دارند؟ آیا در عالم واقع انسان‌ها به تنوع دائمی‌ای که شما ایجاد می‌کنید نیاز دارند؟ اگر پاسخ شما این است که هرچقدر تولید محصول و تنوع داشته باشیم انسان‌ها به این محصولات نیاز دارند، بنده باز خلع ید^{۱۳} می‌شوم و باید بگوییم اصل رقابت، اصل خوبی است؛ اما اگر گفتید انسان‌ها در حوزه غذایی در حد مشخصی به این محصولات نیاز دارند و پس از آن اگر مصرف کنند مصداق اسراف و مصداق فربه‌شدن یک بُعد از شخصیت‌شان بیش از حد استاندارد می‌شود؛ اصل رقابت به چالش کشیده می‌شود و اشکال اصلی آن مشخص می‌گردد.

لذا در جوامع مدرن و جوامعی که اصل رقابت در آنها وجود دارد؛ مصرف، بیش از نیاز واقعی رخ می‌دهد و برای اینکه نسبت به این مصرف گسترده میل ایجاد شود تبلیغات، ساختارسازی، برندسازی و امثال این مباحث - که شما بیشتر از بنده با آنها آشنا هستید - را در دستور کار قرار می‌دهند تا نیازسازی کنند.^{۱۴} پس رقابت به این مسأله می‌انجامد؛ یعنی اگر دو فرعون یا دو راکفلر پیدا شوند که دو طرف عرصه رقابت باشند، [نیازسازی کاذب می‌کنند].^{۱۵}

۱۳. یعنی جوابی نخواهم داشت.

۱۴. در بحث برند نکته‌ای را بگوییم؛ شرکتی مثل نایک (Nike) یا بسیاری از شرکت‌های دیگری که وجود دارند را تصور کنید. طبق بررسی بنده این شرکت‌ها اولاً از آب آشامیدنی تا مسکن را تولید می‌کنند؛ یعنی این کارتل‌های بزرگ اقتصادی همه‌چیز را از گهواره تا گور تولید می‌کنند. در واقع یک شرکت، بازار را از گهواره تا گور به‌دست می‌گیرد.

بنابراین اشکال اصلی رقابت این است که تنوع در محصول ایجاد می‌کند و حد و میزان تولید و تنوع در محصول را بر اساس نیازهای واقعی انسان‌ها نمی‌سنجد؛ بلکه دائماً نیاز را فربه می‌کند و برای این نیاز محصول تولید می‌کند و با تبلیغ محصول جدید نیازسازی می‌کند و این سیکل باطل همین‌طور ادامه می‌یابد.

اگر این اتفاق رخ دهد چه اتفاقی برای مصرف‌کننده می‌افتد؟ در نهایت؛ فکر و زمان فرد مصرف‌کننده به دلیل اینکه باید تمام سطوح این نیاز را پاسخ دهد مشغول می‌شود؛ چون باید کار بیشتری کند و درآمد بیشتری به دست آورد و بنابراین باید وقت بیشتری را نیز مصرف کند. در نتیجه فکر او نیز به همین میزان که وقت بیشتری می‌گذارد، با مسأله مصرف درگیرتر می‌شود. لذا شما در کمتر از چهار یا پنج سال زندگی مصرفی، تقریباً به انسانی تبدیل می‌شوید که اطلاعات اکونومیکتان^{۱۶} ده‌ها برابر سایر اطلاعات‌تان است؛ چون زمانی که برای الگوی مصرف اختصاص می‌دهید، ده‌ها برابر وقت اختصاصی شما برای امور دیگر است. لذا شخصیت شما به صورت یک بُعدی و اکونومیک بار می‌آید؛^{۱۷} یعنی در عمل از اصل مترقی زهد فاصله می‌گیرید. زهد یعنی به اندازه خود نیاز مصرف کنید. اما اصل رقابت، ضد زهد است و اگر زهد به چالش کشیده شود عقل به حالت کما می‌رود و حوزه فکر به چالش کشیده می‌شود.^{۱۸}

۴/۳. معطوف شدن فکر انسان‌ها به اطلاعات اقتصادی و غفلت آنها از اطلاعات دیگر مورد نیاز برای آنها و در نتیجه به چالش کشیده شدن رفاه انسان‌ها؛ نتیجه نیازسازی کاذب

بنده پوسته‌های تبلیغاتی را با زاویه دید خودمان زیاد نگاه می‌کنم. به عنوان مثال در بیلبوردهای آنها یک نفر سوار ماشین شده است و یک هدفون نیز بر روی گوش خود قرار داده است و بسیار هم شاد است و حال و هوای خوبی دارد. این تمام تبلیغاتی است که انجام شده است؛ اما با این تبلیغ در حال تبلیغ یک اتومبیل هستند؛ یعنی در تبلیغات عمومی در عوض بیان مشخصات فنی مانند شتاب صفر تا صد یا مصرف سوخت یا میزان آلاینده‌گی - این مسائل را کنار گذاشته‌اند؛ البته شاید در نمایشگاه اتومبیل این تبلیغات را انجام دهند - می‌گویند اگر با ما باشید شادتر هستید. در همه موارد این کار را انجام می‌دهند. یعنی اصلاً موضوع محصول قابل فروش را بحث نمی‌کنند، بلکه بر روی شاد بودن انسان‌ها و زندگی خوب گذشته و القاء می‌کنند که زندگی خوب و شاد بودن، به تنوع مصرفی پیشنهادی ما وابسته است.

این همان حرفی است که من به لحاظ نظری در حال توضیح آن بودم. بنده می‌خواستم بگویم اینها محصول نمی‌فروشند بلکه نیازسازی می‌کنند. خودشان در تبلیغاتشان این کار را می‌کنند و می‌گویند شما با ما شادتر هستید. ماشین ما را سوار شوید، به رستوران پیشنهادی ما بروید، لباسی که ما پیشنهاد می‌کنیم را بپوشید، ورزشی که ما پیشنهاد می‌کنیم را انجام دهید؛ لذا بسیاری از این شرکت‌ها صاحب باشگاه ورزشی هم هستند؛ یعنی بازارشان را در همه نیازها گسترده کرده‌اند و در واقع نیازسازی می‌کنند.

انتقال از متن

۱۵. بنده دیده‌ام که دارند تحقیقات علمی را جهت می‌دهند - اینها واقعی است، شاید بعضی‌ها فکر کنند که شوخی است - تا حمل و نقل را در یکی از گُرَات آسمانی تسهیل کنند و آنجا هم بازار خاصی داشته باشند و رقبا نتوانند به آنجا دست پیدا کنند. علم و پایان‌نامه‌ها را جهت می‌دهند تا سبک زندگی مبتنی بر مصرف را بسازند.

انتقال از متن

۱۶. اقتصادی

۱۷. نکته مهم این است که نظم اجتماعی این کار را انجام داد و کسی به شما توصیه نکرد که مصرفی شوید. در واقع سیستم اقتصادی این کار را انجام داد.

انتقال از متن

۱۸. قال رسول الله ﷺ: يا اباذر ما زهد عبدي في الدنيا الا اثبت الله الحكمة في قلبه

پیامبر اکرم ﷺ به اباذر فرمودند: ای اباذر هیچ کسی در دنیا زهد نرزد مگر اینکه خداوند حکمت را در قلب او ثابت کرد.

طوسی، محمدبن حسن؛ تاریخ وفات مؤلف: ۶۰ هجری، الامالی، اردن، دارالتفاهة، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۳۱

لقمان عليه السلام - في وصيته لولده -: يا بُنيَّ، إذا امتلأت المعدة نامت الفكرة، وخرست الحكمة، وقعدت الأعضاء عن العبادة.

لقمان عليه السلام - در سفارش به فرزندش -: فرزندم! هر گاه معده پر شود، اندیشه می‌خوابد، خرد لال شده و اندام‌ها از عبادت باز می‌ایستند.

فیض کاشانی، محسن؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۰۹۰ هجری، محجة البيضاء، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ هجری، ج ۵، ص ۱۵۱



پیشنهاد می‌کنم برخی از دوستان این مطلب را موضوع پایان‌نامه خود قرار دهند و با یک گروه هدف مشخص صحبت کرده و اطلاعات گروه هدف را در چهار دسته اطلاعاتی بسنجند؛ اطلاعات مربوط به حوزه اقتصاد و معیشت را بسنجید، اطلاعات مربوط به روابط خانوادگی و تربیت فرزند را بسنجید، اطلاعات مربوط به بصیرت سیاسی و موازنه کفر و نفاق را بسنجید و اطلاعات مربوط به حقایق عالم - و عوالمی که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه انکار کنیم و چه انکار نکنیم، وارد آن می‌شویم - را بسنجید. اینها چهار دسته اطلاعات مهم هستند که زندگی انسان‌ها را متعادل می‌کنند.

اگر معیشت شما به چالش کشیده شود، زندگی شما به چالش کشیده می‌شود. اگر روابط خانوادگی شما به چالش کشیده شود، زندگی شما به چالش کشیده می‌شود. مسأله عدم شناخت دشمن و موازنه کفر و نفاق و ایمان نیز زندگی را به چالش می‌کشد. یعنی کافی است کفار بر جامعه ایمانی مسلط شوند؛ در اینصورت اولین کار آنها این است که رفاه آن جامعه را به چالش می‌کشند.^{۱۹} اطلاعات مربوط به نفی سبیل بسیار مهم است و نیاز به هوش سیاسی دارد.^{۲۰} پس اطلاعات حوزه نفی سبیل مهم است. اطلاعات مربوط به حوزه حقایق عالم نیز مهم است؛ یکی از جاهایی که نگاه انسان را به عالم تغییر می‌دهد، فهم مفهوم رزق است.

این چهار دسته اطلاعات را با یک گروه هدف بسنجید. به نظر بنده در نظم موجود سه دسته اطلاعات آخر، تحت تأثیر اطلاعات دسته اول هستند؛ یعنی انسان‌ها اطلاعات مالی - مانند این که قیمت‌های روزانه چقدر هستند، چه کار کنیم که بیست سال آینده خانه‌دار شویم یا چطور پول دانشگاه خود را بدهیم - را در اختیار دارند و انصافاً هم مسلط هستند؛ اما همین افراد وقتی شب به خانه وارد می‌شوند، به گونه‌ای وارد منزل می‌شوند که انگار خانه آنها سرزمین مصر و خود آنها فرعون این سرزمین هستند. برخی از این آقایان در خانه خود مظهر استکبار و به چالش کشیدن خانواده هستند. هرچند این مردان نیز متهم هستند؛ اما متهم اصلی، این نظم اجتماعی است که اجازه نداده است اطلاعات مربوط به نهاد خانواده در ذهن او فریه شود.^{۲۱}

۱۹. علت حساسیت انقلاب روی مسأله دشمن‌شناسی این است که تسلط کفر، سبک زندگی را تغییر می‌دهد. برخی از اساتید در دانشگاه‌های شما متوجه نیستند [که دلیل مبارزه با کفار چیست]. البته این موضوع تقصیر ما هم هست که حول مسائل دینی بدون درایه حرف می‌زنیم یا کمتر با درایه صحبت می‌کنیم. مسأله نفی سبیل در اسلام - که ما به صورت ساده به آن دشمن‌شناسی، مرگ بر آمریکا و غیره می‌گوییم - به این دلیل مهم است که تسلط کفار، موجب تغییر سبک زندگی می‌شود و اگر سبک زندگی تغییر کند، رفاه به چالش کشیده می‌شود؛ یعنی اهمیت مسأله نفی سبیل، به آسایش انسان‌ها باز می‌گردد.

انتقال از متن

۲۰. برخی این هوش سیاسی را داشتند. به عنوان مثال برخی در قضیه برجام می‌گفتند نمی‌شود به دشمن اعتماد کرد. این افراد اطلاعات خوبی در این زمینه داشتند. ولی برخی حتماً باید تجربه می‌کردند تا متوجه شوند که دشمن، قابل اعتماد نیست. برخی نیز آنقدر در ظلمات هستند که هنوز بعد از تجربه، باور نمی‌کنند که به دشمن نمی‌توان اعتماد کرد. هنوز هم برجام‌های دیگری مانند FATF را امضاء می‌کنند.

انتقال از متن

۲۱. بنده به صورت مستمر در جلسات گوناگون این روایت را خوانده‌ام و در اینجا هم می‌خوانم. در حدیث هست که اگر مردی در خانه‌اش کار کند، خداوند متعال به فرشتگان خود می‌گوید نام او را در درجه شهدا ثبت کنند. (مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۲۳۶) تحلیل صحیح این روایت آن است که مرد، بیرون از خانه کار می‌کند و خسته می‌شود و این خستگی هم برای اهل خانه قابل درک است. حال چنین مردی به عنوان پدر خانه وارد خانه می‌شود - یعنی تأثیرگذاری او در حد اعلاست - و به جای اظهار خستگی، باری را از دوش خانه و خانواده برمی‌دارد. در این حالت چه ذهنیتی برای اهل خانواده ایجاد می‌شود؟ به علت درک فضای خستگی پدر توسط اهل خانواده و

حُب این موضوعات را باید بیان کرد و گفت. این موضوعات جزء اطلاعات حیاتی هستند و متأسفانه نمی‌دانم چرا جریان توسعه‌گرا متوجه این حرف‌ها نیست! علت اصلی بحران ۴۲ درصدی طلاق در شهر تهران، فقدان مدارا و اخلاق در روابط زناشویی و خانوادگی است. من برای سازمان برنامه‌بودجه و مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام متأسفم که در عصر جاهلیت فکر می‌کنند و بر روی کاغذ می‌نویسند که اگر سطح درآمد مردم را بالا ببریم رفاه ایجاد خواهد شد. اولاً این موضوع، کذب محض است؛ زیرا در هیچ کشوری در دنیا، اشتغال برای همه افراد ایجاد نشده است. نمونه این موضوع نیز کشور آمریکاست که آمار آن در جلسات قبل عنوان شد. در روز روشن دروغ می‌گویید! مشکل اصلی نظامات غربی، ایجاد عدالت است. ثانیاً اگر فرض را بر ایجاد اشتغال بگذاریم، مگر تمامی مشکلات انسان‌ها حول مسأله درآمد است؟! خب این همه انسان پردرآمد در شهر تهران وجود دارد؛ اما به عنوان مثال چرا وقتی پرونده قضایی این فرد را پیش قاضی باز می‌کنید، زن خانواده در شکایت نوشته است که من تنبیه بدنی مکرر می‌شوم؟! خُب رفاه این زن برهم خورده است دیگر! مگر ما به دنبال آسایش انسان‌ها نیستیم؟ خُب آسایش این فرد از بین رفته است. آنگاه که تنها یک بُعد از نیازهای انسان را توسط نظامات اجتماعی فربه کردیم، ابعاد دیگر نیازهای انسان مغفول خواهد ماند.^{۲۲}

بنده بحث خود را جمع‌بندی کنم. بنابراین مشکل اصلی رقابت، نیازسازی در بخش معیشت است و نیازسازی در بخش معیشت موجب نادیده گرفته شدن سطوح دیگر نیازهای افراد مانند نیازهای خانوادگی خواهد شد. این تحلیل ساده اصل رقابت بود. بنده در اینجا به تحلیل بخش اقتصاد خاتمه می‌دهم. هدفم این بود که نشان دهم نظم حاکم بر بخش اقتصاد، ضد هویت اسلامی

همچنین به دلیل جایگاه رفیع مرد در خانه و خانواده؛ ویژگی‌های سنگین و عمیق اخلاقی مانند ایثار بدون استفاده از مکانیزم‌های بیانی در میان خانواده نشر پیدا می‌کنند و ایثار هم یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های شهادت است و به همین علت نام چنین فردی در فهرست شهدا ثبت می‌شود.

انتقال از متن

۲۲. دیروز رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام مصاحبه‌ای در مورد معیشت و اشتغال بانوان انجام داده بودند. ایشان در این مصاحبه گفته بودند: از اقلیتی که تریبون دارند نهراسید؛ دیگر جامعه به عقب باز نمی‌گردد. بنده در همین مکان به آقای هاشمی می‌گویم: جناب آقای هاشمی! هر نظام اجتماعی‌ای که فطرت انسان‌ها را در نظر نگیرد، به مردم خیانت کرده است؛ و این را بدانید که نظم پیشنهادی شما دوام نخواهد داشت. آینده برای اسلام و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. بنده اگر در آن جلسه حضور داشتم از ایشان سؤال می‌کردم که ۴۲ درصد طلاق شهر تهران علامت عدم رفاه هست یا نه؟ اگر شما نمی‌خواهید برای مردم رفاه ایجاد کنید پس به دنبال چه چیز دیگری هستید؟! به چه علت حکومت می‌کنید؟! به چه علت برنامه‌ریزی می‌کنید؟! حاکمی که به مردم خود ظلم می‌کند، شایسته استعفاست و شما با عدم تأمین نیازهای خانوادگی و سیاسی انسان‌ها - نیازهایی که به انسان‌ها یاد بدهد نباید به گریز و دشمن اعتماد کرد - در حال خیانت به مردم هستید. لازم نیست بنده استدلال نظری کنم؛ شهر تهران ۴۲ درصد طلاق دارد!

البته یک روحانی ساده‌اندیش در یک کلیپ گفته بود می‌دانید چرا جوان‌ها کمتر به سمت دین می‌روند و نماز می‌خوانند؟ در پاسخ بیان کرده بودند چون ایمان و تقوا را در من روحانی نمی‌بینند. البته عالم بی‌عمل هم به شدت مضر است؛ درست مانند همین روحانیونی که در برخی از مراکز تحقیقاتی هستند. بنده این مطلب را قبول دارم؛ اما این طلبه نیمه‌سواد که به این صورت تحلیل می‌کند باید بداند که نظم اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر دین‌داری مردم دارد.

بنده با وجود اشتغالات فراوان کماکان به مدارس رفته و با نوجوانان حرف می‌زنم. جالب است که چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی برخی از نوجوانان به بنده می‌گفتند برای اولین بار است که با یک طلبه گفت‌وگو می‌کنیم. چون ما اصلاً فرصت گفت‌وگو را در اختیار مردم نمی‌گذاریم و آموزش ریاضی و فیزیک و زیست - بنده در بخش آموزش توضیح خواهم داد - وقت آن‌ها را گرفته است. خُب مردم، بسیاری از این معارف را نشنیده‌اند [و در نتیجه کمتر به سمت دین می‌روند]. شما نظم اجتماعی را تغییر دهید تا ببینیم که این مشکل به وجود می‌آید یا سطح آن کمتر می‌شود.

انتقال از متن



است. این موضوع به‌عنوان پیش‌فرض بحث ما پذیرفته شده بود و توضیح دادیم که اقتصاد موجود از سه ناحیه به هویت اسلامی ضربه می‌زند؛ مدل تشکیل سرمایه موجب تحریک حرص می‌شود، الگوی تولید و مدیریت آن موجب بروز اصطکاک در روابط انسانی می‌گردد و اصل رقابت نیز منجر به تحلیل بخشی و ناقص انسان (انسان اکونومیک) می‌شود و موجب می‌گردد که اطلاعات حوزه فکر انسان فقط بر بخش اقتصادی متمرکز شود؛ درحالی‌که سه نوع نیاز اطلاعاتی دیگر مورد غفلت واقع شد که بحث خانوادگی آن بسیار قابل درک است. پس بنابراین نظم اقتصادی موجود، ضد هویت اسلامی است.

ان‌شاءالله از جلسه دهم به بعد که وارد تشریح نظم پیشنهادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای اداره جامعه خواهیم شد، بنده ابتدا نظم کلان الگو را تعریف نموده و سپس نظامات بخشی را با اولویت تعریف نظم اقتصادی تشریح خواهیم کرد تا جواب اثباتی هم داده باشم. البته نظم اقتصادی مبتنی بر الگوی پیشرفت، هم‌اکنون در حال جریان است و فقط نیاز به تکمیل و تدوین دارد. این یک نکته بسیار مهم است و ما نمی‌خواهیم تازه شروع کنیم. به نظر من الگوی اقتصادی پیشنهادی ما به‌صورت ناقص در حال جریان است و اگر بر روی آن کار فکری و تئوریک کنیم کامل خواهد شد.

و صلی‌الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ

پرسش و پاسخ

۱. متفاوت بودن تصویر مطلوب الگوی پیشرفت اسلامی با تصویر مطلوب دوران ظهور حضرت ولی عصر

یکی از حاضرین (۱): تغییر روند نظم جامعه در مقابل جریان توسعه‌گرا (با توجه به نحوه مدیریتی که دارند) باعث ایجاد نزاع خواهد شد. آیا شما در بخش نقد توضیح می‌دهید که چطور باید با آن سیستم مقابله کنیم که در آن سیستم حل نشویم؟ استاد کشوری: بله، در اصل، همه پیشنهادها بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توضیح می‌دهد که در عینیت حال حاضر - نه عینیت زمان حضرت ولی عصر علیه السلام و نه عینیت زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بلکه در عینیت دوران جمهوری اسلامی - تغییر نظم باید چه شکلی باشد تا مشکلات حل شوند. در واقع همه بحث الگو همین موضوع است. یکی از حاضرین (۲): بالأخره باید یک دوران ایده‌آلی در نظر باشد.

استاد کشوری: بله؛ برای همین هم عرض کردم که ما نظم مطلوب را در چند جلسه اول تعریف می‌کنیم و نشان می‌دهیم که تصویر کلان اداره جامعه با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست. پس از آن نیز نحوه مدیریت نظم‌های بخشی را بحث می‌کنیم. منتهمی به این موضوع توجه کنید که تصویر ما برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تصویر فقهای ماست. یک تصویر هم در دوره ظهور وجود دارد که سعی می‌کنم آن را در دو جلسه آخر توضیح دهم. تا زمانی که وارد عصر ظهور نشویم، فهم آن هم عمیق نخواهد شد.

یکی از حاضرین (۲): بالأخره یک چیز مطلوب‌تری را می‌توانیم متوجه شویم و باید آن را نشان دهیم.

استاد کشوری: بله، اما به اندازه فهم فقهاست. در دوره غیبت فهم فقها بر ما حجت است.^{۲۳} حالا تصویر اداره جامعه طبق فهم فقها را بحث خواهیم کرد. این، مطلوب فعلی ماست؛ اما باید یادمان باشد که یک فهم هم برای امام معصوم علیه السلام است که آن فهم فقط در زمان حضور خود ایشان قابلیت درک پیدا می‌کند.

بنده الآن روایتی را بیان می‌کنم اما شما فقط آن را در ذهن داشته باشید تا بعداً آن را توضیح دهم. بنده باکمال احتیاط هم این روایت را بیان می‌کنم، شما هم خیلی در آن عمیق نشوید؛ زیرا ممکن است برای شما مشکل ایجاد شود. مثلاً در روایت داریم که در زمان حضرت ولی عصر علیه السلام مردم در معامله (یعنی در حوزه اقتصاد) اصلاً از هم سود نمی‌گیرند.^{۲۴} حالا در این جلسه از من

۲۳. ابن بابویه عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَصَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمَرِيَّ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَاباً قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَى فَوْزِدِ التَّوْقِيعِيِّ بِحَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَبَيَّنَكَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ عَدِيْبِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَمَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمَرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ فَإِنَّهُ نَقَيْتِي وَ كِتَابُهُ كِتَابِي. امام زمان علیه السلام در توفیق خود به علی بن محمد سمری: و اما در حوادثی که وقوع می‌یابد [در زمانه غیبت امام علیه السلام] به روایان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا [بر شما] هستم.

حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۱۰۴ق)، تفصیل و سائل الشیعة إلى تحصيل مسائل الشریعة (معروف به وسائل الشیعة)، قم: انتشارات موسسه آل البيت (۱۴۰۹ق)، ج ۲۷، ص ۱۴۰.
۲۴. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن أبي الحسین محمد بن جعفر الأسدي، عن موسى بن عمران النخعي، عن عمه الحسين بن يزيد النوفلي، عن علي بن سالم، عن أبيه في حديث قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الخبر الذي روي أن ربح المؤمن على المؤمن ربا ما هو؟ فقال: ذلك إذا ظهر الحق وقام قائمنا أهل البيت، فأما اليوم فلا بأس بأن تتبع من الأخ المؤمن وتربح عليه. ورواه الشيخ أيضاً كذلك.

سالم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: روایتی نقل شده است که سود و بهره گرفتن از مؤمن برای برادر مؤمنش حرام و ریاست؟ حضرت فرمود: «این مطلب در هنگامی است که قائم ما اهل بیت ظهور کند؛ ولی امروز جایز است که شخصی به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعة، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۲، ص ۲۹۴



نپرسید "اقتصادی که مبنای آن سود نباشد به چه شکلی است؟" این روایت را برای این بیان کردم که یک مقدار به زمان نورانی حضرت ﷺ انصاف داده باشم. [زیرا خیلی بالاتر از زمان ماست].

در آن زمان آن قدر سود اجتماعی و سود اخروی در ذهن مردم فربه شده است که اصلاً سود اقتصادی را ضرر می‌دانند. حالا بعد ممکن است شما بپرسید که معیشت این افراد چطور تأمین می‌شود و یا سؤالات دیگری بپرسید که بنده در آن دو روز پایانی این موضوع را توضیح خواهم داد؛ اما این بحث‌ها حتماً به درد جریان توسعه‌گرا نخواهد خورد، آن‌ها دور از این معارف و مفاهیم هستند. فعلاً باید در همین فضای ظلمانی صحبت کرد. آن‌ها بیان می‌کنند که رقابت همه مشکل را حل می‌کند و ما هم باید چند جلسه صحبت کنیم که مسأله رقابت یک بخش از شخصیت را فربه می‌کند؛ اما سایر ابعاد شخصیت به چالش کشیده خواهد شد. پس مطلوب زمان حضرت ﷺ، غیر از مطلوب زمان مدیریت فقهاست.

۲. مذموم بودن رقابت به صورت سازماندهی شده و با ورود دولت و تنظیم قوانین برای اساس اصل رقابت

یکی از حاضرین (۳): ببخشید حاج آقا، آیا در ادبیات دینی ما مفهوم رقابت سالم وجود دارد یا ندارد؟ اگر دارد به چه شکلی است؟ استاد کشوری: آن چیزی که ما با آن مخالف هستیم رقابت سازمانی است، یعنی حکومت در امر رقابت بدمد. اما به هر حال در سطح میکرو رقابتی شکل خواهد گرفت. وظیفه حکومت تحریک رقابت به سمت خیر است و نه رقابت به سمت دنیا. برای همین عرض کردم که باید چند جلسه این موارد را بحث کنیم، اما قطعاً رقابت به معنای اینکه کارکرد حکومت باشد - به این معنایی که در حال حاضر وجود دارد - را نخواهیم پذیرفت. اما به هر حال وقتی دو کاسب در یک محله وجود دارد رقابتی نیز بین آن‌ها وجود دارد. وقتی قانون شورای رقابت را برای شما خواندم عرض بنده واضح‌تر خواهد شد. اینکه حکومت قوانین را بر مبنای رقابت تنظیم کند، چیزی است که ما راجع به آن بحث می‌کنیم.

یکی از حاضرین (۳): پس مذموم است.

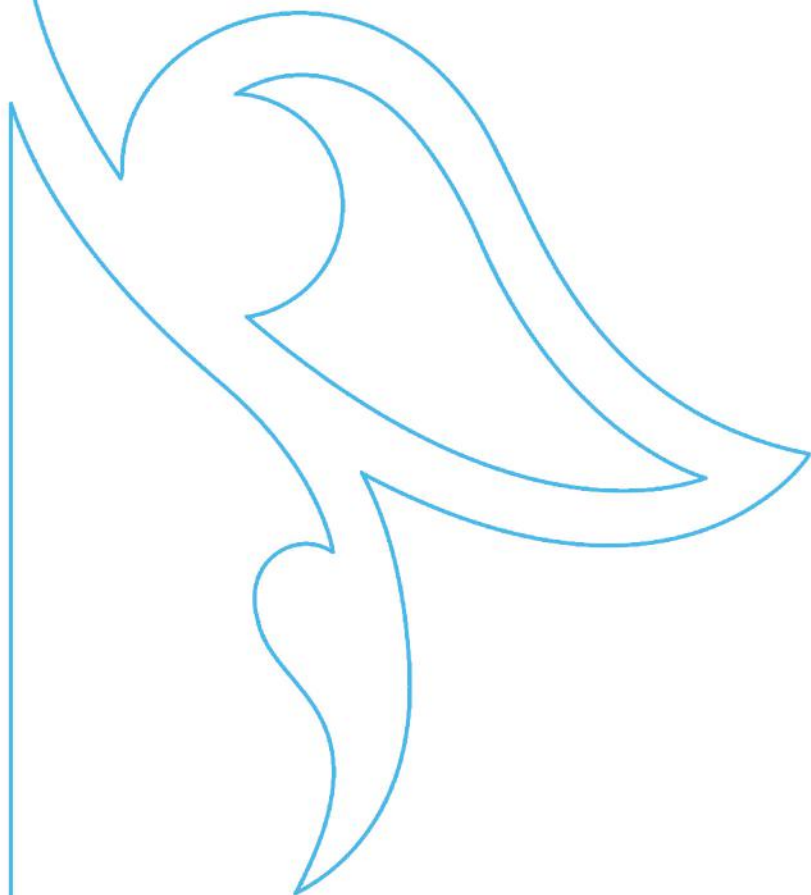
استاد کشوری: خیر، در حال حاضر راجع به الگو صحبت می‌کنیم. خود مفهوم رقابت را باید بعداً بحث کنیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد ﷺ

فهرست تفصیلی

۱. تجمع سرمایه به محوریت تحریک حرص، افزایش اصطکاک بین کارگر و کارفرما در مدل مدیریت بنگاه‌های تولیدی، و اصل خطرناک رقابت؛ سه خطر بزرگ اقتصاد مبتنی بر توسعه برای هویت اسلامی ۹۹
- ۱/۱. لزوم توجه به نظامات اجتماعی و بازتعریف صحیح آنها برای حفظ دین‌داری مردم ۹۹
- ۱/۲. الگوی اقتصادی؛ یکی از نظم‌های اجتماعی و مضر بودن این نظم برای هویت دینی جامعه ۹۹
- ۱/۳. تجمع سرمایه به محوریت تحریک حرص؛ اولین ضربه اقتصاد سرمایه‌داری به هویت دینی ۱۰۰
- ۱/۴. مدل مدیریت بنگاه‌های تولیدی؛ دومین ضربه اقتصادی سرمایه‌داری به هویت دینی ۱۰۰
- ۱/۵. اصل خطرناک رقابت؛ سومین ضربه خطرناک اقتصاد سرمایه‌داری به هویت دینی ۱۰۰
۲. لزوم سنجیدن ایده‌ها و پدیده‌ها با تمام ابعاد شخصیت انسان؛ مقدمه‌ای برای نقد و بررسی اصل رقابت ۱۰۰
- ۲/۱. پاسخگویی اصل رقابت به نیازهای اقتصادی مردم (کاهش قیمت کالاها و افزایش کیفیت آنها)؛ نقطه تفاهم اصل رقابت با جامعه و اثبات خوب بودن اصل رقابت ۱۰۰
- ۲/۲. سنجیدن یک طرح یا ایده با بخشی از شخصیت انسان‌ها درست مانند اصل رقابت؛ رویکرد اول در برخورد با طرح‌ها، ایده‌ها و پدیده‌ها ۱۰۱
- ۲/۳. سنجیدن یک موضوع با تمام ابعاد شخصیت انسان؛ رویکرد دوم در برخورد با پدیده‌ها و لزوم ارزیابی و نقد اصل رقابت با این رویکرد ۱۰۱
۳. تفکر؛ اصلی‌ترین بُعد شخصیت انسان و لزوم سنجش ایده‌ها و پیشنهادات با این بُعد از شخصیت انسان به دلیل اثرگذاری تفکر بر تمام ابعاد دیگر شخصیت ۱۰۲
- ۳/۱. وجود ابعاد شخصیتی مختلف مانند معیشت، مهارت، فکر و ... در انسان‌ها ۱۰۲
- ۳/۲. فکر؛ مهم‌ترین بُعد شخصیتی انسان و سنجش میزان اسلامیت و رشد افراد جامعه با میزان و گستره تفکر آنها ۱۰۳
۴. محدود کردن تفکر انسان‌ها به اطلاعات مربوط به بخش اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی افراد جامعه ۱۰۵
- ۴/۱. تنوع در تولیدات برای باقی ماندن در عرصه رقابت؛ نتیجه استفاده از اصل رقابت در اقتصاد ۱۰۵
- ۴/۲. نیازسازی کاذب به منظور تشویق مردم به مصرف کالاهای متنوع؛ نتیجه تنوع در محصولات ۱۰۵
- ۴/۳. معطوف شدن فکر انسان‌ها به اطلاعات اقتصادی و غفلت آنها از اطلاعات دیگر مورد نیاز برای آنها و در نتیجه به چالش کشیده شدن رفاه انسان‌ها؛ نتیجه نیازسازی کاذب ۱۰۶
- ۴/۳/۱. اطلاعات مربوط به اقتصاد، خانواده، بصیرت سیاسی و اطلاعات مربوط به حقائق عالم؛ اطلاعات چهارگانه مورد نیاز انسان‌ها برای داشتن رفاه ۱۰۷
- پرسش و پاسخ ۱۱۰
۱. متفاوت بودن تصویر مطلوب الگوی پیشرفت اسلامی با تصویر مطلوب دوران ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ۱۱۰
۲. مضموم بودن رقابت به صورت سازماندهی شده و با ورود دولت و تنظیم قوانین برای اساس اصل رقابت ۱۱۱

جلسه ششم



اشغال سن تربیت؛ دلیل اصلی ضدیت نظم آموزشی
مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی

شناسنامه جلسه ششم



عنوان
اشغال سن تربیت: دلیل اصلی ضدیت نظم آموزشی مبتنی بر توسعه با
هویت اسلامی

تاریخ نشست
۸ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۵ صفحه (قطع رحلی)

همان‌طور که در جلسات گذشته گفته شد موضوع اصلی بحث در دهه اول این دوره بحثی، بررسی نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه غربی و ضدیت این نظامات با هویت اسلامی است. در جلسه گذشته نظم اقتصادی توسعه غربی و ضدیت آن با هویت اسلامی مورد بحث قرار گرفت.

در این جلسه و جلسه آینده به تشریح ضدیت نظم آموزشی با هویت اسلامی خواهیم پرداخت. اصلی‌ترین دلیل ضدیت نظم آموزشی با هویت دینی است که نظم آموزشی، سن تربیت افراد را اشغال کرده و آموزش‌های مورد نیاز خدمات و تولید را به آنها انتقال می‌دهد.

اما چرا نظم آموزشی به چنین حالتی رسیده است؟ دلیل اصلی آن تبدیل تولید سنتی به تولید صنعتی است. از زمانی که تولید سنتی به تولید صنعتی تبدیل شد، آموزش‌های از پیش تدوین شده و انتقال این آموزش‌ها به افراد جامعه پیش از ورود آنها به عرصه اشتغال، محوریت یافت. ویژگی اصلی تولید صنعتی تمرکز در تولید است؛ زمانی که فعالیت‌های تولیدی متمرکز شدند و تولید یک کالای خاص به یک نفر محول گردید، این فرد برای اداره بنگاه تولیدی خود نیازمند فراگیری آموزش‌های مختلفی مانند ریاضی، فیزیک، مدیریت و ... می‌باشد. در واقع علت اصلی تحول نظام آموزشی، عالم‌تر کردن انسان‌ها نبود؛ بلکه علت اصلی این تحول، رونق بیشتر تولید بود. در واقع پس از تولید صنعتی نظام آموزش و پرورش موظف شد تا آموزش‌های بخش خدمات و تولید را به افراد انتقال دهد و به همین جهت نیز سن تربیت افراد جامعه اشغال شد تا این آموزش‌ها انتقال پیدا کنند.

حال که آموزش و پرورش سن تربیت را اشغال می‌کند ابتداءً باید به این سؤال پاسخ داد که تربیت چیست؟ ابتدا باید گفت که واژه تربیت در روایات دینی استفاده زیادی ندارد؛ بلکه واژه تزکیه بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. کاری که نظام آموزشی انجام می‌دهد این است که فرصتی را برای تزکیه انسان‌ها قرار نمی‌دهد. اما تزکیه به چه معناست؟ تزکیه یعنی ذکر ضربدر فکر. برای تزکیه یک فرد باید فرایند ذکر را در او اعمال کرد.

البته باید توجه داشت که ذکر به معنای تکرار صرف نیست؛ بلکه ویژگی‌های مختلفی بر مسأله ذکر حاکم است. ویژگی اول ذکر تکرار یک جهت واحد است. دومین ویژگی ذکر این است که تکرار این جهت واحد، تکرار خسته‌کننده‌ای نباشد، بلکه تکرار از زوایای مختلف و با عمق‌های مختلف باشد. از دیگر ویژگی‌های ذکر این است که اختیار افراد را به چالش نمی‌کشد. ویژگی دیگر ذکر این است که همراه با رفق و محبت است. ملاحظه تمام این ویژگی‌های موجب می‌شود که طرف مقابل در فرایند تزکیه قرار بگیرد و تربیت شود.

اما اعمال تمام این ویژگی‌ها و اعمال دائمی ذکر، یک‌روزه و یک‌شبه امکان ندارد؛ بلکه کامل شدن و تکامل این ذکر، نیازمند طی ۵ دوره است؛ دوره اول تزکیه یا شکل‌گیری شخصیت از انتخاب همسر آغاز شده و تا تولد فرزند ادامه می‌یابد. نقطه آغاز دوره اول تربیت، انتخاب همسر است. در روایات آمده است که در انتخاب همسر دقت کنید؛ چرا که مادر بچه‌های خود را انتخاب می‌کنید. دومین مرحله‌ی دوران اول شکل‌گیری شخصیت، انعقاد نطفه است. چگونگی و کیفیت انعقاد نطفه نیز تأثیرات بسیاری را در زیرساخت‌های شکل‌گیری شخصیت دارد. سومین مرحله نیز دوران حمل است. دوران حمل نیز دستورالعمل‌های خاص خود را دارد که رعایت کردن آنها موجب تأثیرات بسیاری در فرایند تزکیه و تربیت می‌شود. دوره‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم تربیت در جلسات بعد توضیح داده خواهند شد.

فهرست اجمالی

۱۱۵	۱. سازمان یافته بودن رقابت و اجرای اصل رقابت به صورت کلان در جامعه؛ یکی از ابعاد ضدیت نظم اقتصادی
۱۱۷	۲. اشغال سن تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با اقتصاد به دانش آموزان؛ اصلی ترین دلیل ضدیت نظم آموزشی جریان توسعه گرا با هویت دینی جامعه
۱۲۲	۳. تربیت یا تزکیه یعنی ذکر ضربدر فکر
۱۲۵	۴. انتخاب همسر تا زمان تولد فرزند؛ اولین دوره تزکیه و ذکر
۱۲۸	پرسش و پاسخ

جایگاه ششم: اشغال سن تربیت؛ دلیل اصلی ضدیت نظم آموزشی مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی





۱. سازمان یافته بودن رقابت و اجرای اصل رقابت به صورت کلان در جامعه؛ یکی از ابعاد ضدیت نظم

اقتصادی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. بررسی آثار نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه بر دین‌داری مردم؛ موضوع دهه اول دوره حاضر

به فضل الهی امروز هفته دوم تبیین مفهوم «برنامه‌ریزی بر اساس مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را در دانشگاه صنعتی شریف آغاز می‌کنیم. همان‌طور که دوستان در ذهن دارند دستور کار دهه اول از این چهل روز این است که ما می‌خواهیم آثار نظم اجتماعی پیشنهادی جریان توسعه‌گرا بر «شاخص‌های هویت اسلامی» و دین‌داری مردم را به صورت تفصیلی ارزیابی کنیم.

در جلسات گذشته چگونگی تضعیف هویت دینی جامعه از پایگاه نظم کلان پیشنهادی جریان توسعه‌گرا را بحث کردیم. در بخش بررسی نظم‌های بخشی جریان توسعه‌گرا بخش اقتصاد را نیز بحث کردیم. ان‌شاءالله امروز بنده راجع به نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا و خطرات و معایب آن برای هویت دینی جامعه صحبت می‌کنم.

۱/۲. اصل رقابت؛ یکی از ابعاد ضدیت نظم اقتصادی با هویت دینی جامعه

بنده نکته‌ای را در انتهای بحث اقتصاد عرض کنم و پس از آن وارد حوزه آموزش شوم. همان‌طور که در جلسه گذشته عرض کردم اقتصاد سرمایه‌داری از سه محور برای دین‌داری جامعه چالش ایجاد می‌کند. یکی از این محورهای ایجاد چالش، مدل تشکیل سرمایه بود که بحث آن گذشت. محور دیگر، مدل تولید نظام سرمایه‌داری بود و حساس‌ترین بخش نیز سومین بخش یعنی مسأله رقابت است که آن را توضیح دادم.

۱/۲/۱. اصالت یافتن رقابت در جامعه و متناسب کردن تمام زیرساخت‌های جامعه با اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی جامعه

همان‌طور که عرض کردم با اصالت یافتن رقابت بین بنگاه‌های تولیدی، رقابت بر سر دنیا در جامعه اتفاق می‌افتد؛ یعنی گاه رقابتی میان دو مجموعه تولیدی اتفاق می‌افتد و این رقابت، تحت قواعد دو رقابت‌کننده مدیریت شده و سرانجامی نیز پیدا می‌کند؛ اما گاه شما اصل رقابت را در حالت ماکرو (macro) و کلان بر نظم کلان اجتماعی حاکم می‌کنید. این یعنی چی؟ یعنی مثلاً نظام قوانین کشور را زیرساخت رقابت برای دنیا قرار می‌دهید. یا اینکه تبلیغات و نظام اطلاع‌رسانی یک کشور را خدمه مسأله رقابت قرار می‌دهید؛ یعنی سعی می‌کنید تمام ذهن‌ها را درگیر مسأله رقابت نگه دارید.

بنده یک مثال بزنم تا مسأله واضح شود؛ در گذشته ما خودمان در محلات ورزش گل کوچک^۲ برگزار و با یکدیگر رقابت می‌کردیم، رقابتی که یک برنده و یک بازنده داشت. این نوع رقابت مشکل زیادی ایجاد نمی‌کرد؛ اما گاهی اوقات شما همین مسابقه فوتبال را به صورت مستقیم پخش می‌کنید و از همه می‌خواهید که به آن توجه کنند. در این صورت شما نمی‌توانید بگویید این یک مسابقه ورزشی است؛ چون وقتی مسابقه فوتبال پخش زنده می‌شود، فرصت تبلیغات برای بنگاه‌های تولیدی نیز فراهم می‌گردد، یعنی کارکرد اقتصادی به این مسابقه ورزشی اضافه می‌شود. همچنین در مسابقات ورزشی‌ای که به شکل فعلی برگزار می‌شود، قمار سازمان‌یافته‌ای نیز شکل گرفته است و به اصطلاح جریان توسعه‌گرا؛ فوتبال به صنعت فوتبال و یک بخش اقتصادی مهم تبدیل شده است؛^۳ یعنی کاملاً تغییر ماهیت می‌دهد.

لذا وقتی می‌خواهید به اصل رقابت نگاه کنید با زاویه دیدی که بنده عرض کردم نگاه کنید. ممکن است رقابت در حالت میکرو (micro) مشکل زیادی ایجاد نکند، یعنی ممکن است بین دو مجموعه بر سر دنیا رقابت ایجاد شود، اما خودشان باشند و خودشان. البته این موضوع نیز در شرع مقدس منتهی^۴ غنه^۵ است؛ حرص در هر لایه‌ای که باشد باعث ایجاد کفر و غفلت از حقائق عالم می‌شود؛^۶ اما گاهی اوقات شما زیرساخت‌های قانونی یک کشور را برای رقابت بنگاه‌های تولیدی سازمان‌دهی می‌کنید، گاهی اوقات نظام اطلاعاتی و تبلیغاتی یک کشور را برای ایجاد رقابت سازماندهی می‌کنید.

۱. یعنی در حالت بزرگ و کلان

۲. نوعی فوتبال خیابانی و از ورزش‌های محبوب نوجوانان و جوانان ایرانی

۳. برای اطلاع از اینکه چگونه از فوتبال به عنوان یک تجارت استفاده می‌شود به آدرس‌های زیر مراجعه نمایید:

<http://www.economist.com/news/leaders/21603433-football-great-sport-it-could-be-so-much-better-if-it-were-run-honestly-beautiful-game>

<http://www.gazettelive.co.uk/news/teesside-news/football-business-like-no-despite-11170386>

<http://online.wsj.com/ad/article/businessoffootball-owning.html>

۴. حالت ریز و خرد

۵. یعنی از آن نهی شده است.

۶. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْجَرِصُ وَالْإِسْتِكْبَارُ وَالْأَحْسَدُ

امام صادق ﷺ فرمودند: پایه‌های کفر سه تا هستند: حرص، کبر و حسد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۲۹ ق، الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱



۱/۲/۱/۱. تغییر ماهیت علم و سفارش پایان‌نامه‌های علمی در راستای ایجاد تنوع در تولیدات بنگاه‌های تولیدی؛ یکی از نمونه‌های متناسب کردن زیرساخت‌های جامعه با اقتصاد

بنده یک گام بالاتر رفته و می‌گویم گاهی اوقات شما برای اینکه رقابت با تمام ابعاد خود شکل بگیرید، سفارش پایان‌نامه علمی می‌دهید. بنده قبلاً عرض کردم که به‌کارگیری اصل رقابت موجب تنوع در تولید محصولات می‌شود. حالا عرض می‌کنم که تنوع تولید، بدون مطالعات علمی و بدون تصرف در تکنولوژی امکان ندارد. مثلاً شما فرض کنید در رقابت به این نتیجه می‌رسید که باید بسته‌بندی مرتب‌تری داشته باشید. حُب برای رسیدن به این مقصود باید تکنولوژی خود را سریع تغییر بدهید تا بسته‌بندی مطلوب در اختیار شما قرار گیرد. به همان میزان که شما در راستای ایجاد تنوع در محصولات بنگاه‌های تولیدی به تکنولوژی احتیاج پیدا می‌کنید؛ علم نیز جهت پیدا کرده است. علمی که قرار بود نور را از نار و حق را از باطل نشان دهد به خدمه بخش تولید تبدیل می‌شود.

برخی ساده‌اندیشی نموده و تصور می‌کنند علت ایجاد علم در غرب این است که یک کنجکاو مطرح بوده و انسان‌های کنجکاو به معادلات علمی دست پیدا کرده‌اند؛ در حالی که اگر به حوزه علم و اطلاعات، نگاه جامعه‌شناسی داشته باشید، متوجه می‌شوید که در پشت صحنه، مدیریت تحقیقات وجود دارد؛ یعنی پایان‌نامه‌های علمی به یک سمت خاص جهت پیدا می‌کنند. پس وقتی رقابت را به صورت سازمانی اصل قرار داده و در سطح کلان برای آن شورای رقابت را طراحی می‌کنید؛ تمام زیرساخت‌ها از جمله زیرساخت‌های قانونی، تبلیغاتی، علمی و ... را با اصل رقابت هماهنگ می‌کنید؛ یعنی دعوت به دنیا را به صورت سازماندهی شده در یک جامعه پیاده می‌کنید.

۱/۲/۱/۲. شش‌شورای رقابت؛ خطرناک‌ترین نهاد موجود برای دین‌داری جامعه

لذا به نظر بنده^۷ خطرناک‌ترین نهاد موجود در شرایط فعلی - حتی خطرناک‌تر از بانک‌های ربوی- برای اخلاق و دین‌داری جامعه، شورای رقابتی است که کار خود را در کشور ما آغاز کرده است. اگر شورای رقابت بخواهد به تدریج تئوری‌هایی که در راستای رقابت هستند را پیاده کند، در کشور ما انسان‌های اکونومیک و اقتصادی تربیت می‌شوند؛ یعنی همه چیز به محوریت تولید بیشتر، تغییر وضعیت می‌دهد.^۸ هدفم از طرح بحث رقابت این بود که تذکر بدهم مسأله رقابت در نهایت منجر به تعدیل تمام بخش‌های جامعه حول اقتصاد می‌شود و این مسأله مهمی است.

۲. اشغال سن تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با اقتصاد به دانش‌آموزان؛ اصلی‌ترین دلیل ضدیت نظم

آموزشی جریان توسعه‌گرا با هویت دینی جامعه

۲/۱. تبدیل تولید سنتی به تولید صنعتی؛ مشخصه اصلی نظام تولید جدید

بنده از همین‌جا وارد بحث آموزش می‌شوم؛ یکی از نقاطی که به نفع بخش اقتصاد تغییر ماهیت می‌دهد، بخش آموزش است. پیش‌تر در دنیای غیر مدرن کسانی که وارد یک حرفه و کار تولیدی می‌شدند به عنوان شاگرد استخدام شده و کنار استادکاری کار می‌کردند و کار یاد می‌گرفتند. به اصطلاح امروزی قبلاً آموزش‌ها ضمن خدمت بود؛ یعنی در دوران سابق، دوره‌های آموزشی قبل از اشتغال نداشتیم. حُب چه اتفاقی افتاد که در جامعه امروزی و در نظم توسعه نیاز به دوره‌های

۷. این نظر شخصی بنده است و در پس این نظر نیز ده‌ها لایه استدلال وجود داد.

انتقال از متن

۸. بنده بحث از مسأله رقابت را تازه شروع کرده‌ام و این بحث ابعاد مختلفی دارد. ان‌شاءالله در جلسات آتی وقتی می‌خواهیم حول مباحث اثباتی بحث کنیم و توضیح دهیم که چطور باید تولید یک جامعه را ارتقاء داده، قیمت‌ها را منصفانه کرده و چه چیزی را جایگزین بحث رقابت کنیم، دوباره بحث رقابت را مطرح خواهیم کرد.

انتقال از متن

آموزشی تدوین شده به وجود آمد و درک شد؟ جواب این است که به اصطلاح ادبیات توسعه تولید سنتی به تولید صنعتی تبدیل شد.^۹

۲/۲. تمرکز در تولید؛ ویژگی عمده تولید صنعتی نسبت به تولید سنتی این است که در تولید صنعتی مسأله تمرکز وجود دارد.^{۱۰} خواهش می‌کنم به این بحث دقت کنید. به عنوان مثال در گذشته فردی در فلان شهر یک کارگاه کوچک ابزارسازی داشت و مثلاً بیل می‌ساخت. به دلیل اینکه این شخص برای حوزه کشاورزی روزانه ده عدد ابزار تولید می‌کرد، نه تکنولوژی پیچیده‌ای می‌خواست، نه مدیریت خاصی بر آن حاکم بود، نه این فرد به بازاریابی خاصی احتیاج داشت و نه نیازمند تبلیغات خاصی بود. کسی یک کارگاه آهنگری راه می‌انداخت به مرور تمام کارها را باهم و در مدت دو یا سه سال انجام می‌داد و نیازمند پیچیدگی‌های تحلیلی خاصی نبود.

۹. ویژگی اصلی صنعتی شدن، تولید به روش ماشینی است که پایه رشد فزاینده توان تولید، بهره‌وری و نیز تخصیصی شدن اقتصاد در همه ابعاد به‌شمار می‌رود. این ویژگی، محیط جدیدی را -کارخانه- برای کار ایجاد می‌کند که تقاضا و قوانین خاص خود را دارد. صنعتی شدن با گرد آوردن بی‌شمار کارگران در زیر یک سقف، اشکال تازه‌ای از فرایند کار را به وجود می‌آورد. این کارگران عملیات تولیدی را با استفاده از ماشین‌هایی که با نیروی برق کار می‌کند، انجام می‌دهند و در یک سیستم دقیق تقسیم کار قرار دارند که در آن فقط بخش کوچکی از کل کار مربوط به یک خط تولیدی را انجام می‌دهند. همچنین تمرکز کارگران در واحدهای بزرگ صنعتی و گسترش شهرهای کوچک برای اسکان جمعیت کارگری، ایجاد یک محیط شهری جدید برای زندگی اجتماعی را به همراه دارد. شهرهای جدید صنعتی به‌عنوان کانون جمعیت یک جامعه برجسته صنعتی، نیروی پویای جدیدی برای تغییر به‌شمار می‌رود.^[۱]

در جامعه صنعتی علاوه بر تقسیم کار عام، تقسیم کار به مفهوم خاص آن حاکم است. بدین معنی که در قالب تقسیم کار اجتماعی در شکل عام آن، هر کاری به نوبه خود به تقسیمات کوچک و کوچک‌تری در شکل تخصصی آن وجود دارد. از سوی دیگر مسأله زمان و نظم امور، با اهمیت و تأکید بیشتری مطرح می‌شوند. یعنی در قالب تقسیم کار تخصصی، اداره مطلوب امور اهمیت می‌یابد و تأکید بر زمان، اهمیت و اعتبار بیشتری پیدا می‌کند.^[۲]

[۱]. کمپ، تام؛ الگوهای تاریخی صنعتی شدن، محمدابراهیم فتاحی و لیلیایی، تهران، نی، ۱۳۷۹، ص ۲۸ و ۲۹

[۲]. فریار، اکبر؛ اصول و مبانی جامعه‌شناسی صنعتی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۲-۱۷۵

۱۰. ریمون آرون مشخصات جامعه صنعتی را چنین توصیف می‌کند:

(۱) جدایی محیط کار از محیط خانواده؛ با پیدایش نظام کارخانه‌ای محل کار کاملاً از محیط زندگی و خانواده جدا افتاده است.
(۲) کیفیت نظام کار؛ در جامعه صنعتی علاوه بر تقسیم کار عام، تقسیم کار به مفهوم خاص آن حاکم است. بدین معنی که در قالب تقسیم کار اجتماعی در شکل عام آن، هر کاری به نوبه خود به تقسیمات کوچک و کوچک‌تری در شکل تخصصی آن وجود دارد. از سوی دیگر مسأله زمان و نظم امور، با اهمیت و تأکید بیشتری مطرح می‌شوند. یعنی در قالب تقسیم کار تخصصی، اداره مطلوب امور اهمیت می‌یابد و تأکید بر زمان اهمیت و اعتبار بیشتری پیدا می‌کند.

(۳) وجود سرمایه‌های کلان؛ برای ایجاد کارگاه‌های وسیع با دستگاه‌های مختلف تولید، سرمایه‌های زیادی لازم است.

(۴) محاسبه منطقی؛ گردش کار واحدهای بزرگ تولیدی در جامعه صنعتی مستلزم محاسبات دقیق فنی و اقتصادی است. در هر واحد صنعتی ناگزیر، باید به طور مستمر، هزینه‌های تولید، بازارهای فروش، میزان سرمایه و تعداد کارگران با دقت و محاسبات منطقی همراه است، چرا که ادامه کار هر واحد صنعتی منوط به بهره‌وری آن است و این امر تنها می‌تواند با دقت و محاسبات منطقی در ابعاد مختلف تولید تامین گردد.

(۵) تمرکز کارگران؛ با تأسیس واحدهای تولید در مقیاس وسیع و بر اساس نظام کارخانه‌ای، تمرکز کارگران و تجمع آن‌ها در واحدهای تولیدی امری اجتناب‌ناپذیر است.

(۶) نیازها و مسائل خاص اجتماعی؛ بسیاری از نیازهای جامعه صنعتی در مقایسه با جامعه غیرصنعتی متفاوت است. نیازهای اساسی چون غذا، پوشاک و مسکن، نسبتاً برای تمامی افراد تأمین شده است. آنچه بیشتر مطرح می‌شود نیازهای ثانوی همچون وسایل رفاه، آموزش، تفریح و سرگرمی و نیازهای مختلف است. از دیدگاه ریمون انتقال جامعه از تمدن کشاورزی به تمدن صنعتی مستلزم تولید اقتصادی، افزایش درآمدها، روابط جدید اجتماعی، دگرگونی طبقاتی و نقش دولت، قوانین جدید و تغییر آداب و سنن اجتماعی است، و در مجموع مسائلی را در این قبیل جامعه‌ها پدید می‌آورند که نیازمند بررسی است.

فریار، اکبر؛ اصول و مبانی جامعه‌شناسی صنعتی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۲-۱۷۵



چه اتفاقی افتاد که در حوزه‌های مختلف نیازمند این مقدار تحلیل شدیم؟ اگر شما در حال حاضر بخواهید یک بنگاه تولیدی را ارزیابی کنید حتماً به رشته‌های مدیریتی و فنی احتیاج دارید. همچنین به دلیل اینکه امروزه تکنولوژی خاصی وجود دارد برای اداره یک بنگاه نیازمند یک طیف رشته علمی -از مهندسی مواد تا رشته مدیریت- هستید. چه شد که این نیاز به وجود آمد؟ جواب یک کلمه است؛ اصل شدن تمرکز در تولید یا همان تولید متمرکز؛ یعنی اگر در زمان گذشته مثلاً در یک شهر صد هزار نفری -در زمان قدیم هم شهرهای بزرگ وجود داشته‌اند- ابزار حوزه کشاورزی را صد نفر تولید می‌کردند، حالا این حجم از تولید را متمرکز کرده و به دست یک بنگاه صنعتی می‌دهند تا آنها را تولید کند.

وقتی تولید متمرکز شد، صاحبان بنگاه‌های تولیدی باید مدیریتی، بازاریابی، ریاضی، برق و تمام رشته‌های فنی را یاد بگیرند. بنده الآن قصد دارم سرمنشأ شکل‌گیری آموزش و پرورش مدرن را بحث کنم. ابتدای این بحث به تحول صنعتی باز می‌گردد؛ وقتی تحول صنعتی ایجاد شد و از تولید سنتی به تولید صنعتی وارد شدیم به تدریج آموزش‌های از پیش تدوین شده نیز در دستور کار قرار گرفتند. در زمان گذشته نظام آموزشی به صورت مکتب‌خانه و ادبستان بود و در این نظام آموزشی، آموزش‌هایی که به نظر من از آموزش‌های فعلی بسیار مفیدتر بودند به نوجوانان و جوانان انتقال داده می‌شد؛ منتهی داستان تحول نظام آموزشی بعد از دوره رنسانس^{۱۱} -خصوصاً زمانی که این تحول به واسطه تأسیس دارالفنون در کشور ایران رواج یافت- این نبود که می‌خواستیم آموزش‌ها را غنی‌تر کنیم.

بنده در حال بیان یک نکته فنی هستیم؛ داستان این طور نبود که در کشور ما جریانی به وجود بیاید و بگوید ما می‌خواهیم سیلابس‌های^{۱۲} درسی که در مکتب و ادبستان تدریس می‌شوند را غنی‌تر کنیم تا انسان‌ها مثلاً تر و فاضل‌تر شوند و مهارت‌های آن‌ها بالاتر برود. اصلاً تحول نظام در آموزشی از پایگاه تحول در علم مطرح نشد، بلکه تحول در نظام آموزشی از پایگاه تحول در صنعت و زندگی مادی مطرح شد. این نکته و موضوع به لحاظ تاریخی هم قابل بحث است. اگر شما گفت‌وگوهای منجر به تأسیس دارالفنون -که در تاریخ ما وجود دارد- را مشاهده کنید متوجه می‌شوید که داستان

۱۱. واژه رنسانس از زبان فرانسه وام گرفته شده است و به معنای تولد دوباره یا نوزایی است. کسانی که دوران رنسانس را پدید آوردند بر این گمان و باور بودند که عصر آنها با سده‌های میانه هیچ ارتباط وثیقی ندارد، بلکه به یونان و روم باستان مربوط می‌شود؛ چرا که به زعم آنها بشر تنها در دنیای باستان کارها و موفقیت‌های بزرگ را تجربه کرد. در واقع رنسانس بر آن بود که با زایش دوباره فرهنگ یونان و روم، امکان موفقیت و پیشرفت‌های سترگ را دوباره فراهم آورد.

درباره اینکه این تولد دوباره حیات فرهنگی در اروپا از چه زمانی آغاز شده است بحث‌های زیادی میان مورخان عصر رنسانس وجود دارد. برخی سال ۱۴۵۳ میلادی که فتح قسطنطنیه به دست ترکان عثمانی رخ داد را نقطه پایان قرون وسطی و آغاز عصر رنسانس می‌دانند. با تسخیر قسطنطنیه متفکران یونانی با متونی چند به اروپای غربی مهاجرت کردند و مطالعه فرهنگ و اندیشه یونانی را گسترش دادند. از نظر عده‌ای دیگر سال ۱۴۹۲ میلادی یعنی سال ورود اروپائیان به قاره آمریکا و همچنین ساکنین آن و مسافرت‌هایی که از قبل به آسیای شرقی و خاور میانه انجام داده بودند افق‌های جدیدی به روی آنان باز کرد و سبب آشنایی با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ادیان دیگر شد و راه‌های تجاری بیشتری را به روی آنان گشود.

ایلیخانی، محمد؛ تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، تهران: سمت، ۱۳۸۲، ص ۵۶۰

۱۲. syllabus: فهرست عناوین دروس یا مطالبی که در طول یک دوره درسی یا در یک مقاله یا در یک سخنرانی، بیان یا تدریس خواهند شد.

این بود که می‌خواستند در ایران ترقی ایجاد کنند - در آن زمان به جای کلمه توسعه و پیشرفت کلمه ترقی را استفاده می‌کردند - و مظهر ترقی نیز تکنولوژی‌هایی بود که وارد دنیای مدرن شده بود و به ایران نیز آمده بود. بنابراین ریشه تحول در نظام آموزشی به لحاظ تاریخی به بحث تحول در تولید باز می‌گردد و این نکته مهمی است.^{۱۳}

۱۳. چرا بنده این نکته را عرض کردم؟ به این دلیل که ما در فضای دینی و فضای قرآن و روایات و ادبیات حکیمانه پیامبران علیهم‌السلام، تحول در علم را از پایگاه عمل صالح بحث می‌کنیم. اصلاً داستان تحول در علم از پایه تحول صنعتی شروع نمی‌شود، بلکه از پایگاه تحول در عمل صالح شروع می‌شود. به عنوان مثال اگر با ادبیات انبیاء علیهم‌السلام خو بگیرید و با این حکمای عالم صحبت کنید، می‌بینید که دعوت این افراد به این است که عمل شما را اصلاح کنند. به عنوان مثال می‌گویند عمل شما ظالمانه است و باید به سمت عدالت میل پیدا کند و از لوازم میل عمل از حالت ظلم به عدل نیز بحث‌های علمی است. همچنین پیامبران علیهم‌السلام وقتی وارد بحث می‌شوند می‌گویند «يُعَلِّمُهُمْ يُزَكِّيهِمْ» (آیه ۱۲۹ سوره مبارکه بقره). این نکته مهمی است که بحث تعلیم به عنوان مقدمه تزکیه یا تکمیل تزکیه مطرح می‌شود. آیه قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید). این آیه راجع به بحث اول بود؛ یعنی ما پیامبران خود را با بیّنات فرستادیم و همراه آن‌ها کتاب هم نازل کردیم تا مردم به سمت اقامه قسط حرکت کنند. بنابراین در ادبیات دینی؛ پایگاه علم، تبیین، کتاب و پایگاه رشد به پایگاه دیگری باز می‌گردد.

چرا بنده این نکته را با تائیدی و حوصله توضیح می‌دهم؟ به دلیل اینکه متأسفانه در سال ۱۳۹۵ و در دانشگاه صنعتی شریف و در تمام فضای جامعه خودمان در دوران جمهوری اسلامی، پایگاه‌های اصیل ادبیات دینی به تدریج در میان تمام طبقات جامعه به چالش کشیده شده است. شما می‌خواهید پی و مبنایی را ایجاد کرده و بر روی آن ساختمانی را بسازید؛ اما وقتی با دانشجویان و طبقه نخبه وارد گفت‌وگو می‌شوید، مشاهده می‌کنید که فضای اطراف، شرایط و هجوم وسیع از علوم مدرنی که امروزه تدریس می‌شود، پایه‌های اصیل را به تدریج و لایه‌به‌لایه تغییر داده و پایه‌های جعلی دیگری را در ذهن آنها پایه‌گذاری کرده است. این یک اتفاق همگانی است.

شما همین نماز با برکت دانشگاه شریف را رصد کنید؛ حدود دو یا سه هزار نفر در نماز ظهر و عصر این دانشگاه با عظمت شرکت می‌کنند و این علامت ایمان است؛ اما وقتی با همین انسان‌های مؤمن - در سایر دانشگاه‌ها نیز همین‌گونه است - وارد بحث شوید به این بحث دقت کنید که این ایمان چه مقدار به تخصیص وقت برای تفقه و تعلّم منجر می‌شود؟ خود شما می‌توانید ارزیابی کنید که چه اتفاقی افتاده است. با کمال معذرت عرض می‌کنم که یک نگاه سکولار شکل گرفته و معتقد است که من نماز خود را می‌خوانم و طراحی جامعه خود را با همین نظمی که توسعه‌گرایان نوشته‌اند جلو می‌برم. علامت اینکه بنده می‌گویم جامعه ما در حال سکولار شدن است چیست؟ آن نمازخواندن منجر به ساختن پایه جدیدی برای علم در ذهن و تنظیم پایه‌های فکری بر اساس این پایه جدید نمی‌شود. پایه‌های ساختمان فکری شخص، لجستیک بخش صنعت است و این موضوع، بخش عمده زمان علمی و جوانی شخص را می‌گیرد؛ در عین حال این فرد درکی هم از خداپرستی دارد و این درک، شخص را به این سمت می‌برد که هفده رکعت نماز - باتوجه به اینکه در دوران انقلاب اسلامی هستیم با تأکید بر جماعت - بخواند. این نگاه در حال شکل‌گرفتن است.

اولین بحثی که بنده می‌خواستم مطرح کنم - که مباحث بسیاری در آن وجود دارد، البته بنده فقط قصد دارم آن را مطرح کنم - این است که وقتی شما در الگوی پیشرفت اسلامی وارد هر حوزه و بخشی شدید باید در ذهن خود پایه آن بخش را درست شناسایی کنید. به اصطلاح ریکیک باید فلسفه علم را بدانید. البته نمی‌دانم کلمه فلسفه را چه مقدار بپذیریم؛ زیرا به نظر من کلمه خوبی نیست و در این کلمه معانی کمی گنجانده می‌شود، باید اصطلاحاتی جدیدی را وارد کنیم. البته الآن زمان آن وجود ندارد که من اصطلاح جدید خود را در ذهن دوستان پایه‌گذاری کنم؛ ولی به هر حال وقتی شما وارد مباحثات علمی می‌شوید سؤال بنده از شما - با همین اصطلاح ریکیک کم‌عمق - این است که نگاه شما به علم چیست؟ فلسفه علم در ذهن شما چیست؟ اتفاق بدی که رخ داده این است که وقتی من قصد دارم راجع به نظام علمی منجر به سعادت و تکامل با طرف مقابل خود صحبت کنم، نظم آموزشی برآمده از صنعت - که خود را لازمه صنعت تعریف می‌کند - به تدریج و در اثر ذکر و تکرار و عادت شدن، پایه دیگری را در ذهن مؤمنین پایه‌گذاری کرده است. راجع به مسأله فلسفه علم بحث نظری نشده است و بسیاری از دوستان دانشجوی یک یا دو واحد بیشتر فلسفه علم نخوانده‌اند؛ ولی نظم آموزشی حاکم بر جامعه ما به تدریج پایه خود را در ذهن‌ها جا انداخته است و اصلاً نگاه دیگری به عالم شکل گرفته است.

بنده وقتی به دانشگاه شما می‌آیم پیاده هستم و دانشگاه را رصد می‌کنم. البته این کار را در همه‌جا به صورت مفصل انجام می‌دهم. در این رصد احساس کرده‌ام که - البته احساس نیست، یک واقعیت است - غالب عزیزان دانشجویی که در این دانشگاه جمع هستند، تمام خاصیت علم را تصرف در طبیعت می‌دانند؛ به عبارت دیگر نگاه تقلیل‌گرایانه به مفهوم علم دارند.

وقتی راجع به نهاد خانواده نیز بحث کردیم همین‌طور صحبت خواهیم کرد و ابتدا خواهیم پرسید که فلسفه تشکیل خانواده چیست؟ البته بنده نمی‌خواهم بحث را نظری کنم تا در ذهن شما کلمه فلسفه ایجاد شود و بتوانید راجع به آن چند کلمه صحبت کنید؛ ولی بالأخره در درون افراد، یک درک پایه از نهاد خانواده وجود دارد و همین درک پایه است که فرد را به سمت ازدواج، تحصیل، صنعت، فناوری، نظام قانون‌گذاری و ... سوق می‌دهد.



بنابراین نکته اولی که عرض کردم این است که بنابر تحلیل تاریخی ارائه شده، نظم آموزشی خدمه بخش اقتصاد است؛ یعنی پایه آموزش این است که مهارت‌های مورد نیاز بخش تولید را به افراد اعطا می‌کند؛ اما نظام آموزشی چگونه چنین کاری را انجام می‌دهد؟ به عنوان مثال در کشور ما، نظام آموزشی تقریباً بیست سال از سن محوری افراد را اشغال می‌کند تا آموزش‌های تدوین شده پیرامون بخش تولید و خدمات را به افراد انتقال دهد. هرگاه هم از کارآیی این آموزش‌ها سؤال می‌کنیم به خود دانش آموز و دانشجو می‌گویند بعداً شغل شما تأمین می‌شود. در یک گام بالاتر می‌گویند بخش‌های صنعتی و تولیدی به واسطه این آموزش‌ها اداره می‌شوند. با این استدلال، بیش از بیست سال از عمر کلیدی افراد را به این آموزش‌ها اختصاص می‌دهند و برای اینکه روحانیون و مؤمنین را نیز راضی نگه دارند دو واحد از دروس دینی را نیز در میان تمام این مباحث می‌گنجانند و نماز ظهر و عصر را نیز در این نهادها اقامه می‌کنند؛ اما از آن سو به صورت مفصل به مهارت‌های پیرامون بخش اقتصاد مانند فیزیک ۱ و ۲ و ۳، ریاضیات ۱ و ۲ و ۳، زیست ۱ و ۲ و ۳ می‌پردازند؛ کلاس کنکور و کتب کمک‌درسی و برنامه فوق‌العاده را نیز به این فضای آموزشی ضمیمه می‌کنند.

در نتیجه شما می‌بینید وقتی یک طلبه بسیار خوش‌رو، جذاب و بانشاط و طلبه‌ای که با قدرت ارتباط‌گیری خود می‌تواند انقلاب به پا کند وارد این فضا می‌شود؛ به علت آنکه ظرفیت طرف مقابل کاملاً اشباع شده است نمی‌تواند از این طلبه و روحانی تأثیر بپذیرد. در پله بعد، افرادی که تحت تأثیر این آموزش‌ها قرار گرفته‌اند در فضای ازدواج قرار می‌گیرند و چند سال بعد، شاهد آمار ۴۲ درصدی طلاق در کشور هستیم. بدتر از همه این است که صاحبان و ایجادکنندگان این نظم می‌گویند "روحانیت از اذان گفتن در گوش طفل تازه متولد شده تا نماز خواندن بر جسد میت را در دست دارد؛ اما چرا جامعه به سمت دین‌داری حرکت نمی‌کند؟" غافل از اینکه چالش اصلی، اشغال سن تربیت است. عیب نظم آموزشی موجود این است که سن تربیت را اشغال می‌کند.

البته مرا بیخشد که کلمات کم‌معنایی مانند فلسفه را به کار می‌برم. به هر حال باید فلسفه مفاهیمی مانند خانواده، صنعت، قانون‌گذاری، تحصیل و ... را بدانیم. این گفت‌وگوها کاملاً مفعول است و جریان مقابل نیز از پایگاه نظم اجتماعی، این مفاهیم را تحمیل می‌کند. به عنوان مثال در زمان تدوین قانون آزمون استخدامی کشور، تربیت فرزند را شغل محسوب نمی‌کند و در نتیجه محوریت خانواده از حیث انتفاع خارج می‌شود. این جریان بنابر تعاریف جهانی شغل را چیزی تعریف می‌کند که ارزش افزوده ایجاد کند؛ این جریان بحث نظری هم می‌کند ولی مهم‌تر از بحث نظری این است که نظم اجتماعی را مبتنی بر این تعاریف تنظیم می‌کند.

بنده به بحث بازگردم، فقط خواستم این نکته در گوشه ذهن مبارک شما باشد. خودتان از خودتان سؤال کنید [که فلسفه علمی که من می‌خوانم چیست]. خوب است که انسان، پیش از مرگ این ابهامات را برطرف کند. در روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌فرمایند خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده است، در کجا است و به کجا می‌رود. (فیض کاشانی، محسن؛ الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۶) اینها جزء سؤالات و علوم اصلی هستند. البته نمی‌توان حول این مطالب خیلی بحث نظری کرد؛ بلکه باید نظم اجتماعی را به سمت آنها طراحی کنیم.

انتقال از متن

۱۴. اشاره به سخنان دکتر تابش در مناظره با حجت‌الاسلام کشوری:

"حاج آقا شما به عنوان یک مبلغ دینی شما هم باید پاسخ‌گو باشید که چرا در جامعه‌ای که شما مبلغ هستید و مردم از وقتی که به دنیا می‌آیند شما اذان در گوششان می‌گویید - که ما خیلی مخلص و ارادتمند روحانیت هستیم - تا زمانی که در قبر بگذارند و تلقین شان را می‌خوانید چرا در این جامعه‌ای که شما مبلغ هستی در تهران از هر ۳ ازدواجی منجر به طلاق می‌شود و در کل کشور از هر پنج ازدواج [منجر به طلاق می‌شود]. در آمار هم گفتیم که ۷۵ درصد بودجه فرهنگی کشور در دست نهادهای غیر دولتی است."

دکتر محمدرضا تابش در مناظره با حجت‌الاسلام علی کشوری در برنامه تینتر امشب ۷ تیر ۱۳۹۵



۳. تربیت یا تزکیه یعنی ذکر ضربدر فکر

اجازه دهید راجع به تربیت کمی صحبت کنم تا بفهمیم که چه اتفاق خطرناکی در جامعه ما در حال وقوع است. ابتدا باید بگویم که بنده واژه تربیت را واژه جعلی و نادرستی می‌دانم. کلمه تربیت به این فریبه‌ی که ما آن را تکرار می‌کنیم در آیات و روایات وجود ندارد؛ اما حُب به صورت عرفی در جامعه ما دورانی به نام دوران تربیت رواج یافته است. ولی بالآخره دورانی تحت عنوان شکل‌گیری شخصیت و تزکیه یا عدم تزکیه وجود دارد.

عصاره شکل‌گیری شخصیت، مفهومی به نام "ذکر" است. اگر بخواهیم تفاوت تربیت را با آموزش، پژوهش و ... بفهمیم باید بدانیم که خمیر مایه تربیت، مسأله ذکر است.

ذکر یعنی چه؟ ذکر حاصل ترکیب چند مفهوم است. اولین ویژگی و مفهوم ذکر، تکرار است، در دل کلمه ذکر، کلمه تکرار خوابیده است؛ چراکه محیط زندگی انسان‌ها، پر از مشغولیت‌های غافل‌کننده است و این خاصیت نداشت و لذا اگر خواستید کسی را تربیت و تزکیه کنید کافی است مسأله تکرار را از دست بدهید تا ببینید که آن مسأله، دو یا سه روز بعد فراموش می‌شود. اگر کسی می‌خواهد کار تربیتی کند باید این واقعیت را بپذیرد که انسان در یک محیط مملو از اشتغال و جذابیت و غافل‌کننده حضور دارد. پس اگر قرار است انسان را تربیت کنیم یا به عبارت دقیق‌تر اگر قرار است انسان را متوجه یک امر حکیمانه کنیم، باید به کلیدواژه تکرار توجه کنیم.

البته مراد از تکرار، تکرار مُعِل و خسته‌کننده و تکرار یک مفهوم ثابت نیست. در کلمه ذکر قید دیگری بجز تکرار وجود دارد و آن تکرار از ابعاد و زوایای مختلف و همچنین با عمق‌های مختلف است، اما با یک جهت مشخص. در ایام محرم یکی از آقایان محترم و سرشناس در حال ارائه یک تحلیل کاملاً غلط و سطحی از نماز بودند و بنده تعجب کردم. ایشان گفته بودند که نماز یک دستور است، این فرد نماز را به یک دستور تقلیل داده بود و ماهیت نماز را بر پایه این تعریف کرده بود که در نماز امر و دستوری اتفاق افتاده است. درست است که نماز یک امر و دستور است؛ اما درون نماز مفهوم ذکر خوابیده است. وقتی شما چهل سال نماز می‌خوانید در این چهل سال نظامی از مفاهیم بسیار عمیق دینی! را تکرار می‌کنید.^{۱۵} پس ذکر به معنای تکرار از زوایای مختلف است نه تکرار یک امر ثابت. همچنین ذکر به معنای تکرار از عمق‌های مختلف است.

ویژگی دیگر ذکر آن است که از سر اختیار است؛ در ذکر برخلاف نظام آموزشی فعلی، هیچ اجباری وجود ندارد. در نظام آموزشی فعلی، افراد را از طریق نظام ارزیابی و حضور و غیاب مجبور به حضور می‌کنند و این اجبار، ضد ذکر است؛ چون ضد اختیار می‌باشد. لذا خود نظام آموزشی نمره‌دهی، ساختاری ضد تربیت است. منشأ چنین نظاماتی نشناختن انسان است.

۳/۱. عدم استفاده فراوان از واژه تربیت در آیات و روایات و مطرح کردن واژه تزکیه به صورت گسترده و فراوان

۳/۲. ذکر؛ عصاره و خمیرمایه اصلی تزکیه و شکل‌گیری شخصیت

۳/۲/۱. تکرار یک جهت واحد؛ اولین ویژگی ذکر

۳/۲/۲. تکرار یک جهت واحد از عمق‌ها و زوایای مختلف و نه تکرار ممل و خسته‌کننده؛ دومین ویژگی ذکر

۳/۲/۳. چالش‌نکشیدن اختیار افراد؛ سومین ویژگی ذکر

۱۵. در روایات آمده است که در زمان ظهور حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - تفسیر سوره توحید را هفتاد شتر حمل می‌کنند؛ معنای نماز به این میزان عمیق است و غیر از یک معادله ساده فیزیک یا ریاضی می‌باشد. علت این عمق آن است که این تفاسیر ختم به اسماء الهی می‌شوند و توجه به ابعاد این معانی، قدرت تصرف را با خود به همراه دارد.



ویژگی دیگر ذکر این است که ذکر همراه با رفق می‌باشد. این قاعده را بدانید که^{۱۶} نباید اختیار فرزند و همسر خود را به چالش بکشید. خُب از سوی دیگر باید به فضای خانواده نظم ببخشید. با این تفاسیر، عامل اصلی تصرف و نفوذ در نظام اختیارات طرف مقابل شما، مسأله رفق و محبت است؛ رفق کلید اصلی نفوذ و تصرف در اراده‌هاست. البته رفق دارای دهها بُعد است که بعداً باید راجع به آنها بحث کنیم، الآن می‌خواهم راجع به مفهوم ذکر صحبت کنم. بحث را گم نکنید، بنده داشتم خمیر مایه تربیت را توضیح می‌دادم. شما سؤال می‌کنید که روح و باطن تربیت و تزکیه چیست؟ پاسخ می‌دهم که ذکر، روح تربیت است و ذکر به معنای تکرار یک مفهوم از زوایای مختلف به همراه اصل قرار دادن اختیار افراد و همراه با غسل محبت است.

البته مفهوم ذکر از این هم دقیق‌تر است. لذا قرآن شریف می‌فرماید: «وَالْقُرْآنَ ذِی الذِّکْرِ»؛^{۱۷} خداوند قرآن را صاحب ذکر معرفی می‌کند. این آیه شریفه می‌فرماید که قرآن صاحب ذکر است؛ یعنی قرآن هیچ‌گاه اختیار افراد را به چالش نمی‌کشد و همیشه همراه رفق و محبت است و در زوایا و ابعاد و عمق‌های مختلف با افراد صحبت می‌کند. البته راجع به یک مطلب صحبت می‌کند و آن مطلب توحید است.

گاهی اوقات قرآن مفهوم توحید را در قالب تکوین^{۱۸} بحث می‌کند؛ «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»^{۱۹} گاهی مفهوم توحید در قالب انسان تبلور می‌یابد؛ «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ أَمْشَاجٍ»^{۲۰} قرآن راجع به انسان و نطفه صحبت می‌کند، اما در اصل راجع به توحید بحث می‌کند؛ یعنی یک مطلب را از زوایای مختلف مورد بحث قرار می‌دهد. گاهی نیز می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»^{۲۱} از زوایه روان‌شناسی با شما صحبت می‌کند. بالاخره شما از خودتان سؤال می‌کنید که چرا هر روز باید این قرآن را بخوانم؟ قرآن می‌گوید: چون قرآن استدلال‌ات محکمی را به شما عطا می‌کند، «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»؛ قرآن شما را به یک امر استوار هدایت می‌کند. از طرف دیگر انسان‌ها راجع به عاقبت خود فکر می‌کنند و به همین دلیل قرآن راجع به عاقبت صحبت می‌کند.

۱۶. درست است نظام آموزشی عمر تمام دوستان را تلف کرده ولی بالاخره شما صاحب فرزند شده و زندگی مشترک تشکیل می‌دهید.

انتقال از متن

۱۷. ص وَالْقُرْآنَ ذِی الذِّکْرِ / آیه یکم سوره مبارکه ص

صاد، به قرآن پندآموز سوگند.

۱۸. تکوین یعنی عالم خلقت

۱۹. وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا / آیه ۱ سوره مبارکه شمس

سوگند به خورشید و تابندگی‌اش

۲۰. إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا / آیه ۲ سوره مبارکه انسان

ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلی کامل] درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم.

۲۱. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا / آیه ۹ سوره مبارکه اسراء

بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است.

قرآن با فطرتِ شما در ابعاد مختلف همراهی می‌کند؛ چون به دنبال ذکر است. اما در تمامی این موارد، مقصد نهایی او توحید و خداوند است. از بیابان و شجر^{۲۲} و دریا و شمس و قمر به خدا می‌رسید، از نطفه و مضغه و علقه^{۲۳} و تولد و تربیت نیز به خدا می‌رسید، از علم و تحصیل و پژوهش و تحقیق نیز به خدا می‌رسید. قرآن یک امر ثابت یعنی توحید را بحث می‌کند ولی از زوایای مختلف و بدون اینکه اختیار شما را برهم بزند.

بنده معذرت می‌خواهم که زمان بیشتری ندارم تا بیشتر راجع به ذکر صحبت کنم تا بفهمیم که این خمیر مایه داخل قرآن چیست. هر کس بتواند با این خمیر مایه ارتباط برقرار کند با قرآن همراهی می‌کند. حدود بیست سال پیش در تابلوی مدرسه ما حدیثی از حضرت سجاده‌ساز^{علیه السلام} نوشته بودند. حضرت فرمودند: «اگر من در دنیا تنهای تنها باشم، ولی قرآن با من باشد وحشت نمی‌کنم.»^{۲۴} نمی‌دانم به لحاظ تجربی و یا تحلیلی به این نتیجه رسیده‌اید که تنهایی، چقدر امر سخت و غیر قابل تحملی است. سخت‌تر از این موضوع وجود ندارد که انسان در انزوا قرار بگیرد. به نظر من این، بدترین نوع درد است.^{۲۵}

۳/۳/۱. عدم احساس وحشت توسط انسان‌ها در صورت پناه بردن به قرآن به دلیل تذکر دادن مفهوم توحید به عنوان مطمئن‌ترین تکیه‌گاه عالم

مسأله تنهایی، موضوع وحشتناکی است و لذا امام سجاده^{علیه السلام} می‌فرمایند: من اگر با قرآن باشم، احساس وحشت نمی‌کنم، چون واقعاً مسأله تنهایی، مسأله وحشت‌آفرینی است، مگر اینکه ما غافل باشیم، تصور تنهایی هم آدم را می‌لرزاند. حضرت می‌فرمایند: من نمی‌ترسم. علت این امر چیست؟ علت آن است که قرآن انسان را به نقطه‌ای وصل می‌کند که آن نقطه، جبران همه موجودات عالم است و این نقطه نیز خدای متعال است. قرآن چنین خاصیتی دارد. من همیشه به این حدیث فکر می‌کردم و شاید ذهن من حدود بیست سال درگیر این حدیث است. چرا حضرت می‌فرماید: «من اگر با قرآن تنها باشم، احساس وحشت نمی‌کنم.» علت این است که قرآن صاحب ذکر است و همه چیز را به مسأله توحید وصل می‌کند. حالا شما [این تعریف] از مسأله تربیت را در نظر داشته باشید.

۲۲. درخت

۲۳. در این آیه مراحل سه‌گانه تشکیل چنین تشریح شده است. برای مطالعه در این مورد مراجعه کنید به:

<http://iqna.ir/fa/news/3366665> *خبرگزاری بین‌المللی قرآن*

۲۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِيِّ جَمِيعاً عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ الزُّهْرِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ وَ كَانَ (ع) إِذَا قَرَأَ مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ يُكْرَهُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ.

زهري می‌گوید: حضرت علی بن حسین (ع) فرمود: اگر همه مردم از مشرق تا مغرب بمیرند تا زمانی که قرآن با من باشد، از تنهایی نمی‌ترسم، و آن حضرت (ع) شیوه‌اش این بود که هر گاه مالکِ یومِ الدین را می‌خواند آن قدر آن را تکرار می‌کرد که نزدیک بود بمیرد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۲۹ ق، کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش، ج ۲، ص ۶۰۲

۲۵. لذا در روایات ما برخی از امور بسیار سخت را به زندان تشبیه نموده‌اند؛ چون زندان، انزوا اجباری است. نمی‌دانم شما محبوس بوده‌اید یا نه؟ گاهی اوقات باید تجربه شود. برخی از انسان‌ها نیز حبس نیستند ولی می‌گویند زندان از این زندگی بهتر است. معنای این حرف آن است که این فرد تنها مانده است. به عنوان مثال در روایات ما قبر را به زندان و انزوا تشبیه نموده‌اند. مسأله تنهایی، جزء امور سخت است. شب اول قبر برای مؤمنین سخت‌ترین شب‌هاست و هر چه مؤمنین جلوتر می‌روند راحت‌تر می‌شوند. شب اول قبر هم آسان‌ترین شب برای اهل کفر است و هر چه جلوتر می‌روند وضعیت برای آنها سخت‌تر می‌شود. علت مسأله قبر همین موضوع تنهایی است؛ در قبر تمام اتصالات شما از دنیا قطع شده است و هویت شما؛ خودتان و اعمال و رفتارتان است.

انتقال از متن



اگر کسی بخواهد این طور تربیت شود - نکته مهم بحث همین است و من می‌خواهم نشان دهم ۳/۴. اهل ذکر شدن، که نظام آموزشی چطور ما را بدبخت می‌کند - و برای فقر و وحشت درونی خود چاره‌ای کند باید چه کاری انجام دهد؟ یا باید اهل ذکر شود، یا با اهل ذکر ارتباط گیرد و یا با «الْقُرْآنُ ذِي الذِّكْرِ» مأنوس شود. چاره امر چنین چیزهایی است.

۴. انتخاب همسر تا زمان تولد فرزند؛ اولین دوره تزکیه و ذکر

اما برای اینکه چنین تربیتی صورت بگیرد باید پنج دوره طی شود. اینکه ما می‌گوییم دوران تربیت پنج مرحله است، یعنی دوران به تکامل رسیدن مسأله ذکر پنج مرحله است. مرحله اول چیست؟ مرحله اول، دوران انتخاب همسر تا دوران تولد است، این دوره اول تربیت است. زیرساخت‌های ذکر و تربیت در این دوران شکل می‌گیرد. در حدیث هست که وقتی همسران را انتخاب می‌کنید، بدانید که مادر بچه‌هایتان را انتخاب می‌کنید؛^{۲۶} یعنی تربیت از انتخاب همسر شروع می‌شود.

دوران انعقاد نطفه نیز جزء دوران مهم شکل‌گیری شخصیت است. بنده الآن وقت ندارم درباره ابعاد انعقاد نطفه صحیح بحث کنم، ولی اجمالاً می‌گویم که در انعقاد نطفه چهار نوع روایت وجود دارد که شامل زمان، مکان، شرایط انعقاد نطفه و عوامل مؤثر بر خود نطفه می‌شود، اینها را باید بحث کنیم، اینها جزء شکل‌گیری شخصیت هستند. در حدیث آمده است که حتی یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سیمای ظاهری انسان‌ها، مسأله نطفه است.^{۲۷} ما اینها را بحث نمی‌کنیم و به همین دلیل کشوری مثل کشور ما، بالاترین آمار عمل‌های زیبایی را دارد، ما در دنیا از لحاظ تعداد عمل‌های

۲۶. امام صادق (ع) درباره فرزند سه حق را بر پدر لازم می‌داند:

تجب للولد علی والده ثلاث خصال: اختیاره لوالدته و تحسین اسمه و المبالغه فی تأدیه

فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت او.

مجلسی، محمدباقر؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ق، بحار الانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۶

۲۷. از هنگام نطفه‌گذاری تا زمان تولد فرزند عوامل بسیاری در سیمای ظاهری او تأثیر دارند. به عنوان مثال:

کتاب الإمامة والتبصرة لعلي بن بابويه، عن سهل بن أحمد، عن محمد بن محمد الأشعث، عن موسى بن اسمعيل بن موسى بن جعفر، عن أبيه عن أبيه: قال: قال رسول الله: رائحة الانبياء رائحة السفرجل ورائحة الحور العين الآس ورائحة الملائكة رائحة الورد ورائحة الزهراء رائحة السفرجل والآس والورد، ولا بعث الله نبياً ولا وصياً الا وجد منه رائحة السفرجل وكلوها وأطعموا حبلاًكم بحسن اولادكم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: بوی پیامبران بوی به و بوی حورالعین بوی آس و بوی فرشتگان بوی گل سرخ است، ولی بوی دخترم فاطمه علیها السلام بوی به و آس و گل سرخ روی هم است. خدا هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه بوی به در او یافت می‌شد. به بخورید و به زنان حامله خود بخورانید که فرزندان شما را نیکو می‌کند.

مجلسی، محمدباقر؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ق، بحار الانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۱۱۷

وقال صلی الله علیه وآله: ما من امرأة حامله أكلت البطيخ بالجبن إلا يكون مولودها حسن الوجه والخلق

پیامبر اکرم فرمودند: هیچ زن حامله‌ای خربزه و پنیر نخورده مگر اینکه فرزند او دارای صورت و اخلاق نیکو شده است.

مجلسی، محمدباقر؛ تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ق، بحار الانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۲۹۹

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، وأبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار جميعاً، عن الحجال، عن ثعلبة، عن رجل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: عليك بالهندباء فإنه يزيد في الماء ويحسن الولد وهو حار لين يزيد في الولد الذكورة.

امام صادق علیه السلام فرمودند: بر تو باد به کاسنی؛ همانا آب کمر را زیاد کرده، فرزند را نیکو می‌نماید. کاسنی گرم است و فرزند پسر را زیاد می‌کند.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ تاریخ وفات مؤلف: ۳۲۹ق، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۷ش، ج ۶، ص ۳۲۳



جراحی در رأس همه کشورها قرار گرفته‌ایم.^{۲۸} همه اینها با مسأله انعقادِ نطفه استاندارد حل می‌شود و قابل مدیریت است.

دوره حمل نیز جزء دوره‌های مهم مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت است. بنده مکرر مفتخر به قرائت این روایت شده‌ام که امام رضا علیه السلام فرمودند: «مادر در دوران حمل گنדר مصرف کند، چون مصرف زیاد کند باعث ذکی شدن فرزند می‌شود.»^{۲۹} اینها همه دوران شکل‌گیری شخصیت و دوره تربیت هستند. پس دورانی داریم که اول آن انتخاب همسر و انتهای آن نیز تولد فرزند است، این دوره اول تربیت است. اگر این دوران خوب مدیریت نشود، تربیت و ذکر به چالش کشیده می‌شود.

بسیاری از نقص عضوها برای همین دوران اول است. به عنوان مثال روایت می‌فرماید: «صحبت زن و شوهر در موقع انعقاد نطفه باعث ایجاد چالش در قوه تکلم فرزند می‌شود.»^{۳۰} حین انعقاد نطفه یا باید ذکر خدا حاکم باشد و یا باید سکوت باشد. همین مسأله نقص عضو چقدر چالش برای انسان‌ها ایجاد کرده است؟! مسأله نوع سیمای آدم‌ها چقدر چالش برای انسان‌ها ایجاد کرده است؟! بنده در حال تشریح مشکلات نظام آموزشی هستیم. از جسم تا روح و ذهن انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود، به دلیل اینکه ما مجبور هستیم بیست‌سال از زندگی خود را به یادگیری آموزش‌ها و تعالیم مربوط به خدمات و تولید اختصاص دهیم و اطلاعات ما راجع به حوزه تربیت و شکل‌گیری شخصیت تقریباً صفر است.

۴/۳. عدم رعایت توصیه‌های دوران اول شکل‌گیری شخصیت؛ عامل اصلی بسیاری از معضلات مانند نقص عضو یا گسترش عمل‌های جراحی زیبایی

با توجه به اینکه وقت این جلسه به پایان رسیده بنده بحث را فردا ادامه می‌دهم. دوره دوم، سوم، چهارم و پنجم شکل‌گیری تربیت را بحث خواهیم کرد. ما نظام آموزشی‌ای می‌خواهیم که اولین دستور کار آن، مدیریت پنج دوره تربیت باشد؛ اما در حال حاضر نظام آموزشی‌ای داریم که دستور کار اصلی آن، گسترش آموزش‌های بخش خدمات و تولید است.

۴/۴. مدیریت دوره‌های پنج‌گانه تربیت؛ دستور کار اصلی نظام آموزشی مطلوب

۲۸. عضو انجمن علمی جراحان گوش، گلو و بینی ایران با اشاره به رتبه نخست ایران در جراحی‌های زیبایی بینی، گفت: به علت هارمونی و اسکلت‌بندی بینی در ایرانی‌ها، رتبه نخست جراحی‌های زیبایی بینی همچنان در ایران خواهد ماند.

<http://www.isna.ir/news/93040704000> خبرگزاری ایسنا

در سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۳ میلیون عمل جراحی و روش غیرجراحی زیبایی در دنیا انجام شده است که ایران در میان ۱۰ کشور اول دنیا است. <http://www.irna.ir/fa/News/81269090> خبرگزاری ایرنا

۲۹. قال الرضا علیه السلام أطمعوا حبلاکم اللبان، فإن یکف فی بطنها غلامٌ خرَج ذکی القلبِ عالماً شجاعاً، وإن تک جاریةٌ حسنٌ خلقها وخلقها، وعظمت عجیزتها، وخطیت عند زوجهما

امام رضا علیه السلام فرمودند: به زنان باردارتان، کندر بدهید. در اینصورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد، بیداردل، آگاه و دلیر می‌گردد، و اگر دختر باشد، روی و خوی وی نکو می‌شود و سرین او سترگ می‌گردد و نزد همسرش بهره می‌یابد.

طوسی، محمدبن‌الحسن؛ تاریخ وفات مؤلف: ۶۰ هجری، تهذیب الاحکام، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۳۲

۳۰. وفی (الخصال) باسناده عن علي عليه السلام في حديث الأربعمائة قال: إذا أتى أحدكم زوجته فليقل الكلام فان الكلام عند ذلك يورث الخرس، لا ينظرن أحدكم إلى باطن فرج امرأته فلعله يرى ما يكره ويورث العمى.

امام علی علیه السلام فرمودند: زمانی که یکی از شما نزد همسرش آمد و خواست مجامعت کند، کلام را کم کند؛ زیرا صحبت کردن در این هنگام، موجب لالی فرزند می‌شود و هیچ یک از شما به باطن فرج زن خود نگاه نکند؛ چراکه ممکن است چیزی را ببیند که حال شما را بد کند. این کار کوری را موجب می‌شود.

حرعاملی، محمدبن‌حسن؛ ۱۱۰۴ (ق)، وسائل الشیعة، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۴، ص ۸۷



۴/۴/۱. محور قرار دادن آموزش‌های مرتبط با بخش تولید و عدم توجه به دوران پنج‌گانه شکل‌گیری شخصیت؛ عامل ایجاد مشکلاتی مانند طلاق و به چالش کشیدن رفاه جامعه

ما داریم درباره دستور کار اصلی آموزش و پرورش صحبت می‌کنیم. بالاخره، هدف توسعه همان‌طور که تفوه کرده‌اند ایجاد رفاه و آسایش است؛ ولی باید دانست که مهمترین عامل در آسایش افراد، دوران تربیت آنهاست، نه سطح درآمدشان. بنده نمی‌خواهم بگویم آموزش‌های مربوط به بخش خدمات و تولید صفر شود، بلکه می‌گویم این آموزش‌ها تغییر ماهیت داده و جزء آموزش‌های تربیتی می‌شوند و شکل دیگری پیدا می‌کنند. ولی الآن نظام آموزشی ما بر روی مباحث مرتبط با بخش تولید تمرکز کرده است و لذا از ثمرات این نظام آموزشی - جریان توسعه‌گرا افتخار کند- این است که دکتر و مهندس تربیت می‌کند ولی زندگی ۴۲ درصد از این دکتر و مهندس‌ها به طلاق کشیده می‌شود؛ یعنی آسایش آنها به چالش کشیده می‌شود.

من همیشه در جلسات از جریان توسعه‌گرا پرسیده‌ام که مگر ادعا نمی‌کنید می‌خواهید رفاه انسان‌ها را تأمین کنید؟! آیا یک خانواده خوب متغیر رفاه هست یا نه؟ اگر بگویید یک خانواده خوب متغیر رفاه نیست، این حرف برخلاف فطرت و واقعیت است. واقعیت این است که اگر خانواده به چالش کشیده شود، رفاه افراد به چالش کشیده می‌شود. اگر هم بگویید خانواده خوب، جزء اصلی رفاه است پس چرا در نظام آموزشی روابط انسانی و روابط خانوادگی را آموزش نمی‌دهید؟ جریان توسعه‌گرا این خیانت بزرگ را به کشور ما می‌کند؛ جریان توسعه‌گرا مانع رفاه انسان‌ها است.

در دورانی که اختیارات به دست مؤمنین است به دلیل اینکه ما روایات را فقط خواننده و اخباری‌گری می‌کنیم و می‌گوییم «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ»؛^۳ آنها آموزش‌های بخش خدمات و تولید را اصل قرار می‌دهند و اشغال سن تربیت رخ می‌دهد و روابط انسانی و خانوادگی به چالش کشیده می‌شود و در نهایت رفاه انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود. بزرگترین جرم نظم آموزشی‌ای که خدمه بخش تولید می‌باشد این است که سن تربیت را اشغال می‌کند و اگر شما سن تربیت را اشغال کردید در هیچ دورانی نمی‌توانید آفت‌های عدم تربیت صحیح را جبران کنید. یکی از مصادیق اینکه ما می‌گوییم نظامات اجتماعی به دلیل ضدیت با هویت اسلامی باید باز تعریف شوند؛ نظام آموزشی است. ان شاء الله فردا پنج دوره تربیت را می‌شکافم تا بحث شکل شفاف‌تری پیدا کند.

وصلی الله علی سیدنا و نبینا اَبی القاسم مُحَمَّد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ

۳۱. حالا در روزهای آتی توضیح خواهیم داد که معنای این روایت چیست.

پرسش و پاسخ

۱. درگیری با رأس کفر و رأس جریان توسعه‌گرا؛ راهکار مقابله با تئوری‌های توسعه غربی و اصلاح نظامات مختلف مانند آموزش

و پرورش

یکی از حضار (۱): در مورد دوره های تربیتی، فرمودید که سه دوره وجود دارد که به دوره‌های آن اشاره نمودید؛ اما دو دوره آن باقی ماند. فرمودید یک دوره را از انتخاب همسر تا تولد فرزند است.

استاد کشوری: این دوره اول است.

یکی از حضار (۱): انعقاد نطفه را فرمودید و یک دوره هم بارداری را فرمودید.

استاد کشوری: نخیر؛ دقت بفرمایید سه دوره تربیتی وجود دارد. هفت سال اول، هفت سال دوم و هفت سال سوم. فردا اینها را توضیح خواهم داد. دوره انتخاب همسر تا تولد فرزند، دوره اول است. دوره نتیجه تربیت یا تکامل تربیت هم تا حدود سن چهل سالگی است. یعنی دستور کار اصلی ما در مسیر تکامل خود، باید مدیریت این چهار دوره باشد والا از انسانیت فاصله خواهیم گرفت.

یکی از حضار (۲): این مفاهیم حوزه تربیت - یعنی همان پنج دوره تربیتی که فرمودید - را با کدام راه و روش در جامعه مطرح و تعریف کنیم تا مورد اقبال عمومی قرار گیرد؟

استاد کشوری: ببینید نظام آموزشی قطعاً باید آموزش‌های مربوط به نهاد خانواده و روابط اجتماعی را اصل قرار دهد.

یکی از حضار (۲): درست است. الان در این حالت گذار از این نوع، توسعه برای حرکت به سوی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ..

استاد کشوری: دوران گذار این است که ... حالا چه عرض کنم؛ نه اینکه نشود کار کرد ...

یکی از حضار (۲): سخت است.

استاد کشوری: خیر بحث سخت بودن نیست، بنده ترجیح می‌دهم که تمرکز پیدا کنیم تا جنگ با توسعه غربی رونق بیشتری پیدا کند. آن وقت در این فضای درگیری مفاهیم، جامعه با سرعت بیشتری متوجه معایب نظام آموزشی خواهد شد. ببینید گاهی شما می‌گویید من یک برنامه گذار و یک برنامه مطلوب می‌نویسیم. این کاری است که در نظام برنامه‌ریزی فعلی انجام می‌شود؛ ولی بنده عرض می‌کنم که پیامبران علیهم‌السلام این‌گونه نبودند. پیامبران علیهم‌السلام چه کار می‌کردند؟ می‌فرماید: «اذهبِ اِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»؛^{۳۲} با رأس نظام کفر و طاغوت درگیر می‌شدند و خود این خبر درگیری بسیاری از این ضعف‌ها را جبران و انگیزه ایجاد می‌کرد. یعنی نباید در دوران گذار با همان ارتکازهای نظم موجود جلو برویم، بلکه باید سطح درگیری با مفاهیم غربی را بالا بیاوریم. واقعاً اگر درگیری، دیالوگ، مناظره و ایجاد شود و دو طرف بنویسند و بحث کنند؛ اولین ثمره این موضوع، بران همین ضعف‌های موجود در وضعیت فعلی جامعه خواهد بود. بنده از جلسه ده به بعد، نظم مدیریتی انبیاء علیهم‌السلام را بیان خواهم کرد و بعد از آن راجع به چگونگی مدیریت امام نیز صحبت خواهم کرد. می‌خواهم آن را تئوریزه کنم، این تفاوت در ذهنتان باشد.

۳۲. اذهبِ اِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ / آیه ۱۷ سوره مبارکه نازعات

به سوی فرعون برو زیرا که طغیان کرده است.



یکی از حضار (۳): ببخشید راهکار شما برای این درگیری که فرمودید چیست؟ بالاخره نظام‌های اجتماعی قبلاً این قدر پیچیده نبوده‌اند؛ برای مثال زمان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام - که شما مقایسه کردید - به این مقدار پیچیده نبود. یعنی نباید فکر کنیم که با یک سری کارهای رسانه‌ای و با به چالش کشاندن اساتید دانشگاه و یا با چنین کارهایی می‌توانیم به نتیجه برسیم. تازه این در محدوده کشور است؛ حال اگر بخواهیم پای خود را از مرز فراتر بگذاریم، فکر می‌کنم صدایمان هیچ‌جا شنیده نمی‌شود.

استاد کشوری: ببینید بنده می‌خواهم نحوه درگیری را در حدود سی جلسه توضیح بدهم، حرف شما بسیار فنی است. مشکل کشور ما آدم‌های مؤمن ساده‌اندیش هستند؛ یعنی همان‌گونه که شما فرمودید فکر می‌کنند اگر یک مستند بسازند یا یک مصاحبه و گفت‌وگو ترتیب دهند مسأله حل می‌شود. به نظر بنده یک درگیری چند لایه پیچیده‌ای را باید طراحی کرد. به نظر بنده می‌شود در مورد آن بعداً صحبت کرد ولی در این ده جلسه بنده می‌خواهم به طور ملموس بیان کنم که نظم مبتنی بر توسعه چه ضررهایی را به هویت دینی وارد می‌کند. دستور کار این است. این شالله، در خدمت شما هستم.

اللهم صل على محمد و آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فهرست تفصیلی

۱. سازمان‌یافته‌بودن رقابت و اجرای اصل رقابت به صورت کلان در جامعه؛ یکی از ابعاد ضدیت نظم اقتصادی ۱۱۵
- ۱/۱. بررسی آثار نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه بر دین‌داری مردم؛ موضوع دهه اول دوره حاضر ۱۱۵
- ۱/۲. اصل رقابت؛ یکی از ابعاد ضدیت نظم اقتصادی با هویت دینی جامعه ۱۱۵
- ۱/۲/۱. اصالت‌یافتن رقابت در جامعه و متناسب‌کردن تمام زیرساخت‌های جامعه با اقتصاد؛ دلیل ضدیت اصل رقابت با هویت دینی جامعه ۱۱۶
- ۱/۲/۱/۱. تغییر ماهیت علم و سفارش پایان‌نامه‌های علمی در راستای ایجاد تنوع در تولیدات بنگاه‌های تولیدی؛ یکی از نمونه‌های متناسب‌کردن زیرساخت‌های جامعه با اقتصاد ۱۱۷
- ۱/۲/۱/۲. شورای رقابت؛ خطرناک‌ترین نهاد موجود برای دین‌داری جامعه ۱۱۷
۲. اشغال سن تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با اقتصاد به دانش‌آموزان؛ اصلی‌ترین دلیل ضدیت نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا با هویت دینی جامعه ۱۱۷
- ۲/۱. تبدیل تولید سنتی به تولید صنعتی؛ مشخصه اصلی نظام تولید جدید ۱۱۷
- ۲/۲. تمرکز در تولید؛ ویژگی اصلی تولید صنعتی ۱۱۸
- ۲/۳. نیاز به فراگیری آموزش‌های مختلف مانند مدیریت، ریاضی، اقتصاد و ...؛ نتیجه تمرکز در تولید (تحول در علوم بر پایه تحول صنعتی) ۱۱۹
- ۲/۴. اشغال سن تربیت؛ راهکار نظام آموزشی برای انتقال آموزش‌های مورد نیاز تولید به افراد جامعه ۱۲۱
۳. تربیت یا تزکیه یعنی ذکر ضربدر فکر ۱۲۲
- ۳/۱. عدم استفاده فراوان از واژه تربیت در آیات و روایات و مطرح‌کردن واژه تزکیه به صورت گسترده و فراوان ۱۲۲
- ۳/۲. ذکر؛ عصاره و خمیرمایه اصلی تزکیه و شکل‌گیری شخصیت ۱۲۲
- ۳/۲/۱. تکرار یک جهت واحد؛ اولین ویژگی ذکر ۱۲۲
- ۳/۲/۲. تکرار یک جهت واحد از عمق‌ها و زوایای مختلف و نه تکرار ممل و خسته‌کننده؛ دومین ویژگی ذکر ۱۲۲
- ۳/۲/۳. به چالش‌نکشیدن اختیار افراد؛ سومین ویژگی ذکر ۱۲۲
- ۳/۲/۴. تکرار همراه با رفق و عسل محبت؛ چهارمین ویژگی ذکر ۱۲۳
- ۳/۳. معرفی قرآن به عنوان صاحب ذکر و مطرح‌کردن مفهوم توحید در قرآن با رعایت ویژگی‌های مختلف ذکر ۱۲۳
- ۳/۳/۱. عدم احساس وحشت توسط انسان‌ها در صورت پناه‌بردن به قرآن به دلیل تذکر دادن مفهوم توحید به عنوان مطمئن‌ترین تکیه‌گاه عالم ۱۲۴
- ۳/۴. اهل ذکر شدن، ارتباط با اهل ذکر، و انس با قرآن؛ راهکارهای تزکیه تربیت ۱۲۵
۴. انتخاب همسر تا زمان تولد فرزند؛ اولین دوره تزکیه و ذکر ۱۲۵
- ۴/۱. لزوم طی پنج‌دوره برای کامل‌شدن ذکر در انسان‌ها ۱۲۵
- ۴/۲. انتخاب همسر تا تولد فرزند؛ اولین دوره اعمال ذکر در انسان‌ها ۱۲۵
- ۴/۳. عدم رعایت توصیه‌های دوران اول شکل‌گیری شخصیت؛ عامل اصلی بسیاری از معضلات مانند نقص عضو یا گسترش عمل‌های جراحی زیبایی ۱۲۶



۴/۴. مدیریت دوره‌های پنج‌گانه تربیت؛ دستور کار اصلی نظام آموزشی مطلوب..... ۱۲۶.....

۴/۴/۱. محور قرار دادن آموزش‌های مرتبط با بخش تولید و عدم توجه به دوران پنج‌گانه شکل‌گیری شخصیت؛ عامل ایجاد

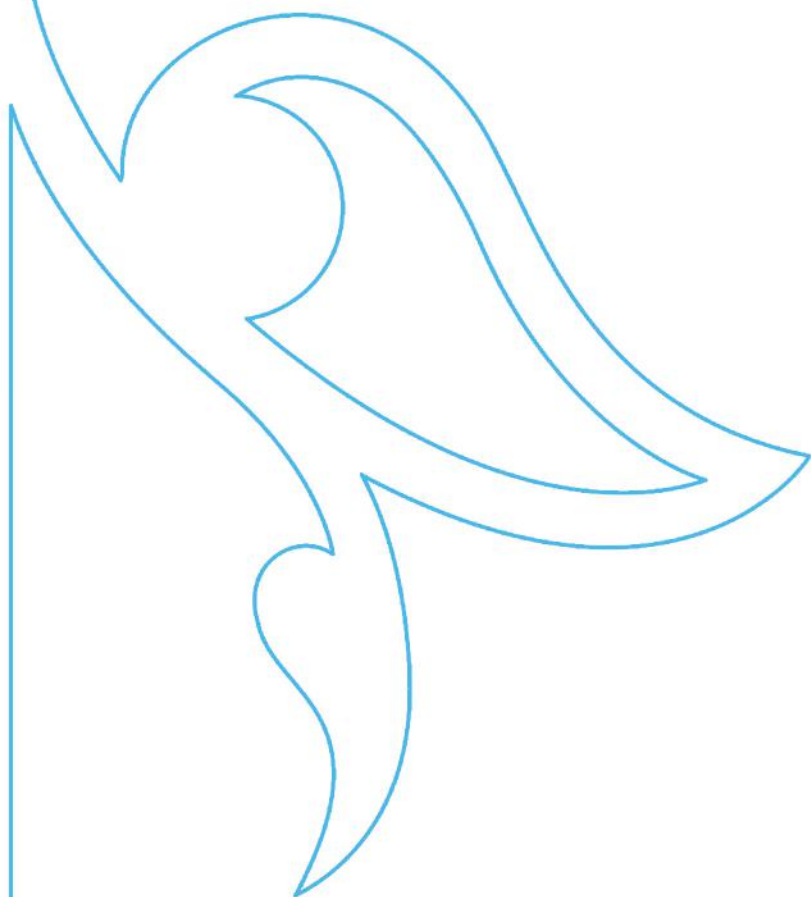
مشکلاتی مانند طلاق و به چالش کشیدن رفاه جامعه..... ۱۲۷.....

پرسش و پاسخ ۱۲۸.....

۱. درگیری با رأس کفر و رأس جریان توسعه‌گرا؛ راهکار مقابله با تئوری‌های توسعه غربی و اصلاح نظامات مختلف مانند آموزش و پرورش

..... ۱۲۸.....

جلسه هفتم



لزوم طی پنج دوره برای تربیت و تزکیه افراد جامعه و
لزوم پشتیبانی نظام آموزشی از این دوره‌های تربیتی

شناسنامه جلسه هفتم



عنوان
لزوم طی پنج دوره برای تربیت و تزکیه افراد جامعه و لزوم پشتیبانی
نظام آموزشی از این دوره‌های تربیتی

تاریخ نشست
۹ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

مباحث جلسات گذشته به بررسی و نقد نظم آموزشی جریان توسعه گرا رسید و بیان شد که اشکال اصلی نظم آموزشی جریان توسعه گرا، اشغال سن تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با بخش خدمات و تولید در این سن است. برای شرح بیشتر این آسیب بزرگ، نظم آموزشی باید به شرح مسأله تربیت و اهمیت آن پرداخت.

ابتدا باید گفت که در ادبیات دینی، موضوعی به نام تربیت به صورت فراوان مورد استفاده قرار نگرفته است؛ بلکه آنچه به صورت مکرر مطرح شده، مسأله تزکیه است. تزکیه یعنی فکر ضربدر ذکر. در تزکیه دو طرف حضور دارند: نفر اول، فرد تزکیه کننده است که وظیفه او ذکر و تذکر است. نفر دوم، تزکیه شونده است که وظیفه او فکر و تفکر است.

اما ذکر یعنی چه؟ ذکر یعنی تکرار یک مطلب با ملاحظه چهار ویژگی. ۱. تکرار مطلب از عمق‌ها و زوایای مختلف. ۲. تکرار یک مطلب همراه با به رسمیت شناختن اراده و اختیار طرف مقابل. ۳. تکرار یک مطلب همراه با رفق و محبت. ۴. تکرار یک مطلب همراه با تدریج.

با توجه به اینکه ذکر باید همراه با تدریج باشد بنابراین تزکیه انسان‌ها شامل فرآیندی مدت‌دار است. از منظر اسلامی فرایند ذکر و تذکر شامل پنج دوره مهم می‌باشد. نخستین دوره تربیت و تزکیه، از انتخاب همسر آغاز و تا تولد فرزند ادامه می‌یابد. این دوره دارای سه مرحله حساس و مهم می‌باشد: ۱. انتخاب همسر. ۲. انعقاد نطفه. ۳. تولد فرزند. در این دوره ظرفیت‌های اولیه شخصیت افراد شکل می‌گیرد.

دوره دوم تربیت شامل هفت سال زندگی افراد است؛ در این دوره محوری‌ترین عنصر این است که پدر و مادر سیادت و آقایی فرزند خود را به چالش نکشیده و مدام به او امر و نهی نکنند؛ زیرا در این سنین فرزند دارای قوه عقل و تمیز نیست و بنابراین مصلحت‌هایی که پدر و مادر درک می‌کنند را درک نمی‌کند و به همین دلیل امر و نهی مکرر موجب خواهد شد که فرزند با خود فکر کند هرگاه می‌خواهد تصمیمی بگیرد مانعی بیرونی مانع تصمیم او خواهد شد. در نتیجه فرزند، شجاعت خود را از دست خواهد داد و قادر به تصمیم‌گیری صحیح نخواهد بود.

سومین دوره تربیت، هفت سال دوم زندگی افراد می‌باشد؛ در این دوره برخلاف دوره اول، پدر و مادر باید با امر و نهی‌های خود خوب و بد را به کودک آموزش داده و درست و غلط را به او نشان دهند. مکانیزم آموزش در این دوره برگزاری کلاس نیست، بلکه امر و نهی پدر و مادر است.

چهارمین دوره تربیت، هفت سال سوم زندگی انسان‌ها می‌باشد؛ در این دوره پدر و مادر با توجه به اینکه قوه عقل در فرزند شکل گرفته است او را وزیر قرار داده و عقل او را درگیر کرده و در مسائل مختلف از فرزند راه حل بخواهند. در این دوره پدر و مادر می‌توانند با فرزند خود تفاهم جدی داشته باشند و تربیت او را به دست بگیرند.

آخرین دوره تربیت از پایان هفت سال سوم آغاز و تا چهل سالگی ادامه می‌یابد؛ در این دوره محور تزکیه و تربیت خود فرد است و خودش باید مدیریت فکر و ذکر خود را در اختیار بگیرد. پس از پایان چهل سال دوره تربیت انسان‌ها تمام خواهد شد و شخصیت آنها هرطور شکل بگیرد همان‌طور خواهد ماند.

فهرست اجمالی

۱۳۷	۱. ذکر و تذکر؛ یکی از ابعاد تربیت و تزکیه و لزوم مطرح کردن تدریجی مباحث هنگام ذکر و تذکر
۱۴۱	۲. لزوم طی فرایند تربیت و تزکیه انسان‌ها در پنج دوره؛ به دلیل لزوم رعایت تدریج هنگام متذکر کردن افراد
۱۴۷	۳. حرکت کردن مع‌الرسول و مع‌الامام، آرامش و رفاه در زندگی خانوادگی و در جامعه؛ دو ثمره انجام فرایند تزکیه به صورت کامل و صحیح
۱۵۰	پرسش و پاسخ

جلسه هشتم: لزوم طی پنج دوره برای تربیت و ترکیه افراد جامعه و لزوم پشتیبانی نظام آموزشی از این دوره‌های تربیتی





۱. ذکر و تذکر؛ یکی از ابعاد تربیت و تزکیه و لزوم مطرح کردن تدریجی مباحث هنگام ذکر و تذکر

۱/۱. نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا؛ یکی از نظامات ضد هویت اسلامی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

بحث ما در این بود که آثار نظم اجتماعی مبتنی بر توسعه غربی را بر «شاخصه‌های هویت اسلامی» بررسی می‌کردیم؛ در مباحث خود به بررسی نظم آموزشی پیشنهادی جریان توسعه‌گرا و آثار آن بر شاخصه‌های هویت اسلامی رسیدیم.

۱/۲. تبیین مفهوم تزکیه؛ مقدمه ورود به نقد نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا

بنده در جلسه گذشته برای اینکه بحث عمیق شود و برای اینکه از بحث‌های بخشی، عرفی و کلی فاصله بگیریم بحثی را راجع به مفهوم تربیت آغاز کردم. اگر ذهن دوستان توجه کرده باشد به خاطر خواهند داشت که بنده عرض کردم در گفت‌وگوهای دینی - یعنی در آیات و روایات - از واژه تربیت کمتر استفاده شده است. آنچه که در روایات راجع به آن بحث شده، مفهوم "تزکیه" است.

۱/۲/۱. ذکر و تذکر توسط فرد تزکیه‌کننده؛ اولین لازمه و عنصر تزکیه و تربیت

برای اینکه مفهوم تزکیه شرح داده شود و آثار آن بر زندگی انسان شفاف گردد، بنده به عنوان مقدمه مفهوم ذکر را خدمت دوستان بازخوانی نموده و عرض کردم که لازمه اول تزکیه این است که فضایی مبتنی بر مسئله ذکر به وجود بیاید. بنده این بحث را تکمیل کنم تا مفهوم تزکیه - که جایگزین مفهوم تربیت است - قدری بیشتر تشریح شود و واضح گردد که نظام آموزشی فعلی از وضعیت مطلوب چه مقدار فاصله دارد.



تکرار از زوایا ۱/۲/۱/۱. تکرار از زوایا
و عمق‌های مختلف؛
اولین ویژگی ذکر

همان‌طور که در جلسه گذشته عرض کردم مسئله ذکر، یک مفهوم ذوابعاد است. ذکر به معنای تکرار است، منتهی نه تکرار از یک زاویه ثابت و در یک عمق مشخص، بلکه ذکر به معنای تکرار از زوایا و عمق‌های مختلف است. همان‌طور که دیروز مثال زدیم در قرآن دائماً نسبت به این موضوع که ربوبیتی در جریان است تذکر داده می‌شود. اما قرآن برای توضیح این مطلب گاهی سؤال می‌کند و می‌گوید «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»؛ یعنی بحث را از بررسی ماهیت یک حیوان آغاز می‌کند و از اهل فکر و لب تقاضا می‌کند که به زندگی یک حیوان توجه کنند. گاهی اوقات نیز بحث را از توجه به آسمان و زمین و ماه و خورشید آغاز می‌کند. گاهی نیز بحث را از درون خود مؤمن و از زاویه روانشناسی شروع می‌کند و گزارشی را از وضعیت درونی انسان‌ها ارائه می‌دهد و مبتنی بر این گزارش بحث خود را مطرح می‌کند. به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛^۱ انسان، سختی‌های زندگی در این دنیا را احساس می‌کند. همان‌طور که می‌بینید در قرآن بحث از زوایا و عمق‌های مختلف آغاز می‌شود؛ اما تمام آنها در نهایت به تذکر نسبت به مسئله ربوبیت ختم می‌شود.^۳

۱/۲/۱/۲. به چالش
نکشیدن اختیار افراد؛
دومین ویژگی ذکر

عرض کردم که ذکر هیچ‌گاه اختیار را به چالش نمی‌کشد؛ وقتی شما با مکانیزم پیچیده ذکر وارد مدیریت می‌شوید، برای خودتان این خط قرمز را قرار می‌دهید که اختیارها را به چالش نکشید. انسان‌ها می‌توانند شاکر یا کافر باشند و شما باید اختیار هر کدام از این دو امر را به عهده خود انسان‌ها بگذارید.^۴

۱/۲/۱/۳. تکرار مطلب
همراه با رفق و محبت؛
سومین ویژگی ذکر

همچنین عرض کردم که اگر می‌خواهید با مکانیزم ذکر وارد شوید حتماً باید این کار را در بستر رفق انجام دهید؛ اصلاً مفهوم رفق، جزء ابعاد مفهوم ذکر است. ما ذکر بدون رفق نداریم و رفق، عامل نفوذ در اختیار و اراده انسان‌هاست.

۱. أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ / آیه ۱۷ سوره مبارکه غاشیة
آیا با تأمل به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟
۲. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ / آیه ۴ سوره مبارکه بلد
همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم.

۳. در آینده وقتی بنده فرصت داشتم تا راجع به زبان شارع در علم اصول بحث کنم، توضیح خواهم داد که زبان شارع، نه زبان امضاء و نه زبان تأسیس نیست؛ بلکه زبان شارع، «زبان انحلال» است. یعنی چه؟ یعنی شارع مقدس ظرفیت‌های متفاوت را در یک جهت واحد - که ما از آن جهت واحد به توحید تعبیر می‌کنیم - منحل می‌کند. از جمله علامت‌های فقیه این است که می‌تواند بحث را با ظرفیت‌های مختلف آغاز کند؛ یعنی می‌تواند نقطه شروع بحث خود را در عمق‌های مختلف و راجع به ظرفیت‌های مختلف طراحی و برنامه‌ریزی کند.

علت اینکه شارع مقدس می‌تواند این کار را انجام دهد - یعنی می‌تواند از ظرفیت‌های مختلف و از زوایای مختلف این کار را انجام دهد - این است که شارع مقدس، اهل ذکر است. دیروز آیه این نکته را خدمت شما قرائت کردم؛ می‌فرماید: «ص وَالْقُرْآنَ ذِي الذِّكْرِ»؛ (آیه اول سوره مبارکه ص) یعنی قرآن صاحب ذکر است. یکی از ویژگی‌های ذکر این است که زوایای مختلف را از عمق‌های مختلف به انسان‌ها نشان می‌دهد و این کار برای ایجاد حرکت و انحلال از وضعیت موجود به سمت یک جهت ثابت کمک زیادی می‌کند. بنده قصد داشتم بگویم عمق این بحث را در علم اصول بحث می‌کنم. اصلاً در جدول اصول فقه ما، اصطلاحی وجود دارد که می‌گوید زبان شارع، زبان انحلال است. این قدرت انحلال به خاطر ابعاد مفهوم ذکر است؛ یکی از ویژگی‌های مفهوم ذکر این است که از زوایای مختلف با شما وارد بحث می‌شود.

انتقال از متن

۴. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا / آیه ۳ سوره مبارکه انسان
ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس.



این مطالب را در جلسه گذشته خدمت شما عرض کردم و حالا می‌خواهم بگویم که ذکر با تمام ابعاد خود - بنده در این جلسات به چهار بُعد آن اشاره کردم - خوراکِ فکر است. در جلسات اول عرض کردم که جامعه‌ای اسلامی‌تر است که فکورتر باشد؛ یعنی از منظر فکر اسلامی عامل سنجش مسئله اسلامیت، میزان تفکر است. هر کسی که متفکرت‌تر باشد، مؤمن‌تر، متقی‌تر و مسلمان‌تر است. روایات این موضوع را نیز در جلسه گذشته قرائت کردم. مهم‌ترین روایت در این زمینه - که بنده آن را به مدت دو دهه در جلسات قرائت کرده‌ام - این است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْمُتَعَبِدُ عَلَى غَيْرِ فِئَةٍ كَجِمَارِ الطَّاحُونَةِ»؛^۵ مثل کسی که بر غیر فقه عبادت می‌کند - فقه یعنی فهم عمیق - مثل خر آسیاب است.

حالا نکته این است که فکر باید در وجود انسان‌ها اتفاق بیافتد. ذکر باید توسط چه کسی اتفاق بیافتد؟ توسط نهاد مدیریت‌کننده و به اصطلاح رایج نهاد تربیت‌کننده. کار مربی ایجاد ذکر است و لذا کسی که می‌خواهد به سمت تزکیه حرکت کند، باید متوجه باشد که معادله اصلی تزکیه، ذکر ضربدر فکر است، این مسئله مهمی است. اگر شما ذکر یا فکر را حذف کنید، در نهایت به مسئله تزکیه دست پیدا نخواهید کرد. وقتی می‌فرماید «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»^۶ - کسی که خود را تزکیه کرد به فلاح دست پیدا کرد - یعنی شخص در عالم بیرون خود با عالم ذکری برخورد داشته و بر روی این عالم ذکر و ابعاد آن تفکر کرده است و در نهایت نیز تزکیه اتفاق افتاده است. تزکیه، نتیجه فکر ضربدر ذکر است. فکر در درون فرد تزکیه‌شونده اتفاق می‌افتد و کار تزکیه‌کننده نیز ذکر است. لذا وقتی در آیات قرآن آمده است که خدای متعال یا پیامبران علیهم السلام تزکیه می‌کنند، باید بدانید که مغز تزکیه‌کردن پیامبران علیهم السلام، تذکر دادن است. «وَ ذَكَرَ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۷ خداوند و پیامبران علیهم السلام تذکر می‌دهند ولی کسی که ایمان دارد از این ذکر بهره می‌برد و همان‌طور که عرض کردم مهم‌ترین ویژگی ایمان نیز اهل فکر بودن است.

بنده قصد داشتم ابتدا مسئله تربیت با نگاه دینی تعریف شود؛ زیرا این مسئله بسیار مهمی است. حالا با این معنایی که بنده از ذکر عرض کردم متوجه می‌شویم که تمام روابط عالم و تکوین، مصداق ذکر هستند؛ یعنی خداوند متعال با مدیریت تکوینی‌ای که در عالم دارد به سمت گسترش فضای ذکر نسبت به حقایق و ربوبیت عالم می‌رود. این معادله اصلی بود که البته جای بحث زیادی دارد. بنده قصد داشتم این نکته را متذکر شوم که شما تصور نکنید تمام تذکرها لسانی است؛ مفهوم ذکر و تذکر انسان‌ها، اعم از تذکر لسانی و غیر لسانی است؛ یعنی ذکر، مکانیزم غیر لسانی هم دارد. مراد بنده این بود که معادله اصلی تزکیه را بحث کنم.

۵. قال أمير المؤمنين عليه السلام: المتعبد على غير فقه كجمار الطاحونة يدور ولا يبرح.

عبادت‌کننده‌ای که بر اساس فقه و شناخت عبادت نمی‌کند مانند خر آسیاب است که می‌گردد ولی هرگز به جایی نمی‌رسد.

مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰ق)؛ بحارالانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰۸

۶. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى / آیه ۱۴ سوره مبارکه اعلی

بی تردید کسی که خود را [از زشتی های باطن و ظاهر] پاک کرد، رستگار شد.

۷. وَ ذَكَرَ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ / آیه ۵۵ سوره مبارکه ذاریات

و پند ده زیرا پند به مؤمنان سود می‌دهد.

همان‌طور که عرض کرده بودم بنده در طول این جلسات اصرار دارم که ما به اندازه زمان جلسه و فهم خودم - که هر دو برای جا انداختن ادبیات وحی محدودیت ایجاد می‌کنند - از حالت شعاری نسبت به اصطلاحات ادبیات وحی خارج شویم. لذا وقتی به شما گفته می‌شود که شما باید خود را تزکیه کنید، حتماً باید بدانید که مقدمه تزکیه، ذکر است. قرآن می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۸؛ تمام این موارد باید با هم جمع شوند. اگر شما در خدمت اهل ذکر حضور پیدا نکنید، فرایند تزکیه شما به چالش کشیده می‌شود. خداوند نفرمود که وقتی شما سؤال دارید و «إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» هستید به سراغ عالم بروید؛ بلکه فرمود «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»؛ مهم دانستن نیست، بلکه مهم این است که طرف مقابل بتواند دانسته‌های خود را در عالم وجود شما جریان داده و شما را متذکر کند. اگر کسی تحت پرتوی اهل ذکر قرار بگیرد، به تدریج متذکر خواهد شد؛ در غیر اینصورت گفتن مطالب که کار سختی نیست. شما انسان‌های زیادی را می‌بینید که تمام آیات قرآن را اتفاقاً از سنین کودکی حفظ کرده‌اند و حتی ترجمه آن را هم می‌توانند بگویند؛ ولی نمی‌توانند انسان‌ها را بر اساس قرآن متذکر کنند.

ما در مباحث خود عرض کرده‌ایم که از جمله علائم فقیه این است که با مدیریت خود قدرت متذکر کردن انسان‌ها را دارد. به عنوان مثال داستان برجام را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند؛ ولی بنده گاهی اوقات این موضوع را از زوایه قدرت مدیریت فقهی که برجام را مدیریت کرد بحث می‌کنم. رهبر معظم انقلاب در داستان برجام بدعهدی آمریکا را تقریباً به همه دنیا متذکر شدند. اینکه شما بتوانید فرآیندی را طراحی کنید تا نسبت به حقایق عالم در وجود انسان‌ها تذکر ایجاد کنید، فرایند پیچیده‌ای در عالم است. لذا تصور نکنید که حفظ برخی آیات و روایات و خواندن چند کتاب انسان را فقیه می‌کند، خیر؛ فقه یک کار پیچیده است. البته برخی اوقات مؤمنین معمولی به سطح تأمل و تعقل ارتقا پیدا می‌کنند؛ اما علامت این که مؤمنی به حد تفقه رسیده این است که قدرت ایجاد تذکر داشته باشد. حالا وقتی بعداً مباحث اصولی را شروع کردم، این مفاهیم را ذیل بحث زبان شارع شرح خواهم داد. غرض بنده این بود که ابتدا تعریفی از تزکیه و تربیت در ذهن ما شکل بگیرد. بنابراین اگر می‌خواهید اهل فکر باشید باید با اهل ذکر ارتباط بگیرید تا در نتیجه ضرب فکر در ذکر، تزکیه ایجاد شود. این معادله به عنوان مغز تربیت محسوب می‌شود.^۹

۸. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» / آیه ۴۳ سوره مبارکه نحل و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم. اگر [این حقیقت را] نمی‌دانید [که پیامبران از جنس بشر بودند] از اهل ذکر بپرسید.

۹. یکی از دوستان از بنده پرسیدند که شما تربیت را با نگاه دینی چگونه تعریف می‌کنید؟ بنده پاسخ این برادر گرامی را دادم و قصد دارم از تعاریف عرفی تربیت خارج شویم و به تعاریف فنی و دقیق از تربیت برسیم.



۲. لزوم طی فرایند تربیت و تزکیه انسان‌ها در پنج دوره؛ به دلیل لزوم رعایت تدریج هنگام

متذکر کردن افراد

علاوه بر ویژگی‌های قبلی‌ای که در باب ذکر بحث کردیم، خصوصیت دیگر ذکر، تدریجی بودن آن است. انسانی که قدرت ایجاد تذکر دارد، باعجله رفتار نمی‌کند. در روایت آمده است که بر جاهل بودن شما همین بس که هر آنچه را می‌دانید بگویید.^{۱۰} چرا در لسان روایات به انسانی که تمام دانسته‌های خود را با سرعت به طرف مقابل انتقال می‌دهد جاهل می‌گویند؟ چون از این نکته غافل است که انسان‌ها باید بر روی اطلاعات و داده‌ها فکر کنند، باید اجازه تفکر بدهید. وقتی داده‌ها را با سرعت به طرف مقابل منتقل می‌کنید، فرصت تفکر را از طرف مقابل می‌گیرید و اجازه نمی‌دهید که در طرف مقابل نسبت به این مسئله پردازش درونی اتفاق بیافتد. در نتیجه تمام فرایندی که در حال طراحی آن هستیم به تزکیه ختم نمی‌شود.

بنابراین یکی از مفاهیمی که در درون ذکر وجود دارد این است که برای تذکر دادن به انسان‌ها، باید باحوصله و با "مُكث" حرف بزنید. «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم وَ قُرْآنًا فَرَقْنَا لِتَفْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ»؛^{۱۱} ای پیامبر! ما قرآن را به صورت جدا جدا و آیه‌آیه نازل کردیم تا تو در مقام قرائت، آیات را با مُكث قرائت کنی. اصلاً سیرِ تنزیلِ تدریجی قرآن این است که تنزیل تدریجی، زمینه ذکر را فراهم می‌کند. بعداً این موضوع را به صورت تفصیلی عرض خواهیم کرد.

اگر موضوع تدریج، از جمله ابعاد مفهوم ذکر است پس زمان نهایی و حد اعلا‌ی تزکیه و تربیت در انسان‌ها حدود چهل سالگی است. این نکته‌ای است که بنده قصد داشتم آن را تذکر دهم. این چهل سال نیز به پنج دوره تربیتی تقسیم می‌شود تا افراد در این پنج دوره باحوصله و بدون هیچ‌گونه زدگی [تحت تزکیه قرار بگیرند].^{۱۲} مباحث دینی مانند خشوع و قنوت - اینک انسان خاشع و قانت باشد، جزء مباحث اولیه دین است - باید در پنج دوره به افراد انتقال داده شود.

دوره اول، بیشترین تأثیر را بر تزکیه و تربیت دارد؛ اما در اختیار خود فرد نیست، بلکه در اختیار پدر و مادر است. این دوره، از انتخاب همسر آغاز و تا دوره ولادت ادامه می‌یابد. پدر و مادری که می‌خواهند فرزند خود را پاک و تزکیه کنند - این بهترین خدمت پدر و مادر به فرزند است - باید در دوره اول بیشترین مراقبت‌ها را انجام دهند.

۱۰. قال علی عليه السلام: من عقل الرجل أن لا يتكلم بكل ما أحاط به علمه.

از نشانه‌های عاقل این است که هر چیزی را می‌داند نگوید.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۵۵۰ ق)؛ غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۶

۱۱. وَ قُرْآنًا فَرَقْنَا لِتَفْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا / آیه ۱۰۶ سوره مبارکه اسراء

و قرآن را [جدا جدا و] بخش‌بخش قرار دادیم تا آن را با درنگ و تأمل بر مردم بخوانی و آن را به تدریج [برپایه حوادث، پیش آمدها و نیازها] نازل کردیم.

۱۲. شما تصور کنید فقهی که قدرت ایجاد ذکر دارد در یک محیط اجتماعی مانند یک محله یا یک نهاد اجتماعی در حال مدیریت باشد. این فقیه اولاً با رفق رفتار می‌کند، ثانیاً اختیارات را به چالش نمی‌کشد، ثالثاً از زوایای مختلف وارد بحث می‌شود، رابعاً تکرار می‌کند و در نهایت با تدریج وارد مباحث می‌شود. قطعاً چنین رفتاری زدگی ایجاد نمی‌کند. در بسیاری از مواقع علت اینک حرف‌های دینی پس‌زده می‌شوند این است که این اصول رعایت نمی‌شوند.



- دوره اول تربیت، شامل سه مرحله مهم است؛ مسئله اول، انتخاب همسر است که اصل در آن، کفویت است. مسئله دوم، مسئله انعقاد نطفه است که اصل در آن، شرایط انعقاد نطفه مانند شرایط زمانی، مکانی، شرایط روحی و عاطفی و ... است. مسئله سوم، دوران حمل است که اصل در آن رفتارهای دوران حمل است. این مسائل را در نشست‌های دیگر به صورت مبسوط بحث خواهیم کرد. بنابراین دوره اول تربیت شامل سه مرحله است.
- همان‌طور که در جلسات گذشته عرض کردم در دوره اول، ظرفیت‌های اولیه شخصیت ایجاد می‌شود. شما می‌خواهید انسانی داشته باشید که اهل تزکیه باشد و دچار تحلیل‌های غلط و روحیات مضر نشود. برای این مقصد باید ظرفیت‌های اولیه این انسان را مدیریت کنید و پدر و مادر مسئول این مراقبت‌ها هستند.
- دوره اول تربیت، شامل سه مرحله مهم است؛ مسئله اول، انتخاب همسر است که اصل در آن، کفویت است. مسئله دوم، مسئله انعقاد نطفه است که اصل در آن، شرایط انعقاد نطفه مانند شرایط زمانی، مکانی، شرایط روحی و عاطفی و ... است. مسئله سوم، دوران حمل است که اصل در آن رفتارهای دوران حمل است. این مسائل را در نشست‌های دیگر به صورت مبسوط بحث خواهیم کرد. بنابراین دوره اول تربیت شامل سه مرحله است.
- همان‌طور که در جلسات گذشته عرض کردم در دوره اول، ظرفیت‌های اولیه شخصیت ایجاد می‌شود. شما می‌خواهید انسانی داشته باشید که اهل تزکیه باشد و دچار تحلیل‌های غلط و روحیات مضر نشود. برای این مقصد باید ظرفیت‌های اولیه این انسان را مدیریت کنید و پدر و مادر مسئول این مراقبت‌ها هستند.
- دوره اول تربیت، شامل سه مرحله مهم است؛ مسئله اول، انتخاب همسر است که اصل در آن، کفویت است. مسئله دوم، مسئله انعقاد نطفه است که اصل در آن، شرایط انعقاد نطفه مانند شرایط زمانی، مکانی، شرایط روحی و عاطفی و ... است. مسئله سوم، دوران حمل است که اصل در آن رفتارهای دوران حمل است. این مسائل را در نشست‌های دیگر به صورت مبسوط بحث خواهیم کرد. بنابراین دوره اول تربیت شامل سه مرحله است.
- همان‌طور که در جلسات گذشته عرض کردم در دوره اول، ظرفیت‌های اولیه شخصیت ایجاد می‌شود. شما می‌خواهید انسانی داشته باشید که اهل تزکیه باشد و دچار تحلیل‌های غلط و روحیات مضر نشود. برای این مقصد باید ظرفیت‌های اولیه این انسان را مدیریت کنید و پدر و مادر مسئول این مراقبت‌ها هستند.

۱۳. عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الخلق، فقال: إن الله تبارك وتعالى لما خلق الخلق من طين، أفاض بها كإفاضة الفداح^{۱۳}، فأخرج المسلم، فجعله سعيدا، وجعل الكافر شقيا، فإذا وقعت النطفة، تلقته الملائكة، فصوروها، ثم قالوا: يا رب، أذكرا أم أنثى؟ فيقول الرب جل جلاله أي ذلك شاء، فيقولان: تبارك الله أحسن الخالقين؛ ثم توضع في بطنها، فتتردد تسعة أيام في كل عرق و مفصل منها، و للرحم ثلاثة أفعال: قفل في أعلاها مما يلي أعلى السرة، من الجانب الأيمن، و القفل الآخر و سبطها، و القفل الآخر أسفل من الرحم، فيوضع بعد تسعة أيام في القفل الأعلى، فيمكث فيه ثلاثة أشهر، فعند ذلك يصيب المرأة خبث النفس، و التهوؤ^{۱۴}، ثم ينزل إلى القفل الأوسط، فيمكث فيه ثلاثة أشهر، و سرة الصبي فيها مجمع العروق، و عروق المرأة كلها منها، يدخل طعامه و شرابه من تلك العروق، ثم ينزل إلى القفل الأسفل، فيمكث فيه ثلاثة أشهر، فذلك تسعة أشهر، ثم تطلق المرأة، فكلما طلقت، قطع عرق من سرة الصبي، فأصابها ذلك الوجع، و يده على سرتة، حتى يقع إلى الأرض و يده مبسوطة؛ فيكون رزقه حينئذ من فيه».

ابی حمزه می‌گوید از امام باقر علیه السلام در مورد خلقت سؤال کردم. پس فرمودند: خداوند تبارک و تعالی هنگامی که مخلوقات را از گل آفرید آنها را از فیض خود بهره‌مند ساخت. مسلمان را جدا نموده و او را سعادت‌مند گردانید و کافر را تیره روز کرد. هنگامی که نطفه بسته می‌شود فرشتگان آن را تحویل گرفته و صورت‌گری می‌کنند. سپس می‌گویند: خداوند! آیا این کودک مذکر است یا مؤنث؟ و خداوند هر یک را که بخواهد می‌گوید. آن دو می‌گویند: آفرین بر بهترین آفرینندگان. سپس نطفه در شکم مادر قرار داده می‌شود و در طی نه روز با گوشت و خون مادر پیوند می‌خورد. رحم سه قفل دارد؛ قفلی که در بالای سمت راست ناف قرار می‌گیرد. قفلی که وسط آن است و قفل دیگر که پایین رحم است. پس از نه روز جنین در قفل بالایی قرار می‌گیرد و به مدت سه ماه در آنجا باقی می‌ماند. این همان زمانی است که مادر دچار بدحالی و تهوع می‌شود. سپس به وسط قفل می‌آید و سه ماه نیز در آنجا توقف می‌کند. در این هنگام همه رگ‌های جنین در ناف اوست و از همین طریق آب و غذا به او می‌رسد. سپس جنین به قفل پایین می‌آید و سه ماه هم آنجا می‌ماند که جمعا نه ماه می‌شود. سپس درد زایمان به سراغ مادر می‌آید و هر بار که این درد به سراغ مادر می‌آید به خاطر رگی است که از ناف جنین قطع می‌شود. دست جنین بر روی نافش است تا اینکه به دنیا می‌آید و دست او آزاد است و از این به بعد از راه دهان تغذیه می‌کند.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۰۷۰ق)؛ البرهان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۱۸

۱۴. پژوهشگر به سند این مطلب دست پیدا نکرده است.



این ابواب روایی، یکی از مصادیق این حرف بنده است که جریان توسعه‌گرا به صورت غیرواقعی، شعاری و غیر مفید وارد تحلیل مباحث می‌شود. شما تصور کنید که اطلاعات افراد راجع به باب روایت‌های دوره اول تربیت یا همان شکل‌گیری ظرفیت‌های اولیه - چه در بُعد روحی، چه در بُعد ذهنی و چه در بُعد جسمی - ارتقا پیدا کند؛ در اینصورت قطعاً در آینده با یک نسل بسیار متفاوت‌تر روبرو خواهیم شد؛ اما در حال حاضر اطلاعات افراد جامعه ما راجع به این بخش تقریباً صفر است و این موضوع جزء خیانت‌های جریان‌های توسعه‌گراست.^{۱۵}

دوره دوم تربیت، هفت سال اول است. همان‌گونه که پیش از این روایاتی را در مورد این دوره خوانده‌ام، محور این دوره آن است که پدر و مادر، آقای فرزند خود را به رسمیت بشناسند. در روایات داریم که «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ»^{۱۶} فرزند در هفت سال اول، سید و آقا است.

وقتی پدر و مادر مراقبت می‌کنند که اختیارات فرزند خود را به چالش نکشند، چند اتفاق مثبت رخ می‌دهد. اتفاق اول این است که چون فرزند فاقد عقل است (ویژگی هفت سال اول آن است که قوه عقل و تمییز وجود ندارد) پس امر و نهی والدین در هفت‌سال اول توسط فرزند تحلیل نمی‌شود، بنابراین نباید خودتان را خسته کنید. این اشتباه است که والدین فکر کنند فرزند در هفت‌سال اول با مباحث آنها ارتباط می‌گیرد. ممکن است فرزند با پدر و مادر همراهی می‌کند؛ اما معنای این همراهی این نیست که فرزند نسبت به امر و نهی پدر و مادر تحلیلی دارد و فایده آن را می‌فهمد. لذا به علت جهل پدر و مادر نسبت به این موضوع، اولین خیانت توسط پدر و مادر در این هفت‌سال به فرزندان اعمال می‌شود.

به عنوان مثال اگر شما فرزندی داشته باشید که اهل بازی باشد، طبیعتاً همیشه خانه شما به‌هم‌ریخته خواهد بود و فقط در زمان حضور مهمان، این خانه منظم است. حالا اگر پدر و مادر ساده‌اندیشی مرتب بودن خانه را به بازی کردن فرزند ترجیح داده و فرزند خود را محدود کنند؛ با توجه به اینکه فرزند نسبت به منظم بودن خانه و حضور مهمان تحلیلی ندارد، با محدود شدن و بازی نکردن، انرژی درونی این فرزند در درون او ذخیره شده و تخلیه نمی‌گردد و عدم تخلیه این انرژی، منشأ عدم تعادل خواهد بود. وقتی انسانی خواسته‌ای داشت و تخلیه نشد، در درون او عدم تعادل ایجاد می‌شود. به همین علت در حدیث می‌خوانیم که دعوا کردن بهتر از کینه‌توزی است.^{۱۷} در مورد

۱۵. به نظر بنده ادبیات دینی بسیار قابل تفاهم، روشن و دل‌نشین است. یکی از مباحث جذاب و قابل تفاهم با مردم - که بنده در جلسات بسیار طولانی با مردم در مورد آنها صحبت کرده‌ام - روایات مربوط به دوره اول تربیت یا همان شکل‌گیری ظرفیت‌های اولیه است. هنگام بحث از این روایات جلسات الگوی پیشرفت هشت تا ده ساعت ادامه پیدا می‌کند. اما نظام آموزشی فرصت طرح این مباحث را نمی‌دهد.

انتقال از متن

۱۶. وقال النبي صلى الله عليه وآله: الولد سيد سبع سنين وعبد سبع سنين ووزير سبع سنين، فإن رضيت أخلاقه لاحدى وعشرين وإلا فاضرب على جنبه فقد أذرت إلى الله تعالى.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: فرزند هفت سال سید و آقا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر تا ۲۱ سالگی روحیات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واگذار، که در پیشگاه خدا معذوری.

طبرسی، حسن بن فضل (۵۴۸ق)؛ مکارم/الاخلاق، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ص ۲۲۲

۱۷. امام هادی علیه السلام: أَلَيْتَابُ مِفْتَاحِ الثَّقَالِ وَالْإِيْتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ؛

گلایه کردن کلید سرسنگینی و بهتر از کینه است.

مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰ق)؛ بحارالانوار، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۶۹



دعوا در قرآن گفته شده است که «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا»^{۱۸} دعا کردن امر بسیار بدی است؛ اما همین دعا کردن بسیار بهتر از این است که انسان در درون خویش چیزی را مخفی نماید و آن را بروز ندهد و تبدیل به کینه شود و یا به اصطلاح تخلیه نگردد. دعوی مختصر، بهتر از کینه به دل گرفتن است، همیشه همین‌طور است. حالا شما فکر کنید که تخلیه‌نشدن در سنین کودکی اتفاق بیافتد؛ حُب این تخلیه‌نشدن منشأ عدم تعادل خواهد بود.

اتفاق دومی که در اثر امر و نهی مکرر فرزند در هفت‌سال رخ می‌دهد این است که چون فرزند شما در این سنین آموزش‌های اولیه را فرا می‌گیرد، ارتباط او با عالم در حال پایه‌ریزی است. اگر فرزند در این سنین به صورت مرتب هنگام اعمال اراده و اختیار در مقابل امر یا نهی قرار گیرد، این مسئله در ذهن وی کاملاً تثویز می‌شود که تمامی اعمال اختیاری وی در همه زمان‌ها با یک عامل بیرونی مواجه خواهد شد. ممکن است فرزند نتواند این موضوع را به زبان بیاورد؛ اما وقتی این موضوع ده یا بیست بار اتفاق بیافتد؛ وقتی می‌خواهد در دفعات بعد اعمال اختیار کند، به صورت پیش‌فرض این موضوع به ذهن او خواهد آمد که ممکن است یک نفر جلوی او را بگیرد. لذا رسماً شجاعت فرزند شما به چالش کشیده می‌شود. وقتی پدر و مادر سیدبودن و آفایی فرزند خود را به چالش می‌کشند، در اصل شجاعت وی را به چالش می‌کشند.

حالا ممکن است این موضوع در دوران کودکی بروز نکند؛ اما در دوره‌های بعدی زندگی کاملاً خود را نشان خواهد داد. این موضوع در مورد بانوان کاملاً مشهود است؛ وقتی خانم‌ها با مردی ازدواج می‌کنند که شجاعت لازم و قدرت تصمیم‌گیری و ریسک‌پذیری را ندارد، زندگی ناپایداری خواهند داشت؛ زیرا مهمترین عامل در زندگی تصمیم‌گیری صحیح است و وقتی در یک دعوی کوچک خاله‌زنی مرد قدرت یک تصمیم‌گیری ساده را داشته باشد، به راحتی خانواده را از آن دعوا عبور می‌دهد. این تصمیم‌گیری ممکن است منجر به این شود که یک مهمانی از پیش تعیین شده، لغو گردد. اگر فرد ریسک‌پذیر باشد، وقتی فکر می‌کند که در آنجا اتفاقی رخ می‌دهد یا حاشیه‌ای شکل می‌گیرد، تصمیم می‌گیرد که به مهمانی نرود. اما انسان‌های ترسو - انسان‌هایی که در هفت‌سال اول سید نبوده‌اند - وقتی وارد این محیط‌ها می‌شوند به سرعت محاسبه می‌کنند که اگر الآن این حرف را بزنم، همسر چه عکس‌العملی نشان می‌دهد، پدر و مادر چه عکس‌العملی نشان می‌دهند، میزبان چه عکس‌العملی نشان می‌دهد. لذا دنیا روی سر این فرد خراب می‌شود؛ با توجه به اینکه هر وقت این فرد خواسته تصمیمی بگیرد با موانع اولیه و امر و نهی پدر و مادر روبرو بوده است، این ممانعت را با استفاده از عالم خیال خود به همه حوزه‌ها تعمیم می‌دهد و چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد. لذا این فرد شجاع نیست و انسان بدون شجاعت نمی‌تواند زندگی خود را حفظ کند. از نظر فنی زندگی به

۲/۴/۲. از بین رفتن شجاعت فرزند؛ دومین نتیجه امر و نهی‌های مکرر پدر و مادر در هفت‌سال اول و به رسمیت نشناختن آفایی فرزند

۱۸. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / آیه ۴۶ سوره مبارکه انفال و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!



معنای تصمیمات صحیح گرفتن است و تصمیمات درست نیز همیشه مخالفانی دارد. پس شما حتماً در هفت سال اول باید شجاعت را پایه‌ریزی کنید. این مباحث، بسیار کاربردی هستند.^{۱۹}

دوره سوم تربیت، هفت‌سال دوم است. هفت‌سال دوم یعنی چه؟ در تعبیر روایت آمده است که فرزند در هفت‌سال دوم عبد باشد؛ یعنی کاملاً قضیه برعکس می‌شود. در هفت سال اول فرزند «سَبَّحُ سَبَّحُ سَبَّحُ» است؛ ولی در هفت سال دوم، «عَبْدٌ سَبَّحُ سَبَّحُ» است. در این دوره پدر و مادر کاملاً رفتار خود را با فرزند برعکس می‌کنند. چرا این کار را انجام می‌دهند؟ چون به لحاظ تکوین عالم، خدای متعال قوه تمیز را -قوه تمیز یعنی قوه عقل اولیه- در هفت‌سالگی به فرزند اعطا می‌کند و این یعنی می‌توان ارتباط درونی با فرزند گرفت. البته این ارتباط درونی در سطحی نیست که شما برای فرزند خود بحث‌های تحلیلی مطرح کنید؛ ولی می‌توان فی‌الجمله با او ارتباط گرفت و خوب و بد و مصلحت و زشت، زیبا و ... را با فرزند تفاهم کرد؛ چون قوه تمیز وجود دارد.

شما می‌توانید در قالب امر و نهی و در قالب اینکه فرزند را به مدت هفت سال عبد قرار می‌دهید، خوبی‌ها و بدی‌های عالم را به فرزندتان امر و نهی کنید. ضمناً مختصری هم با او صحبت و گفت‌و می‌کنید؛ ولی مکانیزم آموزش در هفت‌سال دوم، آموزش عملی است. بعضی فکر می‌کنند مکانیزم آموزش در هفت‌سال دوم، آموزش نظری است؛ یعنی انسان باید بحث و گفت‌وگو کند و کلاس برگزار کند؛ ولی این‌طور نیست. البته نه اینکه اینها صفر می‌شوند، بلکه عامل اصلی آموزش دادن، امر و نهی‌های شما هستند.^{۲۰}

البته این تکرار باید با همان حالت ذکر و از سر رفق و بر اساس همه بحث‌هایی که قبلاً عرض کردم باشد.^{۲۱} بنابراین عرض بنده این است که امر کردن با ویژگی‌هایی که در ضمیمه امر هست، منجر به یادگیری اولیه می‌شود. لذا در هفت‌سال دوم می‌توانید با مکانیزم امر فرزند را وارد یادگیری ادب کنید. هفت‌سال دوم، هفت‌سال ادب است ولی با استفاده از مکانیزم عبدبودن.

۱۹. حالا در فرصت‌های دیگر بیشتر راجع به شجاعت و نسبت آن با هفت‌سال اول و سایر اوصاف دیگر بحث می‌کنم؛ ولی حالا اجمال قضیه را عرض کردم تا به جمع‌بندی بحث برسیم.

انتقال از متن

۲۰. خواهش می‌کنم این مسائل را با دقت و با چشم دل ببینید.

انتقال از متن

۲۱. برخی فکر می‌کنند: امر خدا همان "إِذَا أَمَرَ مُؤَلَا يَعْبُدَهُ" هست؛ یعنی همان‌طور که پادشاه به غلامش دستور می‌دهد، خدا نیز این‌طور دستور می‌دهد. امر خدا واقعاً امر است و از بالا به پایین می‌باشد؛ ولی به این معنا نیست که عقل را درگیر نمی‌کند. خداوند عقل شما را به اندازه ظرفیت‌تان درگیر می‌کند. وقتی بحث‌های روحانی محترمی را که در ماه محرم موضوع "امر" را بحث می‌کردند گوش می‌دادم، احساس بدی در من شکل می‌گرفت. ایشان به شکلی راجع به مسئله امر صحبت می‌کردند که به نظر می‌رسید معنای آن "إِذَا أَمَرَ مُؤَلَا يَعْبُدَهُ" است؛ یعنی پادشاه به غلام خود امر می‌کند. در حالی که خدا در فضای ذکر امر می‌کند؛ امر می‌کند ولی استدلال آن را هم می‌گوید، امر می‌کند ولی از سر رفق است، امر می‌کند ولی از زوایای مختلف بحث می‌کند. وقتی وارد فقه شدیم این موضوعات را بحث خواهیم کرد. به عنوان مثال خدای متعال، به صلاة امر کرده است؛ اما ورودی بحث از جاهای مختلف است. خدای متعال از زوایای مختلف و با رفق بحث کرده است.

انتقال از متن



۲/۶. هفت‌سال سوم؛ چهارمین دوره تربیت و لزوم درگیر کردن قوه عقل فرزند در این دوره تربیتی

هفت‌سال سوم، فرزند «وَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ» است؛ هفت‌سال سوم، هفت‌سال است که عقل اعطا می‌شود و در درون فرزند قوه‌ای وجود دارد که شما می‌توانید در بالاترین سطح فرزندتان را درگیر کنید. شما در این دوره فرزند را وزیر قرار می‌دهید و مسئله را با او طرح کرده و از او راه‌حل می‌خواهید.

حالا شما فکر کنید پدر و مادری این سه سطح کار را انجام دهند؛ یعنی «سَيِّدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ» را رعایت کنند! این دوره‌ها، سه دوره تربیتی هستند که با استفاده از ذکر انجام می‌شوند. پدر و مادر با فرزندشان زندگی می‌کنند، با هم به ورزش می‌روند، با هم گفت‌وگو می‌کنند و با هم سر یک سفره نشسته‌اند؛ ولی حواس پدر هست که اگر فرزند در هفت‌سال اول زندگی قرار دارد، خط قرمز این است که سیدبودن فرزند به چالش کشیده نشود. در هفت‌سال دوم مواظبت می‌کند که با امر کردن‌های مکرر و با ویژگی‌هایی که عرض کردم آموزش‌های اولیه را انتقال دهد. در هفت‌سال سوم، عقل فرزند را به‌کارگیری می‌کند.

۲/۷. پایان هفت‌سال سوم تا چهل‌سالگی؛ پنجمین دوره تربیت

این سه دوره هفت‌ساله خیلی مهم هستند. لذا حضرت فرمود: «اگر پدر و مادری این کارها را انجام دادند و فرزند آنها راه دیگری را انتخاب کردند، دیگر چیزی بر عهده پدر و مادر نیست»؛^{۲۲} چون واقعاً خدمت را تمام کرده‌اند. از هفت‌سال سوم به بعد تا سن چهل سالگی نیز دوره تذکر و تزکیه ادامه دارد؛ منتهی پس از این خود انسان در تزکیه خودش اصل است؛ یعنی انسان در تزکیه خود اختیار تام دارد. لذا در حدیث آمده است که «هرچقدر به چهل سالگی نزدیک‌تر می‌شوید، خداوند سخت‌تر گناهان شما را می‌بخشد».^{۲۳} چون شما همه دوره‌ها را طی کرده‌اید و همه حقایق عالم را می‌فهمید و با این وجود وقتی از خط قرمزها عبور می‌کنید، برخلاف دستگاه انتظار الهی عمل کرده‌اید؛ چون چهل‌سالگی، سن پخته‌شدن است.

۲۲. وقال النبي صلى الله عليه وآله: الولد سيد سبع سنين وعبد سبع سنين، فان رضيت أخلاقه لاحدى وعشرين وإلا فاضرب على جنبه فقد أذرت إلى الله تعالى.

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: فرزند هفت سال سید و آقا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر تا ۲۱ سالگی روحيات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واکذار، که در پیشگاه خدا معذوری.

طبرسی، حسن بن فضل (۵۴۸ق)؛ مکارم/الاخلاق، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ص ۲۲۲

۲۳. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن، علي بن احکم، عن داود، عن سيف، عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن العبد لفي فسحٍ من أمره ما بينه وبين أربعين سنة؛ فإذا بلغ أربعين سنة أوحى الله عز وجل إليّ ملئكتيه: إتي قد عمّرت عبدي عمراً فغلظاً وشدداً و تحفظاً و اكتبا عليه قليل عمّله و كثيره و صغيره و كبيره.

امام صادق عليه السلام فرمودند: انسان تا سن چهل سالگی (تا حدودی) در گشایش و مهلت است و چون به چهل سالگی رسد خداوند متعال به دو فرشته (مأمور انسان) دستور می‌دهد: تا اینجا بنده‌ام را عمر (فرجه و مهلت) دادم از این پس او را شدیداً و به سختی کنترل و (اعمالش را) ضبط کنید و زیادی، کمی، کوچک و بزرگ عملش را بنویسید.

کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ق)؛ الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۷ش، ج ۸، ص ۱۰۸



۳. حرکت‌کردن مع‌الرسول و مع‌الامام، آرامش و رفاه در زندگی خانوادگی و در جامعه؛ دو نمره

انجام فرایند تزکیه به صورت کامل و صحیح

حالا به اصل بحث بنده بازگردید؛ معادله اصلی، ذکر ضربدر فکر بود. پدر و مادر در دوره اول سعی می‌کنند با تقاضا، دعا و مدیریت خود ظرفیت‌های مورد نیاز این معادله را در اختیار فرزند قرار دهند. در سه دوره هفت‌ساله، پدر و مادر "ذکر ضربدر فکر" را به اشکال مختلف به جلو می‌برند. پس از هفت‌سال سوم نیز خود انسان به عنوان محور اصلی، "ذکر ضربدر فکر" را مدیریت می‌کند. پس همه این کارها تربیت است و وقتی شما به سن چهل سالگی رسیدید انسان پخته‌ای می‌شوید که تربیت در شما به اوج رسیده است و حالا می‌توانید مع‌الرسول و مع‌الامام حرکت کنید؛ مانند انسان‌های ضعیف فعلی نمی‌شوید که یک چالش ساده خانوادگی را نمی‌توانند مدیریت کنند.

امروز بنده عباراتی از زیارت جامعه کبیره را مرور می‌کردم. وقتی مؤمن در مقام زیارت قرار می‌گیرد و با خدای متعال صحبت نموده و امام را زیارت می‌کند؛ یکی از فقره‌های حرف‌های او این است که «و نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ.»^{۲۴} در دعای دیگری شما به حضرت ولیعصر^{علیه‌السلام} عرض می‌کنید که «یاری من برای شما؛ اصلاً من یار و ناصر شما هستم.» خُب چنین درخواست‌هایی ظرفیت‌های عقلی می‌خواهد؛ اینکه کسی کمال خود را در یاری پیامبر و امام ببیند ظرفیت عقلی می‌خواهد. محال است این مباحث بدون طی این دوره‌های تربیت شکل بگیرند. بالاترین مقام، یاری امام است و یاری امام به معنای یاری کامل‌ترین انسانی است که در کره زمین وجود دارد.

تمام دوستانی که در این جلسه هستند یک نفر را یاری می‌کنند و این یک واقعیت است؛ در محیط کار یک نفر را یاری می‌کنید، استادان را یاری می‌کنید و ... اصلاً مسئله نصرت، یک امر جهان‌شمول است و نمی‌توانید آدمی را پیدا کنید که کسی را یاری نکند. لذا دین به این نصرت جهت می‌دهد و می‌گوید اگر عقل شما ارتقاء پیدا کرد، زیارت می‌خوانید و به امام می‌گویید: «و نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ». بعضی به امام نمی‌گویند «و نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ»، بلکه به رئیس خود که به آنها پول می‌دهد می‌گویند «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ».

در روایت هست که اجیر شدن مکروه است؛^{۲۵} چون اجیر شدن، قراردادی است که شما به بهای یک مقدار پول اجاره می‌شوید. به عنوان مثال الآن افرادی خودشان را سی‌سال اجاره می‌دهند تا حقوق ماهیانه‌ای بگیرند. یا اینکه خود را به صورت کوتاه‌مدت اجاره می‌دهند. شما خودتان را اجاره می‌دهید و تأمین معاش می‌شوید - این حکم فقهی خیلی مهم و فنی است - ولی چون در باطن

۲۴. وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ / فرازی از زیارت اربعین

و یاری‌ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شمایم نه با دشمنانتان.

۲۵. أحمد، عن أبيه، عن محمد بن عمرو، عن عمار الساباطي قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): الرجل يتجر فإن هو أجر نفسه أعطى ما يصيب في تجارته فقال: لا يؤاجر نفسه ولكن يسترزق الله عز وجل ويتجر فإنه إذا أجر نفسه حظر على نفسه الرزق.

عمار ساباطی می‌گوید: به امام صادق^{علیه‌السلام} عرض کردم: شخصی می‌تواند تجارت کند، با این حال اگر خودش را اجیر [دیگری] سازد، به اندازه‌ای که خودش تجارت کند، به او داده می‌شود. فرمود: اجیر نشود؛ بلکه از خداوند بزرگ روزی طلبد و دست به تجارت زند؛ زیرا اگر اجیر شود، مانع روزی خود شده است.

اجاره‌شدن بجز اینکه پولی دریافت می‌شود شما یک جهتی را یاری می‌کنید، اجیر شدن کراهت دارد. انسان باید به مقامی برسد که بگوید من در این بیست‌سالگی که زندگی می‌کنم کسی را یاری می‌کنم که یاری کردن او واقعاً ارزش داشته باشد.^{۲۶}

در حال حاضر چیزهای عجیبی رخ می‌دهد. مثلاً به سبب همین نظم توسعه غربی انسان‌ها از لحاظ عقلی در شرایطی قرار دارند که با سرعت به این سمت حرکت می‌کنند که اجیر دیگران شوند. می‌بینید که چه میلی برای استخدام در نهادهای دولتی وجود دارد؟! خُب اینها برای بحث ما و کارهایی که می‌خواهیم برای زمینه‌سازی ظهور انجام دهیم مشکل ایجاد می‌کنند.

از جمله فواید اولیه اینکه انسان تزکیه شود، آرامش در زندگی خانوادگی خواهد بود. شما فکر کنید پدری در خانه خود مدیریت ذکر داشته باشد؛ اولین اتفاقی که خواهد افتاد این است که همسرش از دست او در امان خواهد بود و فرزندان او دوران کودکی و نوجوانی پرباری را طی خواهند کرد.

۳/۲. آرامش در زندگی خانوادگی و ایجاد رفاه در جامعه؛ یکی دیگر از ثمرات تزکیه و تربیت

بنده حیث اجتماعی ذکر را عرض می‌کنم؛ شما راجع به کودکان کار چه نظری دارید؟ راجع به کودکان خیابانی چه کاری انجام می‌دهید؟ بنده طرحی را از شهرداری دیده‌ام برای اینکه کودکان بازمانده از تحصیل بتوانند تحصیل کنند.^{۲۷} این طرح‌ها حتماً تمجید خواهند شد ولی همه آنها طرح‌های کوتاه‌مدت هستند. اگر می‌خواهید معضلات و مسائل اجتماعی را حل کنید راهکار این موضوع، مسئله خانواده است و خانواده نیز به نظام آموزشی‌ای نیاز دارد که باطن خانواده یعنی تزکیه را بحث کند و آن را جا بیاندازد. چطور وقتی می‌خواهید یک سفینه را به هوا بفرستید و حدود یک میلیون قطعه را به یکدیگر متصل کنید، تیم تحقیقاتی تشکیل می‌دهید و بیست سال نسل‌ها را درگیر می‌کنید تا بتوانید یک هایتک (high-tech) تولید کنید. اما وقتی به انسان که قرار است او را به معراج و به اوج برسانید می‌رسید؛ همین بحث‌های کم‌عمق دینی را مطرح می‌کنید که نتیجه آن نیز ۴۲ درصد طلاق و فروپاشی خانوادگی خواهد بود، نتیجه آن عدم رفاه انسان خواهد بود.

۳/۳. قدرت ایجاد تربیت و تزکیه؛ اصلی‌ترین ویژگی نظام آموزشی مطلوب

آن نظم آموزشی‌ای که فقط آموزش‌های بخش خدمات و تولید را [انتقال می‌دهد] انسان را اکونومیک تربیت می‌کند و نتیجه تربیت انسان اکونومیک نیز عدم رفاه خواهد بود؛ اما اگر نظم

۲۶. فکر نمی‌کنم در این دوره در خصوص مقام امام صحبت کنم. امام، مدیر تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر است. امام در حال انجام کار بسیار مهمی در عالم است؛ مدیریت چهار مفهوم اصلی‌ای که عالم بر اساس آنها بنا شده است. خُب متوجه‌شدن این مسائل نیازمند عقل است. بنده به هم‌لباس‌های خودم ایراد می‌گیرم؛ آنها مردم را به معرفه‌الامام که یک مقام بسیار بزرگ است دعوت می‌کنند و برای ایجاد این معرفت کلاس برگزار می‌کنند!!! برادر عزیزم! باید نظم اجتماعی تغییر کند تا مردم نسبت به امام ارتقاء معرفت پیدا کنند. امام یک مقام دست نیافتنی است؛ در روایت فرمودند: «لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ أَحَدٌ»؛ (خطبه دوم نهج‌البلاغه) یک وقت در ذهن خود بین آل محمد ﷺ و کسی دیگری قیاس نکنید. امامان علیهم‌السلام انسان‌های پیشرویی هستند که در اوج عقل و فکر قرار دارند. خُب این خیلی مهم است که شما در طول دوره تربیتی این مقام را به فرزند خود متذکر شوید. در روایت هست که باید این کار را انجام دهید. بنابراین چون ذکر تدریجی است در زندگی دنیایی پنج‌مرحله اصلی برای ذکر تعریف شده است. بعد از چهل‌سالگی هر چیزی بشوید تا آخر عمر همان هستید.

انتقال از متن

۲۷. شهردار منطقه ۷ از اجرای طرح جهاد مهربانی در این منطقه خبر داد و گفت: این طرح با شعار «تهران، مدرسه‌ای برای همه» ویژه کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ ساله بازمانده از تحصیل در سطح این منطقه اجرا می‌شود.

پرسش و پاسخ

۱. لزوم تربیت انسان‌های ذوالفنون و چند بُعدی توسط نظام آموزشی

یکی از حضار(۱): بیخشید استاد، با این وضعیتی که شما مطرح کردید، تربیت در حال حاضر به چه شکل خواهد شد؟ استاد کشوری: در حال حاضر به دلیل اینکه ما در تمدن مدرن زندگی می‌کنیم، دوره تربیت ما به شکل کلی به چالش کشیده شده است. حال باید دید که دین در مورد این موضوع راه میان‌بری قرار داده یا نه که ان‌شالله در جلسات بعد به آن خواهیم پرداخت. اما به هر حال باید نظم اجتماعی را تغییر دهیم تا تکرار این موضوعات متوقف شود.

یکی از حضار(۱): ...

استاد کشوری: بله، این موضوع امری جدی است؛ یعنی ما با تفکیک تخصص‌ها در نظام آموزشی مخالف هستیم و نظام آموزشی ما به سمت تربیت آدم‌های ذوالفنون حرکت خواهد کرد.

یکی از حضار(۱): پس باید به شکل قدیم برویم؛ اما این موضوع واقعاً در حال حاضر امکان ندارد.

استاد کشوری: خیر؛ عرض می‌کنم که ما مانند قدیم نخواهیم بود، بلکه ما به سمت نظامی خواهیم رفت که مدیران آن نظم باید حتماً ذوالفنون باشند. بنده یک نکته فنی عرض کنم؛ توجه بفرمایید که همین الآن دنیای غرب در مدیریت علمی به سمت تشکیل رشته‌های میان‌بخشی رفته است. این حاکی از این است که تخصص‌گرایی به چالش کشیده شده است. بعداً این موضوع را توضیح خواهیم داد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد ﷺ

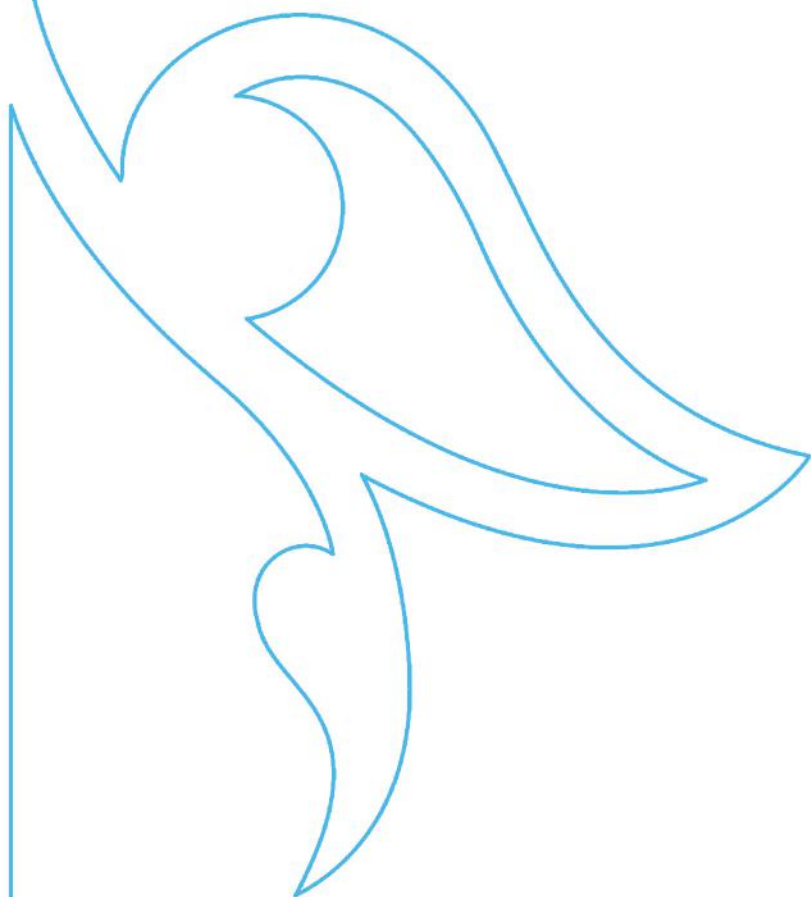


فهرست تفصیلی

۱. ذکر و تذکر؛ یکی از ابعاد تربیت و تزکیه و لزوم مطرح کردن تدریجی مباحث هنگام ذکر و تذکر ۱۳۷
- ۱/۱. نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا؛ یکی از نظامات ضد هویت اسلامی ۱۳۷
- ۱/۲. تبیین مفهوم تزکیه؛ مقدمه ورود به نقد نظم آموزشی جریان توسعه‌گرا ۱۳۷
- ۱/۲/۱. ذکر و تذکر توسط فرد تزکیه‌کننده؛ اولین لازمه و عنصر تزکیه و تربیت ۱۳۷
- ۱/۲/۱/۱. تکرار از زوایا و عمق‌های مختلف؛ اولین ویژگی ذکر ۱۳۸
- ۱/۲/۱/۲. به چالش نکشیدن اختیار افراد؛ دومین ویژگی ذکر ۱۳۸
- ۱/۲/۱/۳. تکرار مطلب همراه با رفق و محبت؛ سومین ویژگی ذکر ۱۳۸
- ۱/۳. تفکر کردن توسط فرد تزکیه‌شونده؛ عنصر دوم تزکیه و تربیت افراد جامعه ۱۳۹
- ۱/۴. بی‌ثمر شدن تزکیه و تربیت در صورت حذف هر یک از دو عنصر ذکر و فکر ۱۳۹
- ۱/۲/۱/۴. ایجاد فضای ذکر توسط تمام روابط عالم و تکوین و محدود نشدن ذکر به تذکر لسانی ۱۳۹
- ۱/۲/۱/۵. ارتباط با اهل ذکر (فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛ لازمه تزکیه انسان‌ها ۱۴۰
- ۱/۲/۱/۶. قدرت ایجاد تذکر در جامعه؛ یکی از علائم فقیه ۱۴۰
۲. لزوم طی فرایند تربیت و تزکیه انسان‌ها در پنج دوره؛ به دلیل لزوم رعایت تدریج هنگام متذکر کردن افراد ۱۴۱
- ۲/۱. تدریجی بودن و زمان دادن به انسان‌ها برای تفکر بر روی اطلاعات منتقل شده به آنها؛ چهارمین ویژگی ذکر ۱۴۱
- ۲/۲. تقسیم‌بندی دوره‌های ذکر به پنج دوره؛ نتیجه تدریجی بودن مسئله ذکر ۱۴۱
- ۲/۳. انتخاب همسر تا تولد فرزند؛ اولین دوره تزکیه و ذکر ۱۴۱
- ۲/۳/۱. انتخاب همسر، انعقاد نطفه و تولد؛ سه مرحله مهم دوره اول تزکیه ۱۴۲
- ۲/۳/۲. شکل‌گیری ظرفیت‌های اولیه شخصیت در دوران اول تزکیه ۱۴۲
- ۲/۳/۲/۱. اقبال بیشتر افراد جامعه به انسان‌های زیبا و شکل‌گیری نوع سیمای ظاهری انسان‌ها در دوران حمل؛ یکی از ظرفیت‌های اولیه دوره اول تربیت ۱۴۲
- ۲/۳/۳. عدم انتقال اطلاعات مربوط به دوره اول تربیت توسط نظام آموزشی به دانش‌آموزان؛ یکی از مصادیق خیانت‌های جریان توسعه‌گرا ۱۴۳
- ۲/۴. هفت‌سال دوم به محوریت به رسمیت شناختن اختیار و آقایی فرزند؛ دومین دوره تربیت ۱۴۳
- ۲/۴/۱. عدم تخلیه انرژی درونی فرزند و در نتیجه ایجاد عدم تعادل؛ نتیجه اول امر و نهی‌های مکرر پدر و مادر در هفت‌سال اول و به رسمیت‌نشاندن آقایی فرزند ۱۴۳
- ۲/۴/۲. از بین رفتن شجاعت فرزند؛ دومین نتیجه امر و نهی‌های مکرر پدر و مادر در هفت‌سال اول و به رسمیت‌نشاندن آقایی فرزند ۱۴۴

- ۲/۵. هفت‌سال دوم زندگی؛ سومین دوره تربیت و لزوم آموزش خوب و بد توسط پدر و مادر از طریق امر و نهی به فرزند و نه برگزاری کلاس درس ۱۴۵
- ۲/۵/۱. لزوم ملاحظه ویژگی‌های ذکر هنگام امر کردن به فرزند ۱۴۵
- ۲/۶. هفت‌سال سوم؛ چهارمین دوره تربیت و لزوم درگیرکردن قوه عقل فرزند در این دوره تربیتی ۱۴۶
- ۲/۷. پایان هفت‌سال سوم تا چهل‌سالگی؛ پنجمین دوره تربیت ۱۴۶
۳. حرکت‌کردن مع‌الرسول و مع‌الامام، آرامش و رفاه در زندگی خانوادگی و در جامعه؛ دو ثمره انجام فرایند تزکیه به صورت کامل و صحیح ۱۴۷
- ۳/۱. قدرت حرکت مع‌الرسول و تصمیم به نصرت امام در عوض یاری‌کردن و نصرت افراد دیگر؛ اولین ثمره تزکیه و تربیت ۱۴۷
- ۳/۲. آرامش در زندگی خانوادگی و ایجاد رفاه در جامعه؛ یکی دیگر از ثمرات تزکیه و تربیت ۱۴۸
- ۳/۳. قدرت ایجاد تربیت و تزکیه؛ اصلی‌ترین ویژگی نظام آموزشی مطلوب ۱۴۸
- پرسش و پاسخ ۱۵۰
۱. لزوم تربیت انسان‌های ذوالفنون و چند بُعدی توسط نظام آموزشی ۱۵۰

جلسه هشتم



عدم بهینه روابط انسانی و تلاش برای حل
معضلات به صورت روبنایی؛ مشکل اصلی نظام
قانون گذاری فعلی

شناسنامه جلسه هشتم



عنوان
تبیین ضدیت اقتصاد مبتنی بر توسعه با هویت اسلامی در دو بخش
تجمیع سرمایه و مدیریت روابط انسانی

تاریخ نشست
۱۳۹۵ آبان ۱۰

مشخصات اثر
۱۳ صفحه (قطع رحلی)

در جلسات گذشته بیان شد که اصلی‌ترین دلیل ضدیت نظم آموزشی با هویت اسلامی، اشغال سن تربیت توسط این نظم اجتماعی است و به دلیل اهمیت مسأله تربیت و تزکیه نمی‌توان از آن دست برداشت. در این جلسه مختصری راجع به اهمیت تزکیه و تربیت بحث کرده و سپس به تشریح ضدیت نظام قانون گذاری با هویت اسلامی خواهیم پرداخت.

اصلی‌ترین اثری که تزکیه و تربیت ایجاد می‌کند بهینه روابط انسانی است؛ در واقع اگر دوران تزکیه انسان‌ها به صورت درست و مطابق با قواعد دینی طی شود، روابط میان انسان‌ها بهینه خواهد شد. اما اثر بهینه روابط انسانی در اداره جامعه چیست؟ در پاسخ باید گفت که به دلیل محوریت انسان‌ها در تمام بخش‌های جامعه، اگر روابط انسانی بهینه شود بسیاری از مسائل مبتلابه مدیران منتفی خواهد شد. به عنوان مثال یکی از معضلاتی که در حال حاضر مدیران جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند مسأله اختلاس است. مدیران فعلی جمهوری اسلامی برای مبارزه با اختلاس از قانون شفافیت استفاده می‌کنند. در حالی که علت میل انسان‌ها به اختلاس افزایش حرص افراد جامعه توسط سیستم اقتصادی و بانک‌هاست. در واقع سیستم اقتصادی حرص انسان‌ها را افزایش داده و روابط انسانی آنها را برهم می‌ریزد و پس از آن سعی میکند با شفافیت جلوی حرص انسان‌ها را بگیرد. در حالی که اگر مدیران جامعه به بهینه روابط انسانی بپردازند بسیاری از این مشکلات از ریشه حل خواهند شد. بنابراین اصلی‌ترین اثر تزکیه، تسهیل اداره جامعه است.

در ادامه این جلسه به تشریح نظم قانون گذاری و ضدیت آن با هویت اسلامی جامعه پرداخته می‌شود. در توضیح این مطلب باید به اختصار گفت که از منظر الگوی پیشرفت اسلامی اشکال اصلی نظم قانون گذاری فعلی، امر و نهی‌های مکرری است که در قالب قانون صورت می‌گیرد. در واقع مشکل اصلی نظام قانون گذاری این است که در عوض بهینه روابط انسانی، به صورت روبنایی با اتفاقات برخورد کرده و برای ایجاد نظم در جامعه دست به وضع مکرر قوانین می‌زند؛ در حالی که از منظر دین مبین اسلام، هیچگاه نباید اختیار افراد جامعه را به چالش کشید، بلکه انسان‌ها در اعمال و تصمیمات خود مختار هستند و نباید به بهانه نظم دادن به جامعه بر روی اختیار آنها خط کشید.

از منظر الگوی پیشرفت اسلامی راه درست این است که قوانین نظام قانون گذاری در عواض برخورد روبنایی، به سمت بهینه روابط انسانی بروند تا بتوانند معضلات اجتماعی را از ریشه‌ها کنترل کنند. در واقع اصلی‌ترین اشکال قانون گذاری این است که انسان‌ها را مجبور به رعایت نظم می‌کند و همین موضوع باعث می‌شود که افراد جامعه در اثر کثرت قوانین دچار عدم تعادل روحی شده و خود را در تله‌هایی از قانون ببینند و اشتیاقی نسبت به انجام دادن قوانین نداشته باشند.

فهرست اجمالی

۱. بهینه روابط انسانی و در نتیجه رفع ریشه‌ای بسیاری از معضلات اجتماعی مانند اختلاس، زمین‌خواری و ...؛ نتیجه اهتمام به معادله تزکیه (ذکر ضربدر فکر)	۱۵۷
۲. عدم بهینه روابط انسانی و تلاش برای حل معضلات به صورت روبنایی؛ مشکل اصلی نظام قانون‌گذاری فعلی	۱۶۲
پرسش و پاسخ	۱۶۶

جلسه هشتم: عدم بهینه روابط انسانی و تلاش برای حل معضلات به صورت روایتی؛ مشکل اصلی نظام قانون گذاری فعلی





۱. بهینه روابط انسانی و در نتیجه رفع ریشه‌ای بسیاری از معضلات اجتماعی مانند اختلاس،

زمین خواری و ...؛ نتیجه اهتمام به معادله تزکیه (ذکر ضربدر فکر)

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. ذکر ضربدر فکر؛
معادله اصلی تزکیه و
تربیت

در آغاز کلام خلاصه‌ای را در مورد بحث جلسه گذشته محضرتان گزارش دهم. سپس به فضل الهی وارد بررسی آثار سوء نظام قانون‌گذاری پیشنهادی جریان توسعه‌گرا خواهم شد. همان‌طور که دیروز محضرتان عرض کردم معادله اصلی‌ای که در پنج دوره تربیت باید مورد توجه طرفین تربیت و تزکیه - یعنی تزکیه‌کننده یا همان تربیت‌کننده و تزکیه‌شونده یا همان تربیت‌شونده - قرار بگیرد این است که شرایط باید برای ذکر ضربدر فکر آماده باشد. این خلاصه بحثی است که در جلسه گذشته عرض کردم. تزکیه‌کننده باید قدرت متذکر کردن را داشته باشد. البته تذکر دادن غیر از یاد دادن است، ذاکر بودن و متذکر بودن غیر از این است که انسان مسأله‌ای را به دیگری یاد دهد. مهم‌ترین ویژگی‌ای که طرف تزکیه‌شونده باید رعایت کند، بحث فکر است. اینها را دیروز توضیح دادم.

۱/۲. بررسی آثار اجتماعی معادلات وحی مانند معادله تربیت؛ نکته محوری مباحث اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

اما نکته‌ای که در همه بحث‌های «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و در تدوین «اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مورد توجه جدی ما بوده این است که آثار اجتماعی اجرای معادلات وحی را در هر حوزه‌ای از حوزه‌های اداره جامعه - از صنعت گرفته تا حوزه‌های تربیتی و حوزه‌های مبانی نظری - بحث کرده‌ایم. این، یک نکته مهم و به نوعی یک ممشا و روش در مباحث الگوی پیشرفت است. اگرچه اجرای معادلات وحی آثار روانشناسانه نیز دارد و اگر کسی به این معادلات رفتار کند روحش ارتقا بیشتری پیدا می‌کند و آرامش بیشتری برای آن فرد مهیا می‌گردد؛ یعنی می‌توانیم اجرای این معادلات را از حیث تأثیر بر افراد بررسی کنیم. اگرچه معادلات وحی بر سعادت اخروی افراد نیز تأثیر دارند؛ یعنی اگر کسی در زندگی دنیایی خود به معادلات وحی ملتزم شود، فلاح اخروی نیز برای او حاصل می‌شود. اگرچه همه اینها وجود دارد ولی اصرار ما در مباحث‌مان بر این بوده که آثار اجتماعی معادلات وحی را بحث کنیم. این موضوع در تمام بخش‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنظر ما بوده است.

حال مبتنی بر این اصل سؤال این است که اثر اصلی معادله تزکیه^۱ در اداره جامعه چیست؟ تأثیر معادله اصلی تزکیه، بهینه روابط انسانی است.

۱/۳. بهبود و بهینه روابط انسانی؛ اثر اصلی معادله تزکیه و تربیت

بهینه روابط انسانی در اداره جامعه یک مسأله مهم به حساب می‌آید. وقتی هر یک از بخش‌های جامعه را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که اصل در آن بخش «بهینه روابط انسانی» است؛ از بخش‌های صنعتی، اقتصادی، نظامی و امنیتی تا بخش‌های کاملاً فنی، انسان‌ها حضور دارند و اگر شما قدرت بهینه روابط بین انسان‌ها را نداشته باشید همه حوزه‌ها به چالش کشیده می‌شوند. این نکته مهم است و بنده با تأنی و تأکید خواهش می‌کنم که دوستان به آن توجه کنند. در هر جا حتی بخش‌های اقتصادی اگر شما نتوانستید روابط انسانی را بهینه کنید، به چالش کشیده شدن روابط انسانی اثر سوء خود را بر آن بخش خاص خواهد گذاشت، این نکته‌ای است که باید به آن توجه کنید. اگر ما معادله ذکر ضربدر فکر را جدی بگیریم، روابط انسانی به اصطکاک کشیده می‌شود و در اینصورت بخشی از توان مدیریت باید صرف این شود که روابط به اصطکاک کشیده شده را بهینه کند تا آن بخش جلو برود. در همه حوزه‌ها همین‌طور است.

۱/۳/۱. اصالت انسان‌ها در تمام بخش‌های مختلف جامعه مانند امنیت، اقتصاد و...؛ دلیل محوریت بهینه روابط انسانی در اداره جامعه

لذا اگر ما به تبع انبیاء علیهم‌السلام در الگوی اداره جامعه توانستیم به یک ابرمعادله برسیم و به وسیله آن روابط انسانی را بهینه کنیم - همان‌گونه که بنده مکرراً در جلسات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گفته‌ام - بافت مسائل روی میز مدیران جامعه عوض خواهد شد. در حال حاضر مدیران، نخبگان و مردم جامعه با مسائلی روبرو هستند و آن اکسیر و شاه‌مهره‌ای که باعث می‌شود بافت این مسائل بالکل تغییر کنند، بهینه‌کردن روابط انسانی است. یعنی الگوی پیشرفت اسلامی به سمت رفع ریشه‌ای بسیاری از مسائل حرکت می‌کند، برخلاف تفکر توسعه غربی که سعی می‌کند برای یک چالش راه حل روبنایی ارائه کند.

۱/۴. تغییر بافت مسائل مبتلابه مدیران جامعه و حل بسیاری از مسائل و معضلات اجتماعی به صورت بنیادین؛ نتیجه بهبود روابط انسانی

۱. معادله اصلی تزکیه یعنی ذکر ضربدر فکر؛ ذکر، غالباً یک پدیده بیرونی و فکر یک پدیده درونی است. فکر باید با تمام ابعاد پنج‌گانه خود در درون انسان وجود داشته باشد.



بنده مثال می‌زنم تا بحث روشن‌تر شود. من سه مسأله در ذهن دارم که به نظرم می‌رسد این سه مسأله در حال حاضر جزء مسائل روز کشور محسوب می‌شوند و باید برای آنها راه حل ارائه کنیم. دیشب در شبکه خبر گفت‌وگویی صورت گرفت^۲ که از نظر دوستان ما ظاهر آن به الگوی پیشرفت ربطی نداشت. گفت‌وگو بر سر مسأله "ثبت سند خودرو" بود. ظاهر موضوع این است که این مسأله به الگو ربطی ندارد و در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نمی‌توانیم به این موضوع ورود پیدا کنیم.

حالا داستان ثبت سند خودرو چیست؟ بین کانون و کلا و نیروی انتظامی اختلافی ایجاد شده بود و دوستان در شبکه خبر بحث می‌کردند که قانون تصویب‌شده در مجلس شورای اسلامی، راجع به رفع این اختلاف دقیقاً چه مطلبی گفته است. این، موضوع کل جلسه بود. کانون و کلا با تکیه بر برخی از عبارات قانون مصوب قبل از انقلاب نکاتی را مطرح می‌کرد،^۳ نیروی انتظامی نیز با استناد به قانون مصوب سال ۸۹ بحث دیگری را مطرح می‌کرد.^۴ در حقیقت یک دعوی حقوقی مطرح شده بود و طرفین، حقوق‌دان بودند و بحث می‌کردند که قانون برای رفع این مسأله چه راه حلی را پیشنهاد داده است. اصل داستان نیز بر روی مسأله ثبت سند خودرو بود.

حالا چرا قضیه ثبت سند خودرو به این میزان مهم شده بود؟ چون اگر ثبت سند خودرو به صورت استاندارد - یعنی همان‌گونه که کانون و کلا به دنبال آن هست - محقق نشود، در آینده معاملات به چالش کشیده خواهند شد؛ یعنی در نزاع‌های حقوقی دلیل محکمه‌پسندی برای رفع این نزاع حقوقی بر سر معاملات وجود نخواهد داشت. این مسأله‌ای که بنده مثال زدم در کشور ما در چند سال اخیر به شدت بالا گرفته است؛ یعنی داستان کلاهبرداری در معاملات ارتقاء پیدا کرده و قانون‌گذاران و نهادهای اجرایی به این فکر می‌کنند که چگونه این اختلافات را رفع کنند.

۲. شبکه خبر، برنامه تیترا امشب ۹ آبان ۱۳۹۵ / گفتگوی سرهنگ ترجمی معاون حقوقی پلیس راهور ناجا و آقای عظیمیان نائب رئیس کانون سردفتران

۳. محمد عظیمیان نایب رئیس کانون سردفتران نیز در این برنامه گفت: ماده ۲۹ صراحت دارد ثبت سند خودرو باید در دفترخانه‌ها انجام شود. وی افزود: ماده یک قانون اسناد رسمی اشاره می‌کند مرجع تنظیم و ثبت اسناد در دفترخانه هاست. عظیمیان گفت: بر اساس قانون سال ۱۳۵۴، پلیس مسئول تعویض پلاک است اما معاملات مردم با تعویض پلاک زمین تا آسمان تفاوت دارد و ثبت معاملات فقط در صلاحیت دفترخانه هاست.

جامجم آنلاین <http://jamejamonline.ir/online/2601558740079780213>

۴. به گزارش جامجم آنلاین به نقل از خبرگزاری صدا و سیما، سرهنگ محمد ترجمی در برنامه تیترا امشب شبکه خبر سیما با بیان اینکه نباید پول و حق التحریر اضافی از مردم برای نقل و انتقال خودرو در دفترخانه‌ها گرفته شود، افزود: در مراکز تعویض پلاک مشروعیت معامله، اصالت وسیله نقلیه و جرایم و مالیات لحاظ و دریافت می‌شود و نباید مردم دوباره حق کانون سردفتران را در دفترخانه‌ها بپردازند. وی گفت: در بررسی اصالت وسیله نقلیه و مشروعیت معامله در سال ۹۴ از سه میلیون خودرویی که در مراکز تعویض پلاک، نقل و انتقال شد ۱۶۰۰ وسیله نقلیه دو تکه بود که باید اوراق می‌شدند.

ترجمی افزود: ماده ۲۹ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس که سردار مؤمنی با آن مخالفت کرد این بود که نقل و انتقال خودرو باید در دفترخانه‌ها ثبت سند می‌شد. وی با طرح این سؤال که چرا اموال منقول در دفترخانه‌ها ثبت سند می‌شود؟ گفت: دفترخانه‌ها ۳۰ سال حضور غیرقانونی در نقل و انتقال خودرو داشته‌اند. معاون حقوقی پلیس راهور افزود: نمایندگان مجلس در سال ۸۹ بر تصویب ماده ۸۹ گفته‌اند نقل و انتقال خودرو بر اساس سند رسمی است و مشخص نکرده‌اند که سند رسمی در کجا تنظیم شود. ترجمی گفت: باید درباره مذاکرات ۱۳۸۹/۱۰/۲۶ نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اطلاعات نادرست به مردم ندهیم.

جامجم آنلاین <http://jamejamonline.ir/online/2601558740079780213>



همین داستان در پدیده زمین‌خواری نیز وجود دارد. به هر حال در جامعه ما فضایی ایجاد شده است که زمین‌خواری به کوه‌خواری، دریاخواری و انواع و اقسام هجوم‌های صاحبان قدرت و ثروت به انفال و بیت‌المال تبدیل شده است. ما باید این مسائل را به عنوان یک واقعیت و چالش بپذیریم. در کنار پدیده زمین‌خواری با پدیده اختلاس نیز روبرو هستیم؛ در جامعه ما اخبار به گونه‌ای است که اگر شما امروز تلویزیون را روشن کنید و مطلع شوید که یک اختلاس هزار میلیاردی اتفاق افتاده، این امر برای شما یک موضوع شگفت‌انگیز نخواهد بود.

۱/۴/۳. اختلاس؛ یکی دیگر از معضلات اجتماعی

مسئولین در بحث اختلاس نیز مانند بحث سند خودرو که می‌خواستند مسأله را با بند قانونی حل کنند به دنبال این هستند که این موضوع را با شفافیت حل کنند. شفافیت یعنی چه؟ یعنی اطلاعات به شکلی در دسترس عموم قرار بگیرد که چیزی مخفی نباشد؛ این خلاصه مفهوم شفافیت است. اگر شفافیت اتفاق بیافتد، دیگر کسی نمی‌تواند به طور جدی سوء استفاده کند. بنده حدود یک ماه پیش با یکی از کارشناسان قدیمی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در کمیسیون تلفیق مباحثه‌ای داشتم و ایشان به بنده می‌گفتند دو سفر به مقرّ بانک جهانی داشته‌ام و با کارشناسان بانک جهانی مشورت‌هایی انجام داده‌ام و قرار است ان‌شاءالله! در اثر اجرای همان سیاست‌های مبتنی بر شفافیت در نظام خزانه‌داری و بودجه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور، شفافیت را ارتقاء دهیم.

۱/۴/۴. تلاش جریان توسعه‌گرا برای حل سه معضل فوق با وضع قوانینی مانند شفافیت

ایشان مانند راه حل همان دو کارشناسی که شب گذشته در شبکه خبر بحث می‌کردند، به دنبال راه حل روبنایی بودند. ایشان می‌گفتند: باید دسترسی مردم را نسبت به اطلاعات تسهیل کنیم تا امکان سوء استفاده منتفی یا کمتر شود. غافل از اینکه در این مسأله نیز درست مانند مثال اول، روابط انسانی به چالش کشیده شده است؛ یعنی در انسان‌ها و جامعه میلی به اختلاس و مصرف بیش از استاندارد زهد ایجاد شده است که یک تبلور آن، مسأله اختلافات حقوقی در معاملات است، تبلور دیگر آن، مسأله اختلاس و زمین‌خواری و سوء استفاده از بیت‌المال است. اگر ریشه هر دو مسأله را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که روابط انسانی به چالش کشیده شده است.

۱/۴/۵. عدم بهبود روابط انسانی (حریص‌کردن افراد جامعه با استفاده از الگوی اقتصادی)؛ ریشه سه معضل فوق و لزوم بهبود روابط انسانی برای حل بنیادین این سه معضل بزرگ و حاد

این یک واقعیت است که جامعه ما توسعه‌یافته‌تر شده است و به تبع بحث‌های جلسات گذشته از جمله الزامات توسعه‌یافتگی این است که اصل آه‌نین منافع شخصی به عنوان محور تعادل اجتماعی قرار گیرد؛ پس جامعه حریص‌تر شده است و ما با نظم حول اقتصاد، سطح حرص جامعه را بالاتر می‌بریم و طبیعتاً در روبنا معضل ایجاد می‌شود. سپس می‌گوییم باید این معضل را با یک بند قانونی و شفافیت حل کنیم.^۶

۵. حجت الاسلام پور محمدی وزیر دادگستری گفت: هرچا شفافیت وجود نداشته باشد، فساد تولید می‌شود و ما در بسیاری از زیرساخت‌های اصلی اقتصاد به دنبال شفاف‌سازی هستیم.

خبرگزاری دانشجو <http://www.snn.ir/print/522576>

۶. متأسفانه آخرالزمان است و این حرف‌ها فراگیر شده‌اند. بنده در یکی از سفرهای استانی خدمت یکی از ائمه محترم جمعه - که انسان باسواد می‌باشند و بنده ارادتمند ایشان هستم - رسیده بودم تا به ایشان گزارش بدهم که ما در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به دنبال چه هستیم. بنده با کمال تعجب مشاهده کردم که ایشان می‌گفتند باید به سمت شفافیت برویم و مصداق شفافیت نیز همین دولت الکترونیک است! ایشان می‌گفتند باید رابطه بین ارباب رجوع و مدیران را قطع کرد. ایشان می‌فرمودند مادامی که رابطه بین مردم برقرار است، این سوء استفاده‌ها هم برقرار خواهد بود و راهکار این معضل، دولت الکترونیک است.



وقتی هر کدام از این مسائل را - که بنده دو مسأله را بازگو کردم - می شکافیم، متوجه می شویم که انسان‌ها در روابط انسانی حریص تر شده‌اند و وقتی شما انسان‌ها را حریص تر می کنید، این حرص پایه کفر خواهد بود.^۷ بنده به نظر خودم در جلسات گذشته یک تحلیل فنی ارائه دادم و به صورت فنی نشان دادم که حرص به کفر منتهی می شود. حرص باعث می شود که سطح تقاضا در درون انسان‌ها ارتقاء پیدا کند و وقتی سطح تقاضا ارتقاء پیدا کرد، انسان‌ها برای تأمین تقاضای ارتقایافته‌ی خود، به سمت استثمار منابع در اختیار دیگران می روند؛ یعنی ریشه تعرض به حقوق دیگران، عدم اکتفا به سطح خاصی از تقاضاست که ما در ادبیات فنی و حکیمانه دینی از این سطح خاص تقاضا به زهد تعبیر می کنیم. اگر انسان به سبب محیط یا به سبب رفتارهای خود - که هر دو عامل مؤثر است - از استاندارد زهد خارج شود و تقاضاهای او به صورت افسارگسیخته طراحی شود [به حقوق دیگران تجاوز خواهد کرد].^۸

حُب ما با نظم اجتماعی هر روز تحریک تقاضا می کنیم و هر روز حرص مردم را تحریک می کنیم و این حرص باعث می شود که سطح تقاضای مردم افزایش پیدا کند. در گام بعد آنها به داشته‌های خود قانع نخواهند بود و به سمت استثمار دیگران حرکت خواهند کرد و یکی از موارد استثمار دیگران، کلاهبرداری در معاملات، مورد دیگر آن اختلاس، مورد دیگر آن زمین خواری و ... است. این یک اخلاق است ولی مصادیق متعدد دارد.^۹

۱/۴/۶. تخریب روابط

انسانی؛ نتیجه عدم توجه به معادله تربیت

عرض فنی بنده - که خواهش می کنم دوستان به آن توجه کنند - این است که اگر ما مسأله تربیت و تزکیه (یا همان معادله ذکر ضرب در فکر) را جدی نگیریم یکی از اثرات آن، تحریک تقاضا در انسان‌هاست و وقتی تقاضا در جامعه‌ای در حالت انفجار قرار گرفت صدها اثر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی پیدا می کند. به نظر شما عاقلانه تر نیست که ما روابط انسانی را از ریشه

در ادامه ایشان به صورت مفصل درباره مزیت‌های ژاپن و نوع مدیریت آن برای بنده سخنرانی کردند. بنده به ایشان گفتم - خوشبختانه چون بنده دست کاری ژنتیکی نشده‌ام و به همان روحیات اهل لرستان باقی هستم به ایشان صریحاً گفتم - حاج آقا! اگر شما نمی توانید از اختیارات اجتماعی برای بهینه روابط انسانی استفاده کنید و به هر دلیلی نمی توانید روابط بین انسان‌ها را مدیریت کنید، بگویید اشتباه کردیم که انقلاب کردیم، اشتباه کردیم که گفتیم دین می تواند جامعه را اداره کند؛ معنای واقعی این خُرده فرمایشاتی که گفته می شود همین است.

انتقال از متن

۷. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَ الْإِسْتِكْبَارُ وَ الْحَسَدُ

امام صادق ﷺ فرمودند: پایه‌های کفر سه تا هستند: حرص، کبر و حسد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ ق)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱

۸. مباحث تربیتی در جلسات گذشته مطرح شد؛ ولی باید بگویم یکی از عوارض تک فرزندی همین موضوع است. در واقع با توجه به اینکه روابط پدر و مادر با فرزند کاملاً عاطفی است، وقتی فرزند یک نفر باشد در طول دوران حیات خود و در دورانی که تحت تکفل خانواده است هر چیزی را که اراده کند تأمین می شود؛ چنین انسانی اگر وارد جامعه که محل تراحم اراده‌ها و خواسته‌هاست وارد شود تحمل این امر برای او دشوار خواهد بود. در حالی که اگر فرزندان دو یا سه نفر باشند، در همان محیط خانوادگی تقاضاها تراحم پیدا می کنند و لذا انسان‌هایی که در خانواده‌های پر جمعیت بزرگ می شوند زاهدتر هستند و تقاضاهای آنها مدیریت شده‌تر است. هم تربیت بر کنترل تقاضا مؤثر است و هم حرص بر کنترل تقاضا مؤثر است؛ نباید تحریک حرص اتفاق بیافتد.

انتقال از متن

۹. بنده به آن امام جمعه محترم عرض کردم که اگر نتوانیم تحلیل کنیم پدیده رشوه، اختلاس و کلاهبرداری در معاملات چگونه به وجود آمده است و بر اساس تحلیل‌مان برای آن راه حل کاربردی ارائه کنیم، عملاً خودمان بدون اینکه نام آن را بیاوریم پذیرفته‌ایم که دین قدرت اداره جامعه را ندارد.

انتقال از متن



مدیریت کنیم؟ یا اینکه باید اجازه دهیم روابط انسانی به هم بریزد و بخواهیم با یک قانون مسأله ثبت سند را حل کنیم، با یک قانون دیگر مسأله اختلاس را حل کنیم و با دولت الکترونیک و قطع کردن روابط ارباب رجوع با مردم، جلوی فساد و رشوه و پارتی را بگیریم؟

۲. عدم بهینه روابط انسانی و تلاش برای حل معضلات به صورت روبنایی؛ مشکل اصلی نظام

قانون‌گذاری فعلی

بنده وارد بحث قانون‌گذاری بشوم؛ در مدل قانون‌گذاری فعلی، قوانین پیشنهادی به سمت بهبود روابط انسانی سوق پیدا نمی‌کنند و لذا ریشه‌ها مدیریت نمی‌شوند و ما همیشه با معضلات قوانین روبنایی و سطحی دست و پنجه نرم می‌کنیم. این مهم‌ترین اشکالی است که بنده به نظام قانون‌گذاری کشور دارم.

۲/۱. حل معضلات توسط قانون‌گذاری مدرن به صورت روبنایی و با امر و نهی بدون بهینه روابط انسانی؛ مشکل اصلی این

وظیفه نظام قانون‌گذاری کشور ایجاد نظم است ولی به لحاظ فطرت انسانی نمی‌توان نظم را در روبنا ایجاد کرد. اگر شما می‌خواهید یک جامعه منظم و برهم‌افزا به سمت یک جهت داشته باشید، نمی‌توانید این موضوع را با پدیده قانون حل کنید. ماهیت قانون یعنی امر و نهی، یعنی این کار را انجام بده و این کار را انجام نده. همان‌طور که دوستان حقوق‌دان می‌دانند در ذات قانون یک نوع الزام وجود دارد. حالا شما در تمام بخش‌ها روبنایی عمل کرده و برای تقاضاهای تحریک‌شده امر و نهی قرار می‌دهید.

۲/۲. عدم ایجاد نظم در جامعه و ایجاد تنفر در جامعه؛ نتیجه قانون‌گذاری فعلی (امر و نهی)

خُب این عامل باعث می‌شود به طرف مقابل چه حالتی دست بدهد؟ وقتی او در هر بخشی وارد می‌شود با یک امر و نهی روبرو می‌شود. اصلاً چون قانون‌گذاری به معنای مدرن خود نمی‌تواند انسان‌ها را در ریشه‌ها مدیریت کند به سمت ایجاد تنفر در افراد جامعه حرکت می‌کند.

شما حتماً در مباحث روانشناسانه مطالعه دارید و توصیه‌های ائمه علیهم‌السلام را در این زمینه شنیده‌اید. خواهش می‌کنم به این روایت توجه کنید. در روایت آمده است که اوچ کرامت‌های انسانی مسأله تغافل است.^{۱۰} این روایت بسیار مهم است. تغافل یعنی انسان می‌داند طرف مقابل او خطا کرده است ولی خود را به غفلت می‌زند. بالآخره در محیط روابط انسانی ممکن است صدها غفلت اتفاق بیافتد و اگر قرار باشد شما هر صد غفلت را تذکر داده و نگاه ساده‌اندیشانه داشته باشید و فکر کنید که تذکر شما مؤثر واقع می‌شود چه اتفاقی در عالم واقع رخ می‌دهد؟ فاصله بین انسان‌ها زیاد می‌شود. الآن معروف است که می‌گویند فلانی "گرینوف" است. کسانی که گرینوف هستند می‌خواهند تمام مسائل را در روبنا حل کنند در حالی که ائمه علیهم‌السلام ما در روبنا به تغافل دستور داده‌اند، یعنی لازم نیست در روبنا تمام رفتارهای انسان‌ها را به چالش بکشید. اگر در روبنا مدام به انسان‌ها امر و نهی کنید فاصله بین انسان‌ها زیاد می‌شود، اصلاً امر و نهی دائمی اصطکاک را زیاد می‌کند. خُب قانون به مفهوم مدرن خود به معنای امر و نهی دائمی است.

۱۰. قال امیرالمومنین (ع): أشرفُ أخلاقِ الكريمِ تغافلُهُ عما يَعْلَمُ خود را به بی‌خبری نمایاندن از بهترین و شریف‌ترین اخلاق کریمان است.



الآن در کشور ما سابقه ۱۰۸ سال قانون‌گذاری با نگاه مدرن وجود دارد.^{۱۱} ۱۰۸ سال! است که قیام و قعود اتفاق افتاده و برای بخش‌های مختلف قانون تصویب شده است. به نظر من خود اینکه ما یک نظام قوانین گسترده داریم، این احساس را در مردم ایجاد می‌کند که در تله‌هایی از مقررات و قوانین پای می‌گذارند. این نوع قانون‌گذاری خیلی مطابق با فطرت نیست و خلاف اصل فطرت و اصل تغافل است. علاوه بر امر و نهی، برای هر امر و نهی مجازات هم قرار می‌دهند!

البته غربی‌ها با همه این اوصاف در کتاب‌ها و مبانی نظری خودشان می‌گویند باید آزادی انسان‌ها را به رسمیت شناخت؛ یعنی از یک طرف می‌گویند باید آزادی انسان‌ها را به رسمیت بشناسیم و از طرف دیگر نظام قانون‌گذاری آنها به سمت تصویب قوانین متکثر و متعدد حرکت می‌کند. به دلیل اینکه روبنایی برخورد می‌کنند مجبور هستند این کار را انجام دهند. اخیراً در کشور ما برای اینکه ساعت [شروع رسمی اداره‌ها] را عقب بکشند دولت بحثی را مطرح می‌کرد و مجلس پاسخ می‌داد که [شروع ساعت رسمی اداره‌ها] نباید ساعت شش باشد، بلکه باید ساعت هفت باشد. الآن نظام قانون‌گذاری در کشور ما اینگونه است.

پس بنابراین حرف اصلی بنده این است که وقتی قانون متکثر شد، ضد اختیار و ضد ذکر است؛ قانون متکثر به معنای این است که فرد قانون‌گذار حکمت به خرج نداده و پیرامون رونها بحث کرده است؛ در حالی که تمام رونها از ریشه‌ای به نام روابط انسانی نشأت می‌گیرند.

۲/۳. فراهم کردن زیرساخت‌های بهینه روابط انسانی؛ وظیفه نظام قانون‌گذاری و رفع ریشه‌ای بسیاری از معضلات در صورت بهینه روابط انسانی

من نمی‌گویم از باب اضطرار و مصلحت، قوانین روبنایی نداشته باشیم، بلکه می‌گویم نظام قانون‌گذاری کشور باید زیرساخت‌های بهینه روابط انسانی را فراهم کند. به همان میزان که نظام قانون‌گذاری کشور زیرساخت‌های بهینه روابط انسانی را فراهم می‌کند در روبنا بی‌نظمی کمتری به وجود می‌آید و نظام قانون‌گذاری کمتر مجبور به وضع قانون می‌شود.

شما این داستان را می‌توانید در ده‌ها مسأله تکرار کنید. مسأله هوشمندسازی سوخت نیز همینگونه است؛ با توجه به اینکه در مسأله سوخت سوءاستفاده‌هایی رخ داده ما قانون هوشمندسازی سوخت را وضع کرده و می‌گوییم هرکس باید به اندازه یک سهمیه مشخص سوخت مصرف کند. اگر همین امشب فکر کنید صدها مورد از این موارد را پیدا می‌کنید که در بسیاری از آنها انسان‌هایی که تقاضای آنها از درون کنترل شده است حضور ندارند و مشکل ایجاد نمی‌کنند؛ معنای این حرف آن است که روابط انسانی منشأ این معضلات و چالش‌هاست. با این وجود ما برای بهینه و بهبود روابط انسانی کاری نکرده و اساساً این مقوله را به حال خود وامی‌گذاریم و در روبنا بحث می‌کنیم.^{۱۲}

۱۱. قانون‌گذاری مدرن با افتتاح مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی آغاز شد.

۱۲. بنده چند هفته پیش در شهرداری مشهد حضور داشتم و بحث پارک‌ها را مطرح کردم. بنده از دوستان شهرداری یک سؤال فنی پرسیدم؛ به آنها گفتم شما فلسفه پارک را چه چیزی می‌دانید؟ همه آنها گفتند تفریح. ببینید؛ فلسفه پارک ایجاد فرح و خوشحالی است. بنده در ادامه از آنها این سؤال را پرسیدم که مهم‌ترین عامل به چالش کشیدن فرح در انسان‌ها چیست؟ با طرح مباحث مقدماتی جمع به این نتیجه رسید که مهم‌ترین عامل مؤثر در ایجاد کسالت در انسان‌ها، مسأله روابط انسانی است. چه چیزی در محیط کار، محیط خانوادگی، محیط آموزشی و ... بیشترین کسالت را برای انسان‌ها به وجود می‌آورد؟ اینکه روابط انسانی بر مبنای حسد، دروغ، تنگ‌نظری و ... باشد. این موضوعات انسان‌ها را بسیار ناراحت می‌کنند.

پناه به خدا می‌بریم ولی وقتی همسر کسی روابط زندگی او را به چالش بکشد بالاترین نوع کسالت و کسالت دائمی درون فرد رخ می‌دهد. بنده از دوستان شهرداری سؤال کردم شما اسم این کار را چه می‌گذارید که ما در شهر مدرن روابط انسانی را به چالش می‌کشیم و انسان‌ها به علت به چالش کشیده شدن روابط انسانی کسالت دارند و به آنها می‌گوییم یک ساعت به پارک بروید تا حال شما خوب شود؟! آیا این کاری که ما می‌کنیم

ما در مسأله اداره جامعه قطعاً و بدون شک، نیاز به نظم داریم ولی برای ایجاد نظم دو راه حل وجود دارد: راه حل اول این است که مسأله ایجاد نظم را از ریشه‌ها و بهینه روابط انسانی دنبال کنید. راه حل دیگر این است که شما نظم را از بهینه روابط انسانی دنبال نکنید و اجازه دهید روابط انسانی بر پایه تحریک حرص و خارج از استاندارد زهد شکل بگیرد تا بعد سعی کنید نظم را در روبنا کنترل کنید. این مشکل نظام قانون‌گذاری مدرن است.

خدای متعال مرحوم شیخ فضل‌الله نوری را رحمت کند؛ زمانی که این نوع قانون‌گذاری عقب‌افتاده وارد کشور شد، ایشان مبارزاتی را انجام دادند؛ وقتی این نوع از قانون‌گذاری روبنایی - که مبتنی بر مفاهیم جامعه مدنی است و قدرت تحلیل روابط انسانی را از ریشه‌ها ندارد - وارد کشور شد، ایشان در قالب متمم قانون اساسی مبارزاتی را انجام دادند. البته همان زمان، بخشی از علمای هم‌عصر ایشان هم متوجه داستان نبودند. در نتیجه آن تلاش‌ها در حال حاضر در کشور ما قانون‌گذاری با ساختار مدرنی خود - که مهمترین ویژگی آن این است که در روبنا بحث می‌کند - مشروط به شرع است؛ یعنی به شکل غربی نیست.

لذا تئوری عدم مخالفت قطعی با شرع - که شورای نگهبان برای آن بنا نهاده شده - آثار سوء نظام قانون‌گذاری مدرنیته را "یک قدم" کنترل کرده است ولی ما با این نوع قانون‌گذاری نمی‌توانیم

منطقی است؟ واقعاً کسی که زندگی او با همسرش به چالش کشیده شده با یک ساعت پارک آبی - حتی اگر موج‌های خروشان باشد - حال خوبی پیدا می‌کند؟ این، مشکل ما با مفاهیم توسعه غربی است؛ آنها همه چیز را در روبنا می‌بینند. دوستان در جواب مباحث بنده وارد بحث شده و گفتند پارک‌ها برای سرگرمی هستند و ما باید سرگرمی داشته باشیم. با گفتن این مطلب بحث خیلی شفاف شد؛ حالا که پارک برای سرگرمی است مسأله تفریح را چه کار کنیم؟

مصادیق مطالبی که بنده خدمت شما عرض کردم یک یا دو مورد نیست؛ اگر به تبع حکمت انبیاء علیهم‌السلام فقط بتوانیم روابط انسانی را مدیریت کنیم مسأله تفریح جامعه نیز حل می‌شود. بنده در کودکی در دو زمان حالت بسیار خوبی داشتم؛ البته این موضوع یک قانون استثنائی نیست و جهان‌شمول می‌باشد. این دو مورد وقتی بود که به خانه عمو و پدربزرگ مادری می‌رفتم. علت این مسأله نیز یک موضوع بسیار ساده بود؛ پدربزرگ و مادربزرگ بنده و دایی‌ها و عموی بنده با من رابطه بسیار گرمی داشتند. اگر ما بتوانیم فرجی که روابط انسانی برای انسان‌ها ایجاد می‌کند را مدیریت کنیم [با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم]. خانواده‌های جدید در حال حاضر اینگونه هستند. آنها تنها دارای یک فرزند هستند. می‌دانید در آینده نتیجه یک فرزند چیست؟ یعنی نه عمه، نه عمو، نه دایی و نه خاله. چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد و در نتیجه این موضوع روابط انسانی طرف مقابل دچار فقر محض شده و به هم‌ریخته می‌شود. آن وقت ما به او می‌گوییم مثلاً بازی کامپیوتری "پو" را بازی کن.

اخیراً بازی "پو" به یک سرگرمی آموزشی تبدیل شده است و به پسرها و دخترها یاد می‌دهد که چطور به یک نفر رسیدگی کنند. به نظر شما مسخره نیست؟! می‌خواهند با "پو" به دختران جامعه ما یاد بدهند که چطور بچه‌داری کنند؟ برای اینکار نیز استدلال آورده‌اند و می‌گویند «در دنیای غربی سرگرمی آموزشی به یک پزند تبدیل شده است، چرا شما در پارک‌های ایران سرگرمی آموزشی را جدی نمی‌گیرید؟» می‌بینید ما داریم به کجا می‌رویم؟ حالا شما خانواده‌ای را تصور کنید که سه یا چهار فرزند داشته باشد؛ اگر این افراد دو سال با یکدیگر زندگی کنند ده‌ها برابر وضعیت فعلی، آموزش و حکمت به دست می‌آوردند و روابط انسانی آنها بهینه می‌شود.

بعد از تولد پسر بنده (آقا محمدمهدی) - که ایشان به فیض شهادت نائل خواهند شد - دخترم به بنده می‌گفت: "من قبلاً به همکلاسی‌های خودم می‌گفتم چرا شما از دست برادرهای خود دلخور هستید؟! ولی وقتی محمدمهدی به دنیا آمد من تازه داستان را متوجه شدم." دخترم از من سؤال می‌کرد چرا پسر بچه‌ها این طور هستند و مانند دختران نیستند؟! بنده بسیار متعجب شدم که یک دختر یازده ساله به تفاوت‌های دختر و پسر فکر می‌کند. اصلاً عمق خاصی از بحث را نمی‌توان با آموزش انتقال داد؛ شما باید حتماً روابط انسانی را بهینه کنید. فردی که در یک خانواده پیشرفته‌ی پرجمعیت زندگی می‌کند، وقتی زندگی مشترک تشکیل می‌دهد، حتماً در صحنه‌های مربوط به روابط انسانی بسیار پخته‌تر و زبده‌تر رفتار می‌کند. اینها مسائل بسیار مهمی هستند. حالا وقتی درباره مفهوم بازی و تفریح صحبت کردم، بحث‌ها را پخته‌تر عرض خواهم کرد ولی فکر می‌کنم منظور بنده روشن شد.



به سمت بهینه روابط انسانی حرکت کنیم. لذا یکی از بحث‌های مهمی که در الگوی پیشرفت وجود دارد و بنده در سی جلسه پایانی همین دوره آن را توضیح خواهم داد مسأله نظم و قانون مبتنی بر هدایت است. ما بلاشک به قانون نیاز داریم، ولی خط قرمز قانون باید این باشد که نه تنها روابط انسانی را به چالش نکشد، بلکه روابط انسانی را بهینه بکند.^{۱۳}

۲/۲/۲. تلاش انسان‌ها
برای فرار از قوانین در
عوض عمل به قوانین؛
نتیجه قانون گذاری مدرن

ان شاءالله فردا ادامه بحث قانون گذاری را تکمیل می‌کنم تا مشخص شود که چطور به شاخص‌های هویت اسلامی ضربه می‌زند؛ ولی در این جلسه این ضربه را به صورت اجمالی توضیح دادم. وقتی همه مسائل را در روبنا تحلیل کردید و در روبنا امر و نهی کردید، مهمترین ضربه این است که اختیار انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود و این یک حکم مهم است. اگر شما پیامبر خدا هم باشید، باید "مبشراً و نذیراً"^{۱۴} رفتار کنید و اجازه دهید انسان‌ها تصمیم بگیرند. لذا به دلیل اینکه در کشور ما نظام قانون گذاری مبتنی بر توسعه غربی رواج دارد، پدیده رشوه و پارتی‌بازی هم وجود دارد. قانون گذاری مدرن انسان‌ها را خسته می‌کند و لذا انسان‌ها در عوض اینکه بخواهند در نظم قانونی روبنایی تعریف شده در مدرنیته رفتار کنند به دنبال راه‌حل‌های روبنایی می‌گردند. حالا اگر انسان نیمه‌سوادی مانند من هم پیدا بشود که نتواند اثر نظم قانونی را در ایجاد رشوه و پارتی‌بازی تحلیل کند [قضیه بدتر می‌شود].^{۱۵}

۱۳. بنده از برادر مجاهد و مبارزم آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری یاد کنم. در همان دوران از ایشان اعلامیه‌ای در حرم حضرت عبدالعظیم پخش شده بود. ببینید عبارات ایشان چگونه است. منظور شیخ فضل‌الله نوری در این اعلامیه روزنامه‌هایی مانند مساوات، حبل‌المتین، صوراسرافیل و هفته‌نامه‌هایی مانند مالانصرالدین است؛ ایشان بیانیه‌ای دادند. حالا یک عالم بصیر در دوران مشروطه بیانیه می‌دهد، به بیانیه ایشان توجه کنید. ایشان می‌فرمایند: «و دیگر روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها پیدا شد، اکثر مشتمل بر سبّ علمای اعلام و طعن در احکام اسلام و اینکه باید در این شریعت تصرفات کرد و فروعی از آن را تغییر داده، تبدیل به احسن و انصب نمود و باید همه را با اوضاع و احوال و مقتضیات امروز مطابق ساخت.» (ستار شهبازی، بازخوانی روزنامه شیخ فضل‌الله نوری، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، صص ۱۳۷ الی ۱۴۰) از همان ابتدا که بحث بازگشایی مشروطه، مجلس و قانون گذاری مطرح بود، به سراغ جنگ با قوانین اسلام آمدند و گفتند: حالا که قانون گذاری مدرن آمده، به قوانین اسلام نیاز نداریم.

مرحوم آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری مبارزاتی کردند، ایشان انصافاً انسان مدیری بودند. بنده درباره ایشان نکاتی به ذهنم می‌رسد که در آینده باید عرض کنم. مبارزاتی که ایشان سرپرستی کردند، به این سمت رفت که در متمم قانون اساسی ماده‌ای به نام "نظارت مجتهدان" گنجانده شود تا جلوی تندروی‌های روشن‌فکرها و منورالفکرهای آن روز را بگیرد. همین قانون با اندکی تغییرات به شورای نگهبان کنونی تبدیل شده است. حُجَب احکام اسلامی که ما از آنها محافظت می‌کنیم چه چیزی هستند؟ به عنوان مثال حکم شریف ازدواج و تحکیم خانواده یکی از این احکام است. اثر اصلی این حکم در اجتماع، بهینه روابط انسانی است؛ یعنی اگر کسی توانست با همسر خود عادلانه رفتار کند، این رفتار با عدالت، در حوزه‌های اجتماعی نیز تعمیم پیدا می‌کند. این نکته اصلی است. [بخشی از علت حمله به این احکام،] طلبه‌هایی امثال بنده هستند! ما همواره در حال بیان احکام هستیم و آثار احکام را در اجتماع بحث نمی‌کنیم. ان شاءالله قرار است الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این خلأ را پر کند. اگر به احکام اسلام ملتزم شویم، یکی از میوه‌های اصلی آن بهینه روابط انسانی خواهد بود.

انتقال از متن

۱۴. وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا / سوره مبارکه فرقان، آیه ۵۶

و ما تو نفرستادیم مگر مبشر و منذر

۱۵. بنده همیشه در جلسات کم‌کاری‌های روحانیت در دوران بعد از انقلاب اسلامی را بحث کرده‌ام؛ ولی انصافاً و از سر منطق باید بگویم اثر نظم مدرنیته در بی‌دینی مردم، اثر بی‌رقیبتی است. اما ما این تأثیر را تحلیل نمی‌کنیم و همه موارد بر گردن طایفه‌ی تبلیغ‌کننده دین و جمعیت مؤمنی که از این جریان طرفداری می‌کنند، قرار می‌گیرد. این مباحث را باید جدی گرفت تا برخی از حقایق روشن شوند. مسأله فیش‌های نجومی که اساساً قانون برنامه پنجم توسعه و جزء دسته‌گل‌های جریان توسعه‌گرا در برنامه پنجم است. در برنامه پنجم، بانکها، بیمه‌ها و برخی شرکت‌ها را از قانون خدمات پرداخت مستثنی کرده‌اند. آنها مستقیماً در کشور قوانینی را وضع می‌کنند و این قوانین در جامعه آثار سوئی را ایجاد می‌کند و ما وارد تحلیل آنها نمی‌شویم. بنده پیشنهاد می‌کنم که -این موضوع جزء کارهای جدی است و باید انجام شود- فقها و مؤمنین درباره معضلات اجتماعی، جلسات فقهی-تحلیلی برگزار کنند. بنده بسیار علاقه داشتم که وقتی حادثه ستایش در ورامین رخ داد، ما اثر فضای مجازی و اثر نظامات اجتماعی را در این حادثه

پرسش و پاسخ

۱. متکثر بودن قوانین و عدم امکان تفاهم آنها با مردم؛ یکی از اشکالات نظام قانون گذاری

یکی از حضار (۱): ببخشید یک سؤال داشتم. شما گفتید قوانین فعلی کمک خاصی به نظم جامعه نمی‌کنند و قانون بیشتر باید به بهبود روابط بین افراد کمک کند. اینکه شما گفتید قانون باید مبتنی بر هدایت باشد، اولین ایراد وارد بر همین صحبت‌های شما این است که اولین ویژگی قانون که در کتاب‌ها آمده، الزام‌آور بودن آن است و نیازی به هدایت ندارد. هدایت اصلاً بحث جدایی دارد که در منابع فقهی و اخلاقی ما موجود است. قانون هم سر جای خودش است. ثانیاً اساساً قانون هیچ وقت امر و نهی نمی‌کند. برای مثال در قانون مجازات و یا در قانون کیفری یا هر چیز دیگری، مواردی را ذکر کرده و گفته‌اند هر کس این کارها را انجام دهد یا فلان کار را انجام دهد، این مجازات اوست، هیچ وقت امر و نهی نمی‌کند که باید حتماً این کار را انجام بدهید، بلکه می‌گوید این ویژگی مدینه فاضله ماست، نباید این کارها انجام شود و هر کس این کارها را انجام دهد به این صورت است. بنده قبول دارم که در کشور ما تورم قانون وجود دارد، اما برای بهبود روابط انسانی نباید بگوییم، قانون باید مبتنی بر هدایت باشد. ما باید برای پیشگیری از وقوع جرم و جنایت در جامعه برنامه‌ریزی کرده و کارهایی را انجام دهیم. باز ممنون می‌شوم اگر بیشتر توضیح دهید.

استاد کشوری: بنده باید دو نکته را متذکر شوم؛ یکی اینکه اجازه دهید در سی جلسه پایانی، بنده دیدگاه قانون مبتنی بر هدایت، یعنی قانونی که زیر ساخت هدایت است یا همان نظریه تقنینی الگوی پیشرفت را توضیح دهم. الان بنده آن را توضیح نداده‌ام، پس این را به بعد موکول نمایم.

اما نکته‌ای را می‌خواهم همین جا توضیح دهم؛ اولاً در تعاریف موجود حقوق آمده است که قانون باید الزام‌آور باشد.^{۱۶} بنده دیروز به بحثی اشاره کردم مبنی بر اینکه امر در فضای ذکر است؛ یعنی ما نمی‌توانیم از مفهوم امر به معنای الزام بریده از تعقل، دفاع کنیم. لذا معنای عرض بنده این است که وقتی این خانه از نقشه راه را بحث می‌کنیم با تعاریف مرسوم در حوزه تقنین و قانون گذاری که عمده آن هم از فرانسه آمده است به چالش جدی برمی‌خوریم. این یک نکته مهم است که بنده الزامی برای پذیرفتن تعاریف موجود ندارم؛ اصلاً برای به چالش کشیدن تعاریف موجود آمده‌ام. پس این هم یک بحث است، بنده عرض خواهم کرد که قانون در فضای ذکر به چه معناست؛ توضیح خواهم داد که امر کردن با مدل خدا نه با مدل پادشاهان به چه معناست؟ این بحثی است که دیروز اشاره کردم و بعداً تعمیم خواهم داد.

بحث کنیم. برادران عزیز! اگر وارد بحث نشویم، دین به صورت ناجوانمردانه متهم به همه این قضایا می‌شود. این یک تکلیف است و یک امر مستحبی نیست؛ باید جدی گرفته شود. حوادث دیگری نیز وجود دارد که باید آنها را تحلیل کنیم.

انتقال از متن

۱۶. برای اینکه حقوق بتواند به هدف نهایی خود یعنی استقرار نظم و عدالت برسد، باید رعایت قواعد آن اجباری باشد. اعلام‌هایی که گاه در قوانین دیده می‌شود و همراه با هیچ تکلیفی نیست، چهره حقوقی ندارد و تنها مقدمه اوامر و نواهی قانون گذار است. بی‌گمان در این خصوصیت نیز درجه‌های گوناگون وجود دارد و همه قواعد از این حیث یکسان نیستند؛ رعایت پاره‌ای از اصول به طور مطلق الزامی است و در هیچ صورت گریزی از اجرای آنها نیست و پاره‌ای فقط در صورتی اعمال می‌شود که اشخاص در پیمان‌های خود راه حل دیگری را انتخاب نکرده باشند. به این دلیل است که نخست را امری و دسته اخیر را تکمیلی یا تفسیری نامیده‌اند. ولی این تفاوت فقط در شرایط اجرای قواعد حقوق است و هرگاه شرایط اجرای قواعد تکمیلی (نبود پیمان مخالف) نیز محقق شود، در اجباری بودن، چیزی از قواعد امری کم ندارد و بر اشخاص تحمیل می‌شود؛ زیرا وظیفه حقوق اندرزگویی و راهنمایی کردن نیست و قواعد آن همیشه با نوعی اجبار همراه است.



فعالاً توپ در زمین شماسست که نظام قانون‌گذاری شما در حال اجراست و با پدیده تورم و تکثیر قوانین روبرو هستیم و اگر قانون فقط و فقط زیاد شد، معنای آن این است که اجرا نخواهد شد؛ زیرا حداقل شما باید بگویید باید این حجم از قوانین را آموزش دهیم در حالی که یک یا دو ده تا از آنها را می‌توان آموزش داد، اما ۱۰۸ سال قانون‌گذاری را نمی‌توان آموزش داد. زیاد شدن قانون یعنی عدم اجرا.

۲. ناتوانی توسعه غربی در تفاهم درونی با افراد جامعه؛ دلیل وضع قوانین و ملزم کردن مردم توسط این نظام قانون‌گذاری

حال فرض کنیم می‌توانیم آموزش بدهیم، اما نکته مهم این است که فطرت انسانی تحمل این همه الزام را ندارد. اینها نکاتی است که بنده در این جلسه مطرح می‌کنم. تفکر غرب‌گرا و توسعه غربی به دلیل اینکه قدرت ارتباط درونی با آدم‌ها را ندارد مجبور است از بیرون تحمیل کند. حالا چند روز آینده اربعین است؛ اربعین یک پدیده بسیار فراگیر و دائمی است که در درون آن جهاد با مال و جان وجود دارد و یک مشارکت عجیب قابل تحلیل است که ریشه آن تفاهم درونی حضرت با تاریخ است. حالا ما می‌گوییم می‌توان از اربعین برای جلو بردن نظم جامعه خود الهام گرفت که ما در حال پیگیری این کار در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم.

البته می‌توانیم با همین تعاریف علیل غربی هم بحث کنیم؛ بنده بسیار نگران مسأله شفافیت هستیم، البته از اینکه برای کوتاه‌مدت در دستور کار قرار بگیرد یا نگیرد منع نمی‌کنم، اصلاً بنده مسکوت‌م. می‌گویم چرا جامعه دیندار ما به جای بهینه روابط انسانی قصد دارد همه روبناهای مسائل انسانی را در کوتاه‌مدت با قانون مدیریت نماید. این کار غیر حکیمانه است. لذا فعالاً روی این موضوع تمرکز کنیم؛ حالا در بحث‌های اثباتی - ما حوصله داریم اگر شما هم اهل جهاد و شهادت بودید بیایید - بحث قانون‌گذاری الگو را می‌شکافیم. قانون، اعتبار نیست؛ ما قانون به مفهوم اعتبار را قبول نداریم، نباید بگوییم قانون اعتبار شارع یا اعتبار عقلاست. ما با این تعاریف یک مشکلات جدی داریم که ان شاء الله بعداً بحث خواهیم کرد. بفرمایید.

۳. بازخوانی تجربیات توسعه غربی؛ روش اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی برای نقد نظامات غربی از جمله نظم قانون‌گذاری

یکی از حضار (۲): میان صحبت‌هایی که به برادرمان ارائه می‌دادید^{۱۷} یک مسأله وجود دارد و آن این است که وقتی شما در جمع عمومی صحبت می‌کنید آنجا می‌توانید همین گزاره را بگویید و بعد هم ادامه دهید؛ زیرا احتمالاً کسانی که پای سخنرانی شما نشسته‌اند خیلی با نظرات شما موافق هستند اما به نظر بنده هنگامی که در فضایی مثل دانشگاهی بحث می‌کنید باید چند مورد شاهد مثال بیاورید؛ مثلاً بگویید که فلان متفکر غربی این حرف را زده است و نتیجه‌اش چیزی است که شما می‌فرمائید؛ یعنی مثلاً شاهد مثال بیاورید که قانون چقدر برای آنها اهمیت دارد یا مثلاً بگویید تنها متفکر غربی همین آقا بوده است یا اینکه کسانی دیگر هم وجود داشته‌اند که به این موضوع معتقد نیستند. به نظر بنده وقتی ما تبیین منصفانه‌ای از آنچه که می‌خواهیم نقد کنیم داشته باشیم، گیرایی حرف ما خیلی بهتر خواهد شد و حرفی را که می‌خواهیم بزنیم می‌تواند از چارچوب عده‌ای که شبیه ما فکر می‌کنند می‌تواند فراتر برود. بنده احساس می‌کنم که باید اینگونه بحث شود؛ البته شاید در این بازه زمانی و در اهداف جلسه ننگند ولی حداقل آن چیزی که بنده به دنبال آن بودم چنین چیزی بود.

استاد کشوری: ببینید ریشه سؤال شما به بحث روش تحقیق بازمی‌گردد. بنده چون اذنان شده است خیلی مختصر عرض می‌کنم؛ ما در جلسات از سطح چهارم فکر برای تفاهم استفاده می‌کنم یعنی از «تجرب»^{۱۸} یا همان تجربه که از علم بالاتر است. ما

۱۷. بنده الآن دو جلسه است که می‌آیم؛ اما بحث‌های شما را کم و بیش از طریق فضای مجازی و اینها دنبال کرده‌ام.

از یک سطح قبل از تفقه استفاده می‌کنم. یک روش هم این است که به تعبیر حضرت‌عالی تتبعات یعنی روش تحقیق‌های فعلی را اصل قرار دهیم؛ لذا معنای بحث بنده این است که بر مباحث الگو یک روش تحقیق خاص حاکم است. لذا استدلال بنده به نظرم قابلیت تفاهم عمومی را دارد. بنده تجربه کشور خودمان در سال ۹۵ را بررسی می‌کنم؛ می‌گویم چرا هر روز در حال قانون‌گذاری هستیم و هر روز هم جامعه از هم گسیخته‌تر می‌شود؟! این قابل تفاهم است. منظور بنده ۱۰۸ سال قانون‌گذاری است. از تجربه‌های امروز و تجربه‌های تاریخی بحث می‌کنم. بعداً این روش تحقیق را در مبانی نظری عرض خواهم کرد. به بنده یادآوری کنید تا فردا در خصوص روش تحقیق، روش بحث و روش آموزش دقایقی صحبت کنم. اگر ما دنبال هدایت هستیم باید از تجرب استفاده کنیم؛ نه از تتبع به آن معنایی که شما توصیه می‌کنید. حالا در خدمت شما هستیم.

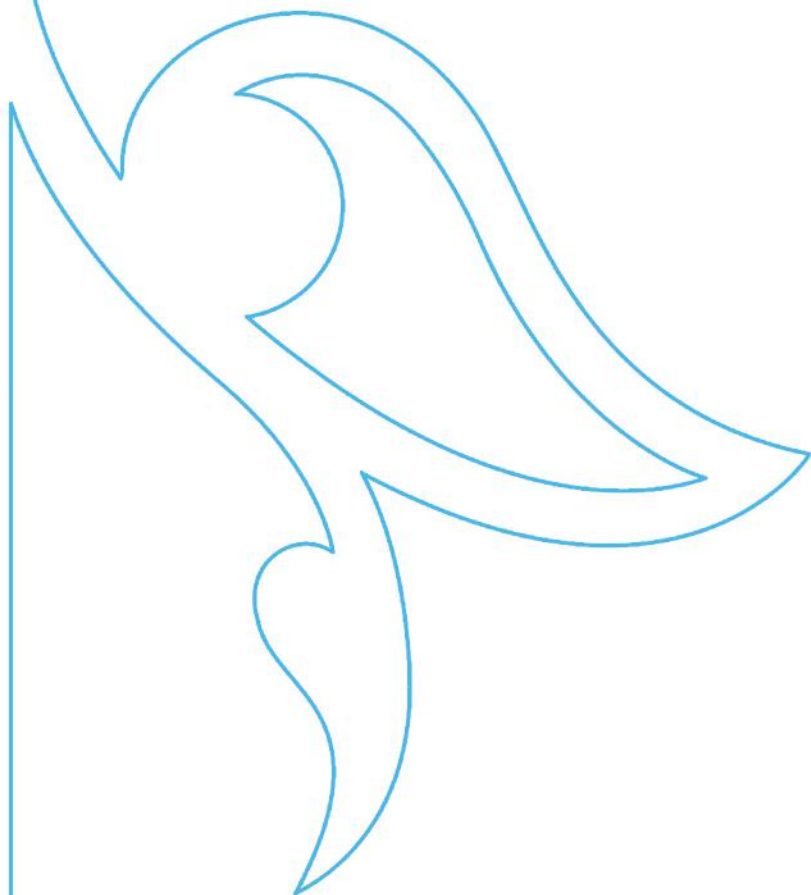
اللهم صل علی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم



فهرست تفصیلی

۱. بهینه روابط انسانی و در نتیجه رفع ریشه‌ای بسیاری از معضلات اجتماعی مانند اختلاس، زمین‌خواری و ...؛ نتیجه اهتمام به معادله تزکیه (ذکر ضربدر فکر) ۱۵۷.....
- ۱/۱. ذکر ضربدر فکر؛ معادله اصلی تزکیه و تربیت ۱۵۷.....
- ۱/۲. بررسی آثار اجتماعی معادلات وحی مانند معادله تربیت؛ نکته محوری مباحث اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۵۸.....
- ۱/۳. بهبود و بهینه روابط انسانی؛ اثر اصلی معادله تزکیه و تربیت ۱۵۸.....
- ۱/۳/۱. اصالت انسان‌ها در تمام بخش‌های مختلف جامعه مانند امنیت، اقتصاد و ...؛ دلیل محوریت بهینه روابط انسانی در اداره جامعه ۱۵۸.....
- ۱/۴. تغییر بافت مسائل مبتلابه مدیران جامعه و حل بسیاری از مسائل و معضلات اجتماعی به صورت بنیادین؛ نتیجه بهبود روابط انسانی ۱۵۸.....
- ۱/۴/۱. کلاهبردای در معاملات؛ یکی از معضلات اجتماعی عصر حاضر و تلاش نهادهای قانون‌گذار برای جلوگیری از این مشکل ۱۵۹.....
- ۱/۴/۲. زمین‌خواری؛ یکی دیگر از معضلات عصر حاضر ۱۵۹.....
- ۱/۴/۳. اختلاس؛ یکی دیگر از معضلات اجتماعی ۱۶۰.....
- ۱/۴/۴. تلاش جریان توسعه‌گرا برای حل سه معضل فوق با وضع قوانینی مانند شفافیت ۱۶۰.....
- ۱/۴/۵. عدم بهبود روابط انسانی (حریص‌کردن افراد جامعه با استفاده از الگوی اقتصادی)؛ ریشه سه معضل فوق و لزوم بهبود روابط انسانی برای حل بنیادین این سه معضل بزرگ و حاد ۱۶۰.....
- ۱/۴/۶. تخریب روابط انسانی؛ نتیجه عدم توجه به معادله تربیت ۱۶۱.....
۲. عدم بهینه روابط انسانی و تلاش برای حل معضلات به صورت روبنایی؛ مشکل اصلی نظام قانون‌گذاری فعلی ۱۶۲.....
- ۲/۱. حل معضلات توسط قانون‌گذاری مدرن به صورت روبنایی و با امر و نهی بدون بهینه روابط انسانی؛ مشکل اصلی این مدل قانون‌گذاری ۱۶۲.....
- ۲/۲. عدم ایجاد نظم در جامعه و ایجاد تنفر در جامعه؛ نتیجه قانون‌گذاری فعلی (امر و نهی) ۱۶۲.....
- ۲/۲/۱. قانون‌گذاری متکثر؛ یکی از عوامل ضدیت نظام قانون‌گذاری مدرن با فطرت انسان‌ها ۱۶۳.....
- ۲/۳. فراهم کردن زیرساخت‌های بهینه روابط انسانی؛ وظیفه نظام قانون‌گذاری و رفع ریشه‌ای بسیاری از معضلات در صورت بهینه روابط انسانی ۱۶۳.....
- ۲/۲/۲. تلاش انسان‌ها برای فرار از قوانین در عوض عمل به قوانین؛ نتیجه قانون‌گذاری مدرن ۱۶۵.....
- پرسش و پاسخ ۱۶۶.....
۱. متکثربودن قوانین و عدم امکان تفاهم آنها با مردم؛ یکی از اشکالات نظام قانون‌گذاری ۱۶۶.....
۲. ناتوانی توسعه غربی در تفاهم درونی با افراد جامعه؛ دلیل وضع قوانین و ملزم‌کردن مردم توسط این نظام قانون‌گذاری ۱۶۷.....
۳. بازخوانی تجربیات توسعه غربی؛ روش اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی برای نقد نظامات غربی از جمله نظم قانون‌گذاری ۱۶۷.....

جلسه نهم



عدم امکان آموزش قوانین، تعارض قوانین و ضدیت ملزم
کردن افراد با فطرت انسانی؛ سه دلیل ضدیت قانون گذاری
۱۰۸ ساله‌ی مدرن ایران با بهینه روابط انسانی

شناسنامه جلسه نهم



عنوان
عدم امکان آموزش قوانین، تعارض قوانین و ضدیت ملزم کردن افراد با فطرت
انسانی؛ سه دلیل ضدیت قانون گذاری ۱۰۸ ساله‌ی مدرن ایران با بهینه روابط انسانی

تاریخ نشست
۱۱ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

مباحث جلسات گذشته به نقد نظام قانون گذاری و تبیین ضدیت آن با شاخص های هویت اسلامی رسید. بیان کردیم که تصویر مطلوب قانون گذاری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی این است که قوانین باید منجر به بهینه روابط انسانی شده و زیرساخت های این مهم را فراهم آورند.

اما در این جلسه پیش از نقد مدل برنامه ریزی به یک نکته روشی خواهیم پرداخت و سپس مبتنی بر این نکته روشی مدل قانون گذاری را نقد خواهیم کرد. آن نکته روشی این است که در حال حاضر برای نقد غرب و گفتگو حول الگوی پیشرفت اسلامی از مباحث نظری آغاز کرده و به نقد مبانی و نظریات غربی می پردازند. اما اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی از این نوع نقد بسیار کم و در موارد نادر استفاده می کند. چرا؟ زیرا نقد نظری غرب با مقام مدیریت تحولات اجتماعی تناسب ندارد؛ چراکه شما برای نقد نظری غرب باید دو مرحله را طی کنید:

۱. تبیین واضح و روشن نظریه غربی ۲. نقد آن.

اما نکته مهم این است که اگر بخواهیم برای نقد غرب این دو مرحله را طی کنیم تحولات اجتماعی ای که بر اساس نظریات غربی شکل می گیرند از ما دو مرحله جلو افتاده اند و ما هنوز درگیر نقد این نظریات هستیم. از منظر اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی برای نقد غرب باید به بازخوانی تجربه های غرب و بررسی نتیجه و عینیت نظریات غربی پرداخت؛ زیرا علاوه بر اینکه ملموس تر است تفاهم آن نیز همه فهم است.

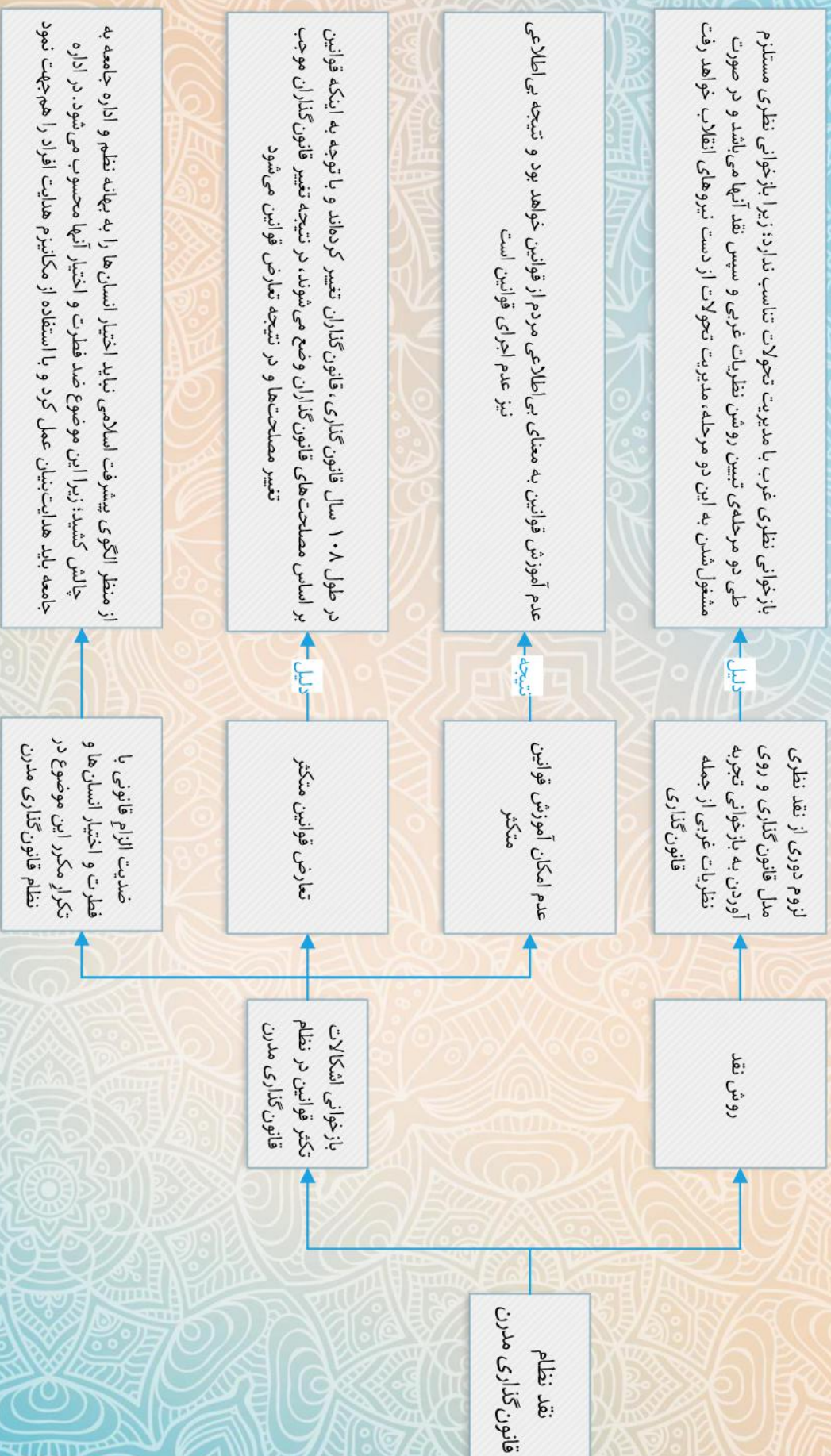
حالا مبتنی بر همین نکته روشی به بازخوانی مدل قانون گذاری مدرن می پردازیم؛ نظام قانون گذاری مدرن در ایران ۱۰۸ سال سابقه قانون گذاری دارد و بررسی این سابقه ۱۰۸ ساله نشان می دهد که قوانین وضع شده دچار یک مشکل بزرگ بوده اند و آن مشکل تورم و تکثر قوانین است؛ در واقع ۱۰۸ سال قانون گذاری به این معناست که قوای مقننه ۱۰۸ سال! قانون وضع کرده و مردم را ملزم کرده اند.

اولین مشکلی که تکثر قوانین به وجود می آورد این است که امکان آموزش قوانین کثیر به افراد جامعه وجود ندارد و زمانی که افراد جامعه از قوانین مطلع نبودند به تبع این موضوع قوانین را اجرا نخواهند کرد. دومین اشکال قانون متکثر این است که تعارض قوانین به وجود می آید. در واقع به دلیل اینکه در طول این سالها قانون گذاران مدام عوض می شده اند و به دلیل اینکه قوانین بر اساس مصلحت های قانون گذاران نوشته می شده اند و با توجه به اینکه مصلحت ها مدام تغییر می کنند، وضع ۱۰۸ ساله قوانین موجب شده است که قوانین متعارض بسیاری وجود داشته باشد. سومین اشکال قانون گذاری مدرن است که ماهیت قانون به معنای فعلی آن در تعارض با فطرت و اختیار انسان است؛ زیرا قانون به معنای اجبار است و انسانها دارای قوه اختیار هستند. زمانی که شما ۱۰۸ سال قوه اختیار انسانها را با قوانین متکثر خود به چالش می کشید در واقع ضد فطرت او عمل کرده اید و این اصلی ترین مشکل نظام قانون گذاری است. در واقع نظام قانون گذاری در عوض بهینه روابط انسانی مدام انسانها را ملزم می کند و این موضوع ضد اختیار و در نتیجه ضد هویت اسلامی است.

فهرست اجمالی

۱. تجرّب و بازخوانی تجربه‌های غرب؛ پیشنهاد نقشه راه برای تفاهم حول الگوی پیشرفت اسلامی و نقد نظریات غربی	۱۷۵
۲. عدم امکان آموزش قوانین، تعارض قوانین، ضدیت ملزم کردن افراد با فطرت انسانی؛ سه دلیل ضدیت قانون‌گذاری ساله‌ی مدرن ایران با بهینه روابط انسانی	۱۸۰
پرسش و پاسخ	۱۸۷

جلسه پنجم: عدم امکان آموزش قوانین، قاضی قوانین و ضدیت ملزم کردن افراد با فطرت انسانی؛ سه دلیل ضدیت قانونگذاری ۱۰۸ سالگی مدرن ایران با زمینه روابط انسانی





۱. تجرّب و بازخوانی تجربه‌های غرب؛ پیشنهاد نقشه راه برای تفاهم حول الگوی پیشرفت اسلامی و

نقد نظریات غربی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

قبل از اینکه بحث قانون گذاری را ادامه دهم، سؤال خوبی که در اواخر جلسه روز گذشته مطرح شد و ناظر به روش بحث، مباحثه و روش پژوهش و تحقیق بود [را پاسخ می‌دهم]. برادر عزیزمان پرسیدند که چرا برای نقد غرب، ابتدا گزاره‌های پایه‌ای تفکرات غربی را از قول اندیشمندان غربی مطرح نمی‌کنیم تا بعد در ادامه گزاره‌های پایه‌ای را نقد کنیم؟ این برادرمان می‌فرمودند شاید این روش قابل تفاهم‌تر باشد.

در بخش پرسش و پاسخ جلسه روز گذشته عرض کردم روشی که ما در مباحث «الگوی پیشرفت اسلامی» از آن برای تفاهم استفاده می‌کنیم، استفاده از سطح چهارم تفکر است^۱ که ما در ادبیات فکر اسلامی از این سطح به «تجرّب» تعبیر می‌کنیم. قبل از اینکه بنده بحث سطوح تفکر را به صورت بسیار مختصر بیان کنم، اشکال بزرگ روش‌های موجود [نقد غرب] را عرض کنم؛ آن اشکال بزرگ این است که وقتی شما بحث خود را از یک فضای نظری محض آغاز می‌کنید - به عنوان مثال استدلالی را از یک جامعه‌شناس غربی مطرح می‌کنید - مخاطب شما نمی‌تواند با این بحث نظری ارتباط عمیق برقرار کند.

۱/۲. غلط بودن نقد نظری غرب به علت متناسب نبودن نقد نظری غرب با مدیریت تحولات (به دلیل لزوم تبیین روشن و واضح نظریه غربی و سپس نقد آن و وقت گیر بودن این فرایند)

۱. سطوح تفکر در ده جلسه دوم همین دوره تبیین خواهد شد.



بنده مثال می‌زنم؛ به عنوان مثال گزاره‌ای از طرف یک جامعه‌شناس غربی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه «انسان گرگ انسان است».^۳ حالا فرض کنید ما قصد نقد این گزاره را داشته باشیم؛ خُب برای اینکه خود این گزاره جا بیافتد حتماً نیازمند این هستیم که بحث را از یک مبانی و مبادی نظری آغاز کنیم؛ یعنی برای اینکه این گزاره محوری به مخاطب تفهیم شود، حتماً باید نظامی از مفاهیم پیرامونی آن را بحث کنیم تا این گزاره محوری و نظامی از مفاهیم اقماری حول آن کمک کند که مخاطب از آن گزاره درکی پیدا کند. در ادامه هم باید یک دور این مفاهیم و گزاره‌ها را نقد کنیم. اگر بخواهیم عالمانه وارد بحث شویم، باید تمام این مجموعه مفاهیم را با هم بحث کنیم تا بتوانیم به یک قضاوت درست برسیم.

شما مشاهده می‌کنید که در گفت‌وگوهای علمی و خصوصاً در مناظرات و مباحثات همیشه یک جمله توسط طرفین بحث تکرار می‌شود و آن این است که «منظور من این نبود و شما منظور من را درست متوجه نشدید؛ اجازه دهید من منظور خود را شفاف‌تر بیان کنم». این یعنی گاهی اوقات اگر شما در روش‌های موجود بخواهید حق مطلب را ادا کنید، باید روزها بحث کنید تا بتوانید ابعاد نظری یک گزاره را از منظر فلان اندیشمند غربی بحث کنید.

من فعلاً وارد معایب دیگر این روش نمی‌شوم؛ اما عیب بزرگ این روش آن است که در «مدیریت تحولات» کاربرد ندارد. ما با مسأله‌ای به نام تحولات سریع اجتماعی روبرو هستیم که یک پدیده غیر قابل انکار است؛ در دوران ما سرعت تحولات به قدری زیاد است که اگر بخواهید برای مدیریت تحولات از روش‌های نظری استفاده کنید، تا بخواهید مقدمات بحث را تفاهم کنید، تحولات از شما دو مرحله جلو افتاده‌اند و به ثمر نرسیده‌اند. بنابراین در مباحث مربوط به الگو - که اساساً پایه اصلی آن مدیریت تحولات در روابط انسانی است - زمان مدیریت تحولات بسیار سریع‌تر از زمان مدل‌های نظری برای تفاهم است. این مشکل اصلی ما با روش‌های نظری است.

لذا اگر شما به دنبال مدیریت تحولات باشید، حتماً باید از روش‌هایی استفاده کنید که سرعت تفاهم آنها بسیار بالاتر از روش‌های فلسفی و نظری موجود باشد. بنده فعلاً مخالفتی ندارم که شما باب روش‌های نظری را به کلاس‌های درس و آموزش محدود کنید. البته وقتی در آینده وارد مباحث اثباتی الگو شدم، معایب این روش‌ها برای کلاس‌های درسی را هم توضیح خواهم داد؛ اما در حال حاضر می‌گویم وقتی می‌خواهیم مدیریت تحولات بکنیم، زمانی که برای تفاهم در اختیار داریم از سرعت تحول تبعیت می‌کند. ما باید به گونه‌ای در جامعه وارد گفت‌وگو شویم که از سیر تحولات عقب نمانیم. [در روش‌های موجود] تا بخواهید مطلب [غلط] را شرح داده و آن را نقد کنید، در کشور تصمیمات جدی‌ای راجع به برخی از مسائل گرفته می‌شود و شما همچنان در حال بحث بر روی مبانی نظری موضوع هستید. شما این اشکال را در جامعه امروز مشاهده می‌کنید و متأسفانه این یک

۱/۳. لزوم استفاده از روشی با سرعت تفاهم بالا در مدیریت تحولات به منظور جلوگیری از شکل‌گیری تحولات بر پایه نظریات غربی

۲. انسان نسبت به انسان‌های دیگر یا همچون خدا است یا همچون گرگ (کتاب شهروند؛ فصل دوم بخش اول)؛ جمله معروف توماس هائز که اولین بار در اولین نسخه کتاب شهروند در سال ۱۶۴۲ منتشر شد؛ سپس در کتاب لویاتان باز هم به این جمله (انسان گرگ انسان است) اشاره نمود. البته مبدأ اصلی این جمله با کمی تغییر در نمایش‌نامه آسناریا نوشته پلوتس آمده است.



عیب جدی است؛ بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی^۳ همچنان وقتی برخی از کتب دوستان را مشاهده می‌کنید متوجه می‌شوید که هنوز درباره مبانی نظری موضوع صحبت می‌کنند. بنده وقتی در رادیو معارف دوره جلسات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی پیشرفت را بحث می‌کردم^۴ وقتی جدول پخش برنامه‌های رادیو معارف را مشاهده کردم، دیدم شخصی در حال اجرای چهارصدمین جلسه است و هنوز در حوزه مبانی نظری بحث می‌کند. شما فرض کنید که بخواهید چهارصد جلسه مبانی نظری بگویید و با حوصله آن را تبیین کنید و نام آن را هم عمق علمی بگذارید! به نظر بنده نام این کار ساده‌اندیشی است؛ زیرا در این میان افرادی وجود دارند که تصمیماتی بر آنها تحمیل می‌شود. بنابراین باید روش جدیدی را برای تفاهم پیگیری کرد.

ما بحث کرده‌ایم که این روش جدید چیست؛ اگر شما سطوح فکر را بشناسید بسیار سریع می‌توانید تفاهم کنید. سریع‌ترین نوع تفاهمی که ممکن است در مدیریت تحولات از آن استفاده کنیم، تکیه بر بازخوانی تجربه‌ها و مسأله تجزیه است. تجربه یعنی چه؟ تجربه یعنی عینیت یک نظریه؛ وقتی شما می‌گویید مسأله‌ای تبدیل به تجربه شده است، یعنی سیر تحقق یک نظریه طی و تست شده و به کارآمدی هم رسیده است. لذا در مدیریت تحولات استفاده از تجربه‌ها و بازخوانی آنها سرعت تفاهم شما را بالا می‌برد. به اصطلاح خاص ما در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سرعت هدایت جامعه را ارتقاء می‌دهد.^۵

۱/۴. تجزیه و بازخوانی تجربه‌ها؛ روش پیشنهادی اولین نقشه الگوی

۱/۴/۱. فراهم کردن محیط تست برای نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا و شکست این نظریه در این محیط تست؛ نمونه‌ای از نقد نظریات غربی با استفاده از تجزیه

شما می‌توانید این بحث را در مسائل و قضایای کشور خودمان مشاهده کنید. یک دولت توسعه‌گرا بر سر کار آمده است و پیشنهاد او برای مدیریت روابط بین‌الملل، نظریه "سیاست خارجی توسعه‌گرا"^۶ است. دوستان بنده توجه دارند که داستان برجام، یک لایه تئوریک داشت. این لایه

۳. موضوع اصلی انقلاب اسلامی مدیریت تحولات عالم به سمت جهت توحیدی است و این یعنی هر لحظه باید تصمیماتی گرفته شود.

انتقال از متن

۴. آن جلسات حدود پنجاه یا شصت جلسه بود.

انتقال از متن

۵. البته مسأله تجرب ابعاد فنی دیگری هم دارد که الان موضوع بحث ما نیست. بنده فقط خواستم جواب سؤال فنی خوب بردارمان در جلسه گذشته را بدهم.

انتقال از متن

۶. الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا نام کتابی است که مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر نموده است. در بخشی از این مفاهیم هدف اصلی سیاست خارجی کشور به محوریت توسعه اینگونه معرفی شده است:

سومین کارکرد پراهمیت سیاست خارجی در تحقق اهداف توسعه‌ای یک کشور تصویرسازی از آن به عنوان فرصتی جمعی است. به گونه‌ای که اولاً رشد و توسعه آن تهدیدی برای سایرین تلقی نگردد و ثانیاً اکثریت آنها این روند را فرصتی برای خود تلقی کنند. طبیعی است مادامی که تصویر یک کشور در عرصه بین‌الملل به عنوان یک تهدید جلوه کند نه تنها این کشور نمی‌تواند از امکانات و فرصت‌های این عرصه بهره بگیرد، بلکه این امکانات در جهت مقابله و مانع‌تراشی در مسیر توسعه آن بسیج می‌گردد. بر این مبنا می‌توان گفت: طراحی و اجرای سیاست خارجی متناسب با هدف کانونی سند چشم‌انداز، نقش بسیار اساسی‌ای را جهت تحقق آن ایفا می‌کند. سیاست خارجی متناسب با این هدف را با توجه به موارد یاد شده می‌توان سیاست خارجی توسعه‌گرا نام نهاد.

کتاب الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، ص ۱۱

۷. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، روز پنج‌شنبه در گفت‌وگو اختصاصی با «دنیای اقتصاد» تاکید کرد که سیاست خارجی باید در خدمت توسعه کشور باشد، نه باری بر دوش آن.



تئوریک در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام تئوریزه شد. بنده در همان سال‌ها - سال ۸۷ یعنی یک سال بعد از تدوین این نظریه - یادداشتی نوشتم و دو یا سه نکته را از باب انتقاد راجع به نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا مطرح کردم. این نظریه در ادامه به مسأله مذاکرات تبدیل شد.^۸

حُب حالا یک تحول بر اساس آن نظریه در حال شکل‌گیری است و شما نمی‌توانید این نظریه را به شکل نظری بحث کرده و آن را نقد کنید؛ بلکه نوع تفاهم شما با جامعه برای نشان‌دادن غلط‌بودن این نظریه، باید آماده‌کردن یک محیط تست برای این نظریه باشد؛ یعنی باید به سمتی حرکت کنید که برای تفاهم ناکارآمدی این نظریه از تجرب استفاده کنید. چون حداقل ده دسته از مفاهیم توسعه غربی در روابط بین‌الملل تأثیرگذار هستند و اگر ما می‌خواستیم به شکل نظری بحث را جلو ببریم، باید تمام این مفاهیم را نقد می‌کردیم و در نهایت می‌گفتیم تعامل با اهل کفر در حوزه روابط بین‌الملل منافع ملی ما را تأمین نمی‌کند. اما آیا جامعه ما حال و هوای این مقدار بحث را دارد؟ بنده عرض می‌کنم که حتی کلاس‌های آموزشی ما هم حوصله این مباحث سنگین را ندارند. البته حُب یک پژوهشگر وقت دارد که به این مقدار عمیق بحث کند.^۹

اما در تجرب اینگونه نیست؛ شما در تجرب ذهن‌ها را از فضای مفاهیم متعدد شبکه‌ای - که برای بررسی این نظریه لازم است - موقتاً خارج کرده و ذهن‌ها را بر روی این موضوع متمرکز می‌کنید که این مجموعه مفاهیم در عینیت چه اثری به جا گذاشته‌اند. خود این هم یک پایه قضاوت است دیگر؛ ما در تجربه، نظریه طرف مقابل را از پایگاه کارآمدی بحث می‌کنیم، این ماهیت تجربه است.^{۱۰}

البته مبانی نظری این مطلب نیز قابل دفاع است؛ مثلاً وقتی شما به بنده می‌گویید توسعه را نقد کن، بنده می‌گویم یک سطح از نقد بنده به توسعه غربی این است که مثلاً به شما می‌گویم: در کشورهای اسکاندیناوی،^{۱۱} نهاد خانواده دچار فروپاشی شده است.^{۱۲} با توجه به اینکه در ذهن شما نگاه مثبتی به

۱/۴/۲. فروپاشی نهاد خانواده در کشورهای توسعه‌یافته اسکاندیناوی؛ نمونه‌ای دیگر از نقد غرب و تئوری‌های توسعه با استفاده از روش تجرب

یعنی دستگاه سیاست خارجی باید تلاش کند همان اهداف و آرمان‌ها را به شکلی دنبال کند که زمینه برای توسعه فراهم شود و مانعی برای توسعه نباشد. به عبارت دیگر خیلی‌ها شاید بگویند برای توسعه اقتصادی باید اهداف انقلاب را کنار بگذاریم؛ اما من معتقدم در آن صورت دیگر ما موجودیت و هویتی نیستیم که بتوانیم برای خودمان اهدافی تعیین کنیم و سپس بخواهیم به آنها دست پیدا کنیم.

دنیای اقتصاد <http://donya-e-egtesad.com/news/889327>

۸. داستان شکل‌گیری این نظریه در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، داستان جالب و عبرت‌آموزی است که بنده باید در زمانی مناسب راجع به آن صحبت کنم.

انتقال از متن

۹. لذا اشکال مباحث نظری - به معنای مصطلح در حوزه و دانشگاه - همین است که این مباحث، ناظر به ظرفیت‌های مختلف نیستند. تفاوت فلسفه و حکمت نیز همین است؛ حکمت، ورودی بحث خود را ظرفیت‌های مختلف قرار می‌دهد؛ اما مباحث فلسفی و نظری - چه فلسفه‌ای که در دانشگاه است و چه فلسفه قدیمی ما در حوزه که باید تغییر پیدا کند - عمدتاً یک نقطه شروع مشخص برای بحث دارند؛ یعنی وقتی شما ظرفیت‌های مختلف را در نظر نگرفتید و هماهنگ با آن ظرفیت‌ها وارد بحث نشدید، افراد تصمیم خود را گرفته و در تحولی که بر خلاف جهت‌گیری صحیح است تأثیر می‌گذارند. حالا اگر قدرت تفاهم هم نداشته باشید قطعاً به سمت سینه‌به‌سینه‌شدن و ارتقاء اصطکاک در جامعه می‌روید.

انتقال از متن

۱۰. به فضل الهی وقتی در دوره‌های اثباتی سطوح تفکر را بررسی کردیم آنجا بحث خواهیم کرد که معنای اصلی تجرب یا تجربه چیست. ولی اجمالاً خواستم عرض کنم که بنده در نقد غرب بازخوانی تجربه‌ها را ملاک می‌دانم؛ چون این روش سرعت بیشتری برای تفاهم دارد.

انتقال از متن

۱۱. اسکاندیناوی منطقه‌ای با جزئیات خاص تاریخی و فرهنگی در شمال اروپا و دربرگیرنده سه کشور سوئد، نروژ و دانمارک است.



نهاد خانواده وجود دارد و متوجه جایگاه آن هستید،^{۱۳} اگر تجربه کشورهای اسکاندیناوی در حوزه خانواده را برای شما بازخوانی کنم، همان اثری که از طرح مباحث نظری انتظار داشتیم در ذهن شما ایجاد خواهد شد. شما از خود سؤال می‌کنید که خانواده جزء رفاه است - یعنی ما نمی‌توانیم رفاه را بدون خانواده تصور کنیم - و هدف توسعه هم ایجاد رفاه است؛ پس چرا به کشورهای اسکاندیناوی توسعه یافته گفته و از آنها تعریف می‌کنند در حالی که خانواده در این کشورها دچار فروپاشی شده است؟ همانطور که می‌بینید تمام فضای استدلال بنده برای نقد توسعه غربی چند دقیقه طول نمی‌کشد ولی منجر به ایجاد سؤال در گزاره‌ای می‌گردد که به عنوان گزاره علمی تبلیغ و ترویج می‌شود.

شما از این نوع سؤالات در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت زیاد می‌بینید. مثلاً بنده همیشه ۱/۴/۳۰ پخش روزانه ۵۰ میلیون کوپن غذا در آمریکا و نبود عدالت در این کشور توسعه یافته؛ نمونه‌ای دیگر از بازخوانی تجربیات توسعه غربی کشورهاست. مثلاً بنده همیشه در جلسات پرسیده‌ام که - این سؤال، یک سؤال فنی است - آیا ما می‌توانیم از عدالت چشم‌پوشی کنیم یا نه؟ این بخش اول سؤال است. خُب جواب، بسیار روشن است؛ درست همانند گزاره اول که خانواده جزء رفاه بود، حتماً عدالت هم جزء دیگری از رفاه محسوب می‌شود. رفاه یک جامعه با فاصله طبقاتی قابل جمع نیست و این یک مسأله روشن است. وقتی شما کشور را دعوت می‌کنید که مسیر کشورهای توسعه یافته را طی کند، بنده یک سؤال می‌پرسم؛ چرا در کشور توسعه یافته آمریکا - که توسعه یافته‌ترین کشور دنیاست - نزدیک ۵۰ میلیون نفر روزانه کوپن غذای ۱/۵ دلاری می‌گیرند؟^{۱۴} یعنی این افراد از تأمین ۱/۵ دلار در روز عاجزند و این یعنی بیکار هستند. شما می‌گویید مسیر توسعه یافتگی، آرمان شهر است و بنده با یک سؤال این گزاره را به چالش می‌کشم. البته این چالش هم چالشی نیست که شما بتوانید از آن عبور کنید، بلکه باید بحث کنید و بگویید که چرا در یک کشور توسعه یافته با این گپ (GAP)^{۱۵} بزرگ روبرو هستیم؟ این شکاف، شکاف بسیار عجیبی است. حالا هر چقدر می‌خواهید بر روی کاغذ به من بگویید که شاخص

۱۲. سن اولین ازدواج در کشورهای اسکاندیناوی در سال ۲۰۱۰

سوئد: مردان ۳۵/۷ و زنان ۳۳

دانمارک: مردان ۳۴/۴ و زنان ۳۱/۹

دقت: آمار اتحادیه اروپا

http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Marriage_and_birth_statistics_-_new_ways_of_living_together_in_the_EU

آمار طلاق کشورهای اسکاندیناوی در سال ۲۰۱۰

سوئد: ۴۷ درصد

دانمارک: ۴۶ درصد

نروژ: ۴۴ درصد

دقت: آمار اتحادیه اروپا http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Marriage_and_divorce_statistics

۱۳. در تعابیر «اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی» از این موضوع به پایه سؤال تعبیر می‌شود؛ در واقع پایه سؤال، مهره مشترکی است که طرفین بحث ضرورت آن را درک نموده و آن را می‌فهمند. در مورد پایه سؤال در دهه سوم این دوره صحبت‌های تفصیلی مطرح خواهد شد.

۱۴. به گفته وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا، در سال ۲۰۱۶ دولت غذای ۴/۲ میلیون آمریکایی را تأمین کرده است. به هر فرد ماهانه ۱۲۵ دلار اختصاص یافته است که در هر روز مبلغی معادل ۴ دلار می‌شود؛ یعنی برای هر وعده تقریباً ۱/۵ دلار.

وبسایت رسمی وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا <https://www.ers.usda.gov/data-products/chart-gallery/gallery/chart-detail?chartId=83029>

۱۵. شکاف



توسعه‌یافتگی رشد [اقتصادی]، GDP^{۱۶} و تورم است. می‌توان این شاخصه‌ها را روی کاغذ گفت و مرکز آماری هم برای آن درست کرد؛^{۱۷} ولی به هر حال بنده به تجربه توسعه‌گراها در کشور آمریکا و کشورهای اسکاندیناوی اشاره می‌کنم و حداقل نتیجه این کار آن است که این نوع از طرح بحث، یک چالش ایجاد می‌کند.^{۱۸}

۲. عدم امکان آموزش قوانین، تعارض قوانین، ضدیت ملزم کردن افراد با فطرت انسانی؛ سه دلیل

ضدیت قانون گذاری ۱۰۸ ساله مدرن ایران با بهینه روابط انسانی

حال به بحث برگردیم و با محوریت بازخوانی تجربه‌ها، نظام قانون گذاری ایران را بررسی کنیم. همان‌طور که دیروز عرض کردم ما ۱۰۸ سال سابقه قانون گذاری در کشور ایران^{۱۹} داریم.^{۲۰} این قوانین سه نوع اشکال دارند و شما می‌توانید صحت این سه اشکال را با مبنای بازخوانی تجربه‌ها تأیید کنید. ما سه مشکل اساسی به این نظام قانون گذاری داریم که هر سه مورد آنها برای بهینه روابط انسانی مضر هستند. در جلسه گذشته بنده عرض کردم که ما یک ملاک داریم؛ قانون باید به «بهینه روابط انسانی» کمک کند. حالا می‌گوییم در نظام قانون گذاری فعلی سه آفت وجود دارد که دقیقاً ضد بهینه ریشه‌ای روابط انسانی هستند.

۲/۱. وجود سه عامل ضد بهینه روابط انسانی در قانون گذاری ۱۰۸ ساله مدرن ایران

مشکل اصلی‌ای که در رأس همه مشکلات نظام قانون گذاری وجود دارد این است که ما با پدیده قانون متکثر یا همان تورم قوانین روبرو هستیم.^{۲۱} همان‌طور که عرض کردم قانون، منشأ ایجاد نظم

۲/۲. عدم امکان آموزش قوانین مدرن به افراد و در نتیجه اجرانشدن قانون‌ها به دلیل متکثر بودن این قوانین؛ اولین اشکال قانون گذاری مدرن

۱۶. کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی یا GDP می‌نامند.

وبسایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران <http://www.cbi.ir/simplelist/4507.aspx>

۱۷. حالا بعداً که وارد نقد مدل‌های آمارگیری شدم و شاخص‌هایی مانند رشد و GDP را نقد کردم، بحث‌های فنی خودم را عرض خواهم کرد.

انتقال از متن

۱۸. ما در «الگوی استخراج سؤال» بحث کرده‌ایم که چگونه این نوع از سؤالات را تولید کنیم. اتفاقاً این بحث، جزء بحث‌های خوب و فنی اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. ما در بخش مبانی نظری نقشه الگوی پیشرفت منطق اینکه چگونه یک سؤال منجر به تفکر یا هدایت تولید کنیم را بحث کرده‌ایم. این بخش از عرایض بنده برای این بود که سؤال خوب دوست عزیزمان بی‌پاسخ نماند.

انتقال از متن

۱۹. قانون گذاری مدرن با افتتاح مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی آغاز شد.

۲۰. البته این، قدمت قانون گذاری به مفهوم مدرن است، در غیر اینصورت قانون به معنای غیر مدرن خود قبلاً در جامعه ما وجود داشته است و جامعه ما نیز سال‌ها بر اساس همین قوانین اداره می‌شده است. بنده به عنوان نمونه عرض می‌کنم که ایرانیان سال‌های متمادی به دلیل حاکم بودن قوانین غیر مدرن در کشاورزی، مسأله آب خودشان را مدیریت می‌کردند و ما مشکل کم‌آبی کشور خودمان را با روش‌های خاصی مدیریت می‌کردیم؛ اما از زمانی که قوانین مدرن در حوزه آب و آبیاری و آبخیزداری و بحث‌های کشاورزی پیدا شد، مشکل کم‌آبی به عنوان یک مشکل لاینحل معرفی شده است. بنابراین یک نظام قانون گذاری نانوخته و غیر مدرن در کشور ما وجود داشته است؛ به عنوان مثال یکی از مظاهر این موضوع مسأله قنات‌ها بوده است. بنده الآن از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم که نظام کارشناسی کشور برای رفع مسأله بی‌آبی در برخی از مناطق در حال بازگشت به احیای قنات‌هاست؛ یعنی با این همه ادعا و مطالعه، پایان‌نامه‌ها و اساتیدی را بسپیم می‌کنند که مسأله قنات‌ها را مطالعه کنند تا دوباره قنات‌ها را احیا کنند. غرضم این بود که بگویم قبل از قانون گذاری مدرن، قانون گذاری وجود داشته است؛ اما قانون گذاری مدرن در کشور ما ۱۰۸ سال سابقه دارد.

انتقال از متن

۲۱. الهام امین‌زاده امروز (یکشنبه، ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵) در دومین روز همایش فرآیند قانون گذاری، الزامات و راهکارها با اشاره به مصوبات و تصویب قوانین در مجلس شورای اسلامی گفت: در این حوزه باید راهکارهای جدیدی تبیین و تعیین شود تا کشور از چالش‌های پیش رو عبور کند. به گزارش خانه ملت، وی با اشاره به عمر ۱۱۰ ساله نظام قانون گذاری در ایران افزود: در این مدت حدود ۱۱ هزار قانون مصوب شده که با توجه به عمر



در جامعه است و افراد جامعه حتماً باید با قانونی که وضع می‌شود ارتباط بگیرند؛ اصلاً غرض وضع قانون این است که توسط افراد جامعه اجرا شود. حُب وقتی قانون زیاد شد عملاً امکان تفاهم قوانین زیاد با جامعه انسانی مستحیل می‌گردد؛ یعنی ما برای آموزش قوانین زیاد به مردم دچار مشکل می‌شویم. وقتی قانون زیاد شد نمی‌توانیم قانون‌های متکثر در بخش‌های مختلف را با اعضای جامعه به تفاهم برسانیم و این یک مسأله مهم است. البته این بحث در مورد قوانین عمومی -قوانینی که همه باید آن را رعایت کنند- نمود بیشتری دارد؛ شما ده‌ها بسته قانون عمومی وضع کرده‌اید و این قوانین به حدی هستند که فرصت آموزش و انتقال آنها به جامعه وجود ندارد و وقتی جامعه نتوانست با آن قانون ارتباط برقرار کند قانون مورد نظر به سرانجام عدم اجرا مبتلا خواهد شد. این آفت اول است.

آفت دومی که در نظام قانون گذاری فعلی محل بحث می‌باشد متناقض بودن قوانین فعلی است؛ در واقع با توجه به اینکه این قوانین بنا بر مفهوم اعتبار عقلا تصویب می‌شوند و با توجه به اینکه عقلا جابه‌جا می‌شوند و مصلحت‌های حاکم بر اعتبارشان تابع شرایط زمانی و مکانی متفاوت می‌شود؛ شما با پدیده تناقض قوانین به عنوان یک پدیده مدرن روبرو می‌شوید. مشکل تناقض قوانین این است که قانونی که خودش منشأ ایجاد نظم است دچار تناقض گردیده است؛ یعنی ضدِ نظم عمل می‌کند. الآن در دنیای مدرن مسأله تنقیح قوانین را پیشنهاد داده‌اند^{۲۲} و پیشنهاد تنقیح قوانین، به معنای پذیرش تناقض قوانین است. این هم مشکل دوم است.

پس اشکال اولیه قانون کثیر این است که نمی‌توان قانون متکثر را آموزش داد و آموزش آن بسیار سخت، هزینه‌بر و وقت‌بر است و اصلاً حجم زیادی از آموزش را در برمی‌گیرد. فرض کنید نظام آموزش و پرورش شما وقت بگذارد تا این همه قوانین را آموزش دهد! در اینصورت وقت آموزش بحث‌های دیگر گرفته می‌شود. وقتی به این موضوع فکر می‌کنیم متوجه می‌شویم که آموزش این قوانین بسیار مشکل است. حالا بنده دیده‌ام که برخی از کارشناسان در کشور پیشنهاد داده‌اند که یک شبکه تلویزیونی برای قوه قضائیه تأسیس گردد؛ چون در بسیاری از پرونده‌هایی که به دادگاه می‌روند مجرم به صورت صریح به قاضی اعلام می‌کند که من اصلاً خبر نداشتم چنین قانونی در این زمینه وجود دارد. ببینید؛ قانون که زیاد شد، مشکل آموزش پیدا می‌کند. قانون که زیاد شد مشکل تناقض قوانین به وجود می‌آید و این هم اشکال دوم است.

اشکال سوم ازدیاد قوانین و قانون گذاری به شکل مدرن این است که اساساً پدیده الزام -که جزء ماهیت قانون است- نمی‌تواند محور نظم قرار گیرد. ما اصلی در انسان‌ها داریم به نام اختیار؛ همان طور که در جلسات گذشته گفتم خدای متعال مکرراً در آیات مختلف به پیامبر ﷺ خود

آن، این میزان بسیار زیاد است به طوری که در کشور فرانسه عمر نظام قانون گذاری آن حدود ۲۰۰ سال بوده و در این مدت تنها ۲۸۰۰ قانون مصوب شده است.

<http://www.icana.ir/Fa/News/298595> خبرگزاری مجلس شورای اسلامی (خانه ملت)

۲۲. بعداً بحث تنقیح قوانین در ایران و کشورهای جهان را به صورت تفصیلی بحث می‌کنم و توضیح می‌دهم که آیا تنقیح قوانین توانسته مسأله تناقض در قوانین را حل کند یا نه؟

انتقال از متن



فرموده که نباید از طریق اجبار و تسلط به سمت ایجاد نظم اجتماعی و مدیریت انسان‌ها رفت؛ اصلاً فطرت انسان به محوریت اختیار طراحی شده است. البته چون پیامبران علیهم‌السلام و دستگاه خدا قدرت تفاهم بالایی دارند، به سمت الزام نمی‌روند و تفاهم کرده و مسأله را به صورت درونی جا می‌اندازند. حالا آیا مصلحتی که نظام قانون‌گذاری آن را مبنای تقنین قرار می‌دهد آنقدر قوی هست که قابل تفاهم باشد یا اینکه دائماً باید برای قوانین مجازات تعیین کنند؟!

چند روز پیش یکی از مسئولین مرکز آمار ایران در تلویزیون صحبت می‌کرد. ایشان استدلال می‌آوردند که ما چرا به آمارگیری احتیاج داریم. وقتی استدلالات خود را به خوبی مطرح کردند در آخر گفتند البته مجازات‌هایی مانند زندان و ... نیز پیشینی شده است. خلاصه به سمت تهدید مردم رفت! و گفت اگر قوانین را اجرا نکنید با مجازات روبرو خواهید شد. این یعنی چه؟ یعنی نمی‌توانند بر سر مصالح خودشان تفاهم عمومی ایجاد کنند. حالا یک وقت می‌گویید یک‌بار، دوبار یا سه‌بار اجبار می‌کنیم، حُب [این اشکال زیادی ندارد؛ ولی گاهی نظم اجتماعی را بر محور الزام شکل می‌دهیم. اگر عاقلانه و حکیمانه نگاه کنیم متوجه می‌شویم که الزام، با ایجاد نظم در انسان‌ها در تضاد است؛ هرکس درون انسان را بشناسد می‌داند که به چالش کشیدن اختیار انسان‌ها یک‌بار جواب می‌دهد، دوبار جواب می‌دهد؛ اما نمی‌توان به چالش کشیدن اختیار انسان‌ها را مبنای نظم اجتماعی قرار داد؛ این انسان‌ها بالاخره جلوی شما می‌ایستند و این مسأله مهمی است.

کثرت قانون‌گذاری به معنای کثرت الزام است و این موضوع ضد فطرت و ضد مبانی دینی ماست. خداوند متعال به پیامبر خود می‌فرماید: «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»^{۲۳} یعنی تو بر مردم مسلط نیستی و نباید با مکانیزم‌های جبری و برون‌گرا کارها را مدیریت کنی. همچنین می‌فرماید: «أَنَا أَرْسَلْنَاكَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا»^{۲۴} خداوند مکانیزم اصلی تفاهم با اراده‌ها را بحث می‌کند. تبشیر و تنذیر باید محور کار باشد و این مسأله مهمی است. روح ایجاد نظم این است که لوازم اختیار به رسمیت شناخته شوند. وقتی شما نمی‌توانید مبنای قانون‌گذاری را تفاهم کنید باید بپذیرد که در گام بعد قوانین شما اجرا نشوند و واقعیت مسأله هم همین است. البته ممکن است این موضوع را به شما نگویند و یا تحقیقات آن، محرمانه تلقی شود؛ ولی شما می‌توانید بررسی کنید که چه میزان از قوانین فعلی اجرا می‌شوند. همان‌طور که عرض کردم پدیده رشوه و پارتی‌بازی یک پدیده عام‌البلوا است؛ یعنی به دلیل اینکه نظام قانون‌گذاری مدرن و بحث جامعه مدنی نمی‌تواند با انسان‌ها ارتباط درونی بگیرد، مردم

۲/۴/۱. فرار مردم از قوانین (مانند فرار دهک‌های بالا از مالیات)؛ نتیجه الزام دائمی افراد جامعه توسط نظام قانون‌گذاری

۲۳. فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ / آیه ۲۱ و ۲۲ سوره مبارکه غاشیة

پس تذکر ده، که تو فقط تذکر دهنده‌ای. تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی].

۲۴. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا / آیه ۴۵ سوره مبارکه احزاب

ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستادیم.



از زیر بار این نظام قوانین شانه خالی می کنند. در کشور ما مسأله مالیات به همین شکل است؛ یعنی بر روی مالیات تفاهم صورت نمی گیرد و لذا در سه دهک بالا، فرار مالیاتی وجود دارد.^{۲۵} بنده اخیراً فوت آقای را بررسی می کردم؛ فرزندان او در دو یا سه ماه آخر که حدس می زدند پدرشان از دنیا می رود از پدر به زور امضاء گرفته بودند و املاک را به خودشان منتقل کرده بودند تا مالیات بر ارث را ندهند. فرار مالیاتی فراوان است و ما درباره واقعیات جامعه صحبت می کنیم. مشکل کجاست؟ مشکل اینجاست که نظام قانون گذاری شما می خواهد پشت سر هم افراد را ملزم کند و استدلال الزام نیز این است که می خواهیم در جامعه نظم ایجاد کنیم و از آنارشیسم^{۲۶} فاصله بگیریم، می خواهیم کشور را اداره کنیم.

البته این حرف، حرف درستی است و اصلاً موضوع بحث ما در نظام برنامه ریزی این است که باید نظم اجتماعی ایجاد شود؛ اما سخن فنی در این است که آیا می توانیم به بهانه نظم اجتماعی اختیارات را به چالش بکشیم؟ این یک گزاره بنیادین است. اصلاً الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به معنای ترسیم معادلاتی است که منجر به نظم اختیاری می شود، این موضوع را بعداً بحث می کنیم. همان طور که در جامعه نظم و نظامات اجتماعی چیز لازمی است، مواظبت بر اینکه اختیارات اجتماعی به چالش کشیده نشوند هم لازم است.^{۲۷}

بنابراین بنده سه اشکال را برای نظام قانون گذاری برشمردم؛ اشکال اول این بود که امکان آموزش قوانین زیاد پایین است؛ به همان میزان که قوانین را زیاد می کنید امکان آموزش آنها وجود ندارد. اشکال دوم این است که قانون زیاد، متناقض می شود. به عنوان مثال بسیار محتمل است که قانون سال ۱۳۹۵ با قانون سال ۱۳۹۴ در تناقض باشد. البته این مشکل با پدیده تنقیح قوانین هم

۲/۴/۲. لزوم کم کردن مکانیزم های جبری در اداره جامعه و لزوم به رسمیت شناختن اراده انسان ها

۲۵. مشاور اقتصادی رئیس جمهور عنوان کرده است که ۲۸ درصد از ۵۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه مصرفی کشور را که بالغ بر ۱۵۷ هزار میلیارد تومان می شود، دهک دهم خرج می کند. مسعود نیلی با بیان اینکه از قشر ثروتمند جامعه مالیات نمی گیریم، گفت: دهک دهم درآمدی، ۲۸ درصد از کل هزینه ها را دارد و در سال ۹۴ هزینه مصرفی که ۵۶۰ هزار میلیارد تومان بوده، دهک دهم ۲۸ درصد آن را خرج کرده است. مشاور اقتصادی رئیس جمهور افزود: اگر به جای ۳ درصد ۱۰ درصد از این دهک مالیات بگیریم، ۱۵ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان و اگر ۲۰ درصد باشد، ۳۱ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان و اگر ۳۰ درصد اخذ شود ۴۷ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان مالیات خواهد بود. وی با بیان اینکه در انگلیس از این دهک ۴۰ درصد و در دانمارک ۵۰ درصد مالیات اخذ می شود، تصریح کرد: عملاً از قشر ثروتمند جامعه مالیات نمی گیریم، باید در مالیات از سمت بنگاه ها به سمت خانوار برویم. نیلی درباره شاخص های مطلوب مالیاتی در مورد مزایای مالیات بر بنگاه ها گفت: این موضوع منجر به ایجاد اطلاعات قابل تطبیق برای اخذ مالیات بر درآمد خانوار است، همچنین بازیگر اصلی، اخذ مالیات بر مصرف و ارزش افزوده خواهد بود. مشاور اقتصادی رئیس جمهور در مورد معایب آن نیز اظهار داشت: اختلال در تولید بنگاه ها و افزایش نابرابری به دلیل کاهش دستمزد کارگران از دیگر ابعاد این موضوع است. وی با تأکید بر لزوم اجرای عدالت مالیاتی در کشور گفت: فقط حدود ۳ درصد از دهک دهم جامعه مالیات می پردازند.

چنان آنلاین، <http://www.javanonline.ir/fa/news/842500>

۲۶. عموماً عقاید آنارشیست ها را در چهار اصل زیر خلاصه می کنند:

۱. آزادی فردی باید مطلق باشد؛
۲. همه حکومت ها و قوانین شر هستند؛
۳. علم باید جایگزین جهل و روشنائی جانشین تاریکی گردد؛
۴. سرمایه داری و مالکیت خصوصی باید لغو گردد و تعاون داوطلبانه جای آن ها را بگیرد.

حلبی، علی اصغر؛ اندیشه های سیاسی قرن بیستم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۹۷

۲۷. حالا اینکه چطور بین نظم و اختیار جمع کنیم، بحثی است که در نظریه پردازش موضوعات جهت ساز آن را شرح داده ایم.



حل نمی‌شود. حتی اگر دو مشکل اول را پاسخ دهید، بنده قانونی که در آن الزام به صورت پیش‌فرض وجود دارد را در تعارض با اختیار و فطرت انسانی می‌بینم. باید تا جایی که امکان دارد، مکانیزم‌های ضد‌اختیار را در جامعه کم کنیم. حالا یک نظام قانون‌گذاری با ویژگی‌هایی که دیروز عرض کردم پیشنهاد شده و در جامعه ما شکل گرفته است و این نظام قانون‌گذاری هم‌اکنون مشغول قانون‌گذاری در جامعه ماست. همان‌طور که عرض کردم مرحوم شیخ فضل‌الله نوری در یک گام قانون را به عدم مخالفت قطعی با شرع مشروط کردند. ولی به همین دلایلی که عرض کردم این نظام قانون‌گذاری، ما را به سمت تمدن اسلامی نمی‌برد. در اداره جامعه الزام را به صورت حداقلی می‌توان پذیرفت و لذا همیشه عرض کرده‌ایم که اداره جامعه هدایت‌بنیان است، نه قانون‌بنیان. هدایت یعنی ارتباط با درون انسان‌ها و قانون یعنی الزام بیرونی انسان‌ها به پذیرش یک نظم. الزام بیرونی یک چالش جدی برای آینده ماست.

۲/۵. به چالش کشیدن اختیار انسان‌ها؛ دلیل ضدیت قانون‌گذاری مدرن با هویت اسلامی

بنابراین در نظام قانون‌گذاری فعلی هویت اسلامی نقض شد. هویت اسلامی چه بود؟ هویت اسلامی این بود که اختیار انسان‌ها به چالش کشیده نشود. بنای ما در این ده جلسه اول - که امروز جلسه نهم است و فردا تمام می‌شود - این است که نشان دهیم نظام اجتماعی مبتنی بر توسعه غربی، ضد «شاخص‌های هویت اسلامی» عمل می‌کنند. ما نظم اقتصادی را بحث کرده و نشان دادیم که چطور به حرص منتهی می‌شود. نظم آموزشی را بحث کرده و توضیح دادم که چطور به اشغال سن تربیت منتهی می‌شود. امروز و دیروز هم نظم قانون‌گذاری را بحث نموده و بیان کردیم که چطور به نفی اختیار و به چالش کشیده شدن مسأله اختیار منتهی می‌شود.

همان‌طور که عرض کردم در دهه اول از این دوره به دنبال این بودیم که نشان دهیم مهمترین عاملی که بر دین‌داری مردم و شاخص‌های هویت اسلامی تأثیر می‌گذارد نظم اجتماعی است. این، موضوع جلسات ما در دهه اول بود. پس کسی نگوید به عرصه برنامه‌ریزی ورود پیدا نکنید. شنیدم یکی از دوستان، پیغام داده‌اند که طلاب، مکاسب و رسائل را رها کرده و در محل مهم‌ترین دانشگاه ایران، وارد حوزه برنامه‌ریزی شده‌اند! ایشان این موضوع را از باب ناراحتی و اعتراض گفته بودند. بنده به ایشان و به همه دوستانی که اعتراض دارند عرض می‌کنم ما چهار دهه اشتباه کردیم و نظم جامعه را به دست دوستان جریان توسعه‌گرا سپردیم و حالا طلاق در تهران ۴۲ درصد شده است. مشکلات اقتصادی که حل نمی‌شود و ما در تاریخی‌ترین رکود دوران معاصر ایران قرار گرفته‌ایم.

۲/۵/۱. ضدیت نظم قانون‌گذاری مدرن با هویت اسلامی؛ نمونه‌ای دیگر از اثرگذاری نظام اجتماعی بر شاخص‌های هویت اسلامی

همه اینها با وجود اینکه توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی حاکم می‌باشد اتفاق افتاده است. بنده نمی‌توانم بگویم وزرای حاکم بر این دولت و شخص آقای رئیس‌جمهور انسان‌های بی‌سوادی هستند. هرچند گاهی ایشان به مخالفین می‌گویند بی‌سواد هستید؛^{۲۸} ولی بنده آقای روحانی را در تفکرات توسعه‌گربی انسان‌ملایی می‌دانم. ایشان و تیم کارشناسی‌شان توسعه را بسیار خوب

۲۸. لاقلاً این توافق ژنو اولین گشایش برای دانشگاه و برای پول دانشجویها بود؛ فقط یک عده معدود که از جای معدود تغذیه می‌شوند. آنها باید حرف بزنند. آنها هم البته حرف بزنند اشکال ندارد، نقد کنند اشکال ندارد؛ چرا یک عده کم‌سواد بیایند حرف بزنند؟ استادان دانشمند ما بزرگان دانشگاه ما خصوصی چرا حرف می‌زنند ولی نمی‌آیند در میدان.

دکتر حسین روحانی در اجلاس رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۱۱/۱۵ به نقل از خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921115000177>



می فهمند. با اینکه تیم ایشان مفاهیم توسعه غربی را خوب می فهمند ولی مشکلات حل نمی شود و این موضوع هم تنها مربوط به این دولت نیست؛ جریان توسعه گرا و تکنوکرات ها^{۲۹} از ابتدای انقلاب بوده اند. اینها حتی نتوانستند وابستگی درآمد ایران به نفت را حل کنند. بنده یاد می آید که هر موقع به دانشگاه ها می رفتم می گفتند اقتصاد ایران به بیماری هلندی^{۳۰} دچار شده است.^{۳۱} مدام گفتند، نوشتند، بحث کردند ولی مسأله حل نشد. برخلاف زمانی که مدیریت به دست نیروهای انقلاب افتاد و ما با تفکر جهادی انقلاب توانستیم وارد باشگاه های هایتک دنیا شویم؛ یعنی زمانی که تفکر تکنوکرات و توسعه گرا وارد میدان می شود در مسأله اتومبیل به سراغ شرکت پژو رفته و قرارداد می بندد و بعد از اینکه بدعهدی می شود دوباره سراغ همین شرکت پژو می رود. ولی زمانی که به عنوان مثال در هوافضا کار به دست نیروهای انقلاب می افتد، ما ماهواره به فضا می فرستیم. ما به جریان توسعه گرا از نوع مدیریت تا چالش های فرهنگی و اجتماعی ای که برای جامعه درست کرده است اشکال داریم. کشور را با نظریات غلط خودشان به بن بست رسانده اند و بعد اعتراض می کنند که چرا شما الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث می کنید؟! آیا ما باید اجازه دهیم که وال استریت ایرانی درست کنید!؟

تمام مباحثی که در دانشگاه شریف، تهران و علامه بحث می شوند به وال استریت ایرانی ختم خواهند شد؛ آیا واقعاً دوستان معتقدند که الگوهای توسعه غربی می توانند مشکل خانواده را حل کنند!! می توانند مشکل عدالت را حل کنند!! یک کشور در کشورهای توسعه یافته پیدا کنید که مشکل خانواده را حل کرده باشد!! بنده ای که در حوزه علمیه قم درس خوانده ام و با این موج فروپاشی نهاد

۲/۶. لزوم تغییر نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه غربی به دلیل هدم هویت اسلامی توسط این نظامات اجتماعی

۲۹. تکنوکرات؛ به معنای فن سالار، فن مدار، کارشناس فنی، کسی که سلطه مدیریتی را اعمال کرده و هوادار تکنوکراسی (Technocracy) است. واژه تکنوکراسی در دو معنای متمایز به کار می رود:

۱. حاکمیت وسائل فنی بر انسان؛ در این معنا به پدیده خاصی اطلاق می شود که مخصوصاً در عصر جدید با انباشتگی، گسترش و حضور همه جانبه و همه جایی وسائل فنی و ماشین تجلی یافته است. این وسایل چنان پیچیده اند که گاه خالق نور یعنی انسان را اسیر خود می سازند، آهنگ خاص خود را بر حیات او تحمیل می نمایند. با تولید انبوه، مصرف انبوه و فراوان نیز باید همراه گردد. از این رو تبلیغات شدید تجاری، حریم آزادی انسان ها را از بین می برد.

۲. حاکمیت صاحبان فنون؛ پیچیدگی فنون با خود تخصص هایی پیچیده را به همراه می آورد. آنان که بدین فنون تسلط دارند، آنها را به خواست خود می چرخانند و خود به صورتی در زمره صاحبان قدرت در جامعه صنعتی به شمار می روند، بعضی چون گوریچ سلطه صاحبان فنون جدید را با آزادی انسان ها منافی می دانند.

رک: دائرة المعارف علوم اجتماعی، باقر روحانی، ج ۲، ص ۱۷۶

۳۰. از دیدگاه اقتصادی، بیماری هلندی بیان کننده شرایط خاص اقتصادی است که طی آن افزایش صادرات یک یا چند منبع طبیعی موجب افزایش قابل توجه درآمد صادراتی آن کشور شده و این امر، موجب تغییر اختصاص منابع تولید از فعالیت های اقتصادی دیگر از جمله صنایع تولیدی یا کشاورزی به آن فعالیت مخصوص می شود. چنین واقعه ای موجب کاهش توان اقتصادی آن کشور شده و پیامدهای منفی دیگری از جمله کاهش تولید ناخالص ملی آن اقتصاد می شود.

گفت و گوی خبرگزاری فارس یا جمشید دموئی (رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه لوترن کالیفرنیا) www.farsnews.com/printable.php?nn=13920808000048

۳۱. چند نمونه از مقالات و گفت و گوها در مورد بیماری هلندی در اقتصاد ایران

گفت و گوی خبرگزاری فارس یا جمشید دموئی (رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه لوترن کالیفرنیا)

www.farsnews.com/printable.php?nn=13920808000048

گفت و گوی خبرگزاری خبرآنلاین با مسعود خوانساری (رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران)

<http://www.khabaronline.ir/detail/415095/Economy/macroconomics>

گفت و گوی خبرگزاری خانه ملت با علی محمد احمدی (عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس نهم)

<http://www.icana.ir/Fa/News/240991>



خانواده که در ایران در حال رخ دادن است روبرو هستیم یا باید بگوییم تقدیر الهی است و باید منتظر ظهور حضرت ولیعصر علیه السلام باشیم - کما اینکه برخی تنبلی خودشان را این‌طور توجیه می‌کنند - و یا اینکه باید بررسی کنم چه اتفاقی رخ داده است؟ ریشه تمام این مشکلات نظام برنامه‌ریزی است.^{۳۲} ان شاء الله خدا توفیق دهد و دست به دست هم بدهیم و کشوری آباد و مبتنی بر فکر اسلامی را طراحی کنیم تا زمینه‌ساز ظهور عاقل‌ترین انسان روی زمین حضرت ولی‌عصر علیه السلام باشیم و این کشور را به دنیا معرفی کنیم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا ابِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وآله وصحبه

۳۲. همان‌طور که در این نُه جلسه بحث کردم نظام برنامه‌ریزی نظم اجتماعی را علیه شاخص‌های هویت اسلامی تنظیم نموده و با این وجود ادعای تدبیر هم می‌کند! دوستان تصور نکنند که مباحث بنده، سیاسی است. حالا تازه ابتدای مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. با چهل یا پنجاه جلسه‌ای که می‌خواهم در یکی از دانشگاه‌ها راجع به صنعت برگزار کنم چه برخوردی می‌کنید؟ آنجا هم می‌خواهید همین بحث‌ها را مطرح کنید؟ بالآخره باید به این عرصه‌ها ورود پیدا کرد، راجع به استراتژی صنعتی صحبت کرد، راجع به نظام برنامه‌ریزی بحث کرد و ...
حتماً شما اخبار ورود اندک ما به مسأله بیوتکنولوژی را پیگیری کرده‌اید. بنده نامه‌ای به معاون تحقیقات سازمان برنامه و بودجه نوشتم و چند سؤال پرسیدم؛ بند چهارم نامه ما، یک مدل جدید برای تصرف در ظرفیت اولیه موجودات بود. بنده از ایشان تقاضا کردم که در سازمان مدیریت جلسه‌ای گذاشته و مباحث ما را نقد کنند. سه هفته است که آقا ساکت هستند؟ چرا از جلسه علمی و مباحثه می‌ترسید؟! چرا همیشه طرف مقابل را تحقیر می‌کنید؟ چهل سال فرصت داشتید و قرار بود عدالت را محقق کنید ولی نتوانستید. باید اجازه دهید بحث‌ها جلوتر بروند و گفت‌وگوها عمیق‌تر بشوند. بنده خواهش می‌کنم دوستان با مباحث ما عالمانه برخورد کنند.

انتقال از متن



پرسش و پاسخ

۱. برقراری ارتباط با فطرت انسان‌ها و متفاوت نبودن فطرت انسان‌ها در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف؛ دلیل عدم تغییر قوانین

وضع شده در راستای بهبود روابط انسانی

یکی از حضار(۱)؛ در مورد تعارض قوانینی که فرمودید، خب یک سری از قوانین طبق مقتضیات زمان باید عوض شوند. بالأخره ما در حال تکامل هستیم و یک سری قوانین جدید را وضع می‌کنیم تا شرایط خود را بهتر کنیم و ممکن است با قوانین قبل کاملاً متفاوت باشد چون تجربه ما نسبت به جهان عوض شده است. این چه اشکالی دارد؟

استاد کشوری: این بحث مربوط به جلسه قبل است، بنده دو جلسه راجع به نظام قانون گذاری بحث کرده‌ام؛ عرض کردم که اگر هر پدیده‌ای که - شما برای اختلاس یا برای کلاهبرداری در معاملات یا برای بهره‌وری قانون گذاری می‌کنید - برای آن قانون وضع کرده‌اید را بررسی کنید، خواهید دید که یک بخش قابل توجهی از آن چالش به روابط انسانی برمی‌گردد. در آن صورت قوانین مدیریت روابط انسانی دیگر تابع زمان نخواهند بود. وقتی شما می‌خواهید انسان‌ها را از درون مدیریت نمایید اگر هزار سال پیش بودید باید کاری انجام می‌دادید که انسان‌ها به فکر فرو بروند؛ یعنی با درون آنها ارتباط برقرار کنید؛ اکنون هم در عصر تمدن ظلمانی مدرنیته اگر می‌خواهید کسی را هدایت نمایید باید اول او را به فکر فرو ببرید، در زمان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز باید او را به فکر فرو ببرید. این‌گونه نیست که وقتی ما به فطرت انسان می‌رسیم فطرت انسان از شرایط زمانی و مکانی تبعیت کند.

ببینید همان‌گونه که بنده در جلسه گذشته عرض کردم دو مقدمه وجود دارد؛ اگر ابتدا سهم تأثیر روابط انسانی را در معضلات بسنجید و در گام دوم به این حکم کنید که بخش قابل توجهی از این معضلات و مسائل به رابطه به چالش کشیده شده بین انسان‌ها برمی‌گردد؛ در اینصورت نظام قانون گذاری حتماً باید به سوی بهینه روابط انسانی حرکت نماید؛ آنجا دیگر مشمول زمان نیست. بحث تقنین مبتنی بر هدایت که از جلسه یازدهم - البته جلسه یازدهم قصد دارم وارد بحث شاخصه‌های ارزیابی پیشرفت شوم - آن را بحث خواهم کرد و واضح‌تر خواهد شد؛ اما این‌گونه نیست که ماهیت مسائل ما بنابر شرایط تغییر پیدا کند.

۲. مجازات به غرض گسترش عبرت و حداقلی بودن مجازات‌ها؛ دو تفاوت نظام قضائی و جزائی اسلام با نظام قانون گذاری و قضایی

مبتنی بر توسعه

یکی از حضار(۱)؛ مطلبی راجع به لزوم وجود مجازات‌ها و یک سری اهرم‌های کنترل‌کننده فرمودید؛ خوب بالأخره جزء سنت‌های الهی است که اگر کسی مرتکب کار خطایی شد باید مجازات شود و فکر می‌کنم اگر جامعه اسلامی را خیلی باز بگذاریم و هرکس هر کاری که می‌خواهد انجام دهد و ما تنها مبشر یا منذر باشیم، در این صورت به جای خاصی نخواهیم رسید؛ چون شیطان نیز در کنار این جامعه وجود دارد. جامعه که کاملاً روحانی نیست.

استاد کشوری: خیر، ببینید، باز اینجا دو بحث وجود دارد؛ یکی اینکه مجازات در اسلام عبرت است و دومین نکته این است که حداقلی است. مگر ما چند نوع حد داریم؟!^{۳۳} این موضوع متفاوت است با اینکه قانون گذار برای هر قانون مجازات تعیین کند.

۳۳. در اسلام برای ۸ مورد از جرائم حد قرار داده شده است:

زنا؛ آمیزش جنسی زن و مرد بدون ازدواج

اولاً ماهیت تعزیرات در اسلام گسترش عبرت است که گسترش عبرت نیز یکی از زیرساخت‌های تفکر است. دوماً خیلی حداقلی است. بر خلاف مجازات در نظام قانون‌گذاری مدرن که برای هر الزامی مجازات تعیین می‌کند. وقتی وارد بحث قانون‌گذاری شدیم ابعاد این موضوع را می‌شکافیم. اداره جامعه با نگاه دینی به سمت تبدیل مکانیزم‌های جبری به مکانیزم‌های درون‌گرا برای ایجاد نظم یا همان مفهوم هدایتی که عرض کردم میل پیدا می‌کند. وقتی وارد خود بحث قانون شدم این نیز روشن خواهد شد. فکر کنم بحث شما راجع به تجربه بود. فردا این‌شالله راجع به چگونگی نظام قضائی مبتنی بر توسعه بحث خواهیم کرد که آخرین بحث ما خواهد بود و این‌شالله از جلسه یازدهم تا پایان دوره وارد بحث نظم پیشنهادی الگوی پیشرفت خواهیم شد.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

لواط: آمیزش جنسی مقعدی دو مرد

مباحقه: آلت‌مالی دو زن

قذف: نسبت دادن ناروای زنا یا لواط به شخصی با لفظ صریح

ارتداد: خارج شدن از اسلام

شرب خمر: نوشیدن مشروبات الکلی یا آبجو

سرقت «دزدی بیش از ربع دینار

قطع طریق: راهزنی



فهرست تفصیلی

۱. تجرّب و بازخوانی تجربه‌های غرب؛ پیشنهاد نقشه راه برای تفاهم حول الگوی پیشرفت اسلامی و نقد نظریات غربی ۱۷۵
- ۱/۱. نقد گزاره‌های پایه‌ای تفکرات غربی (نقد نظری غرب)؛ روش فعلی نیروهای انقلاب برای نقد غرب و تفاهم حول الگوی پیشرفت اسلامی ۱۷۵
- ۱/۲. غلط بودن نقد نظری غرب به علت متناسب نبودن نقد نظری غرب با مدیریت تحولات (به دلیل لزوم تبیین روشن و واضح نظریه غربی و سپس نقد آن و وقت گیر بودن این فرایند) ۱۷۵
- ۱/۳. لزوم استفاده از روشی با سرعت تفاهم بالا در مدیریت تحولات به منظور جلوگیری از شکل گیری تحولات بر پایه نظریات غربی ۱۷۶
- ۱/۴. تجرّب و بازخوانی تجربه‌ها؛ روش پیشنهادی اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی برای تفاهم در مقام مدیریت تحولات ۱۷۷
- ۱/۴/۱. فراهم کردن محیط تست برای نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا و شکست این نظریه در این محیط تست؛ نمونه‌ای از نقد نظریات غربی با استفاده از تجرّب ۱۷۷
- ۱/۴/۲. فروپاشی نهاد خانواده در کشورهای توسعه یافته اسکاندیناوی؛ نمونه‌ای دیگر از نقد غرب و تئوری‌های توسعه با استفاده از روش تجرّب ۱۷۸
- ۱/۴/۳. پخش روزانه ۵۰ میلیون کوپن غذا در آمریکا و نبود عدالت در این کشور توسعه یافته؛ نمونه‌ای دیگر از بازخوانی تجربیات توسعه غربی ۱۷۹
۲. عدم امکان آموزش قوانین، تعارض قوانین، ضدیت ملزم کردن افراد با فطرت انسانی؛ سه دلیل ضدیت قانون گذاری ۱۰۸ ساله مدرن ایران با بهینه روابط انسانی ۱۸۰
- ۲/۱. وجود سه عامل ضد بهینه روابط انسانی در قانون گذاری ۱۰۸ ساله مدرن ایران ۱۸۰
- ۲/۲. عدم امکان آموزش قوانین مدرن به افراد و در نتیجه اجرائشدهن قانون‌ها به دلیل متکثر بودن این قوانین؛ اولین اشکال قانون گذاری مدرن ۱۸۰
- ۲/۳. تعارض قوانین با یکدیگر به دلیل وضع قوانین بر اساس اعتبار عقلا و تغییر اعتبار عقلا در زمان‌های مختلف؛ دومین اشکال قانون گذاری مدرن ۱۸۱
- ۲/۴. ملزم کردن افراد و ایجاد جبر برای آنها و ضدیت جبر با اختیار و اراده انسان‌ها؛ سومین اشکال قانون گذاری مدرن ۱۸۱
- ۲/۴/۱. فرار مردم از قوانین (مانند فرار دهک‌های بالا از مالیات)؛ نتیجه الزام دائمی افراد جامعه توسط نظام قانون گذاری ۱۸۲
- ۲/۴/۲. لزوم کم کردن مکانیزم‌های جبری در اداره جامعه و لزوم به رسمیت شناختن اراده انسان‌ها ۱۸۳
- ۲/۵. به چالش کشیدن اختیار انسان‌ها؛ دلیل ضدیت قانون گذاری مدرن با هویت اسلامی ۱۸۴
- ۲/۵/۱. ضدیت نظم قانون گذاری مدرن با هویت اسلامی؛ نمونه‌ای دیگر از اثرگذاری نظامات اجتماعی بر شاخص‌های هویت اسلامی ۱۸۴
- ۲/۶. لزوم تغییر نظامات اجتماعی مبتنی بر توسعه غربی به دلیل هدم هویت اسلامی توسط این نظامات اجتماعی ۱۸۵



پرسش و پاسخ ۱۸۷

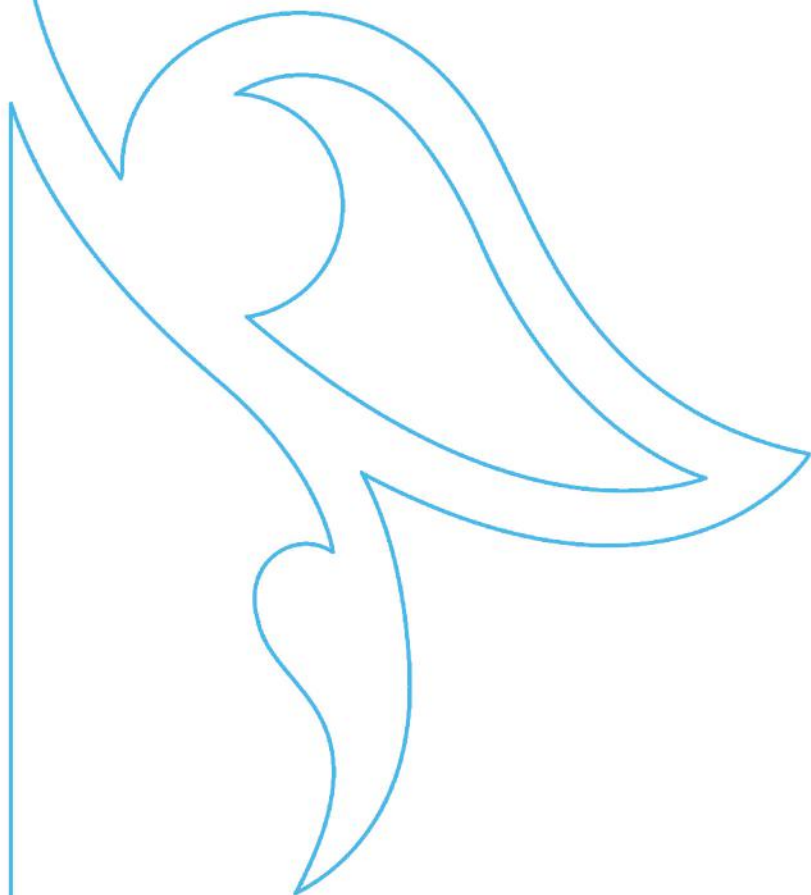
۱. برقراری ارتباط با فطرت انسان‌ها و متفاوت نبودن فطرت انسان‌ها در طول زمان‌ها و مکان‌های مختلف؛ دلیل عدم تغییر قوانین وضع شده

در راستای بهبود روابط انسانی ۱۸۷

۲. مجازات به غرض گسترش عبرت و حداقلی بودن مجازات‌ها؛ دو تفاوت نظام قضائی و جزائی اسلام با نظام قانون‌گذاری و قضایی مبتنی

بر توسعه ۱۸۷

جلسه دهم



الزام کردن دوباره‌ی افراد از طریق وضع مجازات برای
تخطی از قانون‌های مدرنِ ضد اختیار؛ اشکال نظام
قضائی مبتنی بر توسعه‌گرایی

شناسنامه جلسه دهم



عنوان
الزام کردن دوباره‌ی افراد از طریق وضع مجازات برای تخطی از قانون‌های مدرن
ضد اختیار: اشکال نظام قضائی مبتنی بر توسعه غربی

تاریخ نشست
۱۲ آبان ۱۳۹۵

مشخصات اثر
۱۶ صفحه (قطع رحلی)

در جلسات گذشته بحث به نقد و بررسی نظام قانون‌گذاری مبتنی بر توسعه غربی و اثبات ضدیت آن با هویت اسلامی رسید. بیان شد که اصلی‌ترین اشکال نظام قانون‌گذاری مدرن این است که به مدیریت ریشه‌ای مسائل نپرداخته و سعی دارد تا مسائل را در روبنا حل کند. در واقع نظام قانون‌گذاری مدرن در عوض اینکه قوانین خود را در جهت بهینه روابط انسانی و حل مشکلات از ریشه قرار دهد مدام به مبارزه با روبناها می‌پردازد و این یکی از اصلی‌ترین اشکالات این نظام قانون‌گذاری است.

اما نظام قانون‌گذاری علاوه بر اشکال فوق، اشکال عمده‌تر و جدی‌تری نیز دارد: آن اشکال این است که در قوانین خود مدام به سمت مجبور کردن انسان‌ها حرکت می‌کند و اختیار آنها را به صورت جدی به چالش می‌کشد. اما اشکال به چالش کشیدن اختیار انسان‌ها چیست؟ وقتی شما اختیار انسان‌ها را به چالش می‌کشید، سطح خلاقیت و رشد عقلی آنها کاهش پیدا می‌کند و افراد جامعه از رشد عقلی مناسبی برخوردار نمی‌شوند و بزرگترین خیانت و گناه این است که کسی سد راه رشد عقلی افراد جامعه شود. این دومین اشکال نظام قانون‌گذاری است.

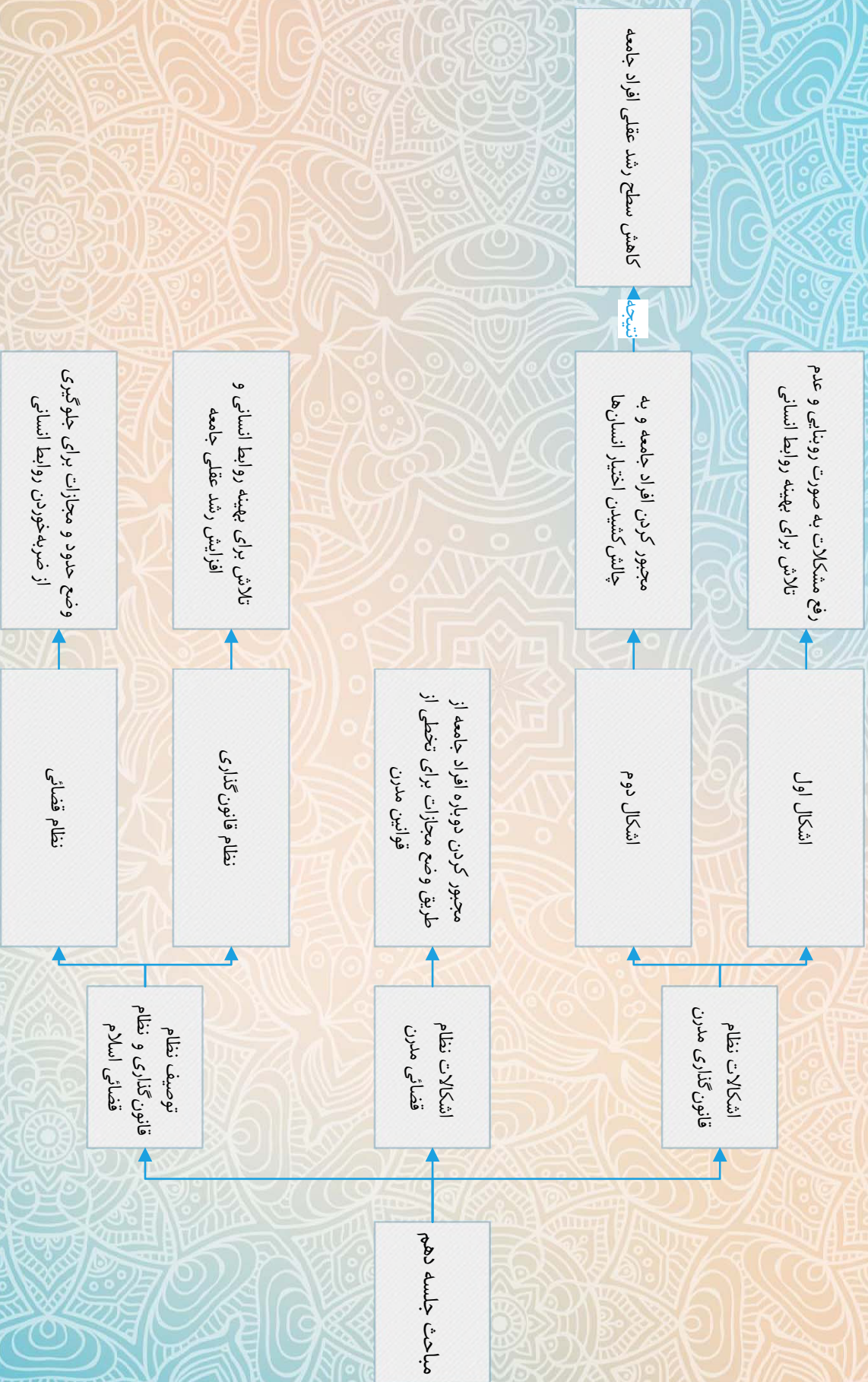
پس از نقد نظام قانون‌گذاری نوبت به نقد نظام قضائی مدرن می‌رسد؛ مبتنی بر اشکال دوم نظام قانون‌گذاری، اشکال اصلی نظام قضائی مبتنی بر توسعه این است که انسان‌ها را برای دومین بار مجبور می‌کند؛ در واقع نظام قضائی با وضع مجازات برای تخطی از قوانین مدرن، انسان‌ها را مجبور به تبعیت از نظام قانون‌گذاری می‌کند و این عیب بزرگ نظام قضائی مبتنی بر توسعه است.

در مقابل نظام قانون‌گذاری و نظام قضائی مدرن، نظام قانون‌گذاری و قضائی اسلام وجود دارد؛ نظام قانون‌گذاری اسلام همواره به دنبال این است که قوانین خود را در راستای رشد عقلی جامعه و بهینه روابط انسانی قرار دهد و مدام به رشد عقلی افراد جامعه اضافه کند. نظام قضائی اسلام نیز بر اساس همین نظام قانون‌گذاری حدودی را وضع می‌کند تا روابط انسانی و رشد عقلی جامعه به چالش کشیده نشود.

فهرست اجمالی

۱۹۵	۱. ضدیت نظم کلان و نظم بخشی توسعه غربی با هویت اسلامی و لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه
۱۹۷	۲. عدم تلاش برای بهینه روابط انسانی، به چالش کشیدن رشد عقلی و رشد فکری انسان‌ها در اثر الزام‌های مکرر؛ دو دلیل ضدیت قانون‌گذاری مدرن با هویت اسلامی
۲۰۱	۳. الزام‌کردن دوباره‌ی افراد از طریق "وضع مجازات برای تخطی از قانون‌های مدرن"؛ اشکال نظام قضائی مبتنی بر توسعه غربی
۲۰۴	۴. تبیین محورهای سه‌گانه‌ی جلسات آینده‌ی این دوره بحثی
۲۰۷	پرسش و پاسخ

جلسه دهم: الزام‌کردن دوباره‌ی افراد از طریق وضع مجازات برای تخطی از قانون‌های مدرن ضد اختیار؛ اشکال نظام قضائی مبتنی بر توسعه غربی





۱. ضدیت نظم کلان و نظم بخشی توسعه غربی با هویت اسلامی و لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی

مبتنی بر توسعه

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. بررسی نسبت میان نظم اجتماعی و دین‌داری مردم؛ موضوع ده جلسه اول این دوره بحثی

همان‌طور که عرض کردم سؤال اصلی «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، بررسی نسبت بین نظم اجتماعی و اخلاق، اعتقادات و دین مردم است؛ یعنی اگر شخصی بخواهد به صورت ساده بداند، گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی - که بحث آن از حدود ده سال پیش آغاز شده - به دنبال چیست، باید به نسبت بین نظم اجتماعی و دین‌داری مردم توجه کند.

همان‌طور که بنده در جلسات ابتدایی عرض کردم مهم‌ترین ویژگی ملت ایران، شیعه‌بودن آن‌هاست؛ آن چیزی که مردم ما را از سایر مردمان کره زمین متمایز می‌کند این است که ما عاقل‌ترین مردمان جهان را به عنوان رهبران و امامان خودمان پذیرفته‌ایم. این ویژگی؛ حساسیت، کارآمدی و فوایدی را برای ما ایجاد کرده است و به همین دلیل در طول تاریخ اسلام و در طول تاریخ شیعه‌بودن ملت ما همیشه مراقبت‌هایی صورت گرفته تا نظم اجتماعی، ضد این ویژگی اصلی عمل نکند.

۱/۲. تلاش علمای گذشته برای حفظ هویت شیعی و مصون نگه‌داشتن آن از خطرات مختلف



در جلسات گذشته عرض کردم که ملت ایران دوره‌های تاریخی فراوانی را پشت سر گذاشته است. اگر در این دوره‌های تاریخی تاریخ را بازخوانی کنید، متوجه می‌شوید که بسیاری از پدیده‌ها و حوادث اجتماعی حول حفظ این مسئله مهم شکل گرفته‌اند؛ به عنوان مثال شما پدیده ملی شدن صنعت نفت را در ایران بررسی کنید؛ اگر جریان مذهبی - که دغدغه اصلی آن حفظ «شاخصه‌های هویت اسلامی» بود - به این مسئله ورود پیدا نمی‌کرد، این مسئله به سرانجامی که در تاریخ برای آن نوشته‌اند منتهی نمی‌شد و ما نمی‌توانستیم راجع به فواید این موضوع - که ظاهر آن یک فایده اقتصادی است - صحبت کنیم و فواید آن را بگوییم.^۱ در طول تاریخ ما، تمام حوادث از هویت شیعی متأثر هستند؛ این مسئله‌ای است که با شواهد تاریخی فراوانی قابل اثبات است.

ما در حوزه علمیه قم به دأب (عادت) گذشتگان مان بر روی مسائلی که هویت اسلامی جامعه ما را به چالش می‌کشند حساسیت داریم. لذا بنده در دانشگاه شریف خدمت شما رسیده‌ام و سعی می‌کنم با استدلال نشان دهم که در روزگار ما نظام برنامه‌ریزی کشور عاملی است که هویت اسلامی جامعه را به چالش می‌کشد؛ یعنی این سازمان، پدیده‌ای است در راستای اتفاقاتی که در گذشته علیه هویت اسلامی شکل گرفته است.

۱/۳. ضدیت نظم فعلی برنامه‌ریزی با هویت شیعی و لزوم تلاش برای تغییر این نظم

به جهت شفافیت این موضوع، ما از ابتدای جلسات نظم کلان پیشنهادی جریان توسعه‌گرا را بحث نموده و اثبات کردیم که جریان توسعه‌گرا به دنبال رفع اشتغال یا افزایش تولید یا حل مسئله تورم یا بهبود صادرات ایران نیست؛ بلکه لوازمی را برای حل این موضوعات بیان می‌کند که این لوازم حتی منجر به اصلاح قرائت دینی می‌شوند؛ یعنی در واقع به دنبال تعدیل کلان جامعه حول بخش اقتصاد هستند. این مسئله بسیار مهمی است؛ وقتی می‌خواهیم راجع به نظام برنامه‌ریزی کشور سخن بگوییم نباید مردم را فریب بدهیم؛ یعنی به عنوان مثال نباید به آن‌ها بگوییم می‌خواهیم مسئله اشتغال شما را حل کنیم؛ بلکه اگر به آن‌ها وعده‌ای می‌دهیم باید لوازم آن وعده را هم بحث کنیم.^۲ در جلسات گذشته بنده این مسئله را شکافتم که [نتیجه نظریات توسعه‌گرایان،] تعدیل کلان جامعه حول مسئله اقتصاد است؛ اما این واقعیت از طرف جریان توسعه‌گرا به صورت شفاف به مردم گفته نمی‌شود.

۱/۳/۱. ضدیت نظم کلان توسعه غربی با هویت اسلامی به دلیل تعدیل کلان تمام بخش‌های جامعه حول اقتصاد

۱. نهضت ملی شدن صنعت نفت؛ ببینید اینها تاریخ است. اینکه من مدام می‌گویم تاریخ را بخوانید، در تاریخ تأمل کنید، برای اینها است. اگر علما نبودند و انگیزه دینی نبود، قطعاً نهضت ملی شدن صنعت نفت پیش نمی‌رفت؛ این را همه بدانند. در مقدمه این نهضت آیت‌الله کاشانی بود. پشتیبان او مرجع تقلیدی مثل مرحوم آسیدمحمّدتقی خوانساری در قم بود. مروّجان این فکر، یک جمعی در قم و در مشهد ما یک عالم دینی، یک منبری درجه یک و یک فعال مذهبی گوینده متفکر درجه یک [بودند]؛ اینها مروّجین نهضت ملی بودند، مردم به‌خاطر دین آمدند. بعد که مرحوم کاشانی را جدا کردند، علما را طرد کردند، مذهبی‌ها را کنار گذاشتند، مصدّق شکست خورد. تا دین بود، تا عنصر ایمان دینی بود، حرکت به جلو بود؛ وقتی این [عنصر] از آن گرفته شد، حرکت متوقف شد، شکست خورد، تبدیل به عکس شد. یک آمریکایی با یک چمدان اسکناس آمد در تهران و همه قضایا را به هم زد.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار مردم قم ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

۲. به نظر شما اگر هوش اجتماعی جامعه ما ارتقاء پیدا کند و مردم متوجه شوند که مدل پیشنهادی جریان توسعه‌گرا برای حل مسائل اقتصادی، لوازمی همچون تغییر فرهنگ، اصلاح قرائت دینی و تعدیل کلان همه بخش‌ها حول بخش اقتصاد را در بر دارد؛ عکس‌العمل آنها همین عکس‌العمل فعلی خواهد بود؟



در ادامه مباحث جلسات گذشته نظم بخشی حوزه اقتصاد را هم تحلیل کرده و نشان دادم که جریان توسعه‌گرا حوزه اقتصاد را به محوریت تحریک حرص اداره می‌کند و پایه اصلی در این بخش، تحریک حرص است؛ نتیجه تحریک حرص هم افزایش تضییع حقوق مردم و افزایش کفر در جامعه است.

همچنین نظم بخش آموزش را بحث کرده و توضیح دادم که جریان توسعه‌گرا به دنبال این است که بین بخش اقتصاد و بخش آموزش ارتباط برقرار کند و مفاهیم مورد نیاز بخش اقتصاد را در دوران آموزش به افراد جامعه منتقل کند. بنابراین اگر به پیشنهاد جریان توسعه‌گرا عمل کنیم، آموزش جامعه نیز باید خدمه بخش اقتصاد باشد.

۲. عدم تلاش برای بهینه روابط انسانی، به چالش کشیدن رشد عقلی و رشد فکری انسان‌ها در اثر

الزام‌های مکرر؛ دو دلیل ضدیت قانون‌گذاری مدرن با هویت اسلامی

در دو جلسه گذشته نظم پیشنهادی جریان توسعه‌گرا برای حوزه قانون‌گذاری را بحث نموده و عرض کردم که جریان توسعه‌گرا به دنبال این است که مسائل را بدون توجه به ریشه آنها حل کند؛ عرض کردم که از منظر فکر اسلامی ریشه تمام معضلات در تمام بخش‌ها روابط انسانی است و اگر ما روابط انسانی را بهینه نکنیم، قانون‌گذاری در سطح و روینا منجر به حل مشکلات جامعه ما نمی‌شود، در هیچ جای دنیا نیز منجر به حل مسائل نشده است.

همچنین بیان کردم که قانون‌گذاری به معنای مدرن خود اختیار انسان‌ها را به چالش می‌کشد؛ وقتی شما قانون را بنیان اداره جامعه قرار می‌دهید، با توجه به اینکه در ذات قانون الزام نهفته شده است،^۳ دائماً به نام اداره جامعه اختیار افراد را محدود خواهید کرد. واقعیت نظام قانون‌گذاری به معنای مدرن، تحدید و محدودکردن حوزه اختیارات افراد است.

اگر جامعه‌ای به سمت محدودکردن حوزه اختیارات برود، خلاقیت در آن جامعه به چالش کشیده می‌شود. در تمدن مدرنیته سطح عقل به قدری تنزل پیدا کرده که تجربه را به عنوان پایه عقل قرار داده‌اند و هرآنچه که از طریق یکی از مجاری ادراکی انسان حس نمی‌شود را نمی‌توانند درک کنند و آن را از دایره علم خارج می‌کنند.^۴ همین موضوع، مصداق بزرگ عدم خلاقیت و نبود عمق در حوزه فکر است.

۳. برای اینکه حقوق بتواند به هدف نهایی خود یعنی استقرار نظم و عدالت برسد، باید رعایت قواعد آن اجباری باشد. اعلام‌هایی که گاه در قوانین دیده می‌شود و همراه با هیچ تکلیفی نیست، چهره حقوقی ندارد و تنها مقدمه اوامر و نواهی قانون‌گذار است. بی‌گمان در این خصوصیت نیز درجه‌های گوناگون وجود دارد و همه قواعد از این حیث یکسان نیستند؛ رعایت پاره‌ای از اصول به طور مطلق الزامی است و در هیچ صورت گریزی از اجرای آنها نیست و پاره‌ای فقط در صورتی اعمال می‌شود که اشخاص در پیمان‌های خود راه حل دیگری را انتخاب نکرده باشند. به این دلیل است که نخست را امری و دسته اخیر را تکمیلی یا تفسیری نامیده‌اند. ولی این تفاوت فقط در شرایط اجرای قواعد حقوق است و هرگاه شرایط اجرای قواعد تکمیلی (نبود پیمان مخالف) نیز محقق شود، در اجباری بودن، چیزی از قواعد امری کم ندارد و بر اشخاص تحمیل می‌شود؛ زیرا وظیفه حقوق اندرزگویی و راهنمایی کردن نیست و قواعد آن همیشه با نوعی اجبار همراه است.

کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰، ص ۵۴ و ۵۵

۴. «فرانسیس بیکن»، «هابز» که هر دو انگلیسی بودند و «جان لاک»، «جرج بارکلی» و «دیوید هیوم» و نهایتاً «آگوست کنت» جزو معروف ترین اندیشمندان پوزیتیویستی محسوب می‌شوند. اساس این مکتب را اکتفاء به داده‌های بی‌واسطه حواس تشکیل می‌داد. کنت حتی مفاهیم انتزاعی علوم را

بنده به تعبیر رکیک عرض می‌کنم؛ اینکه ما سیستمی به نام دنیا را مشاهده می‌کنیم ولی سیستم مافوق آن را انکار می‌کنیم -اصالت تجربه همین است دیگر- [مصادق عدم خلاقیت و تنزل عقل است]. اصالت تجربه یعنی شما یک سیستم مشمول -یعنی سیستمی که شامل ده‌ها سیستم می‌شود- را تحلیل نمی‌کنید و در پایین‌ترین منزلت به سمت کشف معادلات می‌روید.^۵

که از مشاهده مستقیم به دست نمی‌آید، متافیزیکی و غیرعلمی تلقی می‌کرد و این دیدگاه بعدها به آنجا کشیده شد که فضایی متافیزیکی، الفاظی پوچ و بی‌معنا به حساب آمدند. به اعتقاد کنت فکر بشر دارای سه مرحله بوده است: نخست، مرحله الهی و دینی است که در آن بشر حوادث را به علل ماورائی نسبت می‌دهد. دوم، مرحله فلسفی است که در آن انسان علت حوادث را در جوهر نامرئی و طبیعت اشیاء جستجو می‌کند. مرحله سوم، مرحله علمی است که در این مرحله بشر به جای جستجو در مورد علت پدیده‌ها به چگونگی و کیفیت پیدایش و روابط آنها با یکدیگر می‌پردازد و این همان مرحله اثباتی و تحقیقی (پوزیتیویسم) است. پوزیتیویست‌ها مدعی شدند که ادراک حقیقی منحصر در ادراک حسی است؛ یعنی ادراکی که در اثر تماس اندام‌های حسی با پدیده‌های مادی حاصل می‌شود و پس از قطع ارتباط با خارج به صورت ضعیف‌تری باقی می‌ماند.

مصباح یزدی، محمد تقی؛ آموزش فلسفه، ج ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۵۱/۴۹

خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ پوزیتیویسم منطقی، ترجمه مقاله جان پامور در دایره المعارف فلسفه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، صص ۱۱/۱۰

۵. بحثی که بنده در حوزه بیوتکنولوژی (Biotechnology) مطرح کردم ناظر به همین معنا بود. گزاره بنیادین بیوتکنولوژی یک کلمه است؛ ما باید در ظرفیت موجودات تصرف کنیم؛ اما این تصرف را از درونی‌ترین واحد حیات شروع می‌کنیم. به عنوان مثال نظام ژنوم (Genome System) یک موجود را شناسایی کنیم. البته شناسایی نظام ژنوم یک موجود هم توهم است و همان‌طور که خود آن‌ها اعتراف کرده‌اند حداکثر یک تا پنج درصد ژن‌ها را شناسایی کرده‌اند. اگر از این توهمات با نرمش قهرمانانه عبور کنیم، اصل داستان هم محل بحث است؛ وقتی شما تصرف را از کوچک‌ترین واحد حیات شروع می‌کنید، معادلات شما چقدر علمی می‌شود؟ کوچک‌ترین واحد حیاتی که آن را ژن می‌نامید، خود از ده‌ها دسته قانون بالادستی تبعیت می‌کند. تازه اگر بپذیریم که قانون بر عالم حکم است. حالا بنده قصد ندارم وارد این بحث شوم که قانون به معنای امر ثابت در عالم جریان ندارد، بلکه قانون به معنای اراده حاکم بر عالم است. [چرا این حرف را می‌زنم؟] چون قرآن می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»؛ یک حیات دائم‌التکامل در تمام سطوح عالم تعریف می‌شود و اصلاً امر ثابتی وجود ندارد که شما قانون ثابت استنباط کنید. از تمام این اشکالات که بگذریم، اشکال اصلی این است که چرا ما تصرف را از قوانین پایین‌دستی شروع می‌کنیم؟ اگر غرض ما تصرف در ظرفیت موجودات است، کار منطقی این است که ما تصرف را از قوانین حاکم و شامل شروع کنیم.

البته ما هم مقصر هستیم که به این مباحث ورود پیدا نکرده‌ایم. بنده می‌فهمم که یک ژن بیان خاصیت می‌کند و شما هم آن را شناسایی می‌کنید و در آن تغییری اتفاق می‌افتد؛ به عنوان مثال رنگ آن تغییر می‌کند. بنده یاد سحره زمان فرعون می‌افتم؛ تغییراتی می‌دادند و مثلاً طنابی تحرک می‌کرد. در حال حاضر نیز تصرفی می‌کنند و مثلاً مقاومت گیاه در مقابل آفات افزایش پیدا می‌کند یا رنگ آن تغییر می‌یابد. البته ممکن است این موضوع برای اهل عامه و انسان‌های ساده‌اندیش کار بسیار بزرگی تلقی شود که من تصرفی کرده‌ام و "بیان خاصیت" را در موجودی متحول نموده و چیزی به آن اضافه و یا از آن کم کرده‌ام.

[جالب این است که] در مباحثات خود دم از سیستم می‌زنند و می‌گویند در همه‌جا سیستم وجود دارد و اگر یک متغیر را تغییر دهید بر ده‌ها متغیر دیگر تأثیر می‌گذارد؛ اما قتی به بیوتکنولوژی و نظام ژنوم می‌رسند، می‌گویند نه خیر آقا! وقتی من یک ژن را تغییر می‌دهم، در نظام ژنوم گیاه تغییرات آنچنانی ایجاد نمی‌گردد؛ یعنی ارتباط بین نظام و سیستم را در اینجا انکار می‌کنند و می‌گویند تحت کنترل است؛ با وجود اینکه چند هزار ژن وجود دارد و همه اینها با هم ارتباط دارند و شما اصلاً بخش زیادی از اینها را نمی‌شناسید، چطور یکی از آنها را تغییر می‌دهید و در عالم انتزاع و ذهن خود تأثیر یک تغییر را بر سایر تغییرات صفر می‌کنید؟!

حالا این وضعیت ما در علم مدرن است و بنده نمی‌خواهم وارد این بحث شوم. ان‌شاءالله وقتی بحث‌های بیوتکنولوژی را شرح دادم عرض خواهیم کرد که همین الآن -که خیلی بر روی این موضوع تمرکز نکرده‌ام - یک دسته از قوانین بالادستی را در ذهن خود داریم. ما اگر محققان را دعوت کنیم که این قوانین بالادستی را شناسایی و آنها را رعایت کنند، ظرفیت‌های اولیه موجودات ارتقا پیدا می‌کند.

خلاصه من در مقام این بودم که بگویم وقتی اختیار انسان‌ها محدود می‌گردد، خلاقیت آنها به چالش کشیده می‌شود و در نتیجه عقل به بیهوده‌گویی و چرندگویی می‌افتد، درست مثل همین گزاره‌های بیوتکنولوژی و امثالهم؛ یعنی با شما در فضایی وارد بحث می‌شوند که اگر اندکی تأمل کنند، خواهند دید که صدها شاهد و قاعده در این دنیا وجود دارد که نشان می‌دهد ده‌ها سیستم بالادستی وجود دارد. البته بعداً عرض می‌کنم که اساساً سیستم وجود ندارد، بلکه ما در عالم نظام داریم و میان نظام و سیستم تفاوت است. حالا بنده به زبان قوم صحبت می‌کنم؛ چون به تبع پیامبران علیهم‌السلام ما باید به لسان قوم خود صحبت کنیم و لذا ما به زبان دوستان دانشگاه شریف سخن می‌گویم.

بنابراین سیستم‌های بالادستی [وجود دارد؛ اما در دنیای غرب اختیار را به چالش کشیده‌اند و به همین سبب عقل آنها اینگونه تنزل پیدا کرده است. لذا عقل را با اصالت تجربه -یعنی پایین‌ترین سطوح ادراکی انسان‌ها- برابر می‌دانند؛ آن‌هم تجربه به وسیله استقرا و آزمون و خطا. در همین مباحثات



وقتی در اداره جامعه اصالت را به الزام و قانون می‌دهیم، قطعاً به دنبال آن خلاقیت به چالش کشیده می‌شود. به همین دلیل خدای متعال به پیامبر خود می‌فرماید «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»^۶؛ ببینید! حقایق عالم به دست پیامبران عليهم السلام است؛ در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که «یا مَنْ يُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ»^۷؛ در این عالم یک نفر است که اشیاء را همان‌گونه که هستند می‌شناسد، آن‌هم وجود مقدس و ملکوتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است. ایشان با باطن اشیاء ارتباط می‌گیرند و تا ظاهر اشیاء را توصیف می‌کنند.^۸ حالا خدای متعال به چنین پیامبری که این سطح از درک را دارد می‌فرماید: اراده انسان‌ها را به چالش نکش.

این دستور خدا به پیامبران عليهم السلام و به دینداران از دو زاویه قابل بررسی است؛ یک زاویه آن این است که هرکس اختیار انسان‌ها را به چالش بکشد، حوزه فکر انسان‌ها را به چالش کشیده است و گناهی روی گره زمین بزرگ‌تر از این وجود ندارد که شما جلوی رشد عقل آدم‌ها را بگیرید. چون وقتی انسان‌ها به لحاظ عقلی تنزل پیدا کردند، از آن به بعد حکم شما مدارا کردن است. علت این‌که فرمودند مدارا نصف عقل است،^۹ این است که عقل کسی که باید با او مدارا کنید به چالش کشیده شده است. وقتی عقل کسی به چالش کشیده شد، شما چکاری غیر از مدارا می‌توانید انجام دهید؟!^{۱۰}

روزهای اخیر این دوستان مدام به ما می‌گویند: ما بالآخره به یک گزاره قطعی خطاناپذیر تجربه‌شده در حوزه بیوتکنولوژی دست پیدا کرده‌ایم. بنده به این عزیزان گفتم حداقل بروید چهار کلاس فلسفه علم بخوانید، حداقل ترجمه کتاب منطق اکتشاف علمی پوپر (Logic of Scientific Discovery) را بخوانید. بحث‌های ما را رها کنید حداقل بحث‌های خود غربی‌ها را راجع به علم بخوانید؛ واقعاً علم تجربی، خطاناپذیر است؟! اگر شما مکاتب فلسفه علم را دیده باشید و نگاه پوپر را قبول کنید، فلسفه علم به ابطال‌گرایی ختم می‌شود؛ یعنی علم و گزاره جدید را مبطل گزاره قبلی می‌دانند. حالا من اصطلاح پوپر (Karl Popper) را تکمیل کنم؛ علم‌های تجربی دچار ابطال‌گرایی مکرر هستند؛ در واقع به دلیل اینکه قاعده را با یک آکسیوم خاص حسی پایه‌گذاری می‌کنند، در یک بخش جواب می‌دهد؛ اما به مجرد اینکه پیش‌فرض‌ها را عوض می‌کنید یک قاعده دیگر به دست می‌آید. نگاه تجربی آزمون و خطاست و ما با این بحث‌ها بسیار مشکل داریم. ممکن است شما بگویید در رشته‌های مهندسی می‌توانیم از این نگاه استفاده کنیم. در اینصورت من می‌گویم اشکالی ندارد که در رشته‌های فنی از این موضوع استفاده کنید - من مکرر نرمش قهرمانانه می‌کنم - اما چرا این مسئله را به رشته‌های انسانی تعمیم می‌دهید؟ در انسان اراده و اختیار اصل است و اراده به معنای شاء و خواست دائمی است و اصلاً ما آکسیوم و پیش‌فرض‌های ثابتی نداریم که شما بخواهید از منطق سیستمی و اصالت حس و تجربه در تحلیل گزاره‌های علوم انسانی استفاده کنید.

انتقال از متن

۶. قَدْ ذُكِرَ إِنْ مَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ / آیه ۲۱ و ۲۲ سوره مبارکه غاشیه

پس تذکر ده، که تو فقط تذکر دهنده‌ای. تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی].

۷. در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چنین عبارتی وجود ندارد؛ اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دعای خود - که مستجاب است - می‌فرماید: اَرْنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ؛ خداوندا! اشیاء را همان‌گونه که هست به من بشناسان.

احسانی، محمدبن علی (۹۰۱ق)؛ عوالی اللئالی، قم، انتشارات سیدالشهدا، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۳۳

۸. حالا بنده در برخی جلسات عرض کرده‌ام که قدر اشیاء به اندازه قدر تسبیح است. خلاصه روابط دیگری در عالم وجود دارد که شخص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم بر همه این روابط، مسلط هستند.

انتقال از متن

۹. قال حسن بن علی علیه السلام: حسن السؤال نصف العلم، و مداراة الناس نصف العقل و القصد فی المعیشة نصف المؤمنة

امام حسن علیه‌السلام فرمود: نیک پرسیدن، نیمی از دانایی است و خوش رفتاری با مردم نیمی از عقل است و میان‌روی در معاش نیمی از هزینه است.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۶۵۱ق)؛ شرح نهج‌البلاغه، قم، انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱۸، ص ۱۰۸

۱۰. البته بعداً راجع به مدارا بحث نموده و توضیح می‌دهم که مدارا به معنای تحمیلی است که لازمه سازندگی می‌باشد، نه به معنای پذیرش وضع موجود. کلمات دینی را باید دقیق معنا کرد.

انتقال از متن



همه دوستانی که بعداً متن جلسات را می‌خوانند یا صدای بنده را می‌شنوند به این عبارت بنده دقت کنند: قانون به معنای مدرن خود که درون آن الزام نهفته شده است و بنیان اداره جامعه می‌باشد - یعنی محور ایجاد نظم اجتماعی است - ضد رشد عقل محسوب می‌شود. شما به جای آنکه عقل انسان‌ها را رشد داده و اجازه دهید خودشان تصمیم بگیرند و «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^{۱۱} را در نظام‌سازی اجتماعی رعایت کنید، در حوزه‌های مختلف الزام و قانون‌گذاری می‌کنید. این موضوع، بالاترین نوع سرپرستی‌های بی‌جایی است که تمدن مدرن ایجاد کرده است.

طرف دیگر اینکه خدای متعال به پیامبرش فرموده الزام نکن! آنست که دین، قابلیت تفاهم دارد. وقتی من می‌توانم با ادله‌ام وارد تفاهم شوم برای چه باید الزام کنم؟ یک طرف دیگر قضیه نیز این است. این هم داستان بسیار مهمی است. وقتی من می‌توانم در دوران تربیت از طریق بیان حکیمانه و فقیهانه با هر ظرفیت فکری تفاهم کنم برای چه باید به سمت اجبار بروم؟ برای چه باید به سمت پایه‌قراردادن الزام برای اداره جامعه بروم؟^{۱۲}

دیروز عرض کردم این نوع از قانون جامعه ما را به بی‌نظمی کشانده است. چرا واقعیت‌ها را انکار می‌کنیم؟ چقدر در جامعه ما پارتی‌بازی و رشوه وجود دارد؟! علت چیست؟ واقعاً به نظر شما علت این است که مردمان ما، مردمان بدی هستند؟ به نظر بنده این تحلیل، ساده‌اندیشی است. بنده دیده‌ام که مکرر می‌گویند چرا در جامعه قانون‌گریزی زیاد است؟ خب برادرم! عزیز دل! توجه کن که وقتی دائماً الزام می‌کنی فطرت انسان‌ها پس می‌زند، این مسئله اصلی است. کافی است پدر خانه هر روز ده فرمان صادر کند؛ آن‌هم پدر که مقام بالایی نزد فرزندان دارد. در روایت هست که هیچ‌کس نزد زن بالاتر از شوهر نیست.^{۱۳} به لحاظ روان‌شناسانه باید بگوییم که واقعاً زن‌ها وقتی به شوهرشان نگاه می‌کنند عظمتی را احساس می‌کنند، فرزندان و شوهرشان را بسیار بزرگ می‌شمارند. حالا اگر همین مردی که چنین مقام بالایی در نزد همسر خود دارد، هر روز دستور بدهد چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر مادر - که جایگاه او نزد فرزندان اینگونه است که حاضرند تا آخر با مادرشان حرکت کنند - به دستور دادن و الزام کردن روی بیاورد، چه پیش می‌آید؟ الزام کردن، ضد فطرت است.

البته گاهی وقت‌ها می‌گویید "مصلحت است". بنده می‌فهمم که این موضوع عیبی ندارد؛ یعنی حالا مثلاً یکبار مجبور می‌شوید و دستور می‌دهید؛ اما گاهی اوقات می‌گویید قانون، محور اداره جامعه است؛ این یعنی الزام، محور اداره جامعه است. اگر اینطور است پس چرا در مبانی نظری‌تان می‌گویید انسان‌ها آزادند؟ اینها تناقض‌های عصر امروز ما در تمدن مدرنیته است؛ وقتی می‌گویید قانون محور

۲/۲/۲. قابلیت تفاهم بالای دین و عدم نیاز به مجبور کردن افراد؛ دومین دلیل عدم جواز به چالش کشیدن اختیار

۲/۲/۳. فرار انسان‌های جامعه از قوانین و الزامات مکرر مدرنیته و شیوع پارتی‌بازی و رشوه؛ یکی از نتایج الزام مکرر افراد در نظم مدرن غربی

۱۱. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا / آیه ۳ سوره مبارکه انسان

ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.

۱۲. لذا ما همیشه گفته‌ایم که اداره جامعه هدایت‌بنیان است. شما یک نظم در حوزه قانون‌گذاری پیشنهاد می‌کنید و می‌گویید قانون، محور باشد؛ البته دوباره تأکید می‌کنم که قانون به معنای مدرن خود و قانون به معنای جزئی از جامعه مدنی، عبارت است از اعتبار عقلاء؛ در غیر اینصورت ممکن است ما از کلمه قانون مشترک لفظی بگیریم و به احکام شرع هم قانون بگوییم؛ این بحث دیگری است. مراد از قانون این است که ده نفر در مجلس قیام و قعود کنند و بگویند فلان مطلب محور و قانون باشد. این، معنای همین قانونی است که از تمدن مدرنیته آمده و تحفه غربی‌ها در جامعه ماست.

انتقال از متن

۱۳. پژوهشگر به سند این مطلب دست نیافته است.



اداره جامعه است، یعنی الزام محور اداره جامعه است. آیا این با فطرت سازگار است؟ چرا شما دم از دموکراسی می‌زنید؟

۳. الزام کردن دوباره افراد از طریق "وضع مجازات برای تخطی از قانون‌های مدرن"؛ اشکال نظام

قضائی مبتنی بر توسعه غربی

خب با این تفاسیر نظام قضایی یک جامعه چه حالتی پیدا می‌کند؟ حافظ این نظم می‌شود. می‌دانید معنای این حرف یعنی چه؟ یعنی قوز بالای قوز!^{۱۴} بنده دارم به صورت بسیار روشن منظور خودم را منتقل می‌کنم؛ در خود قانون که الزام را اصل قرار می‌دهیم، و در نظام قضائی نیز برای آنهایی که قانون را رعایت نمی‌کنند الزام دیگری به اسم مجازات قرار می‌دهیم. علی‌القاعده و طبیعتاً نظام قضایی یک کشور باید حافظ نظام قانون‌گذاری یک کشور باشد؛ اما وقتی خود نظام قانون‌گذاری را برخلاف فطرت قرار می‌دهید و برای کسانی که این قانون‌ها را رعایت نمی‌کنند مجازات تعیین نموده و اعمال آن مجازات را به قوه قضائیه و قوه قهریه واگذار می‌کنید؛ افراد را دو مرتبه ملزم کرده‌اید. این وضعیت نظم قضائی ماست.

احکام قضائی اسلام برخلاف احکام قضائی مدرن هستند؛ اصلاً ماهیت قانونی که در اسلام گذاشته می‌شود الفت ایجاد می‌کند؛ سوره حجرات را بخوانید؛ من خواهش می‌کنم ترجمه سوره‌های قرآن را با هم بخوانیم. سوره حجرات دائماً در مورد این صحبت می‌کند که وقتی بین مؤمنین اختلاف می‌افتد چگونه رفتار کنیم. آنجا که دو طایفه از مؤمنین با یکدیگر قتال می‌کنند - "اقتتلوا"^{۱۵} - می‌گوید بروید صلح ایجاد کنید.

۳/۱. حفظ الفت در

جامعه و حرکت دادن افراد

جامعه به سمت رشد

عقلی؛ ماهیت نظام قوانین

اسلام

آیه‌ای که راجع به غیبت کردن است می‌گوید غیبت کردن مثل این است که شما گوشت برادرِ مُرده‌تان را بخورید،^{۱۶} یعنی تا این حد بی‌رحم می‌شوید. در واقع این آیه اثر غیبت کردن در انشقاق جامعه را بحث می‌کند و توضیح می‌دهد که بی‌رحمی غیبت‌کننده چقدر اختلاف ایجاد کرده و جامعه را به چالش می‌کشد.

۱۴. کنایه از مشکلی بر روی مشکلی دیگر و مشکل مضاعف‌تر

۱۵. وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تَ فَاصِلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ / آیه ۹ سوره مبارکه حجرات

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بچنگند میان آنها صلح و آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می‌کند بچنگید تا به حکم خدا باز گردد. پس اگر بازگشت، میانشان به عدالت و انصاف، صلح و آشتی برقرار کنید و همواره دادگری را پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد.

۱۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ / سوره مبارکه حجرات آیه ۱۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد. از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

اساساً قانون‌هایی که دین می‌گذارد همین‌طور هستند. به عنوان مثال دین می‌گوید غیبت نکنید و [غیبت را بدتر از زنا معرفی می‌کند].^{۱۷} تحلیل زنا را می‌دانید؟ [علت حرمت زنا این است] که ممکن است در زنا فرزندی متولد شد و وقتی این فرزند متولد شد هیچ‌کس در قبال او مسئولیت ندارد و این یعنی رشد او به چالش کشیده می‌شود.^{۱۸} حرمت زنا به دلیل حرمت به چالش کشیده شدن رشد انسان‌ها از حیث عقلی و رفتاری است. به همین دلیل مسئله زنا جزء اکبر کبائر و گناهان بسیار بزرگ است. وقتی رشد و قوه عقل کسی به چالش کشیده می‌شود، منشأ اختلاف و از بین بردن الفت‌ها و ایجاد نزاع می‌گردد. روایتی که همیشه می‌خوانم را به یاد دارید؟ روایت می‌فرماید: مدارا نیمی از عقل است. کسی که قوه عقل داشته باشد به سمت ایجاد صلح و الفت و ایجاد رفق و پیوستگی می‌رود. برای چه زنا را حرام کرده‌اند؟ چون یکی از اتفاقاتی که در بستر زنا رخ می‌دهد این است که رشد انسان‌ها دچار چالش می‌شود. حالا خداوند غیبت را با این گناه کبیره مقایسه کرده و می‌فرماید: «الغیبة اشد من الزنا»؛ یعنی اثری که غیبت در به چالش کشیدن جامعه ایجاد می‌کند بدتر از زناست.^{۱۹}

پس جامعه باید به سمت الفت و وحدت و رشد عقلی حرکت کند و احکام و قانون‌هایی -البته قانون، مشترک لفظی است- در دین گذاشته شده است که حافظ این الفت باشند. به عنوان مثال در دین گفته شده است که زنا حرام است تا این الفت و وحدت و این رشد عقلی به چالش کشیده نشود. علت حرمت غیبت نیز این است که رشد عقلی به چالش کشیده نشود و در جامعه اختلاف ایجاد نگردد. به سیر استدلال بنده دقت می‌کنید؟

حالا ما در دین حدودی را وضع می‌کنیم تا این قانون حافظ عقل و وحدت جامعه به چالش کشیده نشود. بنده در حال بحث از ماهیت قوانین قضائی در اسلام هستم. به عنوان مثال وقتی شما حدی را برای فرد زنا کار قرار می‌دهید در واقع این قانون، منجر به رشد افراد جامعه می‌شود؛ چون جلوی

۳/۲. وضع حدود به منظور جلوگیری از ایجاد چالش برای رشد عقلی جامعه: ماهیت نظام قضائی اسلام

۱۷. وفي (العلل) عن أبيه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن أبي عبد الله الرازي، عن الحسن بن علي بن النعمان، عن أسباط بن محمد برفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله قال: الغيبة أشد من الزنا، فقيل: يا رسول الله ولم ذلك؟ قال: أما صاحب الزنا فيتوب الله عليه، وأما صاحب الغيبة فيتوب فلا يتوب الله عليه حتى يكون صاحبه الذي يحله.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: غیبت از زنا سخت‌تر است. در ادامه ابوذری می‌گوید که گفتم: چرا اینگونه است؟ حضرت در پاسخ فرمود: علت سخت‌تر بودن این است که شخص زناکار می‌تواند توبه کند و خداوند متعال توبه او را قبول نماید. اما در غیبت تا زمانی که شخصی که از او غیبت شده، از شخص غیبت‌کننده راضی نشود و وی را نبخشد، قابل بخشش نیست.»

این بابویه، محمد بن علی (۲۸۱ق)؛ علل الشرائع، نجف، انتشارات مکتب حیدریه، ج ۱، ص ۵۵۷، باب ۲۶۵؛ باب العلة التي من أجلها صارت الغيبة أشد من الزنا

۱۸. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّغَفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَانَ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا (ع) كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلِهِ حَرَّمَ الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْقَسَادِ مِنَ قَتْلِ الْأَنْفُسِ وَ دَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرَكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَ فَسَادِ الْمَوَارِيثِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وُجُودِ الْقَسَادِ

امام رضا (ع) فرمودند: حرمت زنا بدان علت است که در آن امکان قتل نفس، از بین رفتن نسب‌ها و نسل‌ها، نابود شدن تربیت فرزندان، نابود شدن وارثان و فسادهایی شبیه این بوجود می‌آید.

این بابویه، محمد بن علی (۲۸۱ق)؛ علل الشرائع، نجف، انتشارات مکتب حیدریه، ج ۲، ص ۴۷۹، باب ۲۳۰؛ باب العلة التي من أجلها حرم الزنا

۱۹. بنده در حال بحث کردن سوره حجرات هستم اما الآن زمان کافی ندارم، اگر زمان داشتم تمام آیات را یک‌به‌یک خدمت شما می‌خواندم؛ اما متأسفم که وقت نداریم و از محضر قرآن کریم عنذرخواهی می‌کنم که وقت نداریم.

انتقال از متن



بستر عدم تربیت و عدم رشد عقلی جامعه را می‌گیرد. حالا شما این قانون را با قانون مدرن که اصلاً ضد اختیار و ضد رشد است مقایسه کنید.^{۲۰}

۳/۳. بی‌علاقگی مردم به انجام قوانین مدرن و عمل به قوانین برای فرار از مجازات‌های تعیین شده؛ یکی از ثمرات نظام قضائی مبتنی بر توسعه

لذا نظام قضائی مدرن یکبار با الزام دائمی اختیارات را به چالش می‌کشد و یکبار با مجازات‌هایی که برای تخلف‌کنندگان از قانون تعریف می‌کند به صورت مضاعف اختیار را به چالش می‌کشد؛ یعنی پشت سر هم جبر را بر جامعه حاکم می‌کند. لذا انسان‌ها در این نظام با خود می‌گویند اگر ما این مسیر قانونی تعریف شده را طی نکنیم در دسرهای بیشتری را متحمل می‌شویم؛ یعنی بین بد و بدتر یکی را انتخاب کرده و زندگی می‌کنند و اصلاً شوق و علاقه‌ای وجود ندارد. نظام قضائی به معنای مدرن خود این کارها را انجام می‌دهد.^{۲۱}

۳/۴. به چالش کشیدن رشد عقلی افراد جامعه توسط نظام قضائی مدرن؛ شاهدهی دیگر بر ضدیت نظم توسعه غربی با هویت اسلامی

بنده قصد داشتم در ده جلسه اول این نکته را بیان کنم که اگر مؤمنین نظم اجتماعی را بازتعریف نکرده و اختیار نظم اجتماعی را به دست نگیرند، این نظم اجتماعی در بخش‌های مختلف ضد هویت اسلامی عمل می‌کند؛ یا ضد اختیار عمل می‌کند، یا حرص را فربه می‌کند، یا ضد رشد عقلی است و... در این ده روز مصادیق زیادی از این بحث را عرض کردم.

بنابراین اگر کسی می‌خواهد به زبان ساده بداند که چرا ما وارد بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شده‌ایم باید بداند که ما از حیث ماهیت هیچ تفاوتی با طلبه‌های دوران قاجار، پهلوی، صفویه و طلبه‌های دوران امام حسن عسگری علیه السلام نداریم و به نظر تمام ما شاخص‌های هویت اسلامی راه نجات هستند؛ اما در اینکه چه چیزی شاخص‌های هویت اسلامی را به چالش می‌کشد باید گفت که در هر زمان یک عامل مشخص وجود دارد.

به عنوان مثال در یک دوره‌ای خصوصاً بعد از همگانی شدن شیعه در ایران مسئله تصوف به یک معضل تبدیل شد و تا حوالی دوره قاجاریه نیز ادامه داشت و علما مبارزاتی را برای مبارزه با این انحراف ضد هویت اسلامی داشتند. شما می‌توانید تدابیر ضد جریان تصوف را از شیخ بهائی تا آقا محمدعلی کرمانشاهی^{۲۲} (صاحب کتاب خیراتیه^{۲۳}) ببینید؛ آقا محمدعلی کرمانشاهی طراحی جدی‌ای را علیه جریان تصوف در ایران انجام داد.

۲۰. البته اینکه به هر دو قانون می‌گوییم ممکن است منشأ اشتباه شود.

انتقال از متن

۲۱. البته مضاف بر این، بخش قابل توجهی از حقوق ما نیز از فرانسه آمده است.

انتقال از متن

۲۲. آقا محمدعلی کرمانشاهی، فرزند ارشد وحید بهبهانی، در روز جمعه ۲۶ ذی حجه ۱۱۴۴ ه. ق. در شهر مقدس کربلا قدم به پهنه هستی گزارد. وی پس از طی دوران کودکی، علوم شرعیه را در خدمت پدر بزرگوارش فراگرفت. یکی از بزرگ‌ترین خدمات آقا محمدعلی، مبارزه علمی با «صوفیه» است.
۲۳. کتاب «خیراتیه» مرحوم آقا محمدعلی عالی‌ترین و محکم‌ترین اثری است که به زبان فارسی در رد و ابطال طریقه صوفیه به قلم پخته و شیوای یک مجتهد اسلام‌شناس بزرگ نوشته شده است. این اثر گرانبها مدت‌ها به صورت خطی در مخازن کتابخانه‌ها محبوس بود ... و بیم آن می‌رفت نسخه‌های آن مانند نسخه‌های خیلی از کتاب‌های دیگر از بین برود ... خصوص اینکه این کتاب مانند مؤلف آن، دشمنان بسیار خطرناکی نیز داشته و از زمان خود مؤلف در صدد از بین بردن نسخه‌های آن بوده‌اند ...

بخشی از مقدمه مؤسسه وحید بهبهانی بر کتاب خیراتیه



هم‌اکنون نیز چند خانقاه^{۲۴} وجود دارد ولی الآن مشکل اصلی محسوب نمی‌شود. البته تصوف جزئی از پازل جنگ نرم دشمن است و همواره یک پایه‌ساز اصلی مانند حقوق بشر و امثال ذلک است؛ ولی اگر منصفانه بگوییم اینها مشکل جدی ما نیستند. امروز نیز نظام برنامه‌ریزی حکم تصوف را دارد و به نظر بنده هیچ فرقی با خانقاه‌های دوران قاجار ندارد؛ کارکرد این سازمان همان کارکرد است و ضد هویت اسلامی و شاخص‌های هویت اسلامی عمل می‌کند و همان‌طور که بنده عرض کردم شاخص‌های هویت اسلامی علت رفاه مردم هستند و اگر ما این شاخص‌ها را رعایت نکنیم اولین چیزی که به چالش کشیده می‌شود رفاه مردم است.

۴. تبیین محورهای سه‌گانه جلسات آینده این دوره بحثی

به نظر بنده کفایت می‌کند که ما اثر نظم اجتماعی بر شاخص‌های هویت اسلامی را در همین حد بحث کنیم. البته بنده در دوره‌های دیگر و به شکل‌های دیگر این بحث را پیگیری می‌کنم ولی در این دوره کفایت می‌کند. حالا بنده مقدمه‌ای را برای سی‌روز بعدی عرض کنم؛ بعد از طرح مباحث گذشته سؤال این است که اگر نظامات اجتماعی ضد شاخص‌های هویت اسلامی عمل می‌کنند نظم اجتماعی تقویت‌کننده شاخص‌های هویت اسلامی باید چگونه باشد؟ این سؤالی است که الگو باید به آن جواب دهد. اقتصاد خودمان را چگونه طراحی کنیم تا شاخص‌های هویت اسلامی به چالش کشیده نشوند؟ روابط بین‌الملل را چگونه تعریف کنیم تا چالشی برای شاخص‌های هویت اسلامی ایجاد نشود؟ نظام قانون‌گذاری را چگونه طراحی کنیم؟ حتی بالاتر از این، رسانه‌ها را چکار کنیم؟^{۲۵} ما در «اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مسائل مرتبط با نظم اجتماعی جدید را در ۸۱ بخش بحث کرده‌ایم.

آنچه که به نظر بنده از همه بسته‌های بحثی نقشه راه مهم‌تر است و بنده روز شنبه بحث را از اینجا آغاز می‌کنم این است که ما باید با چه شاخص‌هایی پیشرفت جامعه را ارزیابی کنیم تا فرق بحث‌های ما با پسرفت و توسعه و نظم غلط فعلی معلوم شود. بنده نقطه آغازین را این موضوع می‌دانم که شاخص‌های پیشرفت چیست، این سؤال اصلی است. ابتدا باید شاخص‌ها را مشخص کنیم تا بعد آنها را در ذهنمان اصل قرار داده و با این شاخص‌ها به سمت ارزیابی وضعیت لحظه‌به‌لحظه کشور برویم.

بحث شاخص‌ها، مبانی مدل آمارگیری هم خواهد بود. مسئله شاخص‌ها، موضوعی است که ان‌شاءالله وارد آن خواهیم شد و بنده نیز به صورت مفصل WDI^{۲۶}، شاخص‌های توسعه انسانی^{۲۷} و مدل‌های دیگر شاخص‌های ارزیابی را بحث می‌کنم که خوشحالی انسان را محور قرار می‌دهند.^{۲۸}

۴/۱. لزوم تبیین چگونگی بازتعریف نظامات اجتماعی در راستای تقویت شاخص‌های هویت اسلامی

۴/۲. بازتعریف مباحث مرتبط با نظم اجتماعی جدید توسط نقشه راه در ۸۱ بسته بحثی

۴/۳. شاخص‌های هویت اسلامی؛ مهم‌ترین بسته بحثی نقشه راه و سرفصل اول مباحث جلسات آینده

۴/۳/۱. لزوم مقایسه شاخص‌های هویت اسلامی با شاخص‌های WDI و HDI و بازتعریف مدل آمارگیری بر اساس این شاخص‌ها

۲۴. خانقاه یا خانقاه از ریشه کلمه خُنْج (خنج) به محل زندگی، آموزش، و گردهم‌آیی و فعالیت درویشان و صوفیان گفته می‌شود.

۲۵. ان‌شاءالله امیدوارم در این دوره بتوانم راجع به رسانه بحث کنم؛ چون بالاخره پدیده رسانه، یک پدیده مدرن است و به مدیریت نیاز دارد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حتماً باید نحوه مدیریت حوزه رسانه را بحث کند.

انتقال از متن

۲۶. شاخص‌های توسعه جهانی (World Development Indicators):



بنابراین عمده بحث این است که بنده برای اولین بار بسته شاخص‌های هویت اسلامی یا به عبارت دیگر بسته شاخص‌های پیشرفت اسلامی را به صورت تفصیلی می‌شکافم؛ البته قبلاً این شاخص‌ها را به صورت اجمالی بحث کرده‌ام و ان‌شاءالله به صورت تفصیلی وارد بحث خواهم شد.

۴/۳/۲. تقسیم
شاخص‌های هویت
اسلامی به شاخص‌های
کلان و شاخص‌های
بخشی پیشرفت

ما دو نوع شاخص برای ارزیابی پیشرفت اسلامی داریم؛ یکی شاخص‌های کلان پیشرفت است که شامل سه بسته شاخص است. نوع دوم نیز شاخص‌های بخشی مانند شاخص بخش اقتصاد، قانون‌گذاری، قضا و ... است. ان‌شاءالله به میزانی که وقت جلسه اجازه دهد وارد این بحث خواهم شد. الآن نمی‌خواهم وقت تعیین کنم که چند روز راجع به این موضوع بحث خواهیم کرد؛ ولی به هر حال این موضوع، بسته اول بحث‌های ماست و ما باید در ابتدا بر سر شاخص‌ها به تفاهم برسیم. البته این شاخص‌ها باید قابلیت محاسبه نیز داشته باشند. این فضای بحثی اول است.

۴/۴. تبیین نقطه آغاز
برنامه‌ریزی با نگاه
اسلامی؛ سرفصل بعدی
مباحث این دوره بحثی

ان‌شاءالله بعد از بحث شاخص‌ها وارد بحث برنامه‌ریزی با نگاه اسلامی می‌شوم و توضیح می‌دهم که برنامه‌ریزی با نگاه اسلامی را چطور باید شروع کنیم. اگر الآن به ما بگویند که برای اداره کشور برنامه‌ای بنویسید ما باید این کار را از کجا شروع کنیم؟ نقطه آغاز برنامه‌ریزی چیست؟ نمی‌دانم چقدر باید برای این مباحث زمان صرف کنیم ولی به میزانی که بحث جا بیفتد صحبت خواهیم کرد.

۴/۵. نظریات بخشی
الگوی پیشرفت اسلامی؛
سرفصل بعدی مباحث
این دوره بحثی

بعد از این مباحث اگر وقتی باقی ماند وارد بحث نظریات بخشی الگوی پیشرفت می‌شویم. کارکرد نظریات بخشی الگوی پیشرفت، تحلیل یک بخش و ارائه راه حل برای آن بخش است. به عنوان مثال در حوزه اقتصاد نظریه «بنگاه‌های وقف‌محور» و «الگوی تولید خانوادگی» را بحث خواهیم کرد. در بخش حوزه قضائی نظریه «پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم» را بحث خواهیم کرد. در بخش قانون‌گذاری نظریه «تقنین هدایت‌بنیان» را بحث خواهیم کرد. در بخش علم و خروج از آفت ترجمه‌گرایی - که به فضل الهی تمام دوستان به این آفت مبتلا هستند - نظریه «بانک سوالات جهت‌ساز» را مورد بحث قرار خواهیم داد. در حوزه تربیت نظریه «بهبود مستمر فضای حاکم بر

گروه داده‌های توسعه‌ای بانک جهانی به صورت سالانه گزارشی با عنوان شاخص‌های توسعه جهانی را ارائه می‌دهد. شاخص‌های جهانی توسعه (WDI) مهم‌ترین جمع‌آوری سالانه اطلاعات در خصوص توسعه است. این گزارش، تقریباً گزارشی جامع از آمارهای موجود در اقتصاد اکثر کشورهای جهان می‌باشد. این گزارش شامل ۶ بخش می‌باشد و جنبه‌های مختلف یک کشور را از لحاظ آماری بررسی می‌نماید. بخش‌های موجود در این گزارش عبارتند از: بخش‌های چشم‌انداز جهانی، جمعیت، محیط زیست، اقتصاد، دولت و بازار و ارتباطات جهانی. هر بخش دارای چندین جدول است و هر جدول نیز شامل تعدادی از متغیرهاست که برای کشورهای مختلف تهیه گردیده است.

<http://data.worldbank.org/indicator> وبسایت بانک جهانی

27. The Human Development Index (HDI) is a summary measure of average achievement in key dimensions of human development: a long and healthy life, being knowledgeable and have a decent standard of living. The HDI is the geometric mean of normalized indices for each of the three dimensions.

شاخص توسعه انسانی (HDI) سنجش بخشی از دستاوردهای کلیدی در ابعاد توسعه انسانی است: یک زندگی طولانی و سالم، آگاه بودن و یک استاندارد مناسب زندگی. عدد نهایی شاخص توسعه انسانی میانگینی از این سه بعد است.

<http://hdr.undp.org/en/content/human-development-index-hdi> وبسایت گزارش توسعه انسانی وابسته به برنامه توسعه ملل متحد

۲۸. حتماً استحضار دارید که مدل‌های ارزیابی توسعه مبانی مختلفی دارند ولی آنچه در ایران رواج دارد گزارشی است که بانک جهانی به صورت سالانه تحت عنوان WDI منتشر می‌کند. WORLD DEVELOPMENT INDICATORS می‌کند که بانک جهانی آن را منتشر می‌کند، مبنای ارزیابی پیشرفت در جامعه ماست. اینها را بنده بحث خواهم کرد. اخیراً سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی شاخص‌های توسعه انسانی یعنی سه شاخص سطح آگاهی، امید به زندگی و سطح درآمد را ملاک قرار داده و معتقد است که با این سه شاخص می‌توانیم رفاه یک جامعه را بسنجیم.

انتقال از متن



نهادهای متکفل تربیت» را بحث خواهیم کرد. در بخش مربوط به مفاهیم پایه الگو، «تبادل حول هدایت» را مطرح خواهیم کرد. خلاصه مجموعه‌ای از مباحث وجود دارد و بنده سعی می‌کنم در این سی جلسه، ده بسته از مباحث نقشه‌ای که پیش‌روی خود می‌بینید را تبیین کنم.^{۲۹} ان‌شاءالله وعده ما شنبه با موضوع بحث تفصیلی حول شاخص‌های هویت اسلامی.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۲۹. همان‌طور که عرض کردم بنده با دوستان مؤمنی که در سراسر کشور با اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت همراهی می‌کنند به مصاف جریان توسعه‌گرا می‌روم. غرض من از این دوره بحثی این است که در یک دوره بحثی به صورت نیمه‌تفصیلی وارد بحث شوم تا بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مقابل جریان توسعه‌گرا شفافیت بیشتری پیدا کند.

ان‌شاءالله اگر توفیقی باشد ما در حال طراحی عملیات‌های جدیدی در حوزه الگو هستیم که غیر از مباحث این دوره هستند؛ بنده همین‌جا به آقای نوبخت، جناب آقای روحانی، برادر عزیزم جناب آقای هاشمی رفسنجانی و سایر دوستان توسعه‌گرا عرض می‌کنم که ما طراحی‌های شدیدی را انجام داده‌ایم تا برخی از سندهای حوزه توسعه‌گرایی را نقد کنیم. دیگر دوران این گذشته است که شما نظریه مربوط به پنجاه‌سال پیش را ترجمه کرده و بگویید این نظریات تدبیر و راه نجات هستند. به هر حال عملیات‌های بزرگی در راه است.

بنده به دوستان جریان توسعه‌گرا پیشنهاد می‌کنم درست مانند برنامه ششم که ما شش مناظره داشتیم بیاییم در محضر هشتاد میلیون نفر ملت ایران با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنیم، در دانشگاه‌ها بحث کنیم. امروز صبح ما در حوزه علمیه قم جلسات خوبی را داشتیم و هماهنگی‌هایی در حال شکل گرفتن است تا حوزه در فضای جدی‌تری به حوزه نظم اجتماعی وارد شود.

غرضم از این گزارش‌ها این است که بگویم واقعاً یک جنگ نرم جدی با تفکرات غربی پیش‌رو داریم. ما بحث‌هایی را برای نقد اندیشکده‌های تصمیم‌ساز مهم در دنیا آغاز می‌کنیم. برخی از حرف‌هایی که اینها مطرح می‌کنند باید نقد شوند؛ نگاه‌هایی که یونسکو (UNESCO)، یونسف (UNICEF) و WHO دارند باید نقد شود. این‌ها لایه‌های بعدی مباحث است. این سازمان‌ها تصمیماتی را برای جهان می‌گیرند و ما بنا داریم این تصمیمات را در فضای بین‌الملل به چالش بکشیم.

وضعیت پیشرفت را در کشور آمریکا با شاخص‌های هویت اسلامی ارزیابی کرده و گزارش‌های سالانه آن را منتشر می‌کنیم. یک مرکز ارزیابی پیشرفت در حوزه علمیه قم در حال پایه‌گذاری است و همان‌طور که آمریکایی‌ها به خود اجازه داده‌اند تمام دنیا را بر پایه تفکرات توسعه‌گرا ارزیابی کنند ما نیز بر اساس مفاهیم خود همین کارها را انجام می‌دهیم؛ یعنی دو راه بیشتر پیش‌روی تمدن مدرنیته و جریان توسعه‌گرا وجود ندارد؛ یا باید دست به ترور بزنند، درست مانند ترور شهید احمدی‌روشن که این موضوع خود یک نعمت است. یا اینکه وارد عرصه علمی و موازنه و گفت‌وگو شوند که در اینصورت علیل بودن استدالات آنها بسیار واضح می‌شود.

بنده آینده را بسیار روشن می‌بینم و اگر متهم به برخی از حرف‌ها نمی‌شدم، برخی از اخباری که در آینده اتفاق خواهد افتاد را می‌گفتم تا معانی این حرف‌ها بسیار واضح شود. غرضم این بود که بگویم دوره دانشگاه شریف، شروعی برای این مباحث است. دوستان خود را به بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دعوت کنید. اگر زمینه‌ها آماده شود دوره صنعتی که ما می‌خواهیم بحث کنیم، دوره خوبی خواهد بود برای اینکه نگاه‌های صنعتی موجود جامعه را به چالش بکشیم.

ان‌شاءالله تمام این رجزها یک‌به‌یک محقق خواهد شد و به نظر بنده به مرور کشور را از بن‌بست توسعه غربی خارج می‌کنیم. غرضم این است که بگویم دوستان فکر نکنند ما خسته خواهیم شد. یکی از آقایان چند سال پیش مصاحبه کرده -مصاحبه ایشان هنوز هم هست- و گفته بودند: "وقتی رهبری حرفی را مطرح می‌کنند روزهای اول و ماه‌های اول عده‌ای مصاحبه کرده و جلسه می‌گذارند [ولی بعداً موضوع را رها می‌کنند]." اما به فضل الهی تا به حال شورای راهبردی بیش از دو هزار جلسه برگزار کرده است و دوستان ما خسته نشده‌اند. این روال ادامه پیدا خواهد کرد تا این وضعیتی که جریان توسعه‌گرا برای کشور ما درست کرده اصلاح شود. مسئله آسیب‌های اجتماعی، محرومیت‌ها و ... را اصلاح خواهیم کرد.

بنده در پایان بخش اول این جلسات به آقای خامنه‌ای علیه السلام رهبر معظم انقلاب عرض می‌کنم خیالتان از جبهه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت راحت باشد، این مسیر تا آخر ادامه پیدا می‌کند و من این موضوع را دور نمی‌بینم که در کشور ما سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به معنای موجود وجود نداشته باشد. درست مانند نهادهای طاغوتی زیادی که الآن وجود ندارند این سازمان نیز که باقی‌مانده دوران طاغوت است به کمک و همت مؤمنین از میان برداشته خواهد شد.



پرسش و پاسخ

۱. تلاش برای بهینه روابط انسانی در قوانین اسلامی و تلاش برای رفع آثار روابط انسانی به چالش کشیده شده در قوانین مدرن؛

تفاوت قوانین اسلامی و مدرن

یکی از حضار (۱): بنده فرق بین قوانین نظام اسلامی و نظام مدرن را متوجه نشدم، اگر می‌شود این موضوع را بیشتر توضیح دهید. چطور است که این یکی با اختیار در تضاد است اما آن یکی (اسلامی) هدایت‌کننده است؟

استاد کشوری: ان‌شاءالله تقنین مبتنی بر هدایت را در آینده توضیح خواهم داد؛ اما ملاک بحث را بیان کردم؛ گاه شما قانون را به غرض بهینه روابط انسانی وضع می‌کنید که این یک حالت است، یکبار هم شما قانون را به غرض مدیریت آثار روابط انسانی به چالش کشیده‌شده وضع می‌کنید. این دو موضوع، دو فضا را ایجاد خواهند کرد؛ یعنی وقتی روابط انسانی را از ریشه مدیریت نمی‌کنید این موضوع عوارضی ایجاد خواهد کرد. مثلاً کلاهبرداری در جامعه افزایش پیدا خواهد کرد، زمین‌خواری و کوه‌خواری و ... افزایش پیدا می‌کند و شما برای رفع این مشکلات می‌گویید با سامانه کاداستر (cadastre)^{۳۰} مرزها را معلوم می‌کنیم تا دیگر کسی نتواند زمین‌خواری و کلاهبرداری کند. این موضوع مصداقی از قانون مدرن است. یا بیان می‌کنید حتماً باید به سمت شفافیت و دولت الکترونیک حرکت کنیم و باید روابط بین کارگزاران و ارباب و رجوع را قطع کنیم تا رشوه کنترل شود. این‌ها قانون‌گذاری به معنای مدرن هستند و به این سمت نمی‌روند که ریشه مسئله یعنی به چالش کشیده‌شدن روابط انسانی را مدیریت کنند. یک فرض هم این هست که شما همت و توان خود را بر روی بهینه روابط انسانی قرار می‌دهید و به میزانی که روابط انسانی بهینه می‌شود در روبنا مسائل کمتری ایجاد می‌گردد. این دو نگاه است. قانون به معنای اسلامی این کار را انجام می‌دهد و قانون به معنای مدرن آن کار دیگر را انجام می‌دهد.

بنده یک مادرزرگی داشتم، خدا ایشان را رحمت کند. ایشان انسان حکیمی بودند؛ اما سواد به معنای سایننتیک نداشتند. ایشان می‌گفتند: کسی که می‌خواهد تخلفی انجام دهد، اگر او را در درون یک شیشه بگذارید و بعد یک چوب‌پنبه هم در سر شیشه بگذارید، او از شیشه بیرون آمده و کار خود را انجام خواهد داد. ایشان به زبان ساده به ما می‌گفت که آدم‌ها اختیار دارند و نمی‌شود به صورت جبری جلوی اختیار آنها را گرفت. حالا تمدن مدرن این گزاره ساده را نمی‌تواند درک کند ولی مادرزرگ بنده که حدود پانزده سال است به رحمت خدا رفته این موضوع را درک می‌کرد. اما برخی از اندیشمندان حال حاضر این موضوع را درک نمی‌کنند.

اگر شما این موضوع را نفهمید چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ اگر شما روابط انسانی را از ریشه مدیریت نکنید، ممکن است که با سامانه شفاف‌کننده خود جلوی بخشی از جرم را بگیرید؛ اما به اصطلاح جرم به حوزه‌ای دیگر انتقال پیدا خواهد کرد. وقتی جلوی آن حوزه را هم می‌گیرید دوباره به حوزه‌ای دیگر انتقال پیدا خواهد کرد. در حالی که حاکمیت نمی‌تواند در همه حوزه‌ها قانون‌گذاری کند. لذا بالاترین آمار قتل و جرم و جنایت در کشورهای توسعه‌یافته اتفاق می‌افتد؛^{۳۱} با وجود اینکه در همین

۳۰. سامانه شناسه و آمایش پهنه‌های جغرافیایی در لایه‌های مختلف (به عنوان مثال تهیه نقشه پراکندگی جغرافیایی صنایع، محیط زیست، منابع فرهنگی، معادن و کانی‌ها، ارکان دفاعی، آب‌ها و گذرگاه‌ها و ...)

۳۱. طبق آمار مرکز مطالعات زندان‌ها، ایالات متحده آمریکا دارای بیشترین زندانی در سطح جهان است. ۲ میلیون و ۱۴۵ هزار و ۱۰۰ زندانی در زندان‌های ایالات متحده آمریکا به سر می‌برند.

مرکز مطالعات زندان‌ها http://www.prisonstudies.org/highest-to-lowest/prison-population-total?field_region_taxonomy_tid=All
در بین کشورهای جهان، آمریکا بیشترین تعداد زندانی را به خود اختصاص داده است. طبق آمار اعلام شده از سوی مرکز بین‌المللی مطالعات زندان‌ها، از هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر آمریکایی ۷۱۵ نفر در زندان قرار دارند. ایالات متحده با اختلاف فاحشی در صدر این جدول قرار دارد. به گونه‌ای که اختلاف آن با کشور بعدی که روسیه است، ۱۳۱ نفر است.

کشورها دولت الکترونیک و بقیه قوانین هم محقق شده و اجرا می‌شود. نظام قانون‌گذاری روبنایی آن‌ها خیلی از ما قوی‌تر است، اما با این حال نتوانسته‌اند جلوی جرائم را بگیرند. این‌ها واقعیت است، علت چیست؟ علت این است که به هیچ‌وجه نمی‌توان جلوی اختیار انسان‌ها را گرفت؛ در مدیریت روابط انسانی شما یک‌راه برای مدیریت روابط انسانی دارید آن هم هدایت انسان‌هاست. حال آیا زیرساخت‌های قانونی فعلی، زیرساخت‌های هدایت هستند؟! به نظر بنده نیستند. این فرق اجمالی قانون اسلامی و قانون مدرن است. ان شاء الله بعداً تقنین مبتنی بر هدایت را بحث خواهیم کرد.

۲. امر کردن با رعایت شرایط و لوازم ذکر؛ تفاوت امر خداوند متعال با امرهای نظام مدرن

یکی از حضار (۲): یک بحثی که وجود دارد این است که در حال حاضر می‌توانیم بسیاری از قوانینی که ما در کشور می‌گذاریم را به همین شکلی که شما می‌فرمایید نفی کنیم، حتی قوانینی که به ظاهر خیلی دینی هم محسوب می‌شوند. می‌خواستم بیرسم نظر شما در مورد این دو قانون چیست؟ یکی قانون حجاب اجباری است که آیا در دین صراحتی دارد یا خیر؟ یکی هم وضعیت گشت ارشاد و یا همین لایحه امر به معروف و نهی از منکر است. به نظر شما این موارد هم در همین چارچوبی که شما بیان کردید می‌گنجد؟ یعنی می‌شود مبنای آن غربی باشد، اما ترویج حجاب هم اتفاق بیفتد.

استاد کشوری: بنده در مورد حجاب - بنده کار به کسی دیگر ندارم - از ظاهر آیات و روایات وجود حجاب را متوجه می‌شوم.^{۳۲} اما یک بحث وجود دارد و آن هم این است که اگر در جایی امر شرعی آمد - همان‌طور که بنده عرض کردم - آن امر شرعی در فضای ذکر اتفاق خواهد افتاد. در فضای ذکر اتفاق می‌افتد یعنی چه؟ یعنی شارع مقدس مصالح حاکم بر آن امر را بحث کرده و با کسی که به او امر کرده تفاهم می‌کند. بنده مثال می‌زنم؛ در مورد حجاب از امیر المؤمنین علیه السلام حدیثی نسبت به زنان هست

<http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Crime/Prisoners/Per-capita> وبسایت رسمی مرکز بین‌المللی مطالعات زندان‌ها

Here are the states: Per population, we kill each other with guns at a rate 297x more than Japan, 49x more than France, 33x more than Israel.

بفرمایید این هم آمار؛ بنا بر میزان جمعیت، ما یکدیگر را با اسلحه ۲۹۷ بار بیشتر از ژاپنی‌ها، ۴۹ بار بیشتر از فرانسوی‌ها و ۳۳ بار بیشتر از اسرائیلی‌ها می‌کشیم.

پیام رئیس جمهوری آمریکا آقای اوباما در توئیتر خود در تاریخ ۲۱ ژوئن ۲۰۱۵

<http://Twitter.com/POTUS/status/612437042207834112>

هر بار که فردی مسلح در آمریکا وارد یک مکان عمومی می‌شود و با به رگبار بستن حاضران، گروهی را از پا می‌آورد، بحث تشدید قوانین مالکیت اسلحه در این کشور برای مدتی داغ می‌شود و سپس به تدریج به فراموشی سپرده می‌شود. این بار نوبت یک جوان ۲۰ ساله بود تا با گرفتن جان ۲۰ کودک دبستانی و ۶ نفر از کارکنان مدرسه سندی هوک در نیوتاون ایالت کانکتیکت، بحث قدیمی بازنگری در قوانین مالکیت اسلحه را در آمریکا زنده کند.

http://www.bbc.com/persian/world/2012/12/121215_u02_second_amendment_us.shtml وبسایت بی‌بی‌سی فارسی

۳۲. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾ / آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است (۳۰) و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان و قوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید (۳۱)



که بیان می‌کنند: صیانت و حجاب زن باعث می‌شود که جمال زن دوام بیشتری داشته باشد.^{۳۳} ببینید درست است که امر به حجاب شده است؛ اما به علت اینکه خانم‌ها نسبت به جمال خود [حساس هستند] و حالت تَبَرُّج^{۳۴}، یک حالت فطری در خانم‌هاست، امیرالمؤمنین علیه السلام این حالت را اصل قرار داده و بیان می‌کنند که حجاب باعث می‌شود که جمال شما دوام بیشتری داشته باشد. درست است که امر می‌کند، اما شروع به تفاهم می‌کند. البته این روایت یک نمونه از مصالحی است که بنده عرض کردم.

ببینید؛ نباید به این سمت برویم که بگوییم حجاب واجب نیست، با توجه به ظهور آیات و روابط نمی‌توانیم این حرف را بگوییم؛ منتهی عیب ما این است که امر و نهی خداوند را مانند امر و نهی پادشاهان تحلیل می‌کنیم؛ بنده این عیب را به هم لباس‌ها و به خودم می‌گیریم که وقتی وارد بحث می‌شویم، فقط می‌گوییم حجاب واجب است و بحث دیگری را مطرح نمی‌کنیم. در حالی که حول این موضوع ده حدیث دیگر وجود دارد که فلسفه و دلیل آن را بحث می‌کند، آن‌هم نه به شکل فلاسفه؛ بلکه همان‌طور که عرض کردم در فضای ذکر.

اما راجع به بحث لایحه امر به معروف و نهی از منکر بنده از اول با این لایحه مخالف بودم، البته جایی هم گفت‌وگو نکردم. علت این است که امر به معروف در حالت متمرکز مدیریت نخواهد شد، نه اینکه با امر به معروف و نهی از منکر مخالف هستیم؛ امر به معروف و نهی از منکر، بحثی است که از پایین به بالاست؛ در واقع مدیریت هدایتی است که به عهده تک‌تک افراد جامعه می‌باشد. لذا وقتی این موضوع را تبدیل به قانون می‌کنیم، در واقع منزلت آن را از بالا به پایین تغییر می‌دهیم. امر به معروف و نهی از منکر در جامعه لازم است؛ اما نباید کار را با این مدل جلو برد. لذا به نظر بنده لایحه امر به معروف اجرایی نبود و همان موقع هم بنده به برخی از نمایندگان مجلس عرض کردم و در واقع هم همین اتفاق افتاد؛ یعنی هیچ‌گاه به سمت اجرایی شدن نرفته است. حالا در بحث مدل امر به معروف بنده بحث‌هایی دارم که در آن بحث‌ها بیان خواهم کرد که امر به معروف و نهی از منکر را باید به چه شکل اجرا کرد.

اللهم صل على محمد و آل محمد صلوات الله عليهم

۳۳. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: صیَانَةُ الْقَرَأَةِ أَنْعَمُ لِجَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِجَمَالِهَا

امام علی علیه السلام فرمودند: پوشیده بودن زن برای حال او بهتر و موجب دوام زیبایی و جمال اوست.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۵۵۰ ق)؛ غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۱۸

۳۴. تَبَرُّجٌ، به معنای خودنمایی زنان و اینکه زیبایی و زینتشان را آشکار کنند. ریشه این واژه، برج، در عربی در دو معنای اصلی به کار می‌رود: «بروز و ظهور»، و «ملجأ و مکان بلند»؛ تَبَرُّجٌ از معنای نخست گرفته شده است و بروج (برج‌های فلکی و برج و باروهای شهر) به معنای دوم راجع است.

این فارس؛ معجم مقاییس اللغة ج ۱، ص ۲۳۸

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى / سوره مبارکه احزاب آیه ۳۳

و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید.

فهرست تفصیلی

۱. ضدیت نظم کلان و نظم بخشی توسعه غربی با هویت اسلامی و لزوم اصلاح نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه ۱۹۵
- ۱/۱. بررسی نسبت میان نظم اجتماعی و دین‌داری مردم؛ موضوع ده جلسه اول این دوره بحثی ۱۹۵
- ۱/۲. تلاش علمای گذشته برای حفظ هویت شیعی و مصون نگه‌داشتن آن از خطرات مختلف ۱۹۵
- ۱/۳. ضدیت نظم فعلی برنامه‌ریزی با هویت شیعی و لزوم تلاش برای تغییر این نظم ۱۹۶
- ۱/۳/۱. ضدیت نظم کلان توسعه غربی با هویت اسلامی به دلیل تعدیل کلان تمام بخش‌های جامعه حول اقتصاد ۱۹۶
- ۱/۳/۲. ضدیت نظم اقتصادی غربی با هویت اسلامی به دلیل تحریک حرص در این نظم ۱۹۷
- ۱/۳/۳. ضدیت نظم آموزشی غربی با هویت اسلامی به دلیل تبدیل کردن آموزش به خدمه بخش اقتصاد ۱۹۷
۲. عدم تلاش برای بهینه روابط انسانی، به چالش کشیدن رشد عقلی و رشد فکری انسان‌ها در اثر الزام‌های مکرر؛ دو دلیل ضدیت قانون‌گذاری مدرن با هویت اسلامی ۱۹۷
- ۲/۱. حل مشکلات به صورت روبنایی و عدم تلاش برای بهینه روابط انسانی؛ دلیل اول ضدیت قانون‌گذاری مدرن با هویت اسلامی ۱۹۷
- ۲/۲. به چالش کشیدن اختیار افراد جامعه با وضع قوانین (الزامات) مکرر؛ اشکال دوم قانون‌گذاری مدرن ۱۹۷
- ۲/۲/۱. از بین بردن خلاقیت افراد جامعه مانند تنزل سطح عقل آنها به عقل تجربی و پوزیتیویسم؛ نتیجه به چالش کشیدن اختیار افراد ۱۹۷
- ۲/۲/۲. عدم جواز به چالش کشیدن اختیار انسان‌ها حتی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۹۹
- ۲/۲/۲/۱. به چالش کشیدن حوزه فکر و عقل انسان‌ها در صورت ملزم کردن افراد جامعه و به چالش کشیدن اختیار آنها؛ دلیل اول عدم جواز به چالش کشیدن اختیار ۱۹۹
- ۲/۲/۲/۲. قابلیت تفاهم بالای دین و عدم نیاز به مجبور کردن افراد؛ دومین دلیل عدم جواز به چالش کشیدن اختیار ۲۰۰
- ۲/۲/۳. فرار انسان‌های جامعه از قوانین و الزامات مکرر مدرنیته و شیوع پارتی‌بازی و رشوه؛ یکی از نتایج الزام مکرر افراد در نظم مدرن غربی ۲۰۰
۳. الزام کردن دوباره افراد از طریق "وضع مجازات برای تخطی از قانون‌های مدرن"؛ اشکال نظام قضائی مبتنی بر توسعه غربی ۲۰۱
- ۳/۱. حفظ الفت در جامعه و حرکت دادن افراد جامعه به سمت رشد عقلی؛ ماهیت نظام قوانین اسلام ۲۰۱
- ۳/۲. وضع حدود به منظور جلوگیری از ایجاد چالش برای رشد عقلی جامعه؛ ماهیت نظام قضائی اسلام ۲۰۲
- ۳/۳. بی‌علاقگی مردم به انجام قوانین مدرن و عمل به قوانین برای فرار از مجازات‌های تعیین شده؛ یکی از ثمرات نظام قضائی مبتنی بر توسعه ۲۰۳
- ۳/۴. به چالش کشیدن رشد عقلی افراد جامعه توسط نظام قضائی مدرن؛ شاهدهی دیگر بر ضدیت نظم توسعه غربی با هویت اسلامی ۲۰۳



۴. تبیین محورهای سه‌گانه جلسات آینده این دوره بحثی ۲۰۴
- ۴/۱. لزوم تبیین چگونگی بازتعریف نظامات اجتماعی در راستای تقویت شاخص‌های هویت اسلامی ۲۰۴
- ۴/۲. بازتعریف مباحث مرتبط با نظم اجتماعی جدید توسط نقشه راه در ۸۱ بسته بحثی ۲۰۴
- ۴/۳. شاخص‌های هویت اسلامی؛ مهم‌ترین بسته بحثی نقشه راه و سرفصل اول مباحث جلسات آینده ۲۰۴
- ۴/۳/۱. لزوم مقایسه شاخص‌های هویت اسلامی با شاخص‌های WDI و HDI و بازتعریف مدل آمارگیری بر اساس این شاخص‌ها ۲۰۴
- ۴/۳/۲. تقسیم شاخص‌های هویت اسلامی به شاخص‌های کلان و شاخص‌های بخشی پیشرفت ۲۰۵
- ۴/۴. تبیین نقطه آغاز برنامه‌ریزی با نگاه اسلامی؛ سرفصل بعدی مباحث این دوره بحثی ۲۰۵
- ۴/۵. نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی؛ سرفصل بعدی مباحث این دوره بحثی ۲۰۵
- پرسش و پاسخ ۲۰۷
۱. تلاش برای بهینه روابط انسانی در قوانین اسلامی و تلاش برای رفع آثار روابط انسانی به چالش کشیده شده در قوانین مدرن؛ تفاوت قوانین اسلامی و مدرن ۲۰۷
۲. امرکردن با رعایت شرایط و لوازم ذکر؛ تفاوت امر خداوند متعال با امرهای نظام مدرن ۲۰۸



پیوست‌ها

پیوست شماره ۱؛ ثمرات و نتایج اصلاحات ارضی

هر چند در ظاهر برنامه اصلاحات ارضی در جهت بهبود وضعیت کشاورزان و رشد و توسعه کشور اعلام گردید اما هدف اصلی از انجام این برنامه به انجام رساندن مانوری سیاسی برای جلب نظر روستائیان و کاستن از قدرت و نفوذ مالکان بزرگ بود، هر چند دولت موفقیتی در کاستن قدرت و نفوذ مالکان کسب کرد، ولی اصلاحات ارضی اثرات مخربی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور داشته و سبب گسترش نارضایتی‌ها در جامعه گردید. در اینجا به صورت مختصر به برخی از مهمترین این پیامدها می‌پردازیم:

الف- پیامدهای اقتصادی:

تا اوایل دهه ۱۳۴۰ و پیش از انجام اصلاحات ارضی، علیرغم وجود محرومیت‌ها و مشکلات متعدد فرهنگی، بهداشتی، رفاهی و... در روستاها و اکثر مناطق کشور، ایران عمدتاً از نظر تهیه مواد غذایی خودکفا بود و حتی می‌توانست کمبود ارز خارجی را هم با صدور پنبه، میوه و خشکبار و... تأمین کند ولی دیری نپایید که در پی اجرای اصلاحات ارضی شاه که به وسیله دولت آمریکا و در زمان «کندی» طرح‌ریزی شده بود از نظر تأمین مواد غذایی به خارج وابسته و وضعیت روستائیان به شدت بدتر شد.

یکی از دلایل این امر، این بود که دولت پس از کوچک‌شدن قطعات زمین که تولید را پایین آورد، علاوه بر تعاونی‌های روستایی، به ایجاد شرکت‌های کشت و صنعت، شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید، روی آورد. در شرکت‌های کشت و صنعت زمین‌های کوچک را برای ایجاد یک زمین حدوداً ۵۰۰ هکتاری می‌خرید و آن را به شرکت‌های خصوصی یا دولتی اجاره می‌داد. در شرکت‌های سهامی زراعی، زارعان مالکیتشان را با سهام شرکت عوض می‌کردند و هیئت مدیره آنها را دولت استخدام می‌کرد؛ ولی تعاونی‌های تولید، زارع مالکیتش را حفظ می‌کرد. هم واحدهای بزرگ تجاری - کشاورزی کشت و صنعت، هم شرکت‌های زراعی مورد حمایت سازندگان ماشین‌آلات کشاورزی خارجی و صاحبان منافع خاص در ایران بودند و تأکید عمده آنها روی محصولاتی بود که به درد صادرات می‌خورد. در نتیجه، سطح تولید مواد غذایی پایین آمد و وابستگی به واردات این مواد افزایش یافت.

ایران، سراب قدرت؛ رابرت گراهام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، نشر سبحان، ۱۳۵۸، ص ۴۶

از دلایل دیگر این موضوع، باقی ماندن زمین‌هایی با موقع زیربنایی برتر در دست مالکان، عدم کفایت بودجه‌های مربوط به وام کشاورزی، فقدان خدمات توسعه کشاورزی، حفر چاه‌های عمیق و آسیب دیدن سیستم قنات، کنترل قیمت فرآورده‌های کشاورزی به یاری واردات، پایین آمدن شانس استخدام کشاورزان بدون زمین به وسیله مالکان جدید، کافی نبودن زمین‌های کوچک ارائه شده به کشاورزان برای باقی ماندن در روستا، ملی کردن مراتع و جنگل‌ها و در نتیجه کوتاه کردن دست چوپانان و قبایل کوچ نشین از مراتع و... به عمیق تر شدن شکاف طبقاتی انجامید و سیل روستائیان مهاجر را به سمت شهرها جاری ساخت. اصلاحات ارضی تنها ۸۰۰ هزار کشاورز را به خرده مالک تبدیل کرد. از این تعداد ۱۰۰ هزار نفر قبلاً زمین داشتند و بدهی نیز نداشتند. بقیه باید ظرف ۱۲ تا ۱۵ سال اقساط مربوط را بپردازند. شرایط زندگی آنها تغییری نکرد. سپس اکثر زمین‌ها فقط تحت عنوان تشکیل تعاونی‌های روستایی و اغلب در پیوند با تعدادی کمپانی تجاری - کشاورزی آمریکایی از مالکیت آنها درآمد

انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، جمعی از نویسندگان، نشر معارف، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱

به گفته هوگلند: «موفقیت عملی از لحاظ منافع مثبت واقعی برای دهقانان مشمول قانون عملاً صفر بود... اصلاحات ارضی ایران عملاً یک برنامه محافظه‌کارانه بود که مزایای مثبت معدودی داشت... در ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ش) ... اکثر روستائیان از نظر موقعیت اقتصادی بهتر از سال‌های قبل از اجرای برنامه نبودند»

مقاومت شکننده، جان فورای، ترجمه احمد تدین، نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۸، صص ۴۷۲ - ۴۸۲

حضرت امام نیز می‌فرماید: «اصلاحات ارضی به امر دولت آمریکا بود برای آن که بازار درست کند که چیزهای آنها به فروش برود یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج بشویم»

صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۵

و نیز: «اصلاحات ارضی یعنی بازار درست کردن برای آمریکا و اذتاب آمریکا، ... گندم‌ها دیگر توی دریا ریخته نمی‌شود، گندم‌ها را می‌دهند پول می‌گیرند»

همان، ص ۱۸۱

ب - پیامدهای اجتماعی:

به دنبال اجرای اصلاحات ارضی و به هم خوردن سیستم مالکیت زمین‌های کشاورزی و نظام ارباب - رعیتی، دیگر سیستم و وضعیت جدید پاسخگو و تأمین‌کننده معیشت خود روستائیان نیز نبود؛ زیرا از یک سو با گرفتن زمین‌ها از اربابان، بسیاری بیکار شدند چون بیش از نیمی از خانوارهای روستائیان مشمول قانون اصلاحات ارضی نشدند چون قرارداد رسمی سهم‌بری نبسته بودند و حق نسق نداشتند، لذا این عده روز به روز فقیرتر شدند و اکثریت دهقانانی که صاحب زمین شدند قطعه زمین‌های کوچک و نامرغوبی به دست آوردند و نیمی از زمین‌ها اصولاً تقسیم نشد و در اختیار بزرگ مالکان باقی ماند.

مقاومت شکننده، پیشین، ص ۴۷

و بسیاری از این دهقانان درگیر مسائلی از قبیل تأمین آب کشاورزی، چگونگی پرداخت اقساط و ... شدند و ادامه این روند برایشان غیرقابل تحمل می‌نمود لذا بسیاری از آنان زمین‌های خود را به مالکان فروختند. نتیجه این تحول، این بود که در اوایل دهه ۱۳۵۰، نرخ مهاجرت به ۸٪ رسید که از رقم متوسط‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۳۵، بسیار بیشتر بود.

این مهاجرت نه تنها باعث کاهش تولید مواد غذایی و وابستگی اقتصادی به خارج گردید، بلکه مشکلات اجتماعی بسیار زیادی را نیز به وجود آورد. مهاجران در شهرها با فقدان کار کافی، مسکن و امکانات زیست مناسب روبه‌رو شدند و در حاشیه شهرها و محله‌های فقیرنشین و کثیف استقرار یافتند.

ریشه‌های انقلاب، نیکی کوی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر قلم، ۱۳۶۹، صص ۲۵۵ - ۲۴۳

روستائیان که به امید یافتن شغل مناسب به شهرها هجوم آورده بودند طبقه کارگر روزمرد شهری را به وجود آوردند. این افراد که اغلب تنها و بدون خانواده خود به شهرها مهاجرت می‌کردند، با فرهنگ غرب زده شهری که با آن بیگانه بودند روبرو و مجبور می‌شدند برای کسب درآمد در ساختمان‌ها، کاخ‌ها و ویلاهای مجلل که هزینه‌گزافی صرف ساختن آنها می‌شد به کار مشغول شوند اگر چه درآمد آنها نسبتاً مناسب بود، اغلب به خاطر تورم سرسام آور مغلوب هزینه‌ها می‌شدند

تحلیل بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۰، صص ۷۸ - ۸۰

حضرت امام در این باره می‌فرماید: «این اصلاحات ارضی از بزرگترین خیانت‌هایی است بر این مملکت که زراعت مملکت را به کلی از بین بردید و دهقان‌های بیچاره را همچو کردید که هجوم آوردند به شهرستان‌ها. تهران الآن پر است از این دهقان‌های بیچاره‌ای که از اطراف آمدند توی این زاغه‌ها و توی این چادرها و توی این کثافت کاری‌ها، بیچاره‌ها دارند زندگی می‌کنند با عائله در زمستان سخت، اینها خیانت بر یک ملت نیست؟»

صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳۱

برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد حسینی شاهرودی <http://nvf-kordestan.ir/aqs/view/983>



پیوست شماره ۲؛ تأکید وزیر آموزش و پرورش بر تربیت نیرو برای بخش خدمات و تولید

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، دکتر فخرالدین دانش آشتیانی در نشست صمیمی با استادان و کارکنان دانشگاه فرهنگیان در سالن اجتماعات این دانشگاه، با اشاره به ماه پربرکت رجب و میلاد ائمه معصوم (علیهم السلام) و تقارن این ماه با آغاز سال ۹۶ و ابراز امیدواری در این سال برای رفع مشکلات گفت: باتوجه به شعار امسال که رهبر معظم انقلاب فرمودند، اگر نقش آموزش و پرورش را در موضوع تولید و اشتغال بررسی کنیم، متوجه تأثیر پررنگ آموزش و پرورش در این زمینه خواهیم شد.

وی نقش نیروی انسانی در تولید و اشتغال را کلیدی دانست و افزود: تا زمانی که یک کشور به نقش آموزش و پرورش در تولید و اشتغال نپردازد، ممکن است به موفقیت‌های کوتاه‌مدتی دست یابد، اما دستیابی به توسعه و تولید و اشتغال واقعی با تمرکز بر نیروی انسانی امکان‌پذیر خواهد بود.

دکتر دانش آشتیانی تصریح کرد: اگر کشوری نیروی انسانی کارآمد داشته باشد، تولیدات خوب و قابل رقابت با تولیدات دنیا خواهد داشت که این امر با اهمیت دادن به نیروی انسانی اتفاق می‌افتد.

وی خاطرنشان کرد: در بحث تولید و اشتغال ضرورت ندارد بر یک نیرو سرمایه‌گذاری کنیم و تخصص او را ارتقا دهیم، بلکه باید به نحوی برنامه‌ریزی کنیم که فارغ التحصیلان از دوره دوم متوسطه آماده ورود به بازار کار باشند و این کاری است که در اغلب کشورها انجام می‌شود.

وزیر آموزش و پرورش گفت: برای داشتن فارغ التحصیلان متخصص، باید برنامه‌ای مدون در نظام تعلیم و تربیت داشته باشیم تا دانش آموزانی با شایستگی و مهارت‌های لازم برای زندگی تربیت کنیم، به طوری که بعد از فراغت از تحصیل، نیاز به گذراندن دوره‌های دانشگاهی برای ورود به بازار کار نداشته باشند.

عضو کابینه تدبیر و امید افزود: لازمه داشتن دانش آموزانی شایسته و دارای مهارت، معلمانی آموزش دیده است که دانشگاه فرهنگیان در تربیت چنین معلمانی، نقش کلیدی دارد.

وی با اشاره به بحث‌های توسعه‌ای اقتصاددانان بزرگ دنیا خاطرنشان کرد: اگر بخواهیم بدانیم کشوری توسعه‌یافته است و یا در مسیر توسعه حرکت می‌کند، باید نظام تعلیم و تربیت آن را بررسی و نحوه آموزش در مدارس به ویژه در دوره ابتدایی را تحلیل کنیم.

وزیر آموزش و پرورش اظهار کرد: در دوره ابتدایی آن چه مهم است، نحوه آموزش است نه موضوعی که آموزش داده می‌شود، بنابراین، چون موضوعات آموزشی ما بسیار عالی است، دانش‌آموزان ما در مسابقات جهانی رتبه‌های خوبی کسب می‌کنند، اما در چگونگی آموزش مشکل وجود دارد که باید در دانشگاه فرهنگیان حل شود.

دکتر دانش آشتیانی تصریح کرد: در بحث تولید و شرکت‌های دانش بنیان، مهم‌ترین ویژگی افراد، متفکر بودن آنهاست، یعنی؛ فرد باید بداند، نیاز بازار، چه نوع کالایی است، در این جا اگر فرد متفکر نباشد، از دیگران تقلید می‌کند و در نهایت شکست می‌خورد. وی اعتماد به نفس را یکی از شاخصه‌های افراد موفق دانست و افزود: بازار تولید، نیاز به افرادی با اعتماد به نفس بالا دارد و این شاخصه افراد در مدارس شکل می‌گیرد، اگر برخورد معلم با دانش آموز از نگاه مثبت‌اندیشی باشد، اعتماد به نفس او تقویت می‌شود و در آینده در بازار تولید، مؤثر است.

وزیر آموزش و پرورش خاطرنشان کرد: برخورد معلم با نگرش منفی با دانش‌آموزان باعث می‌شود تا انگیزه‌های آنان از بین برود، این چنین دانش‌آموزانی در جامعه، تنها نواقص را می‌بینند، معضلی که امروز در جامعه مشاهده می‌شود که عده‌ای، خدمات دولت را نمی‌بینند، بلکه دائما از کاستی‌ها سخن می‌گویند، درست مانند زمانی که برخی والدین عیوب فرزند خود را می‌بینند و دائما به او تذکر می‌دهند و از ویژگی‌های مثبت او غافلند.

دکتر دانش آشتیانی در پایان و در پاسخ به سؤالی در خصوص نحوه بومی‌گزینی و جذب نیرو در آموزش و پرورش گفت: معتقدم فارغ التحصیلان هر استان با استان دیگر متفاوت هستند، بنابراین از طریق برنامه‌های درسی باید پتانسیل‌های هر استان برای دانش‌آموزان آن استان بیان شود تا فارغ التحصیلان با ویژگی‌های مورد نیاز استان خود وارد بازار کار شوند.

پیوست شماره ۳؛ تعریف اجمالی شورای رقابت و اتاق بازرگانی

شورای رقابت:

یکی از مهمترین الزامات توسعه پایدار و پیش شرط اساسی حصول رشد با ثبات اقتصادی در عصر دانش بنیان شدن فعالیت‌ها و جهانی شدن فرآیندها، وجود ساختار سالم و کارآمد اقتصادی و همچنین ثبات شاخص‌های کلان اقتصادی است. تشکیل و تاسیس نهادها و مراجع تنظیم کننده بازار و وجود فضای رقابتی در اکثر کشورهای توسعه یافته صنعتی و تازه صنعتی شده، کمک بسیار موثری به تداوم سلامت ساختار بازار و بنیان‌های اساسی اقتصاد نموده است. شکل‌گیری بنگاه‌ها در ساختار اقتصاد خرد و جهت‌گیری صحیح کارگزاران اقتصادی و فرآیندهای عرضه و تقاضا از سیگنال‌های بازار، مستلزم وجود بازاری رقابتی و کارآمد است و چنانچه عملکرد بازار از علائم صحیح اقتصادی و ... منشاء نگرفته باشد و بدلائل مختلف، این ارتباط دو سویه مختل و غیر منطقی شده باشد امکان عملیاتی شدن ابزارها و سیاست‌های اقتصادی فراهم نخواهد شد تا جایی که حتی تحقق سیاست‌هایی که ماهیت اقتصاد کلانی دارند نظیر اشتغال، تورم و رشد نیز بعضاً دور از دسترس خواهند ماند.

رقابت‌پذیری، توانایی یک بنگاه، صنعت و یا کشور در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص را نشان می‌دهد. همچنین رقابت‌پذیری اقتصاد در سطح ملی به معنای توانایی یک ملت در حفظ یا افزایش سهم صادرات در بازارهای جهانی و به موازات آن حفظ یا ارتقای سطح زندگی شهروندان در درازمدت است. از طرفی مجموعه نهادها، سیاست‌ها و عوامل تعیین کننده سطح بهره‌وری یک کشور در پارامترهای رقابت‌پذیری آن نیز مترتب است به نحوی که سطح بهره‌وری نیز سطح رفاه قابل حصول و همچنین نرخ بازده سرمایه‌گذاری را در یک نظام اقتصادی تعیین می‌کند و در واقع نظامهای اقتصادی رقابتی تر معمولاً از توانایی تولید درآمد بالاتری برای شهروندان خود برخوردار هستند.

در نقطه مقابل رقابت‌پذیری، پدیده تمرکز و انحصار قرار دارد که ماهیتاً مانع بهره‌وری و کارآمدی و بعضاً مروج فساد در اقتصادهای غیر شفاف و غیر رقابتی است به همین دلیل در بسیاری از کشورها، اصلی‌ترین راهکار مبارزه با انحصار و تبعات منفی ناشی از آن را صرفاً در استقرار نهادها و قوانین ساختاری مرتبط با توسعه رقابت‌پذیری می‌دانند. چراکه تجربه این گروه از کشورها حاکی از آن است که مهمترین شرط حصول رشد اقتصادی با ثبات و پایدار، وجود ساختاری سالم، کارآمد و رقابتی در اقتصاد است. بنابر همین باور، این کشورها از سالها قبل، ضمن اصلاح ساختار و شرایط بازار و تبیین مکانیزم رقابتی آن، نسبت به وضع قوانین ضد انحصار و تاسیس نهادهای قدرتمندی که مانع ایجاد اختلال در بازار و شکل‌گیری انحصارات مضر گردد اقدام نمودند.

در کشور ما نیز با تلاش و پیگیری خبرگان و اقتصاددانان، و علیرغم وجود موانع ناشی از ناآشنایی سطوح مختلف تصمیم‌گیری با این مفهوم، روند عبور از پیش‌نویس اولیه در مراحل مختلف و کمیسیون‌های دولت و طرح آن در هیات دولت تا تبدیل شدن آن در قالب لایحه برای ورود به مرحله تصمیم‌گیری و تصویب در مجلس شورای اسلامی، تدریجاً موضوع رقابت‌پذیری به جایگاه لازمه خود دست یافت و در نهایت لایحه تسهیل رقابت و منع انحصار در چارچوب فصل نهم سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پیشنهاد و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۰۸ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسید و در تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۳۱ جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. با فراهم آمدن بستر حقوقی تشکیل شورای رقابت بعنوان تشکیلی فراقوه‌ای و جامع‌الشمول با ویژگی‌های علمی، تخصصی، حقوقی و اجرایی، اعضای شورای رقابت منصوب و اولین جلسه شورا در تاریخ ۱۳۸۸/۰۵/۰۷ تشکیل گردید این شورا در جهت انجام وظایف قانونی خود در زمینه مبارزه علمی، ریشه‌ای و همه‌جانبه با انحصار و اعمال ناسالم و تبعیض آمیز یا مخل رقابت، از طریق سازوکارهای قانونی و بعضاً پیشگیرانه آغاز به کار نمود و تا کنون بیش از دویست و شصت و هفت جلسه برگزار نموده است.



در راستای وظایف تعیین شده برای شورای رقابت از جمله انجام مطالعات کارشناسی و فراهم ساختن امکان دسترسی عموم به ضوابط، آیین نامه‌ها و عملکرد شورا، مرکز ملی رقابت نیز به عنوان بازوی کارشناسی و اجرایی شورا، تاسیس و اقدام به مطالعات گسترده کارشناسی در زمینه‌های مختلف از جمله پایش بازارهای غیر رقابتی و انجام امور کارشناسی در خصوص اقدامات محل رقابت و قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز نموده است. این مرکز در راستای انجام رسالت و مأموریت خود تهیه و تنظیم و انتشار سلسله گزارشات کارشناسی و مطالعات مرتبط با جنبه‌های مختلف انحصار را در دستور کار خود قرار داده است تا انشالله به پشتوانه مبانی نظری و نظریه‌های علمی و با استفاده از تجارب و توصیه‌های مستخرج از پژوهش‌های کاربردی و مطالعات انجام‌شده در مرکز، نسبت به شناخت و رصد تحولات رقابت‌پذیری اقتصاد و ساز و کارهای علمی مبارزه با انحصار مخرب در کشور اقدام نماید.

<http://www.nicc.gov.ir/council/about-council.html> وبسایت مرکز ملی رقابت

اتاق بازرگانی:

سال ۱۲۶۳ مجلس «وکلائی تجار» به عنوان اولین نهاد حامی تجار ایران شکل گرفت. این نهاد بعدها به اتاق بازرگانی تغییر نام داد. مورخان تاریخ اقتصاد ایران اعتقاد دارند، پایه تمامی فعالیت‌های صنفی و تخصصی بخش بازرگانی کشور از همین نهاد شکل گرفته است.

این نهاد مدرن اقتصادی توسط حاج محمد حسین امین‌الضرب بنیان‌گذاری شد و تا سال ۱۳۰۵ نیز با همین نام به کار ادامه می‌داد. در ۱۶ مهرماه همین سال، این نهاد به «اتاق تجارت تهران» تغییر نام داد و برای اولین بار در فهرست تشکل‌های وزارت بازرگانی به ثبت رسید. در این دوره حاج امین‌الضرب ریاست اتاق تجارت تهران را برعهده داشت و حاج میرزا ابوطالب اسلامیه، میرزا عبدالحسین نیکپور، فقیه‌التجار، آقا میرزا علی محلوجی و آقا شیخ حسین حریری هیات نمایندگان آن را تشکیل دادند. تا سال ۱۳۱۱ ریاست اتاق همچنان برعهده حاج امین‌الضرب بود. در انتخابات بعدی اتاق، حاج حسین مهدوی ریاست اتاق را به عهده گرفت. اما حضور حاج حسین مهدوی یکسال بیشتر دوام نداشت و سپس عبدالحسین نیکپور از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۵ به ریاست اتاق تجار انتخاب شد. در دوران ریاست نیکپور، اتاق تجار بار دیگر نام خود را تغییر داد و براساس عرف بین‌المللی، عنوان «اتاق بازرگانی» برای آن انتخاب شد.

اتاق بازرگانی تنها به پشتیبانی از بدنه تجاری کشور می‌پرداخت و برهمین اساس از مدتی قبل صنایع کشور نیز اقدام به تاسیس نهادی به نام اتاق صنایع و معادن کردند. سال ۱۳۳۶ پیش‌نویس طرح این اتاق جدید، چندین بار تقدیم مجلس شد، اما سناتور نیکپور به عنوان رئیس اتاق بازرگانی که تشکیل این اتاق را عامل تضعیف‌کننده نهاد متبوع خود می‌دانست با آن به مخالفت پرداخت.

با این حال سال ۱۳۴۰ تعدادی از صاحبان صنایع، دولت را زیر فشار قرار دادند تا نسبت به تشکیل اتاق صنایع و معادن اقدام کند. سرانجام در آبان ماه ۱۳۴۱ اتاق صنایع و معادن با عضویت هیات نمایندگی مرکب از ۳۰ نفر از کارخانه‌داران و معدن‌داران کشور تشکیل شد. با این وجود قانون اتاق صنایع و معادن در سال ۱۳۴۳ به تصویب رسمی مجلس رسید.

اسفندماه سال ۱۳۴۸ تصمیم گرفته شد تا دو اتاق به دلیل جلوگیری از موازی‌کاری‌های بیشتر باهم ادغام شوند. در قانون ادغام اتاق‌ها، هیات نمایندگان اتاق ایران ۷۲ نفر پیش‌بینی شده بود که ۳۵ نفر نماینده شعبه تهران، ۲۰ نفر نماینده شعبه‌های شهرستانی و ۱۷ نفر نماینده اتحادیه‌های سندیکاهای تولیدکنندگان و صادرکنندگان و واردکنندگان وابسته به اتاق بودند. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران تا روزهای ابتدایی انقلاب با همین روال به کار خود ادامه می‌داد و نقش موثری نیز در فرآیندهای تصویب و اجرای قوانین و حتی تدوین برنامه‌های توسعه‌ای داشت.

با پیروزی انقلاب، اتاق ایران نیز به عنوان نهادی مطرح شد که نیاز به تغییرات گسترده در هیات حاکمه آن وجود داشت. سال ۱۳۵۷ بلافاصله پس از پیروزی انقلاب هیاتی به فرمان حضرت امام (ره) اداره امور اتاق ایران را در دست گرفتند. این هیات عبارت بودند از: حاج آقا طرخانی، آقای مهندس سید علینقی خاموشی، آقای اسدالله عسگراولادی، آقای میرمحمد صادقی، آقای میرفندرسکی، آقای محمد علی نوید و آقای ابوالفضل احمدی.

در اولین انتخاباتی که پس از ماموریت کمیته منتخب امام در اتاق صورت گرفت، سید علی نقی خاموشی به سمت ریاست اتاق ایران و ریاست اتاق تهران انتخاب شد. او تا سال ۱۳۸۶ این سمت را برعهده داشت و پس از او محمد نهاوندیان، غلامحسین شافعی و محسن جلال‌پور (سال ۱۳۹۵) به عنوان روسای اتاق ایران انتخاب شدند. همچنین طی سال‌های گذشته محمد رضا بهزادیان، محمد نهاوندیان، یحیی ال اسحاق و مسعود خوانساری ریاست اتاق تهران را برعهده داشته‌اند.

<http://www.tccim.ir/aboutus.aspx> وبسایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران









نظام اصطلاحات

اصطلاحات دیگران	اصطلاحات جریان الگوی پیشرفت اسلامی
<p>اصلاح قرائت دینی اصل رقابت اقتصاد سرمایه‌داری اصل آهنین منافع شخصی اسمارت سیتی آنارشیسم اداره هدایت بنیان آکسیوم برجام بازارهای پولی و مالی بیماری هلندی بیوتکنولوژی پروتستانیسیم اسلامی پوزیتیویسم توسعه یافتگی تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد تراریخته تورم تکنوکرات توانمندسازی تجمیع سرمایه تولید صنعتی تولید سنتی تجرب تنقیح قوانین خصوصی سازی دولت الکترونیک دموکراسی رنسانس زبان امضا زبان تأسیس زبان شارع ژن سندیکاها ی کارگری سرگرمی آموزشی سیاست خارجی توسعه‌گرا</p>	<p>الگوی نظام‌سازی اسلامی الگوی تولید خانوادگی الگوی استخراج سؤال برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی بهبود روابط انسانی پایه سؤال تجمیع سرمایه حول وقف حسن‌السؤال زبان انحلال سود اجتماعی شاخص‌های هویت اسلامی موضوعات جهت‌ساز مکث مدیریت تحولات نقشه الگوی پیشرفت اسلامی نظام مقایسه نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت بنگاه‌های وقف‌محور بانک سؤالات جهت‌ساز تقنین هدایت بنیان تعادل حول هدایت</p>

<p>شفافیت اقتصادی طرح نکاشت عدالت جنسیتی قانون مبتنی بر هدایت کشت فراسرزمینی کاداستر مدرنیته نهاد گرائی - نئوکینزی نظام ژنوم واتیکانیزه کردن قم GPD WDI HDI</p>	
---	--

نظام سوالات

<p>۱. اصلی‌ترین ممیزه و مشخصه کشور ایران چیست؟</p> <p>۲. هویت شیعی تا به این لحظه چه دوران و مراحل را در ایران طی کرده است؟</p> <p>۳. در دوره انتقال هویت شیعی چه اتفاقی افتاد؟</p> <p>۴. در دوره تثبیت هویت شیعی چه اتفاقی رخ داد؟</p> <p>۵. دوره تکامل هویت شیعی از چه زمانی آغاز شد؟</p> <p>۶. مهم‌ترین تفاوت دوره سوم با دو دوره قبلی چیست؟</p> <p>۷. چگونه دوره تکامل هویت شیعی را پشت سر گذاشته و محقق کنیم؟</p> <p>۸. آیا تبلیغ احکام و معارف اسلامی، موجب تکامل هویت شیعی و تحقق تام احکام اسلامی می‌شود؟</p> <p>۹. با توجه به تأثیرات نظامات اجتماعی بر تکامل هویت شیعی، نظام برنامه‌ریزی فعلی بر هویت شیعی تأثیر مثبت دارد یا منفی؟</p>	<p>جلسه اول</p>
<p>۱. آیا میان دین‌داری مردم و نظامات اجتماعی ارتباطی وجود دارد؟</p> <p>۲. جریان فهم سنتی نسبت به سؤال فوق چه دیدگاهی دارد؟</p> <p>۳. دیدگاه جریان روشنفکری نسبت به سؤال فوق چیست؟</p> <p>۴. جریان اسلام ناب، چه دیدگاهی نسبت به سؤال فوق دارد؟</p> <p>۵. با توجه به اثرگذاری نظامات اجتماعی بر دین‌داری مردم، نظم فعلی که مبتنی بر توسعه غربی می‌باشد ضد هویت شیعی است یا همراستای آن؟</p> <p>۶. نظم کلان توسعه غربی چیست؟</p> <p>۷. جریان توسعه‌گرا با توجه به نظم کلان خود چه دیدگاهی نسبت به آموزش و پرورش دارد؟</p> <p>۸. جریان توسعه‌گرا چگونه نظام قوانین را به محوریت اقتصاد تعدیل می‌کند؟</p> <p>۹. جریان توسعه‌گرا چگونه فرهنگ را به محوریت اقتصاد تعدیل می‌کند؟</p> <p>۱۰. اصلاح قرائت دینی چگونه به نفع اقتصاد تعدیل می‌شود؟</p> <p>۱۱. استقلال کشور را چگونه به نفع اقتصاد تعدیل می‌کنند؟</p>	<p>جلسه دوم</p>

<p>۱. نظم کلان توسعه غربی چیست؟</p> <p>۲. نگاه جریان توسعه‌گرا به آموزش و پرورش چیست؟</p> <p>۳. جریان توسعه‌گرا چگونه فرهنگ جامعه را به نفع اقتصاد اصلاح می‌کند؟</p> <p>۴. کدام یک از اقدامات جریان توسعه‌گرا در ایران در راستای اصلاح فرهنگ جامعه بوده است؟</p> <p>۵. جریان توسعه‌گرا برای غافل کردن ملت ایران از نقشه‌های شوم خود چه تاکتیکی را پیش می‌گیرد؟</p> <p>۶. مهم‌ترین نکته در مقابل دلسوزی‌های جریان توسعه‌گرا برای حل مشکلات کشور چیست؟</p>	<p>جلسه سوم</p>
<p>۱. نظم اقتصادی جریان توسعه‌گرا از چند ناحیه ضد هویت شیعی عمل می‌کند؟</p> <p>۲. تجمیع سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری چگونه موجب هدم هویت شیعی می‌شود؟</p> <p>۳. تجمیع سرمایه به روش تحریک حرص چگونه رفاه جامعه را به چالش می‌کشد؟</p> <p>۴. مدیریت روابط انسانی در بنگاه‌های تولیدی چگونه هویت شیعی را مورد هجوم قرار می‌دهد؟</p> <p>۵. چرا در بنگاه‌های تولیدی میان منافع کارگر و کارفرما تضاد دائمی وجود دارد؟</p> <p>۶. آیا اصل رقابت به هویت اسلامی ضربه می‌زند؟</p> <p>۷. اصل رقابت از چه ناحیه‌ای موجب تخریب هویت شیعی می‌شود؟</p>	<p>جلسه چهارم</p>
<p>۱. جریان توسعه‌گرا برای توجیه اصل رقابت چه مطلبی را بیان می‌کند؟</p> <p>۲. ملاک بررسی صحیح یا غلط بودن مفاهیم و مباحث مختلف مانند اصل رقابت چیست؟</p> <p>۳. کدام یک از ابعاد شخصیت انسان، حائز اهمیت بیشتری بوده و بر تمام ابعاد دیگر اثر می‌گذارد؟</p> <p>۴. اصل رقابت چگونه منجر به تحدید فکر افراد جامعه می‌شود؟</p> <p>۵. تنوع محصولات چه اشکالی را ایجاد می‌کند؟</p>	<p>جلسه پنجم</p>
<p>۱. دلیل پیدایش نظم آموزشی مدرن و تغییر مکتب‌خانه‌ها چیست؟</p> <p>۲. تبدیل تولید سنتی به تولید صنعتی چطور باعث تغییر نظام آموزشی شده است؟</p> <p>۳. اشکال نظام آموزشی جدید چیست؟</p>	

<p>۴. تربیت و تزکیه چیست؟</p> <p>۵. ذکر چه ویژگی‌هایی دارد؟</p> <p>۶. مسأله ذکر ضربدر فکر (تزکیه) باید در چند دوره و مرحله در انسان‌ها پیاده و پیگیری شود؟</p> <p>۷. دوره اول تربیت و ذکر از چه زمانی آغاز می‌شود و دارای چند دوره و مرحله است؟</p>	
<p>۱. تربیت یا تزکیه چیست؟</p> <p>۲. ذکر و تذکر دارای چه ویژگی‌هایی است؟</p> <p>۳. با توجه به تدریجی بودن ذکر، دوران تربیت و تزکیه یا همان دوران ذکر چه مدت طول می‌کشد؟</p> <p>۴. دوره اول تربیت، از چه زمانی آغاز شده و دارای چه الزاماتی است؟</p> <p>۵. دومین دوره تربیت، دارای چند مرحله است؟</p> <p>۶. دوره سوم تربیت چه زمانی است و اصلی‌ترین محور این دوره چه چیزی می‌باشد؟</p> <p>۷. چهارمین دوره تربیت، از چه زمانی آغاز می‌شود؟</p> <p>۸. دوره پنجم تربیت تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟</p> <p>۹. با توجه به تعریف تربیت، نظم آموزشی مطلوب چه نظمی است؟</p>	<p>جلسه هفتم</p>
<p>۱. نتیجه تربیت و تزکیه چیست؟</p> <p>۲. بهبود روابط انسانی چه تأثیری در اداره جامعه دارد؟</p> <p>۳. اصلی‌ترین مشکل قانون‌گذاری مدرن چیست؟</p> <p>۴. نظام قانون‌گذاری مدرن برای رفع مشکلات خود و فرار از وضع قوانین متکثر باید چه کاری انجام دهد؟</p> <p>۵. نتیجه قانون‌گذاری مدرن چیست؟</p>	<p>جلسه هشتم</p>
<p>۱. روش فعلی نیروهای انقلاب برای نقد غرب و نظامات غربی چیست؟</p> <p>۲. روش اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی برای نقد نظریات و نظامات غربی از جمله نظم قانون‌گذاری چیست؟</p> <p>۳. با توجه به روش نقد اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی، نظام برنامه‌ریزی غربی چه اشکالاتی دارد؟</p> <p>۴. کثرت قوانین در نظام قانون‌گذاری و قانون‌گذاری ۱۰۸ چه اشکالاتی را ایجاد کرده است؟</p> <p>۵. ماهیت قانون به معنای ملزم کردن افراد چه اشکالی دارد و چرا با فطرت انسان‌ها تعارض دارد؟</p> <p>۶. نظام قانون‌گذاری مطلوب از نگاه الگوی پیشرفت</p>	<p>جلسه نهم</p>

<p>اسلامی چیست؟</p> <p>۷. نظام قضائی و جزائی اسلام با نظام قانون گذاری و جزائی غرب چه تفاوتی دارد؟</p>	
<p>۱. نظم قانون گذاری مدرن به چه دلیل با هویت اسلامی تعارض دارد؟</p> <p>۲. آیا نظام قانون گذاری مدرن قادر به بهینه روابط انسانی است؟</p> <p>۳. الزامهای مکرر قانون گذاری مدرن چه آثار سوئی را در اداره جامعه دارد؟</p> <p>۴. چرا دین هیچگاه انسان ها را ملزم نکرده و از تبشیر و تنذیر استفاده می کند؟</p> <p>۵. ماهیت نظام قضایی مدرن چیست؟</p> <p>۶. قوانین اسلامی در پی چه هدفی هستند و به چه غرضی وضع شده اند؟</p> <p>۷. نظام جزائی اسلام چه هدفی را در پی داشته و چه تفاوتی را نظام جزائی غربی دارد؟</p> <p>۸. تفاوت امرهای خداوند با امرهای موجود در نظام قانون گذاری مدرن چیست؟</p>	<p>جلسه دهم</p>

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی
۴. حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول
۵. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد
۶. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص
۷. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی
۸. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار
۹. فیض کاشانی، محسن؛ محجة البيضاء
۱۰. مدنی شیرازی، سید علی خان؛ الدرجات الرفیعة
۱۱. حر عاملی، محمد بن الحسن، تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْخَةِ إِلَى تَخْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ (معروف به وسائل الشیعه)
۱۲. فیض کاشانی، محسن؛ الوافی
۱۳. تویسرکانی، محمد نبی بن احمد؛ لئالی الاخبار
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن؛ تهذیب الاحکام
۱۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۵۵۰ ق)؛ غرر الحکم و درر الکلم
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق
۱۷. ابن بابویه، محمد بن علی؛ علل الشرائع
۱۸. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام
۱۹. امام خمینی؛ صحیفه نور
۲۰. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه
۲۱. مطهری، مرتضی؛ جهان بینی توحیدی
۲۲. ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغة لابن ابي الحديد
۲۳. دینوری، ابوحنيفة؛ اخبار الطوال
۲۴. ابن اعثم کوفی؛ الفتوح
۲۵. شیبانی، علی بن محمد (ابن اثیر)؛ الکامل فی التاریخ
۲۶. قمی، حسن بن محمد؛ تاریخ قم
۲۷. خضری، سید احمد؛ تاریخ تشیع
۲۸. مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل؛ مجمع التواریخ
۲۹. محسنی، سید علی؛ نور باقر علیه السلام
۳۰. محقق، سید علی؛ زندگانی پیشوای هشتم؛ امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۳۱. مجموعه تاریخی، مذهبی مشهد اردهال، حسین فرخ یار

۳۲. فریزر، جیمز بیلی؛ تاریخ نادرشاه افشار، ترجمه ابوقاسم خان ناصرالملک
۳۳. مهدی صلاح؛ کشف حجاب، زمینه‌ها، پیام‌ها و واکنش‌ها
۳۴. رایینسون، ریچارد؛ جمهوری اول ترکیه، ترجمه ایرج امینی
۳۵. دوانی، علی؛ خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی
۳۶. ایران، سراب قدرت؛ رابرت گراهام، ترجمه فیروز فیروزنیا
۳۷. انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، جمعی از نویسندگان
۳۸. فورای، جان؛ مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین
۳۹. نیکی کوی؛ ریشه‌های انقلاب، ترجمه عبدالرحیم گواهی
۴۰. محمدی، منوچهر؛ تحلیل بر انقلاب اسلامی
۴۱. دورانت، جیمز ویلیام؛ لذت فلسفه
۴۲. ایلخانی، محمد؛ تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس
۴۳. دادگر، یدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی
۴۴. رادرفورد، دونالد؛ اقتصاد ایالات متحده و کانادا
۴۵. عظیمی، حسین (۱۹۱۱)؛ مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران
۴۶. فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی
۴۷. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی
۴۸. کمپ، تام؛ الگوهای تاریخی صنعتی شدن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی و لیلیایی
۴۹. فریار، اکبر؛ اصول و مبانی جامعه‌شناسی صنعتی
۵۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ پوزیتیویسم منطقی
۵۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ آموزش فلسفه
۵۲. ساروخانی، باقر؛ دائرةالمعارف علوم اجتماعی
۵۳. آقابخشی، علی؛ فرهنگ علوم سیاسی
۵۴. طلوعی، محمود؛ فرهنگ جامع سیاسی
۵۵. کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق، تهران
۵۶. هابز، توماس؛ شهروند
۵۷. ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریار بن زکریا؛ معجم مقاییس اللغة
۵۸. معصومی‌نیا، علی؛ بازار مطلوب رقابت کامل، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش ۱۵
۵۹. صدر، مراد علی، تاثیر رقابت در افزایش کارایی نظام بانکی کشور، مجله بانک و اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۷

برنامه ریزی

بخش سراسر

موضوع اصلی «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» ملاحظه نسبت بین دو چیز است؛ ملاحظه‌ی نسبت بین «اخلاق، اعتقادات و فهم جامعه از دین» و «نظم اجتماعی». اگر کسی بین این دو مسأله - یعنی بین اخلاق جامعه و نظم اجتماعی - رابطه‌ای را نبیند، به صورت طبیعی بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در ذهن او موضوعیت پیدا نمی‌کند؛ ولی اگر کسی بین این دو موضوع ارتباط برقرار کند، به صورت طبیعی بحث الگوی اداره جامعه در ذهن او به یک مسأله‌ی اصلی تبدیل خواهد شد.